محافل ملی بهایی حکومت های دست نشانده بیت العدل در کشورها

محافل ملی بهایی

محافل ملی بهایی حکومت های دست نشانده بیت العدل در کشورها

محافل ملی و محلی و تمام موسسات امری در هر کشور ستون پنجم بیت العدل در اسرائیل تحت صیانت دار التبلیغ و زیر مجموعه اش (نقض حاکمیت ملی)

[vc_row][vc_column css=".vc_custom_1720798436105{background-color: #ddadad !important;}"][vc_column_text]هدف نهایی تشکیلات بهائی سلطه بر تک تک کشورها و نهایتا برپایی حکومت جهانی بهایی است برای نیل به این هدف عملا نقشه های را طراحی نموده است و یکی از نهاد های محوری برای رسیدن به این هدف موسسه ایست که ابتدا نامش موسسه فخیمه ایادیان امر الله بود و سپس نهادی تحت عنوان دار التبلیغ و مجموعه تحت امرش هیئت مشاورین قاره ای و ساختار سازمانی هیئت معاونت صیانت و ترویج و مساعدینشان سازماندهی گردید در این مجموعه به اسنادی می پردازیم که شامل اقرار های بیت العدل دال بر دخالت مستقیم بشکل نهاد بالادستی و به صورت تعاملی دخالت این نهاد مستقر در اسرائیل را نشان می دهد و این اسناد دال بر کنترل شهروندان یک کشور توسط نهادهای فرا منطقه ای را حکایت می کند

فیلم نقد :

تمام این پروسه غیر قانونی و ناقض حاکمیت ملی کلیه کشورهاست

تذکر مهم :

در اسناد زیر باید دقت گردد ارتباط بین یک سازمان بشکل سیستماتیک با یک یا چند سازمان در داخل هر کشور واقع می شود و ابدا رابطه بین باورمندان به عقیده ای با رهبران معنوی خود نیست

سند اول :

پیام بیت العدل تاریخ : ۵۳۷ ۱۹۹۴-۰۵-۱۹

یکی از جنبه های تفاوت نحوهٔ اقدام مشاورین از تعلیماتی ناشی میشود که در الواح وصایای حضرت عبدالبها به ایادی امرالله عنایت شده است. مسئولیت ادامهٔ وظایف ایادی امرالله در موارد صیانت امرالله و نشر نفحاتالله در آینده به مشاورین محوّل گردیده است. مشاورین به عنوان نفوسی که منصوب بیت العدل اعظم اند به منظور بسط اساس و تشیید بنیان و تضمین مصونیّت محافل روحانی ملّی و مؤسّسات و جوامع تحت اشراف آنان ریاست فائقهٔ امرالله را مساعدت مینمایند و به واسطهٔ هیئتهای معاونت نتایج و ثمرات اقدامات خود را نصیب محافل روحانی محلّی و عموم اعضای جامعه می سازند.

اقدامات مزبور مبتنی بر وظایفی است که در الواح وصایای حضرت عبدالبها با این بیان تعیین شده است که میفرمایند: «وظیفهٔ ایادی امرالله نشر نفحات الله و تربیت نفوس در تعلیم علوم و تحسین اخلاق عموم و تقدیس و تنزیه در جمیع شئون است.» بنابراین ملاحظه میشود که مشاورین با اقداماتی که در زمینهٔ نشر نفحاتالله و صیانت امرالله مبذول میدارند در به هم پیوستن تار و پود جامعهٔ بهائی و حفظ و صیانت آن سهمی عمده بر عهده دارند. نرمش و سرعتی که مشاورین و اعضای هیئت معاونت میتوانند برای تأمین نیازمندیهایی که در جامعه پیش میآید از قبیل تشویق و ترغیب، توضیح و تشریح نقشه های تبلیغی، تفهیم معارف امری، و صیانت عهد و میثاق الهی معمول دارند از جمله خصوصیات نحوهٔ عملی محسوب میشود که آنان را از محافل روحانی متمایز میسازد. "

نکته :

مسئول صیانت و کنترل شهروندان بهایی در هر کشور نهد دار التبلیغ در اسرائیل است

نمونه :

۱ – وظیفه ذاتی نهاد جاسوسی تحت اشراف شوقی ایجاد شبکه بود از ۳۵ نقطه از سال ۱۸۴۴ الی ۱۹۵۳ به بهانه نقشه دهه ده ساله شوقی در سال ۱۹۶۳ به ۱۱۲۱۰ کانون در سطح جهانی در کلیه کشورها رسید

در سال ۱۹۴۸ پس از سیطره اسرائیل بر فلسطین بلافاصله بسال ۱۹۵۱ موساد توسط بن گوریون تاسیس گردید این نهاد اطلاعاتی بین المللی وظیفه اش تقابل با هر آنچه در جهان منافع حاکمیت اسرائیل را به خطر می اندازد بود لذا این حاکمان برای تقابل با دشمنانشان و در عین حال استفاده از تجربیات مکانیزم اشغال فلسطین طی شش دهه قبل از ۱۹۴۸ که محور آن خرید زمین و بر مبنای آن ایجاد پایگاهای صهیونیستی و در نهاد اشغال سرزمین که در این راستا محور این اقدام بهاء الله و عبد البهاء و شوقی بودند می توانید به شکل مستند به لینک مراجعه کنید

لذا برای ابتدا پروژه نیل تا فرات و سپس اقدامات بعدی حاکمان اسرائیل نیاز به شبکه مخصوصا در کشورهای همسایه و اسلامی و بعد سایر نقاط جهان داشتند لذا بلافاصله پس از تشکیل موساد بسال ۱۹۵۱ (لینک) عملا شوقی بزرگترین شبکه را در سطح جهان طی نقشه ده ساله ایجاد کرد چنانچه همسر وی می گوید :

سالشان این تعداد را به ۵۶ رساندند (۱۷) زمانی که حضرت ولیّ امرالله پس از صعود جدّ معظمشان حضرت عبدالبهاء بر سریر ولایت جالس شدند پیام حضرت بهاءالله تنها به ۳۵ مملکت از ممالک عالم رسیده بود یعنی دو کشور در دورهٔ

حضرت ربّ اعلی، ۱۳ کشور در دورهٔ حضرت بهاءالله و ۲۰ کشور در دورهٔ حضرت عبدالبهاء. حضرت ولیّ امرالله این رقم را در سی و شش سال ولایت خود به ۲۱۹ رساندند و در دورهٔ ایادی نیز پنج کشور جدید به اقالیم مفتوحه افزوده گشت حضرت ولیّ امرالله در پیام رضوان ۱۹۵۷ تعداد نقاط مفتوحه را در سراسر عالم ۴۲۰۰ اعلام فرمودند این رقم در پایان نقشهٔ دهساله به ۱۱۲۱۰ با افزایش متجاوز از ۷۰۰۰ بالغ گردید.

حجم شبکه سازی شوقی طی نقشه ده ساله که در نیمه نقشه صعود کردند نشان از غیر قابل باور بودن این نکته دارد که چگونه از ۲۰ نقطه در کشورها زمان عبد البهاء وی در ۴۲۰۰ نقطه از کشور طی ۴ سال فتح نموده است با چه امکانات لجستیکی می توان به این هدف رسید ؟ غیر از حمایت اسرائیل و موساد ؟ شگفت انگیز تر آنکه این شبکه سازی توسط نهاد امنیتی تشکیلات بهایی (ایادیان امر طی شش سال باقی مانده زمان نقشه ده ساله به عدد ۱۱۲۱۰ رسید

به عبارتی این عدد ۱۱۲۱۰ نقطه از سال تاسیس موساد به سال ۱۹۵۱ تا سال ۱۹۶۳ تمام ریل گذاریش توسط تشکیلات بهایی به مرکزیت اسرائیل و ارسال داده ها از ۱۱۲۱۰ نقطه به اسرائیل (موساد) بزرگترین دست آورد این شبکه جاسوسی فرامنطقه ای محسوب می شود

کتاب دوران قیادت حارسان امر الله ۱۹۵۷ – ۱۹۶۳ نویسنده : روحیه ماکسول همسر شوقی افندی ص ۴۰

ادامه مرنجعه به لینک

🗐 🗐

فیلم نقد سند دوم :

سند دوم :

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۶۷ ۱۹۶۸-۰۶-۲۴

۴ جون ۱۹۶۸

ترجمه پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به کلیه محافل روحانیه ملیه

یاران الهی

همراه با این دستخط پیامی را که خطاب به کلیه احبای جهان صادر شده است ارسال می دارد و پیام مزبور حاوی تصمیماتی است که با مشورت

حضرات ایادی امرالله برای اجرای یکی از اهداف نقشه نه ساله اتخاذ شده است و عبارت از توسعه موسسه ایادی امرالله به منظور استمرار وظائف مخصوصه صیانت و ترویج امرالله در آینده می باشد.

ارتباط هیاتهای مشاورین قاره ای با محافل روحانیه ملیه بر همان اساس ارتباط بین حضرات ایادی امرالله با محافل روحانیه ملیه است که در توقیعات مختلفه حضرت ولی محبوب امرالله تشریح شده است هیاتهای مشاورین مزبور بر اساس این توقیعات و نیز دستوراتی عمومی که از طرف بیت العدل اعظم صادر شده تصمیم خواهند گرفت که چگونه با محافل روحانیه ملی مناطق خود همکاری نمایند به اهمیت این همکاری نزدیک که برای پیشرفت امرالله در آینده جنبه حیاتی دارد بخوبی پی خواهند برد.

هر چند حضرات ایادی امرالله با ارتباط مستقیم با بیت العدل اعظم بعد از این بطور روزافزون وظائف خود را در یک سطح

بین القارات ایفا خواهند نمود و نیز بالنیابه از طرف بیت العدل اعظم ماموریتهائی را انجام خواهند داد باز کماکان مختار و مکلفند که با محافل روحانیه ملیه در باره مسائلی که بنظر آنان مصالح امر در آن است مشورت نمایند و نیز محافل روحانیه ملیه باید وجود حضرات ایادی امرالله را در منطقه خود مغتنم شمرده و از نظرات آنان در کلیه مسائل مهم بالاخص در زمینه صیانت و ترویج امرالله استفاده نمایند امید و تقاضای ما آن است که کلیه محافل روحانیه ملیه از زحمات و خدمات خدام جدید الانتصاب در روضه الهی حمایت کامل نمایند و از مساعی که آنان در ایفای مسوولیتهای خطیره و مهم خویش بکار می برند نیرو و الهام جدید گیرند.

با تحیات محبت آمیز بهائی

بیت العدل اعظم

نکات :

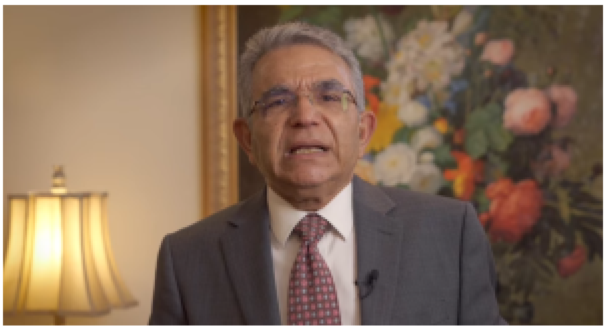
اولا محور و مجری نقشه های بر اندازی (نقشه نه ساله ۱۹۶۴ – ۱۹۷۳ –) نهاد امنیتی ایادیان امر می باشد و فهم این مهم نشانگر این موضوع است که یکی از ابزارهای مهم بر اندازی امنیتی بودن نهاد متولی آن است

ثانیا مدیریت نظام اداری داخلی تشکیلات بهایی بر عهده محافل می باشد اما در عرصه صیانت و ترویج نقشه های براندازانه به دلیل مختصات امنیتی آن باید محافل تحت امر این نهاد امنیتی فرامنطقه ای باشد و این یعنی نقض حاکمیت ملی و سلب تمامیت ارضی هر کشور

ثالثا چنانچه ملاحظه می شود محافل دقیقا نقش ستون پنجم برای رسیدن به اهداف نقشه های بر اندازانه طراحی شده در بیرون مرزهای یک کشور را بازی می کنند

رابعا اهمیت و جایگاه امنیتی مشاورین قاره ای در این پیام و تفوق عملی آن بر محافل به وضوح آشکار است

نمونه :



جناب دکتر فریدون جواهری

از اعضای بیت العدل اعظم از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۸

جناب جواهری در سال ۲۰۰۳ به همراه جناب هارتموت گروسمن پس از بازنشستگی آقای علی نخجوانی و آقای هوشمند فتح اعظم انتخاب شد. وی متولد ایران و دارای مدرک دکترای زراعت، شاخه ای از علوم کشاورزی است.

دکتر جواهری به مدت دو سال در گامبیا و سپس به مدت بیست و پنج سال در زامبیا زندگی کرد و مشاور فنی ارشد سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد بود. او در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی به جوامع بهائی آنجا خدمت کرد. ایشان در سال ۱۹۹۵ پس از ۱۹ سال خدمت به عنوان عضو هیئت معاونت، به عنوان مشاور قاره ای منصوب شد.

در سال ۱۹۹۶ به عنوان مشاور قاره ای به افتتاح مدرسه متوسطه بین المللی «بنانی» در زامبیا (یک مدرسه خصوصی دخترانه برای کلاس های ۸ تا ۱۲ بر اساس اصول دین بهائی) کمک کرد، در این افتتاحیه جناب کایزر بارنز و لالی وارن نیز حضور داشتند. در آن زمان جناب بارنز یکی از اعضای مرکز دارالتبلیغ بین المللی و لالی وارن مشاور قاره ای بود.

اثری از جناب فریدون جواهری، مقاله ای که در سال ۲۰۱۳ منتشر شد: ▼

۲۰۱۳ (https://bahaipedia.org/index.php?title=Firaydoun_Javaheri&action=edit&section=3) – Constructive Resilience (https://bahai-studies.ca/wp-content/uploads/2019/06/28.4-Javaheri.pdf),

سخنرانی ها (انگلیسی):

۲۰۰۶ – Opposition and Perseverance (https://www.youtube.com/watch?v=t7M_YkjQR3A)

۲۰۰۷ – Protecting the Cause of God (https://www.youtube.com/watch?v=iVUoJSDQyeE)

۲۰۲۰ – Healing Racial Prejudice & Achieving Race Unity (https://www.youtube.com/watch?v=edfvmUbtlQI)

۲۰۲۰ – On 9 May 2020 Letter of the Universal House of Justice (https://www.youtube.com/watch?app=desktop&v=onanULZhyCs)

۲۰۲۰ – Race and Prejudice (https://bahaicanada.bahai.ca/a-talk-on-race-unity-with-dr-firaydoun-javaheri/), talk at Canada virtual Summer School.

۲۰۲۰ – Social Transformation (https://www.youtube.com/watch?v=3oJ-2GNIp94)

سخنرانی ها (فارسی)

۲۰۱۹ – Baha’i Youth and Constructive Resilience (https://www.youtube.com/watch?v=FqaKZqvwQgI)

۲۰۱۹ – Glory of Iran (https://www.youtube.com/watch?v=DjIRVaYz8O8)

۲۰۲۰ – Healing Racial Prejudice & Achieving Race Unity (https://www.youtube.com/watch?v=t-QPvesp4iQ)

ترک ارض اقدس پس از سال‌ها خدمت: ▼

https://news.persian-bahai.org/1253

فیلم نقد سند سوم :

سند ۳ :

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۶۶ ۱۹۶۸-۰۶-۲۱

۱ جون ۱۹۶۸

ترجمه پیام مطاع مبارک ساحت رفیع دیوان عدل اعظم الهی شیدالله ارکانه راجع به تاسیس یازده هیات مشاورین قاره ای

خطاب به کلیه محافل

روحانیه ملیه

دوستان عزیز بائی

تلگرام ذیل بمحفل روحانی ملی بهائیان امریکا جهت درج در اخبار امری ارسال شده است.

با نهایت مسرت تصمیم تاریخی تاسیس یازده هیات مشاورین قاره ای به منظور صیانت و تبلیغ امر الهی بشرح ذیل اعلان می شود:

قارات افریقا – امریکا – آسیا (هر یک دارای سه هیات) قارات استرالیا و اروپا (هر یک دارای یک هیات) اتخاذ این تصمیم مهم متعاقب مشاوره با حضرات ایادی امرالله بسط وظائفی را که در آینده برای توسعه اقدامات آنان تعیین خواهد شد تضمین می کند. وظیفه راهنمائی هیاتهای معاونت با معاضدت هیات ایادی و نیز مشاوره و تشریک مساعی با محافل روحانی ملی به هیاتهای مشاورین قار ه ای محول می شود حضرات ایادی امرالله از این ببعد خدمات بین المللی خود را افزایش خواهند داد و در سبیل صیانت و تبلیغ امرالله نقشی جهانی بعهده خواهند گرفت اعضای هیات معاونت در مقابل هیاتهای مشاورین مسئول خواهند بود و باید جریان اقدامات خود را به هیاتهای مزبور گزارش دهند حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس علاوه بر اجرای خدمت خود بعنوان رابط بین بیت العدل اعظم و هیاتهای مشاورین قاره ای در آینده در تاسیس مرکز تبلیغ بین المللی در ارض اقدس که در آثار حضرت ولی محبوب امرالله پیش بینی شده است مساعدت خواهند کرد – جزئیات تحولات جدید ضمن نامه جداگانه ابلاغ خواهد شد.

برای جلب تاییدات الهی جهت اقدامات بعدی در توسعه محتوم نظم جهانی مهیمن حضرت بهاالله با نهایت تضرع به آستان مقدس دعا می کنیم.

بیت العدل اعظم

نکات :

صیانت و ترویج به عبارتی یعنی صیانت از ثمر دادن نقشه ها و ترویج آن

در راستای فرامان بیت العدل به توسعه نهاد بین المللی اطلاعاتی مجموعه ای تحت عنوان هیئتهای مشاورین قاره ای شکل گرفت تا دخالت های امنیتی داخل تمام کشورها بشکل گسترده ای برای صیانت و محافظت از اقدامات لازم برای تحقق نقشه های بیت العدل در هر کشور صورت پذیرد

البته تجربه ناگوار بیت العدل از تمرد افراد اطلاعاتی خود مانند میسن ریمی باعث شد با این روش ارتباط مستقیم ایادیان امر را با هیئتهای معاونت که از زمان شوقی تاسیس شده بود و ابزار اصلی و کاری برای ایادیان امر محسوب می شد کنترل شده عمل کنند تا مجددا از این نهاد امنیتی میسن ریمی های دیگری متولد نشود

فیلم نقد سند چهارم :

سند چهارم :



ز – هیاتهای مشاورین قاره‌ای

۱۰۸۸ : وظائف هیاتهای مشاورین قاره‌ای

«... وظائف آنان شامل هدایت هیاتهای معاونت در نواحی مربوطه، مشورت و همکاری با محافل روحانی ملی و مطلع نمودن ایادیان امرالله و بیت العدل اعظم از شرائط و احوال امرالله در نواحی مربوط به خود، می‌باشد. هیاتهای معاونت برای صیانت و تبلیغ، از این پس گزارشهای خود را به هیاتهای مشاورین قاره‌ای ارائه می‌نمایند. تعیین و تعویض اعضاء هیاتهای معاونت بر طبق مقتضیات و شرائط، بعهده مشاورین قاره‌ای است.»

(دستخط مورخ ۲۴ جون ۱۹۶۸ معهد اعلی خطاب به بهائیان دنیا. کتاب سر چشمه هدایت، صفحات ۱۴۲_۱۴۱)

ز – هیاتهای مشاورین قاره ای

۱۰۸۸ : وظائف هیاتهای مشاورین قاره ای

.. وظائف آنان شامل هدایت هیاتهای معاونت در نواحی مربوطه مشورت و همکاری با محافل روحانی ملی و مطلع نمودن ایادیان امر الله و بیت العدل اعظم از شرائط و احوال امر الله در نواحی مربوط به خود میباشد. هیاتهای معاونت برای صیانت و تبلیغ، از این پس گزارشهای خود را به هیاتهای مشاورین قارهای ارائه می نمایند. تعیین و تعویض اعضاء هیاتهای معاونت بر طبق مقتضیات و شرائط، عهده مشاورین قاره ای است

دستخط مورخ ۲۶ جون ۱۹۶۸ معهد اعلی خطاب به بهائیان دنیا کتاب و سر چشمه هدایت صفحات

انوار هدایت ۴۱۱

- مشاورین قاره ای :

مهمترین ابزار دست ایادیان امر و دار التبلیغ که در صحنه و میدان عمل می کنند و مبادی اجرایی نقشه ها و کسب خبر و ارسال آن به راس هرم اطلاعاتی یعنی دار التلیغ در اسرائیل همین موسسه هیئت مشاورین قاره ای هستند که در هر قاره ای مستقر می باشند و زیر نظر دار التبلیغ مشغول کارهای اطلاعاتی و عملیاتی در راستتای تامین منافع بیت العدل عمل می کنند

نمونه :



جناب گوستاو کُرِی یا / Gustavo Correa (https://bahaipedia.org/Gustavo_Correa)
از اعضای بیت العدل اعظم از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۸

جناب کُرِی یا متولد ۱۹۴۸ اهل کلمبیا تحصیلات کارشناسی خود را در رشته ریاضیات در دانشگاه دل واله، کالی کلمبیا به پایان رساند و کارشناسی ارشد خود را در رشته مدیریت دولتی از دانشگاه هاروارد دریافت کرد. رزومه او شامل: استاد ریاضیات در دانشگاه دل واله. یکی از بنیانگذاران FUNDAEC در سال ۱۹۷۴ (مدیر آن از سال ۱۹۹۸ تا سال ۲۰۰۵) عضو محفل روحانی ملی بهائیان کلمبیا (از سال ۱۹۷۸ تا سال ۱۹۸۸) عضو هیئت مشاوران قاره ای (از سال ۱۹۸۸ تا سال ۲۰۰۵) عضو مرکز دارالتبلیغ بین المللی (از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۰۸) و عضو بیت العدل اعظم (از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۸)

مسئولیت های اصلی ایشان در کار امور اجتماعی عبارتند از: نویسندگی مشترک برخی از مواد آموزشی مورد استفاده در برنامه PSA (آمادگی برای اقدام اجتماعی). طراحی سیستم آموزش آموزشی (برنامه آموزشی اجرا شده در ۷ ایالت در کلمبیا، و در اکوادور، نیکاراگوئه، برزیل و هندوراس)؛ و مشارکت در چندین پروژه تحقیقاتی و اقدام اجتماعی-اقتصادی در کلمبیا.

جناب کُرِی یا استاد ریاضیات بودند و به زنده یاد جناب فرزام ارباب در تأسیس سازمان غیردولتی الهام گرفته از بهائیان FUNDAEC که در سال ۱۹۷۴ تأسیس شد، کمک کردند. از سال ۱۹۸۶ ایشان عضو محفل روحانی ملی کلمبیا بودند. ایشان تا سن هفتاد سالگی یعنی سال ۲۰۱۸ عضو بیت العدل بودند و بعد بازنشسته شدند.

اثری از جناب کُرِی یا:

۲۰۲۰ – Community and Collective Action, article published at Bahá'í World (https://bahaipedia.org/Bah%C3%A1%27%C3%AD_World).

سخنرانی ها:

۱۹۸۳ – FUNDAEC: Case Study in an Alternative for Rural Development (https://imagesinternational.org/audio/fundaec-case-study-alternative-rural-development)

۲۰۰۸ – Working for Betterment of Society (https://bahai-library.com/correa_working_betterment_society)

۲۰۱۸ – Talk at Dedication of the Colombia House of Worship (https://www.youtube.com/watch?v=Ngb8KeQLCK4) (in Spanish)

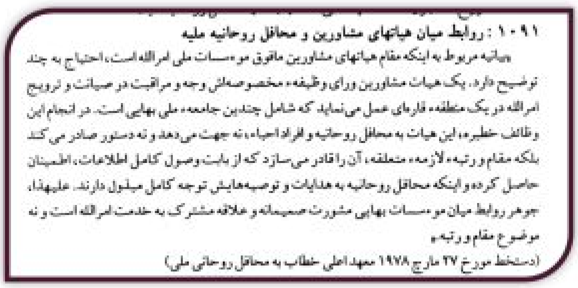
پیام مربوط به انتخاب جناب کُرِی یا در اپریل سال ۲۰۰۸: ▼

https://news.persian-bahai.org/story/25

🗐 🗐

فیلم نقد سند۵ :

سند ۵



۱۰۹۱ : روابط میان هیاتهای مشاورین و محافل روحانیه ملیه

بیانیه مربوط به اینکه مقام هیاتهای مشاورین مافوق موسسات ملی امرالله است، احتیاج به چند توضیح دارد. یک هیات مشاورین ورای وظیفه، مخصوصه‌اش وجه و مراقبت در صیانت و ترویج امرالله در یک منطقه، قاره‌ای عمل می‌نماید که شامل چندین جامعه، ملی بهایی است. در انجام این وظائف خطیره، این هیات به محافل روحانیه و افراد احباء، نه جهت می‌دهد و نه دستور صادر می کند بلکه مقام و رتبه، لازمه، متعلقه، آن را قادر می‌سازد که از بابت وصول کامل اطلاعات، اطمینان حاصل کرده و اینکه محافل روحانیه به هدایات و توصیه‌هایش توجه کامل مبذول دارند. علیهذا، جوهر روابط میان موسسات بهایی مشورت صمیمانه و علاقه مشترک به خدمت امرالله است و نه موضوع مقام و رتبه.

(دستخط مورخ ۲۷ مارچ ۱۹۷۸ معهد اعلی خطاب به محافل روحانی ملی)

۱۰۹۱ : روابط میان هیاتهای مشاورین و محافل روحانیه ملیه «بیانیه مربوط به اینکه مقام هیاتهای مشاورین مافوق موسسات ملی امرالله است، احتیاج به چند توضیح دارد. یک هیات مشاورین و رای وظیفه مخصوصه اش وجه و مراقبت در صیانت و ترویج امرالله در یک منطقه قاره ای عمل مینماید که شامل چندین جامعه ملی بهایی است. در انجام این وظائف خطیره این هیات به محافل روحانیه و افراد احباء ، نه جهت میدهد و نه دستور صادر می کند بلکه مقام و رتبه لازمه متعلقه آن را قادر میسازد که از بابت وصول کامل اطلاعات، اطمینان حاصل کرده و اینکه محافل روحانیه به هدایات و توصیه هایش توجه کامل مبذول دارند. علیهذا، جوهر روابط میان موسسات بهایی مشورت صمیمانه و علاقه مشترک به خدمت امر الله است و نه موضوع مقام و رتبه.» دستخط مورخ ۲۷ مارچ ۱۹۷۸ معهد اعلی خطاب به محافل روحانی ملی)

انوار هدایت ۴۱۱

⊗ محافل ملی مزدوران اطلاعاتی هیئت های مشاورین قاره ای :

تمام محافل ملی حوزه مسئولیت هیئت مشاورین قاره ای موظفند تمام اطلاعات خود را در اختیار این موسسه قرار دهند این سند گویا این است که یکی از مبادی ورودی اطلاعاتی به دار التبلیغ در اسرائیل محافل ملی است و این محافل مزدور نهاد های اطلاعاتی در اسرائیل مستقر در دار التبلیغ می باشند و مشاورین قاره ای منتقل کنند این اطلاعات به این مقر در اسرائیل می باشند

نمونه :



اعضای دارالتبلیغ بین المللی در مقابل مقر بیت العدل اعظم در ژوئن سال ۱۹۸۸.

از سمت چپ به راست: خانم جوی استیونسون، آقای هارتموت گروسمن، خانم لورتا کینگ، آقای مسعود خمسی، ایادی امرالله جناب علی اکبر فروتن، دکتر مجدلیه کارنی، ایاپی امرالله روحیه خانوم، آقای دونالد راجرز، آقای پیتر ووپیا، دکتر فرزام ارباب، خانم ایزوبل صبری .

منبع

جهان بهائی جلد ۲۰ صفحه ۶۸۵

نقد فیلم

سند ۶ :

ترجمه ای از پیام ۲۶ نوامبر ۲۰۰۷ بیت العدل اعظم الهی

بیت العدل اعظم

۲۶ نوامبر ۲۰۰۷

بهائیان عالم ملاحظه نمایند

احبّای عزیز و محبوب

در این یوم مبارک میثاق مصمم شدیم فقط بعد از دوماه که از صعود آخرین ایادی امر الهی، جناب دکتر علی محمد ورقا، میگذرد، قدری در مورد موسسه فخیمه ایادی امرالله به تفکر و تأمل بپردازیم. فقط چند هفته قبل از پنجاهمین سالگرد صعود حضرت ولی محبوب امرالله، جامعه جهانی بهائی متحمل این فقدان عظیم گردید. مسلماً توجه به این نکته چقدر تأمل برانگیز است که صعود جناب دکتر ورقا به عمر موسسه خارق العاده حرّاس که میراثش در تاریخ دینی عالم بی مسیل و بدیل بود، خاتمه داد. در مقطعی چنین چشمگیر و مهم در عصر تکوین امر مبارک، شایسته چنان است که برای درک هرچه عمیق تر اهمیت دستاوردهای چنین عصبه فخیم نظم اداری ، که ثابت کرد تکامل جامعه جهانی بهائی در دوران نوزادی آن، وجودش ضرورت تام داشت، جد و جهدی صورت گیرد.

منشا موسسه را در نفس وجود حضرت بهاالله مییابیم که چهار نفس نفیس از مروجین شهیر تعالیم مبارکه را به عنوان ایادی امرالله منصوب فرمودند.

در دورانی قبل از آن که نظام اداری امر مبارک تاسیس گردد، آنها، به علت تقوا و فضیلت خود در زندگی شخصی و نیز به سبب مجهودات لاینقطع خود در انتشار تعالیم مبارکه و دفاع از امر الهی در مقابل مخالفین، قوای جامعه و نقاط متحد کننده برای آحاد احبا بودند. علیرغم شدائد و تضییقات، از جمله در مواردی محبوس شدن در زندان ها به دست اولیا حکومت، در فعالیت هایی از این قبیل ثابت و راسخ باقی ماندند. این نفوس نفیسه در دوران قیادت حضرت عبدالبها، که، در سال ، ۱۸۹۹ آنها را جهت اقدام برای تشکیل محفل روحانی محلی طهران هدایت فرمودند و همه آنها عضویت این محفل را عهده دار شدند، همچنان به فعالیت در سبیل خدمت ادامه دادند. توجه و تمرکز این حضرات ایادی اولیه بر تبلیغ امرالله و صیانت شریعه الله و نیز بذل مجهودات جهت تهذیب و تزکیه احبا و معطوف ساختن توجه آنها به اهمیت احکام جدید، حتی در آن زمان، الگوی فعالیتی را که موسسه در مراحل بعدی ترقی و تقدم جامعه بهائی به عهده میگرفت، تلویحاً مشخص نمودند.

حضرت مولی الوری بنفسه المبارک احدی را به مقام ایادی امرالله منصوب نفرمودند، بلکه به چهارتن از احبا بعد از صعود آنها به عالم بقا، عنوان مزبور را عنایت کردند. اما، الواح وصایای هیکل مبارک وجود موسسه را مورد تایید قرار

داد و با اعطا اختیار به ولی امر الهی برای انتصاب نفوس مقدسه به این مقام، آن را توسعه داد. ابتدا، در طی سه دهه، حضرت ولی امرالله ده نفس را، بعد از صعود آنها، به این مقام تسمیه فرمودند؛ جمیع این نفوس به علت ثبوت و رسوخ، شور و حرارت، و تاثیر مساعی آنها در انتشار امرالله و ترویج مصالح عالیه شریعت الهیه، ممتاز بودند. انتصاب دوازده تن از احبا توسط حضرت ولی امرالله در دسامبر۱۹۵۲ به سمت ایادی امرالله، پویایی کاملاً جدیدی در اداره نظم حضرت بهاالله را به عالم بهائی معرفی کرد؛ حضرات ایادی در طی جهاد روحانی دهساله، بخصوص بعد از صعود ناگهانی حضرت ولی امرالله، از طریق این موسسه شور و نشاطی فوقالعاده در عالم بهائی دمیدند.

متعاقباً در ماه فوریه ۱۹۵۲ هفت نفر دیگر منصوب و به جای پنج تن از حضرات ایادی امرالله که صعود نموده بودند تعداد دیگری تعیین فرمودند تا تعداد حضرات ایادی در قید حیات در حد نوزده نفر حفظ شود. نهایتاً تا یک ماه قبل از صعود هیکل مبارک، در طی آخرین پیام خود به عالم بهائی هشت نفر دیگر را تعیین فرمودند و تعداد کل این نفوس مقدسه را به بیست و هفت نفر رساندند. هیکل مبارک آنها را به عنوان حرّاس مدنیت جنینی جهانی حضرت بهاالله توصیف فرمودند که حاکی از حقیقتی تکان دهنده در مورد مسئولیت های غیر مترقبه ای بود که بعد از صعود هیکل اطهر به عهده آنها قرار می گرفت.

بعد از آنکه حضرت ولی امرالله الی الابد از میان اهل بها رخت بربستند، اولین وظیفه حضرات ایادی، علیرغم حزن و المی که آنها را در خود مستغرق ساخته بود، اعاده سکون و آرامش به جامعه متالم و محزون بودو البته یکی از وجوه حیاتی وظیفه مزبور، معطوف کردن اذهان احبّا در جهتی بود که امر مبارک در پیش میگرفت. حضرات ایادی به سرعت وارد عمل شدند تنها شانزده روز بعد از استقرار رمس اطهر حضرت ولی امرالله بیانیه خود خطاب به احبای شرق و غرب را از ارض اقدس صادر نمودند. آنها اعلام نمودند که بعد از تفحّص و تجسّس، هیچ وصیتنامه یا دستورالعملی از حضرت ولی امرالله نیافته اند، و در طی این پیام خط مشی خود در جهت مقابله با معضلات هولناکی را که در پیش داشتند، تعیین کردند. آنها اعلام کردند که هیئتی از نه ایادی امرالله با عنوان حارسان برای فعالیّت در مرکز جهانی بهائی جهت صیانت امرالله، حفظ روابط و مکاتبات با محافل روحانی ملّی در ارتباط با اجرای نقشه دهساله و امور اداری امر مبارک و رسیدگی به کلیه امور مربوط به حفظ مرکز جهانی امر مبارک تشکیل گردید.

پیامهایی که متعاقباً از جلسات حضرات ایادی منعقده در ارض اقدس صادر گردید، در آحاد احبا که برای وصول به اهداف تعیین شده برای آنها در نقشه ده ساله قیام کرده بودند، اطمینان بیشتری دمید.

حضرات ایادی خارج از ارض اقدس، علاوه بر عطف توجه دقیق به پیشرفت نقشه در مناطق خود، به سفرهای وسیع جهت ملاقات و تشویق احبا در جمیع اقالیم عالم مبادرت کردند. سفرهای آنها که از هر فرصتی برای پیشبرد امور نقشه تعیین شده توسط حضرت ولی امرالله استفاده میکردند، تمام سطح کره ارض را تحت پوشش قرار داد. وظائف ایادی امرالله که در الواح وصایای حضرت عبدالبها تعیین شده، با فعالیت های آنها که در کمال ایثار، شهامت و اشتیاق انجام میدادند، ایفا می شد. آنها جمیع این وظایف را که عبارت بود از نشر نفحات الله و تربیت نفوس و تعلیم علوم و تحسین اخلاق عموم با نتایج عالیه و گاه حیرتآور ایفا نمودند. این اسفار با اختتام نقشه ده ساله پایان نگرفت بلکه با همان شدت ادامه یافت و

سفرهای مشهور امه البها روحیه خانم ایجاد شوق و انگیزه بیحد و حصر نمود. به این ترتیب، فعالیت های ایادی امرالله در حدّی عالی تاثیر بیان صریح حضرت بهاالله را به منصه ظهور رساند که نفس حرکت لوجه الله در عالم موثر بوده و هست. (۱)

از جمله نتایج اساسیه منبعث از مجهودات مشترک آنها، این موارد بارز است: حفظ اعتبار و شهرت امرالله به عنوان آیینی مستقل و تشتّت ناپذیر؛ صیانت امرالله از تفرّق و تشتّت، علیرغم بی وفایی و نقض میثاق یک نفر از جمعیت متعالی آنها، یعنی میسن ریمی، که ملزم بودند او را از جمع اهل بها طرد نمایند؛ حفظ اموال و حراست از اماکن مقدسه و حدائق مرکز جهانی؛ حصول توفیق در بسط وسیع امر مبارک. جمع این دستاوردها که به سختی حاصل شده بود برای انتقال آرام و سهل قیادت و ریاست امر مبارک از حضرت ولی امرالله به ید بیت العدل اعظم را که حضرات ایادی امرالله عملی ساختند، تمهید سبیل نمود؛ آنها عالم بهائی و به خصوص پنجاه و شش محفل روحانی ملّی را که سهیم در انتخابات بیت العدل اعظم بودند، برای این امر خطیر، یعنی انتخاب اولین بیت العدل اعظم به دقت آماده ساختند. حضرات ایادی امرالله جامعه ای را به بیت العدل اعظم سپردند که در طی نقشه دهساله که امر حضرت بهاالله را از هر لحاظ موجّه و منطقی به عنوان دیانتی جهانی در نقشه جهان قرار داد، تحولی عظیم یافته بود. مراسم عظیمی که در کنگره جهانی لندن برگزار گردید و بهائیان از کشورهایی واقع در جمیع قارات عالم در آن حضور یافتند، اعتبار و صحت این ادعا را ثابت و مدلّل ساخت.

بعد از جهاد جهانی، حضرات ایادی امرالله از بیت العدل اعظم جدید التاسیس که همم عالیه آنها ایجادش را تضمین کرده بود به طور کامل حمایت نمودند. آنها مأموریت های بسیاری را از طرف بیت العدل اعظم به عهده گرفتند و وظائفی را انجام دادند که با رسالت مستمر آنها در ترویج و صیانت امرالله متناسب بود. از آنجا که در فقدان ولی امرالله هیچ طریقی برای انتصاب ایادی امرالله وجود نداشت، حضرات ایادی به خصوص در ارض اقدس به اجرای آنچه که می تواند نشانه متمایز و غایت خدمت محسوب شود مبادرت نمودند: آنها برای آنکه وظائف نشر نفحات الله و صیانت امرالله که خصائل خاصّ موسسه آنها است در آتیه ایام امتداد و استمرار یابد، به بیت العدل اعظم مساعدت نمودند. لهذا، در سال ۱۹۶۸ هیاتهای مشاورین قارّهای ایجاد شد و سپس در سال ۱۹۷۳ دارالتبلیغ بین المللی که در آثار حضرت ولی امرالله پیشبینی شده بود، قدم به عرصه وجود نهاد. ایادی امرالله در حمایت خستگی ناپذیر شان از بیت العدل اعظم در تعیین این موسسات و در هدایتشان در توسعه آنها، میراثی دیگر برای عالم بهائی به جای گذاشتند که فقط نسلهای آینده قادر خواهند بود کما ینبغی و یلیق آن را درک کنند. ارزش تابناک مجهودات عالیه آنها در شهرت و اعتباری که دارالتبلیغ بین المللی در مدت زمانی چنین کوتاه به آن واصل شده نفوذ و رسوخ موسسه مشاورین که به جمیع اطراف و اکناف جامعه جهانی ما میرسد، مشهود و محسوس است.

توجه به این نکته بسیار حائز اهمیت است که هیات ایادی، بدون استثنا، از وسوسه قدرت که معمولاً سبب فساد نفوسی است که ناگهان در اثر سیر جبری وقایع و شرایط به مقامات عالیه و قدرت متعالیه ارتقا میبایند، مصون و محفوظ ماندند. در این مورد، کل عالم خلقت بر صداقت و سلامت آنها در قیادت جامعه و بر فضیلت کامل وفاداری آنها شهادت می دهند.

دیگر نکته قابل تامل بقای آخرین نفس از این نفوس است که در سال ۱۹۵۵ به دو مقام ایادی امرالله و امانت حقوق الله

منصوب گردید.این که ایشان توانستند موسسه اخیر را تشکیل دهند و بالاخره به انتقال اداره آن به هیات بین المللی امنای حقوق الله که در سال ۲۰۰۵ تشکیل شد، با شعب آن که در سراسر جهان منتشر است، رسیدگی نمایند، نشانی دیگر دال بر تداوم و کثرت تأییدات الهیه است که ملازم تکامل نظم اداری امرالله است. لذا، بدیهی است کار موسسه الهی ایادی امرالله برای پیشرفت امر مبارک از عصر رسولی تا اوایل عصر تکوین لازم و ضروری بود؛ تداوم اثرات آن به عنوان بخش لاینفک نظم حضرت بهاالله مسلم است. صعود جناب دکتر ورقا از طرفی پایان فصلی از تاریخ امر بهائی و از طرف دیگر آغاز مرحله جدیدی در شکوفایی نظم مزبور را رقم می زند.

با چنین افکاری که اذهان ما را به خود مشغول داشته، با حیرت و امتنان دائم التزاید به عظمت تاثیرات و مشارکتهای حضرات ایادی امرالله در رشد و استحکام امر مبارک در جمیع نقاط عالم پی میبریم. در قلوب مشحون از امتنان خود با احساسی عمیق به تلاوت بیان مبارکی می پردازیم که حضرت رب الجنود در نهایت فصاحت و شیوایی نازل فرمود: النّور و البها و التّکبیر والثّنا علی ایادی امره الّذین بهم اشرق نورالاصطبار و ثبت حکم الاختیار لله المقتدر العزیز المختار و بهم ماج بحر العطا وهاج عرف عنایته الله مولی الوری.

بیت العدل اعظم

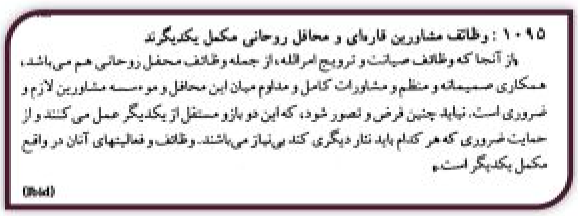
—

۱. بیان حضرت بهاالله منقول در صفحه ۱۷۱ ظهور عدل الهی

🗐 🗐

فیلم نقد سند ۷ :

سند : ۷


۱۰۹۵ : وظائف مشاورین قاره‌ای و محافل روحانی مکمل یکدیگرند
باز آنجا که وظائف صیانت و ترویج امرالله، از جمله وظائف محفل روحانی هم می‌باشد، همکاری صمیمانه و منظم و مشاورات کامل و مداوم میان این محافل و موسسه مشاورین لازم و ضروری است. نباید چنین فرض و تصور شود، که این دو بازو مستقل از یکدیگر عمل می کنند و از حمایت ضروری که هر کدام باید نثار دیگری کند بی‌نیاز می‌باشند. وظائف و فعالیتهای آنان در واقع مکمل یکدیگر است.
(Ibid)

۱۰۹۵ : وظائف مشاورین قاره ای و محافل روحانی مکمل یکدیگرند

باز آنجا که وظائف صیانت و ترویج امر الله، از جمله وظائف محفل روحانی هم می باشد. همکاری صمیمانه و منظم و مشاورات کامل و مداوم میان این محافل و موسسه مشاورین لازم و ضروری است. نباید چنین فرض و تصور شود که این

دو بازو مستقل از یکدیگر عمل می کنند و از حمایت ضروری که هر کدام باید نثار دیگری کند بی نیاز میباشند و ظائف و فعالیتهای آنان در واقع مکمل یکدیگر است

- محافل ملی و محلی هم مانند دار التبلیغ مسئول اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی (صیانت و ترویج) هستند

انوار هدایت ۴۱۳



(https://is.gd/OwIM5n) جناب دکتر «فرزام ارباب» Farzam Arbab (https://bahaipedia.org/Farzam_Arbab)

از اعضای بیت العدل اعظم از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۱۳

بنیانگذار مؤسسه آموزشی روحی (۱)

تاریخ تولد: ۲۷ اکتبر ۱۹۴۱

محل تولد: شهر طهران

تاریخ صعود: ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۰

دکتر فرزام در ایران به دنیا آمدند و بعداً به آمریکا نقل مکان کردند. ایشان لیسانس خود را در کالج Amherst ماساچوست در سال ۱۹۶۴ دریافت کرده و دکترای فیزیک را در دانشگاه کالیفرنیا، Berkeley در سال ۱۹۶۸ به پایان رسانیدند. در آن زمان همه استادان دانشگاه ایشان را بزرگترین نابغه فیزیک میدانستند بعد در اقدام غیر منتظره با انتخاب و اراده خودشان، مسیرشان را تغییر دادند و به کشور کلمبیا مهاجرت کردند و تمامی تلاش خود را صرف تعلیم و تربیت و آگاهی مردم برای رسیدن به صلح و دوستی بکار بستند. دکتر ارباب به عنوان رئیس Fundacion para la

(Aplicacion de la Ciencias (FUNDAEC ، یک آژانس توسعه در کلمبیا خدمت می کردند و از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۸ در هیئت مدیره به کار خود ادامه داده و در سال ۱۹۸۹ دکترای افتخاری علوم را از کالج Amherst دریافت کردند.

دکتر ارباب از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ به عنوان رئیس محفل ملی بهائیان کلمبیا خدمت کردند و در سال ۱۹۸۰ به عنوان عضوی از اعضای هیئت مشاور قاره ایی در آمریکا منصوب شدند که به مدت هشت سال به طول انجامید.سپس در سال ۱۹۸۸ عضو دارالتبلیغ بین المللی و در سال ۱۹۹۳ برای اولین بار به عضویت بیت العدل اعظم الهی انتخاب شدند که به مدت بیست سال در این سمت مشغول خدمت بودند.

دکتر ارباب در طول زندگی پر ثمر خود و در راستای خدماتشان موسسه آموزشی روحی را که هدفش گام برداشتن همه انسان های کره زمین در راه خدمت به همنوع می باشد را بنیاد نهادند. این موسسه در حال حاضر میلیونها نفر را دربیش از یکصدوپنجاه کشور آموزش میدهد. ایشان در کشوری این اقدامات صلح جویانه را بنیان نهادند که بستری کافی برای هر گونه مشکلات و معضلات اجتماعی و فرهنگی بود.

خدمات و تلاش های دکتر فرزام ارباب نه تنها در دوره حیاتشان که سال های سال بلکه دهه های بسیار و در آینده باعث پیشرفت ساختار اجتماع و تأثیر شگرف بر جامعه بشری خواهد داشت.

حیات جسمانی ایشان در تاریخ ۲۵ سپتامبر سال ۲۰۲۰ در سن دیه گو آمریکا و غیرمنتظره در حالی پایان یافت که جامعه امری به وجود پربارشان افتخار می کرد و بهائیان سراسر دنیا از خدماتشان بهره می بردند و یاد و خاطراتشان همواره در قلب و روح تمامی کسانی که در مؤسسات روحی عشق حقیقی به حضرت بهاءالله را یافته اند به یادگار خواهد ماند.

۱- https://ruhi.org/?lang=Persian

📎 📎

فیلم نقد سند ۸ :

سند ۸ :

نکته :

در متن زیر به صراحت بیت العدل اقرار می کنند ناظر اصلی اجرای نقشه های بیت العدل دار التلیغ می باشد و به عنوان نمونه از این سازمان امنیتی از اسرائیل دو نفر به نام دکتر فریدون جواهری و دکتر پنی واکر مشاورین عضو دارالتبلیغ بین المللی وارد آمریکا می گردد و کلیه نهاد ها و موسسات بهایی داخل آمریکا را کنترل می کند

پیام بیت العدل تاریخ : تاریخ ۱۲ دیسمبر ۲۰۰۱

ترجمه ی پیام دارالانشا، بیت العدل اعظم به تاریخ ۱۲ دیسامبر ۲۰۰۱ خطاب به محفل ملی بهائیان امریکا

احبای عزیز الهی

در ماههای بعد از کنفرانس هیئتهای مشاورین، به منظور آماده شدن برای آغاز نقشه ی پنج ساله جلسات مشورتی و اداری در سراسر جهان بهائی بر گزارگردید. در همین جریان بود که جامعه بهائی امریکا نیز خود را برای شروع این اقدام فراگیر آماده ساخت.

از گزارشهای رسیده به بیت العدل اعظم چنان بر میآید که این دوره آمادگی در ایالات متحده بسیار پربار بوده است. در همین تابستان گذشته چهار تن از اعضای بیت العدل اعظم فرصت سفر به آن کشور را داشتند و هر یک نسبت به امکانات رشد امر در آن کشور، چه از لحاظ توانایی بالقوّه ی جامعه بهائی و چه از لحاظ آمادگی پذیرش جامعه ی خارج، با نظرهایی مثبت بازگشتند. اشتیاق احبا نسبت به پیشبرد اهداف نقشه ی پنج ساله کاملاً محسوس بود. دکتر فریدون جواهری و دکتر پنی واکر مشاورین عضو دارالتبلیغ بین المللی نیز پس از دیدارشان از آن کشور در تابستان امسال، تحسین مشابهی نسبت به جامعهی شما ابراز داشتند.

همه این گزارشها باعث خشنودی بیت العدل اعظم شده و سبب افزایش انتظارات معهد اعلی از جامعه ی بهائی امریکا گردیده است. معهد اعلی مطمئن است که اگر اکنون، یعنی در مراحل نخستین نقشه ی پنجساله، دو موضوع اساسی برای احبا روشن شود، راه به سوی پیشرفتهای برجسته باز خواهد شد. با داشتن چنین افکار در ذهن است که بیت العدل اعظم از ما خواسته اند مطالب زیر را به اطلاع آن محفل جلیل برسانیم:

یکی از موضوعهایی که به نظر میرسد احتیاج به روشن شدن داشته باشد تقسیم بندی جغرافیایی کشور به واحدهایی از جوامع همبسته است. پیام ۹ ژانویه ۲۰۰۱ بیت العدل اعظم مبنای منطقی چنین تقسیم بندی را توضیح میدهد. مرزهای این تقسیمات نباید بر اساس شرایط جوامع محلی بهائی یا مقدورات محافل روحانی محلی تعیین گردد، بلکه باید بر اساس تعداد عوامل اجتماعی، جمعیت شناختی و اقتصادی معلوم شود. چنین تقسیم بندیِ واحدهای جوامع همبسته () در بسیاری از کشورهای جهان، با انواع موقعیتهای ملی، بخوبی انجام گرفته است و بیت العدل اعظم اطمینان دارند که در مورد امریکا نیز قابل اجرا خواهد بود.

آنچه مورد نیاز است این است که هر شورای منطقه ای بهائی با دقت منطقه ی خود را مورد مطالعه قراردهد و آن را طبق رهنمودهای پیام ۹ ژانویه به جوامع همبسته تقسیم نماید. بدیهی است در این جریان از آنجا که شوراها ممکن است به دلیل عدم اطلاع کافی از کل منطقه خود نتوانند بدون کمک حدود جوامع همبسته را تعیین نمایند، باید از نظرات احبای مطلع مانند اعضای هیئتهای معاونت و محافل روحانی محلی بهرهمند گردند. به هر حال باید به خاطر داشت که جامعه ی همبسته ساختاری است که به احبا امکان میدهد تا درباره ی رشد امر در مقیاسی معقول و خِردپسند بیندیشند و طرحهای مناسب با موقعیت جوامع محلی را به کاربندند. در نتیجه شوراها، در ابتدا، باید حدود منطقی جوامع همبسته را معلوم کنند و بعداً در صورت لزوم در آنها تجدید نظر به عمل آورند

نمونه

لینک کلاستر های آمریکا :

https://bahai.email/lists/lists

?https://bahai-email.translate.goog/lists/lists
x_tr_sl=en&_x_tr_tl=fa&_x_tr_hl=fa&_x_tr_pto=wapp_

فیلم نقد سند نهم:

سند : ۹

پیام بیت العدل تاریخ : ۸۰۰ ۲۰۱۱-۰۱-۰۳

در هفته هایی که بعد از نشست موسّساتی ملّی خواهد آمد، مشاورین و نمایندگانشان، با همکاری محفل ملّی، فرایند تأمّل و برنامه ریزی را در رده های مختلفی با شوراهای منطقه ای، هیأتهای مدیرهٔ موسّسهٔ آموزشی و هماهنگ کنندگان، و احبّایی که در سطح کلاستر کار میکنند دنبال خواهند نمود. در تمامی این جلسات در حالی که منظرگاه کلّی نقشه در پیش دیدگان همهٔ مومنین واضح و روشن نگاه داشته میشود، اما به مسائل و دستورالعمل هایی که ارتباط و تناسب بیشتری با کار در دست اجرا دارد تاکید میگردد. نیاز است که موقعّیت منطقه یا کلاستر، همانگونه که هست، دقیقاً مورد ارزیابی قرار گیرد، و اجازه داده شود که مفهوم و تصویری از نهضت جمعیّت متدرّجاً ظاهر گردد. اگر قرار است احبا به سرعت هدایات را به عمل درآورند، لازم است قدم هایی عملیاتی برای تقویّت نیروها و غلبه بر موانع مشخّص و معیّن گردد. چنین جلسات فرصت هایی را فراهم میکند تا همهٔ کسانی که درگیر کار هستند مشورت و تأمّل نمایند؛ و باید از خطر بالقوهٔ تبدیل و کاهش این جلسات به فضایی که فقط یک سری مطالب ارائه میشود و سبب انفعال شنوندگان میگردد پرهیز شود.

نکته :

۱ – وجود نقشه و طراحی آن خارج از مرزها

۲- وجود شبکه های گسترده در سطح ملی بدون مجوز و اجازه فعالیت بر مبنای اساسنامه و شرح وظایف خود

الف : موسسات ملی

ب : مشاورین قاره ای (نیروی خارجی) بدون مجمز و افراد عضو سازمان فرا منطقه ای

ج : نمایندگان و عوامل داخلی وابسته به نیروهای فرا منطقه ای (بدون مجوز و اطلاع نهاد های حاکمیتی)

د : موسسه آموزش ملی (هیئت مدیره آن اعضای معاونین مشاوره قاره ای)

ه : اعتراف به قسمت بندی کردن کل کشور برای بلعیدن تمام سرزمین در راستای رسیدن به اهداف نقشه

د : تمام نهاد ها فوق موظف به اقدامات اطلاعاتی و ارسال آن به اسرائیل در راستای تهیه نقشه بر اندازانه و جرای آن در کشورها باشند

مشاورین و هیئت معاونین (موسسات فرا منطقه ای) محافل ملی شورای منطقه ای اعضای هیئت مدیریه موسسه آموزشی و هماهنگ کنندگان آن فعالین در سطح کلاستر (موسسات ملی که نقش ستون پنجم را داخل کشورها برای بیت العدل بازی می کند)

در این لینک تمام فقرات بالا تشریح شده است

سند ۱۰:

پیام بیت العدل تاریخ : ۳۳۶ ۱۹۷۴-۰۳-۲۱

موسسه فخیمه ایادی امرالله علی الخصوص حال که با تاسیس دارالتبلیغ بین المللی قوت بیشتری یافته مشوق و هادی و معین یاران الهی در جمیع مراتب فردی و محلی و ملی خواهند بود. تاسیس این مرکز عظیم سبب تحقق هدفی شد که تقریبا دهسال قبل بعالم اعلان گردید و تدابیری اتخاذ شد که اجرا دو وظیفه منصوصه صیانت و تبلیغ امرالله که از وظائف خاصه حضرات ایادی امرالله است به آینده انتقال یابد و بدین ترتیب روح محبت و هدایت و معاضدت حضرات ایادی امرالله از طریق دارالتبلیغ بین المللی که عهده دار نظارت و ارتباط خدمات حضرات مشاورین در سراسر عالمند بوسیله مشاورین و معاونین و مساعدین در هیکل جامعه بهائی نافذ گردد، و این عصبه جلیله که حارسین جامعه جنینی جهانی حضرت بهاالله هستند جامعه دائم الاتساع بهائی را اطمینان بخشیده اند که همواره طالب سعادت حقیقیه یاران و در فکر اکمال فضائل معنویه و مشوق روحانی ایشانند که یکی از وظائف آن عصبه جلیله محسوب است.”

نکات :

– دار التبلیغ بین المللی مسئولیت ذاتی اش دخالت در امور داخلی کشوها از طریق نهادهای ستون پنجم خود موسوم به محافل ملی و محلی برای وصول به اهداف نقشه های بر اندازانه بیت العدل

– رسالت ذاتی این مرکز اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی و حوزه اقدامش در کلیه کشوهاست در راستای منافع سازمان مرکزی بهائیان موسوم به بیت العدل

– وظیفه اقدامات ضد امنیتی از طریق فعالیتهای اطلاعاتی از ایادیان امر به نهاد دار التبلیغ منتقل گردید

– برای کودتا علیه نهاد ایادیان امر به بهانه رابط بین مشاورین قاره ای و معاونین و مساعدین و کنار راندن این نهاد اقدامات فوق صورت می پذیرد

– اعتراف صریح به جنینی و نوزاد بودن عصبه انتخابی و نظام بظاهر انتخابی بودن تشکیلات بهایی ولی همه کاره بودن و متولی جنین بودن تا تحقق رشد آن تمام این اقدامات بر عهده نهاد امنیتی فرا منطقه ای دار التبلیغ مستقر در حیفا – اسرائیل است

فیلم نقد سند ۱۱

سند ۱۱

پیام بیت العدل تاریخ : ۴۰۱ ۱۹۷۸-۱۲-۲۶

"مهم : حکومت طلبی – اقدامات اطلاعاتی – انقلاب ۵۷ :: منا و ید الله محمود نژاد ::

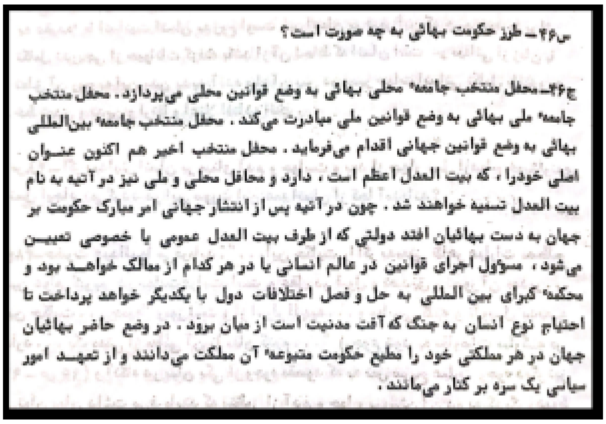
نقشه های تفصیلی جوامع ملی برای مرحله دو ساله اول از نقشه جدید با مشاوره دارالتبلیغ بین المللی در دست تهیه است که قریباً به محافل روحانیه ملیه اعلام خواهد گردید و این مرحله بدوی یاران را بترویج امرالله بنحوی وسیع تر و تحکیم مستمر و توسعه بیشتر محافل ملیه دعوت می نماید. بنابراین به محافل ملیه تأکید می گردد اطمینان حاصل کنند که مجهودات تبلیغی در خلال سالهای اول نقشه مستمرا وبا شدت تعقیب گردیده مهاجرین بادامه استقرار در نقاط مهاجرتی تشویق شده و از پیشرفت حیات روحانی جامعه بلا انقطاع پشتیبانی شده و قوه محرکه ای که حال جامعه بهائی را بحرکت درآورده حفظ شود."

نکته :

اعلام رسمی بر اقدام بر اجرای نقشه هفت ساله ۱۹۷۹ – ۱۹۸۶ البته اهمیت این پیام آنجا آشکار می شود که متن نقشه در بوته ای از ابهام در اختیار عموم هنوز قرار نگرفته و حد اقل بسیاری از اعدامهای بهائیان بخاطر اجرای این نقشه مصادف با انقلاب ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲ صورت پذیرفت چرا بیت العدل هنوز از اصل این نقشه رو نمایی نکرده است ؟ آیا بیت العدل از روشن شدن دلائل برخورد سخت با اعدام شدگان که حد اقل ۲۲ نفر از آنها در سال ۶۲ یا مشاور قاره ای بودند یا جزء هیئت معاونین و یا در زمره مساعدین بودند نمی باشد ؟ فقط فراموش نشود چارت سازمانی عصبه انتصابی که دار التبلیغ و مشاورین معاونین و مساعدین و تطبیق آن با مناصب اعدام شدگان پرده از دلائل اعدام آنها بر می دارد

محفل ملی ایران و کیفیت تعیین مکانیزم حکومت و تشریح آن در سال ۱۳۵۸ دقیق سال اول نقشه هفت سال فوق





س۴۶ـ طرز حکومت بهائی به چه صورت است؟

ج۴۶ـ محفل منتخب جامعهٔ محلی بهائی به وضع قوانین محلی می‌پردازد. محفل منتخب جامعهٔ ملی بهائی به وضع قوانین ملی مبادرت می‌کند. محفل منتخب جامعهٔ بین‌المللی بهائی به وضع قوانین جهانی اقدام می‌فرماید. محفل منتخب اخیر هم اکنون عنوان اصلی خودرا، که بیت العدل اعظم است، دارد و محافل محلی و ملی نیز در آتیه به نام بیت العدل تسمیه خواهند شد. چون در آتیه پس از انتشار جهانی امر مبارک حکومت بر جهان به دست بهائیان افتد دولتی که از طرف بیت العدل عمومی یا خصوصی تعیین می‌شود، مسؤول اجرای قوانین در عالم انسانی یا در هر کدام از ممالک خواهد بود و محکمهٔ کبرای بین المللی به حل و فصل اختلافات دول با یکدیگر خواهد پرداخت تا احتیاج نوع انسان به جنگ که آفت مدنیت است از میان برود. در وضع حاضر بهائیان جهان در هر مملکتی خود را مطیع حکومت متبوعهٔ آن مملکت می‌دانند و از تعهد امور سیاسی یک سره بر کنار می‌مانند.

س ۴۶ طرز حکومت بهائی به چه صورت است؟

ج ۴۶ – محفل منتخب جامعه محلی بهائی به وضع قوانین محلی می پردازد. محفل منتخب جامعه ملی بهائی به وضع قوانین ملی مبادرت میکند. محفل منتخب جامعه بین المللی بهائی به وضع قوانین جهانی اقدام میفرماید. محفل منتخب اخیر هم اکنون عنوان اصلی خود را، که بیت العدل اعظم است دارد و محافل محلی و ملی نیز در آتیه به نام بیت العدل تسمیه خواهند شد. چون در آنیه پس از انتشار جهانی امر مبارک حکومت بر جهان به دست بهائیان افتد دولتی که از طرف بیت العدل عمومی یا خصوصی تعیین می شود، مسؤول اجرای قوانین در عالم انسانی یا در هر کدام از ممالک خواهد بود و محکمه کبرای بین المللی به حل و فصل اختلافات دول با یکدیگر خواهد پرداخت تا احتیاج نوع انسان به جنگ که آفت مدنیت است از میان برود. در وضع حاضر بهائیان جهان در هر مملکتی خود را مطیع حکومت متبوعه آن مملکت میدانند و از تعهد امور سیاسی یک سره بر کنار میمانند.

فیلم نقد سند ۱۲

جلسه اول

جلسه دوم

جلسه سوم

سند ۱۲

نکته :

اقدامات اطلاعاتی و ارسال راپورتها از طریق نهاد ستون پنجم بیت العدل (محافل ملی و محلی) به نهاد اطلاعاتی ضد امنیتی مشاورین قاره ای و ارسال این اطلاعات به مقر دائمی این نهاد در حیفا – اسرائیل

۱۹۷۳-۰۶-۰۸ ۳۲۶

۸ جون ۱۹۷۳

پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به عموم بهائیان عالم

دوستان عزیز بهائی

صدمین سال نزول کتاب مستطاب اقدس شاهد حوادثی چنان عظیم در تاریخ امر الهی بود که ما را بر آن داشت با تصمیمی وافر به پیشرفت سریع امرالله بقوه الهیه ناظر باشیم. زمان اکنون مساعد برای تاسیس دار التبلیغ بین المللی است. مشروعی که هم مجهودات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس را بثمر می رساند و هم توسعه آن را در آینده ممکن می سازد و ارتباط نزدیکتری بین هیات مشاورین قاره ای و ایادی امرالله ایجاد می نماید. در عین حال اجرای مسئولیتهای روزافزونی را که بیت العدل اعظم برعهده دارد با کمال قدرت آسانتر می سازد.

دار التبلیغ بین المللی که هم اکنون تاسیس شده در زمان مقتضی در عمارتی که حضرت ولی امرالله بعنوان مقر ایادی امرالله تعیین فرموده اند و در قوس کرمل در جوار مقر بت العدل اعظم الهی بنا خواهد شد شروع بکار خواهد کرد.

وظایفی که هم اکنون برای این مشروع نوزاد در نظر گرفته شده است باین قرار است:

– تطبیق و تشویق و هدایت فعالیتهای هیات مشاورین قاره ای و تامین ارتباط بین آنان و بیت العدل اعظم. کسب اطلاعات کامل از وضع أمر الله در جمیع نقاط عالم و استفاده از این اطلاعات برای تقدیم گزارشها و توصیه هائی به بیت العدل اعظم و ارائه طریق به هیات مشاورین قاره ای.

– هوشیاری در مورد امکانات برای توسعه مجهودات تبلیغی در داخل و خارج امر در مناطق مساعد و نیازمند و جلب توجه بیت العدل اعظم الهی باین امکانات و ارائه توصیه های عملی در این باره.

– تعیین و پیش بینی احتیاجات نقاط به آثار امری و مهاجرین و مبلغین سیار و تنظیم طرحهای تبلیغی منطقه ای و جهانی و تقدیم آن به بیت العدل اعظم الهی برای تصویب.

تمام ایادی امرالله عضو دار التبلیغ بین المللی خواهند بود و هر یک از ایادی امرالله بوسیله گزارشها و یا سواد خلاصه مذاکرات ارسالی از فعالیتهای این مرکز مرتبا مطلع خواهند گردید و قادر خواهند بود در هر نقطه ای ساکن بوده یا به هر منطقه ای سفر نمایند پیشنهادها و توصیه ها و اطلاعات خود را به این مرکز ارسال دارند و هر گاه بارض اقدس بیایند در مشاورات و فعالیتهای دیگر این مرکز شرکت خواهند نمود.

بعلاوه ما جناب هوپر دانبار و خانم فلورانس می بری و جناب عزیز یزدی را به عضویت دار التبلیغ بین المللی با مقام مشاور منصوب می نمائیم. این یاران که بنحوی ممتاز بعنوان اعضا هیات مشاورین قاره ای در آمریکای جنوبی و آمریکای شمالی و آفریقای مرکزی و شرقی بترتیب خدمت نموده اند. از این پس در حیفا سکونت نموده به معیت ایادی مقیم ارض اقدس هسته مرکزی برای مجهودات دار التبلیغ را تشکیل خواهند داد.

اختیار طرد یا ابقا مجدد ناقضین کماکان با ایادی امرالله خواهد بود. همه اینگونه امور ابتدا در محل بوسیله عضو هیات مشاورین قاره ای مربوطه با مشورت یک یا تمام ایادی امرالله مقیم در منطقه مورد بررسی قرار می گیرد. هیات مشاورین و ایادی مربوطه گزارش خود را به دارالتبلیغ بین المللی برای ملاحظه ارسال خواهند نمود. تصمیم به طرد یا ابقا اشخاص با ایادی امرالله مقیم ارض اقدس خواهد بود.

همانطور که اکنون نیز معمول است تصمیم آنان برای تصویب به بیت العدل اعظم تقدیم خواهد شد. تغییرات زیر در مناطق هیات مشاورین قاره ای داده شده است.

تعداد این مناطق اکنون به ۱۲ بالغ می شود و هندوستان و تبت، نپال، سیکیم، بوتان، بنگلادش، سری لانکا، و جزایر لاکادیو، مالایو، ابذامان و نیکوبار از منطقه غرب آسیا منتزع و منطقه جدید جنوب مرکزی آسیا را تشکیل می دهند.

فیلیپین، هونگ کنگ، ماکائو از آسیای شمال شرقی به آسیای جنوب شرقی منتقل شده جزایر کارولین و تمام جزایر دیگر در اقیانوس کبیر که در شمال خط استوا و بین صد و چهل درجه طول شرقی و صد و چهل درجه طول غربی واقع شده است باستثنای جزایر جیلبرت از منطقه اقیانوسیه منتزع و به منطقه شمال شرقی آسیا منتقل می شوند جزائر تحت اشراف آلاسکا جزو منطقه امریکای شمالی خواهد بود.

تعداد اعضا هیات مشاورین با انتصاب جناب فرایدی اکپی و جناب ذکر الله کاظمی در افریقای شمال غربی و جناب هوشنگ عهدیه و پیتر ووابیا در افریقای مرکزی شرقی و دکتر سارا پریرا و خانم ولما شریل در آمریکای شمالی و جناب رولاند استال و جناب پال لوکاس در آمریکای مرکزی و خانم لنونورا آرمسترانگ و جناب پیتر مک لارن و جناب راول پاوون در آمریکای جنوبی و جناب دیچیند خیانار و خانم زناسورابجی در جنوب مرکزی آسیا و جناب فریدون میثاقیان در جنوب شرقی آسیا و جناب ریچارد بنسن و میس النا مارسلا در شمال شرق آسیا میس ویولت هوهنکی در اقیانوسیه به ۵۷ بالغ گشته است.

جناب دکتر ویلیام ماکسول که خدمات شایسته ای بعنوان عضو هیات مشاورین قاره ای در شمال غرب افریقا نموده بودند، مجبور به مراجعت به امریکا گشته اند.

خانم زنا سورابجی بعنوان امین صندوق هیات مشاورین جنوب مرکزی آسیا و جنابان دکتر هوشنگ عهدیه و مسعود خمسی بترتیب امین صندوق جدید برای مرکز و شرق آفریقا و جنوب افریقا تعیین شده اند.

علاوه بر این تغییرات مهم در مرکز جهانی بهائی و در سطح قاره ای در بسیاری از مناطق جهان نیاز شدید به ازدیاد اعضا هیات معاونت موجود است.

روش عمل از منطقه ای به منطقه دیگر فرق می کند و بیت العدل اعظم اکنون مشغول مشاوره با هیات مشاورین قبل از ابلاغ رسمی می باشد.

تصمیماتی که اکنون اعلام می گردد محصول مشاوراتی است که از چند سال پیش ادامه داشته و بوسیله تبادل نظر با ایادی امرالله مقیم ارض اقدس تقویت گشته است.

از این حضرات در سال ۱۹۶۸ خواسته شد که با بیت العدل اعظم در تاسیس دار التبلیغ بین المللی همکاری فرمایند. وظیفه ای که بر دامنه اهمیت آن با شروع مجهودات دار التبلیغ افزایش یافته است. مشتاقانه دعا می کنیم که جمال اقدس

ابهی این موسسه جدیدالتاسیس نظم اداری الهی امرش را تائید فرماید.

بیت العدل اعظم

تذکر :

دقیقا یک سال قبل از پیام فوق ساواک نسبت به تحرکات اطلاعاتی بیت العدل در سطح جهانی و ایران هشدار داده بود :

به روایت اسناد ساواک | #سند_محرمانه | جاسوسی بهائیان به نفع اسرائیل :

« اسرائیل در سال ۱۹۷۲ فرقه بهائی را به رسمیت شناخته است به نظر میرسد با اجرای برنامه تحبیب از این فرقه میکوشد از اقلیت بهائیان به ویژه ایران بهره برداری سیاسی اطلاعاتی و اقتصادی نماید ... »


خیلی محرمانه

گزارش

فیلم نقد ۱۳ قسمت اول :

فیلم نقد ۱۳ قسمت دوم :

فیلم نقد ۱۳ قسمت سوم :

سند ۱۳ :

نکات :

– بسیار مهم☜ ☜ محافل ملی و محلی (عصبه انتخابی) مانند ایادیان و مشاورین قاره ای (نهاد امنیتی فرامنطقه ای – عصبه انتصابی) وظیفه اقدامات ضد امنیتی اطلاعات و عملیات (صیانت و ترویج)در جهت بر اندازی (در راستای اجرای مشروعات و نقشه های بیت العدل) را بر عهده دارند

– معرفی هیات مشاورین قاره ای علی رغم مادون رتبه ایادیان (دار التبلیغ فعلی) هستند اما وظایف این نهاد را بر دوش دارند و تحت مدیریت آن اقدامات ضد امنیتی انجام می دهند

پیام بیت العدل تاریخ : ۲۳۳ ۱۹۷۰-۰۵-۲۰

۲۰ می ۱۹۷۰ – ۴ شهر العظمه ۱۲۷ محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه

مکتوب مشروح آن یاران بتاریخ ۱۹ شهر الجمال شماره ۱۰۳۶ و ضمائم واصل و مطالب مندرجه ملاحظه گردید. بحمدالله روابط ودیه معنویه میان حضرات ایادی امرالله و مشاورین با آن محفل جمیل در نهایت متانت است آن نفوس نفیسه در حق محفل رعایت و محبت تمام دارند و امنا امر رحمن نیز بکمال احترام و خلوص نیت به همکاری و مساعدت و معاونت با آن نفوس برگزیده مشغول و مالوف زیرا مقصد کل خدمت به آستان مبارک و اعلا امرالله و اعتلا علم اسم اعظم است چون اساس این روابط مستحکم شود و بنیان مشورت فیما بین قوام پذیرد و برکات جدیده شامل حال آن جامعه جلیله شود و جای اشکالی نماند

زیرا مشکلاتی اگر موقتا موجود باشد منبعث از این است که اولا محفل ملی و محافل محلیه و یاران نازنین هنوز کماینبغی از مقام مشاورین و وظائف خطیره آن عصبه جلیله مطلع نیستند و ثانیا بر نفس آن مشروع جدیدالتاسیس نیز زمان کافی که مورث تجارب وافی باشد نگذشته لهذا بنظر رسید که

رووس مطالبی که در تفهیم مقام و وظائف این موسسه و ارتباطش با آن محفل و محافل روحانیه محلیه لازم است مرقوم و نکات مهمه معلوم شود و در دسترس یاران علی الخصوص اعضا محافل روحانیه محلیه قرار گیرد.

چنانکه مستحضرند در نظم اداری بهائی علاوه بر موسسات انتخابی یعنی محافل روحانیه که جمهور مومنین و مومنات با شرایط معینه در هر شهر و دیار استقرار می بخشند موسساتی انتصابی موجود که باراده مرکز و مرجع امرالله معین و منصوب. وظائف اصلی این دو سلسله از موسسات امریه در تواقیع و ابلاغیه های مبارک معلوم و مشخص و طرز روابطشان با یکدیگر واضح و معین گشته و در این اوقات نیز که بیت العدل اعظم در اجرا یکی از اهداف مهمه نقشه نه ساله یعنی استمرار وظائف حضرات ایادی امرالله مصمم بتاسیس هیات مشاورین در قارات مختلفه گردیده عینا همان اصول منصوصه را که در روابط بین موسسه ایادی امرالله و محافل روحانیه ملیه موجود بود منطبق بر هیات مشاورین ساخت خلاصه آنکه حضرات ایادی امرالله علیهم بها الله دو وظیفه اصلی داشته و دارند یکی ترویج امرالله و دیگری صیانت شریعه الله.
حضرات مشاورین نیز هر چند من حیث الرتبه مادون حضرات ایادی امرالله ولیکن بهمان دو وظیفه مقدسه قائم و بر اثر اقدام آن وجودات مقدسه سالک تعیین هیاتهای مشاورین در این اوان از طرفی عصبه جلیله ایادی امرالله را که برگزیدگان

حقند از قید امور اداری و سایر مسائل ثانویه قاره ئی فارغ و آزاد ساخت و مستعد حرکت بدیعه جدیده در میدانهای بین المللی و بین القارات نمود و از طرف دیگر هیاتهای جدید التاسیس را فرصت بخشید تا از هدایات ایادی امرالله و تجارب ذیقیمت آن عزیزان مستفیض و مستفید شوند و طریق اجرای وظائف مقدسه را از آن نفوس عزیزه بیاموزند.

چون این دو وظیفه اصلیه یعنی تبلیغ و محافظه امرالله در عداد وظائف کنونی محافل روحانیه نیز معدود لهذا ارتباط نزدیک و مستمر و عقد مشورتهای مکرر و استمداد و استعانت از یکدیگر از لوازم ضروریه جهت ایفا مقاصد مشترکه مقدسه محسوب.

هرگز تصور نباید نمود که این دو موسسه هر یک بالاستقلال در حرکت و از روابط ضروریه امداد و استمداد بی بهره و نصیبند بلکه باید قطع و یقین داشت که این دو موسسه انتخابی و انتصابی ظهیر و معین و مکمل یکدیگرند.

ملاحظه فرمائید :

حضرات مشاورین در ممالک تحت اشراف خویش معاونینی دارند که هر یک مشغول خدمت در منطقه ای است هر یک از معاونین در ناحیه خویش باید با محافل روحانیه محلیه و جمعیتها و افراد احبا مستقیما در تماس باشد و به تشویق و ترغیب و ارائه طریق در اجرا وظائف روحانیه و اهداف نقشه و غیره پردازد و کاملا از ضعف و قوت محافل روحانیه و جامعه یاران در ناحیه خویش باخبر باشد و شخصا و عندالله خود را مسئول داند و اگر از محفلی یا مرکزی در ناحیه خویش بیخبر ماند به ابتکار خویش در بی چاره افتد و مرتبا راپورت اقدامات خود را با پیشنهادهای لازم بحضرات مشاورین اطلاع دهد.

از طرف دیگر محفل ملی از طریق لجنات ملیه و محافل روحانیه و مراکز امریه با جامعه یاران در هر گوشه از مملکت مرتبط است و با وصول خلاصه مذاکراتهای محافل و راپورتهای لجنات از اوضاع و احوال باخبر و از اشکالات کار مطلع حال باید این راپورتهای واصله از طرف دو موسسه مبادله گردد و اساس مشورت مرتب مکرر حضرات مشاورین و محافل ملیه قرار گیرد تا محفل ملی هم از نظرات معاونین که شاهد و ناظر و شریک خدمات روحانیه در یک ناحیه اند مطلع و مستفید شوند و هم حوائج خود را در استعانت و استمداد از حضرات معاونین در هر منطقه باطلاع مشاورین برسانند تا مشاورین معاونین خویش را هدایت و دلالت نمایند چقدر مناسب است که محافل ملیه در بدایت هر سنه نقشه های کار خود را در مسائل انتشار کلمه الله و صیانت امرالله با حضرات مشاورین مشورت نمایند و معا طرا مبادله راپورتها را معین کنند آنوقت چون حوائجی که محفل ملی در هر ناحیه دارد معین شد و طرز مساعدتهائی که مشاورین در اجرا نقشه های تبلیغی و صیانت امرالله و تحسین اداره امور باید مبذول دارند معلوم گردید راه معاضدت هموار می گردد و هر دو موسسه در حدود اختیارات محوله شریک مساعی یکدیگر شده بافاضه و استفاضه از یکدیگر موفق گردند.

البته محفل ملی مسئول طرح نقشه ها و تنفیذ مصوبات خویش بوده و هست و حضرات مشاورین مافوق تشکیلات و از اداره امور تشکیلاتی فارغ و آزاد و نفس این فراغت به آنان فرصت می بخشد که در امور کلیه تدبیر نمایند و محفل ملی را که محاط بمشاغل و غوائل بیشمارند در امور اساسیه راهنمایی کنند همچنین نفس این فراغت از امور اداری مشاورین و

معاونینشان را از اصطکاکاتی که بالطبیعه در جریان امور اداری گاه پیش می آید مبری داشته در تشویق و ترغیب یاران که از جمله وظائف ایشان است استعدادی بیشتر می بخشد.

اما آنکه محفل ملی منحصرا مسئول اخذ تصمیم است و حضرات مشاورین و معاونین در امور تشکیلاتی مداخله ندارند البته نباید در عمل موجب بروز افراط و تفریط گردد یعنی از طرفی مشاورین را از اظهار مافی الضمیر به محفل ملی راجع بجمیع اموراتی که مصلحت امر شمارند بازدارد و از طرف دیگر محفل ملی را از اغتنام فرصت مشورت با حضرات مشاورین در امور مهمه امریه محروم سازد.

بدیهی است نظریات مشاورین را محفل بکمال دقت می سنجد و در وقت مشورت تحقیق دقیق می نماید ولیکن رد و تصویب در هر مورد منحصرا بر عنده محفل ملی است که بالاستقلال بدون حضور احدی جز اعضا محفل تصمیم می گیرند.

نکته لازم دیگر آنکه معاونین هر یک بالانفراد مختارند که در حدود وظائف معینه باخذ تصمیم پردازند و به نحوی که شخصا لازم و ضروری می دانند در حیطه اختیارات خود اقدام نمایند مثلا وقتی ناحیه ای مرکب از چند محفل روحانی و چند جمعیت و مرکز منفرد تحت مسئولیت معاونی قرار گرفت و انتظاری که از جامعه یاران آن ناحیه در اجرا نقشه های تبلیغی و غیره می رود بر او معلوم گردید آنوقت شخص معاون می تواند بالاستقلال از راه مکاتبات مستقیم با محافل رو حانیه و افراد جامعه در آن ناحیه و یا ملاقات با آنان مربوط و مرتبط باشد و به تشویق و ترغیب و معاونت ایشان پردازد و در هر مورد بخصوص لازم نیست از حضرات مشاورین کسب اجازه نماید و همچنین مشاورین در یک قاره باید وظائف انفرادی خود را معین فرمایند و بعد با صلاحدید هیات مشاورین افراد آن هیات می توانند بالانفراد و بالاستقلال با محافل ملیه مربوطه ارتباط یابند و برتق و فتق امور محوله پردازند و در این امور بر خلاف تشکیلات سائره که در همه وقت کلیه تصمیماتشان موکول بمشورت و رای اکثریت است افراد مشاورین در حیطه اختیار خویش شخصا در موارد معینه اقدامات لازم را مبذول می دارند.

باری جهت فهم و ادراک جزئیات دیگر در این موضوع سزاوار آنکه بمراسلات سابقه این هیات رجو ع نمایند مخصوصا مکاتیب مورخ ۲۴ جون ۱۹۶۸ و ۲۵ مارچ و اول اکتبر ۱۹۶۹ را بار دیگر دقیقا قرائت و مطالعه کنند تا دقائق امور معلوم شود و اصول کلیه را که بر دستورات مبار که علی الخصوص مضمون تلگراف منیع مبارک مورخ ۴ جون ۱۹۵۷ مبتنی گشته دریابند تا آن شا الله فوائد مشروعات عالیه امریه که مجاری فیوضات رب
البریهاند تعمیم پذیرد و باعث پیشرفت و تقدم امر اعظم شود.

با تقدیم تحیات بهیه

بیت العدل اعظم

چکیده ویژگی های نهاد اطلاعاتی تشکیلات بهایی :

۱ـ شبکه واحد جهانی

۲ – محل فرماندهی اسرائیل

۳ – محل ماموریت کلیه کشورها غیر از اسرائیل

۴ – عامل در سطح ملی محافل ملی و محلی لجنات و موسسات امری

۵ – وظیفه ذاتی :

۱-۵ : ترویج :

۱-۱-۵ : کسب اطلاعات از کشورها و ارسال آن به اسرائیل

۲-۱-۵ : طراحی نقشه های برای برپایی حکومت بهایی در هر کشور

۳-۱-۵: اجرای نقشه ها در سطح ملی برای رسیدن به حکومت بهایی بشکل نامحسوس

۲-۵ : صیانت

۱-۲-۵ : کنترل فعالیتها برای عملی کردن نقشه های بیت العدل در کشورها

۲-۲-۵ : کنترل شهروندان بهایی در هر کشور بشکل غیر قانونی

۳-۲-۵: کنترل سازمان برای نیل به اهداف نقشه

فیلم نقد سند ۱۴

سند ۱۴ :

نکات :

⊗ بیت العدل بهائیان را تشویق به اقدامات مجرمانه می کند. :

بیت العدل با استناد به سخنان فوق که از گفته های عبد البهاء می باشد تبلیغ را واجب کرده و لو مخفیانه

لفظ مخفیانه نشانگر این است اگر در جامعه ای تبلیغ جرم باشد بهائیان باید خلاف قانون اعمال مجرمانه مرتکب شوند تا تبلیغ کنند این با سخن عبد البهاء که دهها بار تاکید کرده ما در هر کشور قانون مدار هستیم در تعارض است

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۱۰ ۱۹۶۶-۰۶-۲۳

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه

...

– همکاری دائم و مستمر آن محفل با عصبه ی جلیله ی ایادی امرالله در آسیا و معاونین عظیم القدرشان در امر اهم تبلیغ و محافظه ی امرالله شایان تقدیر و تمجید است. باید این روابط روحانیه را بر اساس دستورات مطاعه ی مبارکه و توضیحات منتشره از طرف این هیأت تقویت نمود؛ مخصوصا در این ایام که ناقضان عهد و پیمان در اجرای نوایای سخیفه ی خویش کوشش فوق العاده دارند، باید آن محفل بیش از پیش از همکای و معاضدت مؤسسه ی فخیمه ی ایادی امرالله مستفید گردند.

فیلم نقد سند ۱۵ :

سند : ۱۵

◈ اقدامات ضد امنیتی نهاد های امنیتی فرا منطقه ای بیت العدل داخل هر کشور

در این سند بیت العدل به وضوح اقرار می کند که محافل ملی که حضور گسترده در داخل کشور را دارند باید نقش ستون پنجم را برای بیت العدل بازی کنند و کلیه اطلاعات و قرائت های منطقه را در اختیار نیروهای فرامنطقه ای امنیتی قرار دهند جالبتر اینکه مقصد تمام این گزارشها در حیفا و اسرائیل می باشد

پ ن : اگر این نقض حاکمیت ملی و امنیت آن نیست پس چیست

پیام بیت العدل تاریخ : ۴۹ ۱۹۶۴-۱۱-۰۱

ترجمه ی پیام بیت العدل اعظم خطاب به محافل ملی بهائیان جهان

یاران عزیز،

اجتماع حضرات ایادی امرالله در ارض اقدس برای مصالح اصلیه ی امریه بسیار اهمیت داشته است؛ خواهشمند است پیام عموم ی ضمیمه را هر چه زودتر به جمیع یاران الهی تحت اشراف آن محفل ابلاغ فرمایند.

اکنون می خواهیم تصمیمات متخذه اخیر را چنانچه تأثیر در روابط بین مؤسسه ی ایادی امرالله و شماها که محافل روحانیه ی ملیه ی جهانی می باشید، دارد به طور تفصیل شرح دهیم.

نهایت اهمیت دارد به اینکه حضرات ایادی امرالله و محافل روحانیه ملیه از اوضاع امریه نواحی که موظفند بایستی اطلاع کامل داشته باشند. بنا بر این تقاضا این که به جهت حل رویه ی مکاتبه ی مؤثرتر و آسان تر با ایادی امرالله در قاره ی خودتان همکاری فرمایید. از این که ایادی امرالله از خلاصه مذاکرات محفل ملی استفاده نمایند تصمیم این موضوع عملا منوط به آن محفل می باشد؛ ولکن بسیار اهمیت دارد که تمام اطلاعاتی که برای کارشان لازم است بانضمام سوادهای گزارش لجنه مربوطه را مرتبا در اختیار آنان بگذارند. حضرات ایادی امرالله در صدد تهیه ی یک برنامه ی جلسات مشترک با محافل روحانیه ی ملیه می باشند و همچنین اعضای محافل روحانیه ملیه را دعوت خواهند نمود تا آن ها را هر چند وقت یکبار در کنفرانس هایی که با هیأت معاونت تشکیل می شود، ملاقات نمایند؛ یک نوع مصلحت و مشورت که در هر کجا که معمول شده، بسیار مؤثر واقع گردیده است

سند : ۱۶

⊗ چرا اطلاعات موجود در سرورهای حیفا در اسرائیل زلالترین منبع اطلاعاتی برای کلیه نهاد های اطلاعاتی عالم مانند موساد – سیا ووو است ؟

با توجه به این سند در هر کشور دو منبع اطلاعاتی بدون اینکه در جریان فعالیت اطلاعاتی هم باشند وجود دارد و مشاورین قاره ای این نهاد فرامنطقه ای کلیه اطلاعات را از دو منبع متفاوت (معاونین و محافل – عصبه انتخابی و انتصابی) در موضوعات معمولا واحد در یافت می کنند و دلیل زلال بودن این اطلاعات همین است که در یک موضوع هنگامیکه از دو منظر جدا گانه بدون هماهنگی مطالب گزارش شود راستی آزمایی آن بسیار سهل و آسان است زیرا اگر متن خبر با هم منطبق باشد اصل خبر احتمال تحققش بسیار بالاست و به آن می توان اعتماد کرد و در مواردی که خبر از دو منبع متفاوت باشد می توان مستقلا آن را مورد واکاوی قرار داد و راستی آزمایی کرد

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۹۶۳-۱۱-۱۹

بیت العدل اعظم الهی، مرکز جهانی بهائی، حیفا- اسرائیل (ترجمه)

به عموم محافل روحانیه ی ملیه

یاران عزیز،

حضرات ایادی امرالله قاره ای،

روابط ایادی امرالله قاره ای و محافل ملیه ی مربوطه را حضرت ولی محبوب امرالله در توقیع مبارک مورخه ی ۴ ژوئن ۱۹۵۷ صریحاً تشریح فرموده اند:

«ایادی امرالله و محافل ملیه ی هر قاره ای را دعوت می نماییم که از این به بعد رابطه ی مستقیم بین خود را برقرار نمایند و هر وقت ممکن باشد و هرچه بیشتر با هم اجلاس و مشورت کنند و به مبادله ی راپرت های واصله از طرف هیأت های معاونت و لجنات ملیه ی مربوطه پردازند؛ همواره با نهایت بیداری مراقبت خستگی ناپذیر اعمال فرمایند و تکالیف مقدسه ی محتومه ی خود را با کمال ثبات و استقامت انجام دهند؛ صیانت امر عزیز الهی و حفظ صحت روحانی جوامع بهائی و قدرت ایمان و ایقان افراد و انجام صحیح وظایف مؤسسات امریه که با همت و فداکاری فراوان تأسیس یافته و حصول نتیجه و ثمر نهایی مجهودات و مشروعات جهانی و وصول به اهداف مقدسه ی اعلی و مقصد نهایی امر اعز ابهی کل مستقیما منوط و مربوط به اجرای مسئولیت های عظیم و خطیری است که بر دوش اعضای این دو مؤسسه که متفقا با بیت العدل اعظم الهی پس از مؤسسه ی ولایت امر اعلی رتبه و مقام را در سلسله ی مؤسسات اداری امری در نظم جهان آرای حضرت بهاالله دارا می باشند، قرار گرفته است.»

این بیانات معنویه ی شریفه ی ولی محبوب امرالله صریحا به اهمیت عظیمه ی مسئولیت مشترکی که حضرتش بر دوش ایادی امرالله و محافل روحانیه ی ملیه به جهت صیانت یاران و ترقی و پیشرفت امر حضرت رحمن در سراسر جهان گذارده شده، دلالت می کند.

تأکید می شود وسائل تسریع و تسهیل به جهت مشورت و مصلحت مابین ایادی امرالله و محافل ملیه با روحانیت و توجه به دستور مبارک حضرت ولی محبوب امرالله را به احسن مایمکن فراهم آورند. این دو مؤسسه وظایف توأم و مکمل یکدیگر دارند و فقط اگر معرفت و تشریک مساعی به نحو اکمل در بین آن ها حکمفرما باشد با کمال موفقیت می توانند آن را انجام بدهند.

ما یقین داریم که این روابط چنانچه حضرت ولی محبوب امرالله پیش بینی فرموده اند تقویت و ترقی خواهد کرد و به جهت پیشرفت های موفقیت آمیز اهداف نقشه ی نه ساله که در رضوان آتیه آغاز می شود، سهمی به سزا تقدیم خواهد نمود.

با تکبیرات محبت آمیز

بیت العدل اعظم الهی

فیلم نقد سند ۱۷

سند : ۱۷

⊗ نهادهای امنیتی تشکیلات بهایی هم مجریان نقشه های بر اندازانه هستند هم موظف به اقدامات اطلاعاتی در سطح منطقه عملیاتی می با شند

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : ۲۰۲۲-۰۱- ۰۳

ترجمه ا ی از پیام بیت العدل اعظم خطاب به اعضای هیئت معاونت در سراسر جهان

(هیئت بین المللی ترجمه به زبان فارسی)

۳ ژانویه ۲۰۲۲

دوستان عزیز و محبوب،

امروز، روزی که با اشتیاق فراوان منتظر استقبال از همهٔ شما در ارض اقدس و حضورتان در کنفرانس مشترک با هیئتهای مشاورین قارّه ای بودیم، مایلیم با نگارش این صفحات مراتب تأسّف خود را از اینکه برگزاری این گردهمایی که مدّتها آرزویش را داشتیم به سبب شرایط کنونی جهان امکان پذیر نگشت، بیان داریم. اشواق قلبیّهٔ خود را که امیدوار بودیم حضوراً به شما ابراز داریم اکنون باید از راه دور ابلاغ گردد. امّا بُعد مسافت از شدّت محبّتی که نسبت به تک تک شما عزیزان داریم نمی کاهد.

یکصد سال پیش در چنین روزی الواح مبارکهٔ وصایای حضرت عبدالبها برای اوّلین بار قرائت علنی گردید. مولای حنون در آن سند نفیس تاریخی وظایف حضرات ایادی امر الله را تعیین فرمودند، نفوسی که برای کمک به آنان هیئتهای معاونت ترویج و صیانت به وجود آمد. حضرت عبدالبها ایادی امر الله را مأمور فرمودند که به "نشر نفحات الله و تربیت نفوس و تعلیم علوم و تحسین اخلاق عموم" پردازند و تأکید فرمودند که باید مظهر "تقدیس و تنزیه در جمیع شئون" باشند به نحوی که "از اطوار و احوال و کردار و گفتار باید تقوای الهی ظاهر و آشکار باشد." زیارت این کلمات در این زمان یاد خدماتی را که هر یک از شما در همهٔ عالم بهائی به آن مشغولید در ذهن این مشتاقان زنده میکند. جامعهٔ بهائی در سراسر جهان براستی
مدیون تمامی مؤسّسهٔ مشاورین است که شامل نفوسی میشود که طیّ سالهای گذشته به عنوان مشاورین قارّهای، اعضای هیئت معاونت، و مساعدین قائم به خدمت بوده اند. پیشرفتهای شگفت انگیز دهه های اخیر که امروزه در جهان به چشم میخورد بدون چنین خدمات خالصانه ای از جانب این
نفوس امکان پذیر نبود. کمکی حیاتی و ضروری در این پیشرفتها همانا هدایات و تشویق های مؤسّسهٔ دارالتّبلیغ بین المللی بوده است: موسّسه ای بیدار و هوشیار، پرشور و با درایت، و کاملاً خستگی ناپذیر.
شما عزیزان تا به حال فرصت آشنایی با تمهیدات نقشهٔ نه ساله را داشته اید و در مقتضیات آن تعمّق و تأمّل نموده اید. همانطور که مبرهن است، دامنهٔ میادین خدمت مؤمنین در محدودههای جغرافیایی خود برای به ظهور رساندن هر چه بیشتر نیروی اجتماع سازی آیین بهائی گسترش یافته است. به همین منوال دامنهٔ اموری که شما باید مجدّانه به آن توجّه نمایید نیز گسترش یافته است. مساعی شما جز لاینفکّ پرورش قابلیّتِ مشارکت در زمینه های مختلفِ مجهوداتِ جامعهٔ بهائی است و به همان میزان جز لاینفکّ کمک به دوستان است تا قابلیّت کسب شده را در عمل به منصّهٔ ظهور برسانند. در پاسخگویی به این دو نیاز و به طور کلّی برای انجام وظایفتان برای تعلیم و تربیت و تهذیب اخلاق، شما البتّه تا حدّ زیادی متّکی بر کارآیی فرایند مؤسّسهٔ آموزشی میباشید.

مؤسّسهٔ آموزشی از آغاز تأسیس وسیله ای ضروری برای خدمات شما بوده و حمایت پراشتیاق شما برای توسعهٔ موسّسه نیز به همان اندازه ضرورت داشته است. بنا بر این مشاهدهٔ روح همکاری صمیمانه و چشمگیری که وجه امتیاز روابط شما با همهٔ نفوسی است که مسئول هماهنگی مجهودات مؤسّسه هستند، موجب مسرّت عمیق این جمع است.

شرحی را که در پیام خود به مشاورین چند روز پیش ابلاغ نمودیم بدون شک مطالعه نموده اید که چگونه باید احبّا را یاری نمایید تا برای هر یک از چالشهای متعدّدی که در پیگیری نقشه با آن مواجه میشوند پاسخی مناسب بیابند. در این خصوص مطمئنّیم واقفید که هر چقدر تأثیر پند و اندرزهای شما مفید باشد، تأثیر سرمشق بودن شما بیشتر است. توانایی قابل ملاحظهٔ مؤسّسهٔ شما این است که مؤمنین را با سطوح مختلف نظم اداری مرتبط میسازد و روحیّهٔ همکاری را که

موجب پیوند آن دو با یکدیگر میشود تحکیم میکند. یک وظیفهٔ مهم و حیاتی شما این است که آگاهی نسبت به مقصد نظم اداری بهائی را افزایش دهید و به تأسیس و عملکرد صحیح محافل روحانی محلّی جدید کمک نمایید.

ارتباط دوستان را با نقشه ها و پروژههای مؤسّسات بهائی در سطوح محلّی، منطقه ای و ملّی برقرار نگاه میدارید و نهایتاً پیوند بین احبّا و بیت العدل اعظم را از طریق تشویق و راهنمایی آنان در مطالعهٔ پیامهای صادره تقویت میکنید. احبّا برای درکی واضح از نقشه و نمونه ای از شجاعت در اجرای تمهیداتش به خصوص در نشر نفحات الله به شما ناظرند. آشنایی عمیقتان با واقعیّت اوضاع در محدودههای جغرافیاییِ مختلف، توأم با درک کاملتان از الزامات پیشبرد امر الله، شما را در موقعیّت مطلوبی قرار میدهد تا به مشاورات راجع به چگونگی به ظهور رساندن نیروی اجتماع سازی آیین بهائی در هر شرایطی کمکی اندیشمندانه، مبتکرانه، و به موقع ارائه دهید. علاوه بر موارد فوق مایلیم تأکیدی بر نقش ویژهٔ شما در تشویق جوانان بنماییم. بسیاری از جوانانی که اکنون به کسب پیروزی برای امر الهی موفّقند،
به مدد حمایتهای مشتاقانه و خالصانهٔ یک معاون و یا یک مساعد قیام نمودند، آموختند تا به قدرت تأییدات الهیّه متّکی باشند، و دلیرانه به میدان خدمت وارد شوند. مسئولیّتهای شما به مراتب وسیعتر است و شامل پیشبرد تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان، تعالی جوانان و تقویت الگوی حیات خانواده میباشد، الگویی که موجد ترقّی نسلهای متوالی از نفوس فداکار و مؤمنین وفادار به حضرت بهاالله خواهد شد، نفوسی که بهبود عالم انسانی را بر پیشبرد منافع شخصی خود ترجیح میدهند. **جوانانی که در سال پایانی نقشهٔ نه ساله برای تضمین موفّقیّت نهایی آن قائم به خدمت خواهند بود اغلب کودکان جامعه هستند که امروز با عشق به جمال قدم و درک رسالت آن حضرت پرورش مییابند.**

دوستان عزیز و محبوب، در لحظات دعا و نیایشتان به درگاه جمال اقدس ابهی مطمئن باشید که ادعیهٔ قلبی این شتاقان در اعتاب مقدّسهٔ علیا به نیابت از شما عزیزان همراه شما است. باشد که حرکت و سکون شما از هدایات نسایم مشیّت الهی مدد گیرد و امید آنکه خداوند متعال موهبت ابدیِ آن
خدمت به آستان مقدّس را که بر طبق ارادهٔ غالبهٔ او است به شما عنایت فرماید.

[امضا: بیت العدل اعظم]

فیلم نقد سند ۱۹ قسمت اول :

فیلم نقد سند ۱۹ قسمت دوم :

سند : ۱۸

⊗ معاونین مشاورین قاره ای نیروهای فرامنطقه ای هستند که مسئولیتشان جاسوسی و مچ گیری از محافل ملی و محلی در هر کشوری هستند یعنی مراقبت از کل تشکیلات بهایی در هر کشور بر عهده این نهاد اطلاعاتی فرا منطقه ای می باشد

انوار هدایت ۴۲۵ _ ۴۲۶

۱۱۳۲ : عضو هیات معاونت

بعضی اوقات محافل به درستی منظور از این عبارت را که امور تبلیغی به مشاوران و اعضای هیات معاونت محول است به امور اداری درک نمی کنند، اشتباهاً تصور می کنند آنها نمی توانند در موضوعات اداری راهنمایی کنند. یکی از چیزهایی که مشاورین و معاونین ملزم به مراقبت و دادن گزارش در مورد آن می باشند، عملکرد مناسب موسسات اداری است. این عبارت که آنها هیچ کاری با تشکیلات اداری ندارند، به سادگی، این معنی را می دهد که آنها مسئولیت اداری ندارند. آنها نه فعالیتهای تبلیغی را سازماندهی و جهت دهی می کنند و نه برای رفع اختلافات و مسائل شخصی تعیین شده اند. همه اینها در محدوده مسئولیتهای محافل روحانیه قرار دارد و اگر معاونی ملاحظه کند که یکی از محافل محلیه وظایف خود را بطور نادرست انجام می دهد، لازم است که نظر آن محفل را به روش مناسب جلب کند، به همچنین اگر معاونی در انجام وظایفش در رابطه با جامعه، ببیند که امر تبلیغ بواسطه عدم کاردانی لجنات ملیه به کندی پیش می رود، او موظف به ارائه گزارش مشروح موضوع به مشاورین است که آنها هم بطور مشابه، اگر عملکرد محافل ملیه را نامناسب ببینند، باید در نهایت محبت و در عین حال بطور صریح آن مورد را با محفل ملی در میان گذارند

(نامه بیت العدل اعظم به هیات مشاورین قاره ای و محافل روحانیه ملیه ، ۱ اکتبر ۱۹۶۹)

نمونه



فرد شکتر (۱۹۲۷-۲۰۱۷) فارس امر حضرت بهاءالله و فاتح سومالی‌لند فرانسه (جیبوتی فعلی) در قارّهٔ آفریقا. سیزده سال عضو مشاورین قارات آمریکا و دارالتّبلیغ بین‌المللی بود. به کشورهای مختلف آمریکای لاتین نیز مهاجرت کرد. به بیان بیت‌العدل، او "فرزانه، مهربان و خوش‌مشرب" بود.

فرد شکتر– فاتح سومالی لند فرانسه(۱)

Fred Schechter (https://bahaipedia.org/Fred_Schechter), August 1953

متولد سال ۱۹۲۷

صعود در ۲۷ ژانویه ۲۰۱۷

سیزده سال عضو مشاورین قارات آمریکا و دارالتّبلیغ بین‌المللی بودند.

اولین بار در نیویورک در سال ۱۹۳۹ با دیانت بهائی آشنا شد. سال ها بعد در سال ۱۹۴۹ در یک جلسه بهائی شرکت کرد و پس از نه ماه شرکت در جلسات بهائی شد. خانواده او یهودی بودند اما مادرش از این تصمیم فرد حمایت کرد و پدرش بی تفاوت بود. در سال ۱۹۵۱ مدرک مطالعات آمریکایی و در سال ۱۹۵۲ کارشناسی ارشد علوم کتابداری را به پایان رساند.

جناب شکتر در افتتاح دهمین جنگ صلیبی در ۱۹۵۱ در آفریقا پیشگام شد. در سوم آگوست ۱۹۵۳ منطقه سومالیلند فرانسوی را با دیانت بهائی آشنا کرد. زمان اقامتش در آنجا کوتاه بود زیرا نمی توانست ویزای خود را دریافت کند...در سال ۱۹۶۰ با جولیا بولینگ ازدواج کرد و آنها در آن سال به اکوادور نقل مکان کردند تا از تأسیس محفل ملی روحانی حمایت کنند و بعد شرایط اقتصادی منجر به بازگشت جناب شکتر به ایالات متحده شد. در سال ۱۹۶۷ جناب شکتر فارس امر حضرت بهاءالله و فاتح سومالی‌لند فرانسه (جیبوتی فعلی) در قارّه آفریقا گشت. سیزده سال عضو مشاورین قارات

آمریکا و دارالتّبلیغ بین‌المللی بود. به کشورهای مختلف آمریکای لاتین نیز مهاجرت کرد....در ژانویه ۱۹۸۱ او در مراسم ادای احترام به ایادیان امرالله در کالیفرنیا شرکت کرد. در آوریل ۱۹۸۲ در کنوانسیون ملی بهائی مکزیک شرکت کرد و در ژوئن ۱۹۸۳ در کنفرانس بین المللی جوانان بهائی در آنکورج آلاسکا سخنرانی کرد....وی در سال ۱۹۸۵ مجدداً به عنوان مشاور قاره منصوب شد. در آگوست ۱۹۸۶ جناب شکتر در اولین کنفرانس بین المللی صلح بهائی در سان فرانسیسکو شرکت کرد. در سال ۱۹۸۸ وی در یک کنفرانس بین المللی جوانان بهائی در بلومینگتون ، ایندیانا سخنرانی کرد. در سال ۱۹۹۰ مجدداً برای دوره سوم به عنوان مشاور قاره منصوب شد. در ماه می ۱۹۹۳ برای خدمت به حیفا رفت. جناب فرد شکتر در سال ۲۰۱۷ درگذشت از او و همسرش سه فرزند به جای ماندند...

برای شرح حال کامل (به زبان انگلیسی) به لینک زیر توجه فرمایید: ⬇

https://bahaipedia.org/Fred_Schechter

۱- https://bahaipedia.org/Djibouti

https://t.me/AlbomeTasavireAmri

فیلم نقد سند ۱۹ :

سند : ۱۹

نکته :

۱۱۳۱ : گزارشات و پیشنهادات عضو هیات به مشاوران داده می شود نه به محافل ملیه و لجنات

اعضای هیات معاونت می بایست گزارشات و پیشنهادات خود را، هر چند متفاوت باشند، به مشاوران بدهند نه مستقیما به محافل یا لحنات ملیه این امکان وجود دارد که مشاوران آن را نپذیرند یا اصلاح کنند، یا اینکه اگر آن را قبول کردند و به محفل ملی ارجاع دادند، محفل مذکور هم می تواند تصمیم به رد آن بگیرد. پیشنهاد مستقیم از جانب عضو هیات معاونت به یکی از لجناب ملیه سبب کم شدن فواید اطلاعات و تجارب در میدانی وسیعتر، که عضو هیات معاونت از آن آگاه است، می گردد و باعث تضعیف قدرت هر دو مشروع، مشاوران و محفل ملی خواهد شد. به همچنین عضو هیات معاونت می تواند و باید اطلاعات را از طریق محافل و لحنات ملیه دریافت کند. منبع اولیه اطلاعات معاون از جامعه می بایست تماس مستقیم

او با محافل محلیه، گروهها، و افراد احیاء باشد. به این ترتیب مشاوران همانند محافل روحانیه ملیه از دو منبع مستقل اطلاعات در باره جامعه، بهره می جویند، از یک سو اعضای هیات معاونت و از دیگر سو لجنات ملیه

(نامه بیت العدل اعظم به هیاتهای مشاورین قارمای و محافل روحانیه ملیه، ۱ اکتبر ۱۹۶۹)

❂ چرا اطلاعات موجود در سرورهای حیفا در اسرائیل زلالترین منبع اطلاعاتی برای کلیه نهاد های اطلاعاتی عالم مانند موساد – سیا ووو است ؟

با توجه به این سند در هر کشور دو منبع اطلاعاتی بدون اینکه در جریان فعالیت اطلاعاتی هم باشند وجود دارد و مشاورین قاره ای این نهاد فرامنطقه ای کلیه اطلاعات را از دو منبع متفاوت (معاونین و محافل – عصبه انتخابی و انتصابی) در موضوعات معمولا واحد در یافت می کنند و دلیل زلال بودن این اطلاعات همین است که در یک موضوع هنگامیکه از دو منظر جدا گانه بدون هماهنگی مطالب گزارش شود راستی آزمایی آن بسیار سهل و آسان است زیرا اگر متن خبر با هم منطبق باشد اصل خبر احتمال تحققش بسیار بالاست و به آن می توان اعتماد کرد و در مواردی که خبر از دو منبع متفاوت باشد می توان مستقلا آن را مورد واکاوی قرار داد و راستی آزمایی کرد

انوار هدایت ۴۲۴ – ۴۲۵

نمونه اول :

❂ سندی محکم دال بر تشکیلات جاسوسی عبد البهاء :

وی در این سند اذعان می کند که در شبکه تروریستی ازلیان جاسوس دارد و قبل از ترور شاه می دانست که وی توسط سید جمال الدین و ازلی ها ترور خواهد شد

سر شبکه جاسوسی یعنی ادیب با عنوان یکی از چهار مسئول موسسه فخیمه ایادیان امر الله که توسط بهاء الله بنیان گذاشته شد حامل این پیام سری بود

✔ نامه عباس افندی معروف به عبدالبهاء (فرزند بهاءالله بنیانگذار فرقه ضاله بهائیت) به امین السلطان وزیر داخله دربار ناصرالدین شاه

افندی که رهبر غالب بهائیان را در آن زمان در دست داشت در نامه ای که پیش از ترور ناصرالدین شاه برای امین السلطان فرستاد چنین می‌نویسد: "حضرت سید جمال‌الدین و ازلی‌ها در اسلامبول گرد آمده قصد اقدام بر علیه شاه دارند و دولت بداند که بهائیان از این امر برکنارند."

📖 تاریخ ظهور الحق ج ۸ ص ۴۳۰



(٤٣٠)

حاجی میرزا محمود و با حاجی سیّد میرزا و حاجی سیّد محمّد
به تجارت با چین و ایران پرداخت و چون آقاعلی حیدر
شیروانی در طهران باقدام حاجی ابوالحسن امین اردکانی
بهائی شد و بواسطهٔ امین بحاجی میرزا محمّدتقی وحاجی
سید میرزا طرف تجارتشان قرار میگیرد و باقدام ودرخواست
آقاعلی حیدر از امناء دولت روسیّه حاجی میرزا محمّدتقی
وکیل التّجاره گردید لذا حاجی میرزا محمّدتقی حاجی
میرزا محمّد را برای تصفیه امورتجارتی خود با آقاعلی حیدر
بطهران فرستاد و بدین موجب حاجی میرزا محمّد بسال
۱۳۱۱ وارد طهران گردید و با ایادی امر و حاجی امین
مذکور مصاحب و معاشر گشت و درشورتهای سرّی امری با
آنان بود چنانچه درواقعه ابلاغ حضرت عبد البهاء بواسطه
ادیب که باامناء دولت خصوصا صدر اعظم برسانند که حضرات
سیّد جمال الدّین و ازلیها دراسلامبول گرد آمده قصد
اقدام برعلیه شاه دارند و دولت بداند که بهائیان ازاین
امر برکنارند و حسب مشورت قرار دادند که ادیب طالقانی
بصدر اعظم که در ییلاق حدیقه بیرون طهران میزیست وقت
خواست و خط مبارک را رساند ودر موقع حبس ورفقا
درطهران بعنوان دادن نان و حلوای نذری بآنجا رفته دیدار
کرد و تصویر او با امناء شهر سال ۱۳۱۵ طهران موجود ا

فیلم نمونه ها :

نمونه اول :

شبکه اطلاعاتی بهاء الله در عکل نفوذ در منبع اخبار محرمانه (تلگراف عکا)

تقریرات

جناب آحسین آشچی

در مورد وقایع

بغداد، اسلامبول، ادرنه و عکا

به قلم

آعبدالرّسول ابن خلیل منصور کاشانی


۴۵

آشچی :

روزی حضرت مولی الوری در ساحت اقدس معروض میداشتند تفصیل استقامت و خدمات و اخلاص فوزی پاشا را و حقیر حاضر بودم شنیدم به گوش خود فرمودند ،آقا این پاشا بسیار متشخص است

پاشای بسیار متشخص بکار ما نمیخورد و فرمودند آقا این بسیار متشخص است این را اینجا نمی گذارند، بغتتاً می بینید که تلغراف می آید و این را میبرند اگر چهار نفر مثل این شخص در حکومت عثمانی بود خیلی حکومت عثمانی ترقی می.نمود سرکار آقا از حضور مبارک مرخص شدند و در بیرونی تشریف بردند حق منبع شاهد و گواه است که بعد از یک ساعت و

نیم تلغراف به او آمد که دولت تو را در اسلامبول خواسته و واپور در حیفا حاضر است و **مدیر تلغراف اول به حضور مبارک داد و بعد به او خبر داده شد**. فی الفور سرکار آقا روح ما سواه فداه صورت تلغراف را در ساحت اقدس معروض داشتند و بعد وداع نمود و مسافر شد

نمونه دوم :

نمونه :

✳✳✳

اعضای تشکیلات بیت العدل در دوران پهلوی در پُست های مهم وزارتی و ارتشی حضور داشتند.به تعدادی از این افراد در کتاب تاریخ صدرالصدور اشاره شده است.

▽ ▽ ▽

برادران ارجمند(مسیح و رحیم و ابراهیمپسران خلیل ارجمند) از خانواده های سرشناس یهودی کاشان بودند و سپس بهایی شده ؛ به تهرانمهاجرت کرده بودند.
رحیم ارجمند مدیر وزارت پست و تلفن و تلگراف می شود.
او با باهره خانم دختر ابن ابهر ازدواج می کند و حاصل این ازدواج دختری به نام‌مهری هست که همسر شاپور راسخ می شود.مهری شامور راسخ معلم خصوصی فرزندان محمدرضاشاه پهلوی بود.

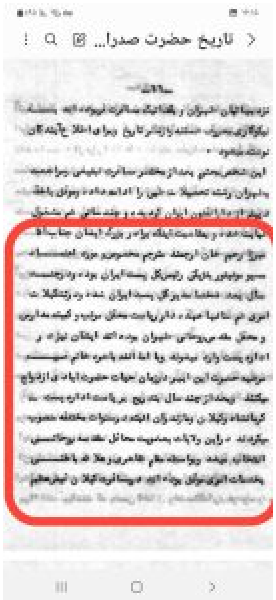
برادران ارجمند دایی حبیب ثابت پاسال بودند که او را هم در انجام معاملات بزرگ تجاری کمک می کنند .
حبیب ثابت پاسال موسس صدا و سیما و واردکننده عمده دستگاههای تلویزیون به ایران بود.

△ △ △

تاریخ صدرالصدور صفحات ۶۵ و ۶۶

✳✳✳





فیلم سند ۲۰ :

سند : ۲۰

نکته :

◈ اجرای نقشه های براندازانه بیت العدل در هر کشوری الویت اول تمام سازمانهای امری است لذا محافل ملی موظف هستند در سطح ملی بشکل تمام عیار در اختیار نیروهای فرامنطقه ای باشند و در راستای بر اندازی و کسب قدرت و برقراری حکومت بهایی در هر کشور با نیروهای اطلاعاتی و امنیتی فرامنطقه ای که خارج از مرزها وارد کشور شده اند همکاری لازم را انجام دهند در واقع در این سند بوضوح بیت العدل اقرار می کند محافل ملی نقش ستون پنجم برای عصبه انتصابی یعنی مشاورین قاره ای جهت اشغال سرزمین را بازی می کند

۱۱۲۹: اجتماع مشاورین اعضای هیئت. اعضای محافل ملی و اعضای لجنات باید مورد تشویق قرار گیرد.

و در اجرای نقشه، می بایست همکاری و همفکری نزدیک میان محفل روحانی ملی و لجنات وابسته به آن و محافل روحانیه محلیه و مشاوران، اعضای هیات معاونت با محفل ملی و لجناتش در جلسه ای وجود داشته باشد زیرا اشتغال آنها در اجرای نقشه در معیت هم می تواند باعث اطلاع از توضیحات هم شود و در همان حال، باعث تحریض اعضاء در اجرای موفقیت آمیز آن شود

(از مکتوب مرقومه از جانب بیت العدل اعظم به یک محفل روحانی ملی ۱۰ اکتبر ۱۹۸۳)



۱۱۲۹ : اجتماع مشاورین، اعضای هیئت، اعضای محافل ملی و اعضای لجنات باید مورد تشویق قرار گیرد.

«...در اجرای نقشه، می‌بایست همکاری و همفکری نزدیک میان محفل روحانی ملی و لجنات وابسته به آن و محافل روحانیه محلیه، و مشاوران، اعضای هیات معاونت با محفل ملی و لجناتش در جلسه‌ای وجود داشته باشد زیرا اشتغال آنها در اجرای نقشه در معیت هم می‌تواند باعث اطلاع از توضیحات هم شود و در همان حال، باعث تحریض اعضاء در اجرای موفقیت آمیز آن شود.»

(از مکتوب مرقومه از جانب بیت العدل اعظم به یک محفل روحانی ملی، ۱۰ اکتبر ۱۹۸۳)

۱۱۳۰ : باید میان اعضای هیات معاونت و لجنات تبادل اطلاعات وجود داشته باشد

«تبادل مستقیم و منظم اطلاعات میان لجنات و اعضای هیات معاونت مجاز و کاملا مطلوب است.»

(از نامه بیت العدل اعظم به همه محافل روحانیه ملیه، جولای ۱۹۷۷)

انوار هدایت ۴۲۴

نمونه :

◈ ارسال اطلاعات بشکل سری اتباع هندوستان به فلسطین بفرمان شوقی (یکی از مشکلات تشکیلات بهایی ارسال کلیه اطلاعات کشور های دیگر به مرکزیت خود در اسرائیل است و این امر ناقض منافع ملی کشور هاست)

توقیعات مبارکه (۱۹۲۲-۱۹۲۶) – ص ۱۰

اغبرار = تیرگی

برودت = سردی

از منبع ترجمه بهایی (۱۹ هزار لغط)



اغبرار

اِغْبرار – بخاک آلوده شدن – تیره و گردآلود شدن – تیرگی – کدورت .

۱ **برد – برودت**

بَّرد – بُّرودَت – (بَرَدَ ـّ بَرّدَ ...

۲ **برودت**

بّرُودَت – سردی – خّنَکی ...

فیلم سند ۲۱ :

سند : ۲۱

۱۱۰۹: اعضای هیات معاونت مشوق و معین امور تبلیغی خواهند بود

مطمئنا، حضرت ولی امرالله احساس می فرمودند که هیاتهای معاونت مشوق و معین امور تبلیغی، که البته در برگیرنده امور مهاجرتی نیز می شود تکیه گاه و حامی محافل روحانیه در اغلب امور صعب و دشوار خواهند بود.

از نامه ای از جانب حضرت ولی امر الله به محفل روحانی ملی آمریکا ۲۰ جون (۱۹۵۴)

❖ وادار کردن بهائیان طی یک عملیات روانی برای اقدامات آخوندی توسط معاونت اطلاعات و عملیات برای ترک محل اقامت خود و مهاجرت به نقاطی که تشکیلات برای آنها معین می کند این در حالی است که تشکیلات بهایی مدعی است ما طبقه روحانی و آخوند نداریم

انوار هدایت ۴۱۷

نمونه :

❖ اعتراف مانی امین زاده یکی از اعضای تشکیلات بهایی نروژ به وجود اقدام بیت العدل به طرد در این زمان و اعلام عمومی نکردن آن این در حالی است که تا چند دهه قبل تشکیلات بهایی علنا افراد را طرد و در اخبار امری منتشر می کرد و ظاهرا دلیلش این است که این اقدام ظاهرا خلاف قوانین کشورهاست و بیت العدل از ترس اینکه مصداق نفض حاکمیت ملی شود مدرکی رسمی دال بر طرد افراد ارائه نمی کند

ضمنا ایشان اعتراف می کند نهاد مداخله گر و امنیتی فرامنطقه ای یعنی مشاورین قاره ای مستقر در اسرائیل اعضای این سازمان را که شهروندان کشور دیگری هستند را کنترل محاکمه و طرد می کنند و این خلاف قوانین کلیه کشورهاست و نقض حاکمیت ملی و خلاف قوانین کلیه کشورها می باشد

ضمنا کل بهائیان نروژ ۲۵۰۰ نفر هستند البته باید دید ایرانیان چه تعداد از این رقم را تشکیل می دهند



https://www.hassanershad.com/wp-content/uploads/2024/07/1631-TARD.mp3

فیلم سند ۲۲

نمونه :

سند : ۲۲

۱۱۰۷ بسیاری از وظائف اعضاء دو هیات و محافل مشترکند

اعضای دو هیات معاونت در ایفای وظایف خود ترویج یک چیز را مدنظر دارند؛ بعلاوه، بسیاری از وظائف اعضاء دو هیأت و محافل مشتر کند، علی الخصوص در زمینه تقویت و تنفیذ که از جمله، مشتملند بر اعلان اتساع، استحکام، تقدم، تشویق احباء به تقدیم تبرعات، عمل به موجب موازین امریه و هدایت آنان به سوی انتصارات نوین در انتشار پیام الهی به همنوعانشان. هر یک از هیاتهای مشاورین اساس مسئولیتهای خاصه هر یک از اعضای هیات معاونت را تعیین می کنند به نحوی که با در نظر گرفتن شرایط هر محل حداکثر توافق حاصل شود. تجربه نشان داده است که غالبا نتایج مطلوب وقتی بدست می آیند که مشاورین در موضوعات مورد نظر با اعضای هیات معاونت خود مشورت نمایند.

همچنین باید خاطر نشان ساخت که این همکاری بین محافل ملیه و محلیه و لجنات وابسته به آنها، که در زمان کنونی دارای مسئولیت عظیم در جهت اداره و اجرای نقشه های تبلیغی، استحکام اساس و صیانت جوامع بهائی می باشند نیز وجود دارد. بدینگونه اعضای هیات معاونت باید به دقت مراقب باشند که عملکرد آنها کار موسسات اداری امر را تقویت و تکمیل می کند.

نامه بیت العدل اعظم به مرکز بین المللی تبلیغ، ۱۰ اکتبر ۱۹۷۶

انوار هدایت ۴۱۶ ـ ۴۱۷

- **شرح مختصری از وظایف معاونت اطلاعات و عملیات معاونین :**

اتساع و توسعه حکومت موازی تشکیلات بهایی

استحکام مواضع متصرفه

ایجاد هیجان جهت جمع آوری پول برای افداف نامشروع بیت العدل

وابسته تر کردن اعضا به سازمان

در راستای اهداف نقشه های بیت العدل عمل کردن

مطیع محض فرامین مسئولین رده بالای خود یعنی مشاورین قاره ای بودن

نمونه :

صنم وطن دوست همسر مانی امین زاده :

سخنان صنم امین زاده همسر معاون مشاور پیشین قاره ای غرب آسیا جبار ایدلخانی مانی امین زاده پیرامون طرد روحانی یک بهایی در نروژ در حالی که بهائیان به دروغ می گویند ما فعلا طردی در بهائیت نداشتیم

سخنان همراه با کینه و بغض زنان بهایی در مورد منتقدان بهایی

فقط به توهین وی به حسن ارشاد و پیام آرین توجه کنید آیا صاحبان این ادبیات چنانچه به حکومت بهایی برسند غیر بهائیان را قتل عام نخواهند کرد ؟



https://www.hassanershad.com/wp-content/uploads/2024/07/sanam.mp3

لینکها :

[منصور کوشان](#)

[رشید وطن دوست](#)

فیلم سند ۲۳ :

سند ۲۳

انتصاب محفل ملی ایران توسط بیت العدل و اعتراف به خروج اطلاعات از این به اسرائیل

۶ شهر القدره ۱۶۳

۹ نوامبر ۲۰۰۶

هیئت مجلله یاران ایران

با تشکر از گزارش مورخ ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۶ آن عزیزان و بعد از بررسی احتیاجات فوری جامعه ممتحن و ممتاز ایران، بیت العدل اعظم الهی با کمال سرور و بهجت انتصاب دوستان عزیزی را که اسامی ایشان به ترتیب الفبا ذیلا مذکور است به عنوان اعضای هیئت یاران ایران اعلان میدارد.

جناب بهروز توکلی، جناب وحید تیزفهم ، خانم مهوش ثابت ، جناب جمال الدین خانجانی ، جناب سعید رضائی، خانم فریبا کمال آبادی و جناب عفیف نعیمی تقاضای بیت العدل اعظم این است که اعلان عمومی این انتصاب به احبای مهد امرالله در ۲۲ نوامبر ۲۰۰۶ صورت گیرد.

بیت العدل اعظم مقرر فرمودند که از این فرصت استفاده نموده از خدمات باهره جناب چنگیزفنانیان و جناب ایرج یزدانی در طی سالیان دراز و دورانی که امواج سهمگین مشکلات و مصائب سفینه امر الله و احبای عزیز آن سرزمین را احاطه کرده قدردانی و سپاسگزاری به عمل آید. معهد اعلی با تقدیم اشواق قلبی مخصوص به این دو خاوم برازنده امر الهی، اظهار اطمینان فرمودند که از این پس نیز به خدمات خود به امر مبارک در میادین سایره ادامه خواهند داد
بیت العدل اعظم الهی در اعتاب مقدمه علیا برای موفقیت هر چه بیشتر هیئت یاران ایران در انجام وظائف خطیره محوله و برای قاطبه جامعه احیای آن سامان و نیز برای مزید موفقیت جنابان فنانیان و یزدانی دعا فرموده از درگاه جسه، اقدس ابهی تأئیدات غیبیه لاریبیه اش را برای همگی
مسئلت خواهند نمود.

با تقدیم تحیات

از طرف دارالانشاء بیت العدل اعظم



سند بعدی

نقش ایدلخانی (مشاور قاره ای) بین هیئیت یاران ایران و دار التبلیغ مستقر در کشور متخاصم اسرائیل



۱۱ شهر السائل ۱۶۳

۲۲ دسامبر ۲۰۰۶

THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE

DEPARTMENT OF THE SECRETARIAT

Transmitted electronically

Mr. Siavosh Khanjani Canada

برادر عزیز روحانی جناب سیاوش خانجانی علیه بهاء الله لطفاً مطالب ذیل را با هیئت یاران ایران در میان نهید.

عطف به رقیمۀ مورخه ۳ دسامبر ۲۰۰۶ آن عزیزان در خصوص مشورت با مشاور قاره ای جناب دکتر جبار ایدلخانی، بیت العدل اعظم الهی مقرر فرمودند مطالب ذیل ابلاغ گردد

مشورت هیئت یاران با جناب ایدلخانی در کلیه امور بلامانع است. آن هیئت مجلله باید با کمال آزادی خیال درباره هر موردی که صلاح بدانند و یا در هر خصوصی که از طرف جناب ایدلخانی برای تبادل نظر پیشنهاد شود مشورت نمایند زیرا این قبل مشورت ها بین اعضای در جناح نظم اداری جهانی بهائی جاذب تأییدات الهیه و بروز قوای روحانی و مالا پیشرفت مصالح امری می باشد.

با تقدیم تحیات

از طرف دارالانشاء بیت العدل اعظم

امضا :

سیوشانسیان

چهار نفر از هفت نفر هیئت یاران رسما جزء معاونین مشاورین قاره ای بودند لینک

نتیجه اینکه :

اعتراف به نقض تمامیت ارضی ایران و حق حاکمیت ملی ایران توسط بیت العدل و ارسال داده و اطلاعات از ایران به اسرائیل توسط تشکیلات بهائی .
در اواخر سال ۲۰۰۶ بیت العدل (اسرائیل) اعتراف می کند که بهائیان به این مرکز گزارش هایی ارسال می کنند . بر مبنای این گزارش ها اسرائیل برای هزاران ایرانی تعیین تکلیف می کند .

این گزارش ها همیشه و پیوسته به اسرائیل ارسال می شده و می شود . گزارش های ارسالی هیچگاه در معرض دید عموم نبوده و نیستند . گزارش ها مخفیانه و کاملا محرمانه هستند . با توجه به تاسیس موسسه آموزش ملی و منطقه ای بهائی در ایران (به اقرار خود بیت العدل در دیگر پیام هایش) ، این گزارش ها شامل احوال و اوضاع شهروندان ایران و حاکمیت ایران است .چه که موسسه آموزشی بیت العدل زیر نظر نهاد انتصابی این تشکیلات در اسرائیل ، بر اساس دیتا و کلاسترینگ ، فرایند بهائی سازی و توسعه اجتماعی- اقتصادی را در ایران پیاده می سازد . فرایندی که هدفش بسط حکومت بهائی در سراسر دنیا و به ویژه ایران است .

در پیام سال بعد بیت العدل (اسرائیل) ، به بهائیان ایران به ویژه هیئت یاران دستور داده می شود که از رموز خفیه اعداء بهائیت اطلاع یابند . از جمله اعداء بهائیت کلیه مسلمانان و هر شخصی و یا گروهی است که از امر بهائی اعراض کند یا به آن اعتراض کند و یا حتی در برابر این تهاجم از خود دفاع کند . از جمله معترضین م معرضین حکومت مستقر در ایران و هر سه قوه آن و بالاخص قوای اطلاعاتی ایران هستند .

در واقع بیت العدل اعتراف می کند که بهائیان ملزم به جاسوسی از غیر بهائیان هستند . چه که اطلاع از رموز مخفی زندگی و سازمانی غیر بهائیان نیاز به تجسس و نفوذ دارد .
بیت العدل (اسرائیل) هیچ گاه منابع اطلاعاتی و گزارش های ارسالی از طرف بهائیان را منتشر نکرده و البته منتشر هم نخواهد کرد . این گزارش ها بنا بر تحقیقات مفصل از سال ها پیش به صورت الکترونیکی بوده است . نرم افزار قدیمی جمع آوری اطلاعات بیت العدل قبلا در وبسایت روسی این سازمان موجود بود .

اسرائیل با جمع آوری این گزارش ها و تجزیه و تحلیل آنها اقدام به کلاستر بندی ایران و کلاس بندی کلاستر های ایران می کند . این فرایند نوعی یادگیری ماشینی است !(برای اطلاعات بیشتر به مقالات کلاسترینگ در علوم داده ، آنالیز داده توسط ماشین و نحوه یادگیری ماشین و هوش مصنوعی مراجعه کنید) . یعنی بیت العدل و بهائیان ماشینی هستند برای توسعه منافع این تشکیلات زیر نظر اسرائیل در ایران .از این روست که شاهد اسلام ستیزی و توهین به مقدسات توسط بهائیان انتصابی هستیم .آن ها ماشین توسعه اند .
تنها کلمه "گزارش" های دریافتی با توجه به پیام های بیت العدل (اسرائیل) نقض حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و دخالت اسرائیل در تعیین سرنوشت ملت ایران است . تاکید می شود این فرایند کاملا مخفیانه(رعایت حکمتی) و با جنبه حق به جانب مابانه و تحت عنوان "پیشبرد امر الهی " ، "خدمت" ،" اعتلای مهد امر اله " ، "خدمت به جامعه بشری " و ... از اسرائیل در ایران انجام می شود .

کاملا توضیح داده شده است که گزارش ها و ارسال اطلاعات در راستای حاکمیت ملی و در طول و عرض تمامیت ارضی ایران نیست بلکه فرایندی است برای تغییر فرهنگ و دین ملت ایران برای تبدیل شدن به آنچه بیت العدل (اسرائیل) "جنود بهاء اله " می نامد .

فیلم سند ۲۴ :

سند ۲۴ :

ح – هیاتهای معاونت صیانت و تبلیغ

۱۱۰۳ : حضرت ولی امرالله دو هیات معاونت با وظایفی متفاوت ولی مکمل یکدیگر تاسیس فرمودند توقیع منیع ولی محبوب امرالله در اکتبر ۱۹۵۷ به وضوح اشاره می کند که دو هیات معاونت باید وظایفی متفاوت ولی مکمل یکدیگر داشته باشند. در توقیع مذکور آن حضرت هیات صیانت را به وظیفه مراقبت و حفظ امرالله مخصص میدارد و میفرماید که وظیفه هیات تبلیغ، من بعد، منحصرا به پیشبرد اهداف نقشه دهساله مربوط می شود.

همچنین لازم به یادآوری است که این **دو موسسه توامان وظایف مکمل** خود را از **یک منبع** و بطور یکسان کسب میکنند مناسبات مشترکی دارند و اعضای هر دو به عنوان **نماینده، معاون و مشاور ایادی امرالله** و در زمان حاضر **هیاتهای مشاورین قاره ای** فعالیت میکنند. بعلاوه، بدیهی است که حضرت ولی امرالله مایل به جدا کردن موضوعات اساسی در میدان عمل **هیاتهای معاونت نبودند** بلکه ترک این قبیل مسائل را به منظور ادامه کار در پرتو تجربه مرجح میداشتند.

(نامه بیت العدل اعظم به مرکز بین المللی تبلیغ، ۱۰ اکتبر ۱۹۷۶)

نمونه :

تقریرات

جناب آحسین آشچی

در مورد وقایع

بغداد، اسلامبول، ادرنه و عکا

به قلم

آعبدالرّسول ابن خلیل منصور کاشانی

۳۴ تقریرات آشچی

شد و پس از چهار روز فوت شد. دیگر چه جوهر محبّتی در این وجود مکنون بود که بمجرّد تشرّف به حضور جمال قدم جلّ کبریائه آثار فنا و نیستی و توجّه و انقطاع از وجودش عیان گردید.

باری، شبی از شبها یکی از زنهای معاندین حضور جمال مبارک جلّ کبریائه آمد و تفصیلاتی در ساحت اقدس معروض داشت که در همان شب جناب آمیرزا محمّدقلی علیه بهاءالله‌الابهیٰ اخوی جمال قدم جلّ کبریائه آمدند بحقیر ذکر نمودند که آب‌انبار را خالی کنم و خوب بشویم و بعد از تنظیف و شستن در آب‌انبار را محکم ببندم و قفل کنم و حقیر حسب‌الامر مبارک آب‌انبار را خوب شستم و درش را محکم گرفتم. این یک اذیّتی بود که مذکور گردید. دیگر ملاحظه فرمایید که مظاهر امر الهی چه مصائبی را از اعداء تحمّل می‌فرمایند و در الواح مبارک مصائب وارده را بر اهل عالم بیان میفرمایند تا مصائب وارده را خلق اطّلاع یابند و در مظاهر قدس احدیّه این‌گونه امور وارد نشود، معذلک در یوم طلعت میثاق الهی بر آن هیکل نورانی، اهل فتور چه مصائبی وارد آوردند که چشم ابداع ندیده و آن هیکل لطف و مرحمت هر مصیبتی را بر وجود مبارک تحمّل فرمود و اظهار نداشت حفظاً لامرالله المهیمن العزیز المتعال.

پرستوهای بهاء الله :

تقریرات آشجی ص ۳۴

باری شبی از شبها یکی از زنهای معاندین حضور جمال مبارک جل کبریائه آمد و تفصیلاتی در ساحت اقدس معروض داشت که در همان شب جناب آمیرزا محمدقلی علیه بهاء الله الا بهی اخوی جمال قدم جلّ کبریائه آمدند بحقیر ذکر نمودند که آب انبار را خالی کنم و خوب بشویم و بعد از تنظیف و شستن در آب انبار را محکم ببندم و قفل کنم و حقیر حسب الامر مبارک آب انبار را خوب شستم و درش را محکم گرفتم این یک اذیتی بود که مذکور گردید.

⊗ نقش هیئتهای معاونت مشاورین قاره ای و نقشه جهانی ده ساله شوقی که اختصاصا بازیگران اصلی برای براندازی از جمله در ایران را در سال ۱۳۳۲ بازی می کردند در این سند به روشنی هویداست لذا در این سند باید نکات زیر مورد دقت قرار گیرد :

اولا : مجریان نقشه های براندازانه ایادیان امر و نیروهای تحت امر آنها اعضای هیئتهای معاونت می باشند

ثانیا : وظایف اقدامات اطلاعات و عملیاتی (حراست و ترویج – تغییر بافت جمعیتی) به جهت اهمیت هر دو اقدام به دو معاونت مجزا محول گردید تا هر دو هدف با دقت بالایی انجام گیرد

ثالثا : افرادی مانند مسیح فرهنگی در کارنامه خود حضور در چنین اقداماتی را دارند مخصوصا نقش وی به صراحت در زندگی نامه اش آمده است لذا برخورد شدید دستگاه سلطنتی پس از فهمیدن اهداف شوم نقشه ده ساله شوقی از طریق فرهیختگان آن زمان و تخریب حظیرت القدس به دستور مستقیم شاه نمایانگر این خیانت به تمامیت ارضی و نقض حاکمیت ملی ایران بود و شاید به همین دلائل می سال ۶۲ اعدام گردید چون در آن زمان وی مشاور قاره ای غرب آسیا بود

انوار هدایت : ۴۱۵ – ۴۱۶

====

فیلم سند ۲۵

فیلم سند ۲۵

و – دار التبليغ بين المللی

۱۰۸۷ : تاسيس دارالتبليغ بين المللی و وظائف آن

اکنون زمان برای تاسيس دارالتبليغ بين المللی بسيار مساعد و مناسب است اقدام و توسعه ای که همزمان، هم کار و فعاليت ايادیان مقيم ارض اقدس را به ثمر و نتيجه خواهد رساند و هم امکان توسعه و گسترش آن را به آينده فراهم خواهد آورد. همچنين موسسه مشاورين قاره ای را نزديکتر و صميمانه تر با ايادیان امر الله مرتبط و متصل کرده و انجام مسئوليتهای سريع التزايد بيت العدل اعظم را نيز، قدرتمندانه تقويت می نمايد.

وظائف محوله به اين موسسه نوبنياد، در حال حاضر عبارتند از:

(۱) هماهنگ کردن و تحريص و هدايت نمودن فعاليتهای هياتهای مشاورين قاره ای و نيز عمل بعنوان رابط ميان آنها و بيت العدل اعظم الهی.

(۲) اطلاع کامل يافتن از موقعيت امرالله در کليه نقاط دنيا و قادر بودن بر اساس و با استفاده از اين آگاهيها جهت تهيه و ارسال گزارشها و توصيه هايی به بيت العدل اعظم و نيز ارائه هدايات و نظرياتی
به مشاورين قاره ای

(۳) مترصد فرصتها و امکانات بودن چه در درون جامعه بهايی و چه در بيرون آن، به جهت اتساع فعاليتهای تبليغی به نواحی مستعد و محتاج و جلب توجه بيت العدل اعظم و نيز هياتهای مشاورين قاره ای به اين امکانات همراه با توصيه های مناسب جهت عمل و اقدام.

(۴) تعيين و پيش بينی نيازهای مطبوعاتی و نيز نياز به مهاجرين و مبلغين سيار و تهيه طرحها و نقشه های تبليغی منطقه ای و جهانی و تقديم جهت تصويب به بيت العدل اعظم الهی. کليه ايادیان امر الله اعضاء دار التبليغ بين المللی هستند هر کدام از آنان مرتبا بواسطه گزارشها و رونوشتهايی از خلاصه مذاکرات اين مرکز از فعاليتها مطلع گشته و قادر خواهند بود در هر جائيکه ساکن و يا در حال سفر باشند پيشنهادات توصيه ها و اطلاعات خود را به مرکز ارسال دارد و هر گاه نيز که در ارض اقدس ،باشند در مذاکرات و مشاورات و ساير فعاليتهای مرکز مشارکت نمايد.

خط ۸ جون ۱۹۷۳ معهد اعلی خطاب به احبای دنيا

❖ اين سند بسيار مهم است

اولا : تصريح می کند دار التبليغ مسئول وظايف ايادیان امر است يعنی اقدامات اطلاعاتی و عملياتی در سطح جهانی به اين نهاد تسری می يابد

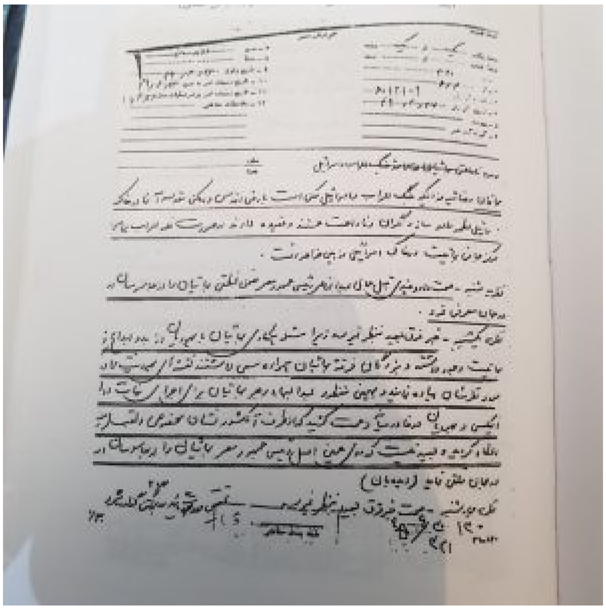
ثانيا : با توجه به بند دوم و سوم که بسيار مهم است وظيفه ذاتی اين دار التبليغ کسب خبر و اطلاعات کليه نقاط جهان و ارسال آن به اسرائيل است تا بيت العدل بر مبنای پيشنهادات اين موسسه و اطلاعات داده شده در راستای اجرای نقشه های براندازانه تصميم گيری و ابلاغ نمايد

ثالثا : وظيفه طراح نقشه ها و مشروعات بهايی که در راستای فتح اقاليم و براندازی داخل کشورهاست بر عهده اين نهاد گذاشته شده است

انوار هدایت ۴۱۰ ـ ۴۱۱

====

نمونه :



☑ اسناد مربوط به جاسوس اسرائیل دانستن بهائیان در جنگ اعراب و اسرائیل توسط جمال عبد الناصر در مصر به روایت اسناد ساواک .

فرمان غیر قانونی بودن تشکیلات بهایی در مصر توسط جمال عبد الناصر :

جمهوری عربی مصر ـــ قانون شماره ۲۶۳ از سال ۱۹۶۰ ـــ در تاریخ ۱۹/۷/۱۹۶۰

بر انحلال لوج بهاییان.

ماده (): پس از perused قانون اساسی موقت؛ قانون شماره ۱۶۲ سال ۱۹۵۸ در مورد وضعیت اضطراری؛ فرمان شماره ۱۱۷۴ ریاست جمهوری در سال ۱۳۳۷ ادامه اعلام وضعیت اضطراری؛

ماده ۱ : تمامی لوج های بهایی و مراکز آنها واقع در دو سرزمین جمهوری منحل و فعالیت آنها متوقف خواهد شد. افراد، و نهادها از انجام هر گونه فعالیتی که این انجمن ها و مراکز به آن مشغول بودند منع شده اند. وزیر کشور می تواند تصمیمات لازم را برای خاتمه دادن به فعالیت این گونه انجمن ها و مراکز صادر کند.

ماده ۲: وجوه و دارایی های لوج بهایی و مراکز آنها با صدور فرمانی از طرف وزیر کشور به بدن هایی منتقل می شود و می تواند متولی را بر وجوه، اسناد و اوراق متعلق به آنها تعیین کند.

ماده (۳): هر که بدهکار و یا دارنده هر یک از وجوه این انجمن ها و مراکز باید اعلامیه آن را به گیرنده مورد اشاره در ماده قبل ظرف دو هفته ارائه، و او باید آن را به او در زمان مشخص شده توسط او تحویل دهد. به همین ترتیب، هر شخصی که قبل از این انجمن ها و مراکز مدعی استحقاق هر گونه مالکیت یا حقوق در rem یا شخصی باشد، باید به گیرنده اذعان به آنچه ادعا می کند، همراه با قراردادها یا اسنادی که ممکن است در محدوده زمانی تعیین شده در بند قبل داشته باشد، تسلیم شود، در غیر این صورت حق او برای ادعای آنچه ادعا می کند از بین می رود. متولی می تواند قراردادهای انعقاد شده با چنین مجامع و مراکزی را بدون چنین لغوی که مستلزم هرگونه حق جبران خسارت است لغو کند.

ماده (۴): هرگونه تخلف از مقررات این قانون به حبس برای مدت نه کمتر از شش ماه و جریمه ای که از صد پوند یا یک هزار پوند تجاوز نمی کند یا یکی از این دو مجازات مجازات می شود، مجازات می شود.

ماده (۵): این قانون در روزنامه رسمی منتشر می شود و از تاریخ انتشار آن به اجرا در می آید.

امضا شده: گامال عبدالناسر – رئیس جمهوری متحد عربی

http://site.eastlaws.com/GeneralSearch/Home/ArticlesTDetails?MasterID=42268

==

سند ۲۶ :

◈ دستور تشکیلات بهایی به افراد مهاجر خود مبتنی بر گزارش و انتقال اطلاعات از حوزه فعالیت خود طی نقشه ده ساله به اسرائیل

سوال این است آیا ارسال این گزارشها توسط افرادی که بومی و اهل آن کشور نبودند و به بهانه تحصیل و تحرکات شغلی و مالی و بازرگانی رفته بودند و ارسال این اطلاعات به اسرائیل خلاف امنیت ملی کشورها نیست ؟
لازم به ذکر است مدیریت کلیه این تحرکات اطلاعاتی زیر نظر ایادیان امر (دار التبلیغ فعلی صورت می پذیرد)

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۹۶۳-۱۱-۱۴

بیت العدل اعظم مرکز جهانی بهائی حیفا اسرائیل (ترجمه)
عموم محافل روحانیه ی ملیه
یاران عزیز
جهاد کبیر اکبر روحانی – تاریخ تجربیات مهاجرین

یک تاریخ کامل جهاد کبیر اکبر روحانی که اندکی پیش خاتمه یافته است، بسیار مهم است که در پرونده ی آرشیو این هیأت موجود باشد. تجربیات بسیاری از مهاجرین شجیع که خدمات و جانفشانی آنها این فتوحات باهره را امکان پذیر ساخت، نتیجتا با پیروزی این مرحله ی نقشه ی ملکوتی به پایان رسید حتما بایستی مهمترین قسمت این تاریخ را تشکیل بدهد.

۱. بنا بر این از عموم محافل روحانیه ی ملیه درخواست میشود که از مهاجرینی که تحت اشراف آن محافل میباشند تقاضا نمایند که خلاصه ی تجربیات خویش را در ایام جهاد جهانی روحانی به رشته ی تحریر درآورند و مهم تر از نقل حوادث تاریخی صرف شرح این تجربیات است که بایستی طوری زنده و با روح نوشته شود که الهام بخش نسلهای آینده ی مهاجرین بهائی گردد.

۲ شاید از آن زمان تا کنون مهاجری به ملکوت ابهی صعود نموده و یا مایل نباشد تجربیات خود را به رشته ی تحریر در آورد، در این صورت گزارش وقایع مهمه از قبیل فتح اقالیم جدیده و امثال آن را بایستی محفل روحانی ملی مربوطه تهیه و ارسال نماید.

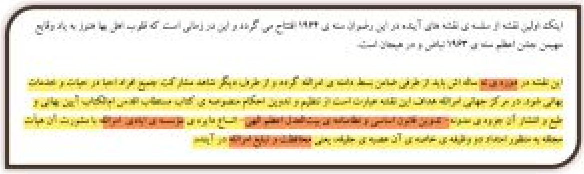
سند ۲۷ :

فیلم نقد :

- **اهمیت و جایگاه عالیترین نهاد اطلاعاتی و امنیتی تشکیلات بهایی :**

در ابتدای تاسیس بیت العدل نهاد اطلاعاتی در این سازمان آنقدر جایگاه ویژه ای دارد که در اولین نقشه بیت العدل که نه سال بطول انجامید یکی از وظایف این سازمان توسعه شبکه اطلاعاتی ترسیم شده است تا در راستای اتساع آن این نهاد اطلاعاتی تسهیل گر هدف بیت العدل از نگاشتن این نقشه در راستای تسلط بر حکومتها باشد

پیام بیت العدل تاریخ : ۲۹ ۱۹۶۴-۰۴-۰۱



اینک **اولین نقشه** از سلسه ی نقشه های آینده در این رضوان سنه ی ۱۹۶۴ افتتاح می گردد و این در زمانی است که قلوب اهل بها هنوز به یاد وقایع مهیمن جشن اعظم . سنه ی ۱۹۶۳ نباض و در هیجان است.

این نقشه در دوره ی **نه ساله اش** باید از طرفی ضامن بسط دامنه ی امرالله گردد و از طرف دیگر شاهد مشارکت جمیع افراد احبا در حیات و خدمات بهائی شود. در مرکز جهانی امرالله هداف این نقشه عبارت است از تنظیم و تدوین احکام منصوصه ی کتاب مستطاب اقدس ام الکتاب آیین بهائی و طبع و انتشار آن جزوه ی مدونه تدوین قانون اساسی و نظامنامه ی بیت العدل اعظم الهی – **اتساع دایره ی مؤسسه ی ایادی امرالله با مشورت آن هیأت مجلله به منظور امتداد دو وظیفه ی خاصه ی آن عصبه ی جلیله یعنی محافظت و تبلیغ امرالله در آینده.**

نمونه :

🟔 بهروز توکلی بنابر اظهارات یکی از سرشبکه های اطلاعاتی تشکیلات بهایی خراسان (منوچهر مفیدی) زیر نظر مشاور قاره ای مسئول شبکه جاسوسی و اطلاعاتی بیت العدل در غرب آسیا و ایران؛ژینوس محمودی به عنوان معاون وی انتخاب گردید.
مفیدی اعتراف می کند وی همچنان در پوشش کارگاه نجاری به وظیفه اطلاعاتی خود تا سال ۱۳۶۶ مشغول بود ضمنا ایشان شاگرد ریاض قدیمی معاون مشاور قاره ای و ساواکی مشهور هم بودند و عضو هیئت یاران هم بودند که بابت همین اقدامات به ده سال حبس محکوم گردیدند

https://bahaipedia.org/Behrouz_Tavakkoli

جامعه بهائی خراسان، رویدادها و خاطره ها – منوچهر مفیدی ص ۲۰۹

در سال ۱۳۵۹ سرکار زینوس خانم محمودی (نعمت) که آن وقت عضو هیئت مشاورین قارّه‌ای بودند در طهران در منزل جناب مهندس علویان شهید با بهروز ملاقات نمودند و او را به عضویّت هیئت معاونت برگز[illegible].

بهروز بعد از اخراج از دستگاه دولت در سال ۱۳۵۹ ابتدا به شغل نمایندهٔ فروش نوعی کاغذ حسّاس (برای تهیّهٔ سواد عکسی) و سپس به اتّفاق جناب حسام الدّین ثابتیان به شغل نجّاری مشغول شد ولی بدون وقفه به خدمات امری ادامه می‌داد. بعداً در مشهد مغازهٔ نجّاری نزدیک کارخانهٔ قند آبکوه دایر کرد و دامنهٔ خدمات امری خود را وسعت بخشید و کلاسهایش در گرگان و گنبد نیز تشکیل شد و ماهی یک بار با اتوبوس به این شهرها می‌رفت و کلاسها را اداره می‌کرد. بعد از چندی یعنی در سال ۱۳۶۶ احبّای گنبد از او خواستند که در آن شهر ساکن شود و به همان شغل نجّاری بپردازد و چنین شد. البتّه بهروز همچنان به ادارهٔ کلاسهای امری در گنبد و گرگان ادامه می‌داد.

سند ۲۸ :

فیلم نقد :

❖ نکات مهم این سند :

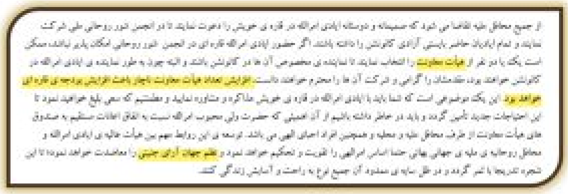
اولا ضرورت حضور نهاد امنیتی فرامنطقه ای در انتخابات محافل ملی فرمایشی بودن آن را هویدا می نماید

ثانیا : سازوکارهای مالی نهاد امنیتی دقیقا ملاحظه می شود یعنی بار مالی این نهاد امنیتی فرامنطقه ای بر دوش نیروهای داخل کشورهاست پس این نهادهای اطلاعاتی مفصل حقوق بگیر از بیت العدل هستند

پ ن : آیا می شود تراکنش مالی این نهاد اطلاعاتی را بیت العدل در اختیار جامعه جهانی قرار دهد ؟ آیا این مصداق پولشوئی در سطح جهانی نیست به عبارتی نیروهای امنیتی فرامنطقه ای با هزینه های نامعلوم بشکل سیستماتیک مشغول اقدامات ضد امنیتی برای وصول به اهداف نقشه ها در راستای بر اندازی در هر کشور این دقیقا مصداق جرائم سازمان یافته می باشد

ثالثا در انتهای سند بصراحت نظام اداری فعلی تشکیلات را بیت العدل جنینی می داند و متولی این جنین تا بلوغ را نهاد امنیتی ایادیان امر و معاونینشان می دانند

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۹۶۴-۱۱-۰۱



از جمیع محافل ملیه تقاضا می شود که صمیمانه و دوستانه ایادی امرالله در قاره ی خویش را دعوت نمایند تا در انجمن شور روحانی ملی شرکت نمایند و تمام ایادیان حاضر بایستی آزادی کانونشن را داشته باشند. اگر حضور ایادی امرالله قاره ای در انجمن شور روحانی امکان پذیر نباشد، ممکن است یک یا دو نفر از هیأت معاونت را انتخاب نمایند تا نماینده ی مخصوص آنها در کانونشن باشند و البته چون به طور نماینده ی ایادی امرالله در کانونشن خواهند بود، مقدمشان را گرامی و شرکت آنها را محترم خواهند دانست. افزایش تعداد هیأت معاونت ناچار باعث افزایش بودجه ی قاره ای

خواهد بود. این یک موضوعی است که شما باید با ایادی امرالله در قاره ی خویش مذاکره و مشاوره نمایید و مطمئنیم که سعی بلیغ خواهید نمود تا این احتیاجات جدید تأمین گردد و باید در خاطر داشته باشیم از آن اهمیتی که حضرت ولی محبوب امرالله نسبت به انفاق اعانات مستقیم به صندوق های هیأت معاونت از طرف محافل ملیه و محلیه و همچنین افراد احبای الهی میباشد توسعه ی این روابط مهم بین هیأت عالیه ی ایادی امرالله و محافل روحانیه ی ملیه ی جهانی بهائی حتما اساس امرالهی را تقویت و تحکیم خواهد نمود و نظم جهان آرای جنینی را معاضدت خواهد نمود؛ تا این شجره تدریجا با ثمر گردد و در ظل سایه ی ممدود آن جمیع نوع به راحت و آسایش زندگی کنند.

سند ۲۹ :

فیلم نقد :

سند تکان دهنده از خیانت بهائیان به شاه علی رغم اعتماد وی به این سازمان

در این سند به وضوح شاهد خیانت بیت العدل به حاکمیت ملی ایران در زمان شاه بسال ۱۹۶۵ هستیم

اولا طبق این سند جایگاه علی اکبر فروتن که ایادی امر و در راس نهاد امنیتی بین المللی بیت العدل می باشد را مشاهده می کنیم و اصل تمام تحرکات این فرد در ایران با این مسئولیت امنیتی و عاملیت وی برای نهاد های امنیتی مستقر در اسرائیل حائز اهمیت است

وی مسئول مدرسه تربیت تحت نظارت مستقیم شوقی افندی بود یعنی مدرسه ای که مهره پرور برای حکومت بهایی فعالیت می کرد

ثانیا طبق این سند حضور علی اکبر فروتن در ایران به عنوان ظرفیت سازی جهت رسیدن به اهداف نقشه نه ساله در راستای بر اندازی و برپایی حکومت بهایی توسط یک نیروی امنیتی که در راس سازمان قرار دارد اهمیت اقدامات وی را از جهت تحرکات ضد امنیتی و نقض حاکمیت ملی را دو چندان می نماید

ثالثا بر طبق این سند سازماندهی اتباع ایرانی برای اجرای نقشه نه ساله و اقدامات بر اندازانه در کشورهای همجوار تحت عنوان مهاجرت به سایر ممالک بخطر انداختن حیثیت ملی در تعاملات منطقه ای برای ایران را فراهم کرد که باید بیت العدل برای تمام این اقدامات مجرمانه امنیتی پاسخ گو باشد

پیام بیت العدل تاریخ : ۵۸ ۱۹۶۵-۰۲-۰۴



محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه

با کمال مسرت خاطر آن معاضدان عزیز را مستحضر میداریم که حضرت ایادی امرالله جناب فروتن علیه بها الله بر اثر تصمیمات اخیره راجع به مسافرت حضرات ایادی امرالله به اقالیم ،مختلفه عن قریب به ترکیه و متعاقباً به

ایران مسافرت میفرمایند تا چندی در نقاط مختلفه آن کشور به سیر و سفر پرداند و در مجهودات بلیغه یاران آن سامان مشارکت فرمایند و حامل تحیات قلبیه روحانیه این مجمع به عموم آن عزیزان باشند و کل را به انفاس طیبه خویش مستبشر و از تجارب متمادیه لایقه خود مستفیض سازند. بدیهی است که آن محفل از این فرصت مغتنم استفاده شایان فرماید و وسیله ملاقات جناب فروتن را با احیای عزیز الهی تا حداکثر امکان فراهم نمایند؛ زیرا شکی نبوده و نیست که ملاقات این شخص جلیل که سالیان دراز به عبودیت آستان الهی در مهد امرالله موفق و متباهی و به عنایات نامتناهی مولای عزیز بی همتا مخصوص و به رضایش مفتخر بوده اند، بر شور و انجذاب ستایندگان جمال ابهی و یاران عزیز و ممتحن و فداکار ایران بیفزاید و آنان را بیش از پیش بر اجرای وظایف عالیه روحانیه شان مخصوصاً در قبال نقشه نه ساله . ، قائم سازد و ممهد سبیل جهت آن محفل جلیل شود تا انشاءالله از شوق و هیجان و قیام جدید یاران مستفید گردند و کل را در ظل هدایت و قیادت خویش به قلل شامخه جدیده فتح و ظفر کشانند.

به علاوه از جناب فروتن تقاضا شد درباره بعضی از مسائل مهمهٔ مخصوصه با آن محفل مشورت فرمایند:

لزوم قیام جنود مجنده مهاجران ایران به تعداد و سرعتی بیشتر و انتشار و مهاجرت یاران از نقاط کثیر الجمعیه بهائی علی الخصوص از مدینه منوره طهران و حومه جهت تأسیس و تقویت نقاط لازمه امریه در خارج و داخل آن کشور فرخنده اختر.

– تعیین نفس یا نفوس مبارکه ای که مرجحاً به زبان انگلیسی آشنا باشند جهت مهاجرت و اقامت در پاکستان که بالمآل در خدمات اداری و روحانی آن سامان مؤثر باشند.

– تعیین و معرفی دو نفس یا دو عائله منقطع و لایق هنرمند جهت خدمت در ارض اقدس به شرایطی که جناب فروتن شفاهاً با آن محفل مذاکره

فرمایند.

لزوم تقویت روحانی جوانان و نونهالان

ترتیب سریع ارسال سواد توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله به اعزاز آن محفل به این شطر.

باری، نکات مذکوره کل مواضیعی است که جناب فروتن به تقاضای این مجمع با آن محفل مشاوره خواهند فرمود. بدیهی است آن محفل جمیع را به دقت ملاحظه و مطالعه کرده نتیجه تصمیمات خویش را به این هیئت مرقوم فرمایند.

از جناب فروتن، ایادی امرالله تقاضا گردید تاریخ و مدت مسافرت خود را رأساً به اطلاع آن محفل مقدس برسانند.

در اعتاب مقدسه جهت آن برگزیدگان عزیز و یاران در مهد امرالله به ادعیه مخصوصه مکرره ذاکریم.

سند ۳۰ :

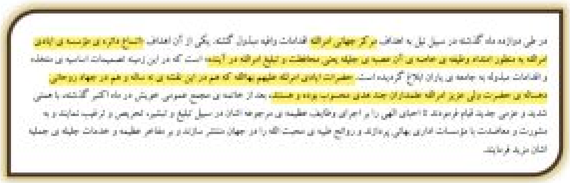
فیلم نقد :

✥ اهمیت و جایگاه عالیترین نهاد اطلاعاتی و امنیتی تشکیلات بهایی :

در ابتدای تاسیس بیت العدل نهاد اطلاعاتی در این سازمان آنقدر جایگاه ویژه ای دارد که در اولین نقشه بیت العدل که نه سال بطول انجامید یکی از وظایف این سازمان توسعه شبکه اطلاعاتی ترسیم شده است تا در راستای اتساع آن این نهاد اطلاعاتی تسهیل گر هدف بیت العدل از نگاشتن این نقشه در راستای تسلط بر حکومتها باشد

نکته بعدی اینکه : نقش این نهاد امنیتی در محوریت اجرای نقشه های بیت العدل در راستای بر اندازی و برقراری حکومت بهایی هم در زمان شوقی و نقشه ده ساله وی ۱۹۵۳ الی ۱۹۶۳ و هم نقشه نه ساله ۱۹۶۴ الی ۱۹۷۳

پیام بیت العدل تاریخ ۷۰ ۱۹۶۵-۰۴-۲۱



سند ۳۱ :

متن زیر از کانالهای بهایی عینا تقدیم می گردد سندی روشن دال بر عضویت اعضای بیت العدل در سرویس های امنیتی بیت العدل اعم از مساعدین هیئت معاونت و مشاورین قاره ای

لینک منبع :

https://t.me/AlbomeTasavireAmri/3401

(https://tinyurl.com/y7y4qcwk)

جناب هوپر دانبار



از اعضای بیت العدل اعظم الهی از سال ۱۹۸۸ تا سال ۲۰۱۰

متولد ۳۰ مارچ سال ۱۹۳۷
محل تولد: لس آنجلس، کالیفرنیا، آمریکا
نام همسر: مارالین دانبار

آقای دانبار در لس آنجلس، کالیفرنیا، ایالات متحده به دنیا آمد. او بازیگر و فیلمساز بود و با استودیوهای کلمبیا، مترو-گلدوین-مایر و فاکس قرن بیستم فیلم ساخت و عضو انجمن بازیگران فیلم آمریکا بود. در سال ۱۹۵۸ هالیوود را ترک کرد و در آمریکای مرکزی و جنوبی اقامت کرد و در آنجا به تدریس هنر و زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم پرداخت و یک تجارت طراحی گرافیک راه اندازی کرد. با این حال، علاقه اولیه او در آن سالها کار داوطلبانه به عنوان معلم و مدرس برای دیانت بهائی بود.
آقای دانبار از زمان تأسیس محفل روحانی ملی بهائیان نیکاراگوئه در سال **۱۹۶۱ تا سال ۱۹۶۳ عضو محفل ملی** آن کشور بود. پس از آن، او به عنوان **عضو هیئت معاونت** در حفظ و **صیانت و تبلیغ** در قاره آمریکا منصوب شد و به مدت پنج سال از ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۸ و سپس به عنوان **مشاور از ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۳ برای قاره آمریکا** خدمت کرد. او در سال ۱۹۷۳ به ارض اقدس نقل مکان کرد. آقای دانبار به مدت **پانزده سال به عنوان عضوی از آن نهاد خدمت کرد** تا اینکه در **سال ۱۹۸۸ به عضویت بیت العدل جهانی انتخاب شد و سال ها خدمت خالصانه به جامعه امر ارائه دادند و نهایتا در ششم ژانویه ۲۰۱۰ اعلام شد که وی پس از یک انتخابات میان دوره ای و به همراه دکتر پیتر خان بازنشسته خواهد شد**. آقای دانبار در طول خدمت خود در مرکز جهانی یک کلاس مطالعه عصر پنجشنبه برای جوانان داوطلب در آنجا برگزار کرد. این کلاس بیش از ۳۰ سال به طور مداوم ادامه داشت.

از آثار ایشان:

۱۹۹۸ – Companion to the Study of the Kitáb-i-Iqán (https://bahaipedia.org/Companion_to_the_Study_of_the_Kit%C3%A1b-i-Iq%C3%A1n)
۲۰۰۹ – Forces of Our Time (https://bahaipedia.org/Forces_of_Our_Time)

سخنرانی های بسیار از جناب دانبار موجود است در اینجا به تعدادی اشاره می شود موارد دیگر را در لینک اشاره شده بشنوید (۱)

۱۹۸۴ – Africa (https://bahai-library.com/dunbar_africa)
۱۹۸۵ – The Forces of Our Time (https://bahai-library.com/dunbar_forces_time_dialogue)
۱۹۸۵ – Parents and the Baha'i Youth Movement (https://imagesinternational.org/audio/parents-and-bahai-youth-movement)
۱۹۸۸ – Consciousness, Creation, and the Soul (https://bahai-library.com/dunbar_consciousness_creation_soul)
۱۹۸۸ – The Gift of Teaching (https://bahai-library.com/dunbar_gift_teaching)
۱۹۸۸ – Talk to Bahá'í International Youth Conference1989 (https://www.youtube.com/watch?v=laa_2Mjf6WM&ab_channel=EmbracingUnity) – Forces of Light and Darkness (https://bahai-library.com/dunbar_forces_light_darkness)

▼ پیام بیت العدل اعظم مبنی بر انتخاب دو عضو جدید جایگزین جناب دانبار و جناب پیتر خان

https://news.bahai.org/story/746/

۱- https://bahaipedia.org/Hooper_Dunbar

https://t.me/AlbomeTasavireAmri

سند ۳۲ :

◈ مجریان نقشه : هیئت های مشاورین قاره ای

چنانچه ملا حظه می گردد در این پیام به وضوح بیت العدل اقرار می کند عالیترین نهاد اطلاعاتی و امنیتی متولی طراحی و برنامه ریزی نقشه های بر اندازانه در جهت بر پایی حکومت بهایی بیت العدل در سطح جهانی برای کلیه کشورها می باشد

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : ۶۵۴ ۲۰۰۲-۱۱-۲۹

ترجمه ی پیام بیت العدل اعظم الهی

خطاب به عالم بهائی

در ۲۶ نوامبر سال ۲۰۰۰ که مصادف با یوم میثاق است دورهی جدید پنجساله خدمت اعضای هیئتهای مشاورین قارهای برای **صیانت** امرالله و نشر نفحاتالله آغاز میگردد. تعداد این صاحب منصبان عالیرتبه امر همان هشتاد و یک نفر خواهد بود. خوشوقتیم که اسامی نفوسی را که به این سمت

منصوب شده اند اعلام داریم:...

آســیا(۱۹ مشاور)

فاضل اردکانی، باتار اوران ساییخان ، نیداوانور باسکاران ، ایرن چونگ ، جبّار ایدلخانی، بیژن فرید، اِلنا گروزکوا ، دیویدهانگ (امین صندق قاره ای)، هومیدا جمالون ، لیلی لادر ، دلافروز نسیمُوا ، لوری نوگوچی ، جایا گوپان راماسامی ، لطیف رشید ، فوأد ریحانی، پیام شوقی، زینا سورابجی ، جورج ثریا ، روزالی تران .

.....

یقین است که موفقیتهای نقشه ی چهارساله که اکنون در شرف تحکیم یافتن است بر شتاب توسعه و پیشرفت خواهد افزود. نقشه ی پنجساله که در رضوان آغاز میگردد متضمن مواعید مهمی است. مشاورین و اعضای هیئتهای معاونت در جریان انجام مسئولیتهایی که برای **صیانت و تبلیغ** امرالله برعهده دارند، با همکاری محافل ملی و شوراهای منطقه ای، در تضمین طرح و اجرای برنامه های عملی از سطوح ملی تا سطوح محلی و پاسخگویی به ضروریات زمان سهم و وظیفه ای حیاتی خواهند داشت. از اعضای هیئتهای مشاورین در جمیع قارات دعوت میشود که در مشاوراتی که در باره ی جنبه های عمومی نقشهی پنجساله از ۹ تا ۱۳ ژانویه ۲۰۰۱ در مرکز جهانی بهائی انجام خواهد گرفت شرکت جویند. اعضای هیئتهای معاونت هم که از سراسر عالم جمع خواهند آمد تا در جریان استقرار دارالتبلغ بین المللی در مقر دائمی آن مؤسّسه در کوه کرمل شرکت نمایند در این مشاورات با مشاورین مشارکت خواهند داشت. گردهم آمدن مشاورین و اعضای هیئتهای معاونت برای نخستین بار در ارض اقدس، در فرصتی چنین خجسته، بر شور و تحرّک اقدامات مستمری که باید مجری دارند خواهد افزود.

سند ۳۳

❖ عالی رتبه ترین نهاد اطلاعات و امنیت تشکیلات بهایی (دار التبلیغ – مشاورین – معاونین – مساعدین) مسئول اجرای نقشه های تشکیلات بهایی جهت براندازی در کلیه کشورها

پیام بیت العدل تاریخ : (۹۳۶) ۲۰۲۰-۰۵-۰۹

☑☑☑☑☑☑☑

ترجمه ای ازپیام بیت العدل اعظم خطاب به محافل روحانی ملّی (هیئت بین المللی ترجمه به زبان فارسی)
۹ مه ۲۰۲۰

دوستان عزیز و محبوب،

همانطور که تا کنون به خوبی معلوم شده، سال آخر نقشهٔ پنجساله چالشهایی کاملاً متفاوت با چهار سال قبل در بردارد. جهان در چنگ ویروس سریع الانتشاری گرفتار است که جان هزاران نفر را گرفته و بخش بزرگی از فعّالیّتهای اجتماعی و اقتصادی جامعهٔ بشری را به شدّت مختل نموده است.

....

این جوامع دوران فعلی را وقفه ای که باید صبورانه تحمّل شود ندانسته بلکه دریافته اند که اوضاع جهان نیاز به ارائهٔ خدمات سودمند به بشریّت را فوریّت بیشتری بخشیده است. فعّالیّتها طبعاً باید متناسب با شرایط موجود باشد لذا شکّی هم نباید داشت که اکنون وقت اهداف والا، همّت بلند و جهد بلیغ است. بدیهی است که منظور از فعّالیّتهای نقشه پرورش روحیّهٔ جامعه ای شکوفا است که از طریق آن استقامت در مقابل چالشهای شدید نیز تقویت میگردد. هدفِ تلاشهای آموزشی ازدیاد تعداد نفوسی است که بتوانند به رفاه مادّی و معنوی جامعه کمک کنند.

جلسات دعا به رشد و شکوفایی روح خدمت کمک میکند و آن را در فرهنگی منبعث از عبادت جمعی تثبیت مینماید. به طور خلاصه، پیشبرد نقشه به معنی ایجاد قابلیّت برای حرکت در مسیر خدمت در هر وقت و هر زمان است که مسلّماً باید لحظاتی را که حامل خطرات شدید در حیات بشری است نیز مانند این زمان شامل گردد. بنا بر این لازم است گامهایی که به منظور یادگیری نحوه به کار بستن چارچوب عملِ نقشه در موقعیّت کنونی جهان برداشته میشود، با جدّیّت ادامه یابد. این بحران عالمگیر بهداشتی به احتمال قوی برای ماهها یا حتّی سالها، کم و بیش تأثیرات مستقیم بر فعّالیّتهای امری خواهد داشت و تطبیق امور با این اوضاع نباید به تعویق افتد. در این راستا، مشاورین قارّه ای و هیئتهای معاونت در ظلّ هدایت مدبّرانهٔ دارالتّبلیغ بین المللی در مساعی خود برای تشویق و ترغیب احبّا و جهت دادن به رویکرد آنان نسبت به کارهای در دست اجرا عزمی راسخ از خود نشان داده اند و بدون شک در طیّ چهار دور آینده و بعد از آن نیز بدینسان ادامه خواهند داد.........................

❖ وظیفه مساعدین و معاونین که زیر مجموعه نهاد اطلاعاتی فرامنطقه ای هم در اجرای نقشه هم عملیات اطلاعاتی است مدیریت جوانان بهایی در تغییر بافت جمعیتی برای اشغال سرزمین را بر عهد دارد در این راستا موظف به تجاوز به حقوق کودک در سطح جهانی برای جذب افراد به حکومت موازی سازمان در کشورها می باشند

☑☑☑☑☑☑☑

سند ۳۴ :

❖ عالی رتبه ترین نهاد اطلاعات و امنیت تشکیلات بهایی (دار التبلیغ – مشاورین – معاونین – مساعدین) مسئول اجرای نقشه های تشکیلات بهایی جهت براندازی در کلیه کشورها

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : (۹۲۱) ۲۰۱۹-۰۴-۲۱

ترجمهای از پیام بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان رضوان ۲۰۱۹ میلادی (۱۷۶ بدیع)

(هیئت بین المللی ترجمه به زبان فارسی)

ستایندگان اسم اعظم در سراسر عالم ملاحظه فرمایند

دوستان عزیز و محبوب،

با نزدیک شدن عید اعظم رضوان احساساتی عمیق از شکرانه و امید این مشتاقان را در بر گرفته، شکرانه به پاس توفیقات شگرفی که حضرت بهاالله پیروانش را قادر به کسب آن نموده و امید برای آنچه که آیندهٔ نزدیک در بر دارد

......

این بررسی مختصر البتّه نمیتواند میزان کامل تقلیبِ در حال وقوع را منعکس نماید. چشم انداز دو سالی که از نقشه باقی مانده درخشان است. انتشار وسیع تجربه های آموخته شده از برنامه های فشردهٔ رشد در آن دسته از محدوده های جغرافیایی که برحسب انتظارمان گنجین های از آموخته ها و ذخیرهای از منابع شده اند، باعث حصول توفیقات زیادی در سال گذشته شده است. دارالتّبلیغ بین المللی، مشاورین قارّهای و معاونین خستگی ناپذیرشان برای اینکه احبّا در همهٔ نقاط جهان بتوانند از این تسریعِ یادگیری بهرهمند گردند تا بینشهای کسب شده را در رابطه با واقعیّتهای محیط خود به کار گیرند از هیچ اقدامی فروگذار نکرده اند. موجب خرسندی است که در تعداد فزایندهای از محدوده های جغرافیایی، و در محلّه ها و دهکده های آنها، یک هستهٔ مرکزی از دوستان شکل گرفته که با عمل و تأمّل درمییابند که برای پیشرفت فرایند رشد در محیط اطرافشان در هر زمان چه اقدامی مورد نیاز است

سند ۳۵ :

❖ موسسه طرح و توسعه اقتصادی و اجتماعی (مرکز سرویس اطلاعاتی در حوزه های محیط زیست – اقتصاد – بافت اجتماعی وو) در تعامل تنگاتنگ نهاد اطلاعاتی دار التبلیغ در اسرائیل – حیفا

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : (۹۱۷) ۲۰۱۸-۱۱-۰۹

ترجمه ای از پیام بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان (هیئت بین المللی ترجمه به زبان فارسی)
۹ نوامبر ۲۰۱۸
دوستان عزیز و محبوب،
در حالی که فرایند تخریب نظم مختل و نارسای عالم در
....

یک هیئت مدیرهٔ پنج نفره منصوب خواهد شد که در مقام هیئتی مشورتی به منظور پیشبرد و هماهنگی مجهودات جامعهٔ جهانی در زمینهٔ توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی انجام وظیفه خواهد نمود. دورهٔ خدمت این هیئت مدیره پنج سال خواهد بود که از یوم میثاق آغاز میگردد. به منظور هماهنگی و انسجام فعّالیّتهای توسعه با مجهودات متعدّد عالم بهائی، این هیئت که در قلب روحانی و اداری امر مبارک خدمت میکند با بیت العدل اعظم و دارالتّبلیغ بینالمللی مشورت خواهد کرد. این مؤسّسهٔ جدید با عهده دار شدن وظایف و اموری که قبلاً توسّط دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی انجام میشد کار خود را آغاز خواهد کرد و به تدریج قابلیّت آن افزایش یافته این وظایف را در مقیاسی وسیع و در سطوحی بالاتر و پیشرفته تر انجام خواهد داد و با تقویت مساعی افراد، جوامع، و مؤسّسات بهائی در سراسر جهان، دامنهٔ اقدامات آنها را گسترش داده تحکیم میبخشد.

سند ۳۶ :

❖ عالی رتبه ترین نهاد اطلاعات و امنیت تشکیلات بهایی (دار التبلیغ – مشاورین – معاونین) مسئول اجرای نقشه های تشکیلات بهایی جهت براندازی در کلیه کشورها

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : ۸۷۵ ۲۰۱۵-۱۲-۲۹

این مطالب را با وقوف به مسئولیّت بی نظیری که بر دوش شما و هیئت معاونت و مساعدین آنان برای افزایش درک احبّا در مورد مسائل گوناگون از جمله ویژگیهای رشد است با شما عزیزان در میان میگذاریم. همان طور که قبلاً اشاره کرده ایم جامعهٔ بهائی با داشتن مؤسّسهٔ مشاورین از مزایای سیستمی برخوردار است که از طریق آن درسهای آموخته شده در اقصی نقاط عالم میتواند به فرایند جهانیِ یادگیری کمک نماید، فرایندی که هر یک از پیروان حضرت بهاالله قادر به مشارکت در آن است. با عمیقتر شدن درک دوستان از نقشهٔ پنجساله، به مرور زمان بینشهای ناشی از به کار بستن هدایات روشن میشود، تشریح میگردد، در افکار و اذهان تثبیت شده به دیگران نیز ارائه میشود. جامعهٔ اسم اعظم در این راستا بی نهایت مدیون مؤسّسهٔ جلیلهٔ دارالتّبلیغ بین المللی است که در سالهای اخیر با جدّیّتی چشمگیر در جهت پرورش مشفقانه و اشاعهٔ فعّالانهٔ روحیّهٔ یادگیری که اکنون به خوبی استقرار یافته اقدامات شایانی به عمل آورده است

سند ۳۷ :

⊗ دار التبلیغ عالی ترین نهاد اطلاعات و امنیتی تشکیلات بهایی مجری نقشه های براندازانه بیت العدل در سراسر عالم

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : ۸۰۹ ۱۱ ۲۰۱۱-۱۲-۱۲

از دیدگاه دیگر می توان در باره ادوار سه ماهه فعالیت که از طریق آن جامعه رشد می کند تأمل نمود: ترویج سریع که در نتیجه فعالیت های فشرده حاصل می شود، دوران ضروری تحکیم که در طی آن نفوس جدید از طرقی مثل شرکت در جلسات دعا، ضیافات نوزده روزه، ملاقات در منازل تقویت می گردند، و فرصت هایی که به تأمل و برنامه ریزی همه اعضا اختصاص داده می شود. در پرتو این بررسی، مسئله تبلیغ در میان مردم مستعد اولویت پیدا می کند و یافتن نفوسی که مایل به گفتگو درباره دنیای اطراف خود و مشارکت در تلاشی جمعی برای تقلیب آن باشند مورد توجه خاص قرار می گیرد.
به خصوص در سطح هماهنگ سازی چنین ایجاب می کند که گامی به عقب برداشته آنچه را که اساسا یک واقعیت واحد است از این دو دیدگاه ملاحظه نمود. این کار امکان تجزیه و تحلیل صحیح، ارزیابی استراتژیک، توزیع خردمندانه منابع و اجتناب از پراکندگی عمل را فراهم می سازد. بنابراین در این مرحله اولیه از اجرای نقشه، بذل توجه به مسئله هماهنگ سازی مهم تر از هر زمان دیگری به نظر می رسد. اگرچه عناصر اصلی یک طرح سازمان دهی مؤثر هم اکنون به خوبی معلوم شده است ولی شکلی که این طرح تحت شرایط مختلف باید به خود بگیرد نیاز به شرح و تفصیل دارد. از دارالتبلیغ بین المللی خواسته ایم که به منظور تحرک بخشیدن به تنظیم و

تدوین سریع تجارب آموخته شده مجهوداتی را که در جهت هماهنگ سازی به خصوص در چند صد محدوده پیشرفته تر در سرتاسر عالم انجام شده است پیگیری نماید.

سند ۳۸ :

⊗ دار التبلیغ و زیر مجموعه آن مشاورین قاره ای عالی ترین نهاد اطلاعات و امنیتی تشکیلات بهایی مجری نقشه های براندازانه بیت العدل در سراسر عالم

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : (۷۸۸) ۲۰۱۰-۰۴-۲۱

دارالتّبلیغ بین المللی تحرّکِ پرشوری به مجهودات لازم برای تحقّق قبل از موعدِ اهداف نقشهٔ پنجساله بخشید و بدین سبب از آن مؤسّسهٔ جلیله صمیمانه سپاسگزاریم. میزان انرژی شگرفی که این مؤسّسه صرف این مشروع عظیم جهانی نمود، پیگیری مجدّانهٔ پیشرفت نقشه در هر یک از قارّات و همکاری نزدیک آن با مشاورین قارّه ای، نمایانگر پرتوی از قوای عظیمهای بود که در نظم اداری بهائی به ودیعه نهاده شده است. حال که دارالتّبلیغ بین المللی توجّه خود را با همان قوّت به مسائل مربوط به کارآیی فعّالیّتها در سطح محدودهٔ جغرافیایی معطوف میدارد، بدون شک توجّه خاصّی نیز به تشکیل کلاسهای کودکان مبذول خواهد داشت. مطمئن هستیم که تجزیه و تحلیل دارالتّبلیغ در سال آینده از تجربیّات حاصله در چند محدودهٔ جغرافیایی منتخَب با شرایط اجتماعی مختلف، موجب شناخت بهتری از بعضی مسائل عملی خواهد شد و تأسیس کلاسهای مرتّب برای کودکان سنین مختلف را در محلّه ها و دهکده ها امکان پذیر خواهد ساخت.

سند ۳۹

⊗ عالی رتبه ترین نهاد اطلاعات و امنیت تشکیلات بهایی (دار التبلیغ – مشاورین) مسئول اجرای نقشه های تشکیلات بهایی جهت براندازی در کلیه کشورها ضمنا محل استقرار دائمی این نهاد در اسرائیل است

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : (۷۸۸) ۲۰۱۰-۰۴-۲۱

بدون شک تحوّلات و تغییراتِ تکاملیِ حاصله در مؤسّسهٔ مشاورین یکی از مهمترین پیشرفتها در نظم اداری بهائی در طیّ دههٔ گذشته محسوب میشود. این مؤسّسه قبل از آنکه مشاورین و اعضای هیئت معاونت در ژانویه ۲۰۰۱ برای شرکت در کنفرانس بزرگداشت استقرار دارالتّبلیغ بین المللی در مقرّ دائمی خود در کوه کرمل در ارض اقدس گرد هم آیند، پیشرفتهای فوق العاده ای نموده بود. تردیدی نیست که قوای منبعثه از آن کنفرانس بر سرعت پیشرفت مؤسّسه افزوده است. میزان نفوذی که مشاورین و معاونین در پیشبرد نقشه داشته اند نمایانگر آن است که این خادمان برازندهٔ امرالله جای طبیعی خود را در صف اوّل میدان تبلیغ احراز نموده اند. اطمینان داریم که سال آینده – همچنان که مؤسّسات نظم اداری همگی می کوشند تا هر یک بر حسب وظایف و مسئولیّتهای در حال تکامل خود، روح یادگیری را که از خصوصیّات برجسته و ممتاز طرز کار جامعه شده است تقویت نمایند و این امر را با فوریّت بیشتری در آن دسته از محدوده های جغرافیایی که مشغول اجرای برنامه های فشردهٔ رشد هستند پیگیری کنند – شاهد همبستگی بیشتر این مؤسّسات در همکاری با یکدیگر خواهیم بود.

سند ۴۰ :

❖ مسئول تهیه محتوای نقشه ها دار التبلیغ عالی ترین نهاد امنیتی تشکیلات بهایی (تغییر بافت جمعیتی)

پیام بیت العدل تاریخ : (۷۴۵) ۲۰۰۸-۰۵-۱۳

☑☑☑☑☑☑☑

وکلای انجمن بعد از وصول به اینجا، فرصتی یافتند که ارواح خویش را در اراضی حول اعتاب مقدسه طراوت و لطافتی بخشند و خود را برای ایفای مسئولیت سنگین انتخاب اعضای بیت العدل اعظم مهیا سازند. در طول چند روز بعد، آنها در پنج جلسه ی مشورتی که بر پیشرفت نقشه ی جهانی فعلی متمرکز بود شرکت نمودند. توجّه به کثرت تجربه ای که آنها در مباحثات وارد ساختند و وحدت تفکری که وجه متمایز اظهاراتی بود که مطرح میشد، منبعی از الهام و مسرت بود. مشارکت آنها در مشاورات نیز منبعث از مطالعه ی سندی بود که دارالتبلیغ بین المللی تحت عنوان وصول به پویایی رشد: بارقه هایی از قارّات خمسه تهیه کرده بودند. همانطور که عنوان آن نشان میدهد، این سند از منظر تاریخی، به توصیف مجهوداتی میپردازد که برای تأسیس برنامه های فشرده ی رشد در نقاط مختلف کره ی ارض مبذول میشود. مهمتر از همه، این، نشان دهنده ی آن است که جریان یادگیری که سبب پیشرفت میشود، در سطح جهانی در حال شتاب گرفتن است. امیدواریم که این، مبنایی برای بحثهای بیشتر در انجمنهای شور ملی باشد که به زودی منعقد خواهندشد.

سند ۴۱ :

❖ مجری امنیتی نقشه های بر اندازانه بیت العدل داخل کشور تحت اشراف نیروهای فرامنطقه ای یعنی اعضای هیئت معاونت

پیام بیت العدل تاریخ : (۷۱۱) ۲۰۰۷-۰۴-۱۹

☑☑☑☑☑☑☑

نقشه پنج ساله فعلی مستلزم حصول درک و شناخت این مطلب است که چگونه عناصر گوناگون مطرح شده در آن پیام با هم تلفیق می شوند تا شرایط لازم برای رشد امر الهی را فراهم سازند. در همه محدوده ها (کلاستر)، مؤسسات و دوائری که رهبری فرایند مؤسسه را برعهده دارند – اعضای هیئت معاونت و مؤسسه آموزشی به همراه لجنات ناحیه ای تبلیغی باید میزان پویائی رشد را مرتبا بررسی کنند و طریقی را که این عناصر با هم تعامل دارند ارزیابی و تحلیل نمایند تا کمبودها را شناسایی کنند و معین سازند که چه تعدیل و اصلاحی باید صورت گیرد.

سند ۴۲ :

❖ نهاد امنیتی دار التبلیغ هم طراح نقشه و هم متصدی اقدامات اطلاعاتی برای نقشه

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : (۷۰۷) ۲۰۰۷-۰۳-۰۹

پیام ۲۷ دسامبر ۲۰۰۵ این جمع که در توصیف ویژگی های نقشه پنج ساله بود بر نقش خاصی که مهاجرین می توانند در حل معضل تأسیس حداقل ۱۵۰۰ برنامه فشرده رشد در سراسر جهان ایفا کنند، تأکید داشت. در این رابطه، ابراز امیدواری کردیم نفوسی که در این کسوت، چه در میادین داخلی و چه در میادین بین المللی، برای خدمت قیام می کنند، برای کمک به تمهید زمینه جهت سرعت بخشیدن به رشد یا جهت تقویت چرخه های فعالیتی که از قبل در دست اقدام بوده، در محدوده های جغرافیایی که مورد توجه سیستماتیک هستند سکونت اختیار کنند. با تشدید مساعی در سراسر جهان به سوی تحقق هدفی که تعیین شده، از آحاد مؤمنین به حضرت بهاالله در سراسر عالم تقاضا می کنیم نسبت به مشارکت خود در این نقشه عظیم تأمل و تفکر نموده تصمیم بگیرند که چگونه می توانند به بهترین وجه در اجرای موفقیت آمیز نقشه پنج ساله تشریک مساعی نمایند. امید چنان است نفوسی که قادرند در خط مقدم فعالیت به همکاران خود ملحق شوند، حتی لحظه ای درنگ ننمایند. سندی که توسط دارالتبلیغ بین المللی تهیه شده و به زودی از مرکز جهانی صادر خواهد شد، از جوامع ملی که بیش از دیگران از قوای کمکی مهاجرین استفاده خواهند کرد، نمایی کلی ارائه می کند. این سند حاوی اطلاعاتی در مورد وضعیت محدوده

های جغرافیایی است و سایر نیازهایی را که باید در حمایت از فعالیت در سطح عامه مردم رفع شود، توصیف می کند. بعلاوه، بیش از پیش نشان می دهد که عناصر گوناگون نقشه چگونه چارچوبی منسجم برای عمل را تأمین می کنند. به یارانی که تقاضای قیام مهاجرین را اجابت می نمایند، توصیه می شود در قدم اول به تشکیلات مراجعه نمایند؛ این اقدام به آنها کمک خواهد کرد تعیین نمایند خدمات آنها در کدام نقاط می تواند به نحوی مؤثرتر هدایت و عرضه شود.

سند ۴۳

❖ اهمیت جایگاه دار التبلیغ (عالی ترین نهاد اطلاعاتی تشکیلات بهایی) در روند اجرای نقشه ها

پیام بیت العدل تاریخ : (۶۹۰) ۲۰۰۵-۱۲-۳۱

☑☑☑☑☑☑☑

نمیتوان تردید نمود که نقشهای که به زودی خاتمه مییابد تحوّلی مثبت را در سرنوشت امر مبارک رقم میزند. ما با انتظاری عظیم نسبت به آنچه که حاصل خواهد شد، به پانزده سال آینده، سالهای نهایی قرن اوّل عصر تکوین، ناظریم. از این موضع مساعد، عالم بهائی به سهولت میتواند درک کند که دارالتّبلیغ بین المللی انگیزهای را که برای روشن ساختن مسیر تعیین شده در این چند سال گذشته حیاتی و ضروری است، تا چه حدّ چشمگیری فراهم آورد، و نیز میتواند امکانات پر باری را که مجهودات اختصاص یافته اش برای آینده نوید میدهد، تشخیص دهد.

سند ۴۴

❖ مجری نقشه های براندازانه بیت العدل یعنی دار التبلیغ با زیر مجموعه خودش

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : (۶۴۹) ۲۰۰۲-۰۴-۲۱

نیروی عظیمی که دارالتّبلیغ بین المللی صرف افزایش فهم و درک جامعه جهانی از رشد و توسعه منظم نموده، این چشم اندازهای هیجان انگیز را حیات و قوّتی افزونتر بخشیده است. دارالتبلیغ بین المللی با اغتنام فرصت آغاز

دوره جدید در خدمات اعضای هیئتهای معاونت در ماههای آخر سال، شانزده کنفرانس منطقه ای به منظور راهنمایی و جهت دادن به اقدامات هیئتهای مزبور ترتیب داد و به هر یک از این کنفرانسها دو نفر از اعضای خود را گسیل داشت. در این کنفرانسها که به منظور تمرکز توجّه به اقدامات مربوط به مؤسّسات کارآموزی و رشد و توسعه منظم ترتیب داده شده بود کلیّه اعضای هیئتهای معاونت به جز تعدادی معدود شرکت جستند و اطّلاعات سرشاری کسب نمودند که در اثر مساعی خستگی ناپذیرشانبه سراسر جامعه خواهد رسید.

سند ۴۵ :

فریدون جواهری از اعضای بلند پایه امنیتی تشکیلات بهایی پس از سپری کردن مراحل سازمان امنیتی تشکیلات بهایی و طی مسئولیت معاون مشاور قاره ای به منصب مشاور قاره ای منصوب گردید دقیقا با آغاز طرح ۲۵ ساله بیت العدل و اجرائی شدن اقدامات پوششی بیت العدل برای رسیدن به اهداف نقشه که همانا ابتدا تغییر بافت جمعیتی و سپس اشغال خاک و سرزمین است با سوء استفاده از تخصص خود در زمینه کشاورزی با لاوی های گسترده وارد سازمان ملل شد و سپس مشاور فنی ارشد سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد گردید و با سو استفاده از این نهاد در آفریقا (زامبیا) به بهانه اجرای طرحهای کشاورزی و توسعه آن در این منطقه با توان هر چه تمام عموم بهائیان را در آن منطقه سازماندهی کرد تا ازبه بهانه رفع نیاز این کشورها و تواندهی در حوزه کشاورزی به پیشبرد اهداف نفشه های بیت العدل بپردازد
مختصری با رزومه وی آشنا شویم لازم به ذکر است که ظاهرا فرزند وی در همین موقعیت از افراد محوری در آن منطقه محسوب می شود

مختصری با رزومه وی آشنا شویم

☟ ☟ ☟

(https://tinyurl.com/yamqjuzp)

جناب دکتر فریدون جواهری
از اعضای بیت العدل اعظم از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۸

جناب جواهری در سال ۲۰۰۳ به همراه جناب هارتموت گروسمن پس از بازنشستگی آقای علی نخجوانی و آقای هوشمند فتح اعظم انتخاب شد. وی متولد ایران و دارای مدرک دکترای زراعت، شاخه ای از علوم کشاورزی است.

دکتر جواهری به مدت دو سال در گامبیا و سپس به مدت بیست و پنج سال در زامبیا زندگی کرد و مشاور فنی ارشد سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد بود. او در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی به جوامع بهائی آنجا خدمت کرد. ایشان در سال ۱۹۹۵ پس از ۱۹ سال خدمت به عنوان عضو هیئت معاونت، به عنوان مشاور قاره ای منصوب شد.

در سال ۱۹۹۶ به عنوان مشاور قاره ای به افتتاح مدرسه متوسطه بین المللی «بنانی» در زامبیا (یک مدرسه خصوصی دخترانه برای کلاس های ۸ تا ۱۲ بر اساس اصول دین بهائی) کمک کرد، در این افتتاحیه جناب کایزر بارنز و لالی وارن نیز حضور داشتند. در آن زمان جناب بارنز یکی از اعضای مرکز دارالتبلیغ بین المللی و لالی وارن مشاور قاره ای بود.

https://t.me/Roohi_naghd/366

سند ۴۶ :

چرا اموال بهائیان مصادره گردید ؟

تشکیلات غیر قانونی و غیر رسمی بهایی در زمان پهلوی بدلیل عدم مشروعیت و وجاهت قانونی اجازه تحرکات مالی و تملک اموال غیر منقول را رسما به نام محفل ملی ایران نداشت لذا دو شرکت سوری به نام شرکت نونهالان و شرکت سهامی امنا را تاسیس کرد جالب است که مسئولین این مجموعه ها عموما از سران اداری بهائیان و محفل ملی بودند این دو مجموعه در راستای اجرای نقشه های بیت العدل در ایران فعالیت می کردند و مثلا وام های مفصلی را به مهاجرین مبلغ اعطا می کردند و پوششی بود برای فعالیتهای خلاف امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران در زمان شاه بدلیل نفوذ عوامل سازمانی بهایی در ارکان حکومت به فعالیتهای این دو شرکت به دیده اغماض نگریسته می شد در حالی که این دو مجموعه بدلیل غیر قانونی بودن تملک اموال منقول و غیر منقول تحت تملک محفل ملی ایران شرکت صوری محسوب شده و در همان زمان شاه باید با آن برخورد قانونی می شد لذا پس از انقلاب با این مجموعه های غیر قانونی برخورد گردید و تمام اموال منقول و غیر منقول این دو شرکت مصادره و در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت

پس ادعای مصادره اموال به دلیل باور به بهائیت از دروغهای آشکار تشکیلات و بیت العدل بهائیان و فرار رو به جلو برای فرار از توضیحات اقدامات غیر قانونی خود می باشد
یکی از این املاک قبرستانهای بهایی است که وهمن در نگاشته خود ذکر کرده و اعتراف نموده است

""" صد و شصت سال مبارزه با آئین بهائی – فریدون وهمن (چاپ سوم) """

https://t.me/hokoomat_bahai/784

در همان اوایل انقلاب دو شرکت بهائی بنام نونهالان و امناء توقیف و مصادره گردید. شرکت نونهالان نهادی قدیمی بود که در اوایل قرن بیستم با سهامی که کودکان بهائی با پس‌اندازهای خود می‌خریدند تشکیل شد و به کارهای تجارتی می‌پرداخت. شرکت امناء وظیفه‌اش سرپرستی املاک بهائی در سراسر ایران و یا قبرستان‌های مربوط به پیروان این دیانت بود. در طی سال‌ها عدّه‌ای از بهائیان خانه یا املاکی را به جامعه واگذار می‌کردند. شرکت امناء وظیفهٔ تعمیر و حفظ این اماکن را نیز بر عهده داشت. هم‌چنین اماکنی که با حیات بنیانگذاران این دین (باب و بهاءالله) و یا وقایع تاریخی مهم تاریخ بهائی ارتباط داشت در اختیار این شرکت بود.

سند ۴۷ :

⟐ اعضای محافل موظف به اطاعت از منویات نهادهای اطلاعاتی فرامنطقه ای می باشند مخصوصا باید به عنوان ستون پنجم بیت العدل و نهاد های امنیتی بیت العدل در راستای دو امر مهم یکی صیانت و مقام اطلاعاتی (تمام اطلاعات شهروندان داخل تشکیلات را در اختیار نهاد های خارج از کشور بدون مجوزهای قانونی) قرار دهند و در راستای نقشه های بیت العدل در پوشش تبلیغ که در ظاهر بر مبنای قوانین حقوق بشر جزء حوق شهروندی محسوب می شود برای اشغال کشور در راستای وصول به اهداف نقشه تغییر بافت جمعیتی تحقق یابد خلاصه در یک کلام محافل مزدوران بیت العدل برای بر اندازی در هر کشور می باشند

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۱۰ ۱۹۶۶-۰۶-۲۳

۴- همکاری دائم و مستمر آن محفل با هیئت جلیله ی ایادی امرالله در آسیا و معاونین عظیم القدرشان در امر تبلیغ و محافظه ی امرالله شایان تقدیر و تمجید است. باید این روابط روحانیه را بر اساس دستورات مطالعه ی جارکه و توضیحات منتشره از طرف این هیأت تقویت نمود مخصوصا در این ایام که باقتضای عهد و پیمان در اجرای نوایای مقدسه ی خویش کوشش فوق العاده دارند، باید آن محفل بیش از پیش از همکاری و معاضدت مؤسسه ی فخیمه ی ایادی امرالله مستفید گردند.

سند ۴۸

⟐ ایادیان امر (دار التبلیغ فعلی) عالیترین نهاد امنیتی تشکیلات بهایی محور وصول به اهداف نقشه که همانا براندازی در کلیه کشورها و برقرار مدیریت جهانی (نظم جهان) بر مبنای فرامین بهائی می باشد

تشکیلات بهایی بر مبنای این پیام موظف است به دلیل نقش مهم این نهاد برای نیل به اهداف خلاف امنیت ملی کلیه کشور ها و مختصات امنیتی این اقدامات بشکل گسترده ای وزارت اطلاعات خود را توسعه دهد

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۶۴ ۱۹۶۸-۰۵-۰۹


۹ می ۱۹۶۸

ترجمه پیام ساحت رفیع بیت العدل اعظم الهی شیدالله ارکانه

با تحیات مشتاقانه

بیت العدل اعظم

سند ۴۹ :

پیام بیت العدل تاریخ : ۸۷۵ ۲۰۱۵-۱۲-۲۹

این مطالب را با وقوف به مسئولیّت بینظیری که بر دوش شما و هیئت معاونت و مساعدین آنان برای افزایش درک احبّا در مورد مسائل گوناگون از

جمله ویژگیهای رشد است با شما عزیزان در میان میگذاریم. همان طور که قبلاً اشاره کرده ایم جامعهٔ بهائی با داشتن مؤسّسهٔ مشاورین از مزایای

سیستمی برخوردار است که از طریق آن درسهای آموخته شده در اقصی نقاط عالم میتواند به فرایند جهانیِ یادگیری کمک نماید، فرایندی که هر

یک از پیروان حضرت بهاالله قادر به مشارکت در آن است. با عمیقتر شدن درک دوستان از نقشهٔ پنجساله، به مرور زمان بینشهای ناشی از به کار

بستن هدایات روشن میشود، تشریح میگردد، در افکار و اذهان تثبیت شده به دیگران نیز ارائه میشود. جامعهٔ اسم اعظم در این راستا بینهایت

مدیون مؤسّسهٔ جلیلهٔ دارالتّبلیغ بین المللی است که در سالهای اخیر با جدّیّتی چشمگیر در جهت پرورش مشفقانه و اشاعهٔ فعّالانهٔ روحیّهٔ یادگیری که اکنون به خوبی استقرار یافته اقدامات شایانی به عمل آورده است.

نکته :

– دار التبلیغ عالی ترین نهاد امنیتی بین المللی بیت العدل متولی طراحی نقشه – مجری آن در سطح جهانی و داخل کشورها می باشد این یعنی اقدامات مجرمانه علیه تمام کشورها

سند ۵۰ :

پیام بیت العدل تاریخ : ۸۰۰ ۲۰۱۱-۰۱-۰۳ ۵

طرح یک تذکر نیز لازم است: وسایل و ابزار برای جریان مداوم تأمّل و نقشه ریزی، با دقت، در فعالیتها و پیگیریهای منظم جامعه گنجانیده شده است؛ امری که به عادات فکری منتهی به پیشرفت مبدل خواهد شد. مشاورات راجع به نقشه ی پنج ساله ی جدید، باید بر استفاده از این توانایی ها متمرکز باشد و نه جایگزین کردن آنها. چنین فهمی بایدهادی مشاورین در مشاوراتشان با تمامی سطوح جامعه باشد. هدف افزایش تعداد کلاسترهایی در سراسر جهان که در آنها برنامهی رشد در جریان است به ۵۰۰۰ مورد، مسئله ی مهم پیش رو است. حکیمانه خواهد بود که مشاورین در خلال اقامتشان در ارض اقدس، امکانات بالقوه ی هر ناحیه ی موجود در کشور یا قاره ی مورد خدمت خود را برآورد نمایند. اما انتظار نمیرود که آنان، به کار دقیق تهیه ی یک فهرست از کلاسترهایی مشخص و تعیین راهکارهایی برای تحقق اهداف نقشه در آنها مبادرت ورزند. بسیار محتمل است که چنین اقدامی برای آنان نتایجی خلاف انتظار به بار آورد. آنچه ثمربخشتر است این است که اجازه دهند چندین ماه بعد از شروع نقشه، با مشورت میان مؤسّسات و عوامل درگیر در آن، و نیز با یارانی که در سطح قاعده ی جامعه عمل میکنند، روشنگری بیشتری در این زمینه حاصل شود. به این
طریق، تصویری واقع گرایانه از آن کلاسترهایی که بیشترین مناسبت را برای توجّه سیستماتیک دارند، ظاهر خواهد شد و طیفی از رویکردهایی که بیشترین تناسب را با شرایط متنوع آنها دارند نمودار خواهد گشت."

نکات :

– متولی طراحی نقشه عالی ترین نهاد اطلاعات و امنیت هیئت مشاورین قاره ای است یعنی اعتراف به دخالت در براندازی داخل تمام کشورها

– لازمه طراحی و نقشه کسب اطلاع از کلیه اطلاعات سراسر کشورهاست یعنی اصل اقرار به کشیده شدن نقشه یعنی اعتراف به اقدام اطلاعاتی و کسب اخبار

– – وظایف این نهاد اطلاعاتی توسعه و تصرف و اشغال سرزمین هاست با توسعه تعداد محدوده های جغرافیایی در تصرف آن تحت مدیریت نهادهای داخلی تحت امرش موسوم به شورای منطقه ای

سند ۵۱ :

پیام بیت العدل تاریخ : ۸۰۰ ۲۰۱۱-۰۱-۰۳

در بیشتر کشورها مشورت دربارهٔ نیازها و لوازم نقشه از یک نشست موسّساتی که مدّتی قبل از رضوان منعقد میگردد آغاز میشود. در این جلسه، در حالی که اعضا کاملاً با هدایات مربوط به نقشه آشنا خواهند شد، اعضای موسّسات و عوامل، مروری بر پیشرفت اخیری که در کشورشان رخ داده
است مینمایند، شرایط کنونی کلاسترها را برآورد میکنند، قدرت و توانایی منابع انسانی موجود را تخمین میزنند، و چالشهایی را که جامعه با آن
روبرو است مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهند. آنها همچنین دربارهٔ برخی موضوعات که برای پیشرفت بعدی حیاتی است گفتگو خواهند نمود. مثلاً
باید به این نکته توجّه شود که راههایی برای افزایش ظرفیّت موسّسه، هم در زمینهٔ ارائهٔ دورههایش به تعداد فزایندهای از نفوس و هم در زمینهٔ به اجرا درآوردن برنامه های آموزشی اش برای اطفال و نوجوانان، مشخّص و معیّن گردد. یقیناً باید برخی افکار مطرح گردد دربارهٔ اینکه چه اقداماتی میتواند برای تأسیس و پرورش برنامه های رشد جدید انجام شود، و دربارهٔ تقویّت دوباره و بخشیدن نیروی جدید به برنامه های رشد موجود، و دربارهٔ تحرّک بخشی بیشتر به برنامه هایی که در سطح بالایی از فشردگی کار میکنند. ارزیابی رویکردهایی برای تبلیغ امرالله، مخصوصاً در بستر جمعیّتهای مستعدّ در روستاها و محلّه ها، فرصتی را فراهم خواهد آورد تا سو تفاهمات واضح گردد، و ماهیّت توانمندشدن روحانی چنین جمعیّتهایی، با نگاهی به توانا ساختن آنها در به عهده گرفتن مسئولیّت سرنوشت خویش، روشن گردد.

نکته :

متولی اجرای نقشه های بر اندازی نهاد امنیتی دار التبلیغ است که متکفل اجرای آن از مواضع فرامنطقه ای و اطلاع کامل از محدوده های جغرافیایی داخل کشور در راستای تحقق اهداف نقشه که بر اندازیست می باشد

سند ۵۲ :

پیام بیت العدل تاریخ : ۶۳۰ ۲۰۰۱-۰۱-۰۹ ۵

در ماههای آینده شما به جوامع ملّی که دارای شرایط بسیار متفاوتی هستند برای تنظیم نقشه هایی منظّم جهت رشد و توسعهٔ آن جوامع معاضدت خواهید کرد. کشورهای بسیاری هستند که با کسب قابلیتهای اداریِ بیشتر، بخصوص در سطح منطقه ای، اکنون میتوانند توجّه خود را به ناحیه های جغرافیایی کوچکتر معطوف دارند. بیشتر این نواحی شامل مجموعه هایی از روستاها یا شهرهای کوچک هستند ولی گاهی هم ممکن است یک شهر بزرگ با حومه هایش یکی از این نواحی را تشکیل دهد. از عواملی که تعیین کنندهٔ حدود این نواحی است میتوان فرهنگ،

زبان، نوع حمل و نقل، عناصر زیربنایی و زندگی اقتصادی و اجتماعی ساکنین را نام برد. نواحی هر منطقه ممکن است از لحاظ رشد و توسعه به گروههای متفاوتی تقسیم شوند. بعضی از این نقاط هنوز فتح نشده اند در حالی که در بعضی دیگر ممکن است گروهها و افراد پراکندهٔ بهائی وجود داشته باشد.

نکات :

– دار التبلیغ عالی ترین مقام امنیتی تشکیلات بهایی موظف است تا جهت تنظیم نقشه های بیت العدل در راستای بر اندازی اقدامات اطلاعاتی در داخل کشورها انجام دهد چنانچه در این پیام ملاحظه می شود ریزترین اطلاعات در پروسه قرائت منطقه نباید از قلم بیفتد تمام اطلاعات لازم برای تغییر بافت جمعیتی برای از بین بردن عناصر فرهنگی از اطلاعات بافت فرهنگی تا اطلاعات جغرافیایی و جاده ها و راههای مراسلاتی جهت رسیدن به اهداف منطقه ای باید به اسرائیل منتقل شود

– یکی از وظایف این نهاد امنیتی شناسائی اطلاعاتی نقاط بکر و تخلیه اطلاعاتی این مناطق در عرصه های تمام آسیبهای اجتماعی است تا از آن طریق بتواند به بهانه رفع آسیبها به این مناطق مهاجر ارسال کند تا نطفه محافل محلی را در رحم این محدوده های جغرافیایی و کلاسترها منتقل کند و حاصل آن ایجاد جنین موسسات امری شود

سند ۵۳ :

پیام بیت العدل تاریخ : ۵۹۲ ۱۹۹۸-۰۷-۰۲

اکنون بیست و پنج سال از تأسیس دارالتبلیغ بین المللی که در پیام ۵ جون ۱۹۷۳ اعلام گردید میگذرد. این سالها شاهد توسعه ی تدریجی وظائف این مؤسسه ی اصلی و مهّم امرالهی و اتسّاع ارتباط متقابل و نزدیک مؤسسه ی مزبور با بیت العدل اعظم از یک طرف و با هیئتهای مشاورین قاره ای از طرف دیگر بوده است. در دوره ی پنجساله ای که اخیراً به پایان رسید آن مؤسّسه مسؤلیتهای بیشتری در زمینه ی صیانت امرالله بر عهده گرفت، اقدام به تشویق به امر مهاجرت و سفرهای تبلیغی و همچنین تولید و توزیع نشریات و وسائل سمعی و بصری امری نمود، و پس از آغاز نقشه چهار ساله اقداماتی اساسی در تأسیس و حسن جریان فعّالیّت مؤسسات آموزش معارف امری مبذول داشت.

– نکات :

تاریخ تاسیس دار التبلیغ ۱۳۷۳

– جایگاه سازمانی دار التبلیغ از طرفی تحت امر بیت العدل و از سوئی زیر مجموعه تحت امرش هیئت های مشاورین قاره ای می باشد

– عامل دخالت این نهاد امنیتی از طریق موسسات آموزشی در راستای تغییر بافت جمعیتی جهت اشغال سرزمین در امتداد تحقق نقشه های بر اندازانه بیت العدل

– تاکید صریح بر مسئولیت صیانت و اقدامات اطلاعاتی دار التبلیغ چون لازمه صیانت و حراست وجود شبکه اطلاعاتی قوی است و اعتراف به وجود چنین نهادی لازمه اش اقرار به وجود شبکه اطلاعاتی از درون و بیرون تشکیلات بهایی است

– اشاره صریح به وجود نقشه چهار ساله (۱۹۹۶ الی ۲۰۰۰) و نقش محوری دار التبلیغ در راستای این نقشه بر اندازانه در سطح بین المللی

سند ۵۴ :

پیام بیت العدل تاریخ : ۵۳۷ ۱۹۹۴-۰۵-۱۹

یکی از جنبه های تفاوت نحوهٔ اقدام مشاورین از تعلیماتی ناشی میشود که در الواح وصایای حضرت عبدالبها به ایادی امرالله عنایت شده است. مسئولیت ادامهٔ وظایف ایادی امرالله در موارد صیانت امرالله و نشر نفحاتالله در آینده به مشاورین محوّل گردیده است. مشاورین به عنوان نفوسی که منصوب بیتالعدل اعظمند به منظور بسط اساس و تشیید بنیان و تضمین مصونیّت محافل روحانی ملّی و مؤسّسات و جوامع تحت اشراف آنان ریاست فائقهٔ امرالله را مساعدت مینمایند و به واسطهٔ هیئتهای معاونت نتایج و ثمرات اقدامات خود را نصیب محافل روحانی محلّی و عموم اعضای جامعه میسازند. اقدامات مزبور مبتنی بر وظایفی است که در الواح وصایای حضرت عبدالبها با این بیان تعیین شده است که میفرمایند: «وظیفهٔ ایادی امرالله نشر نفحاتالله و تربیت نفوس در تعلیم علوم و تحسین اخلاق عموم و تقدیس و تنزیه در جمیع شئون است.» بنابراین ملاحظه میشود که مشاورین با اقداماتی که در زمینهٔ نشر نفحاتالله و صیانت امرالله مبذول میدارند در به هم پیوستن تار و پود جامعهٔ بهائی و حفظ و صیانت آن سهمی عمده بر عهده دارند. نرمش و سرعتی که مشاورین و اعضای هیئت معاونت میتوانند برای تأمین نیازمندیهایی که در جامعه پیش میآید از قبیل تشویق و ترغیب، توضیح و تشریح نقشه های تبلیغی، تفهیم معارف امری، و صیانت عهد و میثاق الهی معمول دارند از جمله خصوصیات نحوهٔ عملی محسوب میشود که آنان را از محافل روحانی متمایز میسازد. ”

نکات :

مشروعیت اقدامات نهاد های امنیتی تشکیلات بیت العدل با این پیام مقدس می شود و استناد آن را بیت العدل به اوامر عبد البهاء مستند می سازد (الواح وصایای عبد البهاء)

– وظایف اساسی این نهاد امنیتی اقدامات اطلاعاتی در جهت صیانت از محافل ملی و محلی است و در این میان هیئت های معاونت جایگاه ویژه ای دارد

– نقش محوری نهاد امنیتی تشکیلات بهایی (مشاورین قاره ای) در راستای اجرای نقشه های براندازانه ضد امنیتی در تمام کشور ها

سند ۵۵ :

پیام بیت العدل تاریخ : ۴۹۴ ۱۹۹۰-۱۲-۲۹

جزیره ساخالین که آخرین نقطه باقیمانده از نقشه دهساله حضرت ولّی امرالله بود و بواسطه اوضاع سیاسی و منع تردّد خارجیان افتتاح نگشته اخیراً با مهاجرت دو تن از یاران عزیز ایرانی که نامشان در لوحه افتخار فاتحان روحانی مرقوم میشود فتح گرید. هم اکنون محفل روحانی در عاصمه آن جزیره تشکیل و رسماً تسجیل گشته است

نکته :

جزیره ای که مورد مناقشه روسیه و ژاپن بود با فعالیتهای نهاد امنیتی تشکیلات بهایی (ایادیان امر) در زمان شوقی فتح نگردید دقت در نقشه ده ساله شوقی شود زیرا این واژه یعنی دخالت شوقی از اسرائیل در کشور ثالث لذا بیت العدل اعلام می کند در نقشه ۹ ساله نیروهای امنیتی فرا منطقه ای بیت العدل (دار التبلیغ و زیر مجموعه اش) موفق شدند نطفه تشکیلات بهایی را در رحم این منطقه قرار دهند تا رشد کنند و این خود اعتراف صریح به اقدام به ایجاد هسته مرکزی حکومت موازی در این منطقه می باشد

سند ۵۶ :

پیام بیت العدل تاریخ : ۴۶۵ ۱۹۸۷-۰۹-۰۱

چنانکه فقط در ظلّ نقشه هفت ساله ۳۶۹۴ مهاجر فداکار در نقاط لازمه مستقر گریده و در اوّلین سال نقشه شش ساله کنونی ۵۷۹ مهاجر دیگر رهسپار ممالک و دیار شده و در نقاط لازم در ۱۳۷ کشور استقرار جسته اند.

نکته :
اعتراف بیت العدل : تجاوز علنی به ۱۳۷ کشور

طراح نقشه ها و مجریان نقشه نهاد اطلاعات و امنیتی دار التبلیغ می باشد و هدف نقشه سرنگونی حکومتهاست و مهاجرین تحت امر این نهاد امنیتی اقدام می نمایند در این پیام شاهد اعتراف بیت العدل به ایجاد شبکه اطلاعاتی و عملیاتی تحت ظل دار التبلیغ تجاوز به ۱۳۷ کشور را در سال ۱۹۷۸ شاهد هستیم و تحت عنوان مهاجر برای تحقق اهداف نقشه اقدام نمده است

سند ۵۷ :

پیام بیت العدل تاریخ : ۴۰۱ ۱۹۷۸-۱۲-۲۶

نظر باهمیت انجمن شور روحانی ملی آینده از محافل روحانیه ملیه تقاضا میشود حتی الامکان دوره انجمن را برای یکی دو روز مزیدا لما سبق تمدید
نمایند بعلاوه ازا عضا محترم هیئت مشاورین قاره ای دعوت می شود که علاوه بر مشارکت خویش اعضا هیئت های معاونت را نیز بحضور در این
انجمن عظیم شور روحانی تشویق نمایند.

نکته :
نقش نهاد امنیتی بیت العدل یعنی مشاورین قاره ای و معاونینش مخصوصا در سال ۱۳۵۷ در طراحی نقشه بر اساس اقدامات اطلاعاتی از منطقه در این قسمت پیام هویداست و به صراحت نقش افرادی مانند مسیح فرهنگی مشاور قاره ای و ید الله محمود نژاد در این زمان گویای نقش ضد امنیتی و مختصات ضد حاکمیتی این را روشن می سازد آنقدر این وظیفه مهم است که مستقیم بیت العدل به محافل دستور می دهد انتخابات محفل ملی و محلی را به تاخیر بیاندازند تا این مهم صورت پذیرد

– نکته دیگر که حکایت از همه کار بودن نهاد امنیتی فوق را روشن می کند این است که وجود نهاد امنیتی در برقراری انتخابات محافل ضروری است یعنی فی الوقع حکایت از جنینی بودن محافل و انتخابات فرمایشی را نشان می دهد

سند ۵۸ :

پیام بیت العدل تاریخ : ۴۰۱ ۱۹۷۸-۱۲-۲۶

"مهم : حکومت طلبی – جاسوسی – انقلاب ۵۷ :: منا و ید الله محمود نژاد ::

نقشه های تفصیلی جوامع ملی برای مرحله دو ساله اول از نقشه جدید با مشاوره دارالتبلیغ بین المللی در دست تهیه است که قریباً به محافل روحانیه ملیه اعلام خواهد گردید و این مرحله بدوی یاران را بترویج امرالله بنحوی وسیع تر و تحکیم مستمسر و توسعه بیشتر محافل ملیه دعوت می نماید. بنابراین به محافل ملیه تأکید می گردد اطمینان حاصل کنند که مجهودات تبلیغی در خلال سالهای اول نقشه مستمرا وبا شدت تعقیب گردیده مهاجرین بادامه استقرار در نقاط مهاجرتی تشویق شده و از پیشرفت حیات روحانی جامعه بلا انقطاع پشتیبانی شده و قوه محرکه ای که حال جامعه بهائی را بحرکت درآورده حفظ شود."

نکته :

اعلام رسمی بر اقدام بر اجرای نقشه هفت ساله ۱۹۷۹ – ۱۹۸۶ البته اهمیت این پیام آنجا آشکار می شود که متن نقشه در بوته ای از ابهام در اختیار عموم هنوز قرار نگرفته و حد اقل بسیاری از اعدامهای بهائیان بخاطر اجرای این نقشه مصادف با انقلاب ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲ صورت پذیرفت چرا بیت العدل هنوز از اصل این نقشه رو نمایی نکرده است ؟ آیا بیت العدل از روشن شدن دلائل برخورد سخت با اعدام شدگان که حد اقل ۲۲ نفر از آنها در سال ۶۲ یا مشاور قاره ای بودند یا جزء هیئت معاونین و یا در زمره مساعدین بودند نمی باشد ؟ فقط فراموش نشود چارت سازمانی عصبه انتصابی که دار التبلیغ و مشاورین معاونین و مساعدین و تطبیق آن با مناصب اعدام شدگان پرده از دلائل اعدام آنها بر می دارد

بزودی اطلاعات مفصل در این مورد را در اختیار عزیزان قرار خواهم داد

سند ۵۹ :

پیام بیت العدل تاریخ : ۳۹۶ ۱۹۷۷-۰۶-۰۵

همچنین باید از هر امری که عمومیت آئین نازنین بهائی را مستور دارد احتراز فرمایند زیرا امر مبارک شجره لاشرقیّه و لاغربیّه است و اختصاص به اقلیمی و قوم و طایفه ای ندارد و باید اصالت و جامعیت آن بر کل واضح و

هویدا باشد. لهذا یاران ایران علاوه بر مساعی جمیله شخصیه خویش در بلاد خارجه باید مشوّق یاران غربی و محلی در خدمات تبلیغی و اداری باشند و آنانرا ترغیب نمایند و به پیش اندازند و خود حتی المقدور در پس پرده به تمهید وسائل و تسهیل امور پردازند یعنی چون نسیم صبا باشند که ناپیدا و پنهان است ولیکن باعث جنبش باغ و بوستان."

نکات :

– پیام فوق خطاب به بهائیان ایران است به وضوح بیت العدل جامعه بهائیان ایران را تشویق به مخفی کاری و توصیه می کند مراقب باشند اقدامات سازمانی آنها مورد شناسائی قرار نگیرد

– این پیام نشانگر غیر قابل انکار بر ستون پنجم بودن محفل ایران و تشکیلات بهایی در سال ۱۳۵۶ زمان شاه می باشد

– بیت العدل باید توضیح دهد که چه اقدامات اداری و سازمانی در شرف انجام بوده که تشکیلات ایران باید مراقب می بود لو نرود با اسناد موجود مبتنی بر اقدام سازمانی در اجرای طرح روحی با آغاز نقشه پنجساله (۱۹۷۴ الی ۱۹۷۹) در ایران واضح و مبرهن است که این توصیه در راستای لو نرفتن اجرای طرح روحی در ایران می باشد

– چرا بیت العدل نگران از لو رفتن اصل نقشه پنجساله و اجرای طرح روحی بود ؟ اگر هدف از این طرح تواندهی در عرصه های مختلف و کارهای خدمتی به عالم انسانی بود نگرانی از هویدا شدن حکمتش چیست ؟ پاسخ یک کلام " اساس این طرح استوار بر توسعه منابع انسانی حکومت موازی بیت العدل در راستای بر اندازی بود و جنبه امنیتی داشت

– این پیام نیز سند دیگری است بر خیانتهای جامعه بهائیان ایران به شاه علی رغم اعتماد گسترده وی به این سازمان ضد ایرانی

سند ۶۰ :

پیام بیت العدل تاریخ : ۳۴۸ ۱۹۷۵-۰۱-۳۱

بیت العدل اعظم از همه محافل روحانیه ملیه مسئول اعزام مهاجرین دعوت کرده است در باره نوع مهاجرین متناسب با احتیاجات کشورها و نقاطی که استقرار مهاجرین در آنجاها ترجیح دارد با محافل ملیه درخواست کننده تبادل نظر کنند

نکات :
– محافل ملی و محلی مرکز اقدامات اطلاعاتی و ضد امنیتی برای بیت العدل :

خیانت به کشور توسط نهادهای ستون پنجم در داخل هر مملکت موسوم به محافل ملی و محلی با در اختیار گذاشتن کلیه اطلاعات کشور و شناسائی نقاط آسیب پذیر و انتقال آن به مقر دائمی دار التبلیغ تا بر مبنای آن نیروها و سربازان تعلیم دیده این نهاد از خارج مرزها برای براندازی و اجرای نقشه های بیت العدل با مهاجرت و سرازیر شدن داخل کشورها اقدامات لازم را انجام دهند

– اقرار به وجود شبکه گسترده افراد تعلیم دیده در سطح جهانی تحت عنوان مهاجر نشانگر غیر بومی بودن اساس بهائیت و صادراتی بودن آن است و اعتراف به دخالت مستقیم در امور داخلی کشورها می باشد

سند ۶۱ :

پیام بیت العدل تاریخ : ۳۳۶ ۱۹۷۴-۰۳-۲۱

موسسه فخیمه ایادی امرالله علی الخصوص حال که با تاسیس دارالتبلیغ بین المللی قوت بیشتری یافته مشوق و هادی و معین یاران الهی در جمیع مراتب فردی و محلی و ملی خواهند بود. تاسیس این مرکز عظیم سبب تحقق هدفی شد که تقریبا دهسال قبل بعالم اعلان گردید و تدابیری اتخاذ شد که اجرا دو وظیفه منصوصه صیانت و تبلیغ امرالله که از وظائف خاصه حضرات ایادی امرالله است به آینده انتقال یابد و بدین ترتیب روح محبت و هدایت و معاضدت حضرات ایادی امرالله از طریق دارالتبلیغ بین المللی که عهده دار نظارت و ارتباط خدمات حضرات مشاورین در سراسر عالمند بوسیله
مشاورین و معاونین و مساعدین در هیکل جامعه بهائی نافذ گردد، و این عصبه جلیله که حارسین جامعه جنینی جهانی حضرت بهاالله هستند جامعه
دائم الاتساع بهائی را اطمینان بخشیده اند که همواره طالب سعادت حقیقیه یاران و در فکر اکمال فضائل معنویه و مشوق روحانی ایشانند که یکی از
وظائف آن عصبه جلیله محسوب است."

نکات :

– دار التبلیغ بین المللی مسئولیت ذاتی اش دخالت در امور داخلی کشوها از طریق نهادهای ستون پنجم خود موسوم به محافل ملی و محلی برای وصول به اهداف نقشه های بر اندازانه بیت العدل

– رسالت ذاتی این مرکز اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی و حوزه اقدامش در کلیه کشوهاست در راستای منافع سازمان مرکزی بهائیان موسوم به بیت العدل

– وظیفه اقدامات ضد امنیتی از طریق فعالیتهای اطلاعاتی از ایادیان امر به نهاد دار التبلیغ منتقل گردید

– برای کودتا علیه نهاد ایادیان امر به بهانه رابط بین مشاورین قاره ای و معاونین و مساعدین و کنار راندن این نهاد اقدامات فوق صورت می پذیرد

– اعتراف صریح به جنینی و نوزاد بودن عصبه انتخابی و نظام بظاهر انتخابی بودن تشکیلات بهایی ولی همه کاره بودن و متولی جنین بودن تا تحقق رشد آن تمام این اقدامات بر عهده نهاد امنیتی فرا منطقه ای دار التبلیغ مستقر در حیفا – اسرائیل است

سند ۶۲ :

نکات :

– اعلان رسمی تاسیس نهاد امنیتی فرامنطقه بیت العدل موسوم به دار التبلیغ در حیفا – اسرائیل ۱۹۷۳ در راستای انجام وظایف ایادیان امر و به عبارتی کودتای رسمی در برابر این نهاد بالا دستی بیت العدل

– هیاتهای مشاورین قاره ای تحت مدیریت نهاد و از زیر مجموعه سازمانی این مرکز امنیتی فرامنطقه ای در اسرائیل فرمان می برند

– دار التبلیغ بنا به اعتراف صریح بیت العدل کسب وظیفه محوریش اطلاع و کسب خبر از کلیه کشوها و اقدام بر اساس این اطلاعات در طراحی نقشه های بر اندازانه مخصوصا نقشه پنجساله (۱۹۷۴ – ۱۹۷۹)

۱۹۷۳-۰۶-۰۸ ۳۲۶



پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به عموم بهائیان عالم

دوستان عزیز بهائی

سند ۶۳ :

نکات :

– اعتراف صریح به نقش فرامنطقه ای نیروهای امنیتی بیت العدل در اعمال مجرمانه سلب تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کلیه کشورها و دخالت مستقیم این نیروهای متجاوز از حیفا – اسرائیل در اقصی نقاط عالم و ورود به کشورها و دخالت مستقیم در بر اندازی

– مندمج بودن نقش نیروهای فرامنطقه ای امنیتی بیت العدل و محوری در اجرای نقشه های بیت العدل در کلیه کشورها

– با توجه به نقش محوری این نیروهای امنیتی در تحقق اهداف مجرمانه و ضد امنیتی ; بیت العدل در راستای دخالت در امور براندازی کلیه کشورها فرمان توسعه این نهاد امنیتی را صادر می نماید

– حوزه اقدامام نیروهای امنیتی بیت العدل اختصاص به محل اقامتشان ندارد بلکه تمام نقاط عالم حیطه اقدامات ضد امنیتی آنها محسوب می شود

پیام بیت العدل تاریخ : ۳۲۱ ۱۹۷۳-۰۴-۲۱



سند ۶۴ :

نکات :

– اعتراف صریح بیت العدل به اجرای نقشه بر اندازانه نه ساله (۱۹۶۴ – ۱۹۷۳) خود در راستای رسیدن به اهداف نقشه یعنی بر قراری حکومت بهایی در ایران

– اعتراف بیت العدل به نقش محوری موسسات اداری بهایی در نیل به این هدف اعم از ستون پنجم (محافل ملی و محلی) و نیروهای فرامنطقه ای ضد امنیتی (ایادیان – دار التبلیغ – مشاورین – معاونین و مساعدین)

– فرمان ضد مصالح ملی بیت العدل به بهائیان اتباع ایران به شرکت در پروژه های براندازانه نقشه فوق تحت پوشش مهاجرت به سایر کشورها و تیره شدن فضای روابط ایران با سایر دول

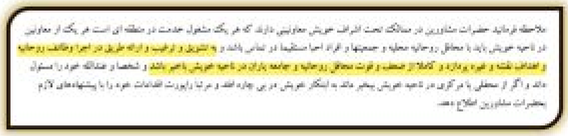
پیام بیت العدل تاریخ : ۲۷۷ ۱۹۷۱-۰۶-۲۹



سند ۶۵ :

هیات معاونیت تحت امر مشاورین موظف به فعالیت در راستای اقدامات ضد امنیتی خود می باشند و این نهاد فرامنطقه ای موظف به ارتباط با نهاد های ستون پنجم بیت العدل داخل کشور در راستای توجیه و عمل به مشروعات (نقشه نه ساله) می باشند به عبارتی دیگر هیئت معاونت نیروهای درگیر در صحنه میدانی برای ایجاد و توسعه و تحکیم مواضع متصرفه حکومت نامشروع موازی بهائیان و بیت العدل در هر کشور می باشد

پیام بیت العدل تاریخ : ۲۳۳ ۱۹۷۰-۰۵-۲۰



ملاحظه فرمایند حضرات مشاورین در ممالک تحت اشراف خویش معاونینی دارند که هر یک مشغول خدمت در منطقه ای است هر یک از معاونین در ناحیه خویش باید با محافل روحانیه محلیه و جمعیتها و افراد احبا مستقیما در تماس باشد و به تشویق و ترغیب و ارائه طریق در اجرا وظائف روحانیه و اهداف نقشه و غیره بپردازد و کاملا از ضعف و قوت محافل روحانیه و جامعه یاران در ناحیه خویش باخبر باشد و شخصا و عندالله خود را مسئول داند و اگر از محفلی یا مرکزی در ناحیه خویش بیخبر ماند به ابتکار خویش در پی چاره افتد و مرتبا راپورت اقدامات خود را با پیشنهادهای لازم بحضرات مشاورین اطلاع دهد.

سند ۶۶ :

نکات :

– بسیار مهم☜ ☜ محافل ملی و محلی (عصبه انتخابی) مانند ایادیان و مشاورین قاره ای (نهاد امنیتی فرامنطقه ای – عصبه انتصابی) وظیفه اقدامات ضد امنیتی اطلاعات و عملیات (صیانت و ترویج)در جهت بر اندازی (در راستای اجرای مشروعات و نقشه های بیت العدل) را بر عهده دارند

– معرفی هیات مشاورین قاره ای علی رغم مادون رتبه ایادیان (دار التبلیغ فعلی) هستند اما وظایف این نهاد را بر دوش دارند و تحت مدیریت آن اقدامات ضد امنیتی انجام می دهند

پیام بیت العدل تاریخ : ۲۳۳ ۱۹۷۰-۰۵-۲۰



سند ۶۷ :

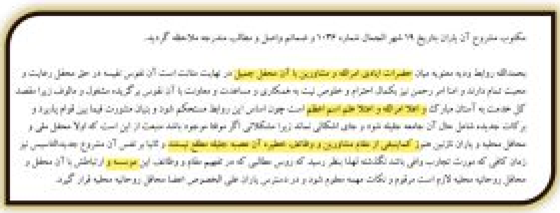
نکات :

– محافل فعال در سطح ملی و محلی بهایی ستون پنجم نیروهای اطلاعاتی فرا منطقه ای (ایادیان امر – دار التبلیغ فعلی) و نقش ستون پنجم برای حکومت مستقر بیت العدل در اسرائیل برای اجرای مشروعات (نقشه براندازانه نه ساله)

– تحقیر محافل نسبت به عدم آشنایی با وظایف این نهاد اطلاعاتی

متولی نقشه بر اندازانه نه ساله (۱۹۶۴ الی ۱۹۷۳) نهاد امنیتی فرا منطقه ای ایادیان امر مشاورین قاره ای می باشند

پیام بیت العدل تاریخ : ۲۳۳ ۱۹۷۰-۰۵-۲۰



سند ۶۸ :

❖ نکات پیام :

– کل سازمان امنیتی بیت العدل شامل ایادیان امر الله مشاورین قاره ای و اعضای هیاتهای معاونت وو متولیان اجرای نقشه های بر اندازانه بیت العدل در کلیه کشورها می باشند

– تاکید بیت العدل بر اینکه هدف از این نقشه (نه ساله) استقرار ملکوت موعود الهی در بسیط غبراست یعنی رسیدن به عصر ذهبی و برپایی حکومت بهایی

– رابطه ناگسستنی بین اولین نقشه عبد البهاء و نقشه نه ساله و سایر نقشه ها تا اتصال نقشه در راستای وصول به حکومت جهانی بهایی

پیام بیت العدل تاریخ : ۲۲۹ ۱۹۷۰-۰۴-۲۲



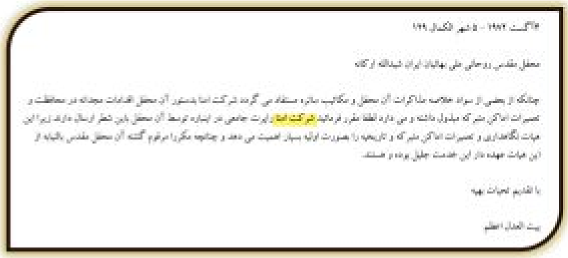
سند ۶۹ :

❖ اشغال سرزمین در ملاء عام توسط بیت العدل مانند اشغال فلسطین توسط اسرائیل غاصب – اموال هئیت امنا که مصادره شد در واقع املاک مستقیم بیت العدل در ایران بود

این پیام اقرار بیت العدل مبتنی بر این است که شرکت امناء مجموعه پوششی بود که توسط محفل ملی این تاسیس شده بود برای اقدام سازمان در حوزه املاک لذا با کمال وقاحت بیت العدل خود را مالک اموال شرکت امنا می داند و مانند یک کارفرما از خارج مرزها به مزدور ستون پنجمی خود دستور ارسال گزارش می دهد

به عبارتی دیگر املاک شرکت سهامی امناء املاک بیت العدل بود و این سند قطعی بر اسرائیلیزه کردن ایران محسوب می شود

پیام بیت العدل تاریخ ۳۰۵ ۱۹۷۲-۰۸-۰۴



۴ اگست ۱۹۷۲ - ۵ شهر الکمال ۱۲۹

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه

چنانکه از بعضی از سواد خلاصه مذاکرات آن محفل و مکاتیب سائره مستفاد می گردد شرکت امنا بدستور آن محفل اقدامات مجدانه در محافظت و تعمیرات اماکن متبرکه مبذول داشته و می دارد لطفا مقرر فرمائید شرکت امنا رپرت جامعی در اینباره توسط آن محفل باین شطر ارسال دارند زیرا این هیات نگاهداری و تعمیرات اماکن متبرکه و تاریخیه را بصورت اولیه بسیار اهمیت می دهد و چنانچه مکررا مرقوم گشته آن محفل مقدس بالنیابه از این هیات عهده دار این خدمت جلیل بوده و هستند.

با تقدیم تحیات بهیه

بیت العدل اعظم

سند ۷۰

❖ نکات این پیام :

اولا کلیه محافل و سازمانهای بهائی در سطح ملی و منطقه ای باید اطلاعات کلیه اقدامات خود را در اختیار نهادهای امنیتی فرامنطقه ای موسوم به هیئت های مشاورین و معاونین قرار دهند اصل این اقدام بدون هماهنگی نهاد های امنیتی رسمی کشور عملی مجرمانه محسوب می شود

ثانیا اصل تاسیس و اقدامات لجنه مهاجرت چه از ایرانیان داخل این نهادها استفاده گردد چه بر عکس مسئولیت دیپلماتیک در عرصه بین المللی برای ایران خواهد داشت زیرا تمام اقدامات مهاجرتی زیر نظر نهاد های امنیتی فرامنطقه ای است و در راستای وصول به اهداف نقشه نه سال بیت العدل می باشد این یعنی دخالت اتباع ایران در طرح های بر اندازی داخل سایر کشورها که وصف مجرمانه دارد

ثالثا چنانچه ملاحظه می شود چارت سازمانهای امنیتی فرامنطقه ای داخل کشور را مشاهده می کنید – دار التبلیغ – هیئت مشاورین قاره ای – هیئت های معاونت

رابعا : اصل ضرورت حضور نیروهای امنیتی فرامنطقه ای در انتخابات ملی بهایی استقلال این اقدامات را زیر سوال می برد و گواه فرمایشی بودن انتخابات بهایی است

خامسا تذکر به مسئولیت این نهاد امنیتی بر صیانت و ترویج نشانگر اقدامات ضد امنیتی این نهاد است زیرا صیانت و ترویج امر الله اساسش به صیانت از نقشه ها در راستای اجرا و ترویج نقشه یعنی توسعه محدوده حکومت و شهر موازی

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۹۲ ۱۹۶۹-۰۳-۲۵



سند ۷۱ :

❖ پیام این سند :

اولا محور و مجری نقشه های بر اندازی (نقشه نه ساله ۱۹۶۴ – ۱۹۷۳ –) نهاد امنیتی ایادیان امر می باشد و فهم این مهم نشانگر این موضوع است که یکی از ابزارهای مهم بر اندازی امنیتی بودن نهاد متولی آن است

ثانیا مدیریت نظام اداری داخلی تشکیلات بهایی بر عهده محافل می باشد اما در عرصه صیانت و ترویج نقشه های براندازانه به دلیل مختصات امنیتی آن باید محافل تحت امر این نهاد امنیتی فرامنطقه ای باشد و این یعنی نقض حاکمیت ملی و سلب تمامیت ارضی هر کشور

ثالثا چنانچه ملاحظه می شود محافل دقیقا نقش ستون پنجم برای رسیدن به اهداف نقشه های بر اندازانه طراحی شده در بیرون مرزهای یک کشور را بازی می کنند

رابعا اهمیت و جایگاه امنیتی مشاورین قاره ای در این پیام و تفوق عملی آن بر محافل به وضوح آشکار است

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۶۷ ۱۹۶۸-۰۶-۲۴



۲۴ جون ۱۹۶۸

ترجمه پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به کلیه محافل روحانیه ملیه

یاران الهی

با تحیات محبت آمیز بهائی

سند ۷۲ :

❖ صیانت و ترویج به عبارتی یعنی صیانت از ثمر دادن نقشه ها و ترویج آن

در راستای فرامان بیت العدل به توسعه نهاد بین المللی اطلاعاتی مجموعه ای تحت عنوان هیئتهای مشاورین قاره ای شکل گرفت تا دخالت های امنیتی داخل تمام کشورها بشکل گسترده ای برای صیانت و محافظت از اقدامات لازم برای تحقق نقشه های بیت العدل در هر کشور صورت پذیرد

البته تجربه ناگوار بیت العدل از تمرد افراد اطلاعاتی خود مانند میسن ریمی باعث شد با این روش ارتباط مستقیم ایادیان امر را با هیئتهای معاونت که از زمان شوقی تاسیس شده بود و ابزار اصلی و کاری برای ایادیان امر محسوب می شد کنترل شده عمل کنند تا مجددا از این نهاد امنیتی میسن ریمی های دیگری متولد نشود

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۶۶ ۱۹۶۸-۰۶-۲۱



۲۱ جون ۱۹۶۸

ترجمه پیام مطاع مبارک ساحت رفیع دیوان عدل اعظم الهی شیدالله ارکانه راجع به تاسیس یازده هیئات مشاورین قاره ای خطاب به کلیه محافل روحانیه ملیه

دوستان عزیز بهائی

تلگرام ذیل بمحفل روحانی ملی بهائیان امریکا جهت درج در اخبار امری ارسال شده است.

با نهایت مسرت تصمیم تاریخی تاسیس یازده هیئات مشاورین قاره ای به منظور صیانت و تبلیغ امر الهی بشرح ذیل اعلان می شود

برای جلب تاییدات الهی جهت اقدامات بعدی در توسعه محتوم نظم جهانی حضرت بهاءالله با نهایت تضرع به آستان مقدس دعا می کنیم

بیت العدل اعظم

سند ۷۳

سرهنگ یدالله وحدت

متولد سال ۱۲۹۲ شمسی

محل تولد: اشتهارد

در سنین کودکی در اشتهارد نزد معلم طالقانی به تحصیل علوم پرداخت و در ۱۱ سالگی به دستور برادر بزرگتر میرزا حیدر خان وحدت به طهران عزیمت نمود و در مدرسه تربیت دوره ابتدائی و متوسطه را به پایان رساند و سپس به دانشکده افسری وارد شد. پس از خاتمهٔ تحصیل، به سمت ستوان دومی به شاهپور مأموریت یافت و پس از آن در شهرهای طهران، شیراز، بوشهر بندرعباس و کرمان خدمت نمود تا به شیراز منتقل گردید. در تمام اوقات به نشر نفحات الله و ابلاغ کلمه الله مشغول بود و نظامت محفل روحانی را به عهده داشت. پس از ۲۱ سال خدمت دولتی خود را بازنشسته نمود و قصد مهاجرت با خانوده به برزیل را داشت. قبل از مهاجرت به حضور حضرت ولی امرالله مشرف شد و آرزوی خود را ابراز نمود و عرض نمود: هر کجا شما بفرمائید با جان و دل حاضرم. در جواب فرمودند:

"خدمت فقط هجرت نیست. شما باید در شیراز بمانید و مدافع احبا باشید. در نزد بزرگان جمال مبارک را یاد کن و نترس شما درع امرالله هستید."

او با کمال میل اطاعت نمود و رحل اقامت را با فامیل در شیراز افکند. بعداً به سمت معاونت ایادی امرالله انتخاب شد. پنج مرتبه به تمام زوایای ایران سفر نمود و به تشویق مهاجرین و احبّاء پرداخت.

سفری به دستور حضرات ایادی به مشهد نمود.

در آن زمان معانی خود را سماءالله می نامید. جناب وحدت با دلایل و براهین فریب خوردگان را به راه راست هدایت نمود.

سفری نیز طبق دستور به هندوستان نمود. جسد مطهر حضرت حرم حضرت اعلی را از شاهجراغ به معیت چند نفر از احبای ممتحن، در حالی که معاندین از شش جهت مترصد بودند، خارج نمود. همچنین جسد احمد فرزند حضرت اعلی را از بقعهٔ بی بی دختران در آورد و در دو صندوق که قبلاً تهیه شده بود گذارده یک هفته در حظیره القدس شیراز نگاهداری نمود. بعد با تحقیق کامل با کمک احبّاء به گلستان جاوید انتقال داد. در سال ۱۳۲۹ وقتی از کرمان عازم شیراز شد، محفل مقدس روحانی شیراز ایشان را که سمت فرماندهی هنگ سوار را داشت مأمورانتظام و کمک به احبای شهر نمود. در شب عاشورا که معاندین قصد آتش زدن بیت مبارک را داشتند ایشان با چند سوار بهائی در کوچهٔ بیت مبارک مستقر شد و از آتش سوزی ممانعت نمود.

در دنبالهٔ نامهٔ خانم قدسیه وحدت چنین می خوانیم: " در سال ۱۳۵۷ در ضوضای قریهٔ سعدی منزل ما خراب شد و اثاثیه به غارت رفت، حتی درخت های خانه را از ریشه کندند و بردند. ما به دستور محفل مقدس ملی ۲۴ ساعت از خانه خارج بودیم، وقتی که برگشتیم خانه را خرابه ای بیش نیافتیم. سرهنگ وحدت دست به دعا به درگاه جمال قدم بلند کرد و گفت خدا را شکر که زندگی ناچیز من، لیاقت از دست دادن در راه محبوب را پیدا کرد. چهار ماه در حظیره القدس و در منزل یکی از دوستان زندگی کردیم تا خانه را دو مرتبه ساختیم. در سال ۱۳۵۹ سه جیپ مسلح با پاسدارها در منزل را کوبیدند. در حال جواب بودم که سرهنگ لباس پوشید و به در منزل رفت. پاسداری گفت: دادستان پنج دقیقه با شما کار دارد با خانمتان بیائید. ما را سوار نموده به حظیره القدس بردند. در این زمان حظیره القدس شیراز در دست اعدا بود. سرهنگ وحدت مدت چهل روز در اتاقی که قبلاً محفل تشکیل می شد و از روحانیت و صداهای مناجات آن خاطره ها داشتیم، زندانی شد. سپس جناب وحدت و این جانبه و پنج نفر دیگر به عادل آباد منتقل شدیم. پس از محاکمات متمادی که هر دفعه مدت هفت الی هشت ساعت به طول می انجامید و نه ماه تمام طول می کشید، بالاخره آن وجود نازنین را در دهم رضوان به شهادت رساندند. ده روز قبل از شهادت جناب وحدت، دختر ما را نیز زندانی نمودند. موقع ملاقات به فرزندش گفت: گریه نکن، ناله نکن، سربلند باش، من سرباز جمال مبارک بودم. سرباز در رختخواب نمی میرد، در جبهه می میرد". دخترم بالاخره از زندان آزاد شد و من که به زندان ابد محکوم شده بودم و در زندان سکته نموده بودم، پس از چهار سال آزاد گردیدم و سال گذشته به زیارت اعتاب مقدسه فائز گشتم ...

تلخیص و اختصار از نامه سرکار خانم

قدسیه وحدت ۲۲ اپریل ۱۹۹۲ از استرالیا

از کانال شهدا و مشاهیر امری

https://t.me/AlbomeTasavireAmri

[vc_row/][vc_column/][vc_column_text/]

محفل ملی ایران و نقش محوری در کشتار ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در راستای نقشه ۱۰ ساله شوقی

در پی وقایع منجر به ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و تقابل مردم با حاکمیت شاه واقعه کشتار فجیعی رخ داد که در تاریخ ایران یاد این رخ داد ثبت گردید

لذا لازم است نکات زیر را مورد دقت قرار دهیم

فیلم نقد :

خلاصه نکات کلیدی متن:

۱. تشکیلات بهایی یک تهدید برای حکومت ایران بود: متن به احتمال خطرات ناشی از تشکیلات بهایی اشاره می‌کند و سؤالاتی درباره امکان نفوذ این تشکیلات در حکومت ایران، احتمال استفاده از اسلحه و دست به کشتار زدن مطرح می‌کند.

۲. نقشه ۱۰ ساله شوقی افندی: اشاره به نقشه شوقی افندی در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ که هدف آن نفوذ در قوای مجریه، مقننه و قضائیه ایران و تبدیل این کشور به حکومتی دست‌نشانده تحت حمایت اسرائیل و آمریکا بود.

۳. دخالت تشکیلات بهایی در کشتار ۱۵ خرداد: کشتار ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ که به دستور فرمانده بهایی، تیمسار پرویز خسروانی، توسط ژاندارمری انجام شد، به‌عنوان یک نمونه از نقشه‌های بهایی برای تسلط بر ساختار حکومتی ایران بیان شده است. محفل ملی ایران پس از این حادثه از او تقدیر کرد.

۴. تهدید ملی ایران: امام خمینی (ره) در سخنرانی‌های خود از تهدیدات بهایی‌ها نه تنها در بعد مذهبی، بلکه در ابعاد ملی و سیاسی نیز سخن گفتند. ایشان تأکید کردند که این تشکیلات در راستای منافع اسرائیل و آمریکا عمل کرده و در تلاش‌اند تا استقلال ایران را از بین ببرند.

۵. نقشه‌های تاریخی تشکیلات بهایی: امام خمینی (ره) به دخالت‌های تاریخی تشکیلات بهایی از دوران قاجار تا سال ۱۳۴۲ اشاره کردند، از جمله ترور شخصیت‌های برجسته و طراحی کودتاها برای تغییر نظام ایران.

۶. همکاری با قدرت‌های خارجی: امام بر ارتباط تشکیلات بهایی با اسرائیل و آمریکا تأکید داشتند و اعلام کردند که این تشکیلات از نیروهای نیابتی خارجی برای نفوذ در ساختارهای حساس کشور استفاده می‌کنند.

۷. تهدید برای انقلاب اسلامی: امام خمینی (ره) با بررسی تاریخ ایران و حوادث ۱۵ خرداد، نفوذ خارجی و داخلی را به‌عنوان عامل اصلی تهدید انقلاب اسلامی و استقلال ایران معرفی کردند. انقلاب اسلامی را نه تنها یک حرکت دینی، بلکه یک حرکت ملی علیه تهدیدات داخلی و خارجی دانستند.

نکته اول : سخنان امام خمینی پیرامون نفوذ اسرائیل مخصوصا از سال ۱۳۳۲ و بعد از کودتای ۲۸ مرداد و تکیه بر ایجاد حکومت نیابتی خود در ایران بر مبنای نقشه ده ساله شوقی که موسوم بود به نقشه جهاد کبیر اکبر الهی از سال ۱۳۳۲ الی ۱۳۴۲ به به صراحت در متن زیر اعلام می کند بهائیان از سال ۱۸۴۴ در ایران و مخصوصا هشت سال بعدش در واقعه رمی شاه و ترور نافرجام ناصر الدین شاه در نیاوران و دستور صریح شوقی در توقیع ۱۱۰ بدیع خود (۱۳۳۲ – ۱۹۵۳ –) به محفل ملی ایران برای بر اندازی و برقراری حکومت بهایی :

سخنرانی امام در تقابل با اقدامات اشغال سرزمین به عنوان نیروی نیابتی بودن بها الله از ابتدا تا انتهای نقشه ده ساله خطاب به بیت العدل برای بیگانگان

سخنرانی

هشدار و افشاگری امام نسبت به نفوذ تشکیلات بهایی در ارتش اقتصاد تلوزیون و نهادهای حساس کشور

سخنرانی در جمع مردم قم (خطر توطئه های استعمار در ممالک اسلامی)

سخنرانی

زمان: ۱۸ شهریور ۱۳۴۳ / ۲ جمادی الاول ۱۳۸۴

مکان: قم، مسجد اعظم

موضوع: خطر نفوذ اسرائیل در ایران و توطئه های استعمار در ممالک اسلامی

مناسبت: آغاز دروس حوزه

حضار: روحانیون، طلاب، بازاریان و اهالی قم

......

اینجا باید «بدتر از یهودی»[اشاره به ثابت پاسال] **تلویزیون داشته باشد** و هر طور دلش می خواهد تبلیغات بکند لکن تبلیغات ما آزاد نیست؛ «نمی شود؛ این مرتجعین نباید حرف بزنند»! آقا! کجایش ارتجاع است؟

......

عمال اسرائیل در مراکز حساس ایران

اینها ـ عمال اسرائیل در ایران ـ هر جا انگشت می گذاری می بینی که یکی از اینهاست مراکز حساس؛ مراکز خطرناک؛ والله ، مراکز خطرناک برای تاج این آقا. ملتفت نیستند اینها. اینها آنها بودند که در شمیران تهران توطئه کردند ناصرالدین شاه را بکشند؛ مملکت ایران را قبضه کنند. شما تاریخ نگاه کنید؛ تاریخ که می دانید. در نیاوران توطئه کردند؛ در نیاوران چند نفر رفتند ناصرالدین شاه را ترور کنند.[۱۲] **و یک عده هم در تهران بودند که حکومت را قبضه کنند. اینها حکومت را از خودشان می دانند. اینها در کتابهایشان نوشته اند، در مقالاتشان نوشته اند: حکومت مال ماست؛ باید ما یک سلطنت جدیدی به وجود بیاوریم؛ یک حکومت جدیدی به وجود [بیاوریم]؛ حکومت عدل. همینهایی که یک همچو سوءنظرها و سوءنیتهایی را دارند، از دربار گرفته تا آن آخر مملکت، از این اشخاص آنجا موجودند.**

خطر نفوذ صهیونیسم و بهاییت

آقا بترسید شما از اینها؛ یک جانورهایی اند اینها. در وزارتخانه موجود است؛ من انگشت رویش گذاشتم پیش یکی از وزرا، گفت نیست اینطور. بعد شاهد برایش فرستادم؛ شاهد برایش فرستادم که با سند نوشته بود که این جوری است. الآن هم موجود است و من اسم کثیفش را نمی برم. در وزارتخانه موجود است؛ در عرض می کنم که ارتش موجود است. خوب، ای ارتش محترم! توی دهن اینها بزن؛ تو مسلمانی. صاحب منصبان ارتش، خوب بسیارشان مردم خوبی هستند؛ با من هم گاهی رابطه دارند؛ یعنی رابطه ای که پیغام می دهند. اینها بعضی شان خوبند؛ خوب، جلو بگیرند از اینها؛ جلو بگیرند از یک اشخاصی که با مذهبشان مخالفند؛ با تخت و تاجشان مخالفند؛ با مملکتشان مخالفند؛ با استقلالشان مخالفند؛ با اقتصادشان مخالفند. خوب، شما جلو بگیرید؛ بروید خواهش کنید که اینها را بیرون کنند؛ از بزرگترها خواهش کنید.

والله من خیر شما را می خواهم. من می ترسم یک روزی چشمهایتان را باز کنید هستی شما را از بین ببرند اینها؛ من از این می ترسم. یا بگذارید ما آنها را از بین ببریم. من یک روز از بین می برم؛ من نمی خواهم تشنج بشود. شما که میل دارید آرامش باشد، خودتان از بین ببرید. اگر نبرید یک روزی می بینید که یکجوری، یک ورق دیگر پیش می آید؛ یکوقت یک طور دیگر می شود. آن وقت نه من می توانم جلویش را بگیرم نه شما می توانید جلویش را بگیرید. این اوضاعی است که ما مواجه با آن هستیم؛ و می بینید و می بینیم؛ و نمی دانم که چه بکنیم، نمی دانم که راه اصلاح چه است.....

چرا محفل ملی ایران طی یک نامه ای مستقیم از تیمسار سرتیپ خسروانی فرماندهی ژاندارمری ناحیه مرکز بابت کشتار ۱۵ خرداد ۴۲ تشکر می کند ؟ چه ربطی بین این حادثه و حساسیت محفل ملی ایران بر آن دارد ؟

سند تشکر محفل ملی ایران از مسئول برخورد با قیام ۱۵ خرداد ۴۲ و نقش فرماندهان نظامی بهایی با این حریان نشانگر حساسیت تشکیلات بهایی نسبت به حرکت ضد صهیونیستی امام نسبت به واکنش حاصل برنامه ۱۰ ساله شوقی در ایران و افشا شدن حرکت مزبوحانه اسرائیل از آستین تشکیلات بهایی از تیمسار سرتیب پرویز خسروانی



✳ سند / خشنودی محفل صهیونیستی بهائیت از عملکرد #پرویز_خسروانی در سرکوب #قیام_۱۵_خرداد_۱۳۴۲

برخی اسناد فاش شده از شهربانی یا ژاندارمری و یا مراکز دیگر امنیتی رژیم شاه، حکایت از خشنودی محافل صهیونیستی داخل کشور از سرکوب خونین قیام مردمی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دارد. از جمله این اسناد، نامه ای است که محفل #بهاییت در کشور به سرتیپ پرویز خسروانی (فرماندهی ژاندارمری ناحیه مرکز و یکی از عوامل کشتار مردم بیگناه در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲) نوشت و از وی به خاطر جنایاتش در حق مردم مسلمان ایران تشکر کرد!

متن سند فوق به شرح زیر است:

«... تاریخ شهرالنور ۱۲۰ مطابق ۲۰/۳/۱۳۴۲

تیمسار سرتیپ پرویز خسروانی

فرماندهی ژاندارمری ناحیه مرکز

... در خلال صفحات تاریخ (یکصد و بیست ساله جهان بهایی) همواره ستاره های درخشانی در مقامات دولتی وجود داشته اند که با توجه به وظایف اساسیه وجدانیه و اجتماعی خود، نوع پرستی و عدالت گستری نموده و به کرات مانع تجاوز رجاله و یا علماء بد عمل شده اند... زحمات و خدمات و سرعت عمل تیمسار نیز در جلوگیری از تجاوز اراذل و اوباش و رجاله کرارا در سنین اخیر در این محفل مذکور شده. بخصوص در این ایام که بحمدالله اولیای امور نیز به رای العین، سوء عمل جهلای معروف به علم (روحانیت مبارز) را مشاهده کرده... یقین است، عموم دوستداران مدنیت و علم و اخلاق و دیانت، زحمات تیمسار را با دیده احترام و تقدیر نگریسته و تاریخ امر بهایی، آن جناب را در ردیف همان چهره های درخشان، حافظ و نگهبان مدنیت عالم انسانی ثبت و ضبط خواهد نمود.

با رجای تایید- منشی محفل۵

لازم به ذکر است که سرتیپ خسروانی که بعدا به درجه سرلشکری و سپهبدی هم رسید، خود از زمره فعالان فرقه بهاییت بود.

در همین رابطه به مطالب محقق گرامی رضا_قریبی ، معاون #پژوهشکده_تاریخ_معاصر ، در گفت‌وگویی درباره قیام ۱۵ خرداد مطرح کرد توجه نمایید :

#رضا_قریبی ، معاون #پژوهشکده_تاریخ_معاصر ، در گفت‌وگویی درباره قیام ۱۵ خرداد مطرح کرد؛

#بهائیت در سرکوب قیام ۱۵ خرداد چه نقشی داشت؟

تاکنون تحلیل‌های متعددی درباره قیام ۱۵ خرداد ارائه شده، اما کمتر به رابطه میان این رویداد عظیم تاریخی و نقش‌آفرینی بهائیان در آن توجه شده است؛ به همین دلیل در پنجاه‌وهشتمین سالگشت این قیام، با دکتر رضا قریبی، معاون پژوهشکده تاریخ معاصر، گفت‌وگویی انجام دادیم که در آن، از رابطه مثلث شوم علیه ملت ایران سخن گفته شد

‼️ بعد از اینکه امام به ترکیه تبعید شدند، بیت‌العدل #بهائیان در قدس اشغالی، بخشنامه‌ای در ۲۰ بهمن ۱۳۴۳ صادر کرد. در این بخشنامه خطاب به بهائیان ایران گفته شد که بهائی بودن خود را علنی کنند. حد فاصل خرداد ۱۳۴۲ تا بهمن ۱۳۵۷، بهائیان به مدت پانزده سال به قدرتمندترین جریان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران تبدیل شدند هرچند اعمال خشونت و سرکوب قیام ۱۵ خرداد، و نیز نفوذ بیشتر بهائیان در دستگاه سلطنت، موجب شد نهضت اسلامی در باور مردم عمیق‌تر شود و این مطلب در پیروزی انقلاب اسلامی خود را نشان داد.

‼️ نکته قابل تأمل دیگر این است که در ۱۸ مرداد ۱۳۹۴ #پرویز_خسروانی ، عامل کشتار قیام ۱۵ خرداد، بدون اینکه در هیچ دادگاه داخلی و بین‌المللی محاکمه شود، در لندن درگذشت و این پرسش همچنان باقی است که چرا هیچ نهاد بین‌المللیِ حقوق بشری نسبت به این جنایت واکنشی نشان نداد؟

متن کامل این گفت و گو را در لینک زیر بخوانید؛

http://www.iichs.ir/Modules/Content/Other/Print.aspx?id=19903

https://instagram.com/iichs.ir
https://t.me/joinchat/AAAAAEEF2TeXL178eUH5ug

نکته دوم :

سوال این است که مگر در احکام اقدس حمل صلاح حرام نیست الا در هنگام ضرورت ؟ آیا در این مملکت شخصیتی دیگری نبود تا دست به این جنایت بزند و چه ضرورتی داشت تا خسروانی دست به جنایت با اسلحه بزند حتما در حکم اقدس تامل کنید تا بی اعتبار بودن احکام بهاء الله برای بیت العدل روشن گردد

لینک سند



متن پیاده شده فیام :

به نام خدا

با عرض سلام و ادب خدمت شما عزیزان، هزارو هشتصدمین برنامه را تقدیم می‌کنم به شما بزرگواران با موضوع بسیار حساس. و آن موضوع این است که:

آیا احتمال دارد از تشکیلات بهایی و سازمان بهایی دیگران لطمه ببینند؟
آیا احتمال دارد روزی این‌ها دست به اسلحه ببرند؟
آیا احتمال دارد این‌ها در ساختارهایی قرار بگیرند که دیگران را قتل‌عام کنند؟

می‌خواهم به این نکته با سند تاریخی جواب بدهم.

بله، گربه دستش به گوشت نمی رسید می گفت بو می دهد ،

. واقعه کشتار ۱۵ خرداد ۴۲ را همه شنیده‌اند، ولی این تیتر و این ادعا برای اولین بار مطرح می‌شود: آیا این موضوع به تشکیلات بهایی ربط دارد؟

محفل ملی ایران، یعنی تشکیلات بهایی، به‌عنوان عامل نیابتی موساد در ایران، پس از تشکیل موساد در سال ۱۹۵۱ و نقشه ۱۰ ساله‌ای که آقای شوقی افندی طراحی کرد، نقشی مستقیم ایفا کرده است. این نقشه بر مبنای توقیعات وی اجرا شد و مراحل مختلف آن از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ توضیح داده شده است.

در این نقشه، شوقی افندی در توقیع ۱۱۰ خطاب به محفل ملی ایران دستوراتی داده بود. در آن آمده بود که این تشکیلات باید به نحوی در ساختارهای حکومتی ایران نفوذ کند که تمامی قوه‌های مجریه، مقننه و قضاییه را در اختیار بگیرد. این اهداف طی برنامه‌های چندساله با جزئیات اجرا شد و مستندات آن در توقیعات و گزارش‌های تشکیلات بهایی آمده است.

امام خمینی (ره) در سال ۴۲ طی سخنرانی‌هایی صریحاً به این نقشه‌ها اشاره کردند. ایشان تأکید کردند که بهایی‌ها و تشکیلات آن‌ها تحت حمایت موساد و اسرائیل به دنبال ایجاد حکومت دست‌نشانده هستند. امام در کتاب‌های مختلفی از جمله در تحلیل تاریخ ایران به این موضوع پرداخته‌اند.

حادثه ۱۵ خرداد، که به دست نیروهای نظامی تحت مدیریت مستقیم فرماندهان بهایی رخ داد، نمونه‌ای از این توطئه‌ها بود. بر اساس اسناد موجود، تیمسار سرتیپ پرویز خسروانی، که فرماندهی ژاندارمری ناحیه مرکزی را بر عهده داشت، دستور مستقیم سرکوب معترضان را صادر کرد. پس از این حادثه، محفل ملی ایران از او تقدیر کرد و این قدردانی به‌عنوان یکی از اسناد مستقیم دخالت تشکیلات بهایی در وقایع ۱۵ خرداد ثبت شده است.

بسیاری از جزئیات نقشه‌های تشکیلات بهایی در توقیعات شوقی افندی و اسناد مرتبط ذکر شده است. به عنوان مثال، در نقشه ۱۰ ساله ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲، بر نفوذ در ساختارهای اقتصادی، نظامی و حکومتی ایران تأکید شده بود. این نفوذ شامل کنترل زمین‌های مرغوب کشور، مدیریت سازمان‌های حساس، و حتی تسلط بر رسانه‌ها بود.

امام خمینی (ره) در سال ۴۲ به وضوح اعلام کردند که تشکیلات بهایی نه‌تنها از نظر دینی و مذهبی تهدیدی برای شیعه است، بلکه از نظر ملی و استقلال کشور نیز تهدید محسوب می‌شود. در سخنرانی‌های خود به نقشه‌های این

تشکیلات برای براندازی و تسلط بر ساختار حکومتی اشاره کردند. امام فرمودند که این تشکیلات به نمایندگی از اسرائیل و آمریکا عمل می‌کند و تلاش دارد تا ایران را به یک حکومت دست‌نشانده تبدیل کند.

یکی از اسناد مهم مرتبط با این موضوع، نقشه ۱۰ ساله شوقی افندی است که جزئیات آن در توقیعات وی آمده است. در این نقشه، هدف نهایی تسلط بر قوای سه‌گانه کشور و ایجاد حکومتی بهایی به رهبری اسرائیل و حمایت آمریکا بود. امام خمینی (ره) این نقشه را مطالعه کرده و به صراحت درباره آن هشدار داده بودند.

در حادثه ۱۵ خرداد، تشکیلات بهایی نقشی کلیدی ایفا کرد. فرماندهی ژاندارمری مرکزی، تحت مدیریت تیمسار سرتیپ پرویز خسروانی که وابسته به تشکیلات بهایی بود، دستور سرکوب معترضان را صادر کرد. محفل ملی ایران نیز رسماً از عملکرد او تقدیر کرد. این تقدیرنامه به وضوح نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی به‌صورت مستقیم در این کشتار دخالت داشته است.

از طرفی، تاریخ ۱۲۰ ساله تشکیلات بهایی نشان می‌دهد که این تشکیلات همیشه تلاش کرده است تا با نفوذ در ساختارهای دولتی، اهداف خود را پیش ببرد. امام خمینی (ره) در سال‌های ۴۲ و ۴۳ بارها به این موضوع اشاره کردند و فرمودند که نفوذ این تشکیلات در قوای نظامی و حکومتی تهدیدی برای استقلال و تمامیت ارضی ایران است.

امام خمینی (ره) به‌طور خاص به نقش تشکیلات بهایی در حوادث تاریخی از زمان قاجار تا سال ۴۲ اشاره داشتند. ایشان فرمودند که این تشکیلات از زمان ناصرالدین‌شاه با طراحی نقشه‌های پیچیده تلاش کرده است تا ساختار حکومتی کشور را تغییر دهد. نمونه‌هایی از این تلاش‌ها شامل ترور نافرجام ناصرالدین‌شاه، برنامه‌ریزی برای کودتا در سال ۱۳۳۵ و سایر اقدامات خرابکارانه است.

[۱۱/۲۶/۲۰۲۴ ۲:۴۵ PM] jahed محتوا:
در سال ۱۳۴۲، امام هشدار دادند که ساختارهای امنیتی، نظامی و قضایی کشور در حال افتادن به دست نیروهای نیابتی اسرائیل هستند. این نیروها با استفاده از تشکیلات بهایی، نقشه‌های خود را برای تسلط بر کشور پیاده می‌کنند. امام تأکید کردند که این یک تهدید ملی است و فراتر از اختلافات مذهبی است.

حادثه ۱۵ خرداد نقطه عطفی در این موضوع بود. در این حادثه، مردم معترض که در خیابان‌ها به سیاست‌های رژیم اعتراض داشتند، توسط نیروهای ژاندارمری به رهبری تیمسار سرتیپ پرویز خسروانی سرکوب شدند. این سرکوب به کشتار گسترده مردم انجامید. محفل ملی بهایی، نه تنها از این سرکوب انتقاد نکرد، بلکه به‌صورت رسمی از عملکرد این فرمانده تقدیر کرد. این تقدیرنامه یکی از مستنداتی است که نشان می‌دهد تشکیلات بهایی به‌طور مستقیم در سرکوب و کشتار مردم نقش داشته است.

امام خمینی (ره) در سخنان خود بارها تأکید کردند که تشکیلات بهایی به نمایندگی از اسرائیل و آمریکا عمل می‌کند. ایشان فرمودند که این تشکیلات تلاش می‌کند تا استقلال ایران را از بین ببرد و کشور را به یک حکومت دست‌نشانده تبدیل کند. امام در برابر این نقشه‌ها ایستادگی کردند و با روشنگری، مردم را از این تهدید آگاه ساختند.

از دیگر نکات مهم، اشاره به نقشه ۱۰ ساله شوقی افندی است. این نقشه بر مبنای پیش‌بینی‌های مذهبی و دستورالعمل‌های تشکیلات بهایی تدوین شده بود و هدف آن تسلط بر ساختارهای حکومتی و تبدیل ایران به یک حکومت بهایی بود. امام خمینی (ره) این نقشه را به‌خوبی درک کرده و با استناد به اسناد و شواهد، آن را افشا کردند.

یکی از موضوعات مهمی که امام خمینی (ره) در سال‌های ۴۲ و ۴۳ به آن اشاره کردند، نفوذ گسترده تشکیلات بهایی در مراکز حساس کشور بود. ایشان بارها هشدار دادند که این نفوذ تنها محدود به باورهای دینی نیست، بلکه هدف اصلی آن تسلط بر ساختارهای حکومتی، اقتصادی و نظامی ایران است. امام تأکید کردند که این اقدامات در راستای برنامه‌ریزی اسرائیل برای کنترل ایران انجام می‌شود.

از جمله شواهد این نفوذ، حضور افرادی همچون تیمسار سرتیپ پرویز خسروانی در پست‌های کلیدی بود. خسروانی، که از اعضای تشکیلات بهایی بود، در مقام فرماندهی ژاندارمری ناحیه مرکزی دستور سرکوب و کشتار مردم در ۱۵ خرداد را صادر کرد. محفل ملی ایران نیز بلافاصله پس از این واقعه، از وی تقدیر کرد و عملکرد او را ستود. این تقدیرنامه نشان‌دهنده ارتباط مستقیم این تشکیلات با وقایع خونین ۱۵ خرداد است.

در پیام‌های امام خمینی (ره)، به طور مکرر به اقدامات تشکیلات بهایی در سال‌های پیش از انقلاب اشاره شده است. ایشان فرمودند که این تشکیلات با حمایت خارجی، از جمله موساد و آمریکا، تلاش می‌کند تا قدرت سیاسی و اقتصادی ایران را در اختیار بگیرد. امام همچنین تأکید داشتند که این تهدید تنها به مذهب محدود نمی‌شود و ماهیتی ملی و سیاسی دارد.

یکی دیگر از محورهای بحث، ارتباط تشکیلات بهایی با برنامه‌های استعماری بود. امام فرمودند که نقشه‌های این تشکیلات با اهداف اسرائیل و آمریکا همسو است و براندازی استقلال ایران را هدف قرار داده است. ایشان بارها هشدار دادند که این نقشه‌ها برای ایجاد حکومتی وابسته طراحی شده‌اند که در آن، نیروهای نیابتی جایگزین نهادهای ملی شوند.

در سخنان امام، به برنامه‌های تشکیلات بهایی برای نفوذ در قوای سه‌گانه کشور اشاره شده است. این برنامه‌ها شامل نقشه ۱۰ ساله شوقی افندی و سایر طرح‌های مشابه بود. بر اساس این برنامه‌ها، تشکیلات بهایی موظف بود تا در تمامی ارکان حکومتی، از جمله قوه قضاییه، مقننه و مجریه نفوذ کند و این قوا را در اختیار بگیرد.

در ادامه بحث، امام خمینی (ره) در سخنرانی‌های خود به‌ویژه در سال ۴۲ به اقدامات تروریستی که در طول تاریخ توسط تشکیلات بهایی برنامه‌ریزی و اجرا شده بود، اشاره کردند. ایشان خاطرنشان کردند که از زمان

ناصرالدین‌شاه، این تشکیلات با ترور شخصیت‌های برجسته و طرح‌های خرابکارانه به‌دنبال ایجاد یک نظم جدید تحت حمایت اسرائیل و انگلیس بوده‌اند. امام همچنین به توطئه‌های انجام‌شده علیه کشور در دوران قاجار اشاره کردند و آن‌ها را بخشی از نقشه‌های کلان تشکیلات بهایی برای تسلط بر ایران دانستند.

امام در تحلیل خود از این توطئه‌ها به‌ویژه بر نقش تشکیلات بهایی در کودتاهای مختلف در تاریخ ایران تأکید کردند. به‌ویژه در سال ۱۳۳۵، هنگامی‌که تشکیلات بهایی با همکاری موساد به‌طور مستقیم در تلاش برای براندازی حکومت ایران بودند. امام با بررسی این اسناد و شواهد، پی بردند که تشکیلات بهایی نه‌تنها در راستای اهداف مذهبی خود، بلکه برای تأمین منافع خارجی‌ها به فعالیت‌های سیاسی و نظامی دست می‌زنند.

در جریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، هنگامی که مردم به خیابان‌ها آمدند و خواستار تغییر شدند، نیروهای امنیتی تحت فرماندهی افرادی از تشکیلات بهایی به سرکوب اعتراضات پرداختند. تیمسار سرتیپ پرویز خسروانی، فرمانده ژاندارمری ناحیه مرکزی، دستور حمله به معترضان را صادر کرد و کشتار بسیاری از مردم به وقوع پیوست. این اقدام به‌طور آشکار در راستای اهداف نقشه‌های شوقی افندی برای ایجاد تسلط بهایی‌ها بر ساختار حکومتی بود.

پس از این کشتار، محفل ملی ایران به‌طور رسمی از تیمسار خسروانی تقدیر کرد. این تقدیرنامه به وضوح نشان‌دهنده نقش تشکیلات بهایی در سرکوب اعتراضات و اجرای نقشه‌های براندازی در ایران است. امام خمینی (ره) در همان زمان تأکید کردند که این سرکوب‌ها بخشی از نقشه‌های بزرگ‌تر برای تسلط بر کشور و ایجاد حکومتی وابسته به اسرائیل است. ایشان در سخنرانی‌های خود، تشکیلات بهایی را به‌عنوان عاملان اصلی این تهدیدات معرفی کردند.

در کنار این‌ها، امام بارها به همکاری‌های پنهانی بین تشکیلات بهایی و قدرت‌های خارجی مانند اسرائیل و آمریکا اشاره کردند. ایشان تأکید داشتند که این همکاری‌ها برای پیشبرد اهداف استعمارگرانه در ایران بوده و هدف اصلی آن‌ها تسلط بر منابع و زیرساخت‌های کشور است.

امام همچنین درباره نقشه‌های بلندمدت تشکیلات بهایی، مانند نقشه ۱۰ ساله شوقی افندی، توضیح دادند که این نقشه‌ها به‌طور واضح در تلاش برای ایجاد یک حکومت بهایی در ایران بودند. ایشان این نقشه‌ها را به‌عنوان تهدیدی برای تمامیت ارضی و استقلال کشور ارزیابی کردند. امام در این تحلیل‌ها به مردم هشدار دادند که این تهدید تنها تهدید مذهبی نیست، بلکه تهدیدی جدی برای هویت ملی و سیاسی ایران است.

در ادامه، امام خمینی (ره) به رابطه میان تشکیلات بهایی و سیاست‌های استعمارگرایانه اسرائیل و آمریکا اشاره کردند. ایشان تأکید کردند که این تشکیلات به‌عنوان یک ابزار نیابتی برای قدرت‌های خارجی در ایران عمل می‌کنند و هدف اصلی آن‌ها براندازی نظام اسلامی و جایگزینی آن با حکومتی است که تحت سلطه قدرت‌های خارجی باشد. امام در سخنرانی‌های خود این حقیقت را آشکار ساختند که تهدید بهایی‌ها به‌ویژه در زمینه نفوذ سیاسی و اقتصادی، خطری جدی برای استقلال و حاکمیت ملی ایران است.

امام در تحلیل خود از وقایع ۱۵ خرداد، کشتار معترضان را نه‌تنها نتیجه سرکوب حکومتی، بلکه بخشی از نقشه‌های بزرگتر تشکیلات بهایی دانستند. ایشان اشاره کردند که این کشتار در راستای پیشبرد اهداف تشکیلات بهایی بوده که با همکاری موساد و دیگر نهادهای اطلاعاتی خارجی برای تسلط بر منابع و ساختارهای حکومتی در ایران تلاش می‌کنند. امام با استناد به اسناد مختلف به روشنی بیان کردند که این اقدام تنها سرکوب یک اعتراض مردمی نبوده، بلکه حمله‌ای به تمامیت ارضی و استقلال ایران بود.

در این مقطع، امام خمینی (ره) به نقش نیروهای نظامی وابسته به تشکیلات بهایی، مانند تیمسار پرویز خسروانی، اشاره کردند. این فرمانده بهایی با دستور مستقیم از مقامات بالای تشکیلات بهایی، مردم معترض را به گلوله بست و این کشتار به‌طور مستقیم از سوی محفل ملی ایران مورد تقدیر قرار گرفت. امام با اشاره به این واقعه، نشان دادند که تشکیلات بهایی به‌طور فعال در اجرای این سرکوب‌ها مشارکت داشته‌اند و نقش آن‌ها در این حوادث را به‌طور واضح افشا کردند.

امام در ادامه فرمودند که تشکیلات بهایی از زمان قاجار در تلاش بودند تا با استفاده از حمایت خارجی‌ها، به‌ویژه قدرت‌های استعماری همچون بریتانیا و سپس اسرائیل، ایران را تحت سلطه خود درآورند. ایشان با اشاره به تاریخ ایران و حوادث مختلف، همچون ترورهای نافرجام ناصرالدین‌شاه و کودتاهای متعدد، نشان دادند که این تشکیلات همواره در پی بر هم زدن ثبات کشور و نفوذ به‌عنوان عامل خارجی در ایران بوده‌اند.

ایشان در ادامه تأکید کردند که امام حسین (ع) و انقلاب اسلامی، دقیقاً در برابر این نفوذ خارجی و تلاش برای تغییر نظام سلطنتی و دینی ایران شکل گرفتند. امام خمینی (ره) با مطالعه دقیق تاریخ، این تهدیدات را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عواملی که انقلاب اسلامی را به‌وجود آورد، شناسایی کردند. این‌که انقلاب اسلامی نه تنها یک جنبش دینی، بلکه یک جنبش ملی بود، به‌ویژه در مواجهه با تهدیدات خارجی و داخلی به‌وضوح بیان شد.

خلاصه نکات کلیدی متن:

۱. تشکیلات بهایی یک تهدید برای حکومت ایران بود: متن به احتمال خطرات ناشی از تشکیلات بهایی اشاره می‌کند و سؤالاتی درباره امکان نفوذ این تشکیلات در حکومت ایران، احتمال استفاده از اسلحه و دست به کشتار زدن مطرح می‌کند.

۲. نقشه ۱۰ ساله شوقی افندی: اشاره به نقشه شوقی افندی در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ که هدف آن نفوذ در قوای مجریه، مقننه و قضائیه ایران و تبدیل این کشور به حکومتی دست‌نشانده تحت حمایت اسرائیل و آمریکا بود.

۳. دخالت تشکیلات بهایی در کشتار ۱۵ خرداد: کشتار ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ که به دستور فرمانده بهایی، تیمسار پرویز خسروانی، توسط ژاندارمری انجام شد، به‌عنوان یک نمونه از نقشه‌های بهایی برای تسلط بر ساختار حکومتی ایران بیان شده است. محفل ملی ایران پس از این حادثه از او تقدیر کرد.

۴. تهدید ملی ایران: امام خمینی (ره) در سخنرانی‌های خود از تهدیدات بهایی‌ها نه تنها در بعد مذهبی، بلکه در ابعاد ملی و سیاسی نیز سخن گفتند. ایشان تأکید کردند که این تشکیلات در راستای منافع اسرائیل و آمریکا عمل کرده و در تلاش‌اند تا استقلال ایران را از بین ببرند.

۵. نقشه‌های تاریخی تشکیلات بهایی: امام خمینی (ره) به دخالت‌های تاریخی تشکیلات بهایی از دوران قاجار تا سال ۱۳۴۲ اشاره کردند، از جمله ترور شخصیت‌های برجسته و طراحی کودتاها برای تغییر نظام ایران.

۶. همکاری با قدرت‌های خارجی: امام بر ارتباط تشکیلات بهایی با اسرائیل و آمریکا تأکید داشتند و اعلام کردند که این تشکیلات از نیروهای نیابتی خارجی برای نفوذ در ساختارهای حساس کشور استفاده می‌کنند.

۷. تهدید برای انقلاب اسلامی: امام خمینی (ره) با بررسی تاریخ ایران و حوادث ۱۵ خرداد، نفوذ خارجی و داخلی را به‌عنوان عامل اصلی تهدید انقلاب اسلامی و استقلال ایران معرفی کردند. انقلاب اسلامی را نه تنها یک حرکت دینی، بلکه یک حرکت ملی علیه تهدیدات داخلی و خارجی دانستند.

منبع: https://www.hassanershad.com/11920

محمد بن الحسن علیه السلام در ایقان

۱۳ جلسه تصویری پیرامون اثبات وجود امام دوازدهم شیعیان از ایقان بهاء الله

نقد کتاب مستطاب ایقان جلسه اول دست گریخته های جناب بهاء الله پیرامون حضرت محمد بن الحسن امام دوازدهم عج الله تعالی فرجه الشریف در کتاب مستطاب ایقان مقدمه ۱ – فرق ادعای قائمیت و امام دوازدهم بودن ۲ —– پیرامون نواب اربعه دست گریخته های جناب بهاء الله پیرامون حضرت محمد بن الحسن امام دوازدهم عج الله تعالی فرجه الشریف در کتاب مستطاب ایقان

نقد کتاب مستطاب ایقان جلسه دوم دست گریخته های جناب بهاء الله پیرامون حضرت محمد بن الحسن ع در کتاب مستطاب ایقان جلسه ۲ ادامه مقدمه ادامه بحث نواب اربعه وظیفه بهائیان هجوم به باورهای شیعیان و مهدوی است دست گریخته های جناب بهاء الله پیرامون حضرت محمد بن الحسن امام دوازدهم عج الله تعالی فرجه الشریف در کتاب مستطاب ایقان

نقد کتاب مستطاب ایقان جلسه سوم دست گریخته های جناب بهاء الله پیرامون حضرت محمد بن الحسن امام دوازدهم عج الله تعالی فرجه الشریف در کتاب مستطاب ایقان ادامه بحث نواب اربعه دلائل کینه مسلمین نسبت به بهائیت

نقد کتاب مستطاب ایقان جلسه چهارم دست گریخته های جناب بهاء الله پیرامون حضرت محمد بن الحسن امام دوازدهم عج الله تعالی فرجه الشریف در کتاب مستطاب ایقان ادعای علم لدنی جناب بهاء الله (ذکر قسمتی از لوح حکماء) دست گریخته اول : مورداول: زیارت در ماه رجب ایقان ص ۶۳ و ایشانند مخازن علوم ربّانی و مواقع حکمت صمدانی و مظاهر فیض نا متناهی و مطالع شمس لایزا

نقد کتاب مستطاب ایقان جلسه پنجم نقد کتاب مستطاب ایقان مهدویت در ایقان جلسه پنجم ادامه دست گریخته مورداول: زیارت در ماه رجب دست گریخته های جناب بهاء الله پیرامون حضرت محمد بن الحسن امام دوازدهم عج الله تعالی فرجه الشریف در کتاب مستطاب ایقان دست گریخته اول : مورداول: زیارت در ماه رجب ایقان ص ۶۳ و ایشانند مخازن علوم ربّانی و مواقع حکمت صمدانی و مظاهر ف

نقد کتاب مستطاب ایقان جلسه ششم مهدویت در ایقان جلسه ششم دست گریخته مورد دوم: حدیث لوح دست گریخته های جناب بهاء الله پیرامون حضرت محمد بن الحسن امام دوازدهم عج الله تعالی فرجه الشریف در کتاب مستطاب ایقان دست گریخته دوم حدیث لوح : ایقان ص ۱۶۲ —– ۱۶۳ سرقت قسمت اعظم حدیث لوح : در "کافی" در حدیث جابر در " لوح فاطمه" در وصف قائم می فرماید: "عَلَیهِ کَمالُ

نقد کتاب مستطاب ایقان جلسه هفتم نقد کتاب مستطاب ایقان سرقت نسب نامه حجت بن الحسن ع توسط جناب بهاء الله از حدیث لوح جلسه هفتم سرقت نسب نامه حجت بن الحسن ع توسط جناب بهاء الله از حدیث لوح ادامه دست گریخته دوم متن حدیث لوح بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ نُورِهِ وَ سَفِيرِ

نقد کتاب مستطاب ایقان جلسه هشتم نقد کتاب مستطاب ایقان مهدویت در ایقان جلسه هشتم ادامه مورد دوم: حدیث لوح ۱ـ سیدباب در کتاب دلائل سبعه فارسی که در ماکو نوشته است در مقام استدلال به احادیث در صفحه ۴۷ می گوید : « و از آن جمله حدیث لوح فاطمه است که در کتب حدیث مسطور است الی ان قال :وَ أُكْمِلُ ذَلِكَ بِابْنِهِ محمد رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ علَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَ بَهَاءُ عِيسَى وَ صَبْرُ أَيُّوب

نقد کتاب مستطاب ایقان جلسه نهم نقد کتاب مستطاب ایقان سرقت نسب نامه حجت بن الحسن ع توسط جناب بهاء الله از حدیث لوح جلسه نهم مدارک: (۱) بحار الأنوار عن الکافی: ۳۶/ ۱۹۲ ح ۱. (۲) بحار الأنوار: ۳۶/ ۱۹۸ ح ۳ و الحدیث طویل/ و الآیه ۱۵۷ من سوره البقره. مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمیر المؤمنین علیه السلام، ص: ۱۶۱ مدارک حدیث قدسی در منابع اسلامی : بحار ج ۵۲ ص ۱۴۳

نقد کتاب مستطاب ایقان جلسه دهم دست گریخته سوم : دعای ندبه ایقان ص ۲۳ اطلاق شموس بر آن انوار مجرّده در کلمات اهل عصمت بسیار شده، از آن جمله در دعای ندبه می فرماید: "اَينَ الشُّمُوسُ الطّالِعهُ ؟ اَينَ الاَقمار المُنيرَهُ؟ اَينَ الاَنْجُمُ الزّاهِرَهُ؟" پس معلوم شد که مقصود از شمس و قمر و نجوم در مقام اوّليّه انبياء و اولياء و اصحاب ايشانند که از انوار

نقد کتاب مستطاب ایقان جلسه دوازدهم دست گریخته چهارم : نقد کتاب مستطاب ایقان سرقت نسب نامه حجت بن الحسن ع توسط جناب بهاء الله از حدیث لوح جلسه دوازدهم حدیث مفضل ایقان ص ۱۶۸ : ملاحظه فرمائید که در اخبار، سنه ظهور آن هويّه نور را هم ذکر فرمودهاند مع ذلک شاعر نشدهاند و در نَفَسی از هوای نفس منقطع نگشتهاند. فِی حَديثِ المُفَضَّل "سَئَلَ عن الصّادق فَک

نقد کتاب مستطاب ایقان جلسه سیزدهم نقد کتاب مستطاب ایقان مهدویت در ایقان جلسه سیزدهم دست گریخته پنجم: زیارت امام زمان ع در سرداب ایقان ص ۱۵۹ با اینکه چقدر از آيات فرقانيّه و روايات محقّقه که جميع دالّ است بر شرع و حکم جديد و امر بديع، باز منتظرند که طلعت موعود بر شريعت فرقان حکم فرمايد چنانچه يهود و نصاری همين حرف را می گويند. و از جمله کلمات مدلّه بر ش

مختصات نهاد امنیتی بیت العدل (ایادیان امر – دار التبلیغ – هیئت مشاورین قاره ای و هیئت معاونت ترویج و تحکیم)



دکتر ریاض قدیمی که در لینک معرفی افسران اطلاعاتی بیت العدل در ایران (دکتر و سرهنگ ریاض قدیمی) – حسن ارشاد (hassanershad.com) در باره وی به عنوان یکی از افسران اطلاعات و عملیات تشکیلات بهایی یاد شد در کتاب نوزده هزار لغت دقیق چارت سازمانی قلب مرکز جاسوسی و اطلاعاتی و امنیتی را بشرح زیر از بهاء الله تا پایان عمر شوقی را بر می شمرد

سند ۱

نوزده هزار لغت

جلد اوّل + جلد دوم

نسخهٔ اصلی این مجموعه در دو جلد تهیه و تنظیم گردیده

جلد اول از حرف « ا » تا « غ » [صفحات ۱ الی ۵۶۶]

و

جلد دوم از حرف « ف » تا « ی » [صفحات ۵۶۷ الی ۱۰۹۴]

صفحات ابتدای کتاب به عنوان « مقدمه »

صفحهٔ « ۵۶۶+ » آغاز جلد دوم

و

[صفحات ۱۰۹۵ الی ۱۱۱۳] به عنوان « منابع »

نام گذاری شده‌اند.

اِیاب — برگشتن ـ مراجعت نمودن .

اَیادی — دستها (مفرد : ید جمع : اَیْدی جمع الجمع : اَیادی معهذا کلمه ایادی اصطلاحاً نزد دو جمع (بهردو) بمعنای حامل اجراء یا عوامل اجراء ، اطلاق میگردد) .

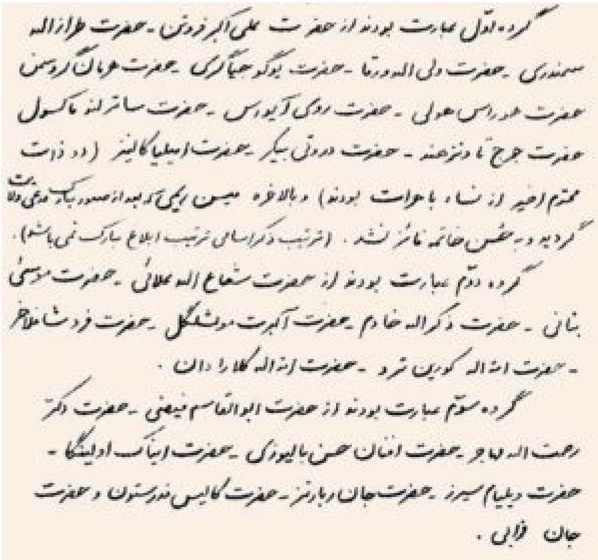
اَیادیِ اَمْرُاللّه و «مؤسسه ایادی امرالله» — در شریعت الهی بمعنای عام به خدام برازنده و مخلص امرالله اطلاق گردیده است ولی بمعنای خاص عنوان عظیم خدمتی [illegible] از خادمین فداکار و مخلص و جانفشان امرالهی است که از طرف حق با وظائف سنگین و وسیع تبلیغ و صیانت میثاق الله و حفظ روحانی و معنوی احبّاء الله بشرح ذیل انتخاب گردیده اند :

در عهد ابهی از احبّای مقیم در مهد امرالله چهار نفس بزرگوار تعیین شده اند که عبارت بودند از ۱ـ جناب ملا علی اکبر شهمیرزادی معروف به حاجی آخوند ۲ـ جناب میرزا علی محمد ابن اسم الله الاصدق معروف به ابن اصدق ۳ـ جناب آقا میرزا حسن ادیب العلماء ۴ـ جناب میرزا محمد تقی ابهری معروف به ابن ابهر .

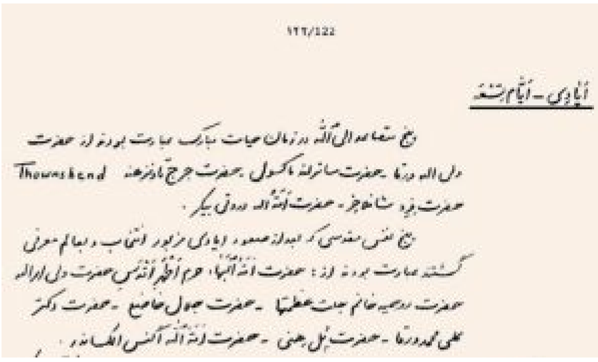
اَیادیِ اَمْرُاللّه

در عهد میثاق حضرت عبدالبهاء شخص حقی را باین عنوان منصوب و مفتخر ننمودند و همان ایادی منتخب حضرت بهاءالله تا خاتمهٔ حیاتشان به همان سمت و وظائف خطیره خدمت میکردند ولی حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا فرمودند قوله الصریح : « ای یاران ایادی امرالله را باید ولی امرالله تسمیه و تعیین کند ... » انتهی .

در دوران ولایت ، هیکل مبارک حضرت ولی امرالله جلّ سلطانه در هفت سال اخیر حیات عنصری حضرتشان در سه نوبت ۱۲ و ۷ و ۸ نفس بزرگوار را باین سمت عظمی انتخاب فرمودند و تا قبل از صعود مبارک ، بجای پنج نفر از ایادی مزبور که بملکوت ابهی صعود کرده ، پنج ذات محترم دیگر را باین عنوان مفتخر و باین سمت علیا متوظّف فرمودند .



گروه اوّل عبارت بودند از حضرت علی اکبر فروتن - حضرت طراز الله
سمندری - حضرت ولی الله ورقا - حضرت یوگو جیاکری - حضرت هرمان گروسمن
حضرت هوراس هولی - حضرت روی آیواس - حضرت ساترلند ماکسول
حضرت جرج تاونزند - حضرت دروتی بیکر - حضرت امیلیا کالینز (دو ذوات
محترم اخیر از نساء با حرارت بودند) و بالاضافه میسن ریمی که بعد از صعود هیکل مبارک ناقض
گردید و به حسن خاتمه نائل نشد. (ترتیب ذکر اسامی ترتیب ابلاغ مبارک نمی باشد).
گروه دوّم عبارت بودند از حضرت شعاع الله علائی - حضرت موسی
بنانی - حضرت ذکرالله خادم - حضرت آلبرت مولشگل - حضرت فرد شاپفلاخر
- حضرت امة الله کورین ترو - حضرت امة الله کلارا دان.
گروه سوّم عبارت بودند از حضرت ابوالقاسم فیضی - حضرت دکتر
رحمت الله مهاجر - حضرت افنان حسن بالیوزی - حضرت اینک اولینگا -
حضرت ویلیام سیرز - حضرت جان روبارتز - حضرت کالیس فدرستون و حضرت
جان فرابی.



۱۲۲/122

ایادی - ایام رشد

پنج نفس ایادی امرالله در زمان حیات مبارک عبارت بودند از حضرت
ولی الله ورقا - حضرت ساترلند ماکسول - حضرت جرج تاونزند Thownshend
حضرت فرد شاپفلاخر - حضرت امة الله دروتی بیکر.
پنج نفس مقدسی که بعد از صعود ایادی مزبور انتخاب و بعالم معرفی
گشتند عبارت بودند از: حضرت امة البهاء، حرم اطهر اقدس حضرت ولی امرالله
حضرت روحیه خانم جلت عظمتها - حضرت جلال خاضع - حضرت دکتر
علی محمد ورقا - حضرت پل هنی - حضرت امة الله آگنس الکساندر.

لینک کتاب :

https://t.me/Bahainoorlibrary/2649

همسر شوقی و ایادی امر وی روحیه ماکسول با تفاوتی در ایادیان عبد البهاء در کتاب زیر که عین فایلش تقدیم عزیزان می گردد اینگونه ایادیان را بر می شمرد

ایادی امرالله

نفوسی که حضرت بهاءالله در دوران رسالت خود (از ۱۸۶۳ تا ۱۸۹۲) بسمت ایادی امر انتخاب فرموده اند(۱):

حاجی ملا علی‌اکبر شهمیرزادی، مشهور به حاجی آخوند
حاجی میرزا محمّد تقی ابهری، معروف به ابن ابهر
میرزا محمّد حسن، ملقّب به ادیب العلماء و معروف به ادیب
میرزا علی محمّد، معروف به ابن اصدق

خادمین برجسته‌ای که حضرت عبدالبهاء در عهد میثاق (از ۱۸۹۲ تا ۱۹۲۱) به آنان بعنوان ایادی امر اشاره فرموده‌اند:

آقا محمّد قائنی، معروف به نبیل اکبر
میرزا علی محمّد ورقای شهید
شیخ محمّد رضای یزدی
ملا صادق مقدّس، ملقّب به اسم الله الاصدق

افرادی که پس از صعودشان از طرف حضرت ولیّ امرالله (از ۱۹۲۱تا۱۹۵۷) بعنوان ایادی امر معرّفی شده‌اند:

	تاریخ ابلاغ
جان اسلمنت	
[تولّد ۱۹مه ۱۸۷۴ ـ وفات ۲۲نوامبر ۱۹۲۵]	۳۰ نوامبر ۱۹۲۵
حاجی ابوالحسن امین، امین حقوق الله	
[تولّد ؟ ـ وفات ـ ۲۷مه ۱۹۲۸]	ژوئیه ۱۹۲۸
کیث رانسوم کهلر	
[تولّد ـ ۱۴ فوریه ۱۸۷۶ ـ وفات ـ ۲۳ اکتبر ۱۹۳۳]	۲۸ اکتبر ۱۹۳۳
مارتا روت	
[تولّد ـ ۱۰ اوت ۱۸۷۲ ـ وفات ـ ۲۸ سپتامبر ۱۹۳۹]	۲ اکتبر ۱۹۳۹
عبدالجلیل بای سعد	
[تولّد ـ ؟ وفات ـ ۲۵ ژوئن ۱۹۴۲]	۲۵ ژوئن ۱۹۴۲
سیّد مصطفی رومی	
[تولّد ـ ؟ وفات ـ ۱۳ مارس ۱۹۴۲]	۱۴ژوئیه ۱۹۴۲
محمّد تقی اصفهانی	
[تولّد ـ ؟ وفات ـ ۱۳ دسامبر ۱۹۴۶]	۱۵دسامبر ۱۹۴۶
لوئی گریگوری	
[تولّد ـ ۶ ژوئن ۱۸۷۴ وفات ـ ۳۰ ژوئیه ۱۹۵۱]	۵ اوت ۱۹۵۱
روی ویلهلم	
[تولّد ـ ۱۷ سپتامبر ۱۸۷۵وفات ـ ۲۰ دسامبر ۱۹۵۱]	۲۳ دسامبر ۱۹۵۱
جان هنری هاید دان	
[تولّد ـ ۵ مارس ۱۸۵۵ وفات ـ ۱۷ فوریه ۱۹۴۱]	۲۶ اوریل ۱۹۵۲

ایادی امرالله که از طرف حضرت ولیّ امرالله باین سمت منصوب شدند:

گروه اوّل که در ۲۴ دسامبر ۱۹۵۱ اعلام شد(۲)

	تاریخ تولد	تاریخ وفات
دوروتی بیکر	۲۱ دسامبر ۱۸۹۸	۱۰ ژانویه ۱۹۵۴
امیلیا کالینز	۷ ژوئن ۱۸۷۳	۱ ژانویه ۱۹۶۲
علی اکبر فروتن	۲۹ آوریل ۱۹۰۵ (۳)	
یوگو جیاکری	۱۳ مه ۱۸۹۶	۵ ژوئیه ۱۹۸۹
هرمان گروسمن	۱۶ فوریه ۱۸۹۹	۷ ژوئیه ۱۹۶۸
هوراس هولی	۷ آوریل ۱۸۸۷	۱۲ژوئیه ۱۹۶۰
لروی آیواس	۱۵ فوریه ۱۸۹۶	۲۲ ژوئیه ۱۹۶۵
ویلیام سادرلند ماکسول	۱۴ نوامبر ۱۸۷۴	۲۵ مارس ۱۹۵۲
چارلز میسن ریمی	۱۵ مه ۱۸۷۴	۴ فوریه ۱۹۷۴
طراز الله سمندری	۱۸۷۴	۲ سپتامبر ۱۹۶۸
جرج تاونزند	۱۴ ژوئن ۱۸۷۶	۲۵ مارس ۱۹۵۷
ولیّ الله ورقا	۱۸۸۴	۱۲ نوامبر ۱۹۵۵

گروه دوّم که در ۲۹ فوریه ۱۹۵۲ اعلام شد (۱)

شعاع الله علائی	۱۶ نوامبر ۱۸۸۹	۱۶ نوامبر ۱۹۸۴
موسی بنانی	۱۸۸۶	۴ سپتامبر ۱۹۷۱
کلارا دان	۱۲ مه ۱۸۶۹	۱۸ نوامبر ۱۹۶۰
ذکرالله خادم	۱۹۰۴	۱۳ نوامبر ۱۹۸۶
آدلبرت موشلگل	۱۶ ژوئن ۱۸۹۷	۲۹ژوئیه ۱۹۸۰
زیگفرد شاف‌لاخر	۱۸۹۷	۲۷ ژوئیه ۱۹۵۳
کورین ترو	۱ نوامبر ۱۸۶۱	۳ آوریل ۱۹۶۱

گروه سوم که در اکتبر ۱۹۵۷ اعلام شد (۲)

حسن بالیوزی	۷ سپتامبر ۱۹۰۸	۱۲ فوریه ۱۹۸۰



ابو القاسم فیضی	۱۹۰۶	۱۹ نوامبر ۱۹۸۰
کالیس فدرستون	۱۳ مه ۱۹۱۳	۲۹سپتامبر ۱۹۹۰
جان فرابی	۹ ژانویه ۱۹۱٤	٥ سپتامبر ۱۹۷۳
رحمت‌الله مهاجر	۱۹۲۳	۲۹ دسامبر ۱۹۷۹
اینااک اولینگا	۲٤ ژوئن ۱۹۲٦	۱٦ سپتامبر ۱۹۷۹
جان ربارتس	۲ نوامبر ۱۹۰۱	۱۸ ژوئن ۱۹۹۱
ویلیام سیرز	۲۸ مارس ۱۹۱۱	۲٥ مارس ۱۹۹۲

ایادی امرالله که از طرف حضرت ولی‌امرالله بطور انفرادی به این سمت منصوب شدند:

امةالبهاء روحیّه خانم		تاریخ ابلاغ
[تولد - ۸ اوت ۱۹۱۰] (۱)		۲٦ مارس ۱۹۵۲
جلال خاضع		
[تولد - ۱۸۹۷ - وفات - ۲۰ - فوریه ۱۹۹۰]		٦ دسامبر ۱۹۵۳
پول هنی		
[تولد – ۲۰ اوت ۱۹۰۹ – وفات – ۳ دسامبر۱۹۸۲]		۱۹ مارس ۱۹۵۵
علی محمد ورقا		
[تولد - ۱۹۱۱]		۱٥ نوامبر ۱۹۵٥
اگنس الکساندر		
[تولد - ۲۱ ژوئنه ۱۸۷٥ – وفات - ۱ ژانویه۱۹۷۱]		۲۷ مارس ۱۹٥۷

کتاب : دوران قیادت حارسان امرالله – امه البها روحیه خانم – ترجمه احسان کاظمی و باهر فرقانی 👇 👇

لینک کتاب

https://t.me/Bahainoorlibrary/1502

مورد اول :

جایگاه ارزشی و سازمانی و ساختار تشکیلاتی ایادیان امر در پیام بیت العدل :

۴ اپریل ۱۹۷۲

ترجمه پیام بیت العدل أعظم الهی خطاب به هیاتهای مشاورین قاره ای و محافل روحانی ملی

یاران محبوب

نظر به سوالاتی که اخیرا از منابع مختلفه در باره کیفیت **موسسه هیاتهای مشاورین قاره ای و روابطش با موسسه ایادی امرالله** باین هیات واصل گردیده لازم است به بیان مطالب و توضیحات ذیل مبادرت گردد:

درک و فهم این موضوع مانند بسیاری از **شئون نظم اداری** بر اثر مرور زمان امکان پذیر و حقایق آن واضح و عیان می شود چه که اعضای هیکل این
نظم بتدریج بقوه هدایت ربانیه و موافق با **مقتضیات جامعه دائم الاتساع جهانی رشد و نمو** می یابد. ولیکن بعضی

از این شئون تا بحال آنچنان روشن و واضح گردیده که سزاوار است اهل بها در درک و فهم آنها سعی مخصوص مبذول دارند.

جمال قدم جل ذکره الاعظم در **کتاب عهدی** می فرمایند **«طوبی للامرا و العلما فی البها»** و **حضرت ولی محبوب امرالله در چهارم نوامبر ۱۹۳۱** در باره این بیان مبارک می فرمایند:

«علما در این کور مقدس در یک مقام ایادی امرالله و در مقام دیگر مبلغین و ناشرین امر که در سلک ایادی نباشند ولی رتبه اولی را در تبلیغ حائز. مقصود از امرا اعضای بیت عدل محلی و ملی و بین المللی است. وظائف هر یک از این نفوس من بعد معین گردد»

ایادی امرالله و مشاورین و اعضای هیاتهای معاونت مشمول تعریفی می شوند که حضرت ولی امرالله از «علما» فرموده اند. لهذا جمیع آنها طرا در نهایت صمیمیت با یکدیگر مرتبطند و **خطاب موسسه واحد بهر سه طبقه خطا و اشتباه** نیست.

اما هر یک از این طبقات فی حد ذاته موسسه ای است مجزی. **موسسه ایادی امرالله در ایام جمال قدم جل اسمه الأعظم بوجود آمد** و زمانی که نظم اداری در الواح وصایای حضرت عبدالبها رسما تاسیس و اعلان گردید بصورت **موسسه معاونتی برای ولایت امرالله** در آمد.

هیاتهای معاونت نیز بنوبه خود باراده حضرت ولی امرالله بعنوان موسسه معاونت ایادی امرالله ایجاد گردید.

پس از صعود حضرت ولی امرالله هنگامی که بیت العدل اعظم مقرر داشت نمی تواند بجهت **امکان تعیین و انتصاب ایادی جدید امرالله قانونی** وضع نماید این قرار ایجاب نمود بیت العدل اعظم موسسه جدیدی را بوجود آورد که بتواند اعضای آن را راسا تعیین و تسمیه نماید و بدین ترتیب **دو وظیفه صیانت و ترویج امرالله که بعهده ایادی امرالله** است در مستقبل ایام استمرار یابد و موسسه ایادی امرالله را بنحوی تحول بخشد که بتواند موسسه جدید الولاده را پرورش دهد و تا زمانی که میسر است با آن همکاری و معاضدت صمیمانه و نزدیک داشته باشد. همچنین لازم و ضروری بود ترتیبی اتخاذ شود تا بنحوی موثر از خدمات بی نظیری که ایادی امرالله شخصا انجام می دهند بحداکثر استفاده شود.

اولین قدم در سبیل این بسط و تحول در **نوامبر ۱۹۶۴ برداشته شد** و بیت العدل اعظم **موسسه ایادی امرالله** را رسما به بیت العدل **مرتبط ساخت** و اعلام داشت. مسئولیت اخذ تصمیم در باره مسائل مربوط به سیاست کلی حاکم بر موسسه ایادی امرالله که سابقا باراده و مشیت حضرت ولی محبوب امرالله موکول بود از این ببعد به بیت العدل اعظم الهی که معهد و مرکز اعلی و مرجع کل امور جمیع اهل بهاست راجع می گردد در همان موقع تعداد اعضای **هیات های معاونت از ۷۲ به ۱۳۵** افزایش یافت و از ایادی امرالله در هر قاره دعوت شد که یک یا چند نفر از اعضای هیاتهای معاونت خود را به نیابت خویش تعیین نمایند تا از قبل هر یک از ایادی أمر الله و بنام ایشان اقدام نمایند و بدینوسیله هر یک از ایادی امرالله را در اجرای امور مربوطه معاضدت کنند.

در جون ۱۹۶۸ **موسسه هیاتهای مشاورین قاره ای** بمنظور تحقق یافتن هدف ادامه و استقرار وظائف سابق الذکر ایادی امرالله در مستقبل ایام بوجود آمد و این تصمیم خطیر مقارن با قدم بعدی در **توسعه موسسه ایادی امرالله** بود بدین معنی که مقرر گردید ایادی امرالله مقیم هر قاره من بعد بخدمات خود بنحو **بین المللی و جهانی** ادامه دهند و هر یک منفردا با بیت العدل اعظم ارتباط مستقیم داشته باشند. مسئولیت اداره امور هیاتهای معاونت از ایادی امرالله منتزع گردید و هیاتهای مزبور به موسسه معاونت هیاتهای مشاورین قاره ای مبدل شدند؛ و وظیفه حفظ ارتباط بین بیت العدل اعظم و هیاتهای مشاورین قاره به هیات أیادی امرالله مقیم ارض اقدس تفویض گردید؛ و ارتباط متقابل بین ایادی امرالله و هیاتهای مشاورین بنحوی قابل اجرا برقرار شد و نیز به **دارالتبلیغ بین المللی** در ارض اقدس که باراده بیت العدل اعظم و با معاضدت هیات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس تاسیس خواهد گردید اشاره شد.

در جولای ۱۹۶۹ و در رضوان ۱۹۷۰ عدد مشاورین و اعضای هیاتهای معاونت افزایش یافت.

بدون تردید در آینده با ایجاد دار التبلیغ بین المللی و توسعه خدمات مشاورین بسط و تحولات دیگری در موسسه ایادی امرالله و موسسه هیاتهای
مشاورین قاره ای صورت خواهد گرفت.

ملاحظه شده است در بعضی موارد احبای الهی **ایادی امرالله و مشاورین و هیاتهای معاونت را «جناح انتصابی» نظم اداری تلقی نموده** آن را مقابل با «جناح انتخابی» که از بیت العدل اعظم و محافل ملی و محلی تشکیل می شود محسوب می دارند. هر چند این طرز توصیف و تلقی حقیقتی از نحوه ایجاد این موسسات را بیان می کند یاران باید بدانند که اصل انتصاب تنها وجه تمایز موسسات ایادی امرالله و مشاورین و هیاتهای معاونت نیست.

فی المثل تعداد افرادی که بعضویت در لجنه های تابعه «جناح انتخابی» منصوب شده اند بمراتب افزون تر از تعداد نفوسی است که در «جناح انتصابی» قائم بر خدمتند و وجه تمایز بارزتر آنکه «امرا» در امر الهی بالاجتماع انجام وظیفه می کنند و حال آنکه «علما» هر یک اصولا بالانفراد بخدمت قائمند.

در یکی از توقیعات مبار که خطاب به محفل روحانی بهائیان استامبول مورخ ۱۴ مارچ ۱۹۲۷ کاتب حضرت ولی امرالله از جانب آن حضرت اصل
اقدام و عمل از طریق غلبه آرا در امرالله را تشریح نموده و متذکر شده است در گذشته اشخاصی که خود را «اعلم و اجل» می دانستند مایه تفرقه می گردیدند و «نفوسی که خود را افضل از کل می دانستند سبب اختلاف گشتند» **«ولی الحمدلله قلم اعلی این استبداد رای افراد علما و عقلا را از میان بردند و قول افراد را ولو اعلم علما و افضل فضلا باشد میزان نفرمودند و امور را بمراکز منصوصه و محافل مخصوصه راجع نمودند. حتی هیچ محفلی را در امور کلیه عمومی ممالک بالاطلاق مرکز قرار ندادند بل جمیع محافل مقدسه را در ظل یک بیت العدل و مرکز اعظم الهی خواندند تا مرکز مرکز واحد باشد و جمیع در ظل محور منصوص مخصوص حکم یک نفس یابند و از انشقاق و تفرقه محفوظ مانند.»**

هر چند جمال قدم جل اسمه الاعظم مفاسدی را که ذاتا در موسسات علما در ظهورات سابقه موجود است برای ابد از شریعه الله محور و زائل فرموده اند ولیکن چنانکه حتی از مطالعه سریع و اجمالی پیام منیع مورخ چهارم جون ۱۹۵۷ بر می آید عوامل مفیده موجوده در این موسسات را در نظم اداری خویش وارد نموده اند عواملی که برای پیشرفت و تقدم امرالله حائز ارزش اساسی هستند.

وجود موسساتی چنین رفیع الشان که از افرادی تشکیل شده است که وظائفی چنین خطیر بعهده دارند ولیکن دارای اختیارات **تقنینی و اداری و قضائی** نیستند و بکلی از وظائف روحانیون ادوار سلف و حق و صلاحیت تبیین و استنباط رسمی آثار الهیه مبرا و فارغند از شئون مختصه نظم اداری بهائی است که در ادیان گذشته بی نظیر و مثیل است. درک و فهم این مفهوم بدیع و فرید البته صعب و دشوار است و تنها در اثر رشد و تکامل جامعه بهائی و ازدیاد عرفان احبا الهی به اصول نظم اداری، عرفانی که فارغ از تاثیرات حاصله از معتقدات ازمنه ماضیه باشد رابطه متقابل اتکا و تعلق «امرا» و «علما» در شریعه الله و ارزش بی حد و حصر تعاضد و تاثیرات متقابله آنان در یکدیگر بنحو شایستهای مفهوم و معلوم خواهد گردید.
با تقدیم تحیات ابدع ابی بیت العدل اعظم

اصل فایل پیام

۱۹۷۲_۰۴_۲۴ ۲۹۴

◈ سند فوق اقرار به مطالب زیر است :

اولا : در بهائیت انکار طبقه روحانیت دروغ است چنانچه همگان شاهدند بیت العدل بر مبنای آثار بهاء الله معترف به وجود طبقه روحانی موسوم به ایادیان امر و افراد برجسته مبلغین را نیز مصداق این وصف می داند

ثانیا : دار التبلیغ و هیئت مشاورین و مساعدین آنها که از جهت اداری جایگزین ایادیان امر می باشند مصداق وصف علماء و طبقه روحانیت در تشکیلات بهایی است

ثالثا : مصداق لفظ امرا تعلق به اعضاء بیوت عدل دارد عزیزان دقت کنند این سند بسیار مهم است زیرا محفل محلی و ملی از بدعتهای عبد البها و شوقی است و مقام این دو تبیین بود نه تشریع لذا ایشان باید در هر شهری بیوت عدل برپا می کردند نه محفل ملی و محلی یکی از دلایل این امر هم این بود که اگر عنوان بیت العدل به محافل اطلاق می شد مجاز نبودند تا زنان را در آن راه دهند و شعار تساوی حقوق زن و مرد پوچ می گردید

انوار هدایت ص ۴۰۷

ایادیان امر در نصوص بهایی از کتاب موسسه ایادی امرالله – عبدالعلی علائی 👇👇

لینک کتاب :

https://t.me/Bahainoorlibrary/2757

(۱۱)

* فصل اول *

قسمت الف – نصوص مبارکه

الف : قسمتی ازنصوص مبارکه راجع بحضرات ایادی امرالله علیهم بهاء الله .

۱– بسمی الناطق فی ملکوت البیان – النور والبهاء والتکبیر والثناء علی ایادی امره الذین بهم اشرق نور الاصطبار و ثبت حکم الاختیار لله المقتدر العزیز المختار و بهم ماج بحرالعطاء وهاج عرف عنایة الله مولی الوری – نسئله تعالی ان یحفظهم بجنوده و یحرسهم بسلطانه و ینصرهم بقدرته التی غلبت الاشیاء الملک لله فاطرالسماء و مالک الاسماء لک الحمد یا الهی بما ایّدتنی علی ذکرهم و ثنائهم وعلی ماهم علیه فی امرک ولی ایامک لا اله الاّ انت المحصی المحیط العلیم .

(حضرت بهاء الله – لوح دنیا)

۲– اصلّی واسلّم واکبّر علی انجم سماء عرفانک و ایادی امرک الذین طافوا حول ارادتک وما تکلّموا الاّ باذنک و ماتشبثوا الاّ بذیلک اولئک عباد شهدت بخدمتهم و نصرتهم و قیامهم وذکرهم و ثنائهم کتبک و زبرک وصحفک و الواحک و بهم نصبت اعلام توحیدک فی مدنک ودیارک و رأیات تقدیسک فی مملکتک اولئک لم یسبقوک بالقول فی امر من الامور قد کانت آذانهم مترصّدة لاصغاء اوامرک و عیونهم منتظرة لانوار وجهک اولئک عباد مکرمون و اولئک عباد لایسبقون اولئک عباد قائمون یصلّون علیهم اهل الملک والملکوت واهل الفردوس والجبروت ومن وراءهم لسان عظمتک .

(حضرت بهاء الله – اصل این لوح مبارک در محفظه آثار ارض اقدس است)

۳– قد بنی بمشیته النافذة بیت امره علی اسّ البیان واستحکم التبیان وخلق له حفّاظا و حرّاسا لیحفظوه من کل خائن غافل و متکلم جاهل وهم الذین لا یتجاوزون عمّا انزله الله فی الکتاب ولا یتکلمون الاّ بما اذن لهم فی الکتاب ونشهد انّهم ایادی امره فی الوری ومصابیح هدایته بین الارض والسماء وهم القائمون لدی بابه و یطردون من لم یکن اهلاً للدخول الی فنائه لا اله الاّ هو العالم الآمر العلیم الخبیر .

(حضرت بهاء الله – نقل ازکتاب حدائق میثاق چاپ ۱۲۱ بدیع)

۴– .... والتحیة والثناء والصّلاة والبهاء علی

...... وطوبی لایادی امرالله الذین نشروا نفحات الله ونطقوا بحجج الله وبلغوا دین الله وروّجوا شریعة الله وانقطعوا عن غیرالله و زهدوا فی الدنیا واججّوا نیران محبة الله بین الضلوع والاحشاء من عباد الله ......

(حضرت عبدالبهاء — الواح مقدسه وصایا)

۵— ای یاران ایادی امرالله را باید ولی امرالله تسمیه و تعیین کند جمیع باید در ظل او باشند و در تحت حکم او ......

(حضرت عبدالبهاء — الواح مقدسه وصایا)

۶— ایادی امرالله باید بیدار باشند بمحض اینکه نفسی بنای اعتراض و مخالفت با ولی امرالله گذاشت فورا آنشخص را اخراج از جمع اهل بهاء نمایند و ابداً بهانه ای از او قبول ننمایند چه بسیار که باطل محض بصورت خیر درآید تا القاء شبهات کند ......

(حضرت عبدالبهاء — الواح وصایا)

۷— وظیفه ایادی امرالله نشر نفحات الله و تربیت نفوس در تعلیم علوم و تحسین اخلاق عموم و تقدیس و تنزیه در جمیع شئون است از اطوار و احوال وکردار وگفتار باید تقوای الهی ظاهر و آشکار باشد ......

(حضرت عبدالبهاء — الواح مقدسه وصایا)

۸— مؤسسه ایادی امرالله که به اراده قاطعه الهیه تأسیس گردیده و بموجب اختیارات مخصوصه در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء دارای دو وظیفه اصلی صیانت و ترویج امرالله میباشد اکنون داخل مرحله جدیدی گردیده که دایره خدمات و وظایف مقدسه اخیرا منبسط میسازد وعلاوه بر مسئولیت جدید یک مساعدت با محافل روحانیه ملیه در سراسر جهان بمنظور اجرای کامل ومؤثر جهاد روحانی جهانی است وظیفه مهم و اساسی مراقبت و صیانت جامعه جهانی بهائی با همکاری واشتراک مساعی نزدیک با همان محافل روحانیه ملیه بشتاب سابقه آن حیثیت اضافه میگردد .

(حضرت ولی امرالله — ترجمه توقیع منیع تلگرافی مورخ جون ۱۹۵۷)

۹— از ایادی امرالله ومحافل روحانیه ملیه دعوت میشود که از این تاریخ ببعد در هر یک از قارّات مختلفه بنحو جداگانه با یکدیگر ارتباط و تماس مستقیم حاصل نموده وآنقدر که ممکن و میسر است در مواقع مقتضی بتبادل آراء و افکار بپردازند وگزارشهای واصله از هیئت های معاونین ولجنه های ملیه مربوطه را جهت اخذ تصمیمات لازمه در بین نهند در امور نهایت دقت ومواظبت ملحوظ دارند ودر انجام وظائف حتمیه مقدسه کمال سعی و اهتمام [illegible] ظهور

رسانند حفظ و حراست امر عزیز و گرانبهای الهی را همچنین صیانت و حفظ صحت روحانی جوامع بهائی و تحکیم و تقویت روح ایمان در فرد فرد اعضاء جامعه و حصول ثمرات و نتایج مرغوبه در اقدامات وسیعه جهانی و تمشیت مشروعات امریّه که بجهد و فداکاری عالم بهائیان گردیده و تحقق مقدرات نهائی امر الهی کلّ رأساً و مستقیماً مربوط بحسن انجام وظیفه خطیره است که اکنون بعهده اعضاء این دو مؤسسه قرار دارد.

(حضرت ولی امرالله – ترجمه توقیع منیع مورخ جون ۱۹۵۷)

۱۰– ..... پیشرفتی چنین حیرت انگیز رعد آسی چنین وسیع که در مدتی کوتاه بدست عدهٔ قلیل از نفوس جلیل بحصول پیوسته سزاوار و در واقع مستلزم آنست که در این مرحله از تکامل جهاد دهساله با علان قدم دیگر در توسعه تدریجی یکی از مؤسسات اصلی و مرکزی که منصوص قلم اعلی و مؤیّد بالواح مقدسه و صایای حضرت عبدالبهاء است تجلیل گردد بدین معنی که با تعیین عده دیگری از ایادی امرالله عدد خدام برگزیده جامعه جهانی حضرت بهاء الله که در مرحله جنین است و بنص کلک اطهر مرکز میثاق و ظایف دوگانه صیانت امرالله و تأمین

(۱۶)

نشر و تبلیغ دین الله بآنان محوّل گشته به ۹ دفعه افزایش یابد .....

(نقل از توقیع منیع مورخ اکتبر ۱۹۵۷ حضرت ولی امرالله).

الواح عدیده و توقیعات کثیره با فتخار و تجلیل حضرات ایادی امرالله نازل و صادر گردیده که این مجموعه گنجایش درج همه آنها را ندارد لذا بدرج آثار مبارکه فوق اکتفا گردید.

سند دوم

۱۰۸۰ : لوح مبارکه نازله به افتخار ایادیان امرالله

«سلام تحیت و تکبیر من بر نجوم آسمان علم، ایادیان امرت، آنان که حول مشیت حلقه زدند و بدون اذنت سخن نگفتند و جز به ذیل مبارکت متشبث نشوند. آنان نفوسی هستند که ذکر و ثنایشان در کلمات مقدسه کتب و الواحت ثبت است، چنانکه خدمات و انتصارات و ارادات عالیه‌اشان مذکور است. بواسطه آنان اعلام وحدانیت در مدن و ممالکت منصوب و پرچمهای تقدیست در ملکوتت مرتفع. به کلامی در موضوعی تفوه نمی کنند مگر آنکه تو فرموده باشی زیرا آذانشان متوجه استماع فرمان توست و عیونشان منتظر مشاهده شعشعات جمال تو. آنان بندگانی هستند، به لطف و عنایت فائز و به میل و رضایت نائل و به خدمت امرت قائم.

مردمان جهان و ساکنان ملکوت جنان و اهل فردوس برین و عوالم علیین و از ورای همه، آنان، لسان عظمت، بدانان سلام و تکبیر می‌فرستند. پاک و مقدسی تو ای خدای من که یاریم کردی تا آنان را یاد آورم و خود و مقامات عالیه‌اشان را در امر عظیمت و در یوم رهیبت، ستایش کنم. لااله الا انت الحاسب العلیم و الحکیم.»

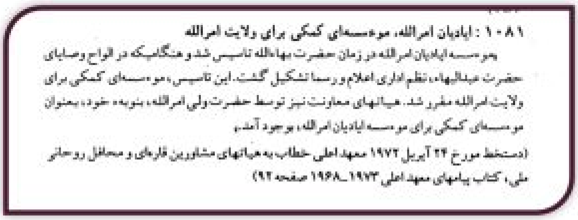
(لوح حضرت بهاءالله، ترجمه شده در ارض اقدس، مجله بهایی نیوز شماره ۴۲۰ صفحه ۲ مارچ ۱۹۶۶)

❖ مبلغین بهایی به دروغ می گویند طبقه روحانی نداریم و تبلیغ امری وجدانی است و بابت این وظیفه در تشکیلات بهایی وظیفه ای سبب کهتری و بهتری نیست اما در این سند ملاحظه می نمایید اوصافی که ما برای انبیا و اولیاء بکار می بریم را بهاء الله و بهائیان در وصف علماء خود (ایادیان امر) بکار می برند

انوار هدایت ص ۴۰۸

۲

سند سوم



۱۰۸۱ : ایادیان امرالله، موءسسهای کمکی برای ولایت امرالله

«موءسسه ایادیان امرالله در زمان حضرت بهاءالله تاسیس شد و هنگامیکه در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء، نظم اداری اعلام و رسما تشکیل گشت. این تاسیس، موءسسهای کمکی برای ولایت امرالله مقرر شد. هیاتهای معاونت نیز توسط حضرت ولی امرالله، بنوبهء خود، بعنوان موءسسهای کمکی برای موءسسه ایادیان امرالله، بوجود آمد.»

(دستخط مورخ ۲۴ آپریل ۱۹۷۲ معهد اعلی خطاب به هیاتهای مشاورین قارهای و محافل روحانی ملی، کتاب پیامهای معهد اعلی ۱۹۷۳_۱۹۶۸ صفحه ۹۲)

❖ این سند بسیار مهم است زیرا هیئت های معاونت که تحت امر ایادیان امر بودند از تاسیسات شوقی است و نزد بهائیان اعتبار خاصی دارد و دقیق افرادی مانند عفیف نعیمی ووو از این حیث که عضو هیئت معاونت بودند از زیر مجموعه ایادیان امر و الان دار التبلیغ می باشند و در عین حال بدلیل عضو محفل ملی نیز (هیئت یاران) بودن هم از علما هم از امرا محسوب می شوند

انوار هدایت ص ۴۰۸

۳

سند ۴



۱۰۸۲ : وظائف ایادیان امرالله

«در نصوص مقدسه الهیه وظائف مشخصهء صیانت و ترویج امرالله، بعنوان مسئولیتی مخصوص و حیاتی، جهت انجام بعهدهء موءسسه ایادیان امرالله، محول گشته. ایادیان امر، در حد توانشان، بعنوان حافظان و حارسان امرالله، به انجام اقدامات مقتضی نسبت به طرد ناقضان میثاق الهی و عفو و اعادهء آنانی که خالصانه اظهار ندامت نمایند، ادامه خواهند داد. در هر دو مورد تصمیم نهایی بعهدهء بیت العدل اعظم است.»

(دستخط مورخ اکتبر ۱۹۶۳ معهد اعلی خطاب به احبای دنیا کتاب سرچشمه هدایت، صفحات ۱۴_۱۳)

❖ در سند فوق که ابتدای بر اریکه قدرت نشستن بیت العدل می باشد ۱۹۶۳ و خودشان عروسک خیمه شب بازی ایادیان امر می باشند به پاس این انتخابات فرمایشی ریش و قیچی دو مسئولیت ایادیان امر را متذکر می شود که بسیار مهم است

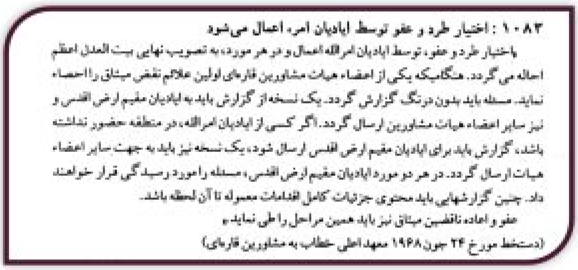
اولا وظیفه حراست و عملیات گسترده اطلاعاتی در سطح بین المللی نسبت به تمام شهروندان بهایی سایر کشورها جهت مراقبت از خطای تشکیلاتی نکردن اعضای این سازمان

ثانیا در صورت احراز تخلف سازمانی با چوب طرد احکام کیفری را بر آنان صادر کنند و از حقوق مدنی و انسانیشان محروم کنند

انوار هدایت ص ۴۰۹

۴

سند ۵



۱۰۸۳ : اختیار طرد و عفو توسط ایادیان امر، اعمال می‌شود

باختیار طرد و عفو، توسط ایادیان امرالله اعمال و در هر مورد، به تصویب نهایی بیت العدل اعظم احاله می گردد. هنگامیکه یکی از اعضاء هیات مشاورین قاره‌ای اولین علائم نقض میثاق را احصاء نماید. مسئله باید بدون درنگ گزارش گردد. یک نسخه از گزارش باید به ایادیان مقیم ارض اقدس و نیز سایر اعضاء هیات مشاورین ارسال گردد. اگر کسی از ایادیان امرالله، در منطقه حضور نداشته باشد، گزارش باید برای ایادیان مقیم ارض اقدس ارسال شود، یک نسخه نیز باید به جهت سایر اعضاء هیات ارسال گردد. در هر دو مورد ایادیان مقیم ارض اقدس، مسئله را مورد رسیدگی قرار خواهند داد. چنین گزارشهایی باید محتوی جزئیات کامل اقدامات معموله تا آن لحظه باشد.

عفو و اعاده ناقضین میثاق نیز باید همین مراحل را طی نماید.»

(دستخط مورخ ۲۴ جون ۱۹۶۸ معهد اعلی خطاب به مشاورین قاره‌ای)

❖ نهاد اطلاعات و عملیات (ایادیان امر – دار التبلیغ – هیئت – مشاورین – معاونین)

بر مبنای این پیام مرکز تجمیع کلیه اطلاعات اتباع بهایی کلیه کشورها در حیفا – اسرائیل مقر دائمی دار التبلیغ جمع گردیده است و این ناقض حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کلیه کشورهاست زیرا یکی از وظایف این نهاد برخورد با متخلفان است و لازمه این عمل مبتنی بر کسب خبر می باشد یعنی ارسال اطلاعات شهروندان تمام کشورها بدون هماهنگی خود افراد و نهاد های اطلاعات کشورها به اسرائیل

نکته بعد : اعلام شده بود در بهائیت امر بمعروم و نهی از منکر نداریم ولی عزیزان مشاهده می کنند که هنوز تشکیلات بهایی حکومت ظاهری در جایی برپا نکرده ابزار برخورد مجرمانه با شهروندان اتباع سایر کشورها را به راه انداخته است لذا این نهاد هم علماء هستند هم فتوا دهندگان به طرد و محروم کردن شهروندان کلیه کشورها از حقوق مدنی و اجرای احکام کیفری علیه آنان از خارج مرزها

انوار هدایت ۴۰۹

۵

سند ۶

۱۰۸۴ : وظیفه و امتیاز ایادیان امرالله در مشورت با هیاتهای مشاورین و محافل ملیه

«ایادیان امرالله دارای این تعهد و امتیاز هستند که با هیاتهای مشاورین قاره‌ای و محافل روحانی ملی راجع به هر موضوعی که بنظرشان، مصالح و منافع امرالله را تحت تاثیر قرار می‌دهد، مشورت نمایند...

بیت العدل اعظم از آنان تقاضا خواهد کرد که ماموریتهای مخصوصی را از جانب این هیات قبول نمایند و به نمایندگی آن در مسائل دنیای بهایی و غیر آن اقدام کنند و این هیات را از مصالح خیریه امرالله مطلع سازند... آنان بطور فزاینده‌ای در سطحی جهانی عمل خواهند کرد، عاملی که نیروی محرکه عظیمه‌ای از الهامات روحانیه جاریه در این نفوس مقدسه، حراس اتحادیه جهانی حضرت بهاءالله، در دنیای بهایی افاضه و آزاد خواهد کرد.»

(دستخط مورخ ۲۴ جون ۱۹۶۸ معهد اعلی خطاب به بهائیان دنیا)

⊗ موسسه ایادیان امر با توجه به جمله آخر این متن ” حراس اتحادیه جهانی حضرت بهاء الله ” اعتراف صریح به مقام سرویس اطلاعاتی بودن این نهاد در سطح جهانی است

انوار هدایت ۴۰۹

۶

سند ۷

۱۰۸۵ : خدمت در موسسات اداری متناسب مقام ایادیان امرالله نیست

«مقام و منزلت متعالی و وظائف و مسئولیتهای مخصوص ایادیان امرالله این امر را برای آنان نامتناسب و ناهمگون می‌سازد که بعنوان عضو موسسات اداری انتخاب و یا انتصاب شوند و یا بنام نماینده برای شرکت در کانونشنهای ملی تعیین گردند. این تقاضای آنان و نیز خواهش بیت العدل اعظم است که این نفوس مقدسه آزاد باشند تا کلیه توانائیهای خود را به وظائف حیاتیه مهمه محوله بدانان در آثار الهیه و نصوص مبارکه اختصاص دهند.»

(دستخط مورخ نوامبر ۱۹۶۴ معهد اعلی خطاب به بهائیان دنیا)

⊗ بیت العدل از طرفی ادعا می کند ما طبقه روحانی نداریم و گروهی که ممتاز از سایر بهائیان باشد وجود ندارد اما در این متن به وضوه تافته جدا بافته ایادیان امر را شاهدیم که به روشنی اعلام می کند که برای ایادیان امر عضویت در نهاد های انتخابی و انتصابی کسر شان این نهاد است

انوار هدایت ۴۱۰

۷

سند ۸



و ـ دار التبلیغ بین المللی

۱۰۸۷ : تاسیس دار التبلیغ بین المللی و وظائف آن

اکنون زمان برای تاسیس دارالتبلیغ بین المللی بسیار مساعد و مناسب است اقدام و توسعه‌ای که همزمان، هم کار و فعالیت ایادیان مقیم ارض اقدس را به ثمر و نتیجه خواهد رساند و هم امکان توسعه و گسترش آن را به آینده فراهم خواهد آورد. همچنین موسسه مشاورین قاره‌ای را نزدیکتر و صمیمانه‌تر با ایادیان امرالله مرتبط و متصل کرده و انجام مسئولیتهای سریع‌التزاید بیت العدل اعظم را نیز، قدرتمندانه تقویت می‌نماید.

وظائف محوله به این موسسه نوبنیاد، در حال حاضر عبارتند از:

۱) هماهنگ کردن و تحریص و هدایت نمودن فعالیتهای هیاتهای مشاورین قاره‌ای و نیز عمل بعنوان رابط میان آنها و بیت العدل اعظم الهی.

۲) اطلاع کامل یافتن از موقعیت امرالله در کلیه نقاط دنیا و قادر بودن بر اساس و با استفاده از این آگاهیها جهت تهیه و ارسال گزارشها و توصیه‌هایی به بیت العدل اعظم و نیز ارائه هدایات و نظریاتی به مشاورین قاره‌ای.

۳) مترصد فرصتها و امکانات بودن، چه در درون جامعه بهایی و چه در بیرون آن، به جهت اتساع فعالیتهای تبلیغی به نواحی مستعد و محتاج و جلب توجه بیت العدل اعظم و نیز هیاتهای مشاورین قاره‌ای به این امکانات همراه با توصیه‌های مناسب جهت عمل و اقدام.

۴) تعیین و پیش بینی نیازهای مطبوعاتی و نیز نیاز به مهاجرین و مبلغین سیار و تهیه طرحها و نقشه‌های تبلیغی منطقه‌ای و جهانی و تقدیم جهت تصویب به بیت العدل اعظم الهی.

کلیه ایادیان امرالله اعضاء دارالتبلیغ بین المللی هستند، هر کدام از آنان مرتبا بواسطه گزارشها و رونوشتهایی از خلاصه مذاکرات این مرکز، از فعالیتها مطلع گشته و قادر خواهند بود در هر جائیکه ساکن و یا در حال سفر باشند، پیشنهادات، توصیه‌ها و اطلاعات خود را به مرکز ارسال دارد و هر گاه نیز که در ارض اقدس باشند، در مذاکرات و مشاورات و سایر فعالیتهای مرکز، مشارکت نمایند.»

(حیفا ۸ جون ۱۹۷۳ معهد اعلی خطاب به احبای دنیا)

و ـ دار التبلیغ بین المللی

۱۰۸۷ : تاسیس دارالتبلیغ بین المللی و وظائف آن

اکنون زمان برای تاسیس دارالتبلیغ بین المللی بسیار مساعد و مناسب است اقدام و توسعه ای که همزمان، هم کار و فعالیت ایادیان مقیم ارض اقدس را به ثمر و نتیجه خواهد رساند و هم امکان توسعه و گسترش آن را به آینده فراهم خواهد آورد. همچنین موسسه مشاورین قاره ای را نزدیکتر و صمیمانه تر با ایادیان امر الله مرتبط و متصل کرده و انجام مسئولیتهای سریع التزاید بیت العدل اعظم را نیز، قدرتمندانه تقویت می نماید.

وظائف محوله به این موسسه نوبنیاد، در حال حاضر عبارتند از:

(۱) هماهنگ کردن و تحریص و هدایت نمودن فعالیتهای هیاتهای مشاورین قاره ای و نیز عمل بعنوان رابط میان آنها و بیت العدل اعظم الهی.

(۲) اطلاع کامل یافتن از موقعیت امرالله در کلیه نقاط دنیا و قادر بودن بر اساس و با استفاده از این آگاهیها جهت تهیه و ارسال گزارشها و توصیه هایی به بیت العدل اعظم و نیز ارائه هدایات و نظریاتی به مشاورین قاره ای

(۳) مترصد فرصتها و امکانات بودن **چه در درون جامعه بهایی و چه در بیرون آن**، به **جهت اتساع فعالیتهای تبلیغی به نواحی مستعد و محتاج و جلب توجه بیت العدل اعظم و نیز هیاتهای مشاورین قاره ای به این امکانات همراه با توصیه های مناسب جهت عمل و اقدام.**

(۴) تعیین و پیش بینی نیازهای مطبوعاتی و نیز نیاز به مهاجرین و مبلغین سیار و تهیه **طرحها و نقشه های تبلیغی منطقه ای و جهانی** و تقدیم جهت تصویب به بیت العدل اعظم الهی. کلیه ایادیان امر الله اعضاء دار التبلیغ بین المللی هستند هر کدام از آنان مرتبا بواسطه گزارشها و رونوشتهایی از خلاصه مذاکرات این مرکز از فعالیتها مطلع گشته و قادر خواهند بود در هر جائیکه ساکن و یا در حال سفر باشند پیشنهادات توصیه ها و اطلاعات خود را به مرکز ارسال دارد و هر گاه نیز که در ارض اقدس ،باشند در مذاکرات و مشاورات و سایر فعالیتهای مرکز

مشارکت نماید.

دستخط ۸ جون ۱۹۷۳ معهد اعلی خطاب به احبای دنیا

⮙ این سند بسیار مهم است

اولا : تصریح می کند دار التبلیغ مسئول وظایف ایادیان امر است یعنی اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی در سطح جهانی به این نهاد تسری می یابد

ثانیا : با توجه به بند دوم و سوم که بسیار مهم است وظیفه ذاتی این دار التبلیغ کسب خبر و اطلاعات کلیه نقاط جهان و ارسال آن به اسرائیل است تا بیت العدل بر مبنای پیشنهادات این موسسه و اطلاعات داده شده در راستای اجرای نقشه های براندازانه تصمیم گیری و ابلاغ نماید

ثالثا : وظیفه طراح نقشه ها و مشروعات بهایی که در راستای فتح اقالیم و براندازی داخل کشورهاست بر عهده این نهاد گذاشته شده است

انوار هدایت ۴۱۰ ــ ۴۱۱

۸

سند ۹



ز ـ هیاتهای مشاورین قاره‌ای

۱۰۸۸ : وظائف هیاتهای مشاورین قاره‌ای

«... وظائف آنان شامل هدایت هیاتهای معاونت در نواحی مربوطه، مشورت و همکاری با محافل روحانی ملی و مطلع نمودن ایادیان امرالله و بیت العدل اعظم از شرائط و احوال امرالله در نواحی مربوط به خود، می‌باشد. هیاتهای معاونت برای صیانت و تبلیغ، از این پس گزارشهای خود را به هیاتهای مشاورین قاره‌ای ارائه می‌نمایند. تعیین و تعویض اعضاء هیاتهای معاونت بر طبق مقتضیات و شرائط، بعهده مشاورین قاره‌ای است.»

(دستخط مورخ ۲۴ جون ۱۹۶۸ معهد اعلی خطاب به بهائیان دنیا ـ کتاب «سر چشمه هدایت» صفحات ۱۴۱ـ۱۴۲)

⮙ مشاورین قاره ای :

مهمترین ابزار دست ایادیان امر و دار التبلیغ که در صحنه و میدان عمل می کنند و مبادی اجرایی نقشه ها و کسب خبر و ارسال آن به راس هرم اطلاعاتی یعنی دار التلیغ در اسرائیل همین موسسه هیئت مشاورین قاره ای هستند که در هر قاره ای مستقر می باشند و زیر نظر دار التبلیغ مشغول کارهای اطلاعاتی و عملیاتی در راستتای تامین منافع بیت العدل عمل می کنند

انوار هدایت ۴۱۱

سند ۱۰

۱۰۹۱ : روابط میان هیاتهای مشاورین و محافل روحانیه ملیه

«بیانیه مربوط به اینکه مقام هیاتهای مشاورین مافوق موسسات ملی امرالله است، احتیاج به چند توضیح دارد. یک هیات مشاورین ورای وظیفه، مخصوصه‌اش وجه و مراقبت در صیانت و ترویج امرالله در یک منطقه، قاره‌ای عمل می‌نماید که شامل چندین جامعه، ملی بهایی است. در انجام این وظائف خطیره، این هیات به محافل روحانیه و افراد احباء، نه جهت می‌دهد و نه دستور صادر می کند بلکه مقام و رتبه، لازمه، متعلقه، آن را قادر می‌سازد که از بابت وصول کامل اطلاعات، اطمینان حاصل کرده و اینکه محافل روحانیه به هدایات و توصیه‌هایش توجه کامل مبذول دارند. علیهذا، جوهر روابط میان موسسات بهایی مشورت صمیمانه و علاقه مشترک به خدمت امرالله است و نه موضوع مقام و رتبه.»

(دستخط مورخ ۲۷ مارچ ۱۹۷۸ معهد اعلی خطاب به محافل روحانی ملی)

❖ محافل ملی مزدوران اطلاعاتی هیئت های مشاورین قاره ای :

تمام محافل ملی حوزه مسئولیت هیئت مشاورین قاره ای موظفند تمام اطلاعات خود را در اختیار این موسسه قرار دهند این سند گویا این است که یکی از مبادی ورودی اطلاعاتی به دار التبلیغ در اسرائیل محافل ملی است و این محافل مزدور نهاد های اطلاعاتی در اسرائیل مستقر در دار التبلیغ می باشند و مشاورین قاره ای منتقل کنند این اطلاعات به این مقر در اسرائیل می باشند

سند ۱۱

۱۰۹۴ : مشاورین قاره‌ای در اثر اقدام ایادیان امرالله گام می‌زنند

«ایادیان امرالله دارای وظائف ضروریه ترویج و صیانت امرالله هستند، و اگر چه مشاورین دارای مقامی بالاتر از ایادیان امرالله بوده، اما، معهذا، همان دو وظیفه و مسئولیت مذکوره بعهده آنان است و در اثر اقدام ایادیان حرکت می کنند.»

(Ibid)

❖ زیر مجموعه دار التبلیغ یعنی هیئت مشاورین قاره ای که قبل از تاسیس دار التبلیغ ایجاد شده بود بر مبنای این سند از جهت مسئولیت هم طراز ایادیان امر در حوزه اطلاعات (صیانت) و عملیات (ترویج) می باشد
انوار هدایت ص ۴۱۳

سند ۱۲

۱۰۹۵ : وظائف مشاورین قاره‌ای و محافل روحانی مکمل یکدیگرند

«از آنجا که وظائف صیانت و ترویج امرالله، از جمله وظائف محفل روحانی هم می‌باشد، همکاری صمیمانه و منظم و مشاورات کامل و مداوم میان این محافل و موسسه مشاورین لازم و ضروری است. نباید چنین فرض و تصور شود، که این دو بازو مستقل از یکدیگر عمل می کنند و از حمایت ضروری که هر کدام باید نثار دیگری کند بی‌نیاز می‌باشند. وظائف و فعالیتهای آنان در واقع مکمل یکدیگر است.»

(Ibid)

⊗ محافل ملی و محلی هم مانند دار التبلیغ مسئول اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی (صیانت و ترویج) هستند

انوار هدایت ۴۱۳

۱۲

سند ۱۳

۱۰۹۹ : مشاورین باید آزادی عمل گسترده‌ای به اعضاء هیات معاونت در انجام کارها بدهند

«مشاورین در هر یک از مناطق قاره‌ای از آزادی عمل وسیعی جهت انجام مسئولیتهای محوله برخوردارند؛ بعلاوه، لازم است که آنها به هر یک از اعضاء هیات معاونت در محدوده خدمت خود آزادی عمل قابل توجهی بدهند. با این وجود، مشاورین می‌بایست مرتبا ناظر و هادی عمل اعضاء هیات معاونت باشند. گروه اخیر باید بدانند که نبایست منتظر تعیین اهداف باشند؛ طبیعت کار آنان به گونه‌ای است که باید دائما با بهترین رای خود داوطلب انجام وظیفه باشند، حتی اگر مسئولیت خاصی به آنها محول نشده باشد. بالاتر از همه، اعضاء هیات معاونت ملزمند که روابطی گرم و صمیمانه میان خود و احباءالله ـ در محدوده عمل خود ـ برقرار نمایند بنحوی که محافل روحانیه محلیه داوطلبانه خواهان مشورت و یاری آنان باشند.»

(نقل از مکتوب بیت العدل اعظم به هیاتهای مشاورین قاره‌ای و محافل روحانیه ملیه، ۱ اکتبر ۱۹۶۹)

⊗ هیئت معاونین در عین مبسوط الید بودن در حوزه جغرافیائی خود باید مطیع محض مشاورین قاره ای باشند

انوار هدایت ۴۱۴

۱۳

سند ۱۴

ح - هیاتهای معاونت صیانت و تبلیغ

۱۱۰۳ : حضرت ولی امرالله دو هیات معاونت با وظایفی متفاوت ولی مکمل یکدیگر تاسیس فرمودند

«توقیع منیع ولی محبوب امرالله در اکتبر ۱۹۵۷ به وضوح اشاره می کند که دو هیات معاونت باید وظایفی متفاوت ولی مکمل یکدیگر داشته باشند. در توقیع مذکور آن حضرت هیات صیانت را به وظیفه مراقبت و حفظ امرالله مخصص می‌دارد و می‌فرماید که وظیفه هیات تبلیغ، من بعد، منحصرا به پیشبرد اهداف نقشه دهساله مربوط می‌شود.

همچنین لازم به یادآوری است که این دو موسسه توامان وظایف مکمل خود را از یک منبع و بطور یکسان کسب می کنند، مناسبات مشترکی دارند، و اعضای هر دو به عنوان نماینده، معاون و مشاور ایادی امرالله و در زمان حاضر، هیاتهای مشاورین قاره‌ای فعالیت می کنند. بعلاوه، بدیهی است که حضرت ولی امرالله مایل به جدا کردن موضوعات اساسی در میدان عمل هیاتهای معاونت نبودند بلکه ترک این قبیل مسائل را به منظور ادامه کار در پرتو تجربه مرجح می‌داشتند.»

(از نامه بیت العدل اعظم به مرکز بین‌المللی تبلیغ، ۱۰ اکتبر ۱۹۷۶)

❖ نقش هیئیتهای معاونت مشاورین قاره ای و نقشه جهانی ده ساله شوقی که اختصاصا بازیگران اصلی برای براندازی از جمله در ایران را در سال ۱۳۳۲ بازی می کردند در این سند به روشنی هویداست لذا در این سند باید نکات زیر مورد دقت قرار گیرد :

اولا : مجریان نقشه های براندازانه ایادیان امر و نیروهای تحت امر آنها اعضای هیئتهای معاونت می باشند

ثانیا : وظایف اقدامات اطلاعات و عملیاتی (حراست و ترویج – تغییر بافت جمعیتی) به جهت اهمیت هر دو اقدام به دو معاونت مجزا محول گردید تا هر دو هدف با دقت بالایی انجام گیرد

ثالثا : افرادی مانند مسیح فرهنگی در کارنامه خود حضور در چنین اقداماتی را دارند مخصوصا نقش وی به صراحت در زندگی نامه اش آمده است لذا برخورد شدید دستگاه سلطنتی پس از فهمیدن اهداف شوم نقشه ده ساله شوقی از طریق فرهیختگان آن زمان و تخریب حظیرت القدس به دستور مستقیم شاه نمایانگر این خیانت به تمامیت ارضی و نقض حاکمیت ملی ایران بود و شاید به همین دلائل می سال ۶۲ اعدام گردید چون در آن زمان وی مشاور قاره ای غرب آسیا بود

انوار هدایت : ۴۱۵ _ ۴۱۶

۱۴

سند ۱۵


۱۱۰۶ : مقتضی است که عضو هیات معاونت مقیم محل خدمت خود باشد

همانطور که آگاهید، ولی محبوب امرالله در ملاقات با اعضای محافل و نفوس مربوط به محل خدمت هیاتهای معاونت، مکرراً اهمیت اعضای آن هیات جلیله را متوجه می‌فرمودند. در حالیکه تصمیم در مورد انتصاب و عمل اعضاء هیات معاونت بعهده مشاورین است در پرتو راهنمائیهای حضرت ولی امرالله، مذکور در فوق، آنها می‌بایست ملاحظاتی را در انتصابات جدید، که اقتضای آن اقامت در محل خدمت است، بپذیرند.»

(از نامه بیت العدل اعظم به مرکز بین المللی تبلیغ، ۴ فوریه ۱۹۷۶)

❖ معاونت اطلاعات بر مبنای سخنان شوقی الزامی است حتی المفدور به دلیل اشراف بیشتر بر منطقه ساکن محدوده استحفاظی خود باشد

انوار هدایت ۴۱۶

۱۵

سند ۱۶

۱۱۰۷ بسیاری از وظائف اعضاء دو هیأت و محافل مشترکند

«اعضای دو هیات معاونت در ایفای وظایف خود ترویج یک چیز را مدنظر دارند؛ بعلاوه، بسیاری از وظائف اعضاء دو هیأت و محافل مشترکند، علی‌الخصوص در زمینه تقویت و تنفیذ که از جمله، مشتملند بر اعلان، اتساع، استحکام، تقدم، تشویق احباء به تقدیم تبرعات، عمل به موجب موازین امریه و هدایت آنان به سوی انتصارات نوین در انتشار پیام الهی به همنوعانشان.»

هر یک از هیاتهای مشاورین اساس مسئولیتهای خاصه هر یک از اعضای هیات معاونت را تعیین می کنند به نحوی که با درنظر گرفتن شرایط هر محل حداکثر توافق حاصل شود. تجربه نشان داده است که غالبا نتایج مطلوب وقتی بدست می‌آیند که مشاورین در موضوعات مورد نظر با اعضای هیات معاونت خود مشورت نمایند.

❖ شرح مختصری از وظایف معاونت اطلاعات و عملیات معاونین :

اتساع و توسعه حکومت موازی تشکیلات بهایی

استحکام مواضع متصرفه

ایجاد هیجان جهت جمع آوری پول برای افداف نامشروع بیت العدل

وابسته تر کردن اعضا به سازمان

در راستای اهداف نقشه های بیت العدل عمل کردن

مطیع محض فرامین مسئولین رده بالای خود یعنی مشاورین قاره ای بودن

انوار هدایت ۴۱۶ _ ۴۱۷

سند ۱۷

۱۱۰۸ : اعضای هیاتها باید احباء و محافل را تشویق به همفکری و اتحاد نمایند

«اعضای هیاتها باید بنوبه خود دوستان را ـ افراد و محافل را علی‌السویه ـ از طریق مکاتبه و ملاقات تشویق نمایند و از آن طریق نشان دهند که پایه همه فعالیتها اتحاد است. آنها باید احباء را تشویق کنند که تحت هر شرایطی اتحاد خود را حفظ کنند تا کلیه امور به تایید جمال اقدس ابهی پیشرفت نماید. آنها همچنین باید دوستان الهی را تشویق نمایند تا باطیب خاطر به تقدیم تبرعات به صندوقهای مختلف دایر شده، همت گمارند زیرا که تبرعات خون حیاتبخش جامعه است و کار بدون آن جلو نمی‌رود، لذا این خون حیاتبخش باید پیوسته در جریان باشد.»

(از نامه نوشته شده از جانب حضرت ولی امرالله به ایادی امرالله، ۷ جون ۱۹۵۴)

❖ پول حلال مشکلات بدون آن کارها پیش نمی رود

یکی از عمده وظایف معاونت اطلاعات و عملیات بیت العدل ایجاد هیجان و کسب در آمد از جیب احبا برای صندوقهای تبرعات می باشد این مطلب در تعارض با ادعای مبلغین بهایی مبتنی بر این است که می گویند اقداماتمان مجانی است و برایمان پول مهم نیست و کلیه اموراتمان با پرسنل داوطلب تمشیت می شود

انوار هدایت ۴۱۷

سند ۱۸

> **۱۱۰۹ : اعضای هیات معاونت مشوق و معین امور تبلیغی خواهند بود**
> «مطمئناً، حضرت ولی امرالله احساس می‌فرمودند که هیاتهای معاونت مشوق و معین امور تبلیغی، که البته دربر گیرنده امور مهاجرتی نیز می‌شود، تکیه گاه و حامی محافل روحانیه در اغلب امور صعب و دشوار خواهند بود»
> (از نامه‌ای از جانب حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی امریکا، ۲۰ جون ۱۹۵۴)

⊗ وادار کردن بهائیان طی یک عملیات روانی برای اقدامات آخوندی توسط معاونت اطلاعات و عملیات برای ترک محل اقامت خود و مهاجرت به نقاطی که تشکیلات برای آنها معین می کند این در حالی است که تشکیلات بهایی مدعی است ما طبقه روحانی و آخوند نداریم

انوار هدایت ۴۱۷

۱۸

سند ۱۹

> **۱۱۱۰ : اعضای هیات معاونت در برقراری ارتباط مستقیم با افراد و محافل محلیه مختارند**
> «... بر طبق تواقیع ولی عزیز امرالله، اعضای هیات معاونت نه تنها آزادند بلکه مصراً به داشتن ارتباطات مستقیم با افراد احباء و محافل روحانیه محلیه سفارش شده‌اند در این مشروع نظم اداری، داشتن رابطه مستقیم با احباء و محافل، بخصوص در آنجا که ضعف و عدم کاردانی ملاحظه شود، بسیار ضروری است»
> (از نامه بیت العدل اعظم به محفل روحانی ملی اوگاندا و افریقای مرکزی، ۱۵ دسامبر ۱۹۶۵)

⊗ معاونت اطلاعات و عملیات در نفس الامر متولی رشد محافل و ساختاری اداری عصبه انتصابی هستند تا از حالت جنینی آنها را به حالت بلوغ برسانند لذا بشکل صریح به بهانه مشورت و راهنمائی مراقب رشد این نوزاد نوپا می باشند لذا ادعای انتخابی بودن نظام اداری توهمی بیش نیست

انوار هدایت ۴۱۷

۱۹

سند ۲۰



۱۱۱۲ : مسئولیتها و وظایف اعضای هیات صیانت

با لزوم حفظ و حراست امرالله در برابر حملات معاندین معمولا توسط احباء، به دلیل متناوب شدن، بویژه در مغرب زمین، احساس نمی‌شود، هر چند می‌دانیم که هجوم اعداء افزایش می‌یابد و در سطح جهانی و بطور مرتب صورت خواهد گرفت. در آثار مبارکه آشکارا پیش بینی شده است که نه تنها دسایس دشمنان– چه دینی و چه سیاسی– شدت می گیرد، بلکه امر مبارک تا پیروزی نهائی به پیش می‌رود. بدینگونه، به یمن انذارات حضرت ولی امرالله، هیاتهای معاونت برای صیانت لازم است که پیوسته مراقب دشمنان شناخته شده و مطرودین از اهل ایمان باشند، با رعایت حکمت به امور رسیدگی کنند، با هوشیاری و فراست احباء را از مخالفتهای محتوم با امرالله آگاه سازند و به آنها خاطرنشان کنند که انقلابات و بحرانهای حادث در امر، در همه حال، عنایت حق در جامه مبدل بوده‌اند، پیروان اسم اعظم را آماده رویاروئی با اعتراضات وخیمی نمایند که مقدر است لشکر نور را در مقابل سپاه ظلمت قرار دهد و به دنبال آن نفوذ و قدرت دشمنان زائل می‌شود و به پایان می‌رسد. اعضای هیاتهای معاونت باید در قبال توطئه اعداء برای افسرده ساختن جانفشانی و تضعیف روح وفاداری احباء هوشیار باشند و با اتخاذ موازین خردمندانه و موثر توطئه آنها را بی اثر و از بسط نفوذشان ممانعت نمایند؛ بالاتر از همه، اعضای هیات معاونت می‌بایست با پاسخگوئی واضح و صریح و مطابق با مبادی امر اعظم به هر سوالی که ممکن است برای یاران بغرنج و مسئله‌ساز باشد، با پرورش تعمق روحانی و تقویت ایمان و ایقان آنان، و با ترویج آنچه روح اتحاد عاشقانه را بین جوامع بهائی افزایش می‌دهد، فعالیتهای خود را در تعمیق آگاهی احباء بر عهد و میثاق الهی و افزایش عشق و وفاداری به آن، متمرکز نمایند.

❖ معاون اطلاعات و عملیات مسئول حمله شدید به منتقدین بهایی و تخریب آنها و مغزشوئی بهائیان در برابر افکار منتقدان تشکیلات بهایی است

انوار هدایت ۴۱۸

۲۰

سند ۲۱



۱۱۱۲ : مسئولیتها و وظایف اعضای هیات صیانت

با لزوم حفظ و حراست امرالله در برابر حملات معاندین معمولا توسط احباء، به دلیل متناوب شدن، بویژه در مغرب زمین، احساس نمی‌شود، هر چند می‌دانیم که هجوم اعداء افزایش می‌یابد و در سطح جهانی و بطور مرتب صورت خواهد گرفت. در آثار مبارکه آشکارا پیش بینی شده است که نه تنها دسایس دشمنان– چه دینی و چه سیاسی– شدت می گیرد، بلکه امر مبارک تا پیروزی نهائی به پیش می‌رود. بدینگونه، به یمن انذارات حضرت ولی امرالله، هیاتهای معاونت برای صیانت لازم است که پیوسته مراقب دشمنان شناخته شده و مطرودین از اهل ایمان باشند، با رعایت حکمت به امور رسیدگی کنند، با هوشیاری و فراست احباء را از مخالفتهای محتوم با امرالله آگاه سازند و به آنها خاطرنشان کنند که انقلابات و بحرانهای حادث در امر، در همه حال، عنایت حق در جامه مبدل بوده‌اند، پیروان اسم اعظم را آماده رویاروئی با اعتراضات وخیمی نمایند که مقدر است لشکر نور را در مقابل سپاه ظلمت قرار دهد و به دنبال آن نفوذ و قدرت دشمنان زائل می‌شود و به پایان می‌رسد. اعضای هیاتهای معاونت باید در قبال توطئه اعداء برای افسرده ساختن جانفشانی و تضعیف روح وفاداری احباء هوشیار باشند و با اتخاذ موازین خردمندانه و موثر توطئه آنها را بی اثر و از بسط نفوذشان ممانعت نمایند؛ بالاتر از همه، اعضای هیات معاونت می‌بایست با پاسخگوئی واضح و صریح و مطابق با مبادی امر اعظم به هر سوالی که ممکن است برای یاران بغرنج و مسئله‌ساز باشد، با پرورش تعمق روحانی و تقویت ایمان و ایقان آنان، و با ترویج آنچه روح اتحاد عاشقانه را بین جوامع بهائی افزایش می‌دهد، فعالیتهای خود را در تعمیق آگاهی احباء بر عهد و میثاق الهی و افزایش عشق و وفاداری به آن، متمرکز نمایند.

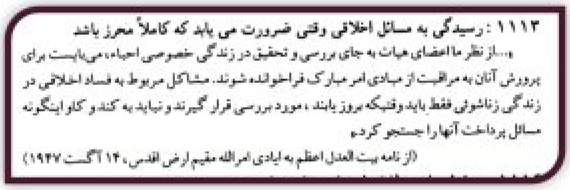
❖ معاون اطلاعات و عملیات بیت العدل بین خیانت در رابطه زناشوئی و حفظ منافع سازمان بیت العدل مورد دوم در الویت قرار دارد و ظاهرا برای حفظ منافع تشکیلات تا می تواند باید بر روی فسادهای اخلاقی و ناهنجاری های خانوادگی سرپوش بگذارد

پ ن : بیت العدل روی مسعود و مریم و ابریشم چی را با این فرمان سفید کرد 😨

انوار هدایت ۴۱۸

۲۱

سند ۲۲



۱۱۱۳ : رسیدگی به مسائل اخلاقی وقتی ضرورت می یابد که کاملاً محرز باشد

«...از نظر ما اعضای هیات به جای بررسی و تحقیق در زندگی خصوصی احباء، می‌بایست برای پرورش آنان به مراقبت از مبادی امر مبارک فراخوانده شوند. مشاکل مربوط به فساد اخلاقی در زندگی زناشوئی فقط باید وقتیکه بروز یابند، مورد بررسی قرار گیرند و نباید به کند و کاو اینگونه مسائل پرداخت آنها را جستجو کرد.»

(از نامه بیت العدل اعظم به ایادی امرالله مقیم ارض اقدس، ۱۴ آگست ۱۹۴۷)

❖ شرح مختصری از وظایف معاونت اطلاعات و عملیات معاونین :

اتساع و توسعه حکومت موازی تشکیلات بهایی

استحکام مواضع متصرفه

ایجاد هیجان جهت جمع آوری پول برای اهداف نامشروع بیت العدل

وابسته تر کردن اعضا به سازمان

در راستای اهداف نقشه های بیت العدل عمل کردن

ترغیب افراد به مهاجرت و اقدامات آخوندی

انوار هدایت ۴۱۹

۲۲

سند ۲۳



۱۱۱۶ :بطور کلی هر چه اطلاعات ساده تر و با طیب خاطر بیشتر بین دو مؤسسه مبادله شود، بهتر است

«در پاسخ به سوال چهارم شما بیت العدل اعظم دلالت می‌فرماید که یکی از مبانی قضاوت آزادی تصمیم گیری در این مورد است که چه چیز از مسائل اداری می‌باشد و چه چیز نه، مثلا اعمال غیر اخلاقی پیروان معمولا، وقتی موضوعی اداری محسوب است که محرز شود و باعث وهن امرالله گردد. اگر یکی از احباء به یکی از مساعدین یا اعضای هیات معاونت رجوع نماید آیا او باید به آن فرد توصیه نماید که به محفل روحانی مراجعه نماید و یا خود می تواند او را راهنمائی کند و اینکه آیا او باید گزارش خود را به مشاورین یا محفل روحانی محلی تسلیم نماید البته این منوط به درجه محرمانه بودن مسالهای است که او باید رعایت کند. به همچنین، مشاور است که تصمیم می گیرد که آیا موضوع باید به محفل ملی گزارش شود البته همه این موارد در شرایط کلی به همین نحو باید باشد و صرفنظر از محرمانه بودن موضوع، هر چه اطلاعات به نحو ساده تر بین دو مؤسسه مبادله شود بهتر است.»

(از نامه‌ای از جانب بیت العدل اعظم به محفل ملی جزایر ویرجین، ۲ آگست ۱۹۸۲)

❖ معاونت اطلاعات و عملیات بیت العدل در حوزه عملیاتی خود موظفند تمام تظلم خواهی اعضای سازمان را در راستای تجاوز و تعدی و فساد صورت گرفته در نطفه خفه کند تا این اطلاعات درز نکند فقط در مواردی که کار بیخ پیدا می کند و اطلاعات فسق و فجور اعضای سازمان رسانه ای می شود و تشکیلات در معرض صدمه

قرار می گیرد باید برخورد اداری شود تا آبروی تشکیلات نرود لذا مهم برای بیت العدل و سازمان حفظ آبرو مجموعه است نه تجاوز و تعدی به افراد آسیب پذیر در سازمان

انوار هدایت ۴۱۹

۲۳

سند ۲۴



ط - مساعدین اعضای هیات معاونت

۱۱۱۸ : انتصاب مساعدین اعضای هیات معاونت

«... ما تصمیم گرفته‌ایم که قدم دیگری را در تکامل این موسسه برداریم. به هیات مشاورین قاره‌ای این صلاحیت داده می‌شود که به اعضای هیات معاونت اجازه انتصاب مساعدینی داده شود... تعیین طبیعت وظایف و دوره خدمت مساعدین نیز به هیات قاره‌ای داده می‌شود. کمک آنان باید در فعال ساختن و تشویق محافل روحانیه محلیه، فراخوانی نشستهای منظم، تشویق جوامع محلی به تشکیل ضیافات نوزده روزه و جلسات در ایام متبرکه، کمک به یاران در تعمق در فهم تعالیم امریه، و عموما یاری اعضای هیات معاونت در اجرای وظایف خود نیز مورد نظر است.»

«... احباء می توانند هم در موسسات اداری امر و هم به عنوان مساعد هیات معاونت خدمت کنند.»

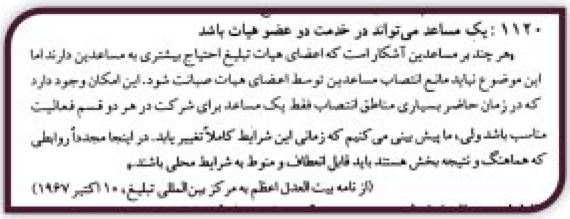
(از نامه بیت العدل اعظم به بهائیان جهان، ۱۷ اکتبر ۱۹۷۳)

✧ مساعدین نهاد اطلاعات و عملیات بیت العدل مزدورانی هستند که در دو حوزه اقدامات امنیتی و اجرای نقشه های بر اندازانه بیت العدل بشکل میدانی اقدام می نمایند

انوار هدایت ۴۲۰

۲۴

سند ۲۵



۱۱۲۰ : یک مساعد می‌تواند در خدمت دو عضو هیات باشد

«هر چند بر مساعدین آشکار است که اعضای هیات تبلیغ احتیاج بیشتری به مساعدین دارند اما این موضوع نباید مانع انتصاب مساعدین توسط اعضای هیات صیانت شود. این امکان وجود دارد که در زمان حاضر بسیاری مناطق انتصاب فقط یک مساعد برای شرکت در هر دو قسم فعالیت مناسب باشد ولی، ما پیش بینی می کنیم که زمانی این شرایط کاملاً تغییر یابد. در اینجا مجدداً روابطی که هماهنگ و نتیجه بخش هستند باید قابل انعطاف و منوط به شرایط محلی باشند.»

(از نامه بیت العدل اعظم به مرکز بین المللی تبلیغ، ۱۰ اکتبر ۱۹۶۷)

✧ مختصات مساعدینی که در معاونت اطلاعات و صیانت مشغول بکار می شوند

انوار هدایت ۴۲۰ – ۴۲۱

۲۵

سند ۲۶

۱۱۲۳ : اصل محرمانه بودن برخی از موضوعات از جانب مساعدی که عضو محفل است اجراء می‌شود- اکثر موضوعات محرمانه نیستند

«هر یک از موسسات امریه دارای موضوعات مشخصی می‌باشند که رسیدگی به آنها رعایت رازداری را می‌طلبد و هر یک از اعضای مطلع به آن ملزم به حفظ محرمانه بودن اطلاعات مربوطه است. هر چند چنین موضوعاتی تنها بخش کوچکی از وظایف هر موسسه بهایی می‌باشد، اکثر موضوعات مطروحه جنبه عمومی دارند و می‌توانند علنا در حضور هر کسی مطرح شوند. هر وقت مطلب محرمانه در میان نباشد باید بکوشید تا از ایجاد جو سکوت و نهانکاری ممانعت بعمل آورید. از سوی دیگر، هر یک از احباء باید بدانند که می‌توانند مطلبی را بطور محرمانه با یکی از موسسات امریه در میان نهند، با این اطمینان که اطلاعات راجع به موضوع محرمانه خواهد ماند. اعضای محافل، چه مساعد باشند و چه نباشند، آشکارا در سمتی می‌باشند که اطلاعات محرمانه را از چند منبع، مانند اشخاص مختلف، دریافت کنند. یکی از اصول مهمه امریه اینست که شخص نباید قولی بدهد که به آن عمل نمی کند، با وجود این، اگر شخص بهایی اطلاعات محرمانه‌ای را به اقتضای شغلش (مثلا پزشک، قاضی و امثالهم) یا با اعتماد شخص دیگری بدست آورد، موظف به رازداری است.»

(از مکتوب مرقومه از جانب بیت العدل اعظم به یکی از محافل روحانیه ملیه، ۲ آگست ۱۹۸۲)

❖ مساعدین معاونین مشاورین قاره ای بهائیان ملزم به رعایت نکات امنیتی و سری هستند این هم دلیل بر مختصات امنیتی مساعدین

انوار هدایت ۴۲۱ ـ ۴۲۲

۲۶

سند ۲۷

۱۱۲۷ : مسائل در مورد معاونین باید به مشاورین گزارش شود

«بیت العدل اعظم چنین احساس می کند که اگر یکی از محافل روحانیه ملیه به این نتیجه برسد که عمل یکی از اعضای هیات معاونت باعث برانگیختن مشکلات در یکی از جوامع می‌شود، گزارش موضوع به مشاورین مرجح به مراجعه مستقیم به عضو هیات است. اما در جایی که موضوع کاملا شخصی باشد، محفل می تواند ترجیح دهد که در ابتداء، به امید اینکه مشکل بوسیله رازداری حل شود، آن را با عضو نامبرده در میان گذارد. البته، مشکلات پیچیده در مورد عضو هیات در هر صورت باید به گزارش مشاورین برسد. همچنین، اگر موضوع کوچک و بی‌اهمیت باشد، این امکان وجود دارد که مسئله با عمل مستقیم حل شود، نه با درخواست عمل مشاورین.»

(از مکتوب مرقومه از جانب بیت العدل اعظم به محفل روحانی ملی جنوب غربی پاسیفیک، ۲۵ اکتبر ۱۹۷۷)

❖ محافل جرئت ندارند مستقیم به معاونین به شکل رسمی تذکر دهند بدلیل حساسیت امنیتی و وابستگی این نهاد به کانونهای قدرت امنیتی فرامنطقه ای اگر موردی بود باید به مسئولین رده بالای این نهاد یعنی مشاورین قاره ای گزارش کنند

انوار هدایت ۴۲۳

۲۷

سند ۲۸

۱۱۲۹ : اجتماع مشاورین، اعضای هیئت، اعضای محافل ملی و اعضای لجنات باید مورد تشویق قرار گیرد.

«...در اجرای نقشه، می‌بایست همکاری و همفکری نزدیک میان محفل روحانی ملی و لجنات وابسته به آن و محافل روحانیه محلیه، و مشاوران، اعضای هیات معاونت با محفل ملی و لجناتش در جلسه‌ای وجود داشته باشد زیرا اشتغال آنها در اجرای نقشه در معیت هم می‌تواند باعث اطلاع از توضیحات هم شود و در همان حال، باعث تحریض اعضاء در اجرای موفقیت آمیز آن شود.»

(از مکتوب مرقومه از جانب بیت العدل اعظم به یک محفل روحانی ملی، ۱۰ اکتبر ۱۹۸۳)

۱۱۳۰ : باید میان اعضای هیات معاونت و لجنات تبادل اطلاعات وجود داشته باشد

«تبادل مستقیم و منظم اطلاعات میان لجنات و اعضای هیات معاونت مجاز و کاملا مطلوب است.»

(از نامه بیت العدل اعظم به همه محافل روحانیه ملیه، جولای ۱۹۷۷)

❖ اجرای نقشه های براندازانه بیت العدل در هر کشوری الویت اول تمام سازمانهای امری است لذا محافل ملی موظف هستند در سطح ملی بشکل تمام عیار در اختیار نیروهای فرامنطقه ای باشند و در راستای بر اندازی و کسب قدرت و برقراری حکومت بهایی در هر کشور با نیروهای اطلاعاتی و امنیتی فرامنطقه ای که خارج از مرزها وارد کشور شده اند همکاری لازم را انجام دهند در واقع در این سند بوضوح بیت العدل اقرار می کند محافل ملی نقش ستون پنجم برای عصبه انتصابی یعنی مشاورین قاره ای جهت اشغال سرزمین را بازی می کند

انوار هدایت ۴۲۴

۲۸

سند ۲۹

۱۱۳۱ : گزارشات و پیشنهادات عضو هیات به مشاوران داده می‌شود نه به محافل ملیه و لجنات

«اعضای هیات معاونت می‌بایست گزارشات و پیشنهادات خود را، هر چند متفاوت باشند، به مشاوران بدهند نه مستقیما به محافل یا لجنات ملیه. این امکان وجود دارد که مشاوران آن را نپذیرند یا اصلاح کنند، یا اینکه اگر آن را قبول کردند و به محفل ملی ارجاع دادند، محفل مذکور هم می‌تواند تصمیم به رد آن بگیرد. پیشنهاد مستقیم از جانب عضو هیات معاونت به یکی از لجنات ملیه سبب کم شدن فواید اطلاعات و تجارب در میدانی وسیعتر، که عضو هیات معاونت از آن آگاه است، می گردد و باعث تضعیف قدرت هر دو مشروع، مشاوران و محفل ملی، خواهد شد. به همچنین عضو هیات معاونت می‌تواند و باید، اطلاعات را از طریق محافل و لجنات ملیه دریافت کند. منبع اولیه اطلاعات

...

معاون از جامعه می‌بایست تماس مستقیم او با محافل محلیه، گروهها، و افراد احباء باشد. به این ترتیب مشاوران همانند محافل روحانیه ملیه از دو منبع مستقل اطلاعات در باره جامعه، بهره می‌جویند، از یک سو اعضای هیات معاونت و از دیگر سو، لجنات ملیه.»

(از نامه بیت العدل اعظم به هیاتهای مشاورین قاره‌ای و محافل روحانیه ملیه، ۱ اکتبر ۱۹۶۹)

❖ چرا اطلاعات موجود در سرورهای حیفا در اسرائیل زلالترین منبع اطلاعاتی برای کلیه نهاد های اطلاعاتی عالم مانند موساد – سیا ووو است ؟

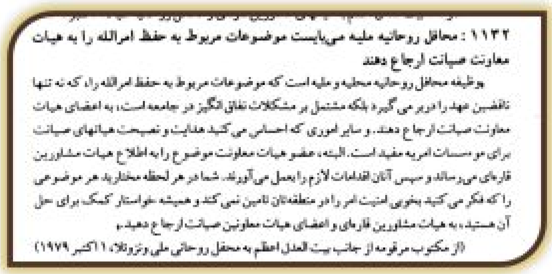
با توجه به این سند در هر کشور دو منبع اطلاعاتی بدون اینکه در جریان فعالیت اطلاعاتی هم باشند وجود دارد و مشاورین قاره ای این نهاد فرامنطقه ای کلیه اطلاعات را از دو منبع متفاوت (معاونین و محافل – عصبه انتخابی و انتصابی) در موضوعات معمولا واحد در یافت می کنند و دلیل زلال بودن این اطلاعات همین است که در یک موضوع هنگامیکه از دو منظر جدا گانه بدون هماهنگی مطالب گزارش شود راستی آزمایی آن بسیار سهل و آسان

است زیرا اگر متن خبر با هم منطبق باشد اصل خبر احتمال تحققش بسیار بالاست و به آن می توان اعتماد کرد و در مواردی که خبر از دو منبع متفاوت باشد می توان مستقلا آن را مورد واکاوی قرار داد و راستی آزمایی کرد

انوار هدایت ۴۲۴ ــ ۴۲۵

۲۹

سند ۳۰


۱۱۳۲ : محافل روحانیه ملیه می‌بایست موضوعات مربوط به حفظ امرالله را به هیات معاونت صیانت ارجاع دهند

وظیفه محافل روحانیه محلیه و ملیه است که موضوعات مربوط به حفظ امرالله را، که نه تنها ناقضین عهد را دربر می گیرد بلکه مشتمل بر مشکلات نفاق انگیز در جامعه است، به اعضای هیات معاونت صیانت ارجاع دهند. و سایر اموری که احساس می کنید هدایت و نصیحت هیاتهای صیانت برای موسسات امریه مفید است. البته، عضو هیات معاونت موضوع را به اطلاع هیات مشاورین قاره‌ای می رساند و سپس آنان اقدامات لازم را بعمل می آورند. شما در هر لحظه مختارید هر موضوعی را که فکر می کنید بخوبی امنیت امر را در منطقه‌تان تامین نمی کند و همیشه خواستار کمک برای حل آن هستید، به هیات مشاورین قاره‌ای و اعضای هیات معاونین صیانت ارجاع دهید.»

(از مکتوب مرقومه از جانب بیت العدل اعظم به محفل روحانی ملی ونزوئلا، ۱ اکتبر ۱۹۷۹)

❖ هیات صیانت یا کمیته تفتیش و مجازات یا کمیته نهی از منکر در تشکیلات بهایی

این نهاد اطلاعاتی مخوف ترین سازمان داخل تشکیلات بهایی است لذا یکی از ابزارهای سخت برای کنترل اعضای تشکیلات بهایی این نهاد است که بشدت با تحرکات خارج از فرامین سازمانی اقدامات سخت مانند محرومیت از حقوق مدنی و اعمال مجازات کیفری علیه و صورت می پذیرد
لازم به یاد آوری است که مدام از مبلغین بهایی می شنویم در بهائیت امر بمعروف و نهی از منکر نداریم اما بیان نمی کنند کلیه اعضای این تشکیلات نقش ساواک و نیروهای امنیتی را برای هیئت صیانت بازی می کنند و تمام بهائیان موظفند از تمام بهائیان جاسوسی کنند و اطلاعات را به هیئت صیانت راپورت کنند
نکته نقض امنیت ملی این سازوکار هم روشن است زیرا معاونت صیانت زیر نظر مشاورین قاره ایست و مرکز تجمیع تمام این اطلاعات در سرورهای حیفا – اسرائیل تجمیع می شود لذا کلیه اطلاعات شهروندان تمام کشورها بدون اطلاع نهادهای اطلاعاتی آن کشور اعم از قاضی ارتشی افراد کلیدی در مشاغل حساس ووو در این سیستم موجود است و در اختیار نهاد های فرامنطقه ای قرار می گیرد
این سند بسیار تکان دهنده است زیرا نشان می دهد بهائیت ماهیت واقعیش دین است بلکه سازمان و حکومت موازی است و اصل وجود چنین نهادی در هر کشور اعتراف به وجود نهاد اطلاعات موازی و ضابط قضائی موازی و اجرای احکام موازی و سلب حقوق شهروندی شهروندان بهایی هر کشور بدون اطلاع مراجع ذی صلاح آن کشور

انوار هدایت ۴۲۵

سند ۳۱



۱۱۳۴ : عضو هیات معاونت

«بعضی اوقات محافل به درستی منظور از این عبارت را که امور تبلیغی به مشاوران و اعضای هیات معاونت محول است نه امور اداری درک نمی کنند، اشتباهاً تصور می کنند آنها نمی توانند در موضوعات اداری راهنمایی کنند. یکی از چیزهایی که مشاورین و معاونین ملزم به مراقبت و دادن گزارش در مورد آن می باشند، عملکرد مناسب موسسات اداری است. این عبارت که آنها هیچ کاری با تشکیلات اداری ندارند، به سادگی، این معنی را می دهد که آنها مسئولیت اداری ندارند. آنها نه فعالیتهای تبلیغی را سازماندهی و جهت دهی می کنند و نه برای رفع اختلافات و مسائل شخصی تعیین شده اند. همه اینها در محدوده مسئولیتهای محافل روحانیه قرار دارد؛ اگر معاونی ملاحظه کند که یکی از محافل محلیه وظایف خود را بطور نادرست انجام می دهد، لازم است که نظر آن محفل را به روش مناسب جلب کند، به همچنین اگر معاونی در انجام وظایفش در رابطه با جامعه، ببیند که امر تبلیغ بواسطه عدم کاردانی لجنات ملیه به کندی پیش می رود، او موظف به ارائه گزارش مشروح موضوع به مشاورین است که آنها هم، بطور مشابه، اگر عملکرد محافل ملیه را نامناسب ببینند، باید در نهایت محبت و در عین حال بطور صریح آن مورد را با محفل ملی در میان گذارند.»

(از نامه بیت العدل اعظم به هیات مشاورین قاره ای و محافل روحانیه ملیه، ۱ اکتبر ۱۹۶۹)

⊗ معاونین مشاورین قاره ای نیروهای فرامنطقه ای هستند که مسئولیتشان جاسوسی و مچ گیری از محافل ملی و محلی در هر کشوری هستند یعنی مراقبت از کل تشکیلات بهایی در هر کشور بر عهده این نهاد اطلاعاتی فرا منطقه ای می باشد

انوار ولایت ۴۲۵ ــ ۴۲۶

سند ۳۲



۱۱۳۵ : لازم نیست هنگامی که اعضای هیات مشغول کار با محفل محلی هستند آن را به محفل ملی گزارش کنند

«هر وقت عضو هیات معاونت باهمراهی محفل روحانی محلی در منطقه خود فعالیت کند، لزومی ندارد که هیأت مشاورین قاره ای موضوع را به محفل روحانی ملی اطلاع دهند، هر چند، انتظار می رود که رابطه ای صمیمانه بین مشاوران و محفل ملی ادامه یابد و هیات مشاورین قاره ای هر جا فکر می کند که محفل ملی را در کارهایش یاری خواهد نمود اینگونه اطلاعات را با محفل مذکور در میان بگذارد.»

(... لزومی ندارد که یکی از اعضای هیات مشاورین قاره ای یا یکی از اعضای هیات معاونت توافق و رضایت محفل روحانی ملی را قبل از ارتباط با محفل محلی بدست آورد. هر چند، رفتار متواضعانه و توام با احترام و تفاهم میان موسسات اداری امر و مشاوران و معاونین آنها می بایست شاخص روابط آنها با یکدیگر باشد. بدینسان، هر گاه یکی از اعضای هیات معاونت تمایل داشته باشد که جلسه ای با محفل محلی ترتیب دهد، محفل روحانی و عضو هیات می بایست در تنظیم و ترتیب زمانی رضایتبخش تا نیل به پیشرفتی قابل الحصول بطور دوجانبه بکوشند.»

(از ابلاغیه بیت العدل اعظم به ایادی امرالله مقیم ارض اقدس، ۱۰ می ۱۹۷۰)

⊗ مشاورین قاره ای و زیر مجموعه آن دقیقا حکم بازرس ویژه در تشکیلات بهایی را بازی می کنند و به هر رده از سازمان می توانند مورد تفتیش قرار دهند و از قبل نیاز نیست گزارش این اقدام را به نهاد های بالا دستی عصبه انتخابی ارائه نمایند

انوار هدایت ۴۲۶

سند ۳۳



۱۱۳۶ : محافل ملیه باید به نحو مؤثر در خدمت به اعضای هیأت معاونت و مساعدینشان همت گمارند

«محافل روحانیه ملیه در مذاکره با مشاوران باید به نحو مؤثر در خدمت به اعضای هیأت معاونت و مساعدین آنها همت گمارند و با هم و در معیت مبلغین سیار منتخب محفل یا لجنات تبلیغی آن باید پیوسته به داشتن ارتباط ... و ترتیب ملاقاتهای منظم با محافل محلیه تشویق شوند.»

«ملاقات کنندگان، چه اعضای هیأت معاونت و مساعدین آنها و چه مبلغین سیار در چنین مواردی باید نه تنها با محفل محلی بلکه، با افراد مومنین، در جلسات عمومی و حتی اگر ممکن است به طور انفرادی در خانه‌هایشان ملاقات کنند.»

(از مکتوب مرقومه از جانب بیت العدل اعظم به محافل روحانیه ملیه، نوروز ۱۹۷۹ با نقل از نامه مورخ ۲ فوریه ۱۹۶۶ به جمیع محافل روحانیه ملیه

❖ عصبه انتخابی در هر کشور (محافل ملی و محلی) باید تمام قد تحت فرمان اوامر نیروهای امنیتی فرا منطقه ای (مشاورین معاونین مساعدین) باشند

این یعنی نقض و سلب حاکمیت ملی و تمامیت ارضی

انوار هدایت ۴۲۶

۳۳

سند ۳۴

❖ مجریان نقشه : هیئت های مشاورین قاره ای

چنانچه ملا حظه می گردد در این پیام به وضوح بیت العدل اقرار می کند عالیترین نهاد اطلاعاتی و امنیتی متولی طراحی و برنامه ریزی نقشه های بر اندازانه در جهت بر پایی حکومت بهایی بیت العدل در سطح جهانی برای کلیه کشورها می باشد

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : ۶۵۴ ۲۰۰۲-۱۱-۲۹

ترجمه ی پیام بیت العدل اعظم الهی

خطاب به عالم بهائی

در ۲۶ نوامبر سال ۲۰۰۰ که مصادف با یوم میثاق است دورهی جدید پنجساله خدمت اعضای هیئتهای مشاورین قارهای برای صیانت امرالله و نشر نفحاتالله آغاز میگردد. تعداد این صاحب منصبان عالیرتبه امر همان هشتاد و یک نفر خواهد بود. خوشوقتیم که اسامی نفوسی را که به این سمت

منصوب شده اند اعلام داریم:...

آســیا(۱۹ مشاور)

فاضل اردکانی، باتار اوران سابیخان ، نیداوانور باسکاران ، ایرن چونگ ، جبّار ایدلخانی، بیژن فرید، اِلنا

گروزکوا ، دیویدهانگ (امین صندق قاره ای)، هومیدا جمالون ، لیلی لادر ، دلافروز نسیمُوا ، لوری نوگوچی ، جایا گوپان راماسامی ، لطیف رشید ، فوأد ریحانی، پیام شوقی، زینا سورابجی ، جورج ثریا ، روزالی تران .

.....

یقین است که موفقیتهای نقشه ی چهارساله که اکنون در شرف تحکیم یافتن است بر شتاب توسعه و پیشرفت خواهد افزود. نقشه ی پنجساله که در رضوان آغاز میگردد متضمن مواعید مهمی است. مشاورین و اعضای هیئتهای معاونت در جریان انجام مسئولیتهایی که برای صیانت و تبلیغ امرالله برعهده دارند، با همکاری محافل ملی و شوراهای منطقه ای، در تضمین طرح و اجرای برنامه های عملی از سطوح ملی تا سطوح محلی و پاسخگویی به ضروریات زمان سهم و وظیفه ای حیاتی خواهند داشت. از اعضای هیئتهای مشاورین در جمیع قارات دعوت میشود که در مشاوراتی که در باره ی جنبه های عمومی نقشهی پنجساله از ۹ تا ۱۳ ژانویه ۲۰۰۱ در مرکز جهانی بهائی انجام خواهد گرفت شرکت جویند. اعضای هیئتهای معاونت هم که از سراسر عالم جمع خواهند آمد تا در جریان استقرار دارالتبلغ بین المللی در مقر دائمی آن مؤسّسه در کوه کرمل شرکت نمایند در این مشاورات با مشاورین مشارکت خواهند داشت. گردهم آمدن مشاورین و اعضای هیئتهای معاونت برای نخستین بار در ارض اقدس، در فرصتی چنین خجسته، بر شور و تحرّک اقدامات مستمری که باید مجری دارند خواهد افزود.

سند ۳۵

❖ سابقه و قدمت نهاد اطلاعات و امنیت تشکیلات بهایی :

عبد البها در الواح و وصایا وظایف ایادیان امر را که همانا اقدامات اطلاعات و عملیات (صیانت و ترویج) معین کرد و در ادامه هیئت های معاونت صیانت و ترویج شکل گرفت

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : ۲۰۲۲-۰۱-۰۳

یکصد سال پیش در چنین روزی الواح مبارکهٔ وصایای حضرت عبدالبها برای اوّلین بار قرائت علنی گردید. مولای حنون در آن سند نفیس تاریخی وظایف حضرات ایادی امر الله را تعیین فرمودند، نفوسی که برای کمک به آنان هیئتهای معاونت ترویج و صیانت به وجود آمد. حضرت عبدالبها ایادی امر الله را مأمور فرمودند که به ‘‘نشر نفحات الله و تربیت نفوس و تعلیم علوم و تحسین اخلاق عموم’’ پردازند و تأکید فرمودند که باید مظهر ‘‘تقدیس و تنزیه در جمیع شئون’’ باشند به نحوی که ‘‘از اطوار و احوال و کردار و گفتار باید تقوای الهی ظاهر و آشکار باشد.’’ زیارت این کلمات در این زمان یاد خدماتی را که هر یک از شما در همهٔ عالم بهائی به آن مشغولید در ذهن این مشتاقان زنده میکند. جامعهٔ بهائی در سراسر جهان براستی مدیون تمامی مؤسّسهٔ مشاورین است که شامل نفوسی میشود که طیّ سالهای گذشته به عنوان مشاورین قارّه ای، اعضای هیئت معاونت، و مساعدین قائم به خدمت بوده اند. پیشرفتهای شگفت انگیز دهه های اخیر که امروزه در جهان به چشم میخورد بدون چنین خدمات خالصانه

ای از جانب این نفوس امکان پذیر نبود. کمکی حیاتی و ضروری در این پیشرفتها همانا هدایات و تشویق های مؤسّسهٔ دارالتّبلیغ بین المللی بوده است: موسّسه ای بیدار و هوشیار، پرشور و با درایت، و کاملاً خستگی ناپذیر. ...

سند ۳۶

🟐 مجریان نقشه های بر اندازانه و حاصلش در نهایت اشغال سرزمین موسسه اطلاعات و امنیت هیئت مشاور قاره ای :::

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : ۲۰۲۲-۰۱-۰۳

شما عزیزان تا به حال فرصت آشنایی با تمهیدات نقشهٔ نه ساله را داشته اید و در مقتضیات آن تعمّق و تأمّل نموده اید. همانطور که مبرهن است، دامنهٔ میادین خدمت مؤمنین در محدوده های جغرافیایی خود برای به ظهور رساندن هر چه بیشتر نیروی اجتماع سازی آیین بهائی گسترش یافته است. به همین منوال دامنهٔ اموری که شما باید مجدّانه به آن توجّه نمایید نیز گسترش یافته است. مساعی شما جز لاینفکّ پرورش قابلیّتِ مشارکت در زمینه های مختلفِ مجهوداتِ جامعهٔ بهائی است و به همان میزان جز لاینفکّ کمک به دوستان است تا قابلیّت کسب شده را در عمل به منصّهٔ ظهور برسانند. در پاسخگویی به این دو نیاز و به طور کلّی برای انجام وظایفتان برای تعلیم و تربیت و تهذیب اخلاق، شما البتّه تا حدّ زیادی متّکی بر کارآیی فرایند مؤسّسهٔ آموزشی می باشید. مؤسّسهٔ آموزشی از آغاز تأسیس وسیله ای ضروری برای خدمات شما بوده و حمایت پراشتیاق شما برای توسعهٔ موسّسه نیز به همان اندازه ضرورت داشته است. بنا بر این مشاهدهٔ روح همکاری صمیمانه و چشمگیری که وجه امتیاز روابط شما با همهٔ نفوسی است که مسئول هماهنگی مجهودات مؤسّسه هستند، موجب مسرّت عمیق این جمع است.

سند ۳۷

🟐 نهادهای امنیتی تشکیلات بهایی هم مجریان نقشه های بر اندازانه هستند هم موظف به اقدامات اطلاعاتی در سطح منطقه عملیاتی می با شند

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : ۲۰۲۲-۰۱- ۰۳

یک وظیفهٔ مهم و حیاتی شما این است که آگاهی نسبت به مقصد نظم اداری بهائی را افزایش دهید و به تأسیس و عملکرد صحیح محافل روحانی محلّی جدید کمک نمایید. ارتباط دوستان را با نقشه ها و پروژه های مؤسّسات بهائی در سطوح محلّی، منطقه ای و ملّی برقرار نگاه میدارید و نهایتاً پیوند بین احبّا و بیت العدل اعظم را از

طریق تشویق و راهنمایی آنان در مطالعهٔ پیامهای صادره تقویت میکنید. احبّا برای درکی واضح از نقشه و نمونه ای از شجاعت در اجرای تمهیداتش به خصوص در نشر نفحات الله به شما ناظرند. آشنایی عمیقتان با واقعیّت اوضاع در محدوده های جغرافیاییِ مختلف، توأم با درک کاملتان از الزامات پیشبرد امر الله، شما را در موقعیّت مطلوبی قرار میدهد تا به مشاورات راجع به چگونگی به ظهور رساندن نیروی اجتماعسازی آیین بهائی در هر شرایطی کمکی اندیشمندانه، مبتکرانه، و به موقع ارائه دهید.

نقد تخصصی تشکیلات بهایی و بیان مختصر در موضوع مهدویت, [۷/۱۲/۲۰۲۳ ۴:۴۵ PM]
◈ وظیفه مساعدین و معاونین که زیر مجموعه نهاد اطلاعاتی فرامنطقه ای هم در اجرای نقشه هم عملیات اطلاعاتی است مدیریت جوانان بهایی در تغییر بافت جمعیتی برای اشغال سرزمین را بر عهد دارد در این راستا موظف به تجاوز به حقوق کودک در سطح جهانی برای جذب افراد به حکومت موازی سازمان در کشورها می باشند

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : ۲۰۲۲-۰۱-۰۳

علاوه بر موارد فوق مایلیم تأکیدی بر نقش ویژهٔ شما در تشویق جوانان بنماییم. بسیاری از جوانانی که اکنون به کسب پیروزی برای امر الهی موفّقند، به مدد حمایتهای مشتاقانه و خالصانهٔ یک معاون و یا یک مساعد قیام نمودند، آموختند تا به قدرت تأییدات الهیّه متّکی باشند، و دلیرانه به میدان خدمت وارد شوند. مسئولیّتهای شما به مراتب وسیعتر است و شامل پیشبرد تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان، تعالی جوانان و تقویت الگوی حیات خانواده میباشد، الگویی که موجد ترقّی نسلهای متوالی از نفوس فداکار و مؤمنین وفادار به حضرت بهاالله خواهد شد، نفوسی که بهبود عالم انسانی را بر پیشبرد منافع شخصی خود ترجیح میدهند. جوانانی که در سال پایانی نقشهٔ نه ساله برای تضمین موفّقیّت نهایی آن قائم به خدمت خواهند بود اغلب کودکان جامعه هستند که امروز با عشق به جمال قدم و درک رسالت آن حضرت پرورش مییابند.

سند ۳۸

◈ عالی رتبه ترین نهاد اطلاعات و امنیت تشکیلات بهایی (دار التبلیغ – مشاورین – معاونین – مساعدین) مسئول اجرای نقشه های تشکیلات بهایی جهت براندازی در کلیه کشورها

پیام بیت العدل تاریخ : (۹۳۶) ۲۰۲۰-۰۵-۰۹

☑☑☑☑☑☑☑

ترجمه ای ازپیام بیت العدل اعظم خطاب به محافل روحانی ملّی (هیئت بین المللی ترجمه به زبان فارسی)
۹ مه ۲۰۲۰

دوستان عزیز و محبوب،

همانطور که تا کنون به خوبی معلوم شده، سال آخر نقشهٔ پنجساله چالشهایی کاملاً متفاوت با چهار سال قبل در بردارد. جهان در چنگ ویروس سریع الانتشاری گرفتار است که جان هزاران نفر را گرفته و بخش بزرگی از فعّالیّتهای اجتماعی و اقتصادی جامعهٔ بشری را به شدّت مختل نموده است.

....

این جوامع دوران فعلی را وقفه ای که باید صبورانه تحمّل شود ندانسته بلکه دریافته اند که اوضاع جهان نیاز به ارائهٔ خدمات سودمند به بشریّت را فوریّت بیشتری بخشیده است. فعّالیّتها طبعاً باید متناسب با شرایط موجود باشد لذا شکّی هم نباید داشت که اکنون وقت اهداف والا، همّت بلند و جهد بلیغ است. بدیهی است که منظور از فعّالیّتهای نقشه پرورش روحیّهٔ جامعه ای شکوفا است که از طریق آن استقامت در مقابل چالشهای شدید نیز تقویت میگردد. هدفِ تلاشهای آموزشی ازدیاد تعداد نفوسی است که بتوانند به رفاه مادّی و معنوی جامعه کمک کنند.

جلسات دعا به رشد و شکوفایی روح خدمت کمک میکند و آن را در فرهنگی منبعث از عبادت جمعی تثبیت مینماید. به طور خلاصه، پیشبرد نقشه به معنی ایجاد قابلیّت برای حرکت در مسیر خدمت در هر وقت و هر زمان است که مسلّماً باید لحظاتی را که حامل خطرات شدید در حیات بشری است نیز مانند این زمان شامل گردد. بنا بر این لازم است گامهایی که به منظور یادگیری نحوه به کار بستن چارچوب عملِ نقشه در موقعیّت کنونی جهان برداشته میشود، با جدّیّت ادامه یابد. این بحران عالمگیر بهداشتی به احتمال قوی برای ماهها یا حتّی سالها، کم و بیش تأثیرات مستقیم بر فعّالیّتهای امری خواهد داشت و تطبیق امور با این اوضاع نباید به تعویق افتد. در این راستا، مشاورین قارّه ای و هیئتهای معاونت در ظلّ هدایت مدبّرانهٔ دارالتّبلیغ بین المللی در مساعی خود برای تشویق و ترغیب احبّا و جهت دادن به رویکرد آنان نسبت به کارهای در دست اجرا عزمی راسخ از خود نشان داده اند و بدون شک در طیّ چهار دور آینده و بعد از آن نیز بدینسان ادامه خواهند داد........................

سند ۳۹

❖ عالی رتبه ترین نهاد اطلاعات و امنیت تشکیلات بهایی (دار التبلیغ – مشاورین – معاونین – مساعدین) مسئول اجرای نقشه های تشکیلات بهایی جهت براندازی در کلیه کشورها

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : (۹۲۱) ۲۰۱۹-۰۴-۲۱

ترجمهای از پیام بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان رضوان ۲۰۱۹ میلادی (۱۷۶ بدیع)

(هیئت بین المللی ترجمه به زبان فارسی)

ستایندگان اسم اعظم در سراسر عالم ملاحظه فرمایند

دوستان عزیز و محبوب،

با نزدیک شدن عید اعظم رضوان احساساتی عمیق از شکرانه و امید این مشتاقان را در بر گرفته، شکرانه به پاس

توفیقات شگرفی که حضرت بهاالله پیروانش را قادر به کسب آن نموده و امید برای آنچه که آیندهٔ نزدیک در بر دارد

……

این بررسی مختصر البتّه نمیتواند میزان کامل تقلیبِ در حال وقوع را منعکس نماید. چشم انداز دو سالی که از نقشه باقی مانده درخشان است. انتشار وسیع تجربه های آموخته شده از برنامه های فشردهٔ رشد در آن دسته از محدوده های جغرافیایی که برحسب انتظارمان گنجین های از آموخته ها و ذخیرهای از منابع شده اند، باعث حصول توفیقات زیادی در سال گذشته شده است. دارالتّبلیغ بین المللی، مشاورین قارّهای و معاونین خستگی ناپذیرشان برای اینکه احبّا در همهٔ نقاط جهان بتوانند از این تسریعِ یادگیری بهرهمند گردند تا بینشهای کسب شده را در رابطه با واقعیّتهای محیط خود به کار گیرند از هیچ اقدامی فروگذار نکرده اند. موجب خرسندی است که در تعداد فزایندهای از محدوده های جغرافیایی، و در محلّه ها و دهکده های آنها، یک هستهٔ مرکزی از دوستان شکل گرفته که با عمل و تأمّل درمییابند که برای پیشرفت فرایند رشد در محیط اطرافشان در هر زمان چه اقدامی مورد نیاز است

سند ۳۹

❖ موسسه طرح و توسعه اقتصادی و اجتماعی (مرکز سرویس اطلاعاتی در حوزه های محیط زیست – اقتصاد – بافت اجتماعی وو) در تعامل تنگاتنگ نهاد اطلاعاتی دار التبلیغ در اسرائیل – حیفا

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : (۹۱۷) ۲۰۱۸-۱۱-۰۹

ترجمه ای از پیام بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان (هیئت بین المللی ترجمه به زبان فارسی)
۹ نوامبر ۲۰۱۸
دوستان عزیز و محبوب،
در حالی که فرایند تخریب نظم مختل و نارسای عالم در
………………

یک هیئت مدیرهٔ پنج نفره منصوب خواهد شد که در مقام هیئتی مشورتی به منظور پیشبرد و هماهنگی مجهودات جامعهٔ جهانی در زمینهٔ توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی انجام وظیفه خواهد نمود. دورهٔ خدمت این هیئت مدیره پنج سال خواهد بود که از یوم میثاق آغاز میگردد. به منظور هماهنگی و انسجام فعّالیّتهای توسعه با مجهودات متعدّد عالم بهائی، این هیئت که در قلب روحانی و اداری امر مبارک خدمت میکند با بیت العدل اعظم و دارالتّبلیغ بینالمللی مشورت خواهد کرد. این مؤسّسهٔ جدید با عهده دار شدن وظایف و اموری که قبلاً توسّط دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی انجام میشد کار خود را آغاز خواهد کرد و به تدریج قابلیّت آن افزایش یافته این وظایف را در مقیاسی

وسیع و در سطوحی بالاتر و پیشرفته تر انجام خواهد داد و با تقویت مساعی افراد، جوامع، و مؤسّسات بهائی در سراسر جهان، دامنهٔ اقدامات آنها را گسترش داده تحکیم میبخشد.

سند ۴۰

⛒ عالی رتبه ترین نهاد اطلاعات و امنیت تشکیلات بهایی (دار التبلیغ – مشاورین – معاونین) مسئول اجرای نقشه های تشکیلات بهایی جهت براندازی در کلیه کشورها

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : ۸۷۵ ۲۰۱۵-۱۲-۲۹

این مطالب را با وقوف به مسئولیّت بی نظیری که بر دوش شما و هیئت معاونت و مساعدین آنان برای افزایش درک احبّا در مورد مسائل گوناگون از جمله ویژگیهای رشد است با شما عزیزان در میان میگذاریم. همان طور که قبلاً اشاره کرده ایم جامعهٔ بهائی با داشتن مؤسّسهٔ مشاورین از مزایای سیستمی برخوردار است که از طریق آن درسهای آموخته شده در اقصی نقاط عالم میتواند به فرایند جهانیِ یادگیری کمک نماید، فرایندی که هر یک از پیروان حضرت بهاالله قادر به مشارکت در آن است. با عمیقتر شدن درک دوستان از نقشهٔ پنجساله، به مرور زمان بینشهای ناشی از به کار بستن هدایات روشن میشود، تشریح میگردد، در افکار و اذهان تثبیت شده به دیگران نیز ارائه میشود. جامعهٔ اسم اعظم در این راستا بی نهایت مدیون مؤسّسهٔ جلیلهٔ دارالتّبلیغ بین المللی است که در سالهای اخیر با جدّیّتی چشمگیر در جهت پرورش مشفقانه و اشاعهٔ فعّالانهٔ روحیّهٔ یادگیری که اکنون به خوبی استقرار یافته اقدامات شایانی به عمل آورده است

سند ۴۱

⛒ دار التبلیع عالی ترین نهاد اطلاعات و امنیتی تشکیلات بهایی مجری نقشه های براندازانه بیت العدل در سراسر عالم

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : ۸۰۹ ۲۰۱۱-۱۲-۱۲

از دیدگاه دیگر می توان در باره ادوار سه ماهه فعالیت که از طریق آن جامعه رشد می کند تأمل نمود: ترویج سریع که در نتیجه فعالیت های فشرده حاصل می شود، دوران ضروری تحکیم که در طی آن نفوس جدید از طرقی مثل شرکت در جلسات دعا، ضیافات نوزده روزه، ملاقات در منازل تقویت می گردند، و فرصت هایی که به تأمل و برنامه ریزی همه اعضا اختصاص داده می شود. در پرتو این بررسی، مسئله تبلیغ در میان مردم مستعد اولویت پیدا می کند و یافتن نفوسی که مایل به گفتگو درباره دنیای اطراف خود و مشارکت در تلاشی جمعی برای تقلیب آن

باشند مورد توجه خاص قرار می گیرد.
به خصوص در سطح هماهنگ سازی چنین ایجاب می کند که گامی به عقب برداشته آنچه را که اساسا یک واقعیت واحد است از این دو دیدگاه ملاحظه نمود. این کار امکان تجزیه و تحلیل صحیح، ارزیابی استراتژیک، توزیع خردمندانه منابع و اجتناب از پراکندگی عمل را فراهم می سازد. بنابراین در این مرحله اولیه از اجرای نقشه، بذل توجه به مسئله هماهنگ سازی مهم تر از هر زمان دیگری به نظر می رسد. اگرچه عناصر اصلی یک طرح سازمان دهی مؤثر هم اکنون به خوبی معلوم شده است ولی شکلی که این طرح تحت شرایط مختلف باید به خود بگیرد نیاز به شرح و تفصیل دارد. از دارالتبلیغ بین المللی خواسته ایم که به منظور تحرک بخشیدن به تنظیم و تدوین سریع تجارب آموخته شده مجهوداتی را که در جهت هماهنگ سازی به خصوص در چند صد محدوده پیشرفته تر در سرتاسر عالم انجام شده است پیگیری نماید.

سند ۴۲

❖ مختصات امنیتی بیت العدل :

عموما اعضای بیت العدل از افراد امنیتی دار التبلیغ انتخاب می شود نمونه بارز آن را در این پیام مشاهده می نمایید یکی از اعضای بیت العدل که صعود هم فرمودند (پیتر خان) در این پیام مشاهده می شود چگونه سلسله مراتب نهاد امنیتی را طی کرده و در انتها به بیت العدل راه پیدا می کند

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : (۸۰۶) ۲۰۱۱-۰۷-۱۵

بیت العدل اعظم
کلّیه محافل مقدّسه روحانیه ملیه ملاحظه نمایند
۱۵ ژوئیه ۲۰۱۱
صعود ناگهانی همکار بسیار محبوب سابق ما، جناب پیتر خان سبب حزن و اندوه این جمع گردید. سابقه طولانی خدماتش در ارض اقدس، که اخیرا به پایان رسید، هنوز در ذهن و خاطره ما طراوت خود را حفظ کرده است. حیاتش، با هر معیار و میزانی، مشحون از ثمرات بود؛ حیاتی از مجهودات مشتاقانه، عزم جزم قاطعانه ، تمسک تزلزل ناپذیر به اصول امریه، و استمرار در مساعی بدون وقفه بود. ایشان که در عنفوان شباب به امر رب الارباب اقبال نمود، سابقه ای وقفه ناپذیر در خدمات چشمگیری از خود به جای گذاشت که عضویت محفل روحانی ملی استرالیا، عضویت هیأت معاونت در امر تبلیغ در شمال آمریکا، عضویت در هیأت مشاورین قاره ای در استرالاسیا، و دارالتبلیغ بین المللی را شامل می شد که با انتخابش به عضویت بیت العدل اعظم، که خدماتش در آن مدت بیست و سه سال مداومت یافت، به اوج خود رسید. مواهب خداداد، عقلانی و فکری چشمگیری در کلیه وجوه خدمت به امر الهی از ایشان به ظهور و بروز رسید که از آن جمله بود: دفاع قاطعانه و شجاعانه اش از عهد و میثاق سبحانی، روش نمونه اش در ایفای وظائف متعدد و متنوع نظام اداری، آشنا ساختن نسل های جوانان با منظر

و دیدگاه متحول کننده حضرت شوقی ربانی، حمایت از ارتقا حقوق نسوان و اما الهی، توجه مستمرش به اداره منابع مالی و مادی امر یزدانی، و در بیان حقایق امریه با فصاحتی بی نظیر و مزاحی دلنشین به مخاطبان لا تعدّ و لاتحصی – که سبب اهتزاز قلوب، برانگیختن اذهان و تهییج ارواح می شد. امر الهی، فی الحقیقه، خادمی ممتاز را از دست داد

سند ۴۳

◈ دار التبلیغ و زیر مجموعه آن مشاورین قاره ای عالی ترین نهاد اطلاعات و امنیتی تشکیلات بهایی مجری نقشه های براندازانه بیت العدل در سراسر عالم

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : (۷۸۸) ۲۰۱۰-۰۴-۲۱

دارالتّبلیغ بین المللی تحرّکِ پرشوری به مجهودات لازم برای تحقّق قبل از موعدِ اهداف نقشۀ پنجساله بخشید و بدین سبب از آن مؤسّسۀ جلیله صمیمانه سپاسگزاریم. میزان انرژی شگرفی که این مؤسّسه صرف این مشروع عظیم جهانی نمود، پیگیری مجدّانۀ پیشرفت نقشه در هر یک از قارّات و همکاری نزدیک آن با مشاورین قارّه ای، نمایانگر پرتوی از قوای عظیمهای بود که در نظم اداری بهائی به ودیعه نهاده شده است. حال که دارالتّبلیغ بین المللی توجّه خود را با همان قوّت به مسائل مربوط به کارآیی فعّالیّتها در سطح محدودۀ جغرافیایی معطوف میدارد، بدون شک توجّه خاصّی نیز به تشکیل کلاسهای کودکان مبذول خواهد داشت. مطمئن هستیم که تجزیه و تحلیل دارالتّبلیغ در سال آینده از تجربیّات حاصله در چند محدودۀ جغرافیایی منتخَب با شرایط اجتماعی مختلف، موجب شناخت بهتری از بعضی مسائل عملی خواهد شد و تأسیس کلاسهای مرتّب برای کودکان سنین مختلف را در محلّه ها و دهکده ها امکان پذیر خواهد ساخت.

سند ۴۴

◈ عالی رتبه ترین نهاد اطلاعات و امنیت تشکیلات بهایی (دار التبلیغ – مشاورین) مسئول اجرای نقشه های تشکیلات بهایی جهت براندازی در کلیه کشورها ضمنا محل استقرار دائمی این نهاد در اسرائیل است

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : (۷۸۸) ۲۰۱۰-۰۴-۲۱

بدون شک تحوّلات و تغییراتِ تکاملیِ حاصله در مؤسّسۀ مشاورین یکی از مهمترین پیشرفتها در نظم اداری بهائی در طیّ دهۀ گذشته محسوب میشود. این مؤسّسه قبل از آنکه مشاورین و اعضای هیئت معاونت در ژانویه ۲۰۰۱ برای شرکت در کنفرانس بزرگداشت استقرار دارالتّبلیغ بین المللی در مقرّ دائمی خود در کوه کرمل در ارض اقدس گرد هم آیند، پیشرفتهای فوق العاده ای نموده بود. تردیدی نیست که قوای منبعثه از آن کنفرانس بر سرعت

پیشرفت مؤسّسه افزوده است. میزان نفوذی که مشاورین و معاونین در پیشبرد نقشه داشته اند نمایانگر آن است که این خادمان برازندۀ امرالله جای طبیعی خود را در صف اوّل میدان تبلیغ احراز نموده اند. اطمینان داریم که سال آینده – همچنان که مؤسّسات نظم اداری همگی می کوشند تا هر یک بر حسب وظایف و مسئولیّتهای در حال تکامل خود، روح یادگیری را که از خصوصیّات برجسته و ممتاز طرز کار جامعه شده است تقویت نمایند و این امر را با فوریّت بیشتری در آن دسته از محدوده های جغرافیایی که مشغول اجرای برنامه های فشردۀ رشد هستند پیگیری کنند – شاهد همبستگی بیشتر این مؤسّسات در همکاری با یکدیگر خواهیم بود.

سند ۴۵

⊗ مسئول تهیه محتوای نقشه ها دار التبلیغ عالی ترین نهاد امنیتی تشکیلات بهایی (تغییر بافت جمعیتی)

پیام بیت العدل تاریخ : (۷۴۵) ۲۰۰۸-۰۵-۱۳

☑☑☑☑☑☑☑

وکلای انجمن بعد از وصول به اینجا، فرصتی یافتند که ارواح خویش را در اراضی حول اعتاب مقدسه طراوت و لطافتی بخشند و خود را برای ایفای مسئولیت سنگین انتخاب اعضای بیت العدل اعظم مهیا سازند. در طول چند روز بعد، آنها در پنج جلسه ی مشورتی که بر پیشرفت نقشه ی جهانی فعلی متمرکز بود شرکت نمودند. توجّه به کثرت تجربه ای که آنها در مباحثات وارد ساختند و وحدت تفکری که وجه متمایز اظهاراتی بود که مطرح میشد، منبعی از الهام و مسرت بود. مشارکت آنها در مشاورات نیز منبعث از مطالعه ی سندی بود که دارالتبلیغ بین المللی تحت عنوان وصول به پویایی رشد: بارقه هایی از قارّات خمسه تهیه کرده بودند. همانطور که عنوان آن نشان میدهد، این سند از منظر تاریخی، به توصیف مجهوداتی میپردازد که برای تأسیس برنامه های فشرده ی رشد در نقاط مختلف کره ی ارض مبذول میشود. مهمتر از همه، این، نشان دهنده ی آن است که جریان یادگیری که سبب پیشرفت میشود، در سطح جهانی در حال شتاب گرفتن است. امیدواریم که این، مبنایی برای بحثهای بیشتر در انجمنهای شور ملی باشد که به زودی منعقد خواهندشد.

سند ۴۶

⊗ مجری امنیتی نقشه های بر اندازانه بیت العدل داخل کشور تحت اشراف نیروهای فرامنطقه ای یعنی اعضای هیئت معاونت

پیام بیت العدل تاریخ : (۷۱۱) ۲۰۰۷-۰۴-۱۹

☑☑☑☑☑☑☑

نقشه پنج ساله فعلی مستلزم حصول درک و شناخت این مطلب است که چگونه عناصر گوناگون مطرح شده در آن پیام با هم تلفیق می شوند تا شرایط لازم برای رشد امر الهی را فراهم سازند. در همه محدوده ها (کلاستر)،

مؤسسات و دوائری که رهبری فرایند مؤسسه را برعهده دارند – اعضای هیئت معاونت و مؤسسه آموزشی به همراه لجنات ناحیه ای تبلیغی باید میزان پویائی رشد را مرتبا بررسی کنند و طریقی را که این عناصر با هم تعامل دارند ارزیابی و تحلیل نمایند تا کمبودها را شناسایی کنند و معین سازند که چه تعدیل و اصلاحی باید صورت گیرد.

سند ۴۸

❖ نهاد امنیتی دار التبلیغ هم طراح نقشه و هم متصدی اقدامات اطلاعاتی برای نقشه

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : (۷۰۷) ۲۰۰۷-۰۳-۰۹

پیام ۲۷ دسامبر ۲۰۰۵ این جمع که در توصیف ویژگی های نقشه پنج ساله بود بر نقش خاصی که مهاجرین می توانند در حل معضل تأسیس حداقل ۱۵۰۰ برنامه فشرده رشد در سراسر جهان ایفا کنند، تأکید داشت. در این رابطه، ابراز امیدواری کردیم نفوسی که در این کسوت، چه در میادین داخلی و چه در میادین بین المللی، برای خدمت قیام می کنند، برای کمک به تمهید زمینه جهت سرعت بخشیدن به رشد یا جهت تقویت چرخه های فعالیتی که از قبل در دست اقدام بوده، در محدوده های جغرافیایی که مورد توجه سیستماتیک هستند سکونت اختیار کنند. با تشدید مساعی در سراسر جهان به سوی تحقق هدفی که تعیین شده، از آحاد مؤمنین به حضرت بهاالله در سراسر عالم تقاضا می کنیم نسبت به مشارکت خود در این نقشه عظیم تأمل و تفکر نموده تصمیم بگیرند که چگونه می توانند به بهترین وجه در اجرای موفقیت آمیز نقشه پنج ساله تشریک مساعی نمایند. امید چنان است نفوسی که قادرند در خط مقدم فعالیت به همکاران خود ملحق شوند، حتی لحظه ای درنگ ننمایند. سندی که توسط دارالتبلیغ بین المللی تهیه شده و به زودی از مرکز جهانی صادر خواهد شد، از جوامع ملی که بیش از دیگران از قوای کمکی مهاجرین استفاده خواهند کرد، نمایی کلی ارائه می کند. این سند حاوی اطلاعاتی در مورد وضعیت محدوده های جغرافیایی است و سایر نیازهایی را که باید در حمایت از فعالیت در سطح عامه مردم رفع شود، توصیف می کند. بعلاوه، بیش از پیش نشان می دهد که عناصر گوناگون نقشه چگونه چارچوبی منسجم برای عمل را تأمین می کنند. به یارانی که تقاضای قیام مهاجرین را اجابت می نمایند، توصیه می شود در قدم اول به تشکیلات مراجعه نمایند؛ این اقدام به آنها کمک خواهد کرد تعیین نمایند خدمات آنها در کدام نقاط می تواند به نحوی مؤثرتر هدایت و عرضه شود.

سند ۴۹

❖ اهمیت جایگاه دار التبلیغ (عالی ترین نهاد اطلاعاتی تشکیلات بهایی) در روند اجرای نقشه ها

پیام بیت العدل تاریخ : (۶۹۰) ۲۰۰۵-۱۲-۳۱

☑☑☑☑☑☑☑

نمیتوان تردید نمود که نقشهای که به زودی خاتمه مییابد تحوّلی مثبت را در سرنوشت امر مبارک رقم میزند. ما با انتظاری عظیم نسبت به آنچه که حاصل خواهد شد، به پانزده سال آینده، سالهای نهایی قرن اوّل عصر تکوین، ناظریم. از این موضع مساعد، عالم بهائی به سهولت میتواند درک کند که دارالتّبلیغ بین المللی انگیزهای را که برای روشن ساختن مسیر تعیین شده در این چند سال گذشته حیاتی و ضروری است، تا چه حدّ چشمگیری فراهم آورد، و نیز میتواند امکانات پر باری را که مجهودات اختصاص یافته اش برای آینده نوید میدهد، تشخیص دهد.

سند ۵۰

⊗ مجری نقشه های براندازانه بیت العدل یعنی دار التبلیغ با زیر مجموعه خودش

☑☑☑☑☑☑☑

پیام بیت العدل تاریخ : (۶۴۹) ۲۰۰۲-۰۴-۲۱

نیروی عظیمی که دارالتّبلیغ بین المللی صرف افزایش فهم و درک جامعه جهانی از رشد و توسعه منظم نموده، این چشم اندازهای هیجان انگیز را حیات و قوّتی افزونتر بخشیده است. دارالتبلیغ بین المللی با اغتنام فرصت آغاز دوره جدید در خدمات اعضای هیئتهای معاونت در ماههای آخر سال، شانزده کنفرانس منطقه ای به منظور راهنمایی و جهت دادن به اقدامات هیئتهای مزبور ترتیب داد و به هر یک از این کنفرانسها دو نفر از اعضای خود را گسیل داشت. در این کنفرانسها که به منظور تمرکز توجّه به اقدامات مربوط به مؤسّسات کارآموزی و رشد و توسعه منظم ترتیب داده شده بود کلیّه اعضای هیئتهای معاونت به جز تعدادی معدود شرکت جستند و اطّلاعات سرشاری کسب نمودند که در اثر مساعی خستگی ناپذیرشانبه سراسر جامعه خواهد رسید.

سند ۵۱ :

⊗ تاریخچه مختصر از عالی ترین نهاد امنیتی تشکیلات بهایی موسوم به دار التبلیغ :

https://reference.bahai.org/fa/t/o/BF/bf-203.html





سند ۵۲ :

⊗ بر مبنای کتاب اقدس بنیانگذار سازمان جاسوسی اطلاعات و امنیت موسوم به ادیان امر حسینعلی نوری ملقب به بهاء الله می باشد

اعتراف بیت العدل در سایت خودش

کتاب اقدس

تام مخالفت می‌ورزید و در رسالات خود به حضرت اعلی و تعالیم مبارکه‌اش اعتراض می‌کرد. جمال مبارک در کتاب مستطاب ایقان لحن و اسلوب کلام و مندرجات کتب او را محکوم و مخصوصاً یکی از آثارش را که شامل نسبت‌هائی ناروا به حضرت اعلی بود مردود شمرده‌اند. حضرت ولیّ امرالله مشارٌ الیه را بی نهایت جاه‌طلب و مزوّر توصیف نموده و می‌فرمایند که به دستور شاه در یکی از رسالاتش به امر بدیع و تعالیم آن مغرضانه حمله نمود.

۱۸۳. یا معشر العلمآء فی البهآء (بند ۱۷۳)

حضرت بهاءالله در ستایش مقام علماء در کتاب عهدی می‌فرمایند: طوبی للامرآء و العلمآء فی البهآء. حضرت ولیّ امرالله در بارهٔ این بیان مبارک می‌فرمایند:

علماء در این کور مقدّس در یک مقام ایادی امرالله و در مقام دیگر مبلّغین و ناشرین امر که در سلک ایادی نباشند ولی رتبهٔ اولی را در تبلیغ حایز. مقصود از امراء اعضاء بیت العدل محلّی و ملّی و بین المللی است. وظایف هر یک از این نفوس من بعد معیّن گردد.

حضرت بهاءالله افرادی را به سمت ایادی امرالله منصوب و مسئولیتهائی را به آنان محوّل فرمودند. از جمله وظایف خاصّ

کتاب اقدس

ایادی حفظ و صیانت و تبلیغ و انتشار امرالله است. در «تذکرة الوفاء» حضرت عبدالبهاء چند تن از وجوه مؤمنین را به عنوان ایادی نام برده‌اند و در الواح مبارکهٔ وصایا مقرّر فرمودند که حضرت ولیّ امرالله نفوسی را به ارادهٔ خود به سمت ایادی امرالله منصوب سازند. حضرت ولیّ امرالله در وهلهٔ اولی عدّه‌ای از نفوس را پس از وفاتشان به مقام ایادی امرالله مفتخر فرمودند و سپس در سالهای اخیر دورهٔ ولایت سی و دو نفس مبارک را در قارّات خمسه به این سمت منصوب نمودند. در سنوات بین صعود حضرت ولیّ امرالله در ۱۹۵۷ و انتخاب بیت العدل اعظم در ۱۹۶۳ حضرات ایادی امرالله وظیفهٔ مفوّضهٔ مقدّسهٔ خود را در حراست و صیانت جامعهٔ جهانی بهائی ایفا نمودند (یادداشت شمارهٔ ۶۷). در نوامبر سال ۱۹۶۴ بیت العدل اعظم اعلام داشتند که وضع قرارى جهت تعیین و انتصاب ایادی امرالله ممکن نیست و در عوض در سنهٔ ۱۹۶۸ مقرّر داشتند که برای ادامهٔ وظایف صیانت و ترویج امرالله که به حضرات ایادی محوّل شده بود هیأتهای مشاورین قارّات تشکیل گردد و نیز دارالتّبلیغ بین المللی را در ارض اقدس در سنهٔ ۱۹۷۳ تأسیس نمودند.

بیت العدل اعظم مشاورین عضو دارالتّبلیغ و مشاورین قارّات را انتخاب می‌نمایند و مشاورین قارّات اعضاء هیأتهای معاونت را تعیین



سند ۵۳ :

۞ سخنان شوقی مبتنی بر وظایف اقدامات اطلاعات و امنیتی ایادیان امر (صیانت حراست و ترویج) و تعیین مقر آن در حیفا موسوم به دار التبلیغ

https://reference.bahai.org/fa/t/se/TM5/tm5-181.html





سند ۵۴ :

⊗ سخنان شوقی مبتنی بر وظایف اقدامات اطلاعات و امنیتی ایادیان امر (صیانت حراست و ترویج) و تعیین مقر آن در حیفا موسوم به دار التبلیغ

https://reference.bahai.org/fa/t/c/PA1/pa1-169.html#pg168



سند ۵۵

تاریخچه ای مختصر و مفید از مکتوبات بیت العدل پیرامون نهاد امنیتی دار التبلیغ

https://reference.bahai.org/fa/t/bic/COL/col-89.html





سند ۵۶ :

❖ ایادیان امر و در امتداد آن دار التبلیغ مشاورین قاره ای و هیئت های معاونت و مساعدین تشکیلات یک پارچه ای که وظیفه ذاتی اش نقش طبقه علما را واجد می باشد و در کنار آن هسته مرکزی اطلاعاتی بیت العدل در سطح جهانی است

https://reference.bahai.org/fa/t/o/UDB/udb-49.html#pg44





سند ۵۷ :

❖ انتخاب ایادیان امر هسته مرکزی نهاد اطلاعات و عملیات تشکیلات بهایی فقط بدست شوقی بود و دیگران حق انتخاب نداشتند حتی بیت العدل و پس از شوقی اعضای این مجموعه (ایادیان امر) در این مقام بودند تا صعود نمودند اما این منصب تحت مدیریت بیت العدل با نام دیگر به نام دار التبلیغ ۹ نفر برای هر ۵ سال یک بار انتخاب می شوند و همان وظیفه طراحی نقشه ها مدیریت در اجرا و نهاد اطلاعات و عملیات تشکیلات بهایی را بر عهده دارد

https://reference.bahai.org/fa/t/o/BF/bf-195.html#pg189


موسّسات امر بهائی



جامعه بین المللی بهائی
کتابخانهٔ مراجع و آثار بهائی

دیانت بهائی آئین فراگیر جهانی



جامعه بین المللی بهائی
کتابخانهٔ مراجع و آثار بهائی

دیانت بهائی آئین فراگیر جهانی

سند ۵۸ :

پیام بیت العدل خطاب به محفل ملی بهائیان ایران مبنی بر ارسال گزارش مداوم به اسرائیل و (هر نوزده روز یک بار) مخفی کاری در ارسال گزارشات قابل تامل است باید بیت العدل پاسخ دهد چه نکات ضد امنیت ملی در این گزارشات بود که نباید افشا می شد و سری تلقی می شد

پیام یت العدل تاریخ : ۱۰/۸/۱۹۶۳

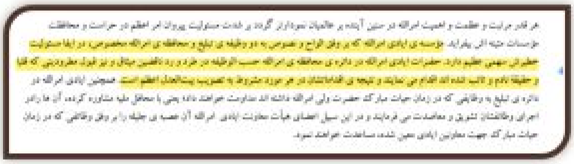


سند ۵۹ :

❖ ایادیان امر (دار التبلیغ فعلی) مسئول قلع و قمع کردن و لولوی بیت العدل بالای سر اعضای تسجیل شده بهائیان است و مسئول طرد و عفو درون سازمان البته با تصویب بیت العدل

این در حالی است که یکی از مشخصه های نظام های کالتی و فرقه ای کنترل اعضای فرقه بشکل سیستماتیک و مجازات و محروم کردن از حقوق شهروندی و اعمال اقدامات کیفری علیه اعضای این سیستم است

پیام بیت العدل تاریخ : ۱/۱۰/۱۹۶۳



سند ۶۰

❖ دستور تشکیلات بهایی به افراد مهاجر خود مبتنی بر گزارش و انتقال اطلاعات از حوزه فعالیت خود طی نقشه ده ساله به اسرائیل

سوال این است آیا ارسال این گزارشها توسط افرادی که بومی و اهل آن کشور نبودند و به بهانه تحصیل و تحرکات شغلی و مالی و بازرگانی رفته بودند و ارسال این اطلاعات به اسرائیل خلاف امنیت ملی کشورها نیست ؟
لازم به ذکر است مدیریت کلیه این تحرکات اطلاعاتی زیر نظر ایادیان امر (دار التبلیغ فعلی صورت می پذیرد)

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۹۶۳-۱۱-۱۴



سند ۶۱ :

⊗ چرا اطلاعات موجود در سرورهای حیفا در اسرائیل زلالترین منبع اطلاعاتی برای کلیه نهاد های اطلاعاتی عالم مانند موساد – سیا ووو است ؟

با توجه به این سند در هر کشور دو منبع اطلاعاتی بدون اینکه در جریان فعالیت اطلاعاتی هم باشند وجود دارد و مشاورین قاره ای این نهاد فرامنطقه ای کلیه اطلاعات را از دو منبع متفاوت (معاونین و محافل – عصبه انتخابی و انتصابی) در موضوعات معمولا واحد در یافت می کنند و دلیل زلال بودن این اطلاعات همین است که در یک موضوع هنگامیکه از دو منظر جدا گانه بدون هماهنگی مطالب گزارش شود راستی آزمایی آن بسیار سهل و آسان است زیرا اگر متن خبر با هم منطبق باشد اصل خبر احتمال تحققش بسیار بالاست و به آن می توان اعتماد کرد و در مواردی که خبر از دو منبع متفاوت باشد می توان مستقلا آن را مورد واکاوی قرار داد و راستی آزمایی کرد

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۹۶۳-۱۱-۱۹

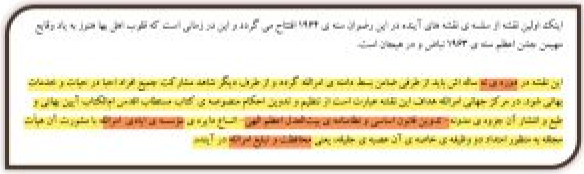


سند ۶۲

⊗ اهمیت و جایگاه عالیترین نهاد اطلاعاتی و امنیتی تشکیلات بهایی :

در ابتدای تاسیس بیت العدل نهاد اطلاعاتی در این سازمان آنقدر جایگاه ویژه ای دارد که در اولین نقشه بیت العدل که نه سال بطول انجامید یکی از وظایف این سازمان توسعه شبکه اطلاعاتی ترسیم شده است تا در راستای اتساع آن این نهاد اطلاعاتی تسهیل گر هدف بیت العدل از نگاشتن این نقشه در راستای تسلط بر حکومتها باشد

پیام بیت العدل تاریخ : ۲۹ ۱۹۶۴-۰۴-۰۱



سند ۶۳:

❖ اقدامات ضد امنیتی نهاد های امنیتی فرا منطقه ای بیت العدل داخل هر کشور

در این سند بیت العدل به وضوح اقرار می کند که محافل ملی که حضور گسترده در داخل کشور را دارند باید نقش ستون پنجم را برای بیت العدل بازی کنند و کلیه اطلاعات و قرائت های منطقه را در اختیار نیروهای فرامنطقه ای امنیتی قرار دهند جالبتر اینکه مقصد تمام این گزارشها در حیفا و اسرائیل می باشد

پ ن : اگر این نقض حاکمیت ملی و امنیت آن نیست پس چیست

پیام بیت العدل تاریخ : ۴۹ ۱۹۶۴-۱۱-۰۱



سند ۶۴ :

❖ نکات مهم این سند :

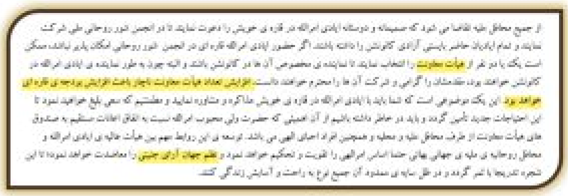
اولا ضرورت حضور نهاد امنیتی فرامنطقه ای در انتخابات محافل ملی فرمایشی بودن آن را هویدا می نماید

ثانیا : سازوکارهای مالی نهاد امنیتی دقیقا ملاحظه می شود یعنی بار مالی این نهاد امنیتی فرامنطقه ای بر دوش نیروهای داخل کشورهاست پس این نهادهای اطلاعاتی مفصل حقوق بگیر از بیت العدل هستند

پ ن : آیا می شود تراکنش مالی این نهاد اطلاعاتی را بیت العدل در اختیار جامعه جهانی قرار دهد ؟ آیا این مصداق پولشوئی در سطح جهانی نیست به عبارتی نیروهای امنیتی فرامنطقه ای با هزینه های نامعلوم بشکل سیستماتیک مشغول اقدامات ضد امنیتی برای وصول به اهداف نقشه ها در راستای بر اندازی در هر کشور این دقیقا مصداق جرائم سازمان یافته می باشد

ثالثا در انتهای سند بصراحت نظام اداری فعلی تشکیلات را بیت العدل جنینی می داند و متولی این جنین تا بلوغ را نهاد امنیتی ایادیان امر و معاونینشان می دانند

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۹۶۴-۱۱-۰۱



سند ۶۵ :

سند تکان دهنده از خیانت بهائیان به شاه علی رغم اعتماد وی به این سازمان

در این سند به وضوح شاهد خیانت بیت العدل به حاکمیت ملی ایران در زمان شاه بسال ۱۹۶۵ هستیم

اولا طبق این سند جایگاه علی اکبر فروتن که ایادی امر و در راس نهاد امنیتی بین المللی بیت العدل می باشد را

مشاهده می کنیم و اصل تمام تحرکات این فرد در ایران با این مسئولیت امنیتی و عاملیت وی برای نهاد های امنیتی مستقر در اسرائیل حائز اهمیت است
وی مسئول مدرسه تربیت تحت نظارت مستقیم شوقی افندی بود یعنی مدرسه ای که مهره پرور برای حکومت بهایی فعالیت می کرد

ثانیا طبق این سند حضور علی اکبر فروتن در ایران به عنوان ظرفیت سازی جهت رسیدن به اهداف نقشه نه ساله در راستای بر اندازی و برپایی حکومت بهایی توسط یک نیروی امنیتی که در راس سازمان قرار دارد اهمیت اقدامات وی را از جهت تحرکات ضد امنیتی و نقض حاکمیت ملی را دو چندان می نماید

ثالثا بر طبق این سند سازماندهی اتباع ایرانی برای اجرای نقشه نه ساله و اقدامات بر اندازانه در کشورهای همجوار تحت عنوان مهاجرت به سایر ممالک بخطر انداختن حیثیت ملی در تعاملات منطقه ای برای ایران را فراهم کرد که باید بیت العدل برای تمام این اقدامات مجرمانه امنیتی پاسخ گو باشد

پیام بیت العدل تاریخ : ۵۸ ۱۹۶۵-۰۲-۰۴



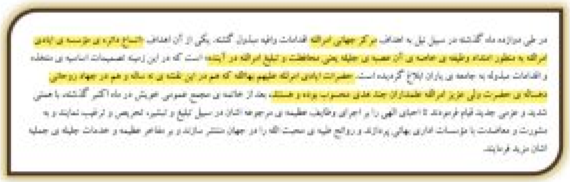
سند ۶۶

- اهمیت و جایگاه عالیترین نهاد اطلاعاتی و امنیتی تشکیلات بهایی :

در ابتدای تاسیس بیت العدل نهاد اطلاعاتی در این سازمان آنقدر جایگاه ویژه ای دارد که در اولین نقشه بیت العدل که نه سال بطول انجامید یکی از وظایف این سازمان توسعه شبکه اطلاعاتی ترسیم شده است تا در راستای اتساع آن این نهاد اطلاعاتی تسهیل گر هدف بیت العدل از نگاشتن این نقشه در راستای تسلط بر حکومتها باشد

نکته بعدی اینکه : نقش این نهاد امنیتی در محوریت اجرای نقشه های بیت العدل در راستای بر اندازی و برقراری حکومت بهایی هم در زمان شوقی و نقشه ده ساله وی ۱۹۵۳ الی ۱۹۶۳ و هم نقشه نه ساله ۱۹۶۴ الی ۱۹۷۳

پیام بیت العدل تاریخ ۷۰ ۱۹۶۵-۰۴-۲۱



سند ۶۷ :

با قبول و تصویب عضویت جامعه بهائی بعنوان " سازمان غیردولتی و دارای مقام مشورتی در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل پیشرفتی نمایان در
مناسبات جامعه بین المللی بهائی با سازمان ملل متحد حاصل گردید. اکنون جامعه بین المللی بهائی دارای یک نماینده دائمی در سازمان ملل و دفتر
مخصوصی در نیویورک برای این منظور است."
این سند با توجه به سند دیگر دفتر طرح و توسعه اقتصادی و اجتماعی که رسما اعلام می کند طرح روحی را از سال ۱۹۷۳ آغاز کرده است نشانگر حرکت هماهنگ در سطح بین المللی و با نفوذ در کشورها به عنوان اجرای طرح های خدمتی و سازمانهای مردم نهاد اقدام به تغییر بافت جمعیتی جهت رسیدن به اهداف نقشه های بیت العدل یعنی رسیدن به حکومت کشورها می توان ارزیابی کرد

پیام بیت العدل ۳۲۱ ۱۹۷۳-۰۴-۲۱



با قبول و تصویب عضویت جامعه بهائی بعنوان سازمان غیردولتی و دارای مقام مشورتی در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل پیشرفتی نمایان در
مناسبات جامعه بین المللی بهائی با سازمان ملل متحد حاصل گردید. اکنون جامعه بین المللی بهائی دارای یک نماینده دائمی در سازمان ملل و دفتر
مخصوصی در نیویورک برای این منظور است.

سند ۶۸ :

فریدون جواهری از اعضای بلند پایه امنیتی تشکیلات بهایی پس از سپری کردن مراحل سازمان امنیتی تشکیلات بهایی و طی مسئولیت معاون مشاور قاره ای به منصب مشاور قاره ای منصوب گردید دقیقا با آغاز طرح ۲۵ ساله بیت العدل و اجرائی شدن اقدامات پوششی بیت العدل برای رسیدن به اهداف نقشه که همانا ابتدا تغییر بافت جمعیتی و سپس اشغال خاک و سرزمین است با سوء استفاده از تخصص خود در زمینه کشاورزی با لاوی های گسترده وارد سازمان ملل شد و سپس مشاور فنی ارشد سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد گردید و با سو استفاده از این نهاد در آفریقا (زامبیا) به بهانه اجرای طرحهای کشاورزی و توسعه آن در این منطقه با توان هر چه تمام عموم بهائیان را در آن منطقه سازماندهی کرد تا ازبه بهانه رفع نیاز این کشورها و تواندهی در حوزه کشاورزی به پیشبرد اهداف نفشه های بیت العدل بپردازد

مختصری با رزومه وی آشنا شویم لازم به ذکر است که ظاهرا فرزند وی در همین موقعیت از افراد محوری در آن منطقه محسوب می شود

مختصری با رزومه وی آشنا شویم

👇👇👇

(https://tinyurl.com/yamqjuzp)

جناب دکتر فریدون جواهری
از اعضای بیت العدل اعظم از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۸

جناب جواهری در سال ۲۰۰۳ به همراه جناب هارتموت گروسمن پس از بازنشستگی آقای علی نخجوانی و آقای هوشمند فتح اعظم انتخاب شد. وی متولد ایران و دارای مدرک دکترای زراعت، شاخه ای از علوم کشاورزی است.

دکتر جواهری به مدت دو سال در گامبیا و سپس به مدت بیست و پنج سال در زامبیا زندگی کرد و مشاور فنی ارشد سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد بود. او در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی به جوامع بهائی آنجا خدمت کرد. ایشان در سال ۱۹۹۵ پس از ۱۹ سال خدمت به عنوان عضو هیئت معاونت، به عنوان مشاور قاره ای منصوب شد.

در سال ۱۹۹۶ به عنوان مشاور قاره ای به افتتاح مدرسه متوسطه بین المللی «بنانی» در زامبیا (یک مدرسه خصوصی دخترانه برای کلاس های ۸ تا ۱۲ بر اساس اصول دین بهائی) کمک کرد، در این افتتاحیه جناب کایزر بارنز و لالی وارن نیز حضور داشتند. در آن زمان جناب بارنز یکی از اعضای مرکز دارالتبلیغ بین المللی و لالی وارن مشاور قاره ای بود.

https://t.me/Roohi_naghd/366

سند ۶۹

⊗ بیت العدل بهائیان را تشویق به اقدامات مجرمانه می کند. :

بیت العدل با استناد به سخنان فوق که از گفته های عبد البهاء می باشد تبلیغ را واجب کرده و لو مخفیانه

لفظ مخفیانه نشانگر این است اگر در جامعه ای تبلیغ جرم باشد بهائیان باید خلاف قانون اعمال مجرمانه مرتکب شوند تا تبلیغ کنند این با سخن عبد البهاء که دهها بار تاکید کرده ما در هر کشور قانون مدار هستیم در تعارض است

پیام بیت العدل تاریخ : ۳۸۴ ۱۹۷۶-۱۱-۲۹

۶۹


اگر تبلیغ تأخیر افتد بکلی تأیید منقطع گردد زیرا مستحیل و محال است که بدون تبلیغ احبای الهی تأیید یابند در هر صورت باید تبلیغ نمود ولی بحکمت اگر جهاراً ممکن نه خفیاً بتربیت نفوس پردازند و سبب حصول روح و ریحان در عالم انسان شوند

سند ۷۰

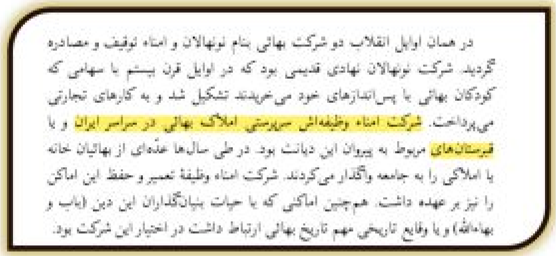
چرا اموال بهائیان مصادره گردید ؟

تشکیلات غیر قانونی و غیر رسمی بهایی در زمان پهلوی بدلیل عدم مشروعیت و وجاهت قانونی اجازه تحرکات مالی و تملک اموال غیر منقول را رسما به نام محفل ملی ایران نداشت لذا دو شرکت سوری به نام شرکت نونهالان و شرکت سهامی امنا را تاسیس کرد جالب است که مسئولین این مجموعه ها عموما از سران اداری بهائیان و محفل ملی بودند این دو مجموعه در راستای اجرای نقشه های بیت العدل در ایران فعالیت می کردند و مثلا وام های مفصلی را به مهاجرین مبلغ اعطا می کردند و پوششی بود برای فعالیتهای خلاف امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران در زمان شاه بدلیل نفوذ عوامل سازمانی بهایی در ارکان حکومت به فعالیتهای این دو شرکت به دیده اغماض نگریسته می شد در حالی که این دو مجموعه بدلیل غیر قانونی بودن تملک اموال منقول و غیر منقول تحت تملک محفل ملی ایران شرکت صوری محسوب شده و در همان زمان شاه باید با آن برخورد قانونی می شد لذا پس از انقلاب با این مجموعه های غیر قانونی برخورد گردید و تمام اموال منقول و غیر منقول این دو شرکت مصادره و در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت

پس ادعای مصادره اموال به دلیل باور به بهائیت از دروغهای آشکار تشکیلات و بیت العدل بهائیان و فرار رو به جلو برای فرار از توضیحات اقدامات غیر قانونی خود می باشد
یکی از این املاک قبرستانهای بهایی است که وهمن در نگاشته خود ذکر کرده و اعتراف نموده است

""" صد و شصت سال مبارزه با آئین بهائی – فریدون وهمن (چاپ سوم) """

https://t.me/hokoomat_bahai/784

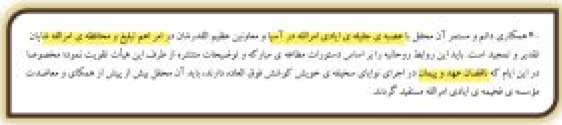


در همان اوایل انقلاب دو شرکت بهائی بنام نونهالان و امناء توقیف و مصادره گردید. شرکت نونهالان نهادی قدیمی بود که در اوایل قرن بیستم با سهامی که کودکان بهائی با پس‌اندازهای خود می‌خریدند تشکیل شد و به کارهای تجارتی می‌پرداخت. شرکت امناء وظیفه‌اش سرپرستی املاک بهائی در سراسر ایران و یا قبرستان‌های مربوط به پیروان این دیانت بود. در طی سال‌ها عدّه‌ای از بهائیان خانه یا املاکی را به جامعه واگذار می‌کردند. شرکت امناء وظیفهٔ تعمیر و حفظ این اماکن را نیز بر عهده داشت. هم‌چنین اماکنی که با حیات بنیانگذاران این دین (باب و بهاءالله) و یا وقایع تاریخی مهم تاریخ بهائی ارتباط داشت در اختیار این شرکت بود.

سند ۷۱

❖ اعضای محافل موظف به اطاعت از منویات نهادهای اطلاعاتی فرامنطقه ای می باشند مخصوصا باید به عنوان ستون پنجم بیت العدل و نهاد های امنیتی بیت العدل در راستای دو امر مهم یکی صیانت و مقام اطلاعاتی (تمام اطلاعات شهروندان داخل تشکیلات را در اختیار نهاد های خارج از کشور بدون مجوزهای قانونی) قرار دهند و در راستای نقشه های بیت العدل در پوشش تبلیغ که در ظاهر بر مبنای قوانین حقوق بشر جزء حوق شهروندی محسوب می شود برای اشغال کشور در راستای وصول به اهداف نقشه تغییر بافت جمعیتی تحقق یابد خلاصه در یک کلام محافل مزدوران بیت العدل برای بر اندازی در هر کشور می باشند

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۱۰ ۱۹۶۶-۰۶-۲۳



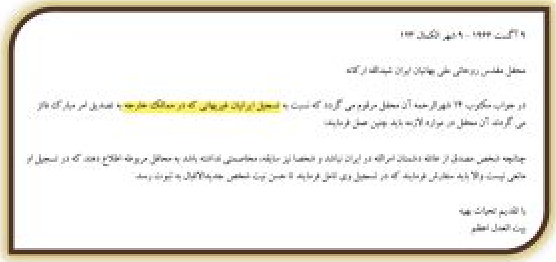
همکاری دائم و مستمر آن محفل با هیئت ... در آسیا و معاونین حضرت ایادی امرالله در امر تبلیغ و محافظه ی امرالله شایان تقدیر و تمجید است ... در این ایام که باقتضای عهد و پیمان در اجرای نوایای مقدسه ی خویش کوشش فوق العاده دارند باید آن محفل بیش از پیش از همکاری و معاضدت مؤسسه ی فخیمه ی ایادی امرالله مستفید گردند.

سند ۷۲

❖ مخفی کاری برای جاسوسی یا ؟؟؟؟

ادعای بیت العدل حرام بودن تقیه است اما در این سند به وضوح مشاهده می کنیم که بیت العدل مجوز کتمان بهایی بودن را صادر می کند چرا ؟؟

پیام بیت العدل تاریخ ۱۱۲ ۱۹۶۶-۰۸-۰۹



۹ آگست ۱۹۶۶ - ۹ شهر الکمال ۱۲۳

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه

با تقدیم تحیات بهیه
بیت العدل اعظم

سند ۷۳

❖ اعتراف به وجود نهاد امنیتی در تشکیلات بهایی

بر مبنای این سند تشکیلات بهایی باید نفوذی های داخل سازمان را شناسائی سپس برخورد نماید آیا برای حصول به این نتیجه وجود نهاد امنیتی ضروری به نظر نمی رسد ؟

ضمنا آیا اقدامات اطلاعاتی شهروندان یک کشور در کشور ثالث بدون مجوزهای قانونی از نهادهای اطلاعاتی ذی صلاح آن کشور جرم محسوب نمی شود ؟

آیا تجسس و تفتیش عقاید افراد در کشور دیگر دخالت در امور شخصی و خصوصی محسوب نمی شود و نباید با سازمان غیر قانونی که این اقدام را انجام می دهد به شدت برخورد کرد ؟

و در نهایت یکی از نتایج سازمان بودن تشکیلات بهایی دخالت در امور شخصی افراد است آیا تشکیلات بهایی این مجوزها را از نهاد های ذی صلاح کشورها در ابتدای فعالیت خود اخذ کرده است ؟

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۵۷ ۱۹-۱۱-۱۹۶۷



۱۹ نوامبر ۱۹۶۷ - ۱۴ شهر القدرة ۱۲۴

پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به محفل مقدس روحانی ملی ایران

با تقدیم تکبیرات منیعه

سند ۷۴ :

❖ ایادیان امر (دار التبلیغ فعلی) عالیترین نهاد امنیتی تشکیلات بهایی محور وصول به اهداف نقشه که همانا براندازی در کلیه کشورها و برقرار مدیریت جهانی (نظم جهان) بر مبنای فرامین بهائی می باشد

تشکیلات بهایی بر مبنای این پیام موظف است به دلیل نقش مهم این نهاد برای نیل به اهداف خلاف امنیت ملی کلیه کشور ها و مختصات امنیتی این اقدامات بشکل گسترده ای وزارت اطلاعات خود را توسعه دهد

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۶۴ ۱۹۶۸-۰۵-۰۹



۹ می ۱۹۶۸

ترجمه پیام ساحت رفیع بیت العدل اعظم الهی شیدالله ارکانه

با تحیات مشتاقانه

بیت العدل اعظم

سند ۷۵ :

- صیانت و ترویج به عبارتی یعنی صیانت از ثمر دادن نقشه ها و ترویج آن

در راستای فرامان بیت العدل به توسعه نهاد بین المللی اطلاعاتی مجموعه ای تحت عنوان هیئتهای مشاورین قاره ای شکل گرفت تا دخالت های امنیتی داخل تمام کشورها بشکل گسترده ای برای صیانت و محافظت از اقدامات لازم برای تحقق نقشه های بیت العدل در هر کشور صورت پذیرد

البته تجربه ناگوار بیت العدل از تمرد افراد اطلاعاتی خود مانند میسن ریمی باعث شد با این روش ارتباط مستقیم ایادیان امر را با هیئتهای معاونت که از زمان شوقی تاسیس شده بود و ابزار اصلی و کاری برای ایادیان امر محسوب می شد کنترل شده عمل کنند تا مجددا از این نهاد امنیتی میسن ریمی های دیگری متولد نشود

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۶۶ ۱۹۶۸-۰۶-۲۱



۲۱ جون ۱۹۶۸

سند ۷۶ :

❖ پیام این سند :

اولا محور و مجری نقشه های بر اندازی (نقشه نه ساله ۱۹۶۴ – ۱۹۷۳ –) نهاد امنیتی ایادیان امر می باشد و فهم این مهم نشانگر این موضوع است که یکی از ابزارهای مهم بر اندازی امنیتی بودن نهاد متولی آن است

ثانیا مدیریت نظام اداری داخلی تشکیلات بهایی بر عهده محافل می باشد اما در عرصه صیانت و ترویج نقشه های براندازانه به دلیل مختصات امنیتی آن باید محافل تحت امر این نهاد امنیتی فرامنطقه ای باشد و این یعنی نقض حاکمیت ملی و سلب تمامیت ارضی هر کشور

ثالثا چنانچه ملاحظه می شود محافل دقیقا نقش ستون پنجم برای رسیدن به اهداف نقشه های بر اندازانه طراحی شده در بیرون مرزهای یک کشور را بازی می کنند
رابعا اهمیت و جایگاه امنیتی مشاورین قاره ای در این پیام و تفوق عملی آن بر محافل به وضوح آشکار است

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۶۷ ۱۹۶۸-۰۶-۲۴



۲۴ جون ۱۹۶۸

❖ نکات این پیام :

اولا کلیه محافل و سازمانهای بهائی در سطح ملی و منطقه ای باید اطلاعات کلیه اقدامات خود را در اختیار نهادهای امنیتی فرامنطقه ای موسوم به هیئت های مشاورین و معاونین قرار دهند اصل این اقدام بدون هماهنگی نهاد های امنیتی رسمی کشور عملی مجرمانه محسوب می شود

ثانیا اصل تاسیس و اقدامات لجنه مهاجرت چه از ایرانیان داخل این نهادها استفاده گردد چه بر عکس مسئولیت دیپلماتیک در عرصه بین المللی برای ایران خواهد داشت زیرا تمام اقدامات مهاجرتی زیر نظر نهاد های امنیتی فرامنطقه ای است و در راستای وصول به اهداف نقشه نه سال بیت العدل می باشد این یعنی دخالت اتباع ایران در طرح های بر اندازی داخل سایر کشورها که وصف مجرمانه دارد

ثالثا چنانچه ملاحظه می شود چارت سازمانهای امنیتی فرامنطقه ای داخل کشور را مشاهده می کنید – دار التبلیغ – هیئت مشاورین قاره ای – هیئت های معاونت

رابعا : اصل ضرورت حضور نیروهای امنیتی فرامنطقه ای در انتخابات ملی بهایی استقلال این اقدامات را زیر سوال می برد و گواه فرمایشی بودن انتخابات بهایی است

خامسا تذکر به مسئولیت این نهاد امنیتی بر صیانت و ترویج نشانگر اقدامات ضد امنیتی این نهاد است زیرا صیانت و ترویج امر الله اساسش به صیانت از نقشه ها در راستای اجرا و ترویج نقشه یعنی توسعه محدوده حکومت و شهر موازی

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۹۲ ۱۹۶۹-۰۳-۲۵



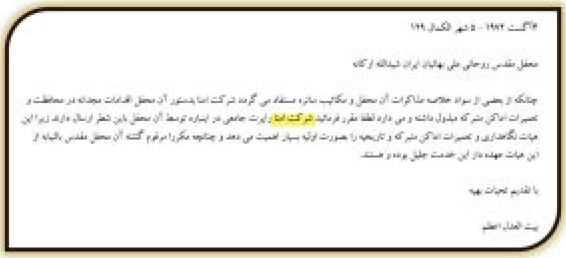
سند ۷۸ :

◈ اشغال سرزمین در ملاء عام توسط بیت العدل مانند اشغال فلسطین توسط اسرائیل غاصب – اموال هئیت امنا که مصادره شد در واقع املاک مستقیم بیت العدل در ایران بود

این پیام اقرار بیت العدل مبتنی بر این است که شرکت امناء مجموعه پوششی بود که توسط محفل ملی این تاسیس شده بود برای اقدام سازمان در حوزه املاک لذا با کمال وقاحت بیت العدل خود را مالک اموال شرکت امنا می داند و مانند یک کارفرما از خارج مرزها به مزدور ستون پنجمی خود دستور ارسال گزارش می دهد

به عبارتی دیگر املاک شرکت سهامی امناء املاک بیت العدل بود و این سند قطعی بر اسرائیلیزه کردن ایران محسوب می شود

پیام بیت العدل تاریخ ۳۰۵ ۱۹۷۲-۰۸-۰۴



۴ اگست ۱۹۷۲ - ۵ شهر الکمال ۱۲۹

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه

چنانکه از بعضی از سواد خلاصه مذاکرات آن محفل و مکاتیب صادره مستفاد می گردد شرکت امنا بدستور آن محفل اقدامات مجدانه در محافظت و تعمیرات اماکن متبرکه مبذول داشته و می دارد لطفا مقرر فرمائید شرکت امنا راپرت جامعی در اینباره توسط آن محفل باین شطر ارسال دارند زیرا این هیات نگاهداری و تعمیرات اماکن متبرکه و تاریخیه را بصورت اولیه بسیار اهمیت می دهد و چنانچه مکررا مرقوم گشته آن محفل مقدس بالنیابه از این هیات عهده دار این خدمت جلیل بوده و هستند.

با تقدیم تحیات بهیه

بیت العدل اعظم

سند ۷۹



سند ۸۰ :

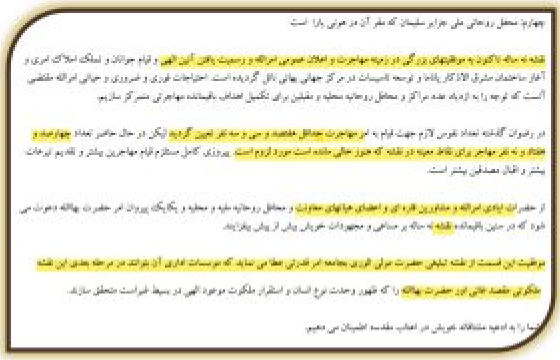
- نکات پیام :

– کل سازمان امنیتی بیت العدل شامل ایادیان امر الله مشاورین قاره ای و اعضای هیاتهای معاونت وو متولیان اجرای نقشه های بر اندازانه بیت العدل در کلیه کشورها می باشند

– تاکید بیت العدل بر اینکه هدف از این نقشه (نه ساله) استقرار ملکوت موعود الهی در بسیط غبراست یعنی رسیدن به عصر ذهبی و برپایی حکومت بهایی

– رابطه ناگسستنی بین اولین نقشه عبد البهاء و نقشه نه ساله و سایر نقشه ها تا اتصال نقشه در راستای وصول به حکومت جهانی بهایی

پیام بیت العدل تاریخ : ۲۲۹ ۱۹۷۰-۰۴-۲۲



چهارم: محفل روحانی ملی جزایر سلیمان که مقر آن در هونی یارا است

نقشه نه ساله تاکنون به موفقیتهای بزرگی در زمینه مهاجرت و اعلان عمومی امرالله و رسمیت یافتن آئین الهی و قیام جوانان و تملک املاک امری و آغاز ساختمان مشرق الاذکار پاناما و توسعه تاسیسات در مرکز جهانی بهائی نائل گردیده است. احتیاجات فوری و ضروری و حیاتی امرالله مقتضی آنست که توجه را به ازدیاد عده مراکز و محافل روحانیه محلیه و مقبلین برای تکمیل اهداف باقیمانده مهاجرتی متمرکز سازیم.

در رضوان گذشته تعداد نفوس لازم جهت قیام به امر مهاجرت حداقل هفتصد و سی و سه نفر تعیین گردید لیکن در حال حاضر تعداد چهارصد و هفتاد و نه نفر مهاجر برای نقاط معینه در نقشه که هنوز خالی مانده است مورد لزوم است. پیروزی کامل مستلزم قیام مهاجرین بیشتر و تقدیم تبرعات بیشتر و اقبال مصدقین بیشتر است.

از حضرات ایادی امرالله و مشاورین قاره ای و اعضای هیاتهای معاونت و محافل روحانیه ملیه و محلیه و یکایک پیروان امر حضرت بهاءالله دعوت می شود که در سنین باقیمانده نقشه نه ساله بر مساعی و مجهودات خویش بیش از پیش بیفزایند.

موفقیت این قسمت از نقشه تبلیغی حضرت ولی امرالله به جامعه امر قدرتی عطا می نماید که موسسات اداری آن بتوانند در مرحله بعدی این نقشه ملکوتی مقصد عالی امر حضرت بهاءالله را که ظهور وحدت نوع انسان و استقرار ملکوت موعود الهی در بسیط غبراست متحقق سازند.

شما را به ادعیه مشتاقانه خویش در اعتاب مقدسه اطمینان می دهیم.

سند ۸۱ :

⛋

نکات :

– محافل فعال در سطح ملی و محلی بهایی ستون پنجم نیروهای اطلاعاتی فرا منطقه ای (ایادیان امر – دار التبلیغ فعلی) و نقش ستون پنجم برای حکومت مستقر بیت العدل در اسرائیل برای اجرای مشروعات (نقشه براندازانه نه ساله)

– تحقیر محافل نسبت به عدم آشنایی با وظایف این نهاد اطلاعاتی

متولی نقشه بر اندازانه نه ساله (۱۹۶۴ الی ۱۹۷۳) نهاد امنیتی فرا منطقه ای ایادیان امر مشاورین قاره ای می باشند

پیام بیت العدل تاریخ : ۲۳۳ ۱۹۷۰-۰۵-۲۰



مکتوب مشروح آن یاران بتاریخ ۱۹ شهر الجمال شماره ۱۰۳۶ و ضمائم واصل و مطالب مندرجه ملاحظه گردید.

بحمدالله روابط ودیه معنویه میان حضرات ایادی امرالله و مشاورین با آن محفل جلیل در نهایت متانت است آن نفوس نفیسه در حق محفل رعایت و محبت تمام دارند و اما امر رحمن نیز بکمال احترام و خلوص نیت به همکاری و مساعدت و معاونت با آن نفوس برگزیده مشغول و مألوف زیرا مقصد کل خدمت به آستان مبارک و اعلاء امرالله و اعلاء علم اسم اعظم است چون اساس این روابط مستحکم شود و بنیان مشورت فیما بین قوام پذیرد و برکات جدیده شامل حال آن جامعه جلیله شود و جای اشکالی نماند زیرا مشکلاتی اگر موقتا موجود باشد سببش از این است که اولا محفل ملی و محافل محلیه و یاران عزیز هنوز کما ینبغی از مقام مشاورین و وظائف خطیره آن هیئت جلیله مطلع نیستند و ثانیا بر نفس آن مشروع جدیدالتاسیس نیز زمان کافی که صورت تجارب وافی باشد نگذشته لهذا بنظر رسید که رئوس مطالبی که در تفهیم مقام و وظائف این موسسه و ارتباطش با آن محفل و محافل روحانیه محلیه لازم است مرقوم و نکات مهمه مطرح شود و در دسترس یاران علی الخصوص اعضا محافل روحانیه محلیه قرار گیرد.

سند ۸۲ :

⛋

نکات :

– بسیار مهم☜ ☜ محافل ملی و محلی (عصبه انتخابی) مانند ایادیان و مشاورین قاره ای (نهاد امنیتی فرامنطقه ای – عصبه انتصابی) وظیفه اقدامات ضد امنیتی اطلاعات و عملیات (صیانت و ترویج)در جهت بر اندازی (در راستای اجرای مشروعات و نقشه های بیت العدل) را بر عهده دارند

– معرفی هیات مشاورین قاره ای علی رغم مادون رتبه ایادیان (دار التبلیغ فعلی) هستند اما وظایف این نهاد را بر دوش دارند و تحت مدیریت آن اقدامات ضد امنیتی انجام می دهند

پیام بیت العدل تاریخ : ۲۳۳ ۱۹۷۰-۰۵-۲۰

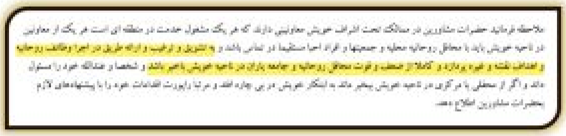
۸۲



سند ۸۳ :

هیات معاونیت تحت امر مشاورین موظف به فعالیت در راستای اقدامات ضد امنیتی خود می باشند و این نهاد فرامنطقه ای موظف به ارتباط با نهاد های ستون پنجم بیت العدل داخل کشور در راستای توجیه و عمل به مشروعات (نقشه نه ساله) می باشند به عبارتی دیگر هیئت معاونت نیروهای درگیر در صحنه میدانی برای ایجاد و توسعه و تحکیم مواضع متصرفه حکومت نامشروع موازی بهائیان و بیت العدل در هر کشور می باشد

پیام بیت العدل تاریخ : ۲۳۳ ۱۹۷۰-۰۵-۲۰

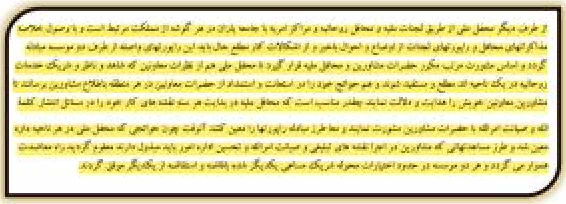


سند ۸۴ :

⊗

اقدامات اطلاعاتی و ارسال راپورتها از طریق نهاد ستون پنجم بیت العدل (محافل ملی و محلی) به نهاد اطلاعاتی ضد امنیتی مشاورین قاره ای و ارسال این اطلاعات به مقر دائمی این نهاد در حیفا – اسرائیل

پیام بیت العدل تاریخ : ۲۳۳ ۱۹۷۰-۰۵-۲۰



سند ۸۶ :

⊗

نکات :

– اعتراف صریح بیت العدل به اجرای نقشه بر اندازانه نه ساله (۱۹۶۴ – ۱۹۷۳) خود در راستای رسیدن به اهداف نقشه یعنی بر قراری حکومت بهایی در ایران

– اعتراف بیت العدل به نقش محوری موسسات اداری بهایی در نیل به این هدف اعم از ستون پنجم (محافل ملی و محلی) و نیروهای فرامنطقه ای ضد امنیتی (ایادیان – دار التبلیغ – مشاورین – معاونین و مساعدین)

– فرمان ضد مصالح ملی بیت العدل به بهائیان اتباع ایران به شرکت در پروژه های براندازانه نقشه فوق تحت پوشش مهاجرت به سایر کشورها و تیره شدن فضای روابط ایران با سایر دول

پیام بیت العدل تاریخ : ۲۷۷ ۱۹۷۱-۰۶-۲۹



۲۹ جون ۱۹۷۱ – ۶ شهر الرحمة ۱۲۸

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه

با تقدیم تحیات بهیه

بیت العدل اعظم

سند ۸۷ :

⊗
نکات :

– اعتراف صریح به نقش فرامنطقه ای نیروهای امنیتی بیت العدل در اعمال مجرمانه سلب تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کلیه کشورها و دخالت مستقیم این نیروهای متجاوز از حیفا – اسرائیل در اقصی نقاط عالم و ورود به کشورها و دخالت مستقیم در بر اندازی

– مندمج بودن نقش نیروهای فرامنطقه ای امنیتی بیت العدل و محوری در اجرای نقشه های بیت العدل در کلیه کشورها

– با توجه به نقش محوری این نیروهای امنیتی در تحقق اهداف مجرمانه و ضد امنیتی ; بیت العدل در راستای دخالت در امور براندازی کلیه کشورها فرمان توسعه این نهاد امنیتی را صادر می نماید

– حوزه اقدامام نیروهای امنیتی بیت العدل اختصاص به محل اقامتشان ندارد بلکه تمام نقاط عالم حیطه اقدامات ضد امنیتی آنها محسوب می شود

پیام بیت العدل تاریخ : ۳۲۱ ۱۹۷۳-۰۴-۲۱



سند ۸۸ :

⊗
نکات :

– اعلان رسمی تاسیس نهاد امنیتی فرامنطقه بیت العدل موسوم به دار التبلیغ در حیفا – اسرائیل ۱۹۷۳ در راستای انجام وظایف ایادیان امر و به عبارتی کودتای رسمی در برابر این نهاد بالا دستی بیت العدل

– هیاتهای مشاورین قاره ای تحت مدیریت نهاد و از زیر مجموعه سازمانی این مرکز امنیتی فرامنطقه ای در اسرائیل فرمان می برند

– دار التبلیغ بنا به اعتراف صریح بیت العدل کسب وظیفه محوریش اطلاع و کسب خبر از کلیه کشوها و اقدام بر اساس این اطلاعات در طراحی نقشه های بر اندازانه مخصوصا نقشه پنجساله (۱۹۷۴ – ۱۹۷۹)

۱۹۷۳_۰۶_۰۸ ۳۲۶


۸ جون ۱۹۷۳

پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به عموم بهائیان عالم

دوستان عزیز بهائی

سند ۸۹ :

نقد تخصصی تشکیلات بهایی و بیان مختصر در موضوع مهدویت, [۷/۱۶/۲۰۲۳ ۳:۵۷ PM]

پیام بیت العدل تاریخ : ۳۳۶ ۱۹۷۴_۰۳_۲۱

موسسه فخیمه ایادی امرالله علی الخصوص حال که با تاسیس دارالتبلیغ بین المللی قوت بیشتری یافته مشوق و هادی و معین یاران الهی در جمیع مراتب
فردی و محلی و ملی خواهند بود. تاسیس این مرکز عظیم سبب تحقق هدفی شد که تقریبا دهسال قبل بعالم اعلان گردید و تدابیری اتخاذ شد که اجرا
دو وظیفه منصوصه صیانت و تبلیغ امرالله که از وظائف خاصه حضرات ایادی امرالله است به آینده انتقال یابد و بدین ترتیب روح محبت و هدایت و
معاضدت حضرات ایادی امرالله از طریق دارالتبلیغ بین المللی که عهده دار نظارت و ارتباط خدمات حضرات مشاورین در سراسر عالمند بوسیله

مشاورین و معاونین و مساعدین در هیکل جامعه بهائی نافذ گردد، و این عصبه جلیله که حارسین جامعه جنینی جهانی حضرت بهاالله هستند جامعه
دائم الاتساع بهائی را اطمینان بخشیده اند که همواره طالب سعادت حقیقیه یاران و در فکر اکمال فضائل معنویه و مشوق روحانی ایشانند که یکی از
وظائف آن عصبه جلیله محسوب است."

نکات :

– دار التبلیغ بین المللی مسئولیت ذاتی اش دخالت در امور داخلی کشوها از طریق نهادهای ستون پنجم خود موسوم به محافل ملی و محلی برای وصول به اهداف نقشه های بر اندازانه بیت العدل

– رسالت ذاتی این مرکز اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی و حوزه اقدامش در کلیه کشوهاست در راستای منافع سازمان مرکزی بهائیان موسوم به بیت العدل

– وظیفه اقدامات ضد امنیتی از طریق فعالیتهای اطلاعاتی از ایادیان امر به نهاد دار التبلیغ منتقل گردید

– برای کودتا علیه نهاد ایادیان امر به بهانه رابط بین مشاورین قاره ای و معاونین و مساعدین و کنار راندن این نهاد اقدامات فوق صورت می پذیرد

– اعتراف صریح به جنینی و نوزاد بودن عصبه انتخابی و نظام بظاهر انتخابی بودن تشکیلات بهایی ولی همه کاره بودن و متولی جنین بودن تا تحقق رشد آن تمام این اقدامات بر عهده نهاد امنیتی فرا منطقه ای دار التبلیغ مستقر در حیفا – اسرائیل است

❖

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند ۹۰

پیام بیت العدل تاریخ : ۳۴۸ ۱۹۷۵-۰۱-۳۱

بیت العدل اعظم از همه محافل روحانیه ملیه مسئول اعزام مهاجرین دعوت کرده است در باره نوع مهاجرین متناسب با احتیاجات کشورها و نقاطی که استقرار مهاجرین در آنجاها ترجیح دارد با محافل ملیه درخواست کننده تبادل نظر کنند

نکات :

– محافل ملی و محلی مرکز اقدامات اطلاعاتی و ضد امنیتی برای بیت العدل :

خیانت به کشور توسط نهادهای ستون پنجم در داخل هر مملکت موسوم به محافل ملی و محلی با در اختیار گذاشتن کلیه اطلاعات کشور و شناسائی نقاط آسیب پذیر و انتقال آن به مقر دائمی دار التبلیغ تا بر مبنای آن نیروها و سربازان تعلیم دیده این نهاد از خارج مرزها برای براندازی و اجرای نقشه های بیت العدل با مهاجرت و سرازیر شدن داخل کشورها اقدامات لازم را انجام دهند

– اقرار به وجود شبکه گسترده افراد تعلیم دیده در سطح جهانی تحت عنوان مهاجر نشانگر غیر بومی بودن اساس بهائیت و صادراتی بودن آن است و اعتراف به دخالت مستقیم در امور داخلی کشورها می باشد

❖

۹۰

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۹۱

پیام بیت العدل تاریخ : ۳۹۶ ۱۹۷۷-۰۶- ۰۵

همچنین باید از هر امری که عمومیت آئین نازنین بهائی را مستور دارد احتراز فرمایند زیرا امر مبارک شجره لاشرقیّه و لاغربیّه است و اختصاص به اقلیمی و قوم و طایفه ای ندارد و باید اصالت و جامعیت آن بر کل واضح و هویدا باشد. لهذا یاران ایران علاوه بر مساعی جمیله شخصیه خویش در بلاد خارجه باید مشوّق یاران غربی و محلی در خدمات تبلیغی و اداری باشند و آنانرا ترغیب نمایند و به پیش اندازند و خود حتی المقدور در پس پرده به تمهید وسائل و تسهیل امور پردازند یعنی چون نسیم صبا باشند که ناپیدا و پنهان است ولیکن باعث جنبش باغ و بوستان.”

نکات :
– پیام فوق خطاب به بهائیان ایران است به وضوح بیت العدل جامعه بهائیان ایران را تشویق به مخفی کاری و توصیه می کند مراقب باشند اقدامات سازمانی آنها مورد شناسائی قرار نگیرد

– این پیام نشانگر غیر قابل انکار بر ستون پنجم بودن محفل ایران و تشکیلات بهایی در سال ۱۳۵۶ زمان شاه می باشد

– بیت العدل باید توضیح دهد که چه اقدامات اداری و سازمانی در شرف انجام بوده که تشکیلات ایران باید مراقب می بود لو نرود با اسناد موجود مبتنی بر اقدام سازمانی در اجرای طرح روحی با آغاز نقشه پنجساله (۱۹۷۴ الی ۱۹۷۹) در ایران واضح و مبرهن است که این توصیه در راستای لو نرفتن اجرای طرح روحی در ایران می باشد

– چرا بیت العدل نگران از لو رفتن اصل نقشه پنجساله و اجرای طرح روحی بود ؟ اگر هدف از این طرح تواندهی در عرصه های مختلف و کارهای خدمتی به عالم انسانی بود نگرانی از هویدا شدن حکمتش چیست ؟ پاسخ یک کلام " اساس این طرح استوار بر توسعه منابع انسانی حکومت موازی بیت العدل در راستای بر اندازی بود و جنبه امنیتی داشت

– این پیام نیز سند دیگری است بر خیانتهای جامعه بهائیان ایران به شاه علی رغم اعتماد گسترده وی به این سازمان ضد ایرانی

❖

۹۱

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۹۲

پیام بیت العدل تاریخ : ۴۰۱ ۱۹۷۸-۱۲-۲۶

"مهم : حکومت طلبی – جاسوسی – انقلاب ۵۷ :: منا و ید الله محمود نژاد ::

نقشه های تفصیلی جوامع ملی برای مرحله دو ساله اول از نقشه جدید با مشاوره دارالتبلیغ بین المللی در دست تهیه است که قریباً به محافل روحانیه ملیه
اعلام خواهد گردید و این مرحله بدوی یاران را بترویج امرالله بنحوی وسیع تر و تحکیم مستمسر و توسعه بیشتر محافل ملیه دعوت می نماید. بنابراین
به محافل ملیه تأکید می گردد اطمینان حاصل کنند که مجهودات تبلیغی در خلال سالهای اول نقشه مستمرا وبا شدت تعقیب گردیده مهاجرین بادامه
استقرار در نقاط مهاجرتی تشویق شده و از پیشرفت حیات روحانی جامعه بلا انقطاع پشتیبانی شده و قوه محرکه ای که حال جامعه بهائی را بحرکت
درآورده حفظ شود."

نکته :

اعلام رسمی بر اقدام بر اجرای نقشه هفت ساله ۱۹۷۹ – ۱۹۸۶ البته اهمیت این پیام آنجا آشکار می شود که متن نقشه در بوته ای از ابهام در اختیار عموم هنوز قرار نگرفته و حد اقل بسیاری از اعدامهای بهائیان بخاطر اجرای این نقشه مصادف با انقلاب ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲ صورت پذیرفت چرا بیت العدل هنوز از اصل این نقشه رو نمایی

نکرده است ؟ آیا بیت العدل از روشن شدن دلائل برخورد سخت با اعدام شدگان که حد اقل ۲۲ نفر از آنها در سال ۶۲ یا مشاور قاره ای بودند یا جزء هیئت معاونین و یا در زمره مساعدین بودند نمی باشد ؟ فقط فراموش نشود چارت سازمانی عصبه انتصابی که دار التبلیغ و مشاورین معاونین و مساعدین و تطبیق آن با مناصب اعدام شدگان پرده از دلائل اعدام آنها بر می دارد

بزودی اطلاعات مفصل در این مورد را در اختیار عزیزان قرار خواهم داد

❖

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۹۳

پیام بیت العدل تاریخ : ۴۰۱ ۱۹۷۸-۱۲-۲۶

نظر باهمیت انجمن شور روحانی ملی آینده از محافل روحانیه ملیه تقاضا میشود حتی الامکان دوره انجمن را برای یکی دو روز مزیدا لما سبق تمدید
نمایند بعلاوه ازا عضا محترم هیئت مشاورین قاره ای دعوت می شود که علاوه بر مشارکت خویش اعضا هیئت های معاونت را نیز بحضور در این
انجمن عظیم شور روحانی تشویق نمایند.

نکته :
نقش نهاد امنیتی بیت العدل یعنی مشاورین قاره ای و معاونینش مخصوصا در سال ۱۳۵۷ در طراحی نقشه بر اساس اقدامات اطلاعاتی از منطقه در این قسمت پیام هویداست و به صراحت نقش افرادی مانند مسیح فرهنگی مشاور قاره ای و ید الله محمود نژاد در این زمان گویای نقش ضد امنیتی و مختصات ضد حاکمیتی این را روشن می سازد آنقدر این وظیفه مهم است که مستقیم بیت العدل به محافل دستور می دهد انتخابات محفل ملی و محلی را به تاخیر بیاندازند تا این مهم صورت پذیرد

– نکته دیگر که حکایت از همه کار بودن نهاد امنیتی فوق را روشن می کند این است که وجود نهاد امنیتی در برقراری انتخابات محافل ضروری است یعنی فی الوقع حکایت از جنینی بودن محافل و انتخابات فرمایشی را نشان می دهد

❖

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۹۴

پیام بیت العدل تاریخ : ۴۳۱ ۱۹۸۴-۰۹-۲۳

با قلوبی اندوهبار شهادت جناب شاپور مرکزی خادم برازنده امرالله در ایران و عضو محفل روحانی ملّی سابق و عضو هیئت معاونت را اعلام میداریم. آن شهید مجید در طیّ ماههای اخیر مورد زجر و شکنجه شدید قرار گرفته بود. هدف از شکنجه دادن وادار کردن ایشان به اعتراف به تهمتهای بی اساس یعنی دادن نسبت جاسوسی به مؤسّسات بهائی و خود ایشان بوده است.

نکته :

بیت العدل در این پیام اعتراف می کند عنوان سازمانی شاپور مرکزی عضویت در نهاد اطلاعات و امنیت تشکیلات بیت العدل (معاون مشاور قاره ای) در ایران بود و سپس خود ادعای مراجع قانونی را مبتنی بر این اتهام را تهمت بی اساس قلمداد می کند

#اعدامی_های_بهایی

❖

۹۴

☑☑☑☑☑☑☑

سند : ۹۵

پیام بیت العدل تاریخ : ۴۶۵ ۱۹۸۷-۰۹-۰۱

چنانکه فقط در ظلّ نقشه هفت ساله ۳۶۹۴ مهاجر فداکار در نقاط لازمه مستقر گریده و در اوّلین سال نقشه شش ساله کنونی ۵۷۹ مهاجر دیگر رهسپار ممالک و دیار شده و در نقاط لازم در ۱۳۷ کشور استقرار جسته اند.

نکته :
اعتراف بیت العدل : تجاوز علنی به ۱۳۷ کشور

طراح نقشه ها و مجریان نقشه نهاد اطلاعات و امنیتی دار التبلیغ می باشد و هدف نقشه سرنگونی حکومتهاست و مهاجرین تحت امر این نهاد امنیتی اقدام می نمایند در این پیام شاهد اعتراف بیت العدل به ایجاد شبکه اطلاعاتی و عملیاتی تحت ظل دار التبلیغ تجاوز به ۱۳۷ کشور را در سال ۱۹۷۸ شاهد هستیم و تحت عنوان مهاجر برای تحقق اهداف نقشه اقدام نمده است

❖

۹۵

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۹۶

پیام بیت العدل تاریخ : ۴۸۸ ۱۹۹۰-۰۴-۲۱

حال که عالم بهائی به سرعت به انتهای نقشه شش ساله نزدیک میشود موقع آن فرا رسیده است که محافل روحانیه ملیّه از طریق ایجاد ارتباط مابین اشخاص که مایل به اخذ وکیل هستند و نفوسی که واجد شرائط لازم و حاضر به قبول چنین خدماتی می باشند موجبات انتخاب و تعیین مهاجرین و مبلغّین سّیار واجد شرائط را بنحوی مجدّانه فراهم سازند.

نکته :

ـ اعتراف به اجرای نقشه شش ساله (۱۹۸۶ الی ۱۹۹۲) که دال بر اقدامات بر اندازانه در سطح جهانی است

ـ اعتراف به وجود طبقه علما در بهائیت و سیستم و نظام توکیل در تبلیغ یعنی با توجه به ضروری بودن امر تبلیغ برای هر بهایی بیت العدل رسما بر مبنای آثار بهایی نظام وکالت در تبلیغ را اجرائی می کند در این سیستم کسانی که توانایی تبلیغ ندارند چنانچه تمکن مالی دارند باید هزینه تبلیغ کسانی که امکان تبلیغ مخصوصا برای مهاجرین وجود ندارد خرج آنها پرداخته شود این سیستم یعنی اعتراف به وجود نظام آخوندی با سیستم مالی جهت گرفتن پول برای تبلیغ در تشکیلات بهائیان

❖

۹۶

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۹۷

پیام بیت العدل تاریخ : ۴۹۴ ۱۹۹۰-۱۲-۲۹

جزیره ساخالین که آخرین نقطه باقیمانده از نقشه دهساله حضرت ولّی امرالله بود و بواسطه اوضاع سیاسی و منع تردّد خارجیان افتتاح نگشته اخیراً با مهاجرت دو تن از یاران عزیز ایرانی که نامشان در لوحه افتخار فاتحان روحانی مرقوم میشود فتح گرید. هم اکنون محفل روحانی در عاصمه آن جزیره تشکیل و رسماً تسجیل گشته است

نکته :

جزیره ای که مورد مناقشه روسیه و ژاپن بود با فعالیتهای نهاد امنیتی تشکیلات بهایی (ایادیان امر) در زمان شوقی فتح نگردید دقت در نقشه ده ساله شوقی شود زیرا این واژه یعنی دخالت شوقی از اسرائیل در کشور ثالث لذا بیت العدل اعلام می کند در نقشه ۹ ساله نیروهای امنیتی فرا منطقه ای بیت العدل (دار التبلیغ و زیر مجموعه اش) موفق شدند نطفه تشکیلات بهایی را در رحم این منطقه قرار دهند تا رشد کنند و این خود اعتراف صریح به اقدام به ایجاد هسته مرکزی حکومت موازی در این منطقه می باشد

◈

۹۷

☑☑☑☑☑☑☑

◈ سند : ۹۸

پیام بیت العدل تاریخ : ۵۳۷ ۱۹۹۴-۰۵-۱۹

یکی از جنبه های تفاوت نحوهٔ اقدام مشاورین از تعلیماتی ناشی میشود که در الواح وصایای حضرت عبدالبها به ایادی امرالله عنایت شده است. مسئولیت ادامهٔ وظایف ایادی امرالله در موارد صیانت امرالله و نشر نفحاتالله در آینده به مشاورین محوّل گردیده است. مشاورین به عنوان نفوسی که منصوب بیتالعدل اعظمند به منظور بسط اساس و تشیید بنیان و تضمین مصونیّت محافل روحانی ملّی و مؤسّسات و جوامع تحت اشراف آنان ریاست فائقهٔ امرالله را مساعدت مینمایند و به واسطهٔ هیئتهای معاونت نتایج و ثمرات اقدامات خود را نصیب محافل روحانی محلّی و عموم اعضای جامعه میسازند. اقدامات مزبور مبتنی بر وظایفی است که در الواح وصایای حضرت عبدالبها با این بیان تعیین شده است که میفرمایند: «وظیفهٔ ایادی امرالله نشر نفحاتالله و تربیت نفوس در تعلیم علوم و تحسین اخلاق عموم و تقدیس و تنزیه در جمیع شئون است.» بنابراین ملاحظه میشود که مشاورین با اقداماتی که در زمینهٔ نشر نفحاتالله و صیانت امرالله مبذول میدارند در به هم پیوستن تار و پود جامعهٔ بهائی و حفظ و صیانت آن سهمی عمده بر عهده دارند. نرمش و سرعتی که مشاورین و اعضای هیئت معاونت میتوانند برای تأمین نیازمندیهایی که در جامعه پیش میآید از قبیل تشویق و ترغیب، توضیح و تشریح نقشه های تبلیغی، تفهیم معارف امری، و صیانت عهد

و میثاق الهی معمول دارند از جمله خصوصیات نحوهٔ عملی محسوب میشود که آنان را از محافل روحانی متمایز میسازد. "

نکات :

مشروعیت اقدامات نهاد های امنیتی تشکیلات بیت العدل با این پیام مقدس می شود و استناد آن را بیت العدل به اوامر عبد البهاء مستند می سازد (الواح وصایای عبد البهاء)

– وظایف اساسی این نهاد امنیتی اقدامات اطلاعاتی در جهت صیانت از محافل ملی و محلی است و در این میان هیئت های معاونت جایگاه ویژه ای دارد

– نقش محوری نهاد امنیتی تشکیلات بهایی (مشاورین قاره ای) در راستای اجرای نقشه های براندازانه ضد امنیتی در تمام کشور ها

❖

۹۸

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۹۹

پیام بیت العدل تاریخ :۵۵۴ ۱۹۹۵-۱۲-۲۶ ۱۳

به طور کلی احساس میکنیم که نحوه ی کار اعضا هیئت معاونت برای صیانت باید روشن شود و تأثیر و نفوذشان افزایش یابد. تزیید معلومات یاران و کیفیّت اقدامات صحیح محفل روحانی محلّی برای رشد سالم جامعه امری است اساسی و باید مورد توجه خاصّ اعضای هیئت معاونت برای صیانت قرار گیرد. در صددیم که با افزایش تعداد اعضا هیئت صیانت تعداد آنان را با تعداد اعضام هیئت معاونت برای نشر نفحات برابر سازیم. امیدواریم اعضای هیئت صیانت به نوبه ی خود مساعدین بیشتری انتخاب نمایند و بدین وسیله به مسائل مربوط به رشد و توسعه ی جامعه توجه دقیقتری مبذول دارند.

نکات

– اهمیت اقدامات امنیتی هیئت معاونت در حوزه صیانت که اختصاصا اقداماتش ضد امنیتی است بنابر توصیه بیت العدل مورد توجه خاص قرار می گیرد

– نظارت این نهاد امنیتی بر عملکرد محافل روحانی حائز اهمیت است و نشان از جو امنیتی تشکیلات امینیتی را دارد و حتی اقدامات شخصی و فردی را هم رصد می کنند تا اعضای سازمان طی فرایند مغز شوئی از گریختن از هرم امنیتی تشکیلات امنیتی بهائیت می باشد نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است

❖

۹۹

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۱۰۰

پیام بیت العدل تاریخ : ۵۹۲ ۱۹۹۸-۰۷-۰۲

اکنون بیست و پنج سال از تأسیس دارالتبلیغ بین المللی که در پیام ۵ جون ۱۹۷۳ اعلام گردید میگذرد. این سالها شاهد توسعه ی تدریجی وظائف این مؤسسه ی اصلی و مهّم امرالهی و اتسّاع ارتباط متقابل و نزدیک مؤسسه ی مزبور با بیت العدل اعظم از یک طرف و با هیئتهای مشاورین قاره ای از طرف دیگر بوده است. در دوره ی پنجساله ای که اخیراً به پایان رسید آن مؤسّسه مسؤلیّتهای بیشتری در زمینه ی صیانت امرالله بر عهده گرفت، اقدام به تشویق به امر مهاجرت و سفرهای تبلیغی و همچنین تولید و توزیع نشریات و وسائل سمعی و بصری امری نمود، و پس از آغاز نقشه چهار ساله اقداماتی اساسی در تأسیس و حسن جریان فعّالیّت مؤسسات آموزش معارف امری مبذول داشت.

– نکات :

تاریخ تاسیس دار التبلیغ ۱۳۷۳

– جایگاه سازمانی دار التبلیغ از طرفی تحت امر بیت العدل و از سوئی زیر مجموعه تحت امرش هیئت های مشاورین قاره ای می باشد

– عامل دخالت این نهاد امنیتی از طریق موسسات آموزشی در راستای تغییر بافت جمعیتی جهت اشغال سرزمین در امتداد تحقق نقشه های بر اندازانه بیت العدل

– تاکید صریح بر مسئولیت صیانت و اقدامات اطلاعاتی دار التبلیغ چون لازمه صیانت و حراست وجود شبکه اطلاعاتی قوی است و اعتراف به وجود چنین نهادی لازمه اش اقرار به وجود شبکه اطلاعاتی از درون و بیرون تشکیلات بهایی است

– اشاره صریح به وجود نقشه چهار ساله (۱۹۹۶ الی ۲۰۰۰) و نقش محوری دار التبلیغ در راستای این نقشه بر اندازانه در سطح بین المللی

❖

۱۰۰

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۱۰۱

پیام بیت العدل تاریخ : ۶۰۲ ۱۹۹۹-۰۶-۱۸

بعضی از احبّای ایرانی اقوام و دوستان نزدیک دارند که مسلمان هستند و در نزدیکی آنان زندگی میکنند. البتّه انتظار نمیرود که احبّای ایرانی روابط خانوادگی و دوستانه ی خود را با آنان قطع نمایند زیرا چنین رفتاری مغایر با تعالیم بهائی است. ولکن احبّا باید در معاشرت با چنین نفوسی شرایط حکمت و اعتدال را رعایت نمایند و تا آنجا که ممکن است از دادن اطّلاعات درباره ی اقدامات احبّا در ایران به آنان خودداری و پرهیز جویند و دقّت کنند که به فعّالیتهای سیاسی دوستان و اقوام غیربهائی خود نپیوندند و در تبلیغ آنان بسیار احتیاط نمایند.

نکات :

– اقرار به تحرکات تشکیلاتی در ایران در سال ۱۹۹۹ علی رغم تعهد در سال ۱۳۶۲ به دادستانی ایران مبتنی بر تعطیل تشکیلات

– توصیه به مخفی کاری اعضای تشکیلات در مراوده با دوستان و فامیل (مگر اقدامات مجرمانه انحام می دادند که مجبور بودند پنهان کاری کنند) و ندادن اطلاعات به آنان
پ ن : آیا همین یک سند دال بر ساختار امنیتی و اطلاعاتی بودن و ضد حاکمیت ملی بودن تشکیلات بهایی در ایران پس از ۱۳۵۷ تا الان نمی باشد

❖

۱۰۱

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۱۰۲

پیام بیت العدل تاریخ : ۶۱۷ ۲۰۰۰-۰۴-۲۱ ۴

وضعیتی چنین مطلوب و امیدبخش به میزانی زائد الوصف مرهون تأثیر مشاورات و همکاریها و اقدامات عملی مؤسّسه ی مشاورین است که در ارتباط با تأسیس و فعّالیّت مؤسّسات آموزشی افزایش یافت و این افزایشِ تأثیر و همکاری، بازتابی از تشویق و ترغیبِ بموقعِ دارالتّبلیغ بین المللی بود مؤسّسه ای که پیوسته نبّاض و همواره مراقب و آگاه است.

نکات :

– موسسات آموزش ملی که در شرح وظایفش مسئولیت تربیت نیروهای زبده جهت تغییر بافت جمعیتی در کشورها را بر عهده دارد تمام قد در اختیار دار التبلیغ و ابزاری برای این نهاد فرا منطقه ای جهت رسیدن به اهداف نقشه که بر اندازیزست می باشد

– دار التبلیغ این نیروی امنیتی بر انداز فرا منطقه ای با ابزار موسسات آموزشی ملی و منطقه ای در سطح داخل کشورها دست به براندازی می زند

❖

۱۰۲

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۱۰۳

پیام بیت العدل تاریخ : ۶۳۰ ۲۰۰۱-۰۱-۰۹ ۵

در ماههای آینده شما به جوامع ملّی که دارای شرایط بسیار متفاوتی هستند برای تنظیم نقشه هایی منظّم جهت رشد و توسعهٔ آن جوامع معاضدت خواهید کرد. کشورهای بسیاری هستند که با کسب قابلیتهای اداریِ بیشتر، بخصوص در سطح منطقه ای، اکنون میتوانند توجّه خود را به ناحیه های جغرافیایی کوچکتر معطوف دارند. بیشتر این نواحی شامل مجموعه هایی از روستاها یا شهرهای کوچک هستند ولی گاهی هم ممکن است یک شهر بزرگ با حومه هایش یکی از این نواحی را تشکیل دهد. از عواملی که تعیین کنندهٔ حدود این نواحی است میتوان فرهنگ، زبان، نوع حمل و نقل، عناصر زیربنایی و زندگی اقتصادی و اجتماعی ساکنین را نام برد. نواحی هر منطقه ممکن است از لحاظ رشد و توسعه به گروههای متفاوتی تقسیم شوند. بعضی از این نقاط هنوز فتح نشده اند در حالی که در بعضی دیگر ممکن است گروهها و افراد پراکندهٔ بهائی وجود داشته باشد.

نکات :

– دار التبلیغ عالی ترین مقام امنیتی تشکیلات بهایی موظف است تا جهت تنظیم نقشه های بیت العدل در راستای بر اندازی اقدامات اطلاعاتی در داخل کشورها انجام دهد چنانچه در این پیام ملاحظه می شود ریزترین اطلاعات در

پروسه قرائت منطقه نباید از قلم بیفتد تمام اطلاعات لازم برای تغییر بافت جمعیتی برای از بین بردن عناصر فرهنگی از اطلاعات بافت فرهنگی تا اطلاعات جغرافیایی و جاده ها و راههای مراسلاتی جهت رسیدن به اهداف منطقه ای باید به اسرائیل منتقل شود

– یکی از وظایف این نهاد امنیتی شناسائی اطلاعاتی نقاط بکر و تخلیه اطلاعاتی این مناطق در عرصه های تمام آسیبهای اجتماعی است تا از آن طریق بتواند به بهانه رفع آسیبها به این مناطق مهاجر ارسال کند تا نطفه محافل محلی را در رحم این محدوده های جغرافیایی و کلاسترها منتقل کند و حاصل آن ایجاد جنین موسسات امری شود

❖

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۱۰۴

پیام بیت العدل تاریخ : ۶۴۴ ۲۰۰۱-۱۲-۱۲ ۲

یکی از موضوع هایی که به نظر میرسد احتیاج به روشن شدن داشته باشد تقسیم بندی جغرافیایی کشور به واحدهایی از جوامع همبسته است. پیام ۹ ژانویه ۲۰۰۱ بیت العدل اعظم مبنای منطقی چنین تقسیم بندی را توضیح میدهد. مرزهای این تقسیمات نباید بر اساس شرایط جوامع محلی بهائی یا مقدورات محافل روحانی محلی تعیین گردد، بلکه باید بر اساس تعداد عوامل اجتماعی، جمعیت شناختی و اقتصادی معلوم شود. چنین تقسیم بندیِ واحدهای جوامع همبسته (کلاستر) در بسیاری از کشورهای جهان، با انواع موقعیتهای ملی، بخوبی انجام گرفته است

نکته :

طراحی نقشه لازمه اش قرائت منطقه و اقدامات اطلاعاتی از محدوده های جغرافیایی است لذا در این پیام بیت العدل به مقامات اطلاعاتی خود فرمان کسب اطلاع از عوامل اجتماعی جمعیت شناختی و اطلاعات دقیق در حوزه اقتصادی را در خواست نموده تا به حیفا اسرائیل گزارش دهند و بر مبنای آن نقشه طراحی گردد

❖

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۱۰۵

پیام بیت العدل تاریخ : ۶۴۴ ۲۰۰۱-۱۲-۱۲

یکی از موضوع هایی که به نظر میرسد احتیاج به روشن شدن داشته باشد تقسیم بندی جغرافیایی کشور به واحدهایی از جوامع همبسته است. پیام ۹ ژانویه ۲۰۰۱ بیت العدل اعظم مبنای منطقی چنین تقسیم بندی را توضیح میدهد. مرزهای این تقسیمات نباید بر اساس شرایط جوامع محلی بهائی یا مقدورات محافل روحانی محلی تعیین گردد، بلکه باید بر اساس تعداد عوامل اجتماعی، جمعیت شناختی و اقتصادی معلوم شود. چنین تقسیم بندیِ واحدهای جوامع همبسته (کلاستر) در بسیاری از کشورهای جهان، با انواع موقعیتهای ملی، بخوبی انجام گرفته است

نکته :

طراحی نقشه لازمه اش قرائت منطقه و اقدامات اطلاعاتی از محدوده های جغرافیایی است لذا در این پیام بیت العدل به مقامات اطلاعاتی خود فرمان کسب اطلاع از عوامل اجتماعی جمعیت شناختی و اطلاعات دقیق در حوزه اقتصادی را در خواست نموده تا به حیفا اسرائیل گزارش دهند و بر مبنای آن نقشه طراحی گردد

❖

۱۰۵

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۱۰۶

پیام بیت العدل تاریخ : ۶۹۱ ۲۰۰۶-۰۳-۲۲ ۳

خطراتی که احبّای ایران در حال حاضر با آن مواجه اند به حدّی است که از اوائل دههٔ ۱۹۸۰تا به حال دیده نشده است. شواهد موجود حاکی از آن است که اولیای امور مجهودات خود را برای ایجاد خفقان جامعه مضاعف نموده اند تا از طریق اجرای تدابیر غیر اخلاقی مندرجه در سند محرمانه ای که در سال ۱۹۹۱از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی ایران صادر و توسّط حجّت الاسلام سیّد محمّد گلپایگانی، منشی شورا، امضا و از طرف رهبر جمهوری اسلامی ایران آیت الله علی خامنه ای به تصویب رسیده به نیّات خود جامهٔ عمل بپوشانند. تنها از اواخر اکتبر تا اواخر نوامبر سال ۲۰۰۵ ،کیهان، روزنامهٔ متنفّذ طهران، دهها مقاله حاوی حملات متعدّد به امر مبارک منتشر کرد.

نکته :

اعتراف بیت العدل به جاسوسی و دست یابی به اسناد طبقه بندی شده :

اعتراف به دست یابی به اسناد محرمانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

❖

۱۰۹

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۱۱۰

پیام بیت العدل تاریخ : ۷۲۲ ۲۰۰۷-۰۹-۰۹

در این ایّام پرافتتان نظر این مستمندان به سوی آن نور دیدگان متوجّه و جان و روان این دردمندان از استمرار بارش ظلم و ستم بر آن شیفتگان روی

محبوب پرملال و افسرده است. اقدامات مستمرّ اولیای امور در ایران برای ممانعت دانشجویان بهائی از دسترسی به تحصیلات دانشگاهی موجب تألّم و

تأثّر شدید است. این سیاست در نامه ای که از طرف دفتر حراست مرکزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به طور محرمانه به مقامات هشتاد و یک

دانشگاه ابلاغ شده به وضوح تأیید شده است.

نکته :

اعتراف بیت العدل به جاسوسی و دست یابی به اسناد طبقه بندی شده وزارت علوم به هشتاد و یک دانشگاه

❖

۱۱۰

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۱۱۱

پیام بیت العدل تاریخ : ۷۲۴ ۲۰۰۷-۰۹-۲۳

در ساعات اولیه شب گذشته، ایادی بسیار محبوب، ممدوح و محترم امرالله، جناب دکتر علی محمد ورقا بعد از چندین دهه خدمات برجسته و وقف وجود خود به جمال مبارک، این عالم فانی را ترک فرمود. با قلوبی محزون با آخرین نفسی که در زمره حارسان مدنیت جهانی جنینی حضرت بهاالله بود، و هم اکنون در عوالم سرور و حبور ابدی به آنها پیوسته، وداع می کنیم.

نکته :

اعتراف به متولی بودن ایادیان امر عالی ترین نهاد اطلاعاتی تشکیلات بهایی بر این مجموعه و از جنین رشد دادن آن تا به بلوغ رساندنش

◈

۱۱۱

☑☑☑☑☑☑☑

◈ سند : ۱۱۲

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۷ اکتبر ۲۰۰۵

در بیان دیگری میفرمایند؛ (عبد البهاء) قوله الاحلی:
«احبّای الهی باید پرده دری نکنند، آشکار پنهان باشند و با کمال ظهور در پس حجاب به حسن تدبیر با جمیع احزاب مراوده نمایند و از فساد و فتنهی
بدخواهان اطّلاع یابند و به رموز خفیّهی ایشان آگاه شوند...»"

نکته :

فرمان بیت العدل به کل اعضای تشکیلات مبنی بر اقدام جهت دست تابی به اسناد محرمانه در تمام نقاط جالب است این دستور سازمانی را مستند به سخنان عبد البها کرده است یعنی کل بهائیت جاسوسی است

◈

۱۱۲

☑☑☑☑☑☑☑

◈ سند : ۱۱۳

پیام بیت العدل تاریخ : ۷۲۹ ۲۰۰۷-۱۱-۲۶

در این یوم مبارک میثاق مصمم شدیم فقط بعد از دوماه که از صعود آخرین ایادی امر الهی، جناب دکتر علی محمد ورقا، میگذرد، قدری در مورد موسسه فخیمه ایادی امرالله به تفکر و تأمل بپردازیم. فقط چند هفته قبل از پنجاهمین سالگرد صعود حضرت ولی محبوب امرالله، جامعه جهانی بهائی متحمل این فقدان عظیم گردید. مسلماً توجه به این نکته چقدر تأمل برانگیز است که صعود جناب دکتر ورقا به عمر موسسه خارق العاده حرّاس که میراثش در تاریخ دینی عالم بی مسیل و بدیل بود، خاتمه داد. در مقطعی چنین چشمگیر و مهم در عصر تکوین امر مبارک، شایسته

چنان است که برای درک هرچه عمیق تر اهمیت دستاوردهای چنین عصبه فخیم نظم اداری، که
ثابت کرد تکامل جامعه جهانی بهائی در دوران نوزادی آن، وجودش ضرورت تام داشت، جد و جهدی صورت گیرد.

منشا موسسه را در نفس وجود حضرت بهاالله میيابيم که چهار نفس نفیس از مروجین شهیر تعالیم مبارکه را به عنوان ایادی امرالله منصوب فرمودند.

در دورانی قبل از آن که نظام اداری امر مبارک تاسیس گردد، آنها، به علت تقوا و فضیلت خود در زندگی شخصی و نیز به سبب مجهودات لاینقطع
خود در انتشار تعالیم مبارکه و دفاع از امر الهی در مقابل مخالفین، قوای جامعه و نقاط متحد کننده برای آحاد احبا بودند. علیرغم شدائد و تضییقات، از
جمله در مواردی محبوس شدن در زندان ها به دست اولیا حکومت، در فعالیت هایی از این قبیل ثابت و راسخ باقی ماندند. این نفوس نفیسه در دوران
قیادت حضرت عبدالبها، که، در سال ۱۸۹۹، آنها را جهت اقدام برای تشکیل محفل روحانی محلی طهران هدایت فرمودند و همه آنها عضویت این
محفل را عهده دار شدند، همچنان به فعالیت در سبیل خدمت ادامه دادند. توجه و تمرکز این حضرات ایادی اولیه بر تبلیغ امرالله و صیانت شریعه الله و
نیز بذل مجهودات جهت تهذیب و تزکیه احبا و معطوف ساختن توجه آنها به اهمیت احکام جدید، حتی در آن زمان، الگوی فعالیتی را که موسسه در
مراحل بعدی ترقی و تقدم جامعه بهائی به عهده میگرفت، تلویحاً مشخص نمودند.

نکته :

اقرار بیت العدل به سازمان بودنش از ابتدای شروع اقدامات بهاء الله تا الان و تاکید بر اینکه اولین قطعه از این سازمان که تکوین یافت نهاد اطلاعات و امنیت آن موسوم به موسسه فخیمه ایادیان امر بود می باشد

– وجه تمایز ساختار اطلاعاتی تشکیلات بهایی بی مثیل نسبت به سایر ادیان ماقبل بهائیت می باشد

– اشاره به دوران نوزادی تشکیلات بهایی و جنینی آن و متولی رشد این جنین ایادیان امر می باشند

– اشاره به اعضای نهاد امنیتی تشکیلات بهایی از زمان بهاء الله به بعد

❖

❖

سند : ۱۱۴

پیام بیت العدل تاریخ : ۸۰۰ ۲۰۱۱-۰۱-۰۳

در بیشتر کشورها مشورت دربارهٔ نیازها و لوازم نقشه از یک نشست موسّساتی که مدّتی قبل از رضوان منعقد میگردد آغاز میشود. در این جلسه، در
حالی که اعضا کاملاً با هدایات مربوط به نقشه آشنا خواهند شد، اعضای موسّسات و عوامل، مروری بر پیشرفت اخیری که در کشورشان رخ داده
است مینمایند، شرایط کنونی کلاسترها را برآورد میکنند، قدرت و توانایی منابع انسانی موجود را تخمین میزنند، و چالشهایی را که جامعه با آن
روبرو است مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهند. آنها همچنین دربارهٔ برخی موضوعات که برای پیشرفت بعدی حیاتی است گفتگو خواهند نمود. مثلاً
باید به این نکته توجّه شود که راههایی برای افزایش ظرفیّت موسّسه، هم در زمینهٔ ارائهٔ دورههایش به تعداد فزایندهای از نفوس و هم در زمینهٔ به اجرا
درآوردن برنامه های آموزشی اش برای اطفال و نوجوانان، مشخّص و معیّن گردد. یقیناً باید برخی افکار مطرح گردد دربارهٔ اینکه چه اقداماتی میتواند
برای تأسیس و پرورش برنامه های رشد جدید انجام شود، و دربارهٔ تقویّت دوباره و بخشیدن نیروی جدید به برنامه های رشد موجود، و دربارهٔ تحرّک
بخشی بیشتر به برنامه هایی که در سطح بالایی از فشردگی کار میکنند. ارزیابی رویکردهایی برای تبلیغ امرالله، مخصوصاً در بستر جمعیّتهای مستعدّ
در روستاها و محلّه ها، فرصتی را فراهم خواهد آورد تا سو تفاهمات واضح گردد، و ماهیّت توانمندشدن روحانی چنین جمعیّتهایی، با نگاهی به توانا ساختن آنها در به عهده گرفتن مسئولیّت سرنوشت خویش، روشن گردد.

نکته :

متولی اجرای نقشه های بر اندازی نهاد امنیتی دار التبلیغ است که متکفل اجرای آن از مواضع فرامنطقه ای و اطلاع کامل از محدوده های جغرافیایی داخل کشور در راستای تحقق اهداف نقشه که بر اندازیست می باشد

❖ سند : ۱۱۵

پیام بیت العدل تاریخ :۸۰۰ ۲۰۱۱-۰۱-۰۳ ۳

در هفته هایی که بعد از نشست موسّساتی ملّی خواهد آمد، مشاورین و نمایندگانشان، با همکاری محفل ملّی، فرایند تأمّل و برنامه ریزی را در رده های مختلفی با شوراهای منطقه ای، هیأتهای مدیرۀ موسّسۀ آموزشی و هماهنگ کنندگان، و احبّایی که در سطح کلاستر کار میکنند دنبال خواهند نمود. در تمامی این جلسات در حالی که منظرگاه کلّی نقشه در پیش دیدگان همۀ مومنین واضح و روشن نگاه داشته میشود، اما به مسائل و دستورالعمل هایی که ارتباط و تناسب بیشتری با کار در دست اجرا دارد تاکید میگردد. نیاز است که موقعّیت منطقه یا کلاستر، همانگونه که هست، دقیقاً مورد ارزیابی قرار گیرد، و اجازه داده شود که مفهوم و تصویری از نهضت جمعیّت متدرّجاً ظاهر گردد. اگر قرار است احبا به سرعت هدایات را به عمل درآورند، لازم است قدم هایی عملیاتی برای تقویّت نیروها و غلبه بر موانع مشخّص و معیّن گردد. چنین جلسات فرصت هایی را فراهم میکند تا همۀ کسانی که درگیر کار هستند مشورت و تأمّل نمایند؛ و باید از خطر بالقوۀ تبدیل و کاهش این جلسات به فضایی که فقط یک سری مطالب ارائه میشود و سبب انفعال شنوندگان میگردد پرهیز شود.

نکته :

تمام نهاد های ذیل موظف به اقدامات اطلاعاتی و ارسال آن به اسرائیل در راستای تهیه نقشه بر اندازانه و جرای آن در کشورها باشند

مشاورین و هیئت معاونین (موسسات فرا منطقه ای) محافل ملی شورای منطقه ای اعضای هیئت مدیریه موسسه آموزشی و هماهنگ کنندگان آن فعالین در سطح کلاستر (موسسات ملی که نقش ستون پنجم را داخل کشورها برای بیت العدل بازی می کند)

❖

۱۱۵

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۱۱۶

پیام بیت العدل تاریخ : ۸۰۰ ۲۰۱۱-۰۱-۰۳ ۵

طرح یک تذکر نیز لازم است: وسایل و ابزار برای جریان مداوم تأمّل و نقشه ریزی، با دقت، در فعالیتها و پیگیریهای منظم جامعه گنجانیده شده است؛ امری که به عادات فکری منتهی به پیشرفت مبدل خواهد شد. مشاورات راجع به نقشه ی پنج ساله ی جدید، باید بر استفاده از این توانایی ها متمرکز باشد و نه جایگزین کردن آنها. چنین فهمی بایدهادی مشاورین در مشاوراتشان با تمامی سطوح جامعه باشد. هدف افزایش تعداد کلاسترهایی در سراسر جهان که در آنها برنامهی رشد در جریان است به ۵۰۰۰ مورد، مسئله ی مهم پیش رو است. حکیمانه خواهد بود که مشاورین در خلال اقامتشان در ارض اقدس، امکانات بالقوه ی هر ناحیه ی موجود در کشور یا قاره ی مورد خدمت خود را برآورد نمایند. اما انتظار نمیرود که آنان، به کار دقیق تهیه ی یک فهرست از کلاسترهایی مشخص و تعیین راهکارهایی برای تحقق اهداف نقشه در آنها مبادرت ورزند. بسیار محتمل است که چنین اقدامی برای آنان نتایجی خلاف انتظار به بار آورد. آنچه ثمربخشتر است این است که اجازه دهند چندین ماه بعد از شروع نقشه، با مشورت میان مؤسّسات و عوامل درگیر در آن، و نیز با یارانی که در سطح قاعده ی جامعه عمل میکنند، روشنگری بیشتری در این زمینه حاصل شود. به این
طریق، تصویری واقع گرایانه از آن کلاسترهایی که بیشترین مناسبت را برای توجّه سیستماتیک دارند، ظاهر خواهد شد و طیفی از رویکردهایی که بیشترین تناسب را با شرایط متنوع آنها دارند نمودار خواهد گشت.”

نکات :

– متولی طراحی نقشه عالی ترین نهاد اطلاعات و امنیت هیئت مشاورین قاره ای است یعنی اعتراف به دخالت در براندازی داخل تمام کشورها

– لازمه طراحی و نقشه کسب اطلاع از کلیه اطلاعات سراسر کشورهاست یعنی اصل اقرار به کشیده شدن نقشه یعنی اعتراف به اقدام اطلاعاتی و کسب اخبار

– – وظایف این نهاد اطلاعاتی توسعه و تصرف و اشغال سرزمین هاست با توسعه تعداد محدوده های جغرافیایی در تصرف آن تحت مدیریت نهادهای داخلی تحت امرش موسوم به شورای منطقه ای

❖

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۱۱۷

پیام بیت العدل تاریخ : ۸۲۵ ۲۰۱۳-۰۴-۲۱

جامعه ای که در سراسر گیتی استقرار یافته، توانایی خود را پرورش میدهد تا قرائتی دقیق از اطراف خود به دست آورد، امکانات موجود را بسنجد و
روشها و ابزار نقشهٔ پنجساله را مدبّرانه به کار برد. همان طور که پیش بینی میشد، در محدوده ایی که مرزهای یادگیری آگاهانه گسترش داده
میشود کسب تجربه با سرعت بیشتری صورت میگیرد. در چنین محدوده ایی اهمّیّت و کارآیی ابزار موجود برای توانمندسازی تعداد فزایندهای از
افراد برای خدمت به خوبی درک شده است. یک مؤسّسهٔ آموزشی پویا و فعّال به منزلهٔ محور اصلی اقدامات جامعه برای پیشبرد نقشه انجام وظیفه
مینماید و مهارتها و قابلیّتهای حاصله از طریق شرکت در دوره ها ی مؤسّسه در اوّلین فرصت در میادین خدمت به کار برده میشود.

نکته :

در این پیام به صراحت بیت العدل مکانیزم طراحی نقشه بر اساس اقدامات اطلاعاتی تحت عنوان قرائت منطقه را متذکر می گردد و متولی تمام این اقدامات تمام تشکیلات بهایی است این یعنی جاسوسی در تمام عرصه ها از خاک یک کشور و ارسال آن به خارج کشور و طراحی برای بر اندازی و اجرای آن داخل کشور

۱۱۷

سند : ۱۱۸

پیام بیت العدل تاریخ : ۸۲۵ ۲۰۱۳-۰۴-۲۱

"اعتراف به نقش دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادیِ بیت العدل اعظم در تمام دنیا از اسرائیل – جاسوسی :: تمام اطلاعات اقدامات اجتماعی از سراسر عالم طی سی سال گذشته قرائت منطقه شده رفته اسرائیل داخل این دفترو ارتباط تنگاتنگ این موسسه با موسسه آموزشی در ایران ::

با پیشرفت مستمرّ ترویج و تحکیم در سال گذشته، کوشش در سایر عرصه های مهم نیز غالباً به موازات آنها پیش رفته است. یکی از بارزترین نمونه ها آنست که پیشرفتهایی که در سطح فرهنگِ برخی از دهکده ها و محلّه ها مشاهده میگردد تا حدّی مدیون آموخته های ناشی از مشارکت بهائیان در اقدام اجتماعی است. دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادیِ بیت العدل اعظم اخیراً سندی در این زمینه تهیّه نموده که حاوی عصارهٔ تجربهٔ سی ساله، یعنی از ابتدای تأسیس آن دفتر در مرکز جهانی بهائی تا امروز است. از جمله نکات مذکور در این سند این است که فرایند

مؤسّسۀ آموزشی تا چه حدّ به مشارکت در اقدام اجتماعی نیز تحرّک میبخشد. این امر به تنهایی در اثر افزایش منابع انسانی صورت نمی پذیرد بلکه تجربه نشان داده است که بینشهای روحانی و خصایص و تواناییهای منبعث از فرایند مؤسّسۀ آموزشی به همان اندازه که برای کمک به فرایند رشد ضروری است برای مشارکت در اقدام اجتماعی نیز حائز اهمّیّت میباشد. نکتۀ دیگری که در این سند توضیح داده شده این است که چگونه یک چارچوب ذهنی مشترکِ در حال تکامل و متشکّل از عناصری که متقابلاً یکدیگر را تقویت میکنند، بر تمامی فعّالیّتهای جامعۀ بهائی حکمفرما است هرچند این عناصر در عرصه های متمایزِ عمل جلوه های متفاوتی به خود میگیرند. سند مذکور اخیراً به محافل روحانی ملّی ارسال شده است. حال از آن محافل دعوت مینماییم که در مشورت با مشاورین این مسئله را مورد بررسی قرار دهند که چگونه مفاهیم مندرج در آن میتواند به پیشبرد مساعی جاری در عرصۀ اقدام اجتماعی در مناطق تحت اشراف آنها کمک کند و آگاهی از این بُعد مهمّ مجهودات بهائی را افزایش دهد. این دعوت نباید به عنوان فراخوانی عمومی برای تلاشهای گسترده در این زمینه تعبیر گردد زیرا در یک جامعۀ در حال رشد شروعِ اقدام اجتماعی به طور طبیعی صورت میپذیرد ولی بجاست که احبّا در بارۀ نتایج و مقتضیات مساعی خود در جهت تقلیب اجتماع عمیقتر به تفکّر و تأمّل پردازند. ازدیاد یادگیری در اقدام اجتماعی مشغلۀ بیشتری برای دفتر توسعۀ اجتماعی و اقتصادی ایجاد مینماید و تمهیداتی در دست تهیّه است تا عملیّات این دفتر به نحو متناسبی بسط و تکامل یابد.

نکات :

۱ – ارتباط تنگاتنگ سازمانی موسسه آموزشی در تهیه محتوای اساسی و اجتماعی با موسسه طرح و توسعه اجتماعی در اسرائیل و استفاده از بانک سی ساله این مرکز در محدوده های جغرافیایی منطقه خود

۲ – اعتراف به ارتباط با کشور متخاصم

۳ – دقیقا این جمله یعنی در پوشش سوء استفاده از نقائص جوامع به بهانه رفع نیاز در پوشش اقدامات اجتماعی به هدف اجرای نقشه های بیت العدل و تصرف و تجاوز به سرزمین عمل کردن : "" فرایند مؤسّسۀ آموزشی تا چه حدّ به مشارکت در اقدام اجتماعی نیز تحرّک میبخشد ""

۴ – این جمله یعنی نقض حاکمیت ملی و سلب تمامیت ارضی "" سند مذکور اخیراً به محافل روحانی ملّی ارسال شده "" آیا باید برای اقدامات فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی از بیرون مرزها دخالت در جغرافیایی ممالک انجام داد ؟

⊗

"

☑☑☑☑☑☑☑

⊗ سند : ۱۱۹

پیام بیت العدل تاریخ : ۸۷۵ ۲۰۱۵-۱۲-۲۹

این مطالب را با وقوف به مسئولیّت بینظیری که بر دوش شما و هیئت معاونت و مساعدین آنان برای افزایش درک احبّا در مورد مسائل گوناگون از
جمله ویژگیهای رشد است با شما عزیزان در میان میگذاریم. همان طور که قبلاً اشاره کرده ایم جامعهٔ بهائی با داشتن مؤسّسهٔ مشاورین از مزایای
سیستمی برخوردار است که از طریق آن درسهای آموخته شده در اقصی نقاط عالم میتواند به فرایند جهانیِ یادگیری کمک نماید، فرایندی که هر
یک از پیروان حضرت بهاالله قادر به مشارکت در آن است. با عمیقتر شدن درک دوستان از نقشهٔ پنجساله، به مرور زمان بینشهای ناشی از به کار
بستن هدایات روشن میشود، تشریح میگردد، در افکار و اذهان تثبیت شده به دیگران نیز ارائه میشود. جامعهٔ اسم اعظم در این راستا بینهایت
مدیون مؤسّسهٔ جلیلهٔ دارالتّبلیغ بین المللی است که در سالهای اخیر با جدّیّتی چشمگیر در جهت پرورش مشفقانه و اشاعهٔ فعّالانهٔ روحیّهٔ یادگیری که اکنون به خوبی استقرار یافته اقدامات شایانی به عمل آورده است.

نکته :

– دار التبلیغ عالی ترین نهاد امنیتی بین المللی بیت العدل متولی طراحی نقشه – مجری آن در سطح جهانی و داخل کشورها می باشد این یعنی اقدامات مجرمانه علیه تمام کشورها

۞

☑☑☑☑☑☑☑

۞ سند : ۱۲۰

پیام بیت العدل تاریخ : ۸۷۶ ۲۰۱۵-۱۲-۲۹-

عملکرد لجنهٔ تبلیغ ناحیه ای نیز به سطح جدیدی ارتقا مییابد. این لجنه به بررسی کاملتر اوضاع در تمامی محدودهٔ جغرافیایی میپردازد: از یک
طرف قابلیّتهای جامعه و اثرات حاصله از رشد پایدار و از طرف دیگر پیامدهای درازمدّت واقعیّات اجتماعی برای جامعه سازی را به دقّت ارزیابی
مینماید؛ در برنامه ریزی هایی که در هر دور انجام میدهد اتّکای شدید به نفوسی دارد که بزرگترین قسمت کارِ ترویج و تحکیم را به دوش دارند

امّا با توجّه به افزایش تعداد افرادی که به نحوی از انحا با الگوی فعّالیّت مرتبط هستند، مجموعه ای از سؤالات متنوّعی درخور توجّه بیشتری میباشد:
چگونه میتوان تمامی جمع مؤمنین را در جهت حمایت از اهداف تبلیغی بسیج نمود؟ چگونه میتوان ملاقات دوستان در منازل را به طور سیستماتیک
سازمان داد تا از تزیید معلومات و بحثهایی که آنان را با جامعه مرتبط میسازد بهرهمند شوند؟ چگونه میتوان پیوندهای روحانی با والدینِ کودکان
و نوجوانان را قویّ ساخت؟ چگونه میتوان علاقهٔ کسانی را که نسبت به امرالله حسن نیّت نشان میدهند ولی در فعّالیّتها هنوز شرکت نکرده اند
پرورش داد؟ مسئلهٔ قابل توجّه دیگر چگونگی ترویج برگزاری گستردهٔ جلسات دعا است تا از این طریق صدها و در نهایت هزاران نفر به همراه
خانوادهها و همسایگان خود به دعا و نیایش مشغول شوند. لجنه البتّه نهایتاً خواهان آنست که دامنهٔ مجهودات جامعه را دائماً گسترش دهد تا نفوس
بیشتری با پیام شفابخش حضرت بهاالله آشنا شوند. برای ادارهٔ امور پیچیدهٔ مربوط به وظایف خویش از جمله جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطّلاعات
آماری و دیگر امور، لجنه از مساعدت افرادی به غیر از اعضای خود استفاده مینماید. انجام این وظایف پیچیده بیش از پیش همکاری نزدیک با
محفل روحانی محلّی را نیز ایجاب میکند.

نکته :

لجنه تبلیغ که زیر نظر شورای منطقه ای فعال است آن هم موظف است کلیه اطلاعات خود را در اختیار نهاد امنیتی فرامنطقه ای یعنی هیئت مشاورین قاره ای قرار دهد این لجنه از نیروهای مزدور خط مقدم دار التبلیغ در داخل کشورها می باشند که موظف به حضور در تمام نقاط حتی منازل افراد و کسب خبر جهت ارسال آن به اسرائیل در راستای طراحی نقشه و خط مقدم در تغییر بافت جمعیتی برای اشغال سرزمین و مجری نقشه ها در هر کشور می باشند

❖

☑☑☑☑☑☑☑

❖ سند : ۱۲۱

پیام بیت العدل تاریخ : ۸۸۵ ۲۰۱۶-۰۵-۱۲ ۳

جامعه نیز آنچه در توان دارد به کار میگیرد تا بر تحرّک ثمربخش خود بیفزاید. جامعه ای پویا و در حال رشد میکوشد تا محیطی فراهم آورد که در آن استعدادهای درونیِ هر یک از اعضایش اعمّ از جدید و قدیم، زن و مرد، پیر و جوان، شهرنشین و روستایی، از هر قوم و قبیله در سراسر آن سرزمین مقدّس شکوفا گردد و قابلیّت آنان برای مشورت و اتّخاذ تصمیم و همکاری در سطح محلّی پرورش یابد تا بتوانند به نحوی مؤثّر در جهت بهبود و پیشبرد اجتماع خدمت نمایند. این جامعه می آموزد تا قرائتی صحیح از واقعیّات محیط داشته باشد، امکانات موجود را تشخیص دهد، از منابع خود استفاده نماید و به نیازها پاسخ گوید؛ متعهّد به گسترش فرهنگی برونگرا است که در آن همه با توافق کامل به تقویت قابلیّتها برای تحقّق اهداف عالی آیین بهائی چون صلح و آشتی، ترویج وحدت در کثرت، استخلاص نوع بشر از یوغ جور و ستم و برقراری عدالت و انصاف مشغولاند و در اقدامات توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی و گفتمانهای مفید اجتماع کوشا میباشند؛ جوانان را خادمان با کفایت عالم انسانی میداند و آنان را حمایت مینماید تا با اتّصاف به اخلاق شایستهٔ مرضیّه و اعمال طیّبهٔ طاهره، از قوای معنوی مدد گیرند و با اقدامات منظّم و پیگیر در میدان خدمت به عالم بشریّت جولان نمایند. در چنین جامعه ای، همگی به مثابه اجزای یک هیکل واحد به پیش میروند و تلاش مینمایند تا کل از منابع مادّی کافی برای ادارهٔ زندگی روزمرّه و خدمات امریّهٔ خود برخوردار باشند.”

نکته :

فرمان به تشکیلا بهائیان ایران برای اجرای نقشه های بر اندازانه بیت العدل با مکانیزم اقدام اجتماعیو قرائت منطقه و اقدامات اطلاعاتی و ارسال آن به اسرائیل در راستای تغییر بافت جمعیتی و اشغال سرزمین

◈

۱۲۱

☑☑☑☑☑☑☑

◈ سند : ۱۲۲

پیام بیت العدل تاریخ : ۹۱۷ ۲۰۱۸-۱۱-۰۹ ۲

بدین ترتیب بار دیگر نیروهایی در داخل و خارج از امر مبارک ظهور مرحلهٔ جدیدی را در کار توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی در عالم بهائی ممکن ساخته است. لذا در این ایّام مبارک جشنهای میلاد دو مظهر ظهور الهی با نهایت خوشوقتی اعلام میداریم که دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی اکنون به صورت مؤسّسهٔ جهانشمول جدیدی مستقرّ در مرکز جهانی تحت عنوان سازمان توسعهٔ بین المللی بهائی شکوفا میگردد. بعلاوه، یک صندوق توسعهٔ بهائی تأسیس خواهد شد که این سازمان جدید از آن برای کمک به فعّالیّتهای توسعه در سراسر جهان، اعمّ از طرحهای درازمدّت و یا جدید، استفاده خواهد کرد. این صندوق توسّط بیت العدل اعظم حمایت خواهد شد و افراد و مؤسّسات میتوانند به آن تبرّع نمایند. یک هیئت مدیرهٔ پنج نفره منصوب خواهد شد که در مقام هیئتی مشورتی به منظور

پیشبرد و هماهنگی مجهودات جامعهٔ جهانی در زمینهٔ توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی انجام وظیفه خواهد نمود. دورهٔ خدمت این هیئت مدیره پنج سال خواهد بود که از یوم میثاق آغاز میگردد. به منظور هماهنگی و انسجام فعّالیّتهای توسعه با مجهودات متعدّد عالم بهائی، این هیئت که در قلب روحانی و اداری امر مبارک خدمت میکند با بیت العدل اعظم و دارالتّبلیغ بین المللی مشورت خواهد کرد. این مؤسّسهٔ جدید با عهده دار شدن وظایف و اموری که قبلاً توسّط دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی انجام میشد کار خود را آغاز خواهد کرد و به تدریج قابلیّت آن افزایش یافته این وظایف را در مقیاسی وسیع و در سطوحی بالاتر و پیشرفته تر انجام خواهد داد و با تقویت مساعی افراد، جوامع، و مؤسّسات بهائی در سراسر جهان، دامنهٔ اقدامات آنها را گسترش داده تحکیم میبخشد. از جمله با ایجاد نهادهای جدید و پیدایش سازمانهای توسعهٔ پیشرفته، این مؤسّسه به تقویت قابلیّت تشکیلاتی توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی در جوامع ملّی کمک خواهد کرد و رویکردهای توسعه و روشهایی را که در این راستا مؤثّر واقع شده در مقیاسی بین المللی ترویج خواهد داد. این مؤسّسه راجع به آخرین یافته ها در زمینهٔ توسعه، مطّلع خواهد ماند و کاربرد آنها را در تطبیق با اصول روحانی با کمک بهائیان کارآزموده در زمینه های مربوطه بررسی خواهد نمود. در سراسر قارّات عالم شبکه هایی از افراد کاردان و مؤسّساتی با تمهیداتی که برای انجام خطوط عمل گوناگونش مورد نیاز است تشکیل خواهد داد. مهمتر آنکه مانند دفتر سابق توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی، هدف اوّلیّهٔ این سازمان تسهیل یادگیری در بارهٔ توسعه از طریق ترویج و حمایتِ عمل، تأمّل در عمل، مطالعه، مشورت، جمع آوری و سیستماتیک کردن تجربه، مفهوم سازی، و آموزش است که همه با توجّه به تعالیم امر مبارک انجام میشود.

نکته :

اهداف اولیه سازمان : “” هدف اوّلیّهٔ این سازمان تسهیل یادگیری در بارهٔ توسعه از طریق ترویج و حمایتِ عمل، تأمّل در عمل، مطالعه، مشورت، جمع آوری و سیستماتیک کردن تجربه ((جاسوسی)) ، مفهوم سازی، و آموزش است که همه با توجّه به تعالیم امر مبارک ((توسعه پوششی برای توسعه منابع انسانی حکومت موازی)) انجام میشود.””
”

⊗

☑☑☑☑☑☑☑

⊗ سند : ۱۲۳

پیام بیت العدل تاریخ : ۷۰۵ ۲۰۰۷-۰۳-۰۲

صیانت جامعه ای پویا در شرایط آن چنان سخت و دشوار کار آسانی نیست و جز با درایت کامل و توکل به جمال اقدس ابهی و جذب تأییدات غیبیه الهیّه غیر ممکن بود. شرح مندرج در نامه مورّخ ۱۳ ژانویه ۲۰۰۷ آن هیئت

مبنی بر اینکه ۹۷۰ نفر از ۲۸۰۸ احبایی که در این مدت از حقوق اداری خود محروم شده بودند، با عشق و محبت جامعه و تدبیر و بصیرت یاران و سعی و کوشش افراد بخشیده شده و به جامعه باز گشته اند نشانی از این کفایت است و موجب خرسندی بیت العدل اعظم گردید"

نکته :

در تشکیلات بهایی حد اقل دو نهاد صیانتی و حراست و اطلاعات برای سرکوب و تادیب و عفو خاطیان اعضای تشکیلات بهایی فعال است اولین آن لجنه صیانت که از زیر مجموعه های محافل در داخل کشورهاست و مانند اف بی آی در سطح ملی عمی می کند و دومین آن معاونت صیانت زیر نظر نهاد فرامنطقه ای دار التبلیغ در اسرائیل عمل می کند مانند سیا در سطح بین المللی
در این پیام چنانچه ملاحظه می شود بیت العدل علی رغم اعلام رسمی محفل ملی ایران بسال ۱۳۶۲ مبنی بر تعطیلی کل تشکیلات بهایی اقرار می کند که در ایران این دو نهاد در حال فعالیتند یعنی اقرار به وجود نهاد اطلاعاتی موازی بدون مجوز و زیرزمینی و سری فعالیت کردن این اوج خیانت سازمان بهایی به امنیت ملی ایران را نشان می دهد

مختصر گفتگوئی در صفحه فیس بوک فاضل غیبی با حسن ارشاد پیرامون مقاله : مؤثرترین شخصیت تاریخ معاصر

مختصر گفتگوئی در صفحه فیس بوک فاضل غیبی پیرامون مقاله : مؤثرترین شخصیت تاریخ معاصر

لینک صفحه ی اصلی در فیسبوک

Nasere Naseredin Hassan Ershad

با سلام اگر مقدور است بفرمایید شماره های کنار متن کجای کتاب رگ تاک است ؟ ممنون

Fazel Gheybi

ببخشید به منظور رعایت اختصار از آنجا که تقریباً همهٔ نقل قول ها از رگ تاک است شمارهٔ صفحه در پرانتز بعد از نقل قول آمده است. ۲ یعنی از جلد دوم. مطالب مربوط به تعالیم باب از ویکی پدیا برگرفته شده است. سپاس

Nasere Naseredin Hassan Ershad

غیبی گرامی با تشکر از مقاله جنابعالی امیدوارم چنانچه مقدور است رسم تحقیق رعایت شود و حداقل با توجه به اینکه آثار باب حداقل فارسی اش موجود است مستقیم مستند به آثار وی مطالب بیان شود چون عموم مطالب جنابعالی با نظرات باب در تعارض است و کتاب رگ تاک هم مستقیم از آثار باب مطالب را نقل نکرده است امیدوارم محققین حداقل مقاله خود را با اصل ماخذ چک کنند تا این مشکل پیش نیاید.

Fazel Gheybi

دوست عزیز، حق با شماست. من به کتابهای باب دسترسی ندارم. البته هدفم نه ارائهٔ تحقیقی در این باره، بلکه تنها طرح نکته ای جدید بود. حتی بیان چنین نکته ای هم در چهار پنج صفحه برایم دشوار بود. ایدهٔ مقاله هم از آنجا به فکرم رسید که در ویکی پدیا به لیستی و یا کتابی بنام "صد" برخوردم که در آن نام صد نفر مؤثرترین افراد در تاریخ جهان لیست شده و این لیست سالهاست به بحث های گسترده ای دامن زده است. بهرحال همهٔ مطالب دربارهٔ نظرات باب از مقاله ای بنام "نوآوری های ظهور باب.." از دکتر آرمین اشراقی نقل شده که در آنجا ذکر منبع شده است. http://newnegah.org/index.php?option=com_content…

Nasere Naseredin Hassan Ershad

استاد گرامی این سایت از آن بهائیان است و غالبا عموم مطالبش خلاف واقع است زیرا بهائیان هنگامی که در برابر روشنفکران مخصوصا چپ قرار می گیرند و در برابر تعاریف اسلام شناسان و مستشرقین متمایل به شوروی سابق قرار می گیرند چون عموم آنها به جهت اینکه باب در آن زمان نماد حرکت مسلحانه علیه حکومت بود و زمانه آن دوران و به عبارتی مد دست به اسلحه شدن بود شروع به تمجید از باب کردند لذا بهائیان فراموش کردند که خود در همان اوان حرکت باب و بابیه را بعد از ۱۹ سال یعنی سال ۱۲۸۰ هجری قمری شدیدا داعشی

تبیین کردند و اگر امیر کبیر در برابر ایشان قرار نمی گرفت دقیقا تحت تعالیم تفسیر سوره یوسف و در پی آن کتاب بیان باب ما ایرانیان شاهد حضور داعش ۱۷۰ سال پیش در ایران می بودیم فقط به عنوان نمونه توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنم اگر مایل بودید راجع به تک تک مطالب در خدمتتان خواهم بود : عبد البهاء که از دیدگاه بهائیان مقام مرکز میثاق و واجد مقام تبیین پدر بزرگوار خویش را دارد اقرار می کند که باب فرمانش مبتنی بر کشتار و بریدن سرها و تخریب آثار سایر باورها و نسل کشی بود و افتخار بهاء الله این بود که احکام و فرامین وی را منسوخ اعلام کرد البته هر چند خود ۳۰ سال امضاء کننده این فرامین بود ولی در اقدس آن را نسخ کرد آیا همین نمونه مشتی از خروار نیست که روشن کند بهائیان اعتقاد اصلی شان همان سخن عبد البهاء است ولی فعلا چون نان در طرفداری باب است سخنان قبلی را عیان نمی کنند ؟ چون فعلا تقابل با باب و باور بابی به صلاح اهل بهاء نمی باشد ؟ متن زیر را تقدیم محققین و جنابعالی :

عبد البهاء :

مکاتیب ، ج ۲ ، ص ۲۶۶ «و در یوم ظهور حضرت اعلی منطوق بیان ضرب اعناق و حرق کتب و اوراق وهدم بقاع و قتل عام الامن آمن و صدق بود، اما در این دور بدیع و قرن جلیل اساس دین الله و موضوع و شریعت الله رأفت کبری و رحمت عظمی و الفت با جمیع ملل وصداقت وامانت و مهربانی صمیمی قلبی با جمیع طوائف و نحل و اعلان وحدت عالم انسان است.»

چنانچه جناب عبد البهاء اعتراف می کند پدر گرامی وی بهمراه خودشان ۲۷ سال معتقد به :

۱ – ضرب اعناق : : جناب عبد البهاء اعتراف می کند که پدر بزرگوارشان ۲۷ سال معتقد بود باید سرهای مخالفین آیین بیان بر سر نیزه می رفت و هیچ مخالف آیین بیان نباید از دستان بابیان جان سالم بدر می بردند.

۲ – حرق کتب : جناب عبد البهاء اعتراف می کند که پدر بزرگوارشان ۲۷ سال معتقد به آتش زدن کتب غیر بیانی بودند و با فرهنگ مکتوب جامعه بشری مقابله می کردند .

۳ – هدم بقاع : جناب عبد البهاء اعتراف می کند که پدر بزرگوارشان ۲۷ سال معتقد به تخریب آثار باستانی مذهبی داشتند و مانند طالبان که متعصب وار مجسمه بودا در بامیان را تخریب کردند تمام آثار مذهبی باید ویران می شد

۴ – قتل عام الا من آمن و صدق : : جناب عبد البهاء اعتراف می کند که پدر بزرگوارشان ۲۷ سال معتقد به نسل کشی بودند و تمام کسانی که ایمان به آیین بابی نمی داشتند باید از دم تیغ گذرانیده می شدند.

Nasere Naseredin Hassan Ershad

غیبی عزیز با اینکه آنقدر مقاله ای که لینکش را عنایت کردید مملو از مطالب خلاف واقع است و بیشتر بهائیان قصد جذب اپوزسیون به بهائیت را در سر می پرورانند و عموما با کشیدن مار نه نگاشتن آن قصد یار گیری در این طیف از روشنفکران را دارند فقط به نقد چند سطر اول می پردازم تا اگر فرصتی بود بیانات داعشی گونه و احکام متحجرانه باب را در فرصتی مناسب خدمتتان تقدیم خواهم کرد تا بر همه عیان شود که ماه پشت ابر نمی ماند و در عرصه تحقیق باید صادقانه کوشید :

در مقاله آمده است :

بین مفهوم تجدّد در آثار حضرت باب و نظریه| اغلب گروههای مذهبی و اصلاح طلبان و متجددان, چه در سابق و چه در زمان معاصر اختلافات اساسی مشاهده می شود. در تفکرات اکثر جنبشهای مذهبی اگر چه مقصود نوآوری و تجدد است ولی بیشتر سعی آنها در این است که نو آوری را به نحوی بازگشت به اصل جلوه دهند. این امر به خصوص نزد گروههای اسلامی به چشم می خورد. امروزه سخنی از نسخ احکام اسلامی حتی بین روشنفکران و اصلاح طلبان نیست, بلکه سعی آنها "بازگشت به اصل اسلام" می باشد.

اما پاسخ :
این سخن اصلا تطبیق با واقعیت باب ندارد زیرا باب در عموم آثار خود اعتقاد دارد وی رجعت صفتی پیامبر اسلام است و دقیقا با توجه به اینکه حقیقت مظاهر الهی را یکتا می داند ولی در افق های مختلف به تنوع مطالع قائل است وی خود را دقیقا همان حقیقت پیامبر اسلام می داند و دقیقا حقیقت خود را باز گشت به وی می داند البته در مورد احکام نیز ایشان اصلا قصد اتیان شریعت جدید نداشتند و چنانچه بهاء الله به صبح ازل و اتباع وی صریحا بیان می کند باب از اساس قصد تغییر احکام را در سر نمی پروراند و فقط و فقط بخاطر اذیت و آزار علماء برای کیفر ایشان در بیان شریعت را تغییر داد لذا در اصل ایشان اصلا نیازی به تغییر شریعت نمی دیدند البته در متن زیر نمونه ای از سخن باب را که حقیقت خود را همان حقیقت پیامبر می داند و ایشان دقیقا نظر به گذشته دارد نه آینده خدمتتان تقدیم می کنم :

جناب ناصرالدین و جناب غیبی...! باور بفرمائید بنده از دین و مذهب خاصی دفاع نمی کنم و در پی اظهار نظر در باره ی ادیان نیز نیستم و به همه ی ادیان احترام می گذارم ...ما در همین ماجرای باب و بها الله به معمای (اگر بشود نامش را معما گذاشت) جالبی بر می خوریم به فرمایش آقای ناصرالدین اگر باب مدعی پیامبری بوده باشد (که چنین نیست) پس از اعدام او و سپس صحنه سازی ترور ناصرالدین شاه چگونه بها الله می توانست اظهار وجود کند ؟...و فرقه ی ایشان به تقلید از حسن صباح به قلعه گیری (اولین قلعه ی تسخیری ایشان همان قلعه رودخان گیلان است) بپردازند و خونریزی نیز بکنند ؟... ویکی پدیا در خدمت پول است و بسیار مطالب نادرست را نیز ((چاپ)) می زند ...و سپس بهاالله تمام در های دنیا برویش باز می شود و خلاصه ایشان پیامبر می شود... آیا جز روباه پیر استعمار آنهم در قبال رقیبش ((روسیه)) که از باب جانبداری می کرد ظن شما به جانب دیگر هم خواهد رفت ؟...

Aryana Sobhani

بهاالله در چندین لوح به طور مؤکد تکرار میکند که بهائیان به هیچ وجه حق ندارند که مقابله به مثل کنند و به خشونت متوسل شوند و این که "إن تُقتلوا خیر لکم مِن أن تَقتلوا: بهترست کشته شوید تا بکشید). محو حکم جهاد و نجاست اولین احکامی است که بهاءالله وضع کرد و تأکید بر خشونت پرهیزی یکی از مضامین اصلی آثار بهاءالله، عبدالبهاء، شوقی افندی و بیت العدل است. خشونت پرهیزی مطلق بهائیان در ۱۵۰ سال اخیر در تضاد آشکار با تاریخ خونین صدر اسلام است. متاسفانه افرادی با دروغ و سند سازی ومغالطه و تحریف و در ادامه اگر بحث ادامه یابد با سفسطه سعی میکنند واقعیت را وارونه نشان دهند. خوب است کسانی که اینگونه کمر همت برای اثبات " ضاله "بودن آیین بهایی بسته اند کمی هم به فکر مردمی باشند که سالهاست از حکومت اسلامی و این همه ظلم به

تنگ آمده اند.لااقل به فکر مسلمانان به زنجیر کشیده شده وطن خودشان باشند اگر نمیخواهند به مسلمانان عراق ، سوریه ، لبنان ، لیبی ، اردن ، عمان ، بحرین ، مصر و ... فکر کنند.

- **Nasere Naseredin Hassan Ershad**

آریای گرامی متاسفم که با نظر شما مخالف باشم و عرض کنم شدیدا مطلب شما مخالف با واقعیت آثار بهائی است چنانچه به کلمات عبد البهاء در باب مجازات و مکافات رجوع کنید ایشان مانند اسلام جرم را دارای دو وصف می داند وصف اول جنبه عمومی جرم که مستقیم بر عهده حاکمان است و اتفاقا این جنبه جرم را ایشان تاکید دارند حتما باید کیفرش اعمال شود چرا که گرگان خونخوار نباید رها شوند تا امنیت جامعه مختل شود و نظر به همین جنبه از جرم است که بهاء الله قسم یاد نموده است که از جرم احدی نخواهم گذشت و اما وصف دوم جنبه خصوصی و فردی جرم است که ایشان توصیه می کنند بهائیان در این قسم مقابله به مثل نکنند نه اینکه از حق خود گذشت کنند مثلا چنانچه یک بهائی صاحب چکی بود و این چک برگشت بخورد از طرفی جنبه عمومی آن را باید حاکمیت تحت عنوان کلاه برداری تعقیب کند ولی جنبه خصوصی آن را توصیه می کند که با مجرم مماشات شود حال اگر یک بهائی اقدام به گرفتن وجه چک نماید گناهی مرتکب نشده است و این دقیقا همان است که در باور قبل از ایشان نیز بود البته مطلب دیگر اینکه دلیل عدم استفاده بهائیان در مقابله به مثل در برابر خشونت از اسلحه نبودن ضرفیتهای قانونی نیست زیرا در کتاب اقدس به صراحت ذکر شده است که حمل صلاح جایز نیست مگر در موارد ضرورت و در ادامه شوقی توضیح می دهد در مواردی که بهائیان برای احقاق حق خود ظرفیتهای قانونی نیافتند می توانند از اسلحه استفاده کنند و اگر مراجع قانونی از احقاق حق ایشان ممانعت بعمل آوردند و یا چنین مرجعی وجود نداشته باشد بهائیان می توانند از اسلحه استفاده کنند اتفاقا سوال این است که چرا علی رغم اینکه در کتاب اقدس ظرفیتهای قانونی برای دست به اسلحه شدن در برابر حاکمانی که جوابگو به حقوق از دست رفته بهائیان نیستند این حکم اقدس را معطل گذاشته اند البته قطعا دلیلش این است که بیت العدل فعلا خود را در حال جنینی حس می کند و هنوز ظرفیتهای عینی که حاصل به نتیجه شود موجود نیست لذا دلیل عدم استفاده از فرمان بهاء الله به استفاده کردن از اسلحه در هنگام ضرورت نرسیده است.

- **Aryana Sobhani**

شما ادامه بدید قربان بنده مزاحم نمیشم.

Nasere Naseredin Hassan Ershad

گرامی محقق کسی است که مستقیم آثار را مطالعه کند بعد راجع به وی قضاوت کند باب کسی بود که در کتاب بیان اعلام کرده بود که هر کس من یظهره الله را محزون کند حکمش اعدام است بخاطر همین حکم بیان میان طرفداران ۲۵ مدعی من یظهره اللهی در بغداد خونها ریخته شد که دولت عثمانی مجبور شد برای قطع خونریزی میان دو مدعی اصلی یعنی بهاء الله و صبح ازل جدائی بیندازد تا مختصری مردم از دست این دو گروه خونریز آسوده باشند فقط حکم بیان را خدمتتان تقدیم می کنم تا حد اقل مستند به آثار باب قضاوت کنید.

مختصری پیرامون حقوق شهروندی در جامعه آرمانی بهائیان (حکومت اقدسیون)

این مقاله در پاسخ به مقاله حقوق شهروندی بهائیان مبلغ بهایی آریا حق گو نگاشته شده است.

کسی که در مقام بیان عقاید خویش گام بر می‌دارد، باید بداند از حقوق مسلم مخاطب، پرسش است. **از شیوه‌های برخی بهائیان برای گریختن از پاسخ، هنگامی که در برابر پرسش قرار می‌گیرند، متمسک شدن به تئوری «مظلومیت، دلیل بر حقانیت است»، می‌باشد. این بهائیان در برابر منتقد، به جای پاسخ مستدل، به لجن‌مال کردن شخصیت وی می‌پردازند.**

کدام انسان منصف و باوجدان است که از ظلم و عمل ظالم دفاع کند؟ کدام واجد وجدان متعادل، ضایع شدن حقوق مظلومی را می‌نگرد و شب با خیال خوش سر به بالین می‌نهد؟ سخن در این است که ظلم ظالم بر مظلوم، فقط و فقط نشان مظلومیت مظلوم است نه حقانیت وی. من از وجدان بیدار مخاطبان گرامی سوال می‌کنم آیا مظلومیت واقعا دلیل حقانیت است؟ آیا هنگامی که یک فرقه مطرح می‌کند من اعتقاد دارم دین از سیاست جداست و تصمیم‌گیرنده مدیریت سیاسی جامعه خرد جمعی است و در این میان، ناصرالدین مستند به منابع این فرقه اثبات می‌کند این کذب محض است و اعتقاد راسخ بهائیت مبتنی بر مدیریت دین و احکام اقدس می‌باشد ولی چون هنوز شرایط مقتضی نیست نباید به آن پرداخته شود، پاسخ این بیان علمی، خرج کردن از تئوری توطئه و اینکه ناصرالدین حجتیه‌ای است می‌باشد؟

ظلم ظالم قبیح است اما مدیران جامعه امر می‌دانند اعظم ظلم و مصداق کامل ستمگر، کسی است که صداقت را زیر پا لگدمال کند و حقایق تفکرات خویش را برای جلب مشتری وارونه جلوه دهد تا پس از اینکه جذب تشکیلات شد و عشق قرار گرفتن در هرم نظام اداری امری او را نابینا کرد هر چه اراده کنند به وی تحمیل نمایند.

آیا پاسخ کسی که می‌گوید حقوق شهروندی حق مسلم هر انسانی است و بدون در نظر گرفتن تفکرات و اندیشه‌های وی باید افراد از این حقوق بهره‌مند شوند و در پی این سخن از جامعه امر می‌پرسد که: «آیا شما نیز قائل به حقوق شهروندی هستید یا خیر؟» سپس پاسخ کذب آری را می‌شنود و در ادامه مستند اثبات می‌کند جامعه مبتنی بر احکام اقدس و رساله عملیه گنجینه حدود و احکام و کتاب امر و خلق و... تقابل شدید با حقوق شهروندی دارد، باید به جای پرداختن به مطلب، شخصیت سائل لجن‌مال شود.

من از استوانه‌ها و محققین بهائی سوال می‌کنم:

آیا شما در مبانی خودتان معتقد به حقوق شهروندی هستید؟

آیا در جامعه مبتنی بر نصوص بهاءالله که لایتغیر می‌پندارید و بیانات مبین وی جنابان عبدالبهاء و شوقی، آیا حقوق شهروندی را عملی می‌دانید؟

آیا بهائیان در جامعه مبتنی بر احکام اقدس، حق تحصیل برای دگراندیشان برگشته از آیین بهائی را قائل هستند؟

آیا بهائیان در جامعه مبتنی بر احکام اقدس، حق آزادی انتخاب شغل برای دگراندیشان برگشته از آیین بهائی را قائل هستند؟

آیا بهائیان در جامعه مبتنی بر احکام اقدس، حق تشکیل تشکل‌های سیاسی برای دگراندیشان برگشته از آیین بهائی را قائل هستند؟

آیا بهائیان در جامعه مبتنی بر احکام اقدس، حق آزادی در فعالیت‌های اجتماعی برای دگراندیشان برگشته از آیین بهائی را قائل هستند؟

آیا بهائیان در جامعه مبتنی بر احکام اقدس، حق شرکت در فعالیت‌های فرهنگی برای دگراندیشان برگشته از آیین بهائی را قائل هستند؟

آیا بهائیان در جامعه مبتنی بر احکام اقدس، حق معاشرت با اقوام و نزدیکان برای دگراندیشان برگشته از آیین بهائی را قائل هستند؟

و صدها مصداق از مصادیق امری در حوزه حقوق شهروندی.

مخاطبین محترم برای اثبات سخن این حقیر بر مبنای تئوری «فرض محال که محال نیست»، فرض کنیم در ایران، انقلاب اقدسین رخ داده و در کشور مهد امرالله امر جناب بهاءالله نهادینه شده و عموم مردم، فرض کنید ۹۹ درصد آنان، مشتاقانه رای به ایجاد جامعه مبتنی بر احکام اقدس داده‌اند؛ پس از تشکیل دولت بهائی در ایران، منتخبان مردم، قانون اساسی مبتنی بر احکام اقدس را تصویب می‌کنند و دولت منتخب مردم، کلیه قوانین و آیین‌نامه‌های خویش را بر اساس قانون اساسی اقدس، تصویب و اجراء می‌کنند و قوه قضاییه آراء خویش را بر مبنای این فرقه تنظیم می‌کند.

آیا سکولارها و اپوزسیون و گروه‌های مدافع حقوق بشر از بهائیان مروج آیین بهائی سوال کرده‌اند این یارگیری شما برای رسیدن به چه جامعه‌ای می‌باشد؟

فرض کنید چند سال، مثلا ۱۰ سال، نه ۳۵ سال، از تشکیل حکومت بهائی در ایران گذشته باشد، فکر می‌کنید چالش‌های جامعه جهانی و نهادهای حقوق بشر با حکومت بهائی چه می‌باشد؟

چون نصوص امری لایتغیر است و نسخ نمی‌شود، بهائیان مجبورند احکام بهاءالله و تبیین آن توسط عبدالبهاء و شوقی را عملی سازند.

یکی از احکام صریح در بهائیت، اخراج و طرد اداری سپس روحانی دگراندیشان بهائی است که بر اساس تحری حقیقت ادعائی تعالیم دوازده‌گانه در بهائیت، افراد موظف به اجرای آن می‌باشند؛ حال اگر بر مبنای تحری حقیقت، افرادی در این جامعه دست از بهائیت کشیده و افکاری غیر از بهائیان اتخاذ کنند، بر مبنای آموزه‌های بهائی، عمل وی مصداق عمل مجرمانه است و باید مجازات شود؛ از آثار طرد، یکی این است که کل جامعه امر باید با وی قطع رابطه کنند، حتی با وی تکلم هم نکنند؛ چنان‌چه فرمان شوقی چنین است:

«معاشرت و تکلم با مطرودین به هیچ وجه من الوجوه جائز نه» (توقیعات مبارکه، ج ۳، ص ۲۸۴).

البته جناب عبدالبهاء مشکل را دوچندان کرده و منتقد بهائی را جذامی می‌داند و به تمام بهائیان فرمان قطع رابطه با دگراندیشان غیربهائی را صادر می‌کند؛ چنان‌چه می‌گوید:

«باب سی و دوم- در جواب چند سوال حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند قوله الاحلی: «نفوسی که تصدیق نموده‌اند و به هدایت پرداخته‌اند و حال به‌کلی به پریشانی فکر مبتلا شده‌اند، سبب این است که این اشخاص با نفوس غافله معاشر گشته‌اند و مخالفت نص صریح الهی نموده با اشرار الفت گرفتند و مؤانست جستند، این است که می‌فرماید: «مجالست اشرار نور جان را به نار حسبان تبدیل نماید»، زیرا ممکن نیست که شخص سالمی با شخص مسلولی و یا مجذومی الفت نماید و علت، سرایت نکند، امروز جمعی بی‌خردان که مانند حیوان اسیر عالم طبیعتند و از جهان الهی خبر ندارند با هر نفسی الفت کنند، القاء شبهات نمایند کم کم این سم مهلک در نفوس مستمعینی تأثیر کند.» (عبدالبهاء، مائده آسمانی، جلد ۲، ص ۳۵ – ۳۶).

البته جناب بهاءالله نیز گوی سبقت را از هر دو بازمانده خویش می‌رباید و دگراندیشان غیربهائی را ولدالزنا خطاب می‌کند و می‌گوید:

«من ینکر هذا الفضل الظاهر الباهر المتعالی المنیر ینبغی له بان یسئل عن أمه حاله فسوف یرجع الی اسفل الجحیم» (گنج شایگان در لوح حبیب مراغه‌ای، ص ۷۸).

چنان‌چه مشاهده می‌شود، در جامعه بهائی که مثلا ده سال از تشکیل آن می‌گذرد بهائیان به دگراندیشان به دیده حرام‌زاده می‌نگرند و معتقدند هر دگراندیش غیربهائی باید وضعیت خویش را از مادرش سوال کند و بداند که عاقبت دگراندیشی افتادن در اسفل جحیم جهنم است!

جناب بهاء در ادامه مطلب فوق، پرده‌های معارف امری را بالاتر زده و می‌گوید:

«قل من کان فی قلبه بغض هذا الغلام دخل الشیطان علی فراش أمه»

یعنی کسی که منکر فضل بهاءالله شود یقینا شیطان داخل در بستر مادر وی گردیده است!

حال در این جامعه بهائی‌زده مبتنی بر آموزه‌های بهائی چنان‌چه همگان دگراندیش بهائی را جذامی بدانند، در عین حال، وی را حاصل روابط نامشروع بپندارند و در امتداد آن، عامل به فرمان شوقی نیز گردند، فکر می‌کنید جایگاه حقوق شهروندی در این جامعه آرمانی و مهد امرالله چیست؟

یک بار دیگر مخاطبین محترم دقت نمایند به فرمان وحیانی لایتغیر و واجب‌الاطاعه جناب شوقی که واجد عصمت موهوبی است:

«معاشرت و تکلم با مطرودین به هیچ وجه من الوجوه جائز نه» (توقیعات مبارکه، ج ۳، ص ۲۸۴).

در سایه این فرمان آیا امکان حق تحصیل برای دگراندیشان غیربهائی در جامعه مبتنی بر احکام بهائی قابل اجراست؟

فرض کنید فرد مرتد قصد دارد نام فرزندش را در مدرسه ابتدائی بنویسد، چنان‌چه نام وی در لیست سیاه باشد، چگونه می‌تواند بدون معاشرت و تکلم مبادرت به ثبت نام فرزند خویش ورزد؟

در سایه این فرمان آیا امکان حق انتخاب شغل برای دگراندیشان غیربهائی قابل اجراست؟

فرض کنید ایشان می‌خواهد در محیط کاری مشغول شود، چنانچه دیگران ممنوع از تکلم و معاشرت با وی باشند، واقعا این دگراندیش بخت‌برگشته امکان اشتغال برایش میسر است؟

در سایه این فرمان، امکان دخالت در سرنوشت مدیریت سیاسی جامعه خویش را دگراندیشان غیربهائی دارد؟

در سایه این فرمان، آیا امکان حق حضور در فعالیت‌های اجتماعی برای دگراندیشان غیربهائی قابل اجراست؟

در سایه این فرمان، آیا امکان حق آزادی در فعالیت‌های فرهنگی برای دگراندیشان غیربهائی قابل اجراست؟

در سایه این فرمان، آیا امکان حق آزادی در معاشرت با بستگان و دوستان برای دگراندیشان غیربهائی قابل اجراست؟

در سایه این فرمان، آیا امکان حق حیات برای دگراندیشان غیربهائی قابل اجراست؟

فرض کنید دگراندیش غیربهائی مریض می‌شود و قرار است دکتر وی را ویزیت کند، چنان‌چه نام وی در لیست سیاه دگراندیشان غیربهائی قرار گرفته باشد با توجه به این فرمان شوقی که «معاشرت و تکلم با مطرودین به هیچ وجه من الوجوه جائز نه»، آیا امکان حیات برای وی متصور است؟

اگر ناصرالدین مستدل و مستند اثبات کند که بهائیان در جامعه آرمانی خویش قائل به هیچ کدام از حقوق مذکور نیستند، پاسخ محققانه این است که چون تو اهل فلان گرایش فرهنگی هستی پس بهائیت بر حق است؟

منبع: https://www.hassanershad.com/1026

مرز میان «محاکمه قضایی» و «مراقبت امنیتی»

چرا برخی گروه‌ها حتی بدون ارتکاب جرم آشکار، تحت مراقبت و محدودیت‌های قانونی و اجتماعی قرار می‌گیرند؟

مقدمه:

در فضای رسانه‌ای یا حتی در محافل حقوقی، گاهی این پرسش مطرح می‌شود:
«چرا برخی افراد یا گروه‌ها که ظاهراً جرمی مرتکب نشده‌اند، از سوی نهادهای امنیتی یا حاکمیتی تحت مراقبت یا محدودیت قرار می‌گیرند؟»
آیا این رفتار، ناقض عدالت یا حقوق شهروندی نیست؟

پاسخ به این پرسش در فهم یک تفاوت بسیار مهم نهفته است:
تفاوت میان «رسیدگی قضایی» و «اقدام امنیتی» یا به تعبیری «مراقبت پیشگیرانه».

اصل نخست: «محاکمه قضایی» صرفاً بر پایه جرم ثابت‌شده است.

در حقوق کیفری، اصل بر «مجازات پس از اثبات جرم» است.
تا زمانی که یک فرد یا گروه مرتکب جرمی مشخص نشده باشد، دادگاه اجازه صدور حکم علیه او را ندارد.
برای مثال:

- اگر فردی به سرقت متهم شود، باید دلایل قاطع مثل شهادت، فیلم، اسناد و مدارک ارائه گردد.
- دادگاه صرفاً بر پایه قانون، جرم را اثبات و حکم صادر می‌کند.
- حتی اگر احتمال داده شود که یک فرد در آینده دزدی کند، این گمانه کافی برای محاکمه و مجازات نیست.

این اصل یکی از ارکان عدالت قضایی در همه نظام‌های حقوقی جهان است.

اصل دوم: «مراقبت امنیتی» بر پایه ساختار، وابستگی و تهدید بالقوه است.

در مقابل، موضوع «امنیت ملی» با جرم فردی تفاوت دارد.
گاهی یک گروه، حتی بدون اقدام مجرمانه مستقیم، به دلیل ساختار، وابستگی خارجی یا الزامات درون‌سازمانی، برای امنیت کشور تهدید محسوب می‌شود.

اینجا بحث، صرفاً شخصی نیست، بلکه به کل «ساختار شبکه‌ای» و «ریشه‌های بیرونی» یک گروه برمی‌گردد.

نمونه روشن: تشکیلات بهائیت در ایران

یکی از مصادیق کاملاً روشن این موضوع، **تشکیلات بهائیت** است.
این تشکیلات نه یک آیین صرفاً فردی، بلکه یک **سازمان اداری بین‌المللی** با شبکه‌ای پیچیده و فرامرزی است که حتی از منظر مدارک رسمی خودشان، دستورات اجرایی‌اش مستقیماً از خارج از کشور صادر می‌شود.

سند رسمی و معتبر:

یکی از اسناد رسمی این تشکیلات، نامه‌ی بیت‌العدل اعظم (مستقر در اسرائیل) در تاریخ ۹ نوامبر ۲۰۰۶ خطاب به تشکیلات بهایی ایران است که به‌روشنی نشان می‌دهد رهبران تشکیلاتی در ایران، مستقیماً توسط نهاد خارجی تعیین و منصوب می‌شوند:

> **متن سند:**
> بیت‌العدل اعظم الهی با کمال سرور و بهجت، انتصاب دوستانی را به عنوان اعضای هیئت یاران ایران اعلام می‌دارد که اسامی ایشان به ترتیب الفبا عبارتند از:
> بهروز توکلی، وحید تیزفهم، مهوش ثابت، جمال‌الدین خانجانی، سعید رضایی، فریبا کمال‌آبادی، عفیف نعیمی.
>
> همچنین بیت‌العدل مقرر فرموده اعلان عمومی این انتصاب در تاریخ معین صورت گیرد. در این نامه همچنین از اعضای سابق تقدیر و دستور دعا و حمایت معنوی از هیئت جدید صادر شده است.

تحلیل حقوقی این سند:

۱. این سند نشان می‌دهد که رهبران بهایی در ایران، مستقیماً توسط مرکزی در اسرائیل تعیین می‌شوند.
۲. اعضای این تشکیلات «موظف» به اطاعت از دستورات این نهاد خارجی هستند، و این اطاعت صرفاً معنوی

نیست بلکه «تشکیلاتی و اجرایی» است.
۳. در این سند حتی تاریخ دقیق اعلان عمومی و جزئیات تشکیلاتی هم از اسرائیل به ایران ابلاغ شده است.

نتیجه روشن:

حتی اگر فردی از اعضای این شبکه در ایران مرتکب جرم خاصی نشده باشد، **به‌دلیل عضویت در یک ساختار سازمانی که به‌صورت اجرایی، اداری و مالی تحت هدایت یک مرکز خارجی در اسرائیل است، مشمول مراقبت امنیتی و محدودیت قانونی قرار می‌گیرد.**

چرا چنین نظارتی در همه کشورها عادی و ضروری است؟

چنین اقداماتی، امری مختص ایران نیست. در همه کشورهای جهان، وقتی یک شبکه داخلی به‌صورت تشکیلاتی و مالی از خارج کشور کنترل شود، و اعضای آن ملزم به اطاعت از نهاد خارجی باشند، آن گروه تحت مراقبت امنیتی قرار می‌گیرد؛ حتی بدون نیاز به ارتکاب جرم مستقیم توسط اعضا.

مثال‌های جهانی:

- گروه‌هایی مانند فرقه‌های مذهبی افراطی، سازمان‌های وابسته به سرویس‌های اطلاعاتی خارجی یا تشکیلاتی با هدایت مالی-تشکیلاتی از بیرون، در بسیاری از کشورها حتی بدون ارتکاب جرم خاص، محدود شده و اعضای آن‌ها تحت نظارت قرار می‌گیرند.

- در قوانین ضد جاسوسی و امنیتی کشورهای غربی هم، عضویت در تشکیلاتی که هدایت خارجی دارند، می‌تواند محدودیت‌های گسترده ایجاد کند، حتی اگر فرد مرتکب جرم مستقیم نشده باشد.

نکته مهم:

هدف از چنین مراقبت‌هایی، نه مجازات فردی، بلکه «پیشگیری از تهدیدهای ساختاری» است.
در واقع، در چنین مواردی:

- نظارت و محدودیت حقوقی، معطوف به **ساختار شبکه‌ای و وابستگی خارجی** است.

- نظام حقوقی نمی‌گوید این افراد الزاماً مجرم‌اند، اما برای حفظ امنیت ملی و اجتماعی، فعالیت‌های این تشکیلات باید محدود و کنترل شود.

نتیجه‌گیری نهایی:

مرز میان محاکمه قضایی و مراقبت امنیتی کاملاً روشن است:

محاکمه قضایی	مراقبت امنیتی
فقط بر اساس جرم ثابت‌شده	بر پایه تهدید ساختاری و وابستگی خارجی
نیاز به دلایل، شواهد و محاکمه علنی	بر اساس ساختار، هدایت خارجی و اصول امنیت ملی
شخصی و فردی	شبکه‌ای و سازمانی
بدون ارتکاب جرم، امکان مجازات نیست	حتی بدون جرم مستقیم، محدودیت قانونی ممکن است

در موضوع تشکیلات بهائیت:

موضوع، صرفاً به «اعتقاد» یا «آیین» فردی مربوط نمی‌شود؛ بلکه درباره یک **شبکه تشکیلاتی با مرکزیت خارجی** و دستورگیری سازمان‌یافته است.

پس مراقبت و محدودیت امنیتی بر اعضای این تشکیلات، **نه تبعیض است، نه بی‌عدالتی**؛ بلکه یک اقدام پیشگیرانه و قانونی مبتنی بر حفظ امنیت ملی کشور است؛ همان‌گونه که در همه نظام‌های حقوقی جهان نیز وجود دارد.

منبع: https://www.hassanershad.com/12949

مشخصات تعدادی از اعضای سرویس های امنیتی و جاسوسی بیت العدل که در دهه ۶۰ اعدام شدند و ۳ نفر از هیات یاران ایران

اسامی و مشخصات زیر با توجه به رده سازمانیشان تحت عنوان مشاور قاره ای مانند مسیح فرهنگ و هیئت معاونین و مساعدین از سایت اسناد بهایی ستیزی در ایران استخراج شده است که مستقلا در مقاله ای اسناد مربوط به شرح وظایف این سازمان یعنی دار التبلیغ و زیر مجموعه اش شامل مشاورین معاونین و مساعدین به شرح زیر می باشد تقدیم می گردد :

۱ – متولی طراح اصلی نقشه های بر اندازانه که در مقر دائمی دار التبلیغ توسط همین نهاد طراحی می شود

۲ – متولی رشد عصبه انتصابی و موسسات بهائیان از حالت جنینی و نوزادی تا بلوغش که رسیدن موسسات اداری در کشورها به حکومت بهایی است بر عهده این سازمان و زیر مجموعه اش می باشد

۳ – نظارت بر اجرا و عملی کردن نقشه های بر اندازانه در کشورها

۴ – شان و وظیفه اطلاعاتی و جاسوسی در کلیه مواضع و موقعیتها در کل جهان

۵ – اقدامات خاص اطلاعاتی که در لینک زیر موجود است اعم از قرائت منطقه قبل از طراحی نقشه برای برنامه ریزی و کسب اطلاعات حین نقشه و راستی آزمایی آن با اقدامات اطلاعاتی پی در پی

۶ – مسئول صیانت و ضابط قضائی و برخورد سخت با افراد داخل و خارج تشکیلات مانند طرد روحانی و اقدامات ستیزه جویانه با بهائیان ارتدکس و طرح شکایت علیه منتقدینی مانند حسن ارشاد در مجامع بین المللی که لازمه اش اقدامات اطلاعاتی و جاسوسی می باشد

مطالب فوق فعلا در لینک زیر موجود است انشا الله بشکل موضوعی نیز به شرط حیات تقدیم خواهد شد

مختصات نهاد امنیتی بیت العدل (ایادیان امر – دار التبلیغ – هیئت مشاورین قاره ای و هیئت معاونت ترویج و تحکیم)

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : معاون مشاور قاره ای

نام : عفیف نعیمی

لینک :

https://news.bahai.org/human-rights/iran/yaran-special-report/profiles

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : معاون مشاور قاره ای
نام : عفیف نعیمی

bic.org/mr-afif-naeimi

Bahá'í International Community
REPRESENTATIVE OFFICES

MEDIA ROOM | CONTACT | BAHAI.ORG

ABOUT US FOCUS AREAS DOCUMENTS & NEWS OFFICES

Mr. Afif Naeimi



Afif Naeimi, 53, is an industrialist who was unable to pursue his dream of becoming a doctor because as a Baha'i he was denied access to a university education. Instead, he diverted his attention to business, one of the few avenues of work open to Baha'is, taking over his father-in-law's blanket and textile factory.

Mr. Naeimi was born on 6 September 1961 in Yazd. His father died when he was three and he was raised in part by his uncles. While still in elementary school, he was sent to live with relatives in Jordan and, although he started with no knowledge of Arabic, he soon rose to the top of his class.

He has long been active in volunteer Baha'i service. He has taught Baha'i children's classes, conducted classes for adults, taught at the Baha'i Institute of Higher Education, and been a member of the Auxiliary Board, an appointed position which serves principally to inspire, encourage, and promote learning among Baha'is.

He married Ms. Shohreh Khallokhi in the early 1980s. They have two sons.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : معاون مشاور قاره ای

نام : بهروز توکلی

لینک :

https://news.bahai.org/human-rights/iran/yaran-special-report/profiles

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : معاون مشاور قاره ای
نام : بهروز توکلی

Mr. Behrouz Tavakkoli



Download

Behrouz Tavakkoli, 61, was a social worker who lost his government job in the early 1980s because of his Baha'i belief. Prior to his most recent imprisonment, he experienced intermittent detainment and harassment and, three years ago, was jailed for four months without charge, spending most of that time in solitary confinement and developing serious kidney and orthotic problems.

He studied psychology in university and then completed two years of service in the army, where he was a lieutenant. He later took additional training and then specialized in the care of the physically and mentally handicapped, working in a government position until he was fired because of his religion.

He and his wife, Tahereh Fakhri Tuski, have two sons, one of whom lives in Canada and another who has been studying architecture through the Baha'i Institute for Higher Education

Mr. Tavakkoli was elected to the local Baha'i governing council in Mashhad while a student at the university there and later served on a similar council in Sari before such institutions were banned in the early 1980s. He also served on various Baha'i youth committees, and during the early 1980s was appointed to the Auxiliary Board.

To support his family after he lost his government position, Mr. Tavakkoli established a small millwork carpentry shop in the city of Gonbad. He also organized a series of classes in Baha'i studies for adults and young people.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : معاون مشاور قاره ای

نام : وحید تیزفهم

لینک :

https://news.bahai.org/human-rights/iran/yaran-special-report/profiles

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی :   معاون مشاور قاره ای
نام :   وحید تیز فهم

Mr. Vahid Tizfahm



Download

Vahid Tizfahm, 40, is an optician and owner of an optical shop in Tabriz, where he lived until early 2008 when he moved to Tehran.

He was born and spent his youth in the city of Urumiyyih and went to Tabriz at age 18 to study to become an optician. He later continued his education and earned a master's degree in sociology at the Advanced Baha'i Studies Institute, an affiliate of the Baha'i Institute for Higher Education.

Mr. Tizfahm and his wife, Furuzandeh Nikumanesh, have an 11-year-old son.

Since his youth, Mr. Tizfahm has served the Baha'i community in a variety of capacities – for a time as a member of the Baha'i National Youth Committee and later as part of the Auxiliary Board, an advisory group that serves to uplift and inspire Baha'i communities. He has also taught children's classes.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : معاون مشاور قاره ای

نام : ید الله محمود نژاد

اعدام دهه ۶۰

لینک :

[/https://bahaichronicles.org/mona-mahmudnizhad](https://bahaichronicles.org/mona-mahmudnizhad/)

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : معاون مشاور قاره ای
نام : ید الله محمود نژاد

bahaichronicles.org/mo

family, he had a special love for Mona and would say, "Mona is the very child I have asked the Blessed Beauty to give me." The two developed a deep bond and grew together as Bahá'ís. In 1981, Mr. Mahmudnizhad was appointed as an Auxiliary Board Member for the Province of Pars, and was also elected Secretary of the Local Spiritual Assembly of the Bahá'ís of Shiraz. He was one of the most popular teachers in the Bahá'í school. Those who knew them closely said that Mona would often look deeply into her father's eyes in an almost meditative state and communicate with him silently. He was known as a man who was always smiling.



M
on
a'
s
lif
e
ch

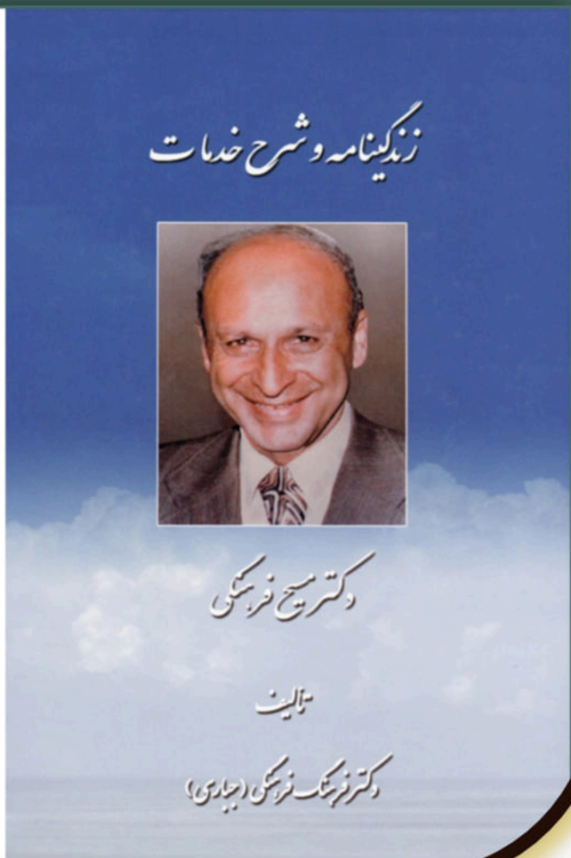
معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : دکتر مسیح فرهنگی
اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://t.me/Bahainoorlibrary/6715

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مشاور قاره ای دار التبلیغ
نام : دکتر مسیح فرهنگی

۶



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : عزت الله اشجاری

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/zyz-allh-ashjary-dr-28 aban-1364-dr-tbryz-tyrbaran-shd



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : کامران لطفی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

[-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/kamran-ltfy-dr-15
frwrdyn-1363-dr-thran-tyrbaran-shd](https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/kamran-ltfy-dr-15-frwrdyn-1363-dr-thran-tyrbaran-shd)



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : پرویز فیروزی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

[-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/prwyz-fyrwzy-dr-7
mrdad-1360-dr-tbryz-tyrbaran-shd](https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/prwyz-fyrwzy-dr-7-mrdad-1360-dr-tbryz-tyrbaran-shd)



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : پرویز فیروزی

پرویز فیروزی – در ۷ مرداد ۱۳۶۰ در تبریز تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تبریز
پرویز فیروزی

۰۷ مرداد ۱۳۶۰

فارسی English

پرویز فیروزی
متولد ۱۶ فروردین ۱۳۲۱ در تبریز

پرویز فیروزی

متولد ۱۶ فروردین ۱۳۲۱ در تبریز

در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۶۰ در تبریز تیرباران شد

پرویز فیروزی در تبریز به دنیا آمد و شش ماهه بود که والدینش به اهر آذربایجان نقل مکان کردند. دورهٔ دبستان را در اهر تکمیل کرد. سپس به تبریز بازگشت و بعد از اتمام دورهٔ دبیرستان، از دانشکدهٔ داروسازی دانشگاه تبریز فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۵۵ به عضویت هیئت مساعدین[۱] درآمد و در سال ۱۳۵۸ به عضویت محفل روحانی محلی[۲] تبریز انتخاب شد.

در ۷ مرداد ۱۳۵۹ به همراه شش تن از اعضای محفل روحانی محلی تبریز بازداشت و زندانی شد. پدرش، رضا فیروزی هم بازداشت شد و در هجده آبان ۱۳۵۹ او را اعدام کردند. یکسال بعد، در روز ۷ مرداد ۱۳۶۰، پرویز فیروزی به همراه شش عضو دیگر محفل، حسین اسدالله زاده، منوچهر خاضعی، عبدالعلی اسدیاری، اسماعیل زهتاب، مهدی باهری، حبیب‌الله تحقیقی و عضو هیئت معاونت، مسرور دخیلی و یک بهائی دیگر، اللهوردی میثاقی تیرباران شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **مساعدین:** اعضای هیئت‌های معاونت، افرادی را با عنوان مساعد انتصاب می‌کنند تا آن‌ها را در انجام وظایفشان در سطح محلی کمک کنند. **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[۲] **محفل روحانی محلی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : سیمین صابری

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/symyn-sabry-dr-28-khrdad-1362-dr-shyraz-bh-dar-awykhth-shd


معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : سیمین صابری

سیمین صابری - در ۲۸ خرداد ۱۳۶۲ در شیراز به دار آویخته شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
شیراز
سیمین صابری، اعدام دسته‌جمعی ۱۰ زن بهائی در شیراز

۲۸ خرداد ۱۳۶۲

فارسی English

سیمین صابری
متولد ۱۱ اسفند ۱۳۳۷ در دولت آباد، فارس
در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۶۲ در شیراز به دار آویخته شد

سیمین صابری

متولد ۱۱ اسفند ۱۳۳۷ در دولت آباد، فارس

در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۶۲ در شیراز به دار آویخته شد

سیمین صابری در یک خانوادهٔ بهائی به دنیا آمد. در دوران کودکی، خانواده‌اش برای ترویج آئین بهائی به شهرهای مختلف ایران مهاجرت کردند. پس از گرفتن دیپلم در یک شرکت کشاورزی در مرودشت فارس مشغول به کار شد. در اوایل انقلاب اسلامی به خاطر اعتقاد به آئین بهائی او را از کار اخراج کردند.

از اعضای مساعدین[1] بود و در روز ۲ آبان ۱۳۶۱ در منزلش دستگیر شد. نخست در بازداشتگاه سپاه زندانی بود سپس به زندان عادل‌آباد منتقلش کردند. در روز ۲۸ خرداد ۱۳۶۲ به همراه ۹ زن بهائی دیگر، نصرت غفرانی یلدائی، عزت جانمی اشراقی، رؤیا اشراقی، طاهره ارجمندی (سیوشی)، منا محمودنژاد، شهین (شیرین) دالوند، اختر ثابت، زرین مقیمی ابیانه و مهشید نیرومند، در میدان چوگان شیراز به دار آویخته شدند. جسد آنان به خانواده‌هایشان تحویل داده نشد و احتمالاً مأمورین دولتی آن‌ها را در گورستان بهائیان شیراز به خاک سپردند.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[1] **مساعدین:** اعضای هیئت‌های معاونت، افرادی را با عنوان مساعد انتصاب می‌کنند تا آن‌ها را در انجام وظایفشان در سطح محلی کمک کنند. **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : روح الله حضوری

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/rwh-allh-hswry-dr-1-bhmn-1363-dr-yzd-tyrbaran-shd



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : روح الله حضوری

خانه اسناد بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته |

روح الله حضوری - در ۱ بهمن ۱۳۶۳ در یزد تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
یزد
روح الله حضوری
۰۱ بهمن ۱۳۶۳

فارسی English

روح‌الله حضوری

متولد ۱۳۲۱ در شریف‌آباد، یزد

در تاریخ ۱ بهمن ۱۳۶۳ در یزد تیرباران شد

روح‌الله حضوری ۴ سال از دوره ابتدائی را در شریف‌آباد به مدرسه رفت و سپس در ضمن کار در تهران در مدرسهٔ شبانه به درس خود ادامه داد. در فناوری برق دیپلم گرفت و در سال ۱۳۵۵ به یزد بازگشت، و در ایستگاه رادیو و تلویزیون آنجا مشغول به کار شد. در سال ۱۳۵۹ پس از شروع انقلاب اسلامی به خاطر اعتقاد به آئین بهائی از کار اخراج شد. در سال ۱۳۵۹ عضو هیئت مساعدین[۱] شد و در سال ۱۳۶۱ به عضویت محفل روحانی محلی[۲] یزد انتخاب شد.

در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۲ او را بازداشت کردند، اما پس از دو ساعت بازپرسی آزاد شد و به او دستور دادند که صبح فردا بازگردد. روز بعد وقتی دوباره مراجعه کرد، زندانی شد. نخست ۲۵ روز در زندان انفرادی بود و سپس در روز ۱۲ آبانماه ۱۳۶۲ به همراه چهار بهائی دیگر به زندان شهربانی منتقل شد. در ۱۹ آذر ۱۳۶۲ او را به زندان سپاه یزد منتقل کردند، و در روز ۱ بهمن‌ماه ۱۳۶۳ تیرباران شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **مساعدین:** اعضای هیئت‌های معاونت، افرادی را با عنوان مساعد انتصاب می‌کنند تا آن‌ها را در انجام وظایفشان در سطح محلی کمک کنند. **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[۲] **محفل روحانی محلی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

روح‌الله حضوری
متولد ۱۳۲۱ در شریف‌آباد، یزد
در تاریخ ۱ بهمن ۱۳۶۳ در یزد تیرباران شد

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : هدایت الله دهقانی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

[-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hdayt-allh-dhqany-dr
tarykh-26-asfnd-1359-dr-shyraz-tyrbaran-shd](https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hdayt-allh-dhqany-dr-tarykh-26-asfnd-1359-dr-shyraz-tyrbaran-shd)



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : هدایت الله دهقانی

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

هدایت الله دهقانی - در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ در شیراز تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
شیراز
هدایت الله دهقانی

۲۶ اسفند ۱۳۵۹

English فارسی

هدایت الله دهقانی

متولد ۱۳۰۴ در کوشکک، آباده، فارس

در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ در شیراز تیرباران شد

هدایت الله دهقانی

متولد ۱۳۰۴ در کوشکک، آباده، فارس

در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ در شیراز تیرباران شد

در آشوب های ضد بهائی در سال ۱۳۲۲ منزل هدایت الله دهقانی مورد حمله قرار گرفت و از بین رفت. او به همراه خانواده اش از کوشکک اخراج شدند و به آباده رفتند. در آباده ازدواج کرد و به کار تجارت و همچنین کشاورزی مشغول شد. عضو محفل روحانی محلی[۱] آباده و از اعضای مساعدین[۲] بود.

در روز ۱۸ مرداد ۱۳۵۹ به همراه سه عضو دیگر محفل روحانی آباده، مهدی انوری، ابراهیم یزدانی و وجیه الله فروزان دستگیر شدند. دو روز در فرماندهی سپاه آباده بازداشت بود، سپس به زندان عادل آباد شیراز منتقل شد. در روز ۲۴ بهمن ۱۳۵۹ ابراهیم یزدانی و وجیه الله فروزان آزاد شدند، ولی او و مهدی انوری در زندان باقی ماندند. سرانجام بعد از ماه ها شکنجه و آزار، در روز ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ تیرباران شدند. اجساد آن ها در حضور خانواده وعدهٔ زیادی از دوستان، به خاک سپرده شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی**: هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **مساعدین:** اعضای هیئت‌های معاونت، افرادی را با عنوان مساعد انتصاب می‌کنند تا آن‌ها را در انجام وظایفشان در سطح محلی کمک کنند. **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک ... است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : هدایت الله سیاوشی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

[https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hdayt-allh-syawshy-dr-11-
dy-1361-dr-shyraz-bh-dar-awykhth-shd](https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hdayt-allh-syawshy-dr-11-dy-1361-dr-shyraz-bh-dar-awykhth-shd)

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : هدایت الله سیاوشی

هدایت الله سیاوشی

متولد ۱۵ خرداد ۱۳۳۱ در یزد

در تاریخ ۱۱ دی ۱۳۶۱ در شیراز به دار آویخته شد

هدایت الله سیاوشی در یک خانوادهٔ بهائی متولد شد. پس از اتمام دورهٔ دبستان، همراه با خانواده‌اش به شیراز رفتند و در آنجا دبیرستان را تمام کرد. از اعضای مساعدین[۱] بود. در سال ۱۳۵۹ به جای یکی از اعضای زندانی محفل روحانی محلی[۲] شیراز، به عضویت محفل درآمد.

در روز۲۲ مرداد ۱۳۶۰ به همراه دو بهائی دیگر بازداشت شدند. نخست در بازداشتگاه سپاه شیراز بودند و سپس به زندان عادل‌آباد منتقل شدند. در زندان به شدت شکنجه شد و سرانجام در روز ۱۱ دی ۱۳۶۱ او را به دار آویختند. جسدش را خانواده‌اش در گورستان بهائی شیراز، با حضور ۴۰ نفر از بهائیان و با آداب بهایی به خاک سپردند.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **مساعدین:** اعضای هیئت‌های معاونت، افرادی را با عنوان مساعد انتصاب می‌کنند تا آن‌ها را در انجام وظایفشان در سطح محلی کمک کنند.

هیئت معاونت: افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[۲] **محفل روحانی محلی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

خانه اسناد
بهائی‌ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته |

هدایت الله سیاوشی - در ۱۱ دی ۱۳۶۱ در شیراز به دار آویخته شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
شیراز
هدایت الله سیاوشی

۱۱ دی ۱۳۶۱

فارسی English



هدایت الله سیاوشی

متولد ۱۵ خرداد ۱۳۳۱ در یزد

در تاریخ ۱۱ دی ۱۳۶۱ در شیراز به دار آویخته شد

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : منوچهر فرزانه موید

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hdayt-allh-syawshy-dr-11
dy-1361-dr-shyraz-bh-dar-awykhth-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : منوچهر فرزانه موید

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

منوچهر فرزانه مؤید - در ۱۸ تیر ۱۳۶۱ در قزوین اعدام شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
قزوین
منوچهر فرزانه مؤید

۱۸ تیر ۱۳۶۱

فارسی English



منوچهر فرزانه مؤید

متولد ۵ شهریور ۱۳۰۶ در تهران

در تاریخ ۱۸ تیر ۱۳۶۱ در قزوین اعدام شد

منوچهر فرزانه مؤید پس از تکمیل دورهٔ دبیرستان، در رشتهٔ بانکداری و امور مالی از دانشگاه آبادان لیسانس گرفت. در سال ۱۳۴۳ در بانک اعتبارات ایران و فرانسه در تهران استخدام شد. ده سال بعد، در سال ۱۳۵۳ به قزوین رفت و در آنجا عضو محفل روحانی محلی[۱] شد. در سال ۱۳۵۸ به عنوان رئیس بانک به شیراز منتقل شد. در مدتی که در شیراز بود، عضو هیئت مساعدین[۲] بود. در اوایل انقلاب اسلامی، او را پس از ۱۸ سال خدمت در بانک، به اجبار بازنشسته کردند.

در روز ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۱ در هنگام سفر به قزوین بازداشت شد. او را به زندان چوبیندر بردند و دو ماه بعد در روز ۱۸ تیر ۱۳۶۱ به همراه سه بهائی دیگر، جدیدالله اشرف، محمد منصوری و محمد عباسی اعدام شدند. اجساد آنان در دهکدهٔ ککین در ۵۰ کیلومتری قزوین، در حضور خانواده به خاک سپرده شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی**: هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **مساعدین**: اعضای هیئت‌های معاونت، افرادی را با عنوان مساعد انتصاب می‌کنند تا آن‌ها را در انجام وظایفشان در سطح محلی کمک کنند. **هیئت معاونت**: افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : مهدی انوری

اعدام دهه ۶۰

لینک :

[-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/mhdy-anwry-dr-26
asfnd-1359-dr-shyraz-tyrbaran-shd](https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/mhdy-anwry-dr-26-asfnd-1359-dr-shyraz-tyrbaran-shd)



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : مهدی انوری

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته |

مهدی انوری - در ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ در شیراز تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
شیراز
مهدی انوری
۲۶ اسفند ۱۳۵۹

فارسی English

مهدی انوری

متولد ۱۳۰۰ در تفت، شیراز

در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ در شیراز تیرباران شد

مهدی انوری از سن ۱۴ سالگی در داروخانهٔ پدرش به کار مشغول بود تا اینکه در سال ۱۳۳۳ خود او داروخانهٔ دیگری باز کرد. در سال ۱۳۳۵ ازدواج کرد. چند سال بعد با همسرش به مشهد نقل‌مکان کردند تا همسرش بتواند به در رشتهٔ پزشکی دانشگاه مشهد تحصیل کند. بعد از اتمام دانشگاه پزشکی به شیراز بازگشتند. بعد به آباده رفتند. در آباده به عضویت محفل روحانی محلی[۱] و همچنین هیئت مساعدین[۲] انتخاب شد.

در روز ۱۸ مرداد ۱۳۵۹ به همراه سه عضو دیگر محفل روحانی آباده، هدایت الله دهقانی، ابراهیم یزدانی و وجیه‌الله فروزان بازداشت شدند. دو روز بعد به زندان عادل‌آباد شیراز منتقل شد. در روز ۲۴ دی ۱۳۵۹ ابراهیم یزدانی و وجیه الله فروزان آزاد شدند. او و هدایت الله دهقانی، دو ماه بعد در روز ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ تیرباران شدند. اجسادشان در روز ۲۷ اسفندماه ۱۳۵۹ در حضور خانواده و جمع بزرگی از دوستانشان در شیراز به خاک سپرده شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی**: هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **مساعدین:** اعضای هیئت‌های معاونت، افرادی را با عنوان مساعد انتصاب می‌کنند تا آن‌ها را در انجام وظایفشان در سطح محلی کمک کنند. **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک ... است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : روح الله بهرامشاهی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

[-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/rwh-allh-bhramshahy dr-6-asfnd-1363-dr-yzd-adam-shd](https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/rwh-allh-bhramshahy-dr-6-asfnd-1363-dr-yzd-adam-shd)


معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : روح الله بهرامشاهی

خانه اسناد بهائی ستیزی در ایران

روح الله بهرامشاهی - در ۶ اسفند ۱۳۶۳ در یزد اعدام شد

روح‌الله بهرامشاهی

متولد ۱۳۱۲ در راحت آباد، تفت، فارس

در تاریخ ۶ اسفند ۱۳۶۳ در یزد اعدام شد

روح‌الله بهرامشاهی در یک خانوادهٔ بهائی متولد شد. تا کلاس هفت در ایران درس خواند، سپس به همراه چند جوان به پاکستان و سپس به هند رفت. در هند در مغازهٔ یکی از بهائیان بمبی مشغول به کار شد. برای تشکیل اولین محفل روحانی محلی[۱] دهکده‌ای به نام اللهآباد به این دهکده مهاجرت کرد. پس از مدتی به ایران بازگشت و در سال ۱۳۳۷ ازدواج کرد. یک سال بعد با همسرش به هند رفتند و در بمبی مستقر شدند. در آنجا در رشته بازرگانی لیسانس گرفت و سپس به ایران بازگشت. بعد از بازگشت در یزد زندگی می‌کرد و در آنجا عضو هیئت مساعدین[۲] بود. در سال ۱۳۶۰ به عضویت محفل روحانی یزد انتخاب شد.

در روز ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۲ بازداشت شد و پس از حدود دو سال زندان، در روز ۶ اسفند ۱۳۶۳ اعدام شد. جسدش را با آداب بهائی در گورستان بهائی یزد به خاک سپردند.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی**: هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **مساعدین:** اعضای هیئت‌های معاونت، افرادی را با عنوان مساعد انتصاب می‌کنند تا آن‌ها را در انجام وظایفشان در سطح محلی کمک کنند. **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک ... است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/r

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : جلال مستقیم

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/jlal-mstqym-dr-17-shhrywr-1359-dr-yzd-tyrbaran-shd



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : جلال مستقیم

خانه اسناد بهائی‌ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

جلال مستقیم - در ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ در یزد تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
یزد
جلال مستقیم

۱۷ شهریور ۱۳۵۹

فارسی English

جلال مستقیم

متولد: ۱۳۰۷، مروست، یزد

در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ در یزد تیرباران شد

در یک خانوادهٔ بهائی به دنیا آمد. پدرش از یک خانوادهٔ مسلمان بود و بعد از آنکه بهائی شده بود، خانواده با او قطع رابطه کرده بودند و از ارث محروم شده بود. جلال مستقیم تا کلاس چهار ابتدائی درس خواند. از کودکی شاهد آزار و تبعیض‌های بسیاری بود که به خاطر بهائی بودن خانواده‌اش بر آن‌ها تحمیل می‌شد. حتی شاهد بود که خانه‌شان را غارت کردند. وقتی ۱۸ ساله بود، خانواده‌اش به یزد رفتند. از سال ۱۳۵۲ عضو محفل روحانی محلی[۱] یزد بود، و در سال ۱۳۵۵ به عضویت هیئت مساعدین[۲] هم انتخاب شد.

در روز ۲۸ خرداد ۱۳۵۹ بعد از بازگشت از جلسهٔ محفل در منزلش دستگیر شد. در همان شب دیگر اعضاء محفل روحانی هم دستگیر شدند و همگی را به زندان نظامی بردند.

در روز ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ به همراه شش بهائی دیگر، عزیزالله ذبیحیان، فریدون فریدانی، نورالله اختر خاوری، محمود حسن‌زاده، علی مطهری و عبدالوهاب کاظمی منشادی تیرباران شدند.

جزئیات اعدام آن‌ها معلوم نیست ولی گفته می‌شود که در باغی خارج از شهر، یک به یک به دست مأموری تیرباران شدند و هر کدام اصرار داشته قبل از بقیه کشته شود. اجساد آن‌ها خارج از شهر، در زمینی خالی و دور افتاده با حضور اقوام و ۲۰۰ نفر از بهائیان به خاک سپرده شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی**: هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **مساعدین**: اعضای هیئت‌های معاونت، افرادی را با عنوان مساعد انتصاب می‌کنند تا آن‌ها را در انجام وظایفشان در سطح محلی کمک کنند.

هیئت معاونت: افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : یوسف عباسیان میلانی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/ywsf-basyan-mylany dr-30-mrdad-1359-dr-thran-rbwdh-w-napdyd-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : یوسف عباسیان میلانی

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

یوسف عباسیان میلانی - در ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ در تهران ربوده و ناپدید شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تهران
یوسف عباسیان میلانی

۳۰ مرداد ۱۳۵۹

فارسی English



یوسف عباسیان میلانی

متولد ۱۳۰۶ در عشق‌آباد

در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ در تهران ربوده و ناپدید شد

یوسف عباسیان میلانی

متولد ۱۳۰۶ در عشق‌آباد

در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ در تهران ربوده و ناپدید شد

یوسف عباسیان میلانی در یک خانوادهٔ بهائی متولد شد. در رشتهٔ دندانپزشکی دانشگاه تهران تحصیل کرد. در سال ۱۳۳۶ برای تخصص به ایالت متحده آمریکا رفت. در بازگشت به ایران به عضویت هیئت معاونت[۱] انتخاب شد.

در روز ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ محفل روحانی ملی[۲] جلسهٔ مشترکی با او و یکی دیگر از اعضای هیئت معاونت، حشمت‌الله روحانی داشت. در حدود ساعت ۴ بعدازظهر، عده‌ای پاسدار به جلسه حمله کردند. او و دیگر اعضای محفل روحانی ملی ـ عبدالحسین تسلیمی، هوشنگ محمودی، ابراهیم رحمانی، حسین نجی، منوهر قائم مقامی، عطاءالله مقربی، یوسف قدیمی، کامبیز صادق زاده و بهیه نادری و عضو دیگر هیئت معاونین، حشمت‌الله روحانی را با خود بردند. بعد از آن هیچ نشانی از آنان به دست نیامد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[۲] **محفل روحانی ملی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر کشور انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن کشور است.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : حشمت الله روحانی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hshmt-allh-rwhany-dr-30
mrdad-1359-dr-thran-rbwdh-w-napdyd-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : حشمت الله روحانی

حشمت الله روحانی

متولد ۱۳۱۰ در نجف آباد، اصفهان

در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ در تهران ربوده شد

حشمت الله روحانی در یک خانوادهٔ بهایی متولد شد. بعد از تکمیل دبستان و دبیرستان، تحصیلات پزشکی خود را در دانشگاه تهران به پایان رساند. سال‌ها به عنوان مدیر پزشکی در سازمان‌های مختلف دولتی در شهرهای کرج، ری و تهران خدمت کرد. در شهرهای کاشان و کرج به عنوان عضو محافل روحانی محلی[۱] انتخاب شد، سپس به عضویت هیئت معاونت[۲] در آمد و تا ساعتی که ربوده شد مشغول به فعالیت بود.

در روز ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ جلسهٔ مشترک محفل روحانی ملی[۳] با او و یکی دیگر از اعضای هیئت معاونت، یوسف عباسیان برای مشورت درباره وضع بهائیان زندانی شدهٔ یزد و همدان تشکیل شد. در حدود ساعت ۴ بعدازظهر عده‌ای پاسدار به جلسه حمله کردند. اعضای محفل روحانی ملی ـ هوشنگ محمودی، عبدالحسین تسلیمی، ابراهیم رحمانی، حسین نجی، منوهر قائم مقامی، عطاءالله مقربی، یوسف قدیمی، کامبیز صادق زاده، بهیه نادری، به همراه او و یوسف عباسیان میلانی را با خود بردند. بعد از آن دیگر هیچ نشانی از آنان به دست نیامد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچکتر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

۳ **محفل روحانی ملی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر کشور انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی آن کشور است.

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته |

حشمت الله روحانی - در ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ در تهران ربوده و ناپدید شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تهران
حشمت الله روحانی

۳۰ مرداد ۱۳۵۹

فارسی English



حشمت الله روحانی

متولد ۱۳۱۰ در نجف آباد، اصفهان

در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ در تهران ربوده شد

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : ژینوس نعمت محمودی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

**-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/zhynws-nmt-mhmwdy
dr-6-dy-1360-dr-thran-tyrbaran-shd**



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : ژینوس نعمت محمودی

خانه اسناد بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

ژینوس نعمت محمودی - در ۶ دی ۱۳۶۰ در تهران تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تهران
ژینوس نعمت محمودی
۰۶ دی ۱۳۶۰

English | فارسی

ژینوس نعمت محمودی

متولد ۱۶ مرداد ۱۳۰۷ در تهران

در تاریخ ۶ دی ۱۳۶۰ در تهران تیرباران شد

ژینوس نعمت محمودی در یک خانوادهٔ بهائی به دنیا آمد. بعد از اتمام دبستان و دبیرستان، در دانشکدهٔ فیزیک دانشگاه تهران تحصیل کرد و فوق‌لیسانس هواشناسی گرفت. او اولین زن هواشناس ایران بود و در حرفه‌اش بسیار موفق شد. استاد دانشگاه تهران و رئیس مدرسهٔ هواشناسی و رئیس سازمان هواشناسی ایران بود. حاصل ۱۵ سال تحقیقات خود را در کتابی به نام اطلس جغرافیائی ایران منتشر کرد. پس از انقلاب اسلامی حقوق کاری و بازنشستگی او قطع شد.

در مقاطع مختلف عضو محفل روحانی محلی[۱] تهران و گوهردشت بود. در سال ۱۳۵۶ عضو هیئت معاونت[۲] برای تهران، همدان و قسمت غرب ایران شد. در ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ همسرش، هوشنگ محمودی که عضو محفل روحانی ملی[۳] ایران بود، همراه با هشت عضو دیگر محفل و دو عضو هیئت معاونت ربوده و ناپدید شدند. ژینوس نعمت محمودی به عضویت دومین محفل روحانی ملی ایران انتخاب شد. کمی بیش از یک سال بعد، در ۲۲ آذر ۱۳۶۰ به همراه هفت عضو دیگر محفل ملی، کامران صمیمی، محمود مجذوب، جلال عزیزی، سیروس روشنی، عزت‌الله فروهی، قدرت الله روحانی و مهدی امین امین بازداشت شدند. دو هفته بعد در روز ۶ دی ۱۳۶۰ همگی تیرباران شدند. اجساد آنان را به خانواده‌هایشان تحویل ندادند و احتمالاً مأمورین دولتی آن‌ها را به خاک سپردند.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[۳] **محفل روحانی ملی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر کشور انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : محمد اشراقی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

[-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/mhmd-ashraqy-dr-9
shhrywr-1362-dr-thran-adam-shd](https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/mhmd-ashraqy-dr-9-shhrywr-1362-dr-thran-adam-shd)



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : محمد اشراقی

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

محمد اشراقی - در ۹ شهریور ۱۳۶۲ در تهران اعدام شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تهران
محمد اشراقی

۰۹ شهریور ۱۳۶۲

فارسی English

محمد اشراقی

متولد ۱۲۷۸ در کرمان

در ۹ شهریور ۱۳۶۲ در تهران اعدام شد

محمد اشراقی در یک خانوادهٔ بهائی متولد شد. در ۲۱ سالگی به عضویت محفل روحانی محلی[۱] کرمان انتخاب شد. در سال ۱۳۰۸ به اصفهان رفت و در آنجا ازدواج کرد. در سال ۱۳۳۴ بازنشسته شد و در نقاط مختلف ایران برای ترویج آئین بهائی سکونت کرد. در سال ۱۳۴۲ عضو هیئت معاونت[۲] شد، و تا زمانی که او را بازداشت کردند عضو این هیئت بود.

در روز ۲۶ بهمن ۱۳۶۱ با تلفن او را به دادستانی احضار کردند. صبح روز بعد در دادستانی حاضر شد و پس از چندین ساعت بازجوئی و تجسس خانه‌اش او را بازداشت کردند و به زندان قصر بردند. ماه‌ها بعد، وقتی خانواده‌اش برای ملاقات به زندان رفتند، مطلع شدند که اعدام شده است. وقتی به دفتر پزشک قانونی مراجعه کردند، به آن‌ها اطلاع دادند که گواهی فوت در روز ۹ شهریور ۱۳۶۲ صادر شده است.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچکتر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : الله وردی میثاقی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

**-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/allh-wrdy-mythaqy-dr-7
mrdad-1360-dr-tbryz-tyrbaran-shdnd**



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : الله وردی میثافی

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته |

الله وردی میثاقی - در ۷ مرداد ۱۳۶۰ در تبریز تیرباران شدند

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تبریز
الله وردی میثاقی

۰۷ مرداد ۱۳۶۰

فارسی English

اللهوردی میثاقی

متولد سال ۱۲۹۹ در ممقان، آذربایجان

در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۶۰ در تبریز تیرباران شد

اللهوردی میثاقی دورهٔ دبیرستان را در ممقان گذراند و بعد به تبریز رفت و از دانشکده هنر دانشگاه تبریز فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۳۲ ازدواج کرد و پنج فرزند داشت. در همان اوایل انقلاب اسلامی، بعد از نزدیک به ۴۰ سال خدمت، از وزارت آموزش و پرورش اخراج شد.

در تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹ در منزل خود بازداشت و در تبریز زندانی شد. در روز ۷ مرداد ۱۳۶۰ به همراه عضو هیئت معاونت[۱]، مسرور دخیلی و هفت عضو دیگر محفل روحانی محلی[۲] تبریز، حسین اسدالله زاده، منوچهر خاضعی، عبدالعلی اسدیاری، اسماعیل زهتاب، پرویز فیروزی، مهدی باهری و حبیب‌الله تحقیقی تیرباران شدند. روز بعد خبر اعدام آن‌ها را به خانواده‌های آنان اطلاع دادند.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[۲] **محفل روحانی محلی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : ید الله وحدت

اعدام دهه ۶۰

لینک :

[-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/ydallh-whdt-dr-10
ardybhsht-1360-dr-shyraz-tyrbaran-shd](https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/ydallh-whdt-dr-10-ardybhsht-1360-dr-shyraz-tyrbaran-shd)



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : شاپور هوشنگ مرکزی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

[-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/shapwr-hwshng-mrkzy-dr-1-mhr-1363-dr-thran-adam-shd](https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/shapwr-hwshng-mrkzy-dr-1-mhr-1363-dr-thran-adam-shd)



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : شاپور (هوشنگ) مرکزی

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

شاپور (هوشنگ) مرکزی - در ۱ مهر ۱۳۶۳ در تهران اعدام شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تهران
شاپور (هوشنگ) مرکزی

۰۱ مهر ۱۳۶۳

فارسی English

شاپور (هوشنگ) مرکزی

متولد ۱۳۰۸ در همدان

در تاریخ ۱ مهر ۱۳۶۳ در تهران اعدام شد

شاپور (هوشنگ) مرکزی در سال ۱۳۱۳ با خانواده‌اش به تهران نقل مکان کرد. در آنجا دورهٔ ابتدائی و دبیرستان را تکمیل کرد. بعد، برای ترویج آئین بهائی به بحرین مهاجرت کرد. هفت سال در بحرین بود، و پس از بازگشت به ایران در موسسهٔ آبیاری در شهرهای مختلف مشغول به کار شد. از اعضای هیئت معاونت[1] بود. پس از دستگیری و اعدام اعضای دومین محفل روحانی ملی[2] ایران در سال ۱۳۶۱ به عضویت سومین محفل روحانی ملی ایران انتخاب شد.

در مهر ۱۳۶۲ دستگیر و در زندان اوین حبس شد. شکنجه‌های شدید باعث شکستگی قفسه سینه و از دست دادن بینائی یک چشمش شد. در روز ۱ مهرماه ۱۳۶۳ اعدام شد. جسد وی به خانواده‌اش تحویل داده نشد و احتمالاً مأمورین دولتی او را به خاک سپردند.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[۲] **محفل روحانی ملی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر کشور انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن کشور است.

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title=”24- عزیزالله ذبیحیان” tab_id=”1689914053829-88f15437-6f9d”][vc_column_text]**معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی**

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : عزیز الله ذبیحیان

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/zyzallh-dhbyhyan-dr-17-shhrywr-1359-dr-yzd-tyrbaran-shd



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : فرید بهمردی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/fryd-bhmrdy-dr-20
khrdad-1365-dr-thran-bh-dar-awykhth-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : فرید بهمردی

خانه | خانه اسناد بهائی ستیزی در ایران

فرید بهمردی - در ۲۰ خرداد ۱۳۶۵ در تهران به دار آویخته شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تهران
فرید بهمردی

۲۰ خرداد ۱۳۶۵ | فارسی



فرید بهمردی

متولد ۱۳۱۸ در طبریه

در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳٦٥ در تهران به دار آویخته شد

پدر و مادر فرید بهمردی در عدسیه، واقع در فلسطین آن زمان ساکن بودند. او فرزند چهارم خانواده بود و در طبریه متولد شد. در ایام جوانی به ایران آمد، نخست در یزد و سپس در تهران مستقر شد. به عضویت هیئت معاونت[۱] و به عضویت سومین محفل روحانی ملی[۲] ایران انتخاب شد.

در روز ۸ مرداد ۱۳٦۳ بازداشت و در اوین زندانی شد. ۹ ماه را در حبس انفرادی به سر برد و در این مدت سخت شکنجه شد. یکبار که او را برای تجسس مدارک، به منزلش آوردند، همسایگان آثار کبودی و شلاق شدید را روی بدنش دیده بودند. او در روز ۲۰ خرداد ۱۳٦٥ به دار آویخته شد. جسد وی را به خانواده‌اش ندادند و احتمالاً مأمورین دولتی او را به خاک سپردند.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[۲] **محفل روحانی ملی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر کشور انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن کشور است.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : فریدون فریدانی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

**-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/frydwn-frydany-dr-17
shhrywr-1359-dr-yzd-tyrbaran-shd**



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : فریدون فریدانی

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته |

فریدون فریدانی - در ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ در یزد تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
یزد
فریدون فریدانی

۱۷ شهریور ۱۳۵۹

فارسی English

فریدون فریدانی

متولد ۱۳۰۱ در یزد

در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ در یزد تیرباران شد

فریدون فریدانی دریک خانوادهٔ بهائی به دنیا آمد. پس از اتمام دبیرستان، در رشتهٔ علوم تربیتی دیپلم رفت و به عنوان معلم به استخدام وزارت آموزش و پرورش یزد درآمد. پس از چندی در قسمت اداری و امور دفتری آن اداره مشغول کار شد. در سال ۱۳۲۹ به عضویت محفل روحانی محلی[۱] یزد انتخاب شد و چند سال بعد از آن، عضو هیئت معاونت[۲] شد.

در روز ۳۱ تیر۱۳۵۹ بازداشت شد و شش هفته بعد، در روز ۱۷ شهریور۱۳۵۹ به همراه شش بهائی دیگر، عزیزالله ذبیحیان، نورالله اختر خاوری، جلال مستقیم، محمود حسن‌زاده، علی مطهری و عبدالوهاب کاظمی منشادی تیرباران شدند.

جزئیات اعدام آن‌ها معلوم نیست ولی گفته می‌شود در باغی خارج از شهر به دست مأموری، یک به یک تیرباران شدند و هر کدام اصرار داشته که قبل از بقیه کشته شود. اجساد آن‌ها خارج از شهر، در زمینی خالی و دور افتاده با حضور اقوام و ۲۰۰ نفر از بهائیان به خاک سپرده شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی**: هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **هیئت معاونت**: افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : عزت الله فروهی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/zt-allh-frwhy-dr-6-
dy-1360-dr-thran-tyrbaran-shd



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : عزت الله فروهی

خانه اسناد بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

عزت الله فروهی - در ۶ دی ۱۳۶۰ در تهران تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تهران
عزت الله فروهی

۰۶ دی ۱۳۶۰

فارسی English

عزت الله فروهی

متولد ۱۰ دی ۱۳۱۳ در بروجن، چهارمحال بختیاری

در تاریخ ۶ دی ۱۳۶۰ در تهران تیرباران شد

عزت الله فروهی پس از پایان دبستان در بروجن برای تحصیل در دبیرستان به تهران رفت و بعد از دیپلم، از دانشگاه اصفهان مدرک پزشکی گرفت. پس از دو سال خدمت نظام وظیفه در شهرهای مختلف ایران، به اصفهان بازگشت و دو سال در آنجا ماند. بعد در تهران به عنوان استادیار در دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه تهران مشغول به کار شد. چند سال پس از آن، رئیس قسمت بیهوشی بیمارستان ۷۰۰ تختخوابی شد. یک سال پس از انقلاب اسلامی، بخاطر اعتقاد به دیانت بهائی اخراج شد.

به چندین کشور آفریقایی برای ترویج آئین بهائی سفر کرد و در سال ۱۳۵۸ به عضویت هیئت معاونت[1] درآمد. در سال ۱۳۵۹ به عضویت محفل روحانی محلی[2] تهران انتخاب شد. در اواخر ۱۳۶۰ عضو دومین محفل روحانی ملی[3] شد.

در روز ۲۲ آذر ۱۳۶۰ بازداشت شد. در روز ۶ دی همان سال به همراه هفت عضو دیگر محفل روحانی ملی، ژینوس نعمت محمودی، کامران صمیمی، محمود مجذوب، جلال عزیزی، مهدی امین امین، سیروس روشنی و قدرت الله روحانی تیرباران شدند. جسد آنان به خانواده‌هایشان تحویل داده نشد و احتمالا مأمورین دولتی آنها را به خاک سپردند.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[1] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچکتر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[2] **محفل روحانی محلی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[3] **محفل روحانی ملی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر کشور انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن کشور است.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : جلال پیروی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/jlal-pyrwy-dr-15-ardybhsht-1363-dr-tbryz-tyrbaran-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : جلال پیروی

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته |

جلال پیروی - در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۳ در تبریز تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تبریز
جلال پیروی

۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۳

فارسی English



جلال پیروی

متولد ۶ فروردین ۱۳۱۶ در روستای میلان، اسکو، آذربایجان شرقی

در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۳ در تبریز تیرباران شد

جلال پیروی در یک خانوادهٔ بهائی متولد شد. بیشتر دوران کودکی خود را در روستای میلان سپری کرد و سپس به تبریز رفت. در آنجا دوران دبیرستان را تکمیل کرد و از دانشگاه تبریز، لیسانس مهندسی کشاورزی گرفت. در وزارت کشاورزی استخدام شد و در شهرهای مختلف کار می‌کرد تا سرانجام در ارومیه مستقر شد. در سال ۱۳۶۰ به خاطر اعتقاد به آئین بهائی او را از کار اخراج کردند. عضو هیئت معاونت[۱] برای آذربایجان شرقی و غربی بود و تا وقتی بازداشت شد در این وظیفه فعال بود.

در روز ۲۸ مهر ۱۳۶۰ در ارومیه بازداشت شد. تا ۲۵ روز خانواده‌اش از محل او بی‌خبر بودند. در این مدت سخت شکنجه شد. بالاخره او را به بازداشتگاه ارومیه بردند، و حدود شش ماه بعد، در روز ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ به زندان تبریز منتقل شد. دو سال در زندان تبریز بود، تا سرانجام در روز ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳ به همراه مقصود علیزاده در میدان تیر تبریز، تیرباران شدند. خانواده و دوستان، روز بعد از واقعه باخبر شدند. اجساد آن‌ها در روز ۱۷ اردیبهشت با حضور جمعیت زیادی از بهائیان با آداب بهائی به خاک سپرده شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچکتر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : مسرور دخیلی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

**-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/msrwr-dkhyly-dr-7
mrdad-1360-dr-tbryz-tyrbaran-shd**



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : حبیب الله تحقیقی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hbyb-allh-thqyqy-dr-7-mrdad-1360-dr-tbryz-tyrbaran-shd



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : حبیب الله تحقیقی

خانه اسناد بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

حبیب الله تحقیقی - در ۷ مرداد ۱۳۶۰ در تبریز تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تبریز
حبیب الله تحقیقی

۰۷ مرداد ۱۳۶۰

فارسی English

حبیب‌الله تحقیقی

متولد ۴ آبان ۱۳۰۶ در یزد

در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۶۰ در تبریز تیرباران شد

در اوایل کودکی او، پدر و مادرش به اهواز نقل مکان کردند. در آنجا دورهٔ دبیرستان را تمام کرد و به دانشکدهٔ نفت آبادان رفت. سپس برای ادامهٔ تحصیل در انگلستان بورس تحصیلی گرفت. پس از مراجعت به ایران به استخدام پالایشگاه نفت آبادان درآمد. در سال ۱۳۳۶ ازدواج کرد و در سال ۱۳۴۶ به پالایشگاهی نزدیک تهران منتقل شد. ده سال بعد، برای تاسیس پالایشگاه نفت او را به تبریز فرستادند.

عضو محفل روحانی محلی[۱] تبریز بود. در سال ۱۳۶۰، او را به دلیل اعتقاد به آئین بهایی، از کار بازنشسته کردند. در روز ۱۶ فروردین ۱۳۶۰ بازداشت و در زندان تبریز حبس شد و تا سه ماه اجازهٔ ملاقات به او ندادند. در روز ۶ مرداد ۱۳۶۰ به همراه هشت بهائی دیگر ـ اللهوردی میثاقی، مسرور دخیلی، عضو هیئت معاونت[۲] و شش عضو محفل روحانی تبریز، حسین اسدالله زاده، منوچهر خاضعی، عبدالعلی اسدیاری، اسماعیل زهتاب، مهدی باهری و پرویز فیروزی تیرباران شدند.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : مسیح فرهنگی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

[-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/msyh-frhngy-dr-3 tyr-1360-dr-thran-tyrbaran-shd]


معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی عضو مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : مسیح فرهنگی

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

مسیح فرهنگی – در ۳ تیر ۱۳۶۰ در تهران تیرباران شد

شخصی، تهدید جانی وتهاجم، تصاویر شهدا
تهران
مسیح فرهنگی

۰۳ تیر ۱۳۶۰

فارسی English

مسیح فرهنگی

متولد ۱۲۹۱ در لرزین، نزدیک شهسوار، مازندران

در تاریخ ۳ تیر ۱۳۶۰ در تهران تیرباران شد

مسیح فرهنگی پزشکی زبردست بود و در رشت مطب داشت. در سال ۱۳۲۱ برای ترویج آئین بهائی با خانوادهٔ خود به عراق مهاجرت کرد و عضو محفل روحانی ملی[۱] عراق شد. چند سال بعد دولت عراق دستور داد عراق را ترک کند، و او به ایران بازگشت. از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۵ عضو محفل روحانی ملی ایران بود تا اینکه به ترکیه مهاجرت کرد و شش سال در آنجا اقامت داشت. در ترکیه هم به عضویت محفل روحانی ملی انتخاب شد. بعد از شش سال دوباره به ایران بازگشت و پس از مراجعت باز هم عضو محفل ملی ایران شد.

در سال ۱۳۴۷ به عضویت هیئت مشاورین قاره[۲] آسیا انتخاب شد و تا زمان بازداشت در این وظیفه مشغول به فعالیت بود. در دی ۱۳۵۸ بازداشت شد و به زندان اوین رفت. در روز ۳ تیر ۱۳۶۰ به همراه سه بهائی دیگر، بدیع الله فرید، یدالله پوستچی و ورقا تبیانیان (تبیانی) تیرباران شدند. اجسادشان در حضور صدها نفر در گورستان بهائی تهران به خاک سپرده شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی ملی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر کشور انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن کشور است.

[۲] **هیئت مشاورین قاره‌ای:** افرادی که با تصمیم بیت‌العدل اعظم برای دوره‌ای پنج ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که شامل چندین کشور در یک قاره است به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. مشاورین قاره‌ای در ارتباط با محافل روحانی ملی نقش مشورتی دارند.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : طاهره ارجمند سیاوشی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-3368/tahirih-arjumandi-siyavushi



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : طاهره ارجمند سیاوشی

طاهره ارجمندی سیاوشی

خانم ارجمندی متولد ۱۳۳۰ در تهران و ساکن شیراز بود. او متاهل بود و به همسرش عشق می‌ورزید. خانم ارجمندی در دوران نوجوانی و اوایل جوانی عضو فعال کلاس‌های درس اخلاق و تشکیلات جوانان بود. خانم ارجمندی فارغ‌التحصیل رشته پرستاری از دانشگاه تهران و مساعد هیات معاونین بهائیان و عضو لجنه* نشر معارف در شیراز بود. کسانی که خانم ارجمندی را از نزدیک می‌شناسند او را فردی با گذشت و فداکار معرفی می‌کنند و برای او احترام قایل بودند. (خانه‌ی اسناد بهایی ستیزی، بدون تاریخ؛ یوتیوب – مرتضی اسماعیل‌پور – ۸ اردیبهشت ۱۳۹۵؛ مجله‌ی عندلیب؛ کانال یوتیوب مرتضی اسماعیل‌پور، ۲۶ خرداد ۱۳۹۵)

خانم ارجمندی در امتحان اعزام دانشجو به خارج از کشور هم رتبه قبولی گرفته و شرایط تحصیل در امریکا برای او فراهم شده بود اما او تصمیم گرفت در ایران بماند و در دانشگاه تهران به ادامه تحصیل بپردازد. (ایران وایر)

خانم ارجمندی در سال ۱۳۵۵ همراه با همسرش، آقای جمشید سیاوشی، برای تشکیل محفل بهایی به شهر یاسوج مهاجرت کرد. او در این شهر در یک بیمارستان مشغول کار بود و به عنوان پرستار نمونه معرفی شد. خانم سیاوشی و همسرش در آذر ۱۳۵۷ به دلیل حمله‌ی عده‌ای به تحریک یکی از روحانیان به محل زندگی‌شان و غارت اموال‌شان ناچار به ترک یاسوج و اقامت در شیراز شد. آن‌ها مدتی را در تنگدستی گذراندند. او در شیراز به چندین بیمارستان برای یافتن شغل مراجعه کرد اما به دلیل بهایی بودن استخدام نشد. خانم ارجمندی نهایتا بعد از مدتی بیکاری در یک بیمارستان خصوصی به عنوان پرستار مشغول کار شد. او و همسرش از بهاییانی که اموال‌شان مصادره شده بود حمایت می‌کردند. (خانه اسناد بهایی‌ستیزی؛ مجله‌ی عندلیب؛ ایران وایر)

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : کورش حق بین

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-4146/kurush-haqbin

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : کورش حق بین



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : کمال الدین بخت آور

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/tyrbaran-kmalaldyn-bkht
awr-w-nmtalh-katbpwr-shhydy-dr-kashmr

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : کمال الدین بخت آور

خانه اسناد بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

کمال الدین بخت آور- در ۴ مرداد ۱۳۶۰ در کاشمر، خراسان تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
کاشمر
کمال الدین بخت آور

۰۴ مرداد ۱۳۶۰

فارسی English



کمال‌الدین بخت آور

متولد ۱۰ مرداد ۱۳۰۶ در اردبیل، آذربایجان

در تاریخ ۴ مرداد ۱۳۶۰ در کاشمر، خراسان تیرباران شد

[روزنامه:] کیهان

[تاریخ:] دوشنبه ۵ مرداد ۱۳۶۰ - ۲۵ رمضان ۱۴۰۱

[شماره:] ۱۱۳۴۳

بحکم دادگاه انقلاب اسلامی

۲ جاسوس سرشناس اسرائیل در کاشمر اعدام شدند

مشهد ـ خبرگزاری پارس ـ بحکم دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان کاشمر دو عامل و جاسوس صهیونیزم بین‌المللی سحرگاه دیروز در این شهرستان اعدام شدند.

احکام صادره بدین شرح است: کمال‌الدین بخت آور فرزند صادق بجرم عضویت در تشکیلات صهیونیستی جاسوسی بنفع رژیم اشغالگر قدس، تماس با سران صهیونیسم در اسرائیل، عضویت و شرکت فعال در هیئت معاونت شبکه جاسوسی قاره‌ای، استخدام افراد در کشورهای ایران، پاکستان، تایلند، هند، مالزی و برمه بمنظور جمع‌آوری اطلاعات، ارائه طرح و اجرای نقشه‌های کوتاه مدت و دراز مدت برای گمراه کردن مردم مسلمان منطقه، گزارش نمودار نتایج فعالیتهای خود به نمایندگان صهیونیسم از جمله مسیح فرهنگی صهیونیست معروف معدوم دریافت تقدیرنامه از هیئت مشاورین قاره‌ای تهیه و نشر جزوات گمراه کننده بزبانهای مختلف، تشکیل کلاس‌های گوناگون برای اغفال و فریب مردم مسلمان و مستضعف منطقه، سهیم بودن در مرکز فعالیتهای خود به نمایندگان تحت عنوان شرکت مرابحه‌کاری نونهالان و تقویت آن ارتباط با رژیم منفور پهلوی و ساواک منحله محکوم به اعدام.

نعمت‌الله کاتب‌پور شهیدی فرزند هدایت‌الله به جرم عضویت در تشکیلات صهیونیستی جاسوسی بنفع رژیم اشغالگر قدس ایجاد رابطه مستقیم مالی سیاسی اسرائیل ـ سهیم بودن در شرکت مرابحه‌کاری نونهالان جمع‌آوری اطلاعات دقیق مربوط به وضعیت سیاسی اجتماعی نظامی و فرهنگی شهرها و روستاهای کشور شناسایی شخصیت‌های مملکتی وارد کردن اطلاعات مذکور به سران صهیونیسم و اسرائیل و دریافت تقدیرنامه در این مورد همکاری مستقیم و موثر با موسسه جاسوسی اقتصادی شرکت امنا که یکی از پایگاه‌های اطلاعاتی صهیونیست‌ها در ایران بوده خرید املاک بمنظور تشکیل پایگاه‌های گمراه کننده تبلیغ و نشر اکاذیب و افکار ضد اسلامی و اغفال مردم شرکت در کنگره جهانی بین‌المللی صهیونیست‌های بهائی بمدت ۴۰ روز در انگلستان ارتباط و تماس با رژیم منفور پهلوی ساواک منحله حزب ایران نوین و هویدای معدوم مخالفت با نظام جمهوری اسلامی و سعی در براندازی آن محکوم به اعدام گردید که حکم صادره در مورد دو مجرم یاد شده سحرگاه دیروز (یکشنبه) پس از تلاوت آیاتی از قرآن مجید در محوطه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کاشمر باجرا درآمد.

گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس حاکیست که در جریان محاکمه علنی این دو مفسد و محارب با خدا که به ریاست حجت‌الاسلام‌والمسلمین حائری حاکم دادگاههای جنوب خراسان و هزاران تن از مردم این شهرستان حضور داشتند و بطور کامل سیر دادگاه عدل اسلامی را پیگیری کردند.

منبع: https://www.hassanershad.com/5112

مصاحبه انصاف نیوز با حسن ارشاد " پاسخ‌های یک محقق بهائیت به منصور فرهنگ و عرفان ثابتی "

سرویس سیاسی انصاف نیوز: حسن ارشاد، پژوهشگر حوزه‌ی بهاییت به بهانه‌ی برنامه‌ی اخیر تلویزیون ایران اینترنشنال -که در آن منصور فرهنگ به ابراز پشیمانی از ادعاهای خود در اوایل انقلاب درمورد بهاییان پرداخته است- به ادعاهای آن روزها و ادعاهای امروز فرهنگ پرداخته است.

منصور فرهنگ در اوایل انقلاب ۵۷ در اظهار نظری که امروز می‌گوید دوساعت بعد از طرحش از آن پشیمان شده بود، ادعا می‌کند که بهاییان به دلیل سال‌هایی در قرن ۱۹ که در برخی مناطق ایران تحت ظلم بوده‌اند، نگاه خصمانه‌ای به ایرانیان پیدا کرده‌اند و به همین دلیل هم ساواک برای شکنجه‌ی انقلابیون آنها را به کار می‌گرفته است. او همچنین ثابتی رئیس ساواک را هم بهایی خوانده بود که امروز از هردوی این ادعاها ابراز پشیمانی می‌کند و با اینحال همچنان اذعان می‌کند که این نقد را به جامعه‌ی بهاییان وارد می‌داند که تنها دغدغه‌های حقوق بشری‌شان معطوف به هم‌مسلکان خودشان است و دغدغه‌هایی در سطح جامعه ندارند.

او در برنامه‌ی اخیر شبکه‌ی ایران اینترنشنال، تمامی ادعاهای پیشین خود را پس می‌گیرد.

گزارش تصوریری از مصاحبه

انصاف نیوز: **ادعاهای سال ۵۷ منصور فرهنگ درمورد بهاییان را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

حسن ارشاد: راجع به این مصراجع به این مصاحبه پیش از دادن پاسخ نکته‌ی مهمی که باید مطرح کرد این است که ادعا می‌کنند بیش از ۱۵۰ سال قدمت نقض حقوق شهروندی بهاییان وجود دارد و به زمان باب برمی‌گردد. بهاییان بزرگوار بخاطر اینکه به بحث حقوق شهروندی خود قدمت تاریخی دهند و مطرح کنند که اینگونه نبوده که ما تنها الان تحت ظلم باشیم و حقوق شهروندی‌مان نقض شود، بلکه بیش از ۱۷۰ سال، چون باب را هم جزو تاریخ خود می‌دانند، قدمت دارد؛ اول از همه من آرزو می‌کنم تمام کسانیکه در حورزه‌ی مسائل فرهنگی مطلبی ارائه می‌کنند، در آن حوزه اطلاع داشته باشند.

آقای فرهنگ هم آن موقعی که آن اظهارات را در گذشته کردند از روی بی‌اطلاعی بوده است و هم الان که اظهار نظرهایی کردند از روی تخصص در این حوزه نبوده است.

انصاف نیوز: **دقیقا کدام مسائل منظورتان است؟**

وقتی فردی مطرح می‌کند که ۱۶۰-۱۷۰ سال پیش بهاییان مورد ظلم قرار گرفته‌اند و از مطالبی که در رسانه‌ها در این چند سال اخیر و همچنین در منابع تحقیقی بهاییان -مثل قبله عالم آقای عباس امانت- قابل بررسی است [اطلاع نداشته باشد چنین است]؛ اینکه هنگامی که بهاییان مقابل ازلیان قرار گرفتند، برای جذب ازلیان باب را تحقیر کرده و حقیقت آورده‌ی باب را در آن دوره عیان کردند که در منابعشان فراوان است.

باب را در آن لحظه بعنوان یک حرکت داعشی و تروریستی که سعی داشت با اسلحه به مقاصد خودش برسد و حرکتی غیر مدنی است معرفی کردند. مدارک فراوانی نزد بنده است و تنها یک نمونه‌اش این است که اولین کسی که مطرح کرد باب باوری تروریستی دارد و حکومت قاجار را رجعت صفتی بنی امیه می‌دانست و مطرح می‌کرد که «من می‌خواهم زمینه‌ساز حکومت امام زمان باشم و حکومت باید بیانی باشد»، و در تفسیر سوره‌ی یوسف، ایشان دستور می‌دهد به شاه که تمام افرادی که این کتاب بدستشان می‌رسد و قبولش نمی‌کنند باید کشته شوند! اینکه ما بیاییم چنین کسی را واجد وصف نهضت اجتماعی بدانیم و یک حالت مثبت به او دهیم تحریف تاریخ است.

همین موضوع را جناب عبدالبهاء صحه می‌گذارند؛ در کتاب مکاتیب خود، جلد سوم صفحه‌ی ۲۶۶، ایشان مطرح می‌کند و می‌گوید «آورده‌ی باب: سرها را ببرید، کتب غیربابی را بسوزانید، خراب کردن تمامی اماکن غیر بابی»؛ که حتی خود عبدالبهاء دستور می‌دهد به میرزا ابوالفضل گلپایگانی که کتابی بنویس در برابر ازلی‌ها؛ که مستر برون بابی -مستشرقی که بابی شده بود- کتابی نوشته به نام نقطه الکاف، کتابی است متعلق به بابی‌ها که احیایش کرده است، مقدمه‌ای بر این کتاب نوشته است و از داخل این کتاب هم نقد باور بهاءالله بیرون می‌آید.

در کتاب کشف الغطاء میرزا ابو الفضل گلپایگانی که به فرمان عبدالبها در نقد کتاب مستر برون نگاشته شده بود گفته می شود که باب کسی بود که گفته بود بیت المقدس باید خراب شود، همه‌ی یهودی‌ها باید کشته شوند، مکه باید تخریب شود؛ و خود بهاءالله این کتاب را امضا کرده است. اینها عین فرامین باب بوده است در کتاب‌هایش. آنوقت جناب آقای فرهنگ بزرگوار! شما بیایید مطرح کنید که ۱۷۰ سال پیش، یا آقای ثابتی بیاید صحه بگذارد که این اتفاقات آن زمان رخ داده. این مطلب غلطی بود که ارائه داده شد.

بخش دوم اینکه اگر ایشان اطلاع می‌داشت، بحث بر سر این نبود که حالا ۴ نفر در سیستم شاهنشاهی شکنجه‌گر بودند. داستان خیلی فجیع‌تر از این حرف‌هاست؛ ایشان باید اطلاع می‌داشت.

انصاف نیوز: **درباره‌ی این موضوع خاص شما اطلاعی دارید؟**

بله! اینها در راس ارتش بودند. ایشان کمی تحقیق می‌کرد می‌دید که آقای شاداب عسگری کتابی نوشته که تمام نظامیان زمان شاه، تمام نظامیانی که در سیستم اطلاعاتی و امنیتی بودند را نام برده و افراد را با اسناد تسجیل‌شان آنجا آورده است. در این کتاب نوشته ۵۰۰ نفر در ارتش بوده است و طی تماسی با من ایشان اعلام کرد که ۱۳۰۰ افسر زمان شاه [بهایی بودند] که سند تسجیل شدن اینها را ما داریم.

انصاف نیوز: **منظورتان سند بهایی شدن‌شان است؟**

بله! و عموم اینها زمان استخدام گفته‌اند ما مسلمانیم. برگه‌ی تسجیل‌شان در سیستم اداری تشکیلات بهایی که بعد از انقلاب در اختیار انقلابیون قرار گرفت موجود است و اینها به دروغ گفته بودند مسلمانند و وارد سیستم شده بودند.

انصاف نیوز: **البته حرف آقای فرهنگ درمورد ارتش نبود؛ آیا شما راجع به ساواک و شکنجه‌گران سندی پیدا کرده‌اید؟**

ببینید! قطعا آقای پرویز ثابتی در سیستم و تشکیلات بهایی بوده است؛ قطعا هویدا در سیستم بهاییت بوده است. در کتابی بنام خاطرات اسفندیار قباد مطرح می‌کند سه نفر در ترکیه بنام خاندان چلبی، این سه نفر پیش‌نماز و امام جمعه بودند. اینها برمی‌گردند، به عبدالبهاء نامه می‌نویسد که من برگردم و اعلام علنی کنم. عبدالبهاء می‌گوید که تو تقیه کن و اعلام نکن و به کارت ادامه بده تا وقتش برسد.

باتوجه به اسناد مفصلی، افراد کلیدی در جاهای مختلف بودند و به توصیه‌ی عبدالبهاء نگفته‌اند که بهایی بوده‌اند. پس این حرف که فلان شخص نگفته من بهایی بوده‌ام پس بهایی نیست، قابل قبول نیست. هویدا که فرزند عین الملک بوده و او فرزند میرزا رضای قناد بوده است، یکی از حواریون اطلاعاتی خاص بهاءالله. عین الملکی که در بیروت مسئول سیستم سفارت ایران بوده است، ماهی یکبار یک نامه به مسئولین خود در ایران می‌داده است و ده نامه به عبدالبهاء می‌داده است، نامه‌های ایشان در کتاب «آیات بینات» موجود است.

انصاف نیوز: **درمورد خود هویدا آیا سندی دارید؟**

خود هویدا اقدامات و حاصل اعمالش [نشانگر این موضوع است].

انصاف نیوز: **درمورد ثابتی چطور؟**

قطعا ایشان در این سیستم بوده است و بهایی بوده است.

انصاف نیوز: **آیا سندی دارید؟**

نه؛ حاصل اقدامات و کارهای ایشان...

انصاف نیوز: **پس سند ندارید.**

سند نه؛ ولی خاندانشان خاندان بهایی بودند و اسنادی هست که وقتی به اسرائیل می‌رفتند ایشان به مقام اعلی می‌رفتند؛ اما خب شاید رفتنشان برای دید و بازدید و این حرف‌ها بوده و بخواهند انکار کنند، انکار می‌کنند.

انصاف نیوز: **درمورد ارتشی‌ها گفتید سندش موجود است، اما درمورد شکنجه‌گران چیزی که سندش باشد وجود دارد؟**

ببینید مثلا سازمان اتکا را آقای شاداب عسگری سند می‌آورد که مسئولینی که مسئول جذب افراد بودند در سازمان اتکا، گزارش خود ساواک است که نام می‌آورد که کسانی که می‌خواهند استخدام شوند با پیشنهاد سوءاستفاده جنسی روبرو می‌شوند؛ سند می‌آورد و این فقط رده‌های استخدامی سازمان اتکا است که در اختیار بهاییان بوده است.

من دارم سند مادری به شما نشان می‌دهد که تمام تخلفات مانند این را هم مقامات امنیتی و هم مقامات نظامی عادی که در سیستم پهلوی بودند، آقای شاداب عسگری عکس گرفته ودر این کتاب آورده است و من در کانالی اینها را دسته‌بندی شده آورده‌ام؛ بعنوان تخلفاتی که هم ظلمی به دیگران بوده و هم استفاده از موقعیت‌های مالی و لباسی‌شان که مفصل است.

انصاف نیوز: **این اسناد مثلا درمورد سوءاستفاده جنسی چقدر اثبات کننده است؟**

اسناد عین نامه‌ای است که بدنه‌ی گزارش دهنده خود ساواک داده بوده است و خود بهایی‌ها هم به اینها استناد می‌کنند در موضوع تضییع حقوق‌شان. سایتی هست به نام «اسناد بهایی ستیزی از ابتدا تا الان» که بسیاری از این اسناد در جهت تایید امور خودشان مورد استنادشان قرار گرفته است.

انصاف نیوز: **ادعای دیگری که آقای فرهنگ در آن سال‌ها داشته و امروز از آن بازگشته این است که بهاییان نگاه خصمانه‌ای به ایرانیان دارند بخاطر ظلم‌هایی که می‌گویند در قرن نوزدهم به آنها شده است. در این باره شما چه نظری دارید؟**

آقای فرهنگ در جریان نیستند و امیدوارم مطالعاتشان را تکمیل کنند. کتاب «توقیعات مبارکه» که متعلق به آقای شوقی است و تمام فرامینی که از سال ۱۹۵۲ تا سال ۱۹۵۷ که از دنیا رفتند در این کتاب آورده است؛ جناب آقای فرهنگ! ایشان توقیعی دارد به نام توقیع ۱۱۰ بدیع، که سال ۱۹۵۲ این را ارسال کرده است به محفل ملی ایران که ۱۳۳۲ می‌شود، دقیقا اول اردیبهشت و اول عید رضوان، دقیقا در این کتاب اعلام می‌کند که تشکیلات بهایی، که حکومت بهایی است، نه مسئول رهبر معنوی تشکیلات بهایی در ایران؛ اسنادش هست اما من وارد مباحث فنی نمی‌شوم؛ اما جناب شوقی علنا به محفل ملی ایران اعلام کرده است که محفل ملی در هر کشوری حکومت ملی در آن کشور است.

بهاءالله جمله‌ای دارد، تحت عنوان «طوبی للامراء والعلما»؛ آقای شوقی اینها را توضیح داده است. آقای شوقی مطرح می‌کنند که للامرا یعنی حاکمان که یعنی محافل ملی، محافل محلی و بیت العدل؛ اینها حاکمانی‌اند که قوه قضاییه، مجریه و مقننه دارند و معاونت‌های مختلفی هم دارند که آنها را لجنه می‌گویند. یکی از این لجنه‌ها، لجنه‌ی صیانت است، یعنی همان وزارت اطلاعات. یعنی در مملکت ایران، آقای فرهنگ بزرگوار! همان سال تشکیل محفل ملی ایران که آقای علی اکبر فروتن زمان عبدالبهاء آن را انجام داد، اینها در ایران حکومت تشکیل دادند؛ نه ۹ نفری که رهبر معنوی باشند.

انصاف نیوز: **آقای ارشاد لطفا اسناد صحبت‌های‌تان را بعد از مصاحبه ارائه دهید.**

حتما اسناد را می‌دهم. عین سند است که شوقی مطرح می‌کند که ما قائل به تجمیع قواییم و تمسخر می‌کند نظامات سایر کشورها را و می‌گوید تفکیک قوا کار بیهوده‌ای است و ما پیشرفته و قائل به تجمیع قواییم. جالب است که بیت العدل سال ۲۰۰۱ دوباره همین را تکرار می‌کند خطاب به محافل ملی، می‌گوید من تفویض کردم قوه مقننه و مجریه و قضاییه را به هر کشوری. لذا وقتی سال ۲۰۰۷ رسما منصوب می‌کند از اسرائیل رهبران بهاییان را در ایران، که اسمش را کردند هیئت یاران، درواقع اینها هیئت دولتی هستند که وظایف قوای مقننه و مجریه و قضاییه به اینها از بیت العدل تفویض شده است.

من اعلام می‌کنم بابت تک تک صحبت‌هایم حاضر به گفت‌وگوی با همین آقای عرفان ثابتی هم هستم. عزیزان در این کتاب آقای شوقی اشاره می‌کند به اعصار ثلاثه. عصر اول یعنی باب، بهاءالله و عبدالبهاء ۱۹۲۱ تمام می‌شود، عصر تکوین یعنی تکوین موسسات و تشکیلات اداری بهایی برای رسیدن به حکومت و عصر آخر هم عصر حکومت جهانی بهایی است.

انصاف نیوز: **منظور حکومت بوده است یا ساختاری برای جامعه خود بهاییان؟**

نه! منظور حکومت دینی است! سال ۱۹۵۲ خطاب به محفل ملی ایران، عراق، عربستان این عهود عصر تکوین را که عصر ثانی است دارد می‌گوید؛ مراحلش را هم یکی یکی می‌گوید. می‌گوید مرحله‌ی اول مرحله‌ی مجهولیت است، مرحله‌ی دوم مظلومیت، مرحله‌ی سوم انفصال، و می‌رود تا مرحله‌ی پنجم و مثال می‌زند و مطرح می‌کند که منظورش دقیقا حکومت است و نه حکومت بر دل‌ها. جناب شوقی دقیقا مثال می‌زند: ظهور نصرتی عظیم؛ شبیه و نظیر فتح و پیروزی که در قرن رابع از میلاد حضرت روح رسید؛ در عهد قسطنطن، نصیب امت مسیحیه گشت.

سال ۱۳۳۲ دستور می‌دهد به محفل ملی ایران -تا دیدند مملکت بهم ریخته است- و از سالیان قبل با مدارس تربیت در ایران ظرفیت‌سازی کرده بودند و زمان عبدالبهاء تاسیس شدند و رضاشاه آنها را بنا به دلایلی بست، باتوجه به آن ظرفیت‌ها در آن سال اعلام می‌کند و مطرح می‌کند که باید عین آن حکومتی که در قرن ۴ میلادی تحقق پیدا کرد -در مرحله‌ی پنجم که رسمیت است- باید به مرور ایام مبدل و منجر به «تاسیس سلطنت» -نه جمهوری و نه انتخابات- «سلطنت الهیه و ظهور سلطه‌ی زمنیه یا زمینیه‌ی شارع این امر عظیم گردد!».

این سند را برای این گفتم که تمام فعالیت تشکیلات بهایی، تولید و ایجاد منابع انسانی برای سیستم خودش بود، چون راس را گرفته بودند، در فضای نظامی تسلط داشتند، در فضای دربار تیمسار ایادی را دیگر همه می‌دانند که تسلط داشته است، در کابینه افرادی مثل هویدا تسلط داشتند. شما فقط ثابت پاسال و هژبر یزدانی را نگاه کنید که اقتصاد مملکت را دست خودشان گرفته بودند. مملکت دست این عزیزان بود ولی فقدان منابع انسانی مشکل اینها بود. لذا آقای ثابت پاسال می‌آید و شبکه‌ی تلویزیونی براه می‌اندازد.

در همان گزارشات ساواک آمده، یکی از سران ساواک که آقای شاداب عسگری عکسش را هم آورده گزارش می‌کند و می‌گوید که من نشسته‌ام کنار زن و بچه‌ام و دارم فیلم می‌بینم، این شبکه‌ی آقای ثابت پاسال صحنه‌هایی را نشان می‌دهد که من از بچه‌هایم خجالت می‌کشم. فکری برای استحاله‌ی فرهنگی کنیدو...

انصاف نیوز: **آن مدارسی که اشاره کردید را چرا رضاشاه می‌بندد؟**

زمان عبدالبهاء، یعنی زمان مظفرالدین‌شاه، وقتی ایشان به غرب می‌رود همان جا خانمی بود ملقب به ام المبلغات، می‌آید و می‌گوید من می‌خواهم کار خیر در ایران انجام دهد. عین کاری که بهایی‌ها طی ۲۵ سال گذشته دارند در ایران می‌کنند. الان هم در ایران به همین بهانه حضور دارند که «من دلم برای فرهنگ ایرانی می‌تپد، من می‌خواهم پول خرج کنم و با پول خودم در اینجا مدرسه بزنم، می‌شود مجوز بدهید؟!» از مظفرالدین‌شاه همان جا مجوز می‌گیرد و قبل از اینکه مظفرالدین شاه به ایران بیاید اینها می‌آیند این را ملعبه قرار می‌دهند و مدرسه‌ی تربیت را که اولین آن در همین خیابان کاخ انموقع و فلسطین امروز است درست می‌کنند. ۳۵ سال از این واقعه می‌گذرد و اینها این مدارس را در سراسر ایران گسترش می‌دهند. آقای رضا شاه یکروز جمعه در ساعت خاصی در مکانی خواب بوده است که کنار مدرسه تربیت بوده است. آقای اصغر حکمت مسئول نهاد آموزشی بوده است در کتابش این را نقل می‌کند و آقای علی اکبر فروتن که مسئول محفل ملی ایران بوده است در کتاب خاطرات خود هم این را نقل می‌کند.

که رضاشاه وقتی از خواب بیدار می‌شود می‌گوید که امروز جمعه است و برای چه اینها باز کرده‌اند؟ همین بحث تعطیلی مغازه‌ها را که الان ما داریم و بهاییان بزرگوار الان می‌آیند صحنه را جور دیگری نشان می‌دهند و می‌گویند که چرا مغازه‌های بهایی را می‌بندند؟! پیش آمده بوده است؛ به همان دلیلی که رضاشاه این کار را کرد، او هم مواجه شد با عین این واقعه. بلافاصله گفت ما یک نظام مرتب و منظم داریم و همه باید تحت آن عمل کنند.

رضاشاه فهمید که اینها ایام تسعه -۹ ماهه- دارند و موظف‌اند تعطیل کنند. درحالیکه در اسناد بسیار زیادی شوقی مطرح کرده است که ما باید اجازه بگیریم و اگر حکومت اجازه داد باید تعطیل کنیم، ولی اینجا می‌بینیم که اینها چون مهره‌های‌شان را چیده‌اند و خیالشان راحت است، آقای علی اکبر فروتن از اقای شوقی استفتاء می‌کند؛ آقای شوقی می‌گوید که ما این ایام را باید پاس بداریم و اولین تعطیلات اینها روزی بوده است که باب از دنیا رفته است؛ چند هفته قبل از این داستان هم با شوقی مکاتبه می‌کند و شوقی پاسخ می‌دهد که باید برسر حرفتان بایستید.

انصاف نیوز: **اگر بخواهیم به فعالیت‌های مدنی اینگونه نگاه کنیم، فکر نمی‌کنید که دیگر کسی نمی‌تواند فعالیت مدنی کند؟ و شاید از هر فعالیتی نیت‌خوانی شود؟**

فعالیت مدنی بسیار عالی است و همه باید آزاد باشند؛ اما اینکه از خارج از مرزها بدون حرکت در ذیل سازوکارهای مدنی من در جهت کسب قدرت باشم، با کارهای خیر منابع انسانی را بدون اینکه خودشان بدانند [جذب کنم بحث دیگری است].

تک تک پیام‌های بیت العدل موجود است. آخرین پیام که مربوط به ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ بوده است را بروید و نگاه کنید؛ در بیت العدل خطاب به مشاورین قاره‌ای یک پیام نوزده صفحه‌ای آمده که الان مقابل بنده است، در این پیام دقیقا به طی عصر تکوین اشاره می‌کند و می‌گوید هدف ما طی عصر تکوین است؛ همین که آقای شوقی گفته است. این درمورد ۹ دی امسال است.

انصاف نیوز: **درمورد فعالیت‌های مدنی اختلاف نظر داریم چون براحتی نمی‌توان در این مورد اظهار نظر کرد. اما اقای مجید تفرشی چندی پیش در بی بی سی گفتگویی داشتند درمورد طاهره قره العین؛ در آنجا موضوع بهاییان را مطرح می‌کنند و می‌گویند تحرکات آنها رد آن مقطع شبیه به داعشی‌ها بوده است. شما رد این مورد توضیحی دارید؟ آیا نوع برخوردی که در آن مقطع با آنها شده بود به همین دلیل بوده است؟**

بحث بسیار شفاف است و آقای تفرشی نکته‌ی بسیار جالبی را مطرح کردند. اینکه وقایع تاریخی را مبتنی بر منافع سازمانی خودمان مطرح و استفاده کنیم کار علمی و منصفانه‌ای نیست و همه این را تقبیح می‌کنند.

در کتاب مائده‌ی آسمانی که آقای اشراق خاوری کلمات بهاءالله را جمع کرده است، غیر از تاریخ نبیل که یک تاریخ جعلی است، تنها یک جا بهاءالله راجع به طاهره صحبت کرده است، آنهم در کتاب مائده آسمانی است و مطرح کرده است که کسی در عتبات کار خلاف مصالح انجام داد و تندروی کرد برمبنای همین اعتقادات. یعنی شب اول محرم در مدرس سیدکاظم رشتی؛ که ۶۰ روز اینها مراسم محرم می‌گرفتند، چون تاریخ تولد باب اول محرم بود، عین جمله‌ی بهاءالله است که می‌گوید «زمانیکه جای صمت بود، ایشان صوت بلند کرد و جایی که مقام این بود که باید رعایت می‌کردید، و خود من این ایام روزه می‌گرفتم و سینه می‌زدم و مجلس امام حسین می‌گرفتم» و می‌توپد به طاهره قره العین بابت کارهای طاهره؛

یعنی درواقع سه جنگی که بابیان بر ایران تحمیل کردند: جنگ ملاحسین بشرویه در شمال ایران و حجت زنجانی در غرب ایران، و سید یحیی دارابی بر جنوب ایران تحمیل کردند و همچنین موضوع ترور شاه، هر چهارتای این موارد را جناب بهاءالله در کتاب رساله‌ی «ابن الذئب» خود، که شش ماه آخر عمر خود آن را نوشتند، اعلام می‌کند به مخاطب خود که مرحوم نجفی است که در نامه‌ای به ناصرالدین شاه گفته است که «شمای ناصر الدین شاه اولی الامر بودید، اولی الامر مصداقش ائمه هستند و بعد تو و ما باید از تو اطاعت می‌کردیم و من تعهد می‌کنم که اینها را از این کار زشت‌شان آگاه کنم » و معذرت خواهی می‌کند؛ طاهره در متن این جریان بوده است و این ماجراها همان ماجراهایی هستند که این عزیزان برمبنای آن می‌گویند ۲۰ هزار بابی کشته شد و ما مظلومیم.

انصاف نیوز: **این کتاب‌هایی که ذکر می‌کنید مورد تایید بهاییان است؟**

همه مورد تاییدشان است. سایتی است متعلق به جامعه جهانی بهایی، زیر نظر همان جامعه جهانی بهایی که در سازمان ملل صاحب کرسی است. در همین سایت‌های رسمی‌شان کتاب مائده آسمانی را عزیزان سرچ کنند این موارد را خواهند دید.

یعنی درواقع بهاییان، در راس آنها جناب بهاءالله، وقتی در مقابل ازلیان قرار گرفت ازلیان را صاحبان شمشیری دانست که فرمان دادند سر دگراندیشان را باید ببرند؛ لذا مطرح کرد که «شمشیرهای بابی به غلاف راجع».

انصاف نیوز: **درآن مقطع بهاءالله تحت فشار و برای نجات بهایی‌ها این موارد را مطرح نکرده است؟**

بهایی‌ها اعتقاد دارند جناب بهاءالله تقیه را حرام کرده بوده است. من با خود آقای ثابتی درمورد موضوع تقیه مناظره کردم؛ جناب عبدالبهاء درکتاب رساله‌ی مدنیه ۱۲۹۲ نوشته است. ایشان وقتی دیدند شیخ هادی نجم آبادی در قالب اسلامی بعنوان یک ازلی دارد فعالیت می‌کند، دقیقا در این کتاب ایشان خودشان را مسلمان جلوه داده است. و آمده است گفته است در مجلس ایران باید فقهای شیعه بیایند و دستور دهند و احکام را در آورند، احکامی که ایشان می‌گوید «فرانسویان آمده‌اند و احکام و فقه جواهریه ما را بردند و منطبق با آن قانون تدوین کرده‌اند، چرا سراغ فقهای شیعه نمی‌روید؟!» اینها را عبدالبها در این کتاب می‌گوید. و روایت «و اما من کان من الفقهاء، صائنا لنفسه، حافظه لدینه...» را می‌آورد و ۶۰ صفحه راجع به این حدیث حرف می‌زند و توضیح می‌دهد؛ می‌گوید ما تکنولوژی را باید از غرب بگیریم ولی فقها باید حاکمان این کشور باشند. درحالیکه خودش این سیستم را نسخ کرده است و بدون نام هم این کتاب را منتشر کرده است تا نفوذ کند ولی دید که نمی‌تواند با این سیستم نفوذ کند و ازلی‌ها باهم دشمن هستند و می‌شناسند و نمی‌گذارند، بعد از آن ایشان رساله‌ی سیاسیه را نوشت.

در همین مصاحبه آقای عرفان ثابتی به این رساله‌ی سیاسیه اشاره کرد. آقای عرفان ثابتی! که بنده را هم بلاک کرده‌ای، من مودبانه و منطقی با شما صحبت کردم. من ۴۰ تا از تقیه‌های عبدالبهاء در فلسطین را به شما گفتم؛ سال ۱۲۸۶، از روز اولی که به فلسطین رسیده است او را در حال نماز خواندن که بهایی‌ها دارند به او اقتدا می‌کنند، ثبت کرده‌اند؛ این را اشراق خاوری در کتاب «رحیق مختوم» می‌گوید. و آن کسی که این را دیده است می‌گوید «اقتدا می‌کنم به ابن الله وحده لا شریک الاالله» یعنی من اقتدا می‌کنم به عبدالبها که ابن الله است و در آنجا هم تا دو-سه روز قبل از مرگش ایشان جمعه نماز جمعه را می‌خواند و دوشنبه روزی بعد از آن هم از دنیا می‌رود.

حداقل من در کانال خودم نزدیک به ۳۰-۴۰ مورد نماز خواندن ایشان، پیشنماز بودن‌شان در مسجد الجزاری که ۲۰۰ سال قدمت تاریخی داشته و مسجد جامع آن منطقه بوده است و ایشان ۴۰ سال بعنوان یک مسلمان و یک رهبر صاحب تفکرات سید جمال‌الدین اسدآبادی -یعنی مصلح اسلامی- آنجا این نقش را بازی کرد، آورده‌ام. مادر اسرائیل آقای عبدالبهاء بود! من اسنادش را می‌دهم.

یعنی سال ۱۳۰۹ قمری موقعی که بهاءالله از دنیا رفت، گزارش رسمی نهادهای امنیتی دولت عثمانی است؛ گزارش داده‌اند که مسلمانان به یهودیان زمین نمی‌فروشند، جناب عبدالبهاء بعنوان پیش نماز مسلمین که به او اعتماد می‌کنند، مفت زمین‌ها را فلسطینیان می‌گیرد و در اختیار یهودیان قرار می‌دهد. من صدای مسئول رسمی نهاد علمی در اسرائیل -آقای دکتر سلی شاهور- را دارم که با بها نیوز دارد بحث می‌کند -با آقای اسماعیلی- با او مطرح می‌کنند که «می‌گویند بهایی‌ها عامل دست اسرائیل‌اند؟» آقای دکتر سلی شاهور می‌گوید «بالعکس است! بهاییان اولیه نبودند ما هم نبودیم».

انصاف نیوز: **شما الان فعالیتی در حوزه‌ی بهاییت دارید و انجمن حجتیه هم سال‌ها در این حوزه فعالیت داشتند و به نظرم الان کمرنگ‌تر هم شده است؛ درست است؟**

من اطلاعی ندارم چون ارتباطی با این مجموعه ندارم؛ اما می‌دانم سال ۹۲ به دلیل اینکه فعالیت کردند چیزی حدود ۳۰۰ نفر از اینها را گرفتند.

اما بهاییان بزرگوار راسشان، به دلیل اینکه می‌دانند روی انجمن حجتیه حساسیت امنیتی هست، هرجا که در مناظره با من به مشکل مواجه می‌شوند می‌گویند من از اعضای حجتیه هستم؛ همین آقای عرفان ثابتی؛ برای اینکه برای من مشکل ایجاد کنند و بحث امنیتی ایجاد کنند چنین گفتند؛ که الحمدالله من همه‌چیزم باز و مشخص است.

انصاف نیوز: **قبل از انقلاب کسانی که با بهایی‌ها مواجهه داشتند، از لحاظ فکری، قبل از انقلاب وضعیت‌شان چگونه است و بعد از انقلاب چگونه است؟**

من با انجمن در این بحث که «الان مسئله‌ی ما با بهاییت مسئله‌ی آیینی نیست و موضوع این نیست که بهاییت دین است یا نیست»، زاویه دارم؛ چون مشکل ما از نظر من الان این است که در اسرائیل نهاد امنیتی است تحت عنوان دارالتبلیغ، امنیتی است و کارش کار اطلاعاتی است؛ پیام سال ۱۹۷۳ را عزیزان بروند و نگاه کنند. همین طوبی للامرا والعلما، که عبدالبهاء مطرح می‌کند را شوقی توضیح می‌دهد. می‌گوید امرا یعنی بیت العدل، محافل ملی و محلی، علما هم یعنی ایادیان امر که دو وظیفه دارند: وظیفه‌ی صیانت و حراست که بیت العدل در پیام این تاریخ خود آن را می‌شکافد می‌گوید «اطلاع کامل یافتن از موقعیت امرالله داخل سیستم بهایی و بیرون». اصطلاحا به آن قرائت منطقه‌ای می‌گویند.

اسناد اینها همه هست. با مختصات کارهای اطلاعاتی اینها رسما نقشه ریخته‌اند برای براندازی. در پیام ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱ رسما می‌گوید که هدف ما زائل کردن تمامی فرهنگ‌ها است برای رسیدن به حکومت و بعد الگوهای فکر و عمل خود را حاکم کنیم و بعد از آن هم حکومت بهایی را حاکم کنیم.

انصاف نیوز: **نحوه‌ی مواجهه‌ی حاکمیتی را در زمان شاه و الان با بهایی‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

ما نباید سرمان را مثل کبک زیر برف کنیم. بهاییان تبیین کرده‌اند؛ آن پروتکل هفت‌گانه‌ی شوقی را یادآوری می‌کنم، مجهولیت و مظلومیت و...

مجهولیت یعنی همین حالتی که الان در عربستان هست. می‌گویند ما تقیه نداریم! آقای عرفان ثابتی! می‌شود بفرمایید اعضای محفل ملی عربستان چه کسانی هستند، اگر تقیه ندارید؟ می‌شود بفرمایید که مسئول هیئت مشاورین قاره‌ای ایران، که مسئول براندازی در ایران است و خارج از مرزهاست، سه دهه آقای جبار ایدلخانی از سنگاپور تشکیلات بهایی ایران را برای براندازی و اجرای نقشه‌های بیت العدل مدیریت می‌کرد، دوسال پیش وقتیکه اینها عوض شدند و از ۸۰ نفر شدند ۹۰ نفر، می‌شود بفرمایید مسئول مشاور قاره‌ای ایران کیست؟ چرا نمی‌گویید؟ اگر مختصاتتان امنیتی نیست. اینها بسیار مهم است.

اما سوال شما؛ مظلومیت! کاری بکن، مثل یک معتاد که خود را جلوی یک ماشین می‌اندازد که اتفاقی برایش بیافتد و منافعی بدست آورد. سندهای اینها زیاد است. انفصال یعنی: جدا شوند، ولی ملت نسبت به آنها تنفر داشته باشند اما با اینحال فهمیده‌اند که آنها چیز دیگری هستند و مرحله‌ی بعدی استقلال است؛ یعنی ما مستقل شدیم و دیگر ما را چیز دیگری می‌دانند ولی مقبولیم؛ آقای علی نخجوانی از بزرگان بهاییان است که ۴۰ سال در بیت العدل بوده است.

در کتاب شش مقاله‌اش می‌گوید در کل دنیا ما از مرحله‌ی چهارم فراتر نرفته‌ایم، یعنی استقلال؛ یعنی هیچ جا رسمیت به معنای جمعیت نداشته‌اند.

متاسفانه تا قبل از سال ۱۳۸۰، یعنی اجرای نقشه‌ی ۲۰ ساله ۲۰۰۱ که در ایران اجرا کردند اینها در مرحله‌ی انفصال بودند، حتی زمان شاه! یعنی مقبولیت عمومی نداشتند. یعنی زمان شاه کمونیست‌ها طرفدار باب بودند بخاطر حرکات مسلحانه‌اش. ولی ضد بهایی‌ها بوند. همان‌ها می‌گفتند بهایی‌ها عامل امپریالیست هستند.

در این ۲۰ سال اخیر از طریق رسانه‌هایی چون ایران اینترنشنال از آنطرف و در داخل با حرکاتی که روی حساب و کتاب و با نقشه است جوری حرکت کرده‌اند که در ایران به مرحله‌ی استقلال رسیده‌اند. کسانیکه قبل از سال ۸۰ در ارتباط با بهاییت اصلا مطلبی در ذهن‌شان نبود، به واسطه‌ی مطالبی که غیر واقعی است و متاسفانه نمی‌دانم چرا اراده‌ای نیست که احکام قضایی که در سیستم ما هست را بیایند توضیح دهند که مثلا اقای ایدلخانی، مقام بلندپایه‌ی تشکیلات بهایی، در خدمت سنگاپور و با پاسپورت سنگاپوری می‌آید به مشهد و قرار می‌گذارد با اعضای هیئت یاران ایران سال ۲۰۰۶-۲۰۰۷، و در منابع خود بهاییان است که یکی از اعضای هیئت یاران را می‌گیرند بابت سر زدن به شاخه‌ی سازمان بهاییت در مشهد؛ اینها را نمی‌آیند بگویند.

بحث دین نیست، بحث سازمانی است که می‌خواهد به قدرت برسد، توسعه‌ی منابع انسانی می‌خواهد بکند در پوشش کارهای خدماتی و ان جی او ای، پیام‌های بیت‌العدل هم همه واضح است. بروید و لفظ تکوین را در آخرین پیام هم ببینید. اینها دنبال طی اصل تکوین هستند.

انصاف نیوز: **من ضمن اینکه تاکید می‌کنم اتهام براندازی ازسوی ما بعنوان یک رسانه قابل تایید یا رد نیست؛ آقای ارشاد! شما می‌گویید که توده‌ای‌ها بهایی‌ها را عامل امپریالیست می‌دانستند درحالیکه همان توده‌ای‌ها انجمنی‌ها را هم به غربگرایی و وابستگی متهم می‌کردند. این را چطور جمع می‌بندید.**

اولین خروجی مجموعه‌ی حجتیه تقابل با توده‌ای‌ها و کمونیست‌ها در ایران بود. به جهت اینکه تنها سازمانی که به شکل سیستماتیک با کسانی مقابله می‌کرد که در تقابل با تشیع بودند، اینها بودند؛ این را نمی‌شود انکار کرد. من هم این مسئله را از روی صحبت‌هایی که خود انجمنی‌ها از جمله آقای فضلی با شما مطرح کرد می‌گویم.

البته بنده در ارتباط با بحث بهاییت و فعالیت انجمن نظرم دقیقا منطبق بر نظر مقام معظم رهبری است. یعنی ایشان قائل به این هستند که یک عده‌ای از اینها بودند که نق می‌زدند و ما کاری به اینها نداریم و یک عده‌ای هم بودند که حرفه‌ای و خدوم بودند، همین‌ها که بعد از انقلاب جذب نظام شدند و باید از آنها استفاده کرد.

در آن داستان هم حزب توده تنها کسانی را که می‌دانست نمی‌تواند در برابرشان تاب آورد انجمن حجتیه بود. قاعدتا حزب توده چون در تقابل با انجمن بود آن اتهامات را طرح می‌کرد. ولی از جهت اعتقادات بنده در ارتباط با انجمن، من دقیقا مثل مقام معظم رهبری فکر می‌کنم.

ولی من اعتقاد دارم در ارتباط با بهاییت باید -نمی‌گویم انجمن باید باشد- اما باید در پوزیشن حرکت فرهنگی [وارد شد] کار امنیتی در آخرین مرحله باید انجام شود؛ حکومت باید کنترل کند؛ نظر شخصی من این است که بهاییان ناقض منافع ملی و ناقض حاکمیت ملی ایران هستند. بحث اشاعه‌ی یک ایده نیست، بحث عضوگیری یک سازمان است برای توسعه‌ی منابع انسانی‌اش.

انصاف نیوز: **به صراحت بفرمایید نظر شخصی شما این است که باید مورد برخورد قرار گیرند؟**

اول این را بگویم که بحث بهاییت اصلا با بحث دراویش، مسیحیت یا هر اعتقاد دیگری قابل مقایسه نیست، بهاییت یک سازمان است.

اینها حتی بچه‌های خودشان را هم بهایی زاده نمی‌دانند، سازمانی است که شما باید عضوش شوید. اینها دولتی تشکیل داده‌اند، برای بلعیدن حکومت، اینها قائل به حزب و حرکت مدنی و اینها نیستند.

من اعتقاد دارم به شدت باید در مباحث سازمانی برایشان پرونده مستند جمع کرد برای محاکم جهانی؛ در ایران یک بهایی را ولو یک ساعت نباید گرفت، با منافع ما سازگاری ندارد؛ مستند سازی کنند برای محاکم جهانی.

انصاف نیوز: **بعنوان سوال آخر علت تخریب حظیره القدس را چه می‌دانید؟**

از طریق سیستم مقابله با بهاییان، آقای بروجردی تمامی اسناد مربوط به فعالیت براندازانه‌ی بهاییان را متوجه شدند و دادند به آقای فلسفی و اسنادش را شاه دید و یک تصمیم بدون هماهنگی با بالادستی‌ها گرفت و آن بنا را خراب کرد. بعد شوقی دستوری داد به محفل ملی امریکا و فشار اوردند و بعد هم شاه چند برابرش را به اینها داد. ولی هدفشان را نتوانستند اجرا کنند.

لینک :

/http://www.ensafnews.com/330026

اسناد مصاحبه :

مصاحبه حسن ارشاد با مرحوم ناهید وحدت شعار بانوی مستبصر

فیلم :

به نام خدا

مشروح گفت‌وگو با بانو ناهید وحدت‌شعار

چند روز پیش، فرصتی پیش آمد تا من – حسن ارشاد – به ملاقات بانویی بروم که‌به‌واقع با دیده دل و نه با دیده ظاهر، سال‌ها پیش مسافر کوی تحرّی شده بود و از آن منزل برای تمام متحرّیان، حرف‌های ناگفته اندر دل و سوغات نادیده اندر دست داشت. بانویی که گرچه تا عنفوان جوانی، حدّت قوه باصره‌اش برق از چشمان دلش ربوده بود؛ اما به یک‌باره چنان ضمیر خفته‌اش از ناهید وجودش تابناک گردید که حتی دیدگانِ به‌ظاهر بینایش نیز از انفجار نورِ حقیقت نابینا شد. و چه خوشبختم من، که توانستم ساعاتی چند، با چنین بانوی مستبصری که مردانه مسیر پر پیچ و خم جاده حق‌پذیری را پیموده و گره کور کوردلی خود را گشوده بود، صحبت کنم و به وسع ظرف وجودم برای شما توشه به ارمغان آورم. باشد که این مختصر، جرقّه‌ای برای شعله‌افروزی ناهید وجودمان افتد.

***

بخش اول: صداقت ساکنان کوی بهائی

زبـان را مگـردان بـه گـرد دروغ   چو خواهی که تخت تو گیرد فروغ

به خانه بانو ناهید وحدت‌شعار رسیدم.

در را باز کرد و با گشاده‌رویی تمام، من را به داخل خانه‌اش دعوت کرد.

وارد خانه شدم و روی مبلی نشستم. دقائق اولیه به احوال‌پرسی گذشت.

او در زمره روشن‌دلان بود. راستی پدر من هم روشن‌دل بود. به همین خاطر بخش ابتدایی صحبت‌هایمان به یاد و خاطره از پدرم و حال و هوای روشن‌دلان گذشت. خوب می‌دانم که روشن‌دلی چه عالمی دارد ...

مشتاق بودم که هر چه سریع‌تر به اصل مطلب بپردازیم. حال آنکه او از من مشتاق‌تر بود. با آنکه ۷۰ بهار از عمر پرماجرایش می‌گذشت؛ اما همچون جوانی ۲۰ ساله در پوست خود نمی‌گنجید تا سفره دلش را برای من باز کند.

من بدون مقدمه پرسیدم: چه شد که از بهائیت برگشتید؟

بانو بدون مقدمه پاسخ داد: صداقت نداشتند! چون من دانشجوی رشته تاریخ بودم و منابع معتبر تاریخی را مطالعه می‌کردم بهتر و بیشتر از بقیه متوجه دروغ‌های آن‌ها شدم. به عنوان نمونه آن‌ها می‌گفتند حضرت بهاءالله به خاطر ادعای پیامبری به سیاه‌چال افتاده؛ اما من فهمیدم که او به دلیل مشارکت در جریان ترور نافرجام ناصرالدین شاه دستگیر شده بود. آن‌ها می‌گفتند اختلاف صبح ازل با بهاءالله به این دلیل بوده که او غرض‌ورزانه به پیامبری برادرش و دیانت بهائی ایمان نیاورده؛ اما من فهمیدم که صبح ازل از سوی باب به جانشینی برگزیده شده بود و بهاءاللهِ بابی در پی قدرت‌طلبی، متعرض برادرش شد تا خود بر مسند جانشینی باب بنشیند و تا آن‌جا نیز پیش رفت که به ترور برادر خویش – صبح ازل – نیز اقدام نمود. آن‌ها می‌گفتند باب، امام زمان بوده است؛ اما من فهمیدم که میرزا علی‌محمد تنها این ادعا را داشته که من بابِ امام زمان هستم. آن‌ها از معجزه‌ای صحبت می‌کردند که به قول خودشان هنگام شهادت حضرت باب رخ داده؛ اما من فهمیدم که این داستان خرافه‌ای بیش نیست.حالا بماند که علاوه بر عدم صداقت، چه مظلوم‌نمایی‌ها و پنهان‌کاری‌هایی کهنداشتند ...

من از مفصل این نکته مجملی گفتم　　　تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل

و این گفت‌وگو در حالی در جریان بود که بانو دائماً تأکید می‌کرد که من در خانواده‌ای بهائی بزرگ شدم و مرتباً در جلسات و ضیافت‌های بهائیان حضور داشتم. فلذا از نهانِ مغفول این جماعت کاملاً مطلع شدم. نهانی که هیچ شباهتی به عیانشان ندارد. من دائماً سؤال می‌پرسیدم و از آن‌ها توضیحاتی درباره تناقضات مشهود آیینشان مطالبه می‌کردم. اما نه تنها پاسخ نمی‌دادند بلکه اصلاً به حرف‌هایم گوش نمی‌دادند و مرا از صحبت منع می‌کردند. کما اینکه هم‌اکنون نیز به من اجازه صحبت در رسانه‌هایشان را نمی‌دهند. و این رفتار اوج تعصب آن‌ها را نشان می‌دهد.

بانو ادامه داد و از اشکالات سیستم انتخابات در تشکیلات بهائیان نیز صحبت کرد. با وجود آنکه ادعا می‌کنند اختیار و آزادی در انتخابات حرف اول را می‌زند اما در واقع شرایط را طوری مهیا می‌کنند که افراد خاصی منتخب گردند. در حقیقت هیچ شفافیتی در این گزینش وجود ندارد و احبا نیز حق پرس‌وجو و گفت‌وگو در این خصوص را ندارند. بهائیت به شدت تأکید می‌کرد که رأی افراد باید مخفی بماند و هیچ کس نباید حرفی از رأی خود به دیگری بزند. حتی زن و شوهر هم نباید چیزی به یکدیگر بگویند. به این ترتیب آن‌ها هر نتیجه‌ای را که می‌خواستند، می‌توانستند پیش بیاورند. پدر من -علیجان وحدت‌شعارفرزند لطفعلی خان – از جمله کسانی بود که به عضویت محفل شهرمان – گنبد کاووس – نیز درآمده بود. به همین خاطر خوب می‌دانم که در این سیستم چه می‌گذرد و چه‌ها که نمی‌کنند. جالب است بدانید که آن‌ها می‌گفتند ما در انتخاباتمان کاندیداتوری نداریم. من هم پیش خود می‌گفتم مگر ممکن است در انتخابات کاندیداتوری نداشت. حتماً چیزی غیر از این باید وجود داشته باشد. در

نهایت پس از مطالعه فهمیدم این طور هم که می‌گویند نیست بلکه در کتبشان از نفوس سلیمه مؤمنه فعاله به عنوان ویژگی متقاضیانیاد شده که در حکم همان کاندیداتوری است.

اما صحبت‌های من و بانو به این تناقضات محدود نمی‌شد. امروز به لطف فضای مجازی چنین تناقضاتی به گوش همگان رسیده است. آنچه اهمیت بیشتری دارد، ناگفته‌هایی است که بانو درباره تشکیلات بهائیت و رفتارهای منزجرکننده آن‌ها مطرح کرد. ناگفته‌هایی که کمتر به گوش متحرّیان رسیده است و در تناقض آشکار با شعارهای همیشگی‌شان است.

بخش دوم: پول‌دوستی ساکنان کوی بهائی

گر با خردی تو حرص را بنده مشو   در پای طمع خوار و سرافکنده مشو

بانو می‌گفت: یکی از مواردی که در جدایی من از بهائیت تأثیر زیادی داشت، پول‌دوستی آن‌ها بود. تشکیلات بهائی تا این حد نسبت به مال و ثروت احبا نظر داشت که افرادی را با عنوان نمایندگان کمیسیون خدمت به خانه‌هایشان می‌فرستاد تا ضمن تبلیغ، آمار دقیق اموال آن‌ها را داشته باشند. حتی افراد سالمند نیز از چشم طمع آن‌ها در امان نبودند. به طوری که میراث آن‌ها پس از مرگ تصاحب می‌شد و در قبال پرداخت رشوه، ورثه آن‌ها را به سکوت وا می‌داشتند و یا اینکه آن‌ها را فریب می‌دادند. کافی بود متوجه شوند که یک نفر تنها زندگی می‌کند و حامی ندارد یا اینکه دچار مشکل است و به کمک احتیاج دارد. آنگاه آن‌ها خود را خادم او جلوه می‌دادند و با تزویر و عوام‌فریبی او را به این سو می‌کشاندند که ثروت خود را تقدیم جامعه بهائی کند. جالب است بدانید که خانواده خود من هم در دام طمع تشکیلات بهائی نسبت به پول و ثروت افراد افتاده بود. مادرم هوشیارانه متوجه حرص و طمع آن‌ها شده بود. اما پدر و خواهرم با وجود آنکه این دام را تجربه کرده بودند، همچنان متعصبانه سنگ آن‌ها را به سینه می‌زدند و از آن‌ها طرفداری می‌کردند. واقعاً شرم‌آور است که چنین رفتارهایی از خود نشان می‌دهند. برای اینکه مطلع گردید این جریان‌ها را تعریف می‌کنم. وقتی خواهرم – فرزانه وحدت‌شعار – بابت معالجه بیماری‌اش به انگلستان رفته بود، بر حسب اعتماد، او و اموالش را در این سفر به نماینده محفل آنجا – جناب زهرایی – سپرده بودیم. اما آن‌ها همه پول و اموال او را که بالا کشیدند هیچ، دوباره از پدر ما پول گرفتند و با وجود تعهد نسبت به اخذ اقامت برای خواهر، در نهایت او را با معالجه ناتمام به ایران بازگرداندند. و این در حالی بود که هنگام بازگشت به ایران او را کاملاً تلکه کرده بودند و یک قران پول هم در جیبش نمانده بود. حتی لوازم همراه او را هم برداشته بودند. این را هم بگویم که در این جریان ما از محفل ایران طلب کمک کردیم، اما آن‌ها هیچ کاری برای ما نکردند. گویی که دست آن‌ها با محفل انگلستان در یک کاسه بود وتنها به فکر منافع خودشان بودند.

بانو ادامه داد: من طی مدتی که در ضیافت‌ها شرکت داشتم، دائماً ملاحظه می‌کردم که آن‌ها چگونه از افراد پول طلب می‌کردند و همگان کم و بیش چاره‌ای جز مشارکت نداشتند. حتی لجنه تبلیغ به هر خانواده بهائی یک صندوق می‌داد تا پول‌های خود را بابت حق‌الله در آن جمع کرده و تقدیم نمایند. مبلغان بهائی تأکید داشتند که اگر قصد کمک به افراد نیازمند را دارید، خودتان مستقیماً اقدام نکنید بلکه پول‌هایتان را به محفل بسپارید تا در مسیر صحیحی خرج نیازمندان شود. حال آنکه هیچگاه گزارشی بابت نحوه صرف این پول‌ها ارائه نمی‌شد. جالب است بدانید که

یک بار یکی از بهائیان نیازمند با مادرم درباره کمیت و کیفیت اعانه محفل به آن‌ها صحبت کرد و در نهایت مشخص شد که محفل از قِبَل کمک‌های احبا، تنها مقادیر ناچیزی معونه برای نیازمندان فراهم می‌کند.

بانو درباره مادرش گفت که او پس از مشاهده چنین رفتارهایی از بهائیت روی‌گردان شد. مادرم سال‌ها با خانواده خاله‌ام اختلاف داشت و دائماً از محفل تقاضا می‌کرد تا برای رفع این اختلاف کمک نماید، اما هیچ کاری برای او انجام ندادند. فلذا از این مطلب در شگفت بود که چطور می‌شود دیانتی که شعارش وحدت عالم انسانی است در رفع اختلافات دو خانواده چنین عاجز و بی‌توجه باشد. مادرم دائماً در جلسات تبلیغ مبلغان بهائی شرکت می‌کرد. در این جلسات که روحانیون بهائی به سخنرانی می‌پرداختند – حال آنکه بهائیان می‌گویند ما روحانی نداریم – تحکمانه و آمرانه به خانواده‌ها دستور مهاجرت برای تبلیغ می‌دادند و مقصد را نیز خود برایشان تعیین می‌کردند. روحانیون بهائی برای خود شهرهای بزرگ همچون طهران را انتخاب می‌کردند و در رفاه کامل در آنجا به زندگی خود ادامه می‌دادند. و این در حالی بود که بهائیان عادی به مناطقی فرستاده می‌شدند که اکثراً شرایط زندگانیشان با مهاجرت به آنجا، بسیار دشوار شده و به تنگنا می‌افتاد. حتی مادرم برخی از آن‌ها را دیده بود که از این اتفاق عجز و لابه کرده و می‌گریستند. این مطلب به این معنا است که بهائیان حتی اجازه نداشتند خود محل سکونتشان را انتخاب کنند. از بهائیت این قبیل رفتارها اصلاً بعید نبود. آن‌ها دنبال کسانی بودند که به خوبی فرمانبردار بوده تا بتوانند بر آن‌ها ریاست کنند. بعد از اینکه مادرم از بهائیت برگشت، آن‌ها خیلی تلاش کردند تا او را منصرف کنند. حتی چند مرتبه او را به زور به جلساتشان کشاندند یا اینکه به زور می‌خواستند جلسات خود را در خانه او بیاندازند. علاوه بر این دائماً برای او دردسر درست می‌کردند تا از کرده خود پشیمان شود. اما در نهایت بعد از آنکه از تصمیم قطعی مادرم و برگشت‌ناپذیر بودن آن مطلع شدند، در محفل اعلام کردند که وی مشکل روانی دارد و او را طرد کردند تا به این ترتیب آبروی مادر را ببرند. در حالی که وی آن موقع در سلامت کامل به سر می‌برد و انصافاً از هوشیاری فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. مادر سالمند و مریض‌احوال من که در اواخر عمر تنها زندگی می‌کرد، همچون سایر سالمندانی که گرفتار نیش حریصانه جامعه بهائیت می‌شدند، از این دام مستثنی نشد. البته من خیلی تلاش کردم تا در برابر آن‌ها بایستم و اجازه ندهم که خانه‌اش را بالا بکشند. اما به تنهایی کاری از دستم برنیامد و کسی هم به من کمک نکرد. با وجود اینکه مادرم از بهائیت برگشته بود و دائماً اظهار مسلمانی می‌کرد، اما بهائیان او را به خانه سالمندان بردند و پس از فوتش، در قبرستان خود دفنش کردند. حتی به من اجازه این را هم ندادند که مادرم را در قبرستان مسلمانان دفن کنم. حال آنکه مادرم مکرر از بهائیان اظهار تنفر می‌کرد و اصلاً دل خوشی از ارتباط با آن‌ها نداشت.

بانو با آب‌وتاب فراوان صحبت می‌کرد و من دائماً در این اندیشه بودم که چطور با وجود چنین نواقص آشکاری، همچنان یک عده به ترویج این مسلک پرداخته و عده‌ای دیگر نیز به تبعیت از آن‌ها روی می‌آورند. بی‌شک هر منصف بیداردلی که بخشی از این کلمات را بخواند به حکم عقل و وجدان، بی‌درنگ حساب خود را از این فرقه جدا می‌سازد.

بخش سوم: مرام ساکنان کوی بهائی

مـردی نبود فتـاده را پـای زدن   گر دست فتاده‌ای بگیری مردی

بانو داستان تملک خانه خواهرش توسط تشکیلات را هم با سوز دل تعریف کرد: خواهرم فرزانه شیفته بهائیت و به معنای واقعی طرفدار پروپاقرص تشکیلات بود. حتی زمانی که به او ظلم کردند هم از هواداری آن‌ها دست نکشید. فرزانه به تنهایی زندگی می‌کرد و من و مادرم هر از چند گاهی به او سر می‌زدیم. با اینکه با ما خوب رفتار نمی‌کرد و حتی گاهی اوقات درِخانه را به روی ما باز نمی‌کرد، ولی ما به حکم انسانیت همواره به او که پاره‌ای از وجودمان بود، محبت کرده و نهایتِتوجه را مبذول داشتیم. ارتباط ما با یکدیگر به همین صورت ادامه داشت تا اینکه مدتی از او خبری نشد. بعد از چند روز که نتوانستم با او تماس بگیرم به خانه‌اش رفتم و هر طور بود وارد خانه شدم. دیدم که خواهر عزیزم روی زمین افتاده و توانایی حرکت ندارد. متأسفانه او به دلیل سابقه بیماری که داشت، زمین‌گیر شده بود و من از این اتفاق بسیار متأثر شدم. به هر حال مدتی من از او مراقبت کردم اما چون من نابینا بودم و مادرم هم کهولت سن داشت،فلذا از دوستان بهائیشیا به قول خودشان خادمین جامعه بهائی خواهش کردم که آن‌ها از او مراقبت کنند. اما بر خلاف زمانی که فرزانه سالم بود و همیشه به خانه او رفت‌وآمد داشتند، هیچ کدامشان حاضر نشدند به او کمک کنند. تا قبل از این اتفاق، فرزانه همه زندگی خود را در اختیار جامعه بهائی گذاشته بود و جلسات آن‌ها مرتباً در خانه‌اش برگزار می‌شد، اما به محض اینکه چنین اتفاقی برایش پیش آمد، هیچ کدام از آن‌ها را نمی‌دیدیم. دوستان بهائی فرزانه تمایلی به مراقبت از او در منزلش نداشتند. در عوض اصرار داشتند که او را به آسایشگاه ببرند و در آنجا از او نگهداری کنند. راستی بهائیان برای خودشان خانه سالمندان و آسایشگاه – در گلشهر کرج – درست کرده‌اند و افراد کهن‌سال یا ناتوان را به آنجا منتقل می‌کنند. به خصوص افرادی که کس و کاری ندارند و می‌خواهند اموال آن‌ها را تصاحب کنند. حتماً اگر فرزانه جزء نورچشمی‌های تشکیلات بود، آن‌ها با کمال میل و با عزت و احترام از او در خانه مراقبت می‌کردند، اما خواهر بیچاره‌ام تاریخ مصرفش گذشته بود و برای آن‌ها سودی نداشت جز خانه‌ای که از مال دنیا داشت. لذا به خانه او چشم داشتند و من هم که مدت‌ها در میان آن‌ها بودم، خوب می‌دانستم که اگر فرزانه به آسایشگاه برود، تشکیلات خانه او را تصاحب می‌کند. به همین خاطر من تصمیم گرفتم در برابر آن‌ها بایستم و خواهرم را به هر قیمتی در خانه‌اش نگهدارم.من تا این حد از فرزانه مراقبت می‌کردم که مایحتاجش را می‌خریدم و آن‌ها را از خانه‌ام برایش با پیک می‌فرستادم. اما احبا نه تنها به من کمک نکردند بلکه برایم مزاحمت هم ایجاد می‌کردند. تشکیلات بهائی با نقشه‌های مختلفی می‌خواستند فرزانه را از آن خانه بیرون کنند. یک روز می‌گفتند فرزانه نظافت مجتمع را رعایت نمی‌کند. یک روز می‌گفتند فرزانه در مجتمع فریاد می‌کشد. یک روز می‌گفتند دیگر نمی‌توانی برای او چیزی بفرستی و ... که البته همه این‌ها ساختگی بود و به قرائن مختلفی متوجه شدم که می‌خواهند من را از پا درآورند و فرزانه را به آسایشگاه ببرند.حتی یک مرتبه با شماره‌ای که متعلق به مجتمع فرزانه نبود به من زنگ زدند و به دروغ گفتند که ما همسایه فرزانه در مجتمع هستیم و حسابی از او شکایت کردند. در این ماجرا پدر من هم با آن‌ها همکاری می‌کرد. پدرم یک بهائی متعصب بود که ذکر تشکیلات دائماً ورد زبانش بود. او حتی مقدار قابل توجهی از ثروتش و مغازه‌هایش را در اختیار امر گذاشته بود. همیشه می‌گفت هر چه تشکیلات از من بخواهد برایشان انجام می‌دهم. این بار هم از

او خواسته بودند که دخترش را به زانو درآورد. پدرم با نگهبان مجتمع و همسایه‌ها تبانی کرده بود که برای من دردسر درست کنند و دیگر من را به مجتمع راه ندهند. نگهبان مجتمع برای من احترام زیادی قائل بود اما پس از ملاقات پدرم با او، حتی حاضر نبود که من را به آنجا راه دهد و غیرمحترمانه با من برخورد می‌کرد.خلاصه اینکه نه با من صداقت داشتند؛ نه با من همکاری می‌کردند و نه اینکه رهایم می‌کردند.در این جریان یک بار آن‌ها بدون اجازه من و مادرم، فرزانه را از خانه‌اش به آسایشگاه بردند که بلافاصله من هم آنجا را پیدا کردم و با تهدیدِ آن‌ها به شکایت، فرزانه را به خانه‌اش برگرداندم. اما دیگر نتوانستم ادامه دهم و تسلیم آن‌ها شدم. دیگر رمق ایستادن در برابرشان را نداشتم و بالاخره راضی شدم که فرزانه را به آسایشگاه ببرند. پس از آن چند مرتبه به ملاقات او رفتم و در این حین از کارمندان آنجا می‌شنیدم که می‌گفتند بهائی‌ها مدام از فرزانه می‌خواهند که خانه‌اش را تقدیم جامعه بهائیت کند. فرزانه هم که سخت طرفدار تشکیلات بود، بالاخره خانه‌اش را در اختیار آن‌ها گذاشت تا اجاره دهند. تشکیلات حتی از فرزانه وکالت‌نامه هم گرفته بود تا خانه‌اش را تصاحب کند، اما من که متوجه این موضوع بودمتا جایی که توان داشتم جلویشان را می‌گرفتم و اجازه نمی‌دادم که فرزانه خانه‌اش را به آن‌ها بدهد. من خوب می‌دانستم که اگر فرزانه خانه‌اش را از دست بدهد، آن‌ها دیگر نگاهش هم نمی‌کنند. بهائیت برای وکالت گرفتن از فرزانه، پسرعمه ما – رشید خادم – را که او نیز یک بهائی بود، به نمایندگی از محفل واسطه کرده بودند تا هر طور شده از فرزانه وکالت بگیرد. من هم یک بار که متوجه قرار آن‌ها برای اخذ وکالت قانونی شدم به آسایشگاه رفتم و جلسه را به هم ریختم. همگی آن‌ها حسابی ترسیده بودند و مرتب می‌پرسیدند که ناهید از کجا متوجه این قرار شده است. مگر قرارمان این نبود که کسی به ناهید چیزی نگوید. تشکیلات برای خانه مادر من هم برنامه داشت و دنبال آن بود که خانه مادرم را هم به دست آورد. به رغم آنکه با تمام توانم در مقابلشان ایستادم، ولی در نهایت کار خودشان را کردند و به من که شرعاً و قانوناً ورثه مادرم و فرزانه هستم تنها ماهیانه سیصد هزار تومان پول بابت اجاره خانه مادرم می‌دهند تا چیزی نگویم. خانه فرزانه هم که کاملاً در اختیار آن‌ها است و الآن حتی دیگر از آنجا خبر هم ندارم. خود فرزانه را هم به یک آسایشگاه دیگر منتقل کرده‌اند ولی متأسفانه از آدرس آنجا اطلاعی ندارم و نمی‌دانم در حال حاضر فرزانه در چه حالی است. آدرس آسایشگاه قبلی را هم با هزار زحمت از طریق نماینده امر در منطقه سکونت فرزانه – جمیله رئوفی – و دخترعموی بهائی ما – باهره وحدت‌شعار – که همچون سایر خویشاوندان بهائیمان من را به شدت مورد تلطف(!) خود قرار داده بود، به دست آورده بودم. اما آدرس آسایشگاه جدید فرزانه را از من پنهان کردند و من از آنجا چیزی نمی‌دانم. جالب است بدانید که این اواخر در ماجرای گرفتن وکالت، خود فرزانه هم تا حدی فهمیده بود که چه کار با او می‌کنند و چند مرتبه هم با دادن وکالت مخالفت کرده بود، اما در نهایت به خاطر ارادتش به تشکیلات و اصرار خویشاوندان بهائی‌اش تسلیم محض آن‌ها شد و به من اجازه دخالت بیشتر نداد. در این ماجرا به غیر از من و مادرم همه اطرافیانم بهائی و طرفدار آن‌ها بودند. حتی برادر بهائی‌ام در سوئیس و خواهر دیگرم در امریکا هم من را تحت فشار گذاشته بودند که با تشکیلات همکاری کنم. این را هم باید بدانید که بهائیت در انجام مراحل قانونی‌تملک خانه از وکیلی – شراره طائفی – کهدست‌پرورده خودشان بود، استفاده کردند و من با هزار بدبختی توانستم برگه‌های انحصار ورثه را از چنگ او درآورم. ولی باز هم آن‌ها از فرزانه سوء استفاده کردند و به مقاصدشان رسیدند. خلاصه اینکه همه این اتفاقات در حالی افتاد که منِ نابینا تنها بودم و مادر سالمندم هم کاری از دستش بر نمیامد. سایر اعضای خانواده‌ام هم که مطیع تشکیلات بودند و

با آن‌ها به هر شکلی همکاری می‌کردند. البته این را هم بگویم که من می‌توانستم از مجرای قانون خیلی کارها انجام دهم. کافی بود اطلاع دهم که این افراد بهائی هستند. در نتیجه همه اموال به من می‌رسید. ولی من نسبت به خانه خواهرم و مادرم هیچ چشم‌داشتی نداشتم و نمی‌خواستم آن‌ها را به دردسر بیاندازم. الآن هم که شما حرف‌های من را می‌شنوید به لطف خدا در نهایت عزت و احترام در خانه‌ام زندگی می‌کنم و هیچ ارتباطی با آن‌ها و جامعه پلیدشان ندارم. خدا را شکر

***

بانو همچنان حرف برای گفتن داشت. از او قول گرفتیم که به زودی دوباره مزاحمش شویم تا صحبت‌های شنیدنی‌اش را بیش از این به گوش متحرّیان حقیقت برساند. من امیدوارم که خدا این توفیق را به من دهد تا در آینده نزدیک دوباره به خدمت بانو برسم و این بار صحبت‌های ایشان را بدون واسطه به سمع و نظر شما محققان گرامی برسانم تا خود درباره آنچه می‌شنوید قضاوت کنید.

راهی به سوی عاقبت خیر می‌رود   راهی به سوء عاقبت اکنون مخیری

====

❖

بازگشت به سوی حضرت دوست

اینجا مزار بانوی آزاده و فرهیخته و روشندلی است که وقتی چشمان حقیقت جویش،خورشید حقیقت را در اسلام دید ،با شجاعت از فرقه ضاله جدا شد و افشاگر فریب های تشکیلات حیفانشین گردید و ‘‘ناهید’’گونه درآسمان ‘‘وحدت’’، ‘‘شعار’’ آزادگی سر داد و جاودانه شد.
ناهید وحدت شعار،تولد:... وفات...

بهائیان به سنگ قبر مسلمین هم رحم نکردند و آن را تخریب نمودند تا سخنان روشنگرانه بانو وحدت شعار خفه شود
در تعجبم مگر بهشت زهرا حراست ندارد و مگر مملکت صاحب ندارد که یک بانوی بهایی که مسلمان شده و ورثه مسلمان هم ندارد در مقابل چشمان همگان سنگ قبرش تخریب شود و جملات زیر که خاری بود به چشمان بیت العدل و پیام ناهید وحدت شعار بر آن نگاشته بود را تخریب نمودند



منبع: https://www.hassanershad.com/12597

مصاحبه خبرگزاری فارس با حسن ارشاد بررسی اسناد و اقدامات براندازانه بیت‌العدل بهائیت طی ۲۰ سال گذشته

بهائیان بر این باورند با وجود حکومت جمهوری اسلامی دیگر نمی‌توانند باورها و اعتقادات خود را که براندازی رژیم و تشکیل حکومت اقدس بهایی است نهادینه کنند؛ به همین خاطر شروع به عضوگیری افراد در پوشش مؤسسات خدماتی کردند.

خبرگزاری فارس ـ سیده فاطمه حسینی: یکی از راه‌های از بین بردن هویت و فرهنگ جوامع مختلف برای چپاول ثروتهای آنان ایجاد فرقه های مختلف از سوی استعمارگران است، از جمله این فرقه ها "فرقه ضاله بهاییت" است، که در واقع یک تشکیلات برانداز است و رابطه دیرینه ای با انگلیس و صهیونیسم دارد ... تشکیلات «رگ حیات» خود را در عضو گیری می‌بیند و با استفاده از مبلغان دوره دیده، دست به تبلیغات فریبنده و خزنده در امور اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جهت عضو گیری و اقدامات براندازی میزند ، تشکیلات بهایی با در نظر گرفتن مسائل روانشناختی جامعه، بر روی افکار تأثیرگذاشته و آنان را جذب می‌کند و در مواقع لزوم از آنها برای اقدامات براندازی و ضد امنیت ملی استفاده میکند، بدون آنکه به اعضا بگویند هدف، استقرار حکومت اقدس بهاییت و براندازی حکومت اسلامی است که این کاری غیرانسانی است؛ با تحلیل دقیق از منابع اطلاعاتی تشکیلات، می‌توان از این حوادث جلوگیری کرد و اطلاع رسانی بموقع انجام داد؛ در این گفت‌وگو به بررسی اسنادی در این رابطه می‌پردازیم.

«حسن ارشاد» کارشناس حوزه بهائیت درباره اقدامات براندازانه تشکیلات بهایی در ۲۰ سال گذشته گفت: نقشه و برنامه براندازی که از سال ۲۰۰۰ کلید خورده بود در سال ۲۰۲۱ به پایان رسید و نقشه ۲۰ سال بعدی برنامه ریزی و اجرا میشود، برنامه هایی که باعث رخ دادن اتفاقات زیادی در سراسر ایران شد،این اتفاقات که بصورت پازلی بهم ریخته است را کنار هم چیده تا برای مقابله آگاهی رسانی کنیم.

ارشاد درباره نقشه ۲۰ ساله بیت‌العدل (مقر تشکیلات سازمانی بهاییت) و اقدامات براندازانه فرقه افزود: بهائیان بر این باورند با وجود حکومت جمهوری اسلامی دیگر نمی‌توانند باورها و اعتقادات خود را که براندازی رژیم و تشکیل حکومت اقدس بهایی است نهادینه کنند؛ به همین خاطر شروع به اقدامات ضد حکومتی و امنیت ملی و عضو گیری افراد در پوشش موسسات خدماتی کردند، قبل از انقلاب آنان محدودیتی برای تبلیغ نداشتند و بسیاری از آنان در مسند دولت و قدرت بودند، اگر همچنان آزاد بودند ، اشخاص بهتر میتوانستند با اقدامات براندازانه آنان آشنا شوند و با برگزاری مناظره ها و اطلاع رسانی بیشتر از روند پیشرفت آنان، افراد خود در جهت شناخت انان برایند

ارشاد با بیان اینکه بهائیت از بعد انقلاب اسلامی کمترین آسیب را نسبت به گروههای دیگر مثل "منافقین" متحمل شد، اظهار داشت: از سال ۸۱-۸۰ برنامه ۲۰ ساله بیت‌العدل کلید خورد و بلافاصله در همه نقاط ایران اتفاقاتی رخ داد؛ بطور مثال در شیراز عده‌ای بهائی در هیات یاران بهاییان دستگیر شدند از جمله خانم مهوش ثابت از مبلغان معروف بهاییت؛ و تقریبا موج دستگیری‌ها شروع شد اما با توجه به اینکه شهروندان بهایی در ایران ازادانه زندگی میکنن، علت دستگیری‌ها چه بود؟

طبق سند پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت‌العدل، مقدمه طرح ۲۰ ساله از سال ۸۰ خطاب به نهادهای امنیتی تشکیلات "یادآور" شد که ، مراحل ۷ گانه طرح براندازی را بین مردم برای براندازی و عضو گیری و تشکیل حکومت بهایی اجرا کنید؛ مراحل ۷ گانه شامل:

۱/ مجهولیت

۲/ مظلومیت و مقهوریت

۳/ انفصال شریعت الله از ادیان عتیقه

۴/ استقلال دین الله و مساوات آن با دیگر ادیان

۵/ رسمیت آیین بهائی و شناساندن آن بعنوان دیانت رسمی

۶/ ظهور سلطه زمینیه امر الهی و ادغام سازمان کشوری با نظام الهی

و ۷/ در سطح بین‌المللی استقرار سلطنت جهانی و جلوه سیطره ظاهری و روحانی امر الهی سپس صلح اعظم و آغاز عصر ذهبی.

به گفته وی، تشکیلات با استفاده از کلاسهای "طرح روحی" (کلاس های آمادگی به جذب بهاییت) برای شروع ابتدا مجموعه آسیب‌پذیرتر یعنی کودکان را هدف قرار داد؛ در مرحله بعد والدین آنها و در نهایت مرتبطان آنها؛

ارشاد محیط زیست را از جمله مهمترین اهداف بهائیت عنوان کرد که از سال ۸۳ در این حوزه بسیار فعالند، از جمله بهاییان جاسوس دستگیر شده میتوان، سودابه حقیقت، نورا پور مرادیان و بهاره قادری را نام برد.

تشکیلات با شایعه‌پراکنی بطور تلویحی در کلاسهای طرح روحی و هنگام عضوگیری در پوشش خیرخواهانه عنوان می‌کنند که، حکومت مخالف از بین بردن فقر است، و این در صورتی است که آنان برای تخریب نظام ، شایعاتی تفرقه انگیز در بین مردم منتشر و به دنبال آن تبلیغات انجام کارهای خیرخواهانه ولی به نیت براندازی بودند. بطور مثال با هماهنگی در سایت یوتیوب، عده ای از مردم را در میدانی در شیراز جمع کردند و در پوشش کمک‌رسانی به روستای مهدی‌آباد به آنجا رفتند و برای مردم محروم، مواد غذایی، لوازم مورد نیاز زندگی و بازی و تفریحات بردند و دست به خدمات‌رسانی زدند.

آنان در این بین شروع به برگزاری کلاس‌های طرح روحی کردند.

ارشاد در ادامه گفت: از جمله کانون‌های هسته مرکزی و مؤثر تشکیلات بهایی، استان البرز بود، که با پوشش فعالیت‌های زیست‌محیطی اقدام به تشکیل گسترده کلاسهای طرح روحی کردند؛ از دیگر جاهایی که بهائیت بر آنها

نفوذ یافته است، بنیاد محک (مهندس ضیاء متحدان از اعضاء هیئت مدیره محک) و جمعیت امام علی است که به بهانه انجام کار خیر، در این موسسات نفوذ کرده و اقدام به تبلیغ بین اعضای آنها می‌کند.

ارشاد با بیان اینکه کلاس‌های طرح روحی ۲۰ ساله، سال ۲۰۲۰ تمام و وارد ۲۰ سال بعد می‌شود، افزود: بهائیت به دروغ می‌گوید ما تشکیلاتی در داخل ایران نداریم، آنان می‌خواهند ایران را به سوی ادغام نظام اداری تشکیلات در نظام کشوری ببرند. تشکیلات در طول ۴۱ سالی که از انقلاب می‌گذرد، هیچ گاه ضیافت‌های خود را در داخل ایران تعطیل نکرده است ؛ طبق اسنادی منتشر شده از شوقی افندی نوه "عبدالبهاء" در کتاب توقیع جلد۳ ، که شوقی قبل از کودتای ۲۸ مرداد در محفل محلی بهاییان عنوان کرد ، مواظب باشید چون در ایران اتفاقاتی در حال روی دادن است که ما باید از این فرصت استفاده و به فتح اقالیم بپردازیم، و در مرحله اخر حکومت بهایی را برپا کنیم

کارشناس حوزه بهائیت در پایان گفت: بهائیان داخل ایران که نمی‌دانند هدف اصلی تشکیلات، براندازی است، ندانسته در فعالیت‌های به اصطلاح "انسان دوستانه" فرقه شرکت می‌کنند، اما در حقیقت بیت‌العدل از آنها برای رسیدن به اهداف خود جهت فتنه‌گری و براندازی استفاده می‌کند.

تحلیل درست و دقیق با اطلاع رسانی به موقع از هجوم و یورش تشکیلات بهایی به منابع انسانی در اینده میتواند بسیار مؤثر در جهت مقابله با آنها باشد.

گفت‌وگو: **سیده‌فاطمه حسینی**

انتهای پیام/

لینک خبر :

https://www.farsnews.ir/news/13990404000728/%D8%A8%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB%8C-%D8%A7%D8%B3%D9%86%D8%A7%D8%AF-%D9%88-%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%D8%A7%D8%AA-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%86%D8%AF%D8%A7%D8%B2%D8%A7%D9%86%D9%87-%D8%A8%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B9%D8%AF%D9%84-%D8%A8%D9%87%D8%A7%D8%A6%DB%8C%D8%AA-%D8%B7%DB%8C-%D9%A2%D9%A0-%D8%B3%D8%A7%D9%84-%DA%AF%D8%B0%D8%B4%D8%AA%D9%87

معجزه بهاء الله چیست ؟ نقض ادعای انحصارآیات در کلمات

بسم الله الرحمن الرحیم

معجزه بهاء الله چیست ؟ نقض ادعای انحصارآیات در کلمات

مقدمه

✨ چکیده معرفی مقالات: نقض ادعای انحصار آیات در کلام ✨

در سلسله‌مقالاتی با عنوان **معجزه دیانت بهایی چیست؟** به بررسی ادعای بهائیت درباره‌ی انحصار معجزه در کتاب و آیات پرداخته شده است. نویسنده با استناد به قرآن، روایات و حتی منابع بهایی نشان می‌دهد که:

◇ معجزه در منطق قرآن منحصر به کتاب نیست؛ پیامبران الهی همواره با «بیّنات روشن» همراه بوده‌اند، از عصای موسی تا ناقه‌ی صالح.

◇ بیشتر انبیاء اصلاً صاحب کتاب نبوده‌اند؛ پس ملاک حقانیت نمی‌تواند فقط متن مکتوب باشد.

◇ خودِ باب و بهاءالله در آثارشان به مواردی خارج از «کتاب» اشاره کرده‌اند (مانند کرامات و امور خارق‌العاده) که با ادعای «حصر در آیات» تناقض دارد.

◇ بسیاری از نخستین پیروان باب بر اساس خواب، احساسات شخصی یا برداشت‌های محدود ایمان آوردند، نه بر پایه‌ی «آیه‌ای معجزه‌آسا».

◇ پنهان‌ماندن یا عدم انتشار کامل متونی که به‌عنوان «آیه» معرفی می‌شوند مثل قیّوم‌الأسماء یا تفسیر سوره کوثرحجیت عام را از این ادعا می‌گیرد.

بنابراین، انحصار معجزه در «کلام» هم با سنت پیامبران ناسازگار است، هم با قرآن و روایات، و حتی در خودِ منابع بهایی بارها نقض شده است.

📌 برای مطالعه‌ی اصل مقالات و مشاهده‌ی استدلال‌های تفصیلی، می‌توانید به **تیترها (لینک‌ها) در فهرست زیر** مراجعه کنید.

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱

ضرورت «آیه/بیّنه» برای مدّعیان رسالت

چکیدهٔ شبهه

بعضی می‌گویند اثبات پیامبری نیاز به معجزه ندارد؛ معیار، تعالیم و «دلیلِ تقریر» است و معجزات هم فایده‌ای ندارد چون بسیاری با دیدنشان ایمان نیاوردند.

نیز ادعا می‌شود معجزهٔ معتبر فقط «کتاب» است؛ پس نبودِ کارهای خارق‌عادت مشکلی نیست.

بنابراین توقع «آیه/بیّنه» از هر رسول، توقع نادرست و غیرعقلانی است.

پاسخ به شبهه

قرآن قاعده‌ای عام می‌دهد: «لقد أرسلنا رُسُلَنا بالبیّنات...»؛ همهٔ رسولان با آیات روشن می‌آیند و سپس کتاب/میزان نازل می‌شود، پس بیّنه منحصر به کتاب نیست.

نمونه‌های صریحِ بیّنهٔ غیرکتابی: عصای موسی و یدِ بیضا، ناقهٔ صالح... که «آیهٔ ربّ» و «سلطان مبین» نامیده شده‌اند.

معجزه کارکرد هویّتی دارد؛ «کارت شناسایی غیرقابل جعل» تا حجّت تمام شود: «لیهلک من هلک عن بیّنه ویحیی من حیّ عن بیّنه».

اینکه برخی با وجود بیّنه ایمان نیاوردند، دلیلِ لغو بودن معجزه نیست؛ آزمون بعد از روشن‌شدن حق معنا پیدا می‌کند.

جایگزینی معیارهای مبهمی چون «دلیل تقریر» به‌جای آیه/بیّنه، نه قرآنی است و نه اطمینان‌بخش؛ مدّعی رسالت باید نشانهٔ الهیِ روشن و عام‌فهم عرضه کند.

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۲

لزومِ ارائهٔ معجزه در روایات و ماجرای «تفسیر سورهٔ کوثر» باب

چکیدهٔ شبهه

روایات (مانند حدیث ابی‌بصیر از امام صادق ع) معجزه را «علامتِ تمییز صادق از کاذب» می‌دانند؛ پس هر مدّعی رسالت باید آیه/بیّنه‌ای روشن عرضه کند و معجزه منحصر به «کتاب» نیست.

قرآن تنها معجزهٔ کتابیِ جاوید است و با تحدّی، حجیت خود را برای همگان عام و دائمی کرده است.

با این وصف، اگر «تفسیر سورهٔ کوثر» معجزهٔ باب و دلیل ایمانِ وحید دارابی بوده، چرا متن معتبر و کاملش منتشر نمی‌شود و چرا گفته می‌شود در آن حتی ادعای رسالت/قائمیّت هم نیست؟

پاسخ به شبهه

۱) بر پایهٔ روایات، معجزه باید «بیّنهٔ روشن و عام‌فهم» باشد تا حجّت بر همه تمام شود؛ این معیار به‌طور منطقی قابل سنجش و بازبینی عمومی است.

۲) بیشتر پیامبران کتاب نداشتند، پس بیّنه نمی‌تواند به «کتاب» منحصر باشد؛ قرآن استثنا و معجزهٔ ماندگارِ پیامبر

اسلام است.
۳) ادعای معجزهٔ متنی بدون انتشار نسخهٔ کامل، مُحرَّر و قابل ارزیابی (با سند و ضبط) ارزش احتجاجی ندارد.
۴) اگر «تفسیر کوثر» واقعاً آیه‌ای الهی است، باید شفاف و بی‌کم‌وکاست عرضه شود تا سنجش ادبی/محتوایی/عقیدتی ممکن گردد.
۵) تا هنگام انتشار و احراز اصالت، این ادعا معیار «آیه/بیّنه» را برنمی‌آورد و نمی‌تواند جایگزین معجزهٔ واضحِ عام‌الابتلاء برای اتمام حجّت باشد.

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۳

معجزه و اثبات حقانیت نزد باب و بهاءالله

چکیدهٔ شبهه

مدّعی است که باب و سپس بهاءالله، معجزه را به «کتاب» منحصر کرده‌اند و دیگر بیّناتِ غیرکتابی انبیا را یا تأویل یا انکار می‌کنند.
اگر دلیل رسالتِ باب «آیاتِ مکتوب» (مثل تفسیر کوثر یا بیان) است، چرا نسخهٔ کامل، مُحَرَّر و قابل‌سنجش آن به‌طور رسمی منتشر نمی‌شود؟
با قرآن که خود به‌عنوان معجزهٔ عمومی و مُتَحدّی عرضه شد، مقایسه می‌شود و پنهان‌کاری کنونی، ارزش احتجاجی ادعا را از بین می‌برد.

پاسخ به شبهه

۱) در منطق قرآن و روایات، «بیّنات» رسولان عام‌الفهم و قابلِ اتمامِ حجت است و به کتاب منحصر نمی‌شود؛ حصرِ معجزه در کتاب، مغالطه است.
۲) اگر معیارِ باب «کتاب» است، باید متن‌ها شفاف، کامل و سنجش‌پذیر عرضه شوند؛ عدمِ انتشار، ادعای تحدّی را بی‌اثر می‌کند.
۳) قرآن هم از جهت محتوا و هم از راهِ تحدّیِ علنی، حجیت خود را برای همگان اثبات کرد؛ قیاسِ آثارِ منتشرنشده با قرآن قیاسِ مع‌الفارق است.
۴) اکثریت انبیا صاحبِ کتاب نبودند؛ پس معیار حقانیت نمی‌تواند فقط «کتاب» باشد وگرنه نبوت آنان قابلِ اثبات نمی‌ماند.
۵) تا وقتی دلیلِ ادعاییِ باب به‌طور مستند و عمومی ارائه نشود، این مدعا معیار «آیه/بیّنه» را برنمی‌آورد و نمی‌تواند حجت بر عموم انسان‌ها باشد.

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۴

شهادتِ «شاهد»؛ ماجرای ملا عبدالخالق یزدی و پایایی ایمان حروف حی

چکیدهٔ شبهه

- بیشترِ حروفِ حی (۱۷ از ۱۸ نفر) بر پایهٔ خواب، نه «آیه/کتابِ معجزه‌آسا»، به باب ایمان آوردند.
- ملا عبدالخالق یزدی—که باب او را «شاهد» و بهاءالله او را «عالم راشد و محفوظ در لوح» ستوده—وقتی با عبارت «اِنّنی اَنَا القائم الحق...» روبه‌رو شد، برگشت و دیگران را هم از پیروی بازداشت.
- این ماجرا نشان می‌دهد نخستین پیروان از ادعاهای بعدی باب (قائمیت و...)، بی‌اطلاع بوده‌اند و روایت بابی/بهائی از «ایمانِ معجزه‌محور» بی‌پایه است.

پاسخ به شبهه

۱) در منطق قرآن/روایات، حجتِ پیامبر باید «بیّناتِ علنی و عام‌الفهم» باشد؛ خوابِ شخصی هیچ‌گاه معیار رسالت نیست.

۲) اگر ایمانِ حروفِ حی «دلیل نفوذ» شمرده شود، ارتداد و بازگشتِ همان چهره‌ها—مثل ملا عبدالخالق—به همان میزان دلیلِ بطلان است.

۳) برگشتِ ملا عبدالخالق پس از دیدنِ دعوی «قائمیت» قرینه است که هستهٔ نخست، باب را صرفاً «بابِ امام» می‌دانست نه «قائم/نبی».

۴) پنهان‌ماندنِ متونِ ادعاً «معجزه‌آمیز» (برای سنجش عمومی) ادعای تحدّی را از اعتبار می‌اندازد و حجیت عام ایجاد نمی‌کند.

۵) بر این مبنا، دعوی بابی/بهائی معیارهای قرآنیِ «بیّنات» و علائمِ موعود را برنمی‌آورد و توان اثبات عام ندارد.

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۵

ناظر به مفهوم شبهه: «اعجازِ تفسیر سوره یوسف» و معیار ایمانِ ملّاحسین

چکیدهٔ شبهه

- بهائیان تفسیر سوره‌ی یوسف (قیّوم الأسماء) را «اوّل، اعظم و اکبر» معجزهٔ باب و سبب ایمانِ ملّاحسین می‌دانند، اما انتشار رسمیِ متنِ سنجش‌پذیرِ آن را منع کرده‌اند.
- معیار ایمانِ ملّاحسین (درخواستِ تفسیرِ بدیعِ سورهٔ یوسف و حلّ رساله‌ای از مسائل) از سوی سید رشتی القا شده و نه در قرآن/روایات؛ ضمن آن‌که «بدونِ درخواست» بودنِ تفسیر، معیاری قابل‌جعل و یک‌بارمصرف است.

• گزارش‌ها دربارهٔ سرعتِ نزول/فهم، زمانِ پاسخ‌گویی و چراییِ تفسیر متناقض است؛ پس اتکاء بر آن به‌عنوان «بیّنهٔ عام» مخدوش می‌نماید.

پاسخ کوتاه

۱) «بیّنات» در منطق قرآن باید عمومی، تکرارپذیر و قابل‌داوری همگانی باشد؛ معیار شخصیِ ملّاحسین یا خوابِ دیگران حجت عام نمی‌سازد.
۲) تبدیلِ «تفسیر یوسف» به تنها معیارِ اعجاز، مصادره‌به‌مطلوب و بر خلاف رویّهٔ انبیا (ارائهٔ بیّنات غیرکتابیِ روشن) است.
۳) منعِ نشرِ رسمیِ متنی که «تحدّی» به آن بسته شده، خود دعویِ اعجاز را از امکانِ آزمون ساقط می‌کند.
۴) تعارض روایات (چند دقیقه در برابر شرحِ مبسوط، «بدونِ درخواست» در برابر «به درخواست»)، و سرعتِ شنیدن/فهمِ مخاطب) اعتمادپذیریِ روایت اعجاز را می‌کاهد.
۵) نتیجه: «اعجازِ تفسیر یوسف» به‌عنوان ملاکِ اثبات رسالت/قائمیت کفایت نمی‌کند و تا ارائهٔ بیّناتِ علنی و سنجش‌پذیر، حجیتِ عام برای دعوی حاصل نمی‌شود.

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ۶

ناظر به مفهوم شبهه: «قیّوم‌الاسماء»؛ معجزهٔ نخست یا متنِ پنهان؟

چکیدهٔ شبهه

• منابع بهائی «تفسیر سورهٔ یوسف/قیّوم‌الاسماء» را اوّل، أعظم و اکبرِ آثار باب و معجزهٔ او می‌خوانند، اما نسخهٔ رسمی و یکدست آن را منتشر نمی‌کنند.
• در همان متن، باب خود را «عبد/ذِکر/بابِ» امام دوازدهم می‌نمایاند و نیز لحن‌های سخت‌گیرانه (مانند احکام جنگ) دیده می‌شود؛ پس عدمِ انتشار برای پوشاندن این تعارضات است.
• روایتِ اثرگذاری خارق‌العادهٔ کتاب بر مومنان و معیار ایمانِ ملّاحسین، با تناقض‌های تاریخی/روایی همراه است و حجّیت عام ندارد.

پاسخ

۱) از چند فراز نمی‌توان نتیجهٔ قطعی گرفت؛ «باب» در گفتار باب معانی لایه‌لایه دارد و داوری دربارهٔ دعوی نهایی، نیازمند سنجشِ تمام متن و مجموعهٔ آثار اوست، نه نقل‌های گزینشی.
۲) نبودِ یک چاپِ انتقادیِ واحد الزاماً «پنهان‌کاری» نیست؛ تعددِ نسخه‌های خطی، اختلافات و لزومِ تصحیح علمی باعث احتیاط می‌شود—در عین حال نسخه‌ها/خلاصه‌ها و پژوهش‌های ثانوی موجودند.
۳) دربارهٔ فرازهای خشونت‌زا: لحنِ قیّوم‌الاسماء هم‌سنخِ بلاغتِ قرآنی و موقعیتِ بحرانیِ آن عصر است؛ و در

بهائیتِ متأخر، جهادِ تهاجمی ملغی و اصول صلح و وحدت انسان‌ها اصل شده است (ناسخ/منسوخ).
۴) «معجزه» در گفتمان بهائی بیش از «خارق‌عادت»، قوّهٔ بیان و اثر اجتماعی/اخلاقی است؛ تجربهٔ ملّاحسین حجت شخصی است، نه معیارِ عام؛ سنجش صحّت دعوی به ثمراتِ دیانت و کلّ آثار بسته است.
۵) راهِ داوری منصفانه: انتشارِ متنِ مقابله‌شده با دستگاهِ انتقادی و مقایسهٔ همهٔ نقل‌ها؛ تا پیش از آن، نتیجه‌گیری‌های قاطع بر پایهٔ تقطیع/گزینش، اعتبار استدلالی ندارد.

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۷

ادعای کتمان «تفسیر سورهٔ کوثر» و تناقض‌های روایتِ ایمانِ وحید

چکیده‌ی شبهه

- بهائیان «معجزه»ی باب (تفسیر سورهٔ کوثر/قیّوم‌الاسماء) را عمداً تدریس و کل محتویاتش را رسانه ای نمی کند ؛ پس آیات الهی را می‌پوشانند.
- روایت ایمانِ سیّد یحیی وحید پر از «معجزات غیرکتابی» و تناقضِ سرعتِ نوشتن/خواندن است؛ پس دلیل معتبری نیست.
- باب در این متون فقط «بابِ امام دوازدهم» است نه قائم/رسول؛ و دیدگاهش با بهاءالله تعارض دارد، پس اساس بهائیت باطل است.

پاسخ کوتاه (۵ خط)

1. وجود نسخه‌ها در کتابخانه‌های عمومی و پژوهش‌های متن‌پایه نشان می‌دهد «کتمان» نیست؛ نبودِ یک چاپِ رسميِ واحد بیشتر به کثرت نسخه‌ها و نیاز به تصحیح انتقادی برمی‌گردد.
2. در الهیات بابی-بهائی، معیار اصلی نفوذ و قوّتِ بیانِ متن است؛ نقل‌های «تندنویسی/بیهوشی» هاجیوگرافیک‌اند و داوری درباره محتوا را تعیین نمی‌کنند.
3. نقدهای بهاءالله متوجه سوءاستفاده‌ها و توقیعات مشکوک است، نه نفی حرمت اهل‌بیت؛ در خوانش بهائی، مهدویت تأویل معنوی دارد و با ظهورِ بعدی جمع نمی‌شود.
4. لحن جهاديِ برخی سوره‌ها بر زمینهٔ خاص بابیّت نیست و بهاء الله سی سال معتقد و امضا کنند آن بود حد اقل تا سال ۱۸۷۳ ارائه اقدس .

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ۸

تناقض تاریخیِ «ایقان»، حصرِ معجزه در «کتاب»، و ادعای تحریف/کتمان

چکیدهٔ شبهه

- در «ایقان» تاریخِ نزول متناقض است (۱۲۶۷/۱۲۷۴/۱۲۷۸/۱۲۸۰)، پس متن الهی و صاحبِ عصمت نیست.
- باب و بهاءالله معجزه را منحصر در «کتاب» دانسته‌اند اما خود به «امور غیرکتابی» مثل تندنویسی استناد کرده‌اند.
- ده‌ها/صدها اختلاف بین نسخه‌ها و پاسخ‌های تند برخی بهائیان، نشانگر تحریف متن و کتمان/بی‌اخلاقی در دفاع است.

[معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۹](#)

ناظر به مفهوم شبهه: «تحریفِ ایقان»، ۵۰۰ اختلاف نسخه‌ای و «کتمانِ نسخهٔ اصلی»

چکیدهٔ شبهه

- بین نسخه‌های خطی/چاپ سنگی ایقان و چاپ‌های پس از ۱۳۱۸ق حدود ۵۰۰ اختلاف است؛ پس «تحریف» شده و الهی نیست.
- آیات قرآن در نسخه‌های نخست به‌غلط نقل شده و برخی عبارات (مثل تعبیرهای مربوط به صبح ازل) بعداً حذف/عوض شده است.
- بیت‌العدل نسخهٔ «اصلیِ» دست‌نویس را منتشر نمی‌کند؛ این خود دلیل بر کتمان و بی‌اعتمادی به بزرگ‌ترین دلیلِ پیامبری بهاءالله است.

[معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۰](#)

ناظر به مفهوم شبهه: «بیت‌العدل، عصمت/الهام و نقضِ حصرِ معجزه در کتاب»

چکیدهٔ شبهه

- بهائیان می‌گویند «معجزهٔ پیامبران فقط کتاب است»، اما برای اعضای بیت‌العدل «عصمت و الهام» قائل‌اند بی‌آن‌که معجزه‌ای ارائه کنند؛ این یعنی نقض قاعده و نسبت‌دادن نوعی رسالت به آنان.
- الهام‌گیریِ بیت‌العدل = ادعای وحی؛ پس باید معجزه بیاورند و چون نمی‌آورند، این مقام نامشروع است.

- افزون بر این، بیت‌العدلِ فعلی بدونِ ولیّ‌امرالله تشکیل شده؛ پس اساساً مشروع نیست.

- نتیجه: قیاسِ «نهاد منتخب» با «نبی صاحب رسالت» مغالطهٔ مقوله‌ای است؛ نه نقضی بر قاعدهٔ «آیاتِ کتاب برای پیامبران» رخ می‌دهد و نه بیت‌العدل مدّعی مقام رسالت/وحی است تا مطالبهٔ معجزهٔ کتابی از آن بشود.

[معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۱]

ناظر به مفهوم شبهه: «اذعان ایقان به آثار خارق‌العادهٔ تربت امام حسین(ع) = نقضِ حصرِ معجزه در کتاب»

چکیدهٔ شبهه

- بهائیان می‌گویند معجزهٔ معتبر فقط «کتاب/آیات» است؛ اما بهایی‌الله در ایقان برای تربت امام حسین(ع) آثار شفا و حفظ مال قائل شده است.
- این اعتراف یعنی پذیرش معجزات غیرکتابی و در نتیجه نقض ادعای حصر.
- افزون بر آن، ایقان دربارهٔ مبانی شیعی (مثل وجود امام دوازدهم) دچار تناقض معرفی می‌شود.

[معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۲]

ناظر به مفهوم شبهه: «ایمانِ حروفِ حی بر اساسِ خواب = نقضِ حصرِ معجزه در کتاب»

چکیدهٔ شبهه

- بهائیت می‌گوید معیارِ اثباتِ پیامبری فقط «کتاب/آیات» است، اما بسیاری از حروف حی reportedly با رؤیا ایمان آورده‌اند.
- اگر ایمانِ اولیه بر پایهٔ خواب باشد، این یعنی تکیه بر امرِ غیرکتابی و نقضِ اصلِ ادعایی.
- نمونه‌هایی مانند طاهره، بسطامی و قدّوس آورده می‌شود تا نشان دهد ایمان‌ها «خوابی» بوده نه «کتابی».

[معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۳]

ناظر به مفهوم شبهه: «آیه‌گوییِ کودکِ شش‌ساله ⇐ آیات حجّت نیست»

چکیدهٔ شبهه

- نقل شده بهاءالله در بدیع می‌گوید کودکی شش‌ساله در بیتِ صبح‌ازل «به آیات‌الله تکلّم» کرد و خودِ ازل را «شجرهٔ فساد» خواند.
- اگر کودک هم بتواند «آیه» بگوید، پس کتاب/آیات معجزهٔ یگانه و حجّتِ رسالت نیست؛ این با حصرِ معجزه در کتاب تعارض دارد.
- در نتیجه معیارِ بهائی برای اثبات رسالت (کتاب) نقض می‌شود و سخن بهاءالله خود-ابطال است.

[معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۴]

ناظر به مفهوم شبهه: «اُمی‌بودن» ≠ نقضِ «حجّتِ کتاب»

چکیدهٔ شبهه

- گفته می‌شود بهاءالله به ناصرالدین‌شاه استناد کرده که «مدرسه نرفته‌ام»، پس امّی‌بودن را دلیل حقّانیت دانسته است.
- این، با ادعای بهائی که «تنها حجّت، کتاب و آیات است»، ناسازگار شمرده می‌شود.
- علاوه بر آن، نقلِ خواهرش از آموزش در خانه، امّی‌بودن را زیر سؤال می‌برد و نتیجتاً یا تناقض است یا دروغ.

[معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۵]

ناظر به مفهوم شبهه: «دلیلِ تقریر» ناسازگار با «حصرِ حجّت در کتاب»؟

چکیدهٔ شبهه

- گفته می‌شود بهاءالله حجّت را منحصراً «کتاب/آیات» دانسته، اما «دلیلِ تقریر» چهار رکن دارد: دعوی، کتاب، استقامت، نفوذ.
- چون «استقامت» و «نفوذ» غیرکتابی‌اند، پس با «حصرِ معجزه در کتاب» تعارض دارند.
- از این رو، یا باید از دلیل تقریر دست کشید یا از انحصارِ کتاب.

[معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۶]

شفای پایِ محمدشاه و «نقضِ انحصار معجزه در کتاب»

چکیدهٔ شبهه

عبدالبهاء ـ بنا به نقل ناقد ـ گفته باب به محمدشاه پیغام داد که پای او را شفا می‌دهد؛ این «خارق‌عادت» با ادعای بهائیِ «حجیتِ صرفِ آیات/کتاب» ناسازگار است.

در مقالهٔ شخصی سیّاح هم «خوارق عادات» برای باب نقل شده؛ پس معیار فقط کتاب نیست.

نتیجهٔ ناقد: یا اصلِ «انحصارِ معجزه در کتاب» باطل است یا گفتار بابی/بهائی متناقض است.

[معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۷](#)

ناظر به مفهوم شبهه: «**اقرار به معجزهٔ غیرکلامی در خطابات = نقضِ حصرِ آیات؟**»

چکیدهٔ شبهه

- در «خطابات» آمده علما «امور خارق‌العاده» خواستند و «فرمودند… خیلی خوب!».
- ناقد می‌گوید همین اقرار، حصرِ معجزه در آیات/کتاب را می‌شکند—even اگر اصل روایت را نپذیریم.
- پس دیدگاهِ پیشین (حجّت = آیات) با این اقرار ناسازگار است.

[معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۸](#)

تیتر شبهه:

تناقض در باور بهائی؛ انحصار معجزه در «کتاب» یا ادعای معجزات غیرکتابی؟

چکیده شبهه (سه خط):

باور بهائی ادعا می‌کند که تنها معجزه‌ی حقیقی «کتاب» است و مظاهر ظهور فقط از این طریق شناخته می‌شوند. اما در منابع داخلی بهایی، نقل‌های فراوانی از شفای بیماران، تعیین جنسیت جنین، و امور خارق‌العاده توسط عبدالبهاء، شوقی و ورقه علیا آمده است. این تناقض نشان می‌دهد که معیار شناخت پیامبر در بهائیت سست و بی‌اعتبار است.

[معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۹](#)

تیتر شبهه:

تناقض میان بهاءالله و عبدالبهاء در موضوع معجزه و معیار شناخت حقیقت

چکیده شبهه (سه خط):

بهاءالله در کتاب ایقان و بدیع ادعا می‌کند که تنها معجزه‌ی معتبر، «کتاب و آیات» است و هیچ حجتی جز آن وجود ندارد. اما عبدالبهاء در کتاب مفاوضات، معیار «نقل و کتب مقدسه» را ناقص و غیرقابل اعتماد معرفی می‌کند و تنها «فیض روح‌القدس» را میزان تام می‌داند. این اختلاف آشکار میان پدر و پسر، اساس باور بهائی را متناقض و بی‌پایه جلوه می‌دهد.

[معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۲۰ -قسمت اول]

معجزه در بهائیت؛ انحصار در «کتاب» یا لزومِ بیّنات روشن؟

چکیده شبهه

متن می‌گوید عقل و قرآن، پیامبران را با «بیّنات روشن» و معجزات غیرقابل‌جعل معرفی می‌کنند؛ در حالی‌که باب و بهاءالله معجزات ظاهری انبیاء را انکار کرده و معجزه را به «کتاب» منحصر دانسته‌اند. سپس همان منابع بهایی، روایت‌هایی از کرامات و امور خارق‌العاده (غیرکتابی) درباره رهبران و نزدیکانشان نقل می‌کنند که با ادعای انحصار در کتاب ناسازگار است. همچنین به ادعای «عهد مکتوب» به‌عنوان معجزه‌ای نو و پیامدهای آن (مسئله جانشینی و مشروعیت) ایراد گرفته می‌شود.

[معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۲۰-قسمت دوم]

تیتر شبهه:

پانزده ایراد به مباحث معجزه در بهائیت؛ از انحصار «کتاب» تا اعتراف به معجزات غیرکتابی

چکیده شبهه

متن می‌گوید باب و بهاءالله معجزه را به «کتاب» منحصر کرده‌اند، اما منابع بهایی بارها به معجزات غیرکتابی اعتراف می‌کنند؛ این، نقض ادعای خودشان و موجب تناقض است. همچنین اثر معجزات را به زمان و مخاطب خاص محدود کرده‌اند، در حالی‌که قرآن و تاریخ اسلام از معجزات روشن (مانند شق‌القمر) سخن می‌گویند. مجموعه‌ی نکات ششمی تا پانزدهمی، ادعاهای بهائی درباره‌ی بی‌اعتباری معجزات درخواستی، محدود بودن اثر معجزه، تمثیل‌های غیرعلمی، و ناتوانی در پاسخ‌گویی‌های زبانی را نقد می‌کند.

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱

بررسی ضرورت ارائه‌ی معجزه و یا به عبارت دقیق‌تر، آیه و بیِّنه از دیدگاه قرآن و عقل!

اثبات عدم انحصار معجزات انبیاء الهی در کتاب!

آیا به تعداد انبیاء الهی، کتاب نازل شده است!!!؟؟؟

آیا عزیزان بهائی می‌دانند که ارائه‌ی معجزه را خداوند متعال یکی از خصوصیات تمامی رسولان خود برشمرده است!؟

فردی به شرکت شما مراجعه می‌کند و از شما می‌خواهد که اسناد مالی و مدارک محرمانه‌ی شرکت را در اختیار او قرار دهید! پاسخ شما چیست!؟ در اولین گام از او خواهید پرسید: "تو کیستی!؟ و از کجا آمده‌ای!؟" اگر ادعا کند که به عنوان مثال از طرف دادسرا آمده، آیا تنها به صرف طرح این ادعا، شما تمام اسرار شرکت را در اختیار او قرار می‌دهید!؟

آیا به او می‌گویید که اجازه بده اندکی بخوابم تا درستی ادعای شما در خواب برایم ثابت شود!؟ (کما این که ۱۷ نفر از ۱۸ نفر هسته‌ی اولیه‌ی مومنین جناب باب بر اساس خواب به ایشان ایمان آورده‌اند.)

قطعا از او کارت شناسایی معتبر مطالبه می‌نمایید تا نسبت به درستی ادعای او اطمینان حاصل نمایید! حتی اگر اقدام به ارائه‌ی کارت شناسایی نمود، مراتب را به سرعت از ارگان مربوطه استعلام نموده تا مطمئن شوید که کارت شناسایی او ساختگی و جعلی نباشد!

آیا کسی در عُقَلایی بودن این برخورد، ذره‌ای تردید دارد!؟

از بدیهیات و امور بسیار روشن و عقلایی است که ابتدا بایستی نسبت به اصالت ادعا تحقیق نمود. اگر کسی خلاف این شیوه را در پیش گیرد، او را مذمت می‌نمایند که چرا به هر کسی که از راه می‌رسد اطمینان می‌کنی!؟

عقل سلیم حکم می‌کند که از او بخواهید تا اصالت ادعای خود را برای شما ثابت نماید!

اگر فرد دیگری به خانه‌ی شما نیز مراجعه نماید و درخواست مشابهی داشته باشد، باز هم عقل حکم می‌کند ابتدا نسبت به اصالت ادعای طرف مقابل اطمینان حاصل شود و بعد به او اجازه‌ی ورود داده شود.

به بیان روشن‌تر، این وظیفه‌ی شخص مراجعه کننده است که ثابت نماید از طرف چه کسی یا چه سازمانی آمده است!

حال اگر تصور شود که فردی آمده و ادعا نموده که در تمام شئون زندگی خود، از افکار و باورها گرفته تا اعمال و روش زندگی، بایستی از من پیروی نمایید! عقل در اینجا چه حکم می‌نماید!؟ آیا عقل انسان می‌پذیرد به هر صاحب ادعایی، لبیک بگوید و پشت سر او راه بیافتد!؟ قطعاً چنین ادعایی بسیار بسیار بالاتر از درخواست ارائه‌ی مدارک شرکت و اسناد مالی است و شاید از نظر اهمیت، نتوان این دو را با هم مقایسه نمود!

اما موضوع بحث حاضر از این نیز بالاتر است؛ شخصی آمده و ادعا می‌کند از طرف خالق و خدای ما آمده و چون خود را فرستاده‌ی خداوند متعال می‌خواند، از همه‌ی ما (از پیر و جوان گرفته تا زن و مرد، از هر قشری و در هر سطحی از علم و دانش) خواسته که بی چون و چرا تمامی اوامر او را اطاعت نماییم؛ چه در حوزه‌ی باورها و چه در حوزه‌ی اعمال!!! و در صورت عدم پذیرش او، به عذاب جاویدان الهی گرفتار خواهیم شد!

آیا چنین شخصی با چنین ادعای بزرگی، نباید نشانه‌ای هم سنگ ادعای خود به همراه داشته باشد!؟ نبایستی گواه صادق و دلیل بسیار روشنی ارائه نماید که هم برای عالمان حجت باشد و هم برای عوام!؟ آیا همین که ادعا کرد، باید به او ایمان آورد!؟ آیا شما به هر فردی که درِ خانه‌ی شما را کوبید، بدون هر گونه دلیل و برهانی، اجازه‌ی ورود می‌دهید!؟ وقتی اجازه‌ی ورود به خانه و شرکت، مستلزم اثبات اصالت دعوت است، چگونه شخص عاقل، می‌تواند دنیا و آخرت خود را به دست کسی بسپارد که جز ادعا، هیچ چیز دیگری به همراه ندارد!؟

کسی که از جانب خداوند متعال به سوی بشر می‌آید باید نشانه‌ی صدق یا به عبارتی، کارت شناسایی غیرقابل جعل به همراه داشته باشد. این ضابطه‌ای است که هیچ بشر عاقلی نمی‌تواند آن را انکار نماید. این نشانه‌ی صدق باید منحصر به فرد باشد؛ زیرا در غیر این صورت قابل جعل خواهد بود و هر کذاب دروغگویی می‌تواند مدعی این مقام گردد. به زبان ساده، فرستاده‌ی الهی باید کارت شناسایی منحصر به فرد و غیرقابل جعلی در اختیار داشته باشد که ثابت نماید او فرستاده‌ی خداوند متعال است!

در معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) از این کارت شناسایی غیرقابل جعل به آیه، بیّنه، برهان و سلطان یاد می‌شود که گاهی در برخی روایات بسیار محدود و نادر از آن به معجزه نیز تعبیر شده است.

توجه به این نکته نیز برای دوستان عزیز بهائی می‌تواند جالب توجه باشد که در قرآن به هیچ وجه کلمه‌ی معجزه به کار نرفته و در فرهنگ قرآنی از علامت و نشانه‌ای که پیامبران الهی برای اثبات حقانیت خود ارائه می‌نمایند با الفاظی همچون آیه، بیّنه، برهان و سلطان یاد شده و کلمه‌ی معجزه تنها در چند روایت، آن هم به جهت اشاره به انجام امور خارق عادت آمده است. این نکته به خوبی نشان می‌دهد که باور بهائی یا از فرهنگ الهی اطلاعی نداشته و با آن بیگانه بوده و یا این که به هیچ وجه تمایل ندارد این لغات کلیدی و این کلیدواژه‌ها در دسترس عزیزان بهائی قرار بگیرد.

اگر دوستان عزیز بهائی با این لغات به جستجو در قرآن مجید بپردازند، در خواهند یافت که خداوند متعال نیز ده‌ها مرتبه متذکر این نکته گردیده که تمامی پیامبران الهی با آیات و بیّنات و دلایل بسیار روشن و آشکار به سوی مردم مبعوث شده‌اند! و هیچ رسولی نیست مگر این که دلایل، براهین، آیات و بیّنات بسیار روشنی بر اثبات ادعای خود

به همراه دارد! آیات و بیّناتی که با ارائه‌ی آن‌ها، جای ذره‌ای تردید باقی نماید که این فرد مدعی، قطعا و یقینا از جانب خداوند متعال آمده است!

پیامبران الهی برای عموم مردم به رسالت برانگیخته می‌شوند و لذا دلایلی که ارائه می‌نمایند نیز آن قدر روشن و واضح و آشکار است که جای هیچ شک و تردیدی در الهی بودن دعوت ایشان برای احدی باقی نمی‌گذارد؛ از علمای جامعه تا عوام، از زن تا مرد، از پیر تا جوان و ... همه و همه با دیدن این آیات و بیّنات به صداقت و درستی ادعای ایشان ایمان می‌آورند و حجت بر همگان تمام می‌شود.

پس از ارائه‌ی برهان و دلیل است که مردم به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ یک عده به دعوت رسول خدا، پاسخ مثبت می‌دهند و در دسته‌ی مومنان قرار می‌گیرند و ایمان می‌آورند و دسته‌ی دیگر با این که حق برای آنان روشن شده و اتمام حجت گردیده، همچنان راه عناد و کفر را در پیش می‌گیرند و ایمان نمی‌آورند.

اساساً این که مردم در قبال دعوت انبیاء الهی به مومن و کافر تقسیم‌بندی می‌شوند، خود به روشنی گواه این حقیقت است که وقتی انبیاء الهی، دلایل خود را ارائه می‌نمایند در وجود مردم ذره‌ای تردید در حقانیت ایشان باقی نمی‌ماند! و حجت به صورت کامل بر مردم تمام می‌شود! زیرا اگر حجت تمام نشده بود و در وجود مردم ذره‌ای تردید نسبت به الهی بودن دعوت ایشان باقی می‌ماند، خداوند متعال کسانی که دعوت ایشان را نپذیرفته‌اند را کافر نمی‌نامید!

چرا کافر نمی‌نامید!؟ زیرا هنوز حقیقت بر آنان روشن نشده بود! اما وقتی خداوند متعال از آنان به کافر تعبیر می‌فرماید، یعنی حق به صورت کامل به آنان نمایانده شده و آن دلایل و نشانه‌ها، جای شک و شبهه‌ای باقی نمی‌گذارند!

اساسا تا یقین حاصل نشود و حق همانند روز روشن نشود، امتحان و آزمایش معنا پیدا نمی‌کند! انسان‌ها زمانی مورد آزمایش قرار می‌گیرند که حق روشن شده باشد و به یقین رسیده باشند. از این به بعد است که یا در مقابل حق و حقیقت، تسلیم می‌شوند و به آن ایمان می‌آوردند و مومن می‌شوند، و یا با وجود یقین به درستی مطلب، راه کفر را در پیش می‌گیرند و به آن کافر می‌شوند!

بر همین اساس است که خداوند متعال تصریح می‌فرماید انبیاء را بشارت دهنده و انذارکننده مبعوث فرموده تا اگر عده‌ای هلاک شدند و راه گمراهی در پیش گرفتند، کاملاً اتمام حجت شده باشد و دلیل بسیار روشن به ایشان عرض شده باشد و کسانی که هدایت می‌یابند نیز بر اساس دلیل بسیار روشن و به اصطلاح قرآن بَيِّنَةٍ هدایت یافته باشند:

لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يَحْيىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ (الأنفال، ۴۲) تا آنها که هلاک (و گمراه) می‌شوند، از روی دلیل بسیار روشن باشد؛ و آنها که زنده می‌شوند (و هدایت می‌یابند)، از روی دلیل روشن باشد.

آیا تمامی معجزات انبیاء الهی، همگی از جنس کتاب بوده است!؟ یا این که فقط یک معجزه از نوع کتاب وجود دارد!؟

نکته‌ی دیگری را نیز در بحث آیات و بیّنات ارائه شده از سوی سفیران الهی می‌بایست مورد توجه قرار داد که در مقالات آتی با توضیحات بیشتری تقدیم حضور می‌گردد و آن عبارت است از جنس معجزه!

آیا معجزه‌ی تمامی انبیاء الهی، فقط و فقط کتاب بوده است!؟ یا این که فقط و فقط یک پیامبر وجود دارد که معجزه‌اش کتابی است که از جانب خداوند متعال آورده!؟

آن چه مسلم است دلایل و برهان‌هایی که سفیران الهی ارائه می‌کنند یا همان معجزات، منحصر در کتاب نیست! زیرا تنها چند پیامبر خاص صاحب کتاب بودند و مابقی انبیاء الهی، پیامبران تبلیغی بوده‌اند که اصلا کتابی نداشته‌اند!!!

همان گونه که خواهیم دید، یکی از چالش‌های باور بهائی در بحث معجزه و آیات و بیّنات، همین نکته است که ادعا می‌کند معجزه منحصر است در کتاب!

اگر تنها راه اثبات حقانیت انبیاء الهی، فقط و فقط ارائه‌ی کتاب بود، در این صورت بایستی ۱۲۴ هزار کتاب الهی نازل شده باشد! در صورتی که تنها عده‌ای معدود از پیامبران الهی، صاحب کتاب بودند!

جالب‌تر این که در میان انبیاء الهی صاحب کتاب نیز تنها و تنها رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند که کتاب ایشان از جمله‌ی معجزات حضرتش بلکه بزرگ‌ترین بیّنه و گواه بر پیامبری ایشان بوده و هست و هیچ پیامبر دیگری واجد این خصوصیت نبوده است. معجزه‌ی هیچ پیامبری به غیر از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از جنس کتاب نبوده است!

به لطف خداوند متعال این موضوع به صورت مستقل و با توضیحات بیشتر در جای خود پرداخته خواهد شد و در این فرصت به همین میزان اکتفا می‌گردد.

به موضوع خود با محوریت ضرورت ارائه‌ی آیه و برهان و معجزه از سوی پیامبران الهی باز می‌گردیم.

اما برای روشن‌تر شدن اصالت ارائه‌ی معجزه و یا به عبارت صحیح‌تر، ارائه‌ی آیه، بیّنه و برهان از سوی پیامبران الهی، کافیست با همین کلیدواژه‌ها به سراغ کلام الهی رفت. به عنوان مثال خداوند متعال یکی از خصوصیات تمامی رسولان الهی را ارائه‌ی دلایل بسیار روشن یا همان بیّنات برمی‌شمارد که چیزی غیر از کتاب است.

از دیدگاه قرآن کریم، هر کسی که رسول خدا باشد، بیّنات و دلایل روشنی از جانب خداوند متعال به همراه دارد: لَقَدْ أَرْسَلْنٰا رُسُلَنٰا بِالْبَيِّنٰاتِ وَ أَنْزَلْنٰا مَعَهُمُ اَلْكِتٰابَ وَ اَلْمِيزٰانَ (الحدید، ۲۵) ما رسولان خود را با دلایل بسیار روشن فرستادیم، و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم.

همان گونه که در این آیه مشاهده گردید، خداوند متعال تصریح می‌فرماید تمامی رسولان خویش را با بیّنات یا همان معجزات ارسال فرموده و در میان مدعیان پیامبری، تنها آن‌هایی صادق هستند و ادعای ایشان اصالت دارد که

معجزات و آیات و بیّنات از جانب خداوند متعال به همراه دارند و علاوه بر دلایل اثبات رسالت، کتاب نیز با آن‌ها فرستاده است! یعنی معجزات و دلایل حقانیت انبیاء الهی، منحصر و محدود به کتاب نیست و رسولان الهی، معجزات و دلایل غیر کتابی نیز دارند.

کما این که در آیه‌ی ۷۰ سوره‌ی توبه نیز تصریح می‌فرماید پیامبران با دلایل بسیار روشن یا همان بیّنات و معجزات به سوی مردم فرستاده شده‌اند تا مردم با دیدن این نشانه‌ها و دلایل، یقین نمایند که ایشان فرستادگان خداوند متعال هستند: أَ لَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ اَلَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَ عٰادٍ وَ ثَمُودَ وَ قَوْمِ إِبْرٰاهِيمَ وَ أَصْحٰابِ مَدْيَنَ وَ اَلْمُؤْتَفِكٰاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰاتِ آیا خبر کسانی که پیش از آنها بودند، به آنان نرسیده است!؟ «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و «قوم ابراهیم» و «اصحاب مدین» [= قوم شعیب] و «شهرهای زیر و رو شده» [= قوم لوط]؛ پیامبرانشان دلایل بسیار روشن برای آنان آوردند!

در آیه‌ی ۹ سوره‌ی ابراهیم نیز خداوند متعال باز هم پس از ذکر نام اقوام انبیائی که فاقد کتاب بوده‌اند نظیر حضرت صالح و حضرت هود (علیهما السلام) تصریح می‌فرماید که فرستادگان الهی و کسانی که در ادعای پیامبری خود صادق هستند، با دلایل بسیار روشن به رسالت مبعوث شده‌اند: جاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنات! و کوتاه سخن آن که از دیدگاه خداوند متعال، پیامبران الهی و کسانی که در ادعای پیامبری خویش صادق هستند، با دلایل بسیار روشن به رسالت مبعوث می‌شوند که این دلایل و بیّنات، محدود و منحصر به کتاب نیست.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز همانند سایر رسولان الهی، معجزات و دلایل غیرکتابی بسیار زیادی به همراه داشته و ارائه فرموده‌اند (به تصریح روایات، تمامی معجزات غیر کتابی انبیاء گذشته را حضرتش به همراه داشته‌اند). لکن ایشان تنها پیامبری هستند که کتاب ایشان نیز معجزه و دلیل حقانیت ایشان به حساب می‌آید! بلکه بزرگ‌ترین دلیل و حجت جاویدان ایشان محسوب می‌گردد و با این کتاب و همین دلیل، بر تمامی انسان‌ها تحدی فرموده که اگر کسی می‌تواند مثل این کتاب را بیاورد و هیچ باطلی در این کتاب راه ندارد!

به بیان روشن‌تر، به استثناء حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) که کتاب ایشان نیز از جمله‌ی معجزات و دلایل حقانیت ایشان محسوب می‌گردد، هیچ یک از کتب آسمانی پیش از قرآن، دلیل و گواه و معجزه‌ی آن پیامبر به حساب نمی‌آمده و این بزرگواران ابتدا با ارائه‌ی برهان و دلیل و آیه و بیّنه، پیامبری خود را ثابت می‌نمودند و سپس کتاب الهی را به مردم عرضه می‌داشتند. اما پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در عین حال که تمامی معجزات انبیاء گذشته را به همراه داشته‌اند، کتاب ایشان نیز خود دلیل دیگری بر حقانیت ایشان و بزرگ‌ترین معجزه و البته معجزه‌ی جاویدان حضرت می‌باشد.

اگر چه می‌دانیم که معجزه انبیاء الهی (به غیر از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)) هیچ کدام از جنس کتاب نبوده (زیرا در این صورت بایستی ۱۲۴ هزار کتاب آسمانی وجود داشته باشد) و هیچ ادعایی نیز در این خصوص وجود ندارد و هیچ پیامبری به کتاب آسمانی که بر او نازل شده، تحدی نفرموده، ولی باز هم برای روشن شدن غیرکتابی بودن معجزات انبیاء گذشته، می‌توان به سراغ قرآن کریم رفت.

خداوند متعال در مورد حضرت موسی (علیه السلام) بارها و بارها تصریح می‌فرماید که با آیاتی از جانب ما و سطان مبین به رسالت مبعوث گردیده است: وَ لَقَدْ أَرْسَلْنٰا مُوسىٰ بِآيٰاتِنٰا وَ سُلْطٰانٍ مُبِينٍ (هود، ۹۶ – غافر، ۲۳) ما، موسی را با آیات خود و دلیل آشکاری فرستادیم.

عبارات مشابهی را در آیه‌ی ۴۵ سوره‌ی مومنون، آیه‌ی ۴۶ سوره‌ی الزخرف، آیه‌ی ۵ سوره‌ی ابراهیم و آیه‌ی۳۸ سوره‌ی الذاریات می‌توان یافت. برای دوستان عزیز بهائی می‌تواند بسیار جالب توجه باشد که خداوند متعال در آیه‌ی ۱۰۱ سوره‌ی الاسراء و همچنین آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی النمل تعداد این آیات و معجزاتی که به حضرت موسی (علیه السلام) عطا شده را نیز ۹ آیه‌ی بسیار روشن عنوان می‌فرماید: وَ لَقَدْ آتَيْنا مُوسى‏ تِسْعَ آياتٍ بَيِّناتٍ فَسْئَلْ بَنى‏ إِسْرائيلَ إِذْ جاءَهُمْ فَقالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّى لَأَظُنُّکَ يا مُوسى‏ مَسْحُوراً (الإسراء، ۱۰۱) ما به موسی نه معجزه روشن دادیم؛ پس از بنی اسرائیل سؤال کن آن زمان که این (معجزات نه گانه) به سراغ آنها آمد (چگونه بودند)؟! فرعون به او گفت: «ای موسی! گمان می‌کنم تو افسون شده‌ای!» یعنی این آیات، غیر از کتاب بوده و اعمالی را حضرت موسی (علیه السلام) انجام داده‌اند که حتی فرعون نیز با دیدن آن معجزات و بیّنات، راهی جز کفر نتوانسته در پیش بگیرد و شروع به مسخره کردن نموده است!

برای روشن‌تر شدن موضوع، می‌توان به آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی النمل مراجعه نمود که خداوند متعال به خود عمل و معجزه‌ی حضرت موسی (علیه السلام) نیز تصریح می‌فرماید: وَ أَدْخِلْ يَدَکَ فى‏ جَيْبِکَ تَخْرُجْ بَيْضاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فى‏ تِسْعِ آياتٍ إِلى‏ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمِهِ إِنَّهُمْ کانُوا قَوْماً فاسِقينَ و دستت را در گریبانت داخل کن؛ هنگامی که خارج می‌شود، سفید و درخشنده است بی آن که عیبی در آن باشد؛ این در زمره معجزات نه‌گانه‌ای است که تو با آنها به سوی فرعون و قومش فرستاده می‌شوی؛ آنان قومی فاسق و طغیانگرند!»

بنابراین از نظر خداوند متعال، تمامی رسولان الهی همراه با دلایل بسیار روشن به سوی مردم ارسال شده‌اند و این یک قاعده‌ی کلی است که خداوند متعال به صراحت بیان می‌فرماید.

اما مصادیق این معجزات و آیات و بیّنات نیز در قرآن به وفور آمده که تنها به چند نمونه از آن‌ها در مورد حضرت موسی (علیه السلام) اشاره گردید. موارد مشابه بسیار زیادی دیگری نیز در قرآن بیان گردیده است؛ نظیر اژدها شدن عصای حضرت موسی (علیه السلام)، یا ناقه‌ای که حضرت صالح (علیه السلام) به عنوان دلیل بر پیامبری خود آورده که خداوند متعال در قرآن کریم با این تعابیر از آن یاد فرموده است: قَدْ جاءَتْکُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّکُمْ هذِهِ ناقَةُ اللَّهِ لَکُمْ آيَةً (الأعراف، ۷۳) بی تردید، برای شما از جانب پروردگارتان دلیلی روشن آمده است. این ناقه خداست که آیه و معجزه‌ای برای شماست. یعنی شتری که حضرت صالح (علیه السلام) به عنوان دلیل بر پیامبری خود ارائه نموده را خداوند متعال به خود نسبت داده و آن را شتر خدا می‌خواند و آن را بیّنه و دلیل بسیار روشن از جانب پرورگار قلمداد می‌فرماید.

این ناقه بر اساس آن چه خداوند متعال به صراحت بیان فرموده، می‌بایست آزاد گذاشته شود که آزادانه بچرد و حتی تصریح گردیده که آب میان مردم و آن شتر و مردم تقسیم شده: قٰالَ هٰذِهِ نٰاقَةٌ لَهٰا شِرْبٌ وَ لَکُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ (الشعراء، ۱۵۵) گفت: «این ناقه‌ای است برای او سهمی، و برای شما سهم روز معینّی است! و البته

خصوصیات دیگری برای این شتر هم در دیگر آیات و هم در روایات معصومین (علیهم السلام) برشمرده شده که نشان می‌دهد این معجزه‌ی حضرت صالح، به هیچ وجه کتاب نیست.

به نظر می‌رسد همین چند نمونه تکافوی بحث حاضر را نموده باشد که ارائه‌ی آیه و بیّنه و یا به عبارتی معجزه برای اثبات پیامبری از بدیهیات و ضروریات عقلانی است و خداوند متعال نیز به صراحت بیان فرموده تمامی رسولان الهی با بیّنات و دلایل بسیار روشن به سوی مردم آمده‌اند و این دلایل و بیِّنات، اموری غیر از کتاب هستند.

مدعیان دروغین که فاقد آیه و معجزه هستند، در اولین گام، از اساس منکر معجزه شده و یا آن را بی‌ارزش و بی‌معنا جلوه می‌دهند! در حالی که تنها راه شناخت مدعی صادق از دروغگو، فقط و فقط آیه و معجزه است!

لذا هر گاه یک مدعی، معجزه را انکار نمود، به محض انکار و تضعیف جایگاه ارائه‌ی آیات و بیِّنات و معجزات، در حقیقت از دایره‌ی رسولان الهی خارج می‌شود.

همچنین مشخص شد که این نشانه‌ها آن قدر روشن و آشکار هستند که جای هیچ شک و تردیدی برای انسان باقی نمی‌گذارد و انسان‌ها با مشاهده‌ی این آیات بسیار روشن، پی به درستی و اصالت دعوت انبیاء الهی می‌برند و بر اساس همین یقینی که حاصل می‌شود انسان‌ها به دو دسته‌ی مومن و کافر تقسیم می‌شوند.

این وظیفه‌ی انبیاء و مدعیان رسالت الهی است که ادعای خود را ثابت نمایند و تا ادعای خود را ثابت ننمایند، حجت بر مردم تمام نمی‌شود. یعنی تا زمانی که الهی بودن دعوت ایشان برای همگان به گونه‌ای روشن نشود که جای هیچ شک و تردیدی باقی نگذارد، حجت تمام نشده است. لذا انبیاء الهی اقدام به ارائه‌ی معجزه یا به عبارت دقیق‌تر، آیاتِ بیِّنات و دلایل بسیار روشن می‌نمایند به گونه‌ای که برای جمیع آحاد بشر این یقین حاصل شود که ایشان از جانب خداوند متعال به رسالت مبعوث گردیده‌اند. اما پس از آن که رسالت ایشان به اثبات رسید، این مردم هستند که مورد امتحان الهی قرار می‌گیرند؛ می‌توانند ایمان بیاورند یا کفر بورزند!

همان گونه که به لطف خداوند متعال در بخش‌های بعدی خواهیم دید، یکی از مغلطه‌هایی که باور بهائی در انکار لزوم و ضرورت معجزه بدان چنگ می‌زند، انکار معجزه است. یعنی مدعی گردیده که چون عده‌ای با دیدن معجزات انبیاء الهی، به ایشان ایمان نیاورده‌اند، پس ارائه‌ی معجزه، هیچ نفع و فایده‌ای ندارد!!!

حال آن که از یک طرف تا انبیاء الهی معجزه ارائه ننمایند، حجت تمام نمی‌شود و الهی بودن ایشان ثابت نمی‌گردد و راهی به جز ارائه‌ی آیه و بیّنه برای اثبات حقانیت ایشان وجود ندارد و تا ثابت نشود که ایشان پیامبر خداوند متعال هستند، انکار و یا ایمان به ایشان اساساً معنایی پیدا نمی‌کند!

از سوی دیگر این نیز دروغی بزرگ است که احدی بر اساس معجزه و مشاهده‌ی آیات و بیِّنات الهی ایمان نیاورده باشد! ساحران که حاضر شدند در راه ایمان به حضرت موسی (علیه السلام) تکه تکه شوند ولی دست از ایمان خود برنداشتند، بر اثر مشاهده‌ی معجزه‌ی حضرت موسی (علیه السلام) بود که به ایشان ایمان آوردند!

مباحث دیگری نیز از سوی باور بهائی در خصوص معجزه مطرح گردیده که پرداختن بدان‌ها مستلزم طرح مقدمه‌ی حاضر بود. لذا به لطف خداوند متعال در بخش‌های بعدی به صورت مشخص و مستند به پاره‌ای از ادعاهای باور بهائی در خصوص معجزه پرداخته می‌شود.

اما در پایان تذکر به این نکته کاملاً لازم و ضروری به نظر می‌رسد که مدعیان دروغین پیامبری وقتی دست خود را خالی از ارائه‌ی دلیل و گواه صادق بر ادعای خویش می‌بینند بر خلاف آن چه خداوند متعال بیان فرموده و بر خلاف حکم عقل، به طور کلی منکر ارائه‌ی آیات و بیّنات و معجزات گردیده و ادعا می‌کنند که پیامبری ما از همان مسیر دیگری که ما خودمان آن را تعیین کرده‌ایم ثابت می‌شود! یعنی اگر پرسیده شود که با چه معیاری باید اصالت ادعای شما سنجیده شود، دست در جیب خود کرده و معیار خودساخته‌ای ارائه نموده و مدعی می‌گردند که باید با همین معیاری که ما خودمان مطرح کرده‌ایم، ما را بسنجید نه با آن چه که خداوند متعال و عقل به آن حکم می‌کند!

باور بهائی نیز مشابه همین شیوه‌ی مدعیان دروغین عمل نموده و مدعی می‌گردد که پیامبری پیامبران با معیاری به نام دلیل تقریر ثابت می‌گردد. در کمال تعجب باور بهائی در ذیل بحث حاضر حتی برای یک بار هم که شده، نامی از این معیار به میان نمی‌آورد!!!

البته پیش از این ذیل مباحث با عنوان "دلایل حقانیت و الهی بودن دیانت بهایی چیست؟" به دلیل تقریر پرداخته است که نادرستی این ادعا در مقالات متعددی در ذیل همان بحث به اثبات رسیده است. به عنوان مثال می‌توان به مقاله با عنوان زیر اشاره نمود:

"هشت دلیل بر اثبات نادرستی و عدم کفایت دلیل تقریر بر اثبات حقانیت دعوی پیامبری! آیا دوستان عزیز بهائی می‌دانند که دلیل تقریر در مورد هیچ یک از ۱۲۴ هزار پیامبر الهی صدق نمی‌کند!؟ آیا عزیزان بهائی می‌دانند که بر اساس موازین ادراک نمی‌توانند به دلیل تقریر اطمینان نمایند!؟ آیا عزیزان بهائی می‌دانند که پس از جناب شوقی، فردی از مبلغین بهائی به نام جمشید معانی ادعای پیامبری نموده و ادعای تمامی شرایط دلیل تقریر را دارند!؟"

همچنین در مقاله‌ی با عنوان "آیا خصوصیات و کمالات عمومی انبیاءالهی که در سایرین نیز وجود دارد، می‌تواند راه شناخت مدعی راستین باشد!؟" خصوصیات و کمالات انبیاء الهی طبقه‌بندی شده و بیان گردیده که راه شناخت انبیاء، کمالاتِ انحصاری و آشکار انبیاء است که قرآن از آن‌ها تعبیر به آیه و بَیّنه و سلطان و برهان می‌فرماید. انبیاء الهی با برهان و سلطان و آیات و بینات به سوی بشر آمدند!

لذا از آن‌جا که بحث دلیل تقریر از جانب باور بهائی به عنوان رقیب و در مقابل موضوع لزوم ارائه‌ی معجزه و آیه مطرح گردیده توصیه اکید می‌شود علاقه‌مندان به این مباحث نیز مراجعه‌ای داشته باشند تا مشخص شود که حتی با معیاری که باور بهائی از پیش خود ساخته نیز نمی‌توان الهی بودن مدعیان پیامبری در این باور را ثابت نمود! نه تنها ادعای مدعیان باور بهائی ثابت نمی‌شود بلکه این لباس بر قامت هیچ پیامبری اندازه نمی‌آید!

البته متاسفانه باور بهائی هیچ اشاره‌ای به این موضوع ننموده و در اینجا هیچ اشاره‌ای به بحث دلیل تقریر ننموده است!!! در حالی که اگر واقعا به درستی این معیار خودساخته، یعنی دلیل تقریر، ایمان داشت، با صراحت به آن اشاره می‌نمود و می‌گفت به جای معجزه باید به سراغ دلیل تقریر رفت! دلیلی که نبوت هیچ کدام از انبیاء الهی با آن به اثبات نمی‌رسد و در جای خود گفته شد که تمامی انبیاء الهی فاقد دلیل تقریر هستند!

منبع: https://www.hassanershad.com/2525

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۰

شکستن انحصار معجزه در کتاب توسط بیت‌العدل اعظم!

چرا وقتی انبیاءالهی برای اثبات مقام رسالت و نبوت خود بایستی معجزه ارائه نمایند، اعضای بیت‌العدل با وجود داشتن جایگاه تشریع و عصمت، لازم نیست هیچ معجزه‌ای ارائه نمایند!؟

قائل شدن به جایگاه رسالت برای اعضای بیت‌العدل نامشروع بدون ارائه‌ی معجزه!!!

به چه دلیل بایستی ادعای عصمت و وحی برای اعضای بیت‌العدل نامشروع را پذیرفت!؟

در ادامه‌ی مباحث مربوط به دیدگاه باور بهائی نسبت به معجزه، مشخص شد که جناب باب در تمامی آثار خود منکر معجزات غیرکتابی گردیده و تمامی معجزات همگی انبیاء الهی (به غیر از قرآن) را هر چند مورد تصریح خداوند متعال قرار گرفته باشد، انکار و تاویل می‌کند. چرا!؟ چون جناب باب قدرت ارائه‌ی چنین آیات و بیِّنات و چنین گواه صادقی بر ادعای خویش را ندارد! همچنین به این موضوع نیز پرداخته شد که جناب بهاءالله نیز حداقل تا پس از نگارش کتاب ایقان، پا جای پای جناب باب گذاشته و با ایشان هم رای و نظر بوده و معجزات غیرکتابی را به طور کلی قبول ندارد! در سراسر کتاب ایقان که اعظم و بزرگ‌ترین دلیل بر ادعای پیامبری ایشان عنوان گردیده، جناب بهاءالله نیز تمامی معجزات انبیاء الهی را انکار نموده و همه را تاویل کرده و ادعا می‌کند که معجزه بایستی فقط و فقط از جنس کتاب باشد.

در بخش‌های گذشته به یک نمونه از موارد نقضی که جناب باب خودش ادعای انحصار معجزه در کتاب را شکسته اشاره گردید. در خصوص موارد نقضی که جناب بهاءالله بر خلاف ادعای خود به موارد غیرکتابی برای اثبات ادعای خود استناد نموده، ابتدا به اعظم دلیل بر ادعای پیامبری ایشان یعنی کتاب ایقان پرداخته شد و مشخص گردید که این کتاب به هیچ وجه نمی‌تواند کتابی آسمانی باشد. دلایل متعددی برای این موضوع ارائه گردید. اولین دلیل این که خود جناب بهاءالله چهار تاریخ مختلف برای نگارش دو روزه‌ی این کتاب در ایقان ذکر کرده که حدود ۱۳ سال با هم اختلاف دارند و بالاخره معلوم نشد این کتاب را در چه تاریخی نوشته و همین تشویق و تناقض در بیان تاریخ نگارش، دلیل محکمی بر غیرالهی بودن کتاب ایقان به حساب می‌آید.

دوم این که باور بهائی در حدود ۵۰۰ مورد دست‌درازی و تحریف نسبت این کتاب داشته است و هیچ گاه جرات نمی‌کند نسخه‌ی اصلی کتاب ایقان، نسخ خطی یا چاپ‌های قبل از سال ۱۳۱۸ هجری قمری را ارائه نماید! چرا!؟ زیرا مملو است از تناقضات محتوایی و ادبی! از نقل نادرست و تحریف آیات قرآن کریم گرفته تا اعتراف به عبد بودن در مقابل جناب صبح ازل! به همین خاطر مجبور گردیده در چاپ‌های ۱۳۱۸ هجری قمری به بعد حدود ۵۰۰ مورد اصلاحیه بر کتاب ایقان اعمال نماید! این موضوع نیز در بخش پیشین مورد بررسی قرار گرفت.

از مقوله‌ی تناقضات کتاب ایقان هم اگر صرفنظر شود، چالش اساسی دیگری فراروی باور بهائی قرار می‌گیردکه عبارت است از موارد متعدد شکستن ادعای انحصار معجزه در کتاب توسط شخص جناب بهاءالله!!!

همان گونه که بیان گردید، جناب بهاءالله در سراسر کتاب ایقان که باور بهائی آن را اعظم و بزرگترین دلیل بر ادعای پیامبری ایشان می‌داند، به طور کلی تمامی معجزات غیرکتابی انبیاء گذشته را انکار می‌نماید! به عنوان مثال در صفحات ۱۳۵ و ۱۳۶ کتاب ایقان تصریح می‌نماید: " حال ملاحظه فرمائید چه مقدار عظیم است شأن آیات و بزرگ است قدر آن که حجّت بالغه و برهان کامل و قدرت قاهره و مشیّت نافذه را به آن ختم فرموده. و هیچ شیئی را آن سلطان احدیّه در اظهار حجّت خود به آن شریک نفرموده ... اگر تلویح این آیه را ملتفت شوی میفهمی که هرگز مظهری اکبر از انبیا نبوده و حجّتی هم اکبر و اعظم از آیات منزله در ارض ظاهر نشده بلکه اعظم از این حجّت حجّتی ممکن نه الّا ما شآء ربّک ... و حال آنکه اعظم از آیات امری نبوده و نخواهد بود"

همان گونه که ملاحظه می‌گردد، از نظر جناب بهاءالله نیز سلطان احدیه یعنی خداوند متعال در اثبات دعوت فرستاده‌ی خویش، هیچ چیز دیگری به جز آیات را در حجت او شریک نکرده است و حجت او چیزی به جز آیات نیست و دلیل پیامبری پیامبران الهی از دیدگاه جناب بهاءالله هیچ شریکی به جز آیات ندارد و تنها راه اثبات نبوت را منحصر در آیات و کتاب معرفی می‌نماید. البته جناب بهاءالله در آثار بعدی خویش بر خلاف جناب باب اندکی از این موضع انحصار معجزه در کتاب، کوتاه آمده و ظاهراً متوجه اشتباه خود گردیده و فهمیده که این شرط در مورد بسیاری از انبیاء الهی صدق نمی‌کند؛ به عنوان مثال تکلیف انبیاء بدون کتاب و آیه چه می‌شود!؟ بر اساس دیدگاه انحصار معجزه در کتاب، به استثنای چند پیامبر صاحب کتاب، نبوت ۱۲۴ هزار نبی به طور کلی نفی می‌شود و هیچ گاه پیامبری ایشان به اثبات نمی‌رسد!!!

چرا که به استثنای چند پیامبر صاحب کتاب، سایر انبیا الهی کتابی ارائه ننموده‌اند! از میان همین چند پیامبر نیز تنها و تنها پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به قرآن تحدی نموده و از کتاب خود به عنوان معجزه یاد کرده است. اما آن چه قطعی و مسلم است، جناب بهاءالله در سراسر کتاب ایقان هم رای و هم نظر با جناب باب بوده و معجزه‌ی پیامبری را تنها منحصر در کتاب دانسته و تمامی معجزات پیامبران الهی را به اصطلاح باور بهائی تاویل ولی در واقع انکار می‌نماید که یکی از این مدارک تقدیم حضور گردید.

بنابراین انتظار می‌رود که جناب بهاءالله بر اساس قاعده‌ای که خود ارائه نموده، هیچ گاه برای اثبات ادعای خویش از ابزار دیگری غیر از کتاب استفاده نکند! یعنی همواره و همه جا برای اثبات ادعای پیامبری خویش، فقط و فقط بایستی به کتاب استناد کند و محتوای کلام و پیام خویش را تبلیغ کند و به هیچ وجه نمی‌توان از ایشان انتظار داشت که برای اثبات ادعای خویش، امور خارق عادت و معجزه‌ی غیرکتابی ارائه نموده باشد! چرا که معجزه از دیدگاه ایشان فقط و فقط منحصر است در کتاب و لاغیر و به قول جناب بهاءالله چیز دیگری با کتاب شریک نشده و با هیچ وسیله‌ی دیگری نمی‌توان ادعای مدعی ارتباط با عالم بالا را ثابت نمود و هیچ راه دیگری جز مراجعه به کتاب برای پی بردن به حقانیت مدعی وجود ندارد!

تناقضی به نام مدت به جای سرعت

مشابه آن چه که باور بهائی برای نزول آیات توسط جناب باب ادعا کرده، در مورد کتاب ایقان نیز همان را مطرح کرده البته با سرعتی کمتر از آثار جناب باب! یکی از مباحثی که در بخش پاسخ۷ بدان پرداخته شد، چالش و تناقضی بود به نام سرعت زیاد نوشتن! خواهیم دید همان گونه که این سرعت زیاد در نوشتن آیات، بلای جان باور بابی گردیده، برای باور بهائی نیز دردسر بزرگی ایجاد خواهد کرد! نزول دو هزار آیه و هر هزار آیه در شش ساعت یعنی حداقل دوازده ساعت زمان برای نزول تفسیر سوره‌ی کوثر! یک مرتبه هم جناب باب پس از نزول با سرعت مافوق بشری، اقدام به خواندن این دو هزار آیه برای سید یحیی دارابی نموده بود که در مجموع این مجلس بایستی حداقل بالغ بر ۳۶ ساعت به درازا می‌انجامید! حال آن که منابع بهائی این مدت را از قبل از عصر تا غروب آفتاب ذکر نموده‌اند!!!

در واقع یکی از موارد نقض انحصار معجزه در کتاب، همین سرعت مافوق بشری برای نزول آیات می‌باشد که البته تبدیل به دو چالش و تناقض گردیده است! بر أساس ادعای جناب باب و بهاءالله، قرار بود فرد مدعی به چیزی غیر از کتاب، استناد نکند ولی این هر دو نفر برای اثبات خود ادعا می‌کنند که با سرعت مافوق بشری می‌توانیم بنویسیم و این تندنویسی را دلیل بر حقانیت خود مطرح کرده‌اند! یعنی برای اثبات خود به چیزی غیر از کتاب و آیات استناد کرده‌اند! حال آن که قرار بود به کتاب استناد کنند نه سرعت نوشتن! در واقع باور بهائی از یک طرف برای ادعای رسالت جناب باب به سرعت نزول مافوق بشری و سیل نزول آیات استناد کرده که به معنای تحدی به امری غیر از خود کتاب است!!! وقتی برای اثبات پیامبری جناب باب به سرعت مافوق بشری تحدی می‌نماید، بدان معناست که به چیزی غیر از خود آیات استناد شده است! خود آیات را باور بهائی به هیچ وجه منتشر نمی‌کند! (علت این موضوع که چرا باور بهائی جرات انتشار کتاب‌های جناب باب را ندارد در همان بخش به تفصیل بیان گردید) اما از طرف دیگر این سرعت بالا، چالش دیگری را نیز برای باور بهائی به وجود آورده که جلسه‌ای به مدت زمان بیش از ۳۶ ساعت را چگونه در فاصله‌ی عصر تا غروب می‌توان جای داد!؟

از آن جا که سرعت بالای نزول آیات برای جناب باب، چنین تناقضی را به همراه داشته، در مورد کتاب ایقان اندکی از سرعت نزول آیات کاسته شده تا این چالش برای کتاب ایقان پیش نیاید و مدت آن را به دو روز افزایش داده‌اند! اما غافل از این که در اینجا به جای سرعت، مدت نزول باعث بروز تناقضی آشکار و دلیلی روشن بر بطلان باور بهائی می‌گردد! یعنی اگر فرض شود که جناب بهاءالله و باور بهائی به سرعت نزول آیات تحدی نکرده و آن را معجزه قلمداد نکرده‌اند، (که البته تلویحاً چنین ادعایی صورت می‌گیرد) ذکر چهار تاریخ برای نزول ایقان باعث بروز تناقضی گردیده که غیر الهی بودن آن را ثابت می‌کند. در بخش پاسخ۸ مستندات این موضوع ارائه گردیده است.

همان گونه که دوستان عزیز بهائی می‌دانند، جناب بهاءالله در صفحات ۱۴ و ۱۵ کتاب ایقان ادعا می‌کند که این کتاب از جانب خداوند متعال نازل گردیده و وحی است: "این مظلوم یک فقره آن را ذکرمی نمایم و نعمت های مکنونه سدره مخزونه را لوجه الله بر عبادالله مبذول می دارم تا هیاکل فانیه از اثمار باقیه محروم نمانند که شاید به رشحی از انهار بی زوال حضرت ذی الجلال که در دار السّلام بغداد جاری شده فائز شوند بی آنکه اجر و مزدی طلب نمایم."

بی‌شک اگر این کتاب از جانب خداوند متعال نازل گردیده بود، چنین تناقض آشکاری در خصوص مدت نزول آن دیده نمی‌شد! اگر ایقان از جانب خداوند متعال نازل گردیده بود، نیازی نبود که باور بهائی نسخه‌ی اصلی، نسخ خطی و حتی چاپ‌های قبل از سال ۱۳۱۸ هجری قمری آن را مخفی نگه دارد تا دوستان عزیز بهائی متوجه حدود ۵۰۰ مورد اصلاح و تحریف در این کتاب نشوند!!!

از دیگر مصادیق شکستن ادعای انحصار معجزه در کتاب:

ادعای معصوم بودن و ملهم به الهام بودن اعضای بیت العدل بدون ارائه‌ی معجزه

یکی از خوارق عاداتی که دوستان عزیز بهائی هم اکنون به آن اعتقاد دارند و در تناقض با ادعای انحصار معجزه در کتاب قرار دارد و شاید کمتر از این زاویه به آن نگریسته باشند، معصوم بودن و ملهم به الهامات بودن اعضای بیت العدل است!

در صفحه‌ی ۴۰ کتاب اصول دیانت بهائی به نقل از صفحه‌ی ۱۴ نسخه‌ی انگلیسی الواح وصایای جناب عبدالبهاء چنین نقل می‌کند: "بیت العدل اعظم در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی بوده و مصون از خطاست" آیا این عصمت و صیانت و مصونیت از خطا، خارق العاده نیست!؟ آیا این چیزی غیر از معجزه است!؟ این که ادعا شود وقتی نه نفر گرد هم جمع می‌شوند، مصون و معصوم و ملهم به الهامات روح القدس می‌گردند، آیا معجزه نیست!؟ آیا معجزه‌ی غیرکتابی نیست!؟ این ادعا در صورتی معجزه نیست که یک قانون کلی در این عالم وجود داشته باشد: هر نُه نفری که گرد هم جمع می‌شوند، مصون از خطا و معصوم هستند. حال آن که چنین قانونی در عالم وجود ندارد و تنها نُه نفری که برای آن‌ها چنین ادعایی شده، فقط و فقط اعضای بیت‌العدل هستند.

این در حالی است که بر اساس ادعای انحصار معجزه در کتاب، این محتوای متن پیام‌های بیت‌العدل است که بایستی گواه الهی بودن و عصمت در تصمیمات ایشان باشد! باور بهائی در عین حال که معجزات غیرکتابی تمامی انبیاء الهی همچون عصای حضرت موسی (علیه السلام)، شق القمر کردن و هزاران مورد دیگر را تحریف و تاویل می‌کند، اما در مورد بیت العدل ادعا می‌کند که جمع نه نفره‌ی اعضای بیت العدل به صورت خارق العاده و معجزه آسا و غیرطبیعی، مصون از خطا و اشتباه بوده و ملهم به الهامات الهی هستند!!! چرا و به چه دلیل!؟ آیا عصمت و ملهم به الهامات الهی بودن، از امور خارق العاده‌ی غیرکتابی نیستند!؟

در صورتی که بر اساس ادعای انحصار معجزه در کتاب، می‌بایست متن و محتوای پیام‌ها و تصمیمات بیت‌العدل گواه معصوم و ملهم به الهامات الهی بودن باشد!

چگونه باور بهائی می‌تواند ادعای چنین معجزه‌ی غیرکتابی را برای اعضای بیت العدل داشته باشد در حالی که وقتی نوبت به انبیاء الهی که می‌رسد، ادعا می‌کند نبوت و ادعای اتصال به منبع وحی برای این عزیزان به چیزی غیر از کتاب قابل اثبات نیست!؟ چگونه انبیاء الهی برای اثبات اتصال به منبع وحی بودن بایستی کتاب و محتوایی

ارائه دهند که ثابت کننده‌ی این ادعا باشد ولی جمع نه نفره‌ی بیت العدل بدون این که دلیل و گواهی از جنس کتاب و محتوای پیام ارائه نمایند، می‌توانند ادعا کنند که متصل به منبع وحی بوده و از عصمت الهی برخوردارند!؟

یا در صفحه‌ی ۱۷۸ کتاب دیانت بهائی آئین فراگیر جهانی، ادعا می‌کند "اهل بها معتقدند گر چه بیوت عدل خصوصی و محلی در ظل هدایت حق تعالی می‌باشند ولی این تنها بیت‌العدل اعظم الهی است که مرجع ملهم و مصون از خطا بوده و تصمیمات آن قطعی، معتبر و لازم الاجرا است" سپس از قول جناب بهاءالله چنین نقل می‌کند: "اراده‌ی الهی ایجاد بیت‌العدل اعظم را ممکن ساخته و هم او تصمیمات متخذه آن عهد اعلی را از هر گونه خطا و لغزشی مصون و محفوظ نگه میدارد"

آیا مگر غیر از این است که انبیاء الهی نیز معصوم و مصون از خطا هستند!؟ پس چرا انبیاء الهی بایستی عصمت و مصونیت خود را با ارائه‌ی کتاب ثابت نمایند ولی اعضای بیت‌العدل هیچ نیازی ندارند که کتاب و محتوایی دال بر معصوم بودن و مصون بودن خود ارائه نمایند!؟

جناب عبدالبهاء نیز در صفحه‌ی ۱۲۲ مفاوضات باز همین مقام عصمت و مصونیت و وحی الهی را به صورت خارق‌العاده برای نه نفر اعضای بیت‌العدل بیان می‌کند بدون این که ایشان را الزام نماید دلیلی از جنس کتاب برای عصمت و وحی الهی ارائه نمایند: "عصمت ذاتیّه محصور در مظاهر کلّیّه و عصمت صفاتیّه موهوب هر نفس مقدّسه مثلاً بیت العدل عمومی اگر بشرائط لازمه یعنی انتخاب جمیع ملّت تشکیل شود آن عدل در تحت عصمت و حمایت حقّ است آنچه منصوص کتاب نه و بیت العدل باتّفاق آرا یا اکثریّت در آن قراری دهد آن قرار و حکم محفوظ ازخطاست حال اعضای بیت عدل را فرداً فرد عصمت ذاتی نه ولکن هیأت بیت عدل در تحت حمایت و عصمت حقّ است این را عصمت موهوب نامند"

وظیفه‌ی بیت‌العدل بر اساس این توضیح جناب عبدالبهاء عبارت است از تشریع دین الهی در مواردی که حکم الهی در کتاب و منابع و آثار باور بهائی وجود نداشته باشد! آیا مگر غیر از این است که دین را خداوند متعال مشخص می‌کند!؟ وقتی ادعا شده که بیت‌العدل بایستی در موارد غیرمنصوصه یعنی در مواردی که حکم آن در کتاب‌های بهائی وجود ندارد، اقدام به صدور رای نمایند، یعنی چه؟ یعنی این اعضای نه نفره بایستی حکم خدا را در جایی که تاکنون هیچ حکمی وجود نداشته، بیان کنند!!! این یعنی تشریع دین! این یعنی نیازمند عصمت و وحی بودن جمع نُه نفره‌ی بیت العدل!!!

چگونه باور بهائی پیامبران الهی را ملزم به ارائه‌ی کتاب و محتوا برای اثبات پیامبری و عصمت و وحی می‌کند ولی اعضای بیت‌العدل هیچ الزامی به ارائه‌ی کتاب برای اثبات عصمت و وحی ندارند!؟ چگونه جناب باب مدعی می‌گردد که نبوت انبیاء الهی به چیزی غیر از کتاب ثابت نمی‌شود ولی باور بهائی بدون هیچ دلیل و مدرکی، اعضای نه نفره‌ی بیت‌العدل را واجد مقام عصمت و وحی می‌داند!؟

چگونه باور بهائی می‌تواند اعضای بیت‌العدل را به صورت خارق‌العاده و بدون ارائه‌ی کتاب و محتوا، واجد مقام عصمت و وحی بداند در حالی که در بحث انحصار معجزه در کتاب، برای اثبات حقانیت می‌بایست حتما و حتما و البته تنها و تنها با ارائه‌ی کتاب به اثبات عصمت و وحی و الهی بودن دعوت بپردازد.

همین ادعای عصمت و مصونیت و ملهم به الهامات الهی و به بیان روشن‌تر ادعای اتصال به وحی، بدون ارائه‌ی کتاب و معجزه‌ی کتابی، یعنی شکستن ادعای انحصار معجزه در کتاب!!!

یعنی همان باوری که معجزات غیرکتابی تمامی انبیاء الهی را انکار می‌کند و هیچ یک را قبول ندارد و همه را تاویل و تحریف می‌کند، همان باور، خودش مدعی مقامات عصمت و مصونیت و وحی می‌گردد بدون این که نه معجزه‌ی کتابی ارائه نمایند و نه معجزه‌ی غیرکتابی!

یعنی باور بهائی برای بیت‌العدل قائل به جایگاهی شبیه به جایگاه رسالت گردیده و این جمع نه نفره را واجد مقام تشریع در امور غیرمنصوصه معرفی می‌کند بدون این که هیچ معجزه و دلیل و برهانی ارائه نمایند! نه معجزه‌ی کتابی و نه معجزه‌ی غیرکتابی!!! اعضای نه نفره‌ی بیت العدل اعظم بدون این که معجزه و دلیل و برهانی در دست داشته باشند، واجد مقام عصمت و وحی و تشریع هستند!!!

کدام بیت‌العدل!؟

همان بیت‌العدلی که می‌بایست دارای دو رکن غیرقابل انفکاک باشد!!!

همان بیت‌العدلی که ولی امر الله می‌بایست رکن اعظم و لاینعزل آن باشد تا مشروعیت پیدا کند!!!

در حالی باور بهائی برای بیت‌العدل اعظم ادعای رسالت و تشریع و عصمت و وحی می‌کند که نصوص امری با صدایی بلند فریاد می‌زنند بیت‌العدل بدون حضور ولی امر الله به طور کلی نامشروع است!

همان بیت‌العدلی که به اعتراف صفحه‌ی ۳۹ کتاب اصول دیانت بهائی، شش سال پس از مردن جناب شوقی تشکیل گردیده و هیچ گاه سایه‌ی ولی امر الله را تجربه ننموده است!!! یعنی بیت‌العدل از ابتدای تشکیل خود، حتی یک لحظه نیز از مشروعیت برخوردار نبوده است!!!

چرا که بر اساس نصوص باور بهائی، ولی امرالله در واقع عضو لاینعزل و ممتاز و اعظم و رئیس مقدس بیت‌العدل به حساب می‌آید! کما این که در صفحه‌ی ۲۱۸ کتاب گنجینه‌ی حدود و احکام تصریح گردیده که "رئیس بیت العدل عمومی حضرت ولی امر الله جل سلطانه است که عضو ممتاز لاینعزل است" یا صفحه‌ی ۱۲ کتاب الواح و وصیای جناب عبدالبهاء تصریح می‌کند "ولی امر الله رئیس مقدس این مجلس و عضو اعظم ممتاز لاینعزل"

این شش سال همان شش سالی است که به دلیل عدم تحقق وعده‌ی جناب بهاءالله مبنی بر وجود اوصیای بیست و چهارگانه، باور بهائی بدون رهبر بود! همین موضوع یعنی عدم وجود ولی امر باعث گردید که در شرق و غرب

عالم، افرادی همچون میسون ریمی، دونالد هاروی، رکس کینگ، للاند جنسن، جمشید معانی و ... ادعای ولی امر بودن داشته باشند و انشعابات متعددی به وجود بیاورند و در مقابل بیت‌العدل حیفا بایستند!

این افراد سرشناس بهائی به خوبی می‌دانستند که باور بهائی را نمی‌توان بدون ولی امرالله در نظر گرفت! می‌دانستند که بیت العدل بدون ولی امرالله، فاقد مشروعیت است!!! می‌دانستند که رئیس و عضو اعظم و ممتاز و غیرقابل عزل بیت‌العدل، کسی نیست به جز ولی امر الله!!!

همان گونه که ملاحظه می‌گردد، باور بهائی در حالی برای اعضای نه نفره‌ی بیت‌العدل اعظم ادعای عصمت و وحی و تشریع می‌کند که از یک طرف ساختار بیت‌العدل به دلیل عدم وجود ولی امر الله فاقد مشروعیت است!!! و از طرف دیگر هیچ معجزه و دلیلی بر وجود مقام عصمت و وحی و تشریع برای این اعضا ارائه نمی‌دهد!!! از کجا باید فهمید و بر چه اساسی ثابت می‌شود که اعضای بیت‌العدل، معصوم هستند و الهامات الهی به آن‌ها می‌شود!؟ واقعیت آن است که بدون این که اعضای نه نفره معجزه‌ای ارائه نموده باشند، واجد مقام عصمت و وحی و تشریع معرفی شده‌اند!

حال آن که بر اساس معیار انحصار معجزه در کتاب، اعضای نه نفره نیز می‌بایست برای اثبات ادعای خود معجزه ارائه نمایند و این معجزه نیز بایستی از جنس کتاب باشد!

منبع: https://www.hassanershad.com/2969

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۱

ادامه‌ی چالش‌های باور بهائی در بحث معجزه!

موارد دیگری از نقض ادعای انحصار معجزه در کتاب! اعتراف به معجزات تربت شریف امام حسین (علیه السلام)

در بحث معجزه‌ی باور بهائی و دیدگاه این باور نسبت به معجزه، سخن به اینجا رسید که جناب باب در تمام آثار خودش و جناب بهاءالله نیز در سراسر کتاب ایقان (بزرگ‌ترین دلیل بر ادعای پیامبری خویش) و حتی آثاری مثل کتاب بدیع، تمامی معجزات انبیاء الهی (علیهم السلام) را تاویل نموده و هیچ یک را قبول ندارند و ادعا می‌کنند که معجزه بایستی فقط و فقط از نوع کتاب باشد که مدارک این بحث در مقالات پیشین تقدیم حضور گردید. همچنین به برخی چالش‌ها و تناقضات این ادعا نیز پرداخته شد و مشخص شد هم جناب باب و هم جناب بهاءالله در موارد متعددی بر خلاف این ادعای خود عمل کرده‌اند و ادعای أمور خارق العاده نموده‌اند.

ممکن است این سوال پیش بیاید که چرا ادعا می‌کنند معجزه بایستی فقط و فقط از نوع کتاب باشد!؟ پاسخ بسیار روشن است! زیرا نمی‌توانند معجزاتی همانند آن چه پیامبران الهی آورده‌اند، ارائه نمایند! در واقع معجزه در حکم کارت شناسایی غیرقابل جعل حجت‌های الهی است و مدعیان دروغین به طور کلی فاقد این ویژگی هستند! ایشان نمی‌توانند مرده‌ای که صدها سال از زمان مرگ او گذشته را زنده نمایند! یا عصایی را به اژدها تبدیل نمایند! یا ماه را دو پاره نمایند و خلاصه این که چون نمی‌توانند اموری را انجام دهند که نشان‌دهنده‌ی ارتباط با خالق هستی باشد، صورت مساله را پاک می‌کنند و از اساس منکر وجود چنین آیات و بیناتی می‌شوند! در حالی که هم خداوند متعال و هم فرستادگان راستین الهی و هم عقل به ضرورت ارائه‌ی آیه و بیّنه یا همان معجزه شهادت می‌دهند!

و صد البته که انکار معجزات غیرکتابی، موضوع جدیدی نیست و این خصوصیت از نشانه‌های همگی مدعیان دروغین این مقام است! همان گونه که در بخش‌های نخستین این بحث بدان اشاره گردید، پیامبران الهی با خود دلایل بسیار روشن و گواه صادق به همراه دارند که ایشان را از مدعیان دروغین بازمی‌شناساند!

بر همین اساس است که جناب باب و بهاءالله نیز به طور کلی منکر معجزات غیرکتابی انبیاء گذشته می‌شود؛ یعنی همه‌ی معجزات تمامی انبیاء الهی به جز قرآن را انکار نموده و ادعا می‌کنند که معجزه فقط و فقط بایستی از جنس کلمات و کتاب باشد و به قول جناب باب، نبوت نبی به چیزی غیر از کتاب ثابت نمی‌شود و به قول جناب بهاءالله خداوند متعال هیچ چیز دیگری را به جز کلمات در حجت فرستادگان خویش شریک نکرده است.

پس از بررسی مباحثی همچون ضرورت ارائه‌ی معجزه و چالش‌های باور بهائی در این خصوص، از جنبه‌ی دیگری به غیرالهی بودن باور بهائی پرداخته شد که برای دوستان عزیز بهائی می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد.

جناب باب و بهاءالله با این که ادعا می‌کنند معجزه بایستی فقط و فقط از جنس کلمات و آیات باشد و چیزی به عنوان معجزات غیرکتابی وجود ندارد، در عین حال در موارد بسیار زیادی برای اثبات ادعای خود، به امور خارق‌العاده و معجزات غیرکتابی استناد کرده‌اند و سعی کرده‌اند خود را به استناد أمور خارق العاده‌ی غیرکتابی ثابت کنند!!! یعنی بر خلاف آن همه تاکید و تصریح که معجزه بایستی فقط و فقط از جنس کتاب باشد و لاغیر و نبوت نبی به چیزی غیر از کتاب به اثبات نمی‌رسد، در موارد زیادی دچار تناقض شده و بر خلاف این ادعای کلیدی، ادعا کرده‌اند که می‌توانند معجزات غیرکتابی برای اثبات دعوت خود ارائه نمایند!!! و این یعنی تناقض و دروغ! و دروغ در ساحت پیامبران الهی راه ندارد! در واقع از آن جا که به خوبی می‌دانند محتوای کلام ایشان نیز معجزه نیست، لذا برای اثبات خود در مواضع متعددی ادعاهای غیرکتابی فراوانی را مطرح می‌نمایند!

به طوری کلی مدعیان دروغین وقتی می‌خواهند خود را همانند پیامبران الهی معرفی کنند، از اساس منکر معجزات غیرکتابی می‌شوند و همه را تاویل و یا به عبارت دقیق‌تر، تحریف می‌نمایند و مدعی می‌گردند که معجزه بایستی فقط و فقط از جنس کلام و محتوا و کتاب باشد! اما وقتی نوبت به خودشان می‌رسد و زمانی که می‌بینند در کلام و محتوا نیز حرفی برای گفتن ندارند، ادعای اموری را می‌کنند که غیرکتابی است!

همان گونه که پیش از این بدان اشاره گردید، فقر و ضعف محتوای کلام ایشان به حدی است که باور بهائی مجبور می‌شود حدود ۵۰۰ مورد تحریف و اصلاحیه بر اصل کتاب ایقان وارد نماید!!! و اصل کتاب ایقان را هیچ وقت رونمایی نکند!!! یا این که جناب بهاءالله خودشان چهار تاریخ متناقض برای نگارش کتاب ایقان ذکر نماید!!!

لذا همین نکته که برای اثبات ادعای خود، مدعی انجام امور غیرکتابی می‌گردند، یعنی شکستن ادعای انحصار معجزه در کتاب و کلام! یعنی به اموری متمسک می‌شوند که در مورد انبیاء گذشته دقیقاً تمامی آن‌ها را تاویل و انکار می‌کردند و ادعا می‌کردند که انبیا گذشته به هیچ وجه معجزه‌ای غیر از کتاب نداشته‌اند!!!

همین دروغ راهبردی از سوی جناب باب و بهاءالله به خوبی نشان می‌دهد که قطعا ایشان پیامبر و فرستاده‌ی خداوند متعال نیستند!

استناد به آثار تربت امام حسین علیه السلام نمونه‌ی دیگری از اعتراف معجزه‌ی غیرکتابی

وقتی جناب بهاءالله می‌بیند که خالوی باب نسبت به امام حسین (علیه السلام) ارادت دارد و بر اساس ادعای جناب بهاءالله، ایشان برای زیارت امام حسین (علیه السلام) به عراق رفته، فرصت را غنیمت شمرده و برای همراه نمودن دایی جناب باب، به وجود آثار خارق العاده برای تربت شریف امام حسین (علیه السلام) اعتراف می‌کند و فراموش کرده که ذکر این معجزات غیرکتابی، در حقیقت اعتراف به وجود و اصالت چنین اموری است! یعنی ظاهرا جناب بهاءالله در اینجا فراموش می‌کند که معجزات خون شریف امام حسین (علیه السلام) را بایستی تاویل نموده و انکار نماید. ولی در اینجا مجبور می‌شود به وجود این معجزات غیرکتابی در کتاب ایقان اعتراف نماید تا دایی جناب باب را با خود همراه نماید در حالی که در همین کتاب، تمامی امور خارق‌العاده و معجزات غیرکتابی را انکار نموده است!

"مثلاً ملاحظه فرمائید غلبه ترشّحات دم آن حضرت (امام حسین (علیه السلام)) را که بر تراب ترشّح نموده و به شرافت و غلبه آن دم، تراب چگونه غلبه و تصرّف در اجساد و ارواح ناس فرموده. چنانچه هر نفسی برای استشفاء به ذرة ای از آن مرزوق شد شفا یافت و هر وجود که برای حفظ مال قدری از آن تراب مقدّس را به یقین کامل و معرفت ثابته راسخه در بیت نگاه داشت جمیع مالش محفوظ ماند. و این مراتب تأثیرات آن است در ظاهر و اگر تأثیرات باطنیّه را ذکر نمایم البتّه خواهند گفت تراب را ربّ الارباب دانسته و از دین خدا بالمرّه خارج گشته." (صفحه‌ی ۸۴ کتاب ایقان)

امری دیگر است. مثلاً ملاحظه فرمائید غلبهٔ ترشّحات دم آن
حضرت را که بر تراب ترشّح نموده و به شرافت و غلبهٔ آن
دم، تراب چگونه غلبه و تصرّف در اجساد و ارواح ناس
فرموده. چنانچه هر نفسی برای استشفاء به ذرّه‌ای از آن
مرزوق شد شفا یافت و هر وجود که برای حفظ مال قدری از
آن تراب مقدّس را به یقین کامل و معرفت ثابتهٔ راسخه در
بیت نگاه داشت جمیع مالش محفوظ ماند. و این مراتب
تأثیرات آن است در ظاهر و اگر تأثیرات باطنیّه را ذکر نمایم
البتّه خواهند گفت تراب را ربّ الارباب دانسته و از دین خدا
١٢٨ بالمرّه خارج گشته. و همچنین ملاحظه نما، با اینکه به نهایت

صفحه‌ی ۸۴ کتاب ایقان:

اعتراف جناب بهاءالله به وجود معجزات غیرکتابی برای حجت‌های الهی گویا فراموش کرده که در سراسر همین کتاب انکار کرده است!

همان گونه که ملاحظه می‌گردد جناب بهاءالله اعتراف می‌کند ترشح خون امام حسین (علیه السلام) بر خاک باعث گردیده که همین خاک به صورت معجزه‌آسا و خارق العاده باعث شفای هر کسی شود که ذره‌ای از آن را استفاده نماید!!! اگر در خانه‌ای نگه‌داری شود، باعث حفظ تمامی اموال آن خانه می‌شود!!! و ایشان در پایان تصریح می‌کنند که این آثار فقط آثار ظاهری است و آثار باطنی این خاک به قدری زیاد است که انسان‌ها توانایی شنیدن حقیقت و آثار باطنی آن را ندارند!!!

گویا جناب بهاءالله فراموش کرده که بایستی معجزات غیرکتابی را تاویل نماید!!! مگر در دیدگاه ایشان چیزی به عنوان معجزه‌ی کتابی وجود دارد که در اینجا به آن اعتراف کرده است!؟ چرا معجزات غیرکتابی تربت شریف امام حسین (علیه السلام) را تاویل نکرده و به آثار خارق‌العاده‌ی این خاک اعتراف می‌کند!؟

این اعتراف در حقیقت نمونه‌ی دیگری از شکستن ادعای انحصار معجزه در کتاب به شمار می‌رود.

یعنی همین جناب بهاءالله که در کتاب ایقان تمامی معجزات غیرکتابی انبیاء الهی را تاویل می‌کند و منکر وجود معجزات غیرکتابی می‌شود و ادعا می‌کند که جنس معجزه فقط و فقط از جنس کتاب و آیات است و لاغیر، در همین کتاب به وجود چنین معجزات غیرکتابی از آثار خون شریف امام حسین (علیه السلام) اعتراف می‌کند و وجود چنین معجزاتی را می‌پذیرد!!!

یادآوری یکی دیگر از تناقضات بنیادین و اساسی بزرگ‌ترین معجزه‌ی جناب بهاءالله

حال که صحبت از بررسی معجزه در باور بهائی به میان آمده، یادآوری مجدد و تذکر به یکی از تناقضات بنیادین و اساسی کتاب ایقان که پیش از این به صورت مفصل بدان پرداخته شد، می‌تواند بسیار جالب توجه باشد. یکی از اهداف استراتژیک و شاید بتوان گفت که محور اصلی کتاب ایقان، اثبات مقام قائمیت جناب باب برای دایی ایشان می‌باشد. در واقع هدف اصلی جناب بهاءالله از ارائه‌ی بزرگ‌ترین معجزه‌ی خود یعنی کتاب ایقان، انکار وجود امام دوازدهم شیعیان، حضرت محمد بن الحسن العسکری (علیهما السلام) به حساب می‌آید تا با انکار امام زمان (علیه السلام) بتواند به خالوی جناب باب ثابت کند که موعود اسلام، همان خواهر زاده‌ی ایشان بوده است.

اما جناب بهاءالله بر خلاف این هدف استراتژیک و محور اصلی معجزه‌ی خود، در موارد متعددی دقیقاً وجود امام دوازدهم حضرت محمد بن الحسن العسکری را اثبات می‌کند! این یعنی تناقض! و البته نه یک تناقض معمولی، بلکه تناقضی بنیادین و محوری!

حال اگر به دیدگاه جناب بهاءالله نسبت به تناقض در ساحت مظاهر الهیه مراجعه گردد، مشخص می‌شود که جناب بهاءالله بر اساس معیاری که خود تعیین نموده، نمی‌تواند پیامبر و یا مظهر الهیه باشد! جناب بهاءالله در صفحه‌ی ۱۲۶ کتاب بدیع، وجود تناقض را نافی و از بین برنده‌ی مقام مظهریت مطرح می‌کنند: “تناقض را در ساحت اقدس مظاهر الهیه راه نبوده و نخواهد بود”

الغفلة والجهل والهوی تناقض را در ساحت اقدس
نظام مقدسه الهیه راه نبوده و نخواهد بود این تناقض
در نفس جلوة است نه در امر حق ببین پر قول این عبد را

۱۲۶

صفحه‌ی ۱۲۶ کتاب بدیع:

از دیدگاه جناب بهاءالله، وجود تناقض در کتاب ایقان، مساوی است با بطلان باور بهائی!

وجود همین تناقضات اساسی و بنیادین در کتاب ایقان برای دوستان عزیز بهائی کافیست تا به این حقیقت دست یابند که جناب بهاءالله نمی‌تواند پیامبر و یا ظهور الله باشد! تنها اندکی شهامت پذیرش حق لازم است تا به توفیق خداوند متعال، گام در راه سعادت بگذاریم و از دام این مدعی دروغین نجات یابیم.

بگذریم از این که جناب بهاءالله توهین‌هایی از خود به یادگار گذاشته که ذره‌ای تردید در غیرالهی بودن وی به جای نمی‌گذارد؛ توهین‌هایی نسبت به امام زمان (علیه السلام)، توقیعات ایشان، نواب اربعه‌ی حضرت و مسائلی از این دست، دروازه‌ی دیگری از حقیقت را پیش روی عزیزان بهائی باز کرده و نشان می‌دهد که جناب بهاءالله به هیچ وجه نمی‌تواند موعود بیان و من یظهره اللهی باشد که جناب باب به آمدن او وعده داده است! اگر دوستان عزیز بهائی به بخش پاسخ۷ مراجعه نمایند، در آنجا با دیدگاه جناب باب نسبت به جناب بهاءالله آشنا می‌شوند!!! و خواهند دید که جناب بهاءالله از دیدگاه جناب باب قطعا کافر به حساب می‌آید!!! آن هم کافری که هیچ گاه از کفر خود توبه نکرد و دیدگاه خود نسبت به امام دوازدهم شیعیان را تغییر نداد!!! و ناگفته پیداست که کافر به جناب باب نمی‌تواند موعود و جانشین ایشان باشد! یعنی جناب بهاءالله را به هیچ وجه نمی‌توان موعود بیان و جانشین جناب باب به شمار آورد!

منبع: https://www.hassanershad.com/2971

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۲

نمونه‌های دیگری از تناقضات رفتاری جناب بهاءالله نسبت به ادعای انحصار معجزه در کتاب!!!

آیا ایمان آوردن بر اساس خواب، معجزه‌ای کتابی است!؟

آیا دوستان عزیز بهائی می‌دانند که ایمان هفده نفر از حروف حی بر اساس خواب بوده است!؟

در بررسی دیدگاه باور بهائی نسبت به معجزه، پس از بیان تناقضات و چالش‌های بنیادین این باور نسبت به اصل ارائه‌ی دلیل و برهان از سوی مدعی، سخن به اینجا رسید که جناب باب در تمام عمر خود و جناب بهاءالله لااقل تا زمان نگارش کتاب ایقان (بزرگترین دلیل بر ادعای پیامبری خویش) و همچنین کتاب بدیع، تمامی معجزات غیرکتابی انبیاء الهی را تاویل و به عبارت دقیق‌تر انکار نموده بر این ادعا بوده‌اند که معجزه بایستی فقط و فقط از نوع کتاب باشد نه چیز دیگر و برای پی بردن به اصالت و درستی مدعی رسالت، می‌بایست به محتوای پیام و کتاب او مراجعه نمود و خداوند متعال هیچ راه دیگری به غیر از کتاب برای شناخت پیامبران قرار نداده است!

در بررسی ادعای انحصار معجزه در کتاب نیز برای این که ثابت شود نه جناب باب و نه جناب بهاءالله، هیچ کدام در این ادعای خود ثابت قدم نیستند و امور دیگری را به عنوان معجزه و دلیل حقانیت خود مطرح می‌نمایند، نمونه‌هایی بیان گردید که نشان می‌داد ایشان برای اثبات خود به امور غیرکتابی استناد جسته‌اند! یعنی جایی که باید برای اثبات ادعای خود، معجزه و آیه ارائه نمایند، چون معجزه ندارند، ادعا می‌کردند که برای پی بردن به حقانیت دعوت یک مدعی هیچ راهی به غیر از کتاب وجود ندارد. اما وقتی که می‌خواهند پیروان خود را جذب نمایند و ظاهری خارق‌العاده برای خود بسازند، بر خلاف ادعای خود به امور غیرکتابی زیادی استناد نموده‌اند! استناد به امور غیرکتابی از یک طرف به معنای دروغ است (چرا که پیش از آن ادعا کرده بودند که معجزه فقط و فقط باید از جنس کتاب باشد) و فرستادگان الهی دروغگو نیستند و از طرف دیگر بیان‌گر تناقض است و به اعتراف جناب بهاءالله "تناقض را در ساحت اقدس مظاهر مقدّسه ی الهیه راه نبوده و نخواهد بود. این تناقض در نفس خلق است، نه در امر حق.» (صفحه‌ی ۱۲۶ نسخه‌ی خطی کتاب بدیع و همچنین صفحه‌ی ۴۸ جلد دوم کتاب امر و خلق (موسسه ملی مطبوعات بهائی آلمان))

یعنی بر أساس معیاری که خودشان بیان کرده‌اند، باورهای بابی و بهائی هیچ کدام باوری الهی نیستند.

از جمله‌ی دیگر تناقضات رفتاری جناب بهاءالله در قبال ادعای انحصاری بودن معجزه در کتاب و محتوا، می‌توان به جریان ایمان آوردن هفده نفر از هجده ایمان آورنده‌ی حروف حی (که با خود جناب باب به عدد ۱۹ می‌رسند) اشاره نمود. بر اساس معیار انحصاری بودن معجزه در کتاب، حروف حی می‌بایست با دیدن آیات و معجزه‌ی کتابی و محتوای دعوت جناب باب به ایشان ایمان بیاورند! اما جالب است که هم جناب بهاءالله و هم مبلغین باور

بهائی در آثار و نصوص مورد تایید خود به خوابی بودن ایمان هفده نفر از هجده ایمان آورنده‌ی اولیه اعتراف می‌کنند!!!

به غیر از سید یحیی دارابی که داستان آن پیش از این به تفصل بیان گردید، بر اساس آن چه در منابع باور بهائی آمده، تمامی سایر افراد حروف حی بر اساس خواب به جناب باب ایمان آورده‌اند!!! در مورد سید یحیی دارابی نیز پیش از این به برخی تناقضات جریان ایمان آوردن او پرداخته شد و مشخص گردید که چرا باور بهائی جرات نمی‌کند آثار جناب باب را منتشر نماید.

جناب عبدالبهاء در صفحات ۲۹۴ و ۲۹۵ کتاب تذکره‌الوفاء، معیار ایمان آوردن طاهره را بر اساس خواب معرفی می‌کند:

"امّا سیّد مرحوم پیش از عروج، تلامذه خویش را بشارت بظهور موعود میدادند و میفرمودند بروید و آقای خویش را تحرّی نمائید. از اجلّه تلامذه ایشان رفتند و در مسجد کوفه معتکف گشتند و به ریاضت مشغول شدند و بعضی در کربلا مترصّد بودند. از جمله جناب طاهره روز بصیام و ریاضات و شب به تجهّد و مناجات مشغول بود. تا آنکه شبی در وقت سحر سر ببالین نهاده از این جهان بی‌خبر شد و رؤیای صادقه دید. در رؤیا ملاحظه نمود که سیّد جوانی عمامه سبز بر سر و عبای سیاه در بر دارد. پای مبارکش از زمین مرتفع است. در اوج هوا ایستاده و نماز میگذارد در قنوت آیاتی تلاوت مینماید. جناب طاهره یک آیه از آن آیات را حفظ مینماید و در کتابچه خویش مینگارد. چون حضرت اعلی ظهور فرمودند و نخستین کتاب احسن القصص منتشر شد روزی در جزوه احسن‌القصص جناب طاهره ملاحظه مینمود آن آیه محفوظه را آنجا یافت. فوراً بشکرانه پرداخت و به سجود افتاد و یقین نمود که این ظهور حقّ است"

اما حضرت سید مرحوم پیش از عروج تلامذه
خویش را بشارت بظهور موعود میدادند و میفرمودند
بروید و آقای خویش را تحری نمائید از اجلهٔ
تلامذه ایشان رفتند و در مسجد کوفه معتکف
گشتند و بریاضت مشغول شدند و بعضی در کربلا

صفحه ۲۹۴ کتاب تذکرةالوفاء در بیان جریان ایمان آورده طاهره در خواب!

مترصد بودند *

از جمله جناب طاهره روز بصیام ور باضات وشب بتهجد ومناجات مشغول بود * تا انکه شبی در وقت سحر سر ببالین نهاده از اینجهان بیخبرشد ورؤیاــــے صادقه دید در رؤیا ملاحظه نمودکه سید جواني عمامهٔ سبز بر سر وعبای سیاه در بردارد پاي مبارکش از زمین مرتفع است در اوج هوا ایستاده ونماز میکذارد در قنوت آیاتي تلاوت مینماید * جناب طاهره یك آیه ازان آیات را حفظ مینماید ودر کتابچهٔ خویش مینکارد * چون حضرت اعلی ظهور فرمودند ونخستین کتاب احسن القصص منتشر شد * روزیــــے در جزوهٔ احسن القصص جناب طاهره ملاحظه مینمود ان آیهٔ محفوظه‌را انجایافت فوراً بشکرانه پرداخت و بسجود افتاد و یقین‌نمود که این ظهور حق است *

بارــــے این بشارت در کربلا بایشان رسید مشغول تبلیغ شدند * واحسن القصص را ترجمه

صفحه‌ی ۲۹۵ کتاب تذکره الوفاء: تصریح جناب عبدالبهاء به خوابی بودن ایمان طاهره!

همان گونه که ملاحظه گردید، عبدالبهاء ادعا می‌کند که طاهره در خواب یک آیه را یادداشت کرد و وقتی کتاب احسن القصص به دست او افتاد، ملاحظه نمود که این آیه در احسن القصص موجود است و لذا ایمان آورد!!! جناب طاهره در واقع به خواب خود ایمان آورد نه محتوای کلام!!! سخن این نیست که محتوای آن آیه چه بوده بلکه جناب عبدالبهاء تصریح می‌کند وقتی آن چه را که در خواب خود دیده بود در کتاب احسن القصص دید، ایمان آورد!!! یعنی آیه‌ای را در خواب دید و آن را یادداشت کرد و بعد که کتاب احسن القصص به دست او افتاد، دید که آن چه در خواب دیده، در این کتاب هم آمده است!!! یعنی به رویای صادقه‌ی خود ایمان آورد نه محتوای کلام جناب باب!!!

همین موضوع که جناب عبدالبهاء اعتراف می‌کند طاهره قرهالعین بر اساس معیار خواب ایمان آورده، یعنی شکستن ادعای انحصار معجزه در کتاب!!! یعنی جناب طاهره بر اساس معیاری غیر از محتوای کلام ایمان آورده است! یعنی شکستن همان معیاری که در سراسر ایقان از آن صحبت شده و تمامی معجزات انبیاءالهی را انکار نموده است!!!

در واقع در اینجا باید محتوای آن آیه ارائه می‌شد و مشخص می‌شد که چه معجزه‌ای در محتوای آن آیه وجود داشته باشد نه این که یک آیه در خواب شنیده و بعد آن آیه را در کتاب احسس القصص دیده است!!! آیا اگر در خواب آیه‌ای را شنیدیم و بعد همان آیه را در کتابی دیدیم، باید به نویسنده‌ی آن کتاب ایمان بیاوریم!؟

جالب است که نصرت الله محمد حسینی نیز در کتاب "حضرت باب" شمار ایمان آورندگان خوابی به جناب باب را به شانزده نفر می‌رساند و بعد بر اساس نقل قول جناب باب، این تعداد را به هفده نفر می‌رساند! وی در صفحات ۱۸۷ تا ۱۸۹ کتاب حضرت باب ضمن بیان داستان ایمان آوردن حروف حی، تصریح می‌کند که ملاعلی بسطامی در عالم رویا به حضور جناب باب می‌رسد و همین خواب باعث ایمان آوردن او می‌شود!!! جالب است که در ادامه تصریح می‌کند تفاوت ایمان ملاعلی بسطامی و ملاحسین بشرویه‌ای نیز در همین است که ملاعلی بسطامی هیچ دلیل و برهانی طلب نکرده است!!!

در خصوص همراهان جناب ملاعلی بسطامی نیز تصریح می‌کند غالب آنها در عالم خواب و رویا به جناب باب ایمان آورده‌اند!!! سپس به ایمان خاص محمدعلی بارفروشی اشاره می‌کند که جناب باب را از روی راه رفتن از پشت سر ایشان شناخته است!!! یعنی پشت جناب باب به محمدعلی بارفروشی بوده و وقتی او راه رفتن جناب باب را دید، فهمید که او همان موعود است که در عالم روح با او مذاکره کرده است!!! یعنی جناب قدوس هم بر اساس خواب به جناب باب ایمان آورده است!

مبارک بودند. جوانی بیست و دو ساله بنام ملاّمحمّدعلی بارفروشی از راه رسید و ملاّحسین را در آغوش کشید و از حضرت موعود پرسید. ملاّحسین از وی خواست که ابتداء استراحت کند و از رنج سفر بیاساید و سپس در این باب با یکدیگر گفتگو نمایند. ولی جوان توجّهی به توصیهٔ ملاّحسین ننمود و ضمن اشاره به هیکل مبارک حضرت باب (که پشتشان به وی بود) و مشی می فرمودند گفت چرا آن حضرت را از من مخفی می داری. من از مشی مبارک آن حضرت را شناختم.

صفحه‌ی ۱۸۸ کتاب حضرت باب: ایمان آوردن بر أساس مشاهده‌ی راه رفتن!!! راه رفتن جناب باب چه محتوایی داشته می‌شود!؟

در مورد طاهره نیز ادعا می‌کند که "در میان هجده تن مومنین اولیه به حضرت باب بانوی فاضله و شاعره جوانی بود ... وی در کربلا بر اثر زیارت حضرت باب در رویا ایمان یافت!"

در میان هجده تن مؤمنین اوّلیه به حضرت باب بانوی فاضله و شاعرهٔ جوانی بود که جناب سیّد رشتی به وی لقب قرّة العین داده بود وی نیز در کربلا بر اثر زیارت حضرت باب در رؤیا ایمان یافت و سپس با تلاوت کتاب مبارک قیّوم الاسماء باوج ایقان رسید (۲۶).

صفحه‌ی ۱۸۹ کتاب حضرت باب: اعتراف به خوابی بودن ایمان طاهره

همان گونه که ملاحظه گردید، ایمان آوردن طاهره بر أساس خواب بوده نه کتاب و محتوا! ادعا شده که طاهره با دیدن جناب باب در خواب، به او ایمان آورده است! هیچ صحبتی از کتاب و محتوای پیام و معجزه بودن محتوای آن در میان نیست! تلاوت کتاب قیوم الأسماء سبب ایقان می‌شود ولی ایمان او بر أساس خواب بوده نه محتوای

کتاب! در مورد محتوای کتاب‌های جناب باب نیز دیدم که باور بهائی نه تنها جرات انتشار رسمی و تایید شده‌ی آثار جناب باب را ندارد، بلکه هیچ گاه مشخص نمی‌کند که کدام کلام و کدام محتوای آثار جناب باب، معجزه بوده!

به راستی این همه تناقض و دروغ، آیا جایی برای شک و تردید در باطل بودن باورهای بابی و بهائی باقی می‌گذارد!؟

منبع: https://www.hassanershad.com/2976

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۳

جناب بهاءالله در تناقض و بر خلاف ادعای انحصار معجزه در کتاب، اعتراف می‌کند:وحی و نزول آیات معجزه نیست!!!

نمونه‌ی دیگری از تناقضات ادعای انحصار معجزه در کتاب و تعارض آن با اعتراف جناب بهاءالله به عدم حجیت کتاب!!!

بچه‌ی شش ساله هم آیه نازل می‌کند ولی پیامبر نیست و شجره‌ی فساد است!!!

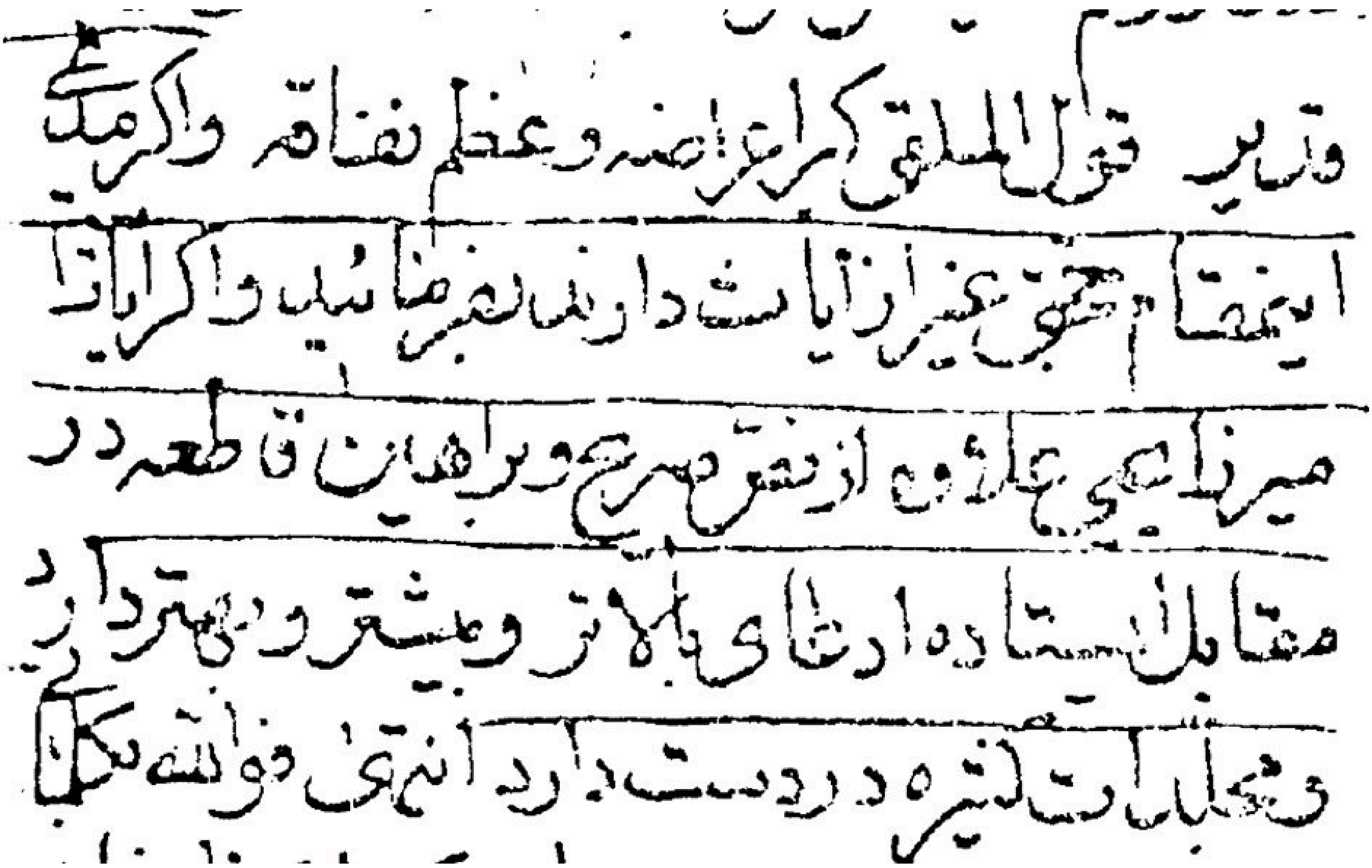
از دیگر مواردی که پرده از دیدگاه متناقض باور بهائی نسبت به معجزه برمی‌دارد، ادعای عدم انحصار معجزه در کتاب است! همان گونه که پیش از این بیان گردید، پس از بررسی دیدگاه باور بهائی نسبت به ضرورت معجزه، سخن به اینجا رسید که جناب بهاءالله در سراسر بزرگ‌ترین معجزه‌ی خود یعنی کتاب ایقان و دیگر آثاری همچون کتاب بدیع بر این موضوع بارها و بارها تصریح می‌کند که معجزه‌ی پیامبران الهی فقط و فقط از نوع کتاب است و فرستادگان خداوند متعال هیچ دلیل و حجت دیگری غیر از کتاب نداشته‌اند و تمامی معجزات غیرکتابی انبیاء گذشته را تاویل و به عبارت درست‌تر، انکار می‌نمایند. اما با مراجعه به متون و نصوص باور بهائی مشخص می‌شود که بر خلاف ادعای انحصار معجزه در کتاب، در موارد بسیار زیادی جناب بهاءالله برای اثبات ادعای خود به امور غیرکتابی استناد جسته و سعی کرده که ادعای خود را به اموری غیر از کتاب به اثبات برساند! و این به معنای نقض ادعای انحصار معجزه در کتاب است! یعنی دیدگاه دوگانه در قبال معجزه! یعنی دروغ و تناقض! و به اعتراف جناب بهاءالله، تناقض در ساحت پیامبران الهی راهی ندارد! لذا وجود این تناقضات ثابت می‌کند که حتی از دیدگاه جناب بهاءالله نیز نمی‌توان او را سفیر الهی دانست!

در این مقاله به یکی دیگر از این موارد نقض اشاره می‌گردد؛ جناب بهاءالله در صفحه‌ی ۲۷۱ کتاب بدیع (نسخه‌ی خطی)، به موضوعی اشاره می‌کند که باز هم اساس و بیان باور بهائی را به باد فنا می‌دهد! وی ادعا می‌کند که طفل شش ساله نیز در منزل ایشان قادر است معجزه بیاورد ولی در عین حال نه تنها پیامبر نیست، بلکه شجره‌ی فساد است!!!

همان گونه که بیان گردید، جناب بهاءالله، لااقل در سراسر اعظم دلیل خود بر ادعای پیامبری خویش یعنی کتاب ایقان، به طور کلی تمام معجزات غیرکتابی انبیاءالهی را انکار نموده و همگی را تاویل نموده و در پیروی از جناب باب مدعی می‌شود که معجزه‌ی یک پیامبر، فقط و فقط بایستی از جنس کتاب باشد و یگانه برهان ساطع و حجت قاطع خود را کلمات موزونی شمرده که به فارسی و عربی در کتاب‌هایش آورده است (هر چند حجم غلطهای آن به حدی بوده که باور بهائی مجبور گردیده حدود ۵۰۰ مورد را فقط در کتاب ایقان اصلاح نماید که توضیح آن پیش از این آمد). به بیان روشن‌تر جناب بهاءالله تنها حجت و دلیل خویش را همین آیات و کلمات

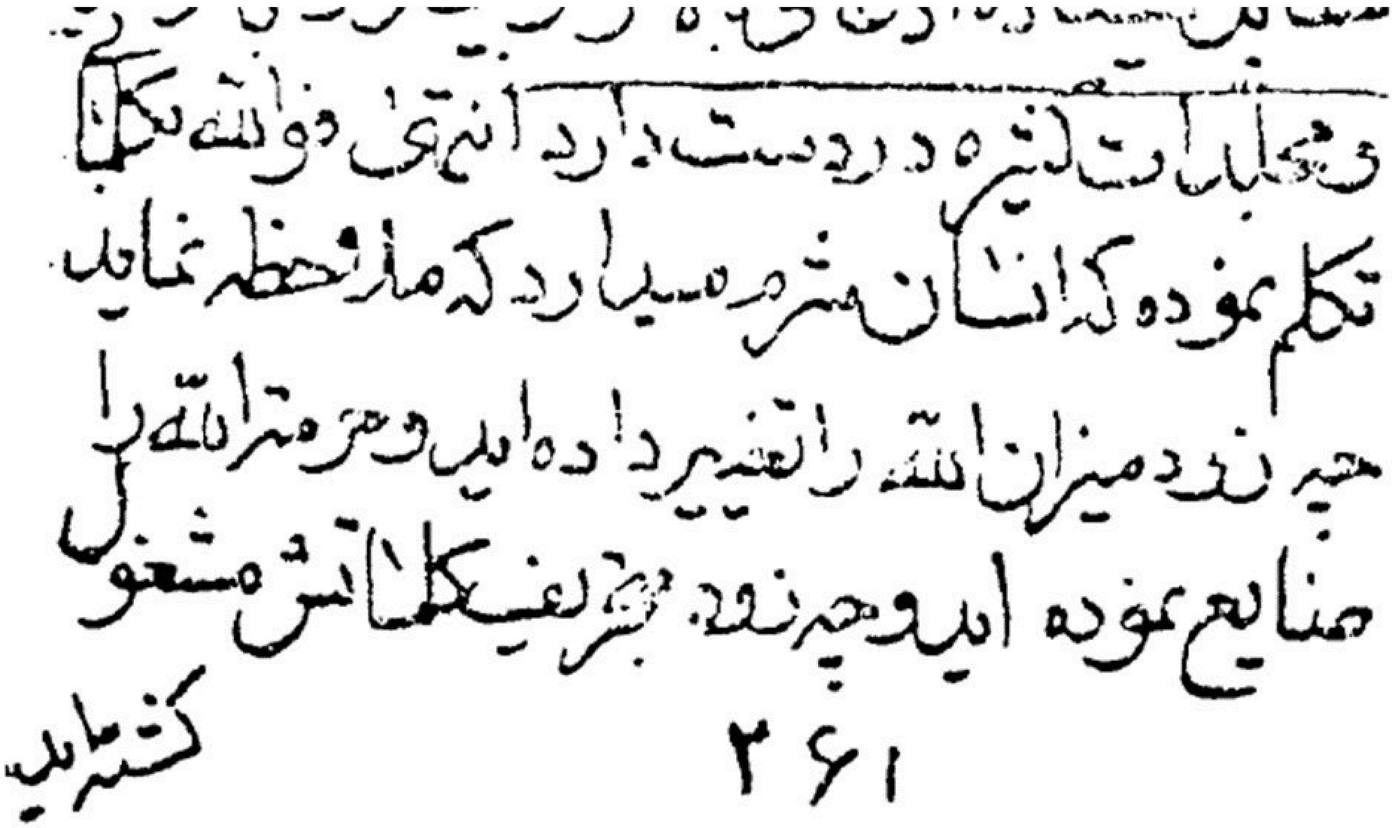
معرفی می‌کند و شاهد دیگر این مطلب را می‌توان در کتاب بدیع جستجو نمود (این مدرک علاوه بر مدارکی است که پیش از این تقدیم حضور گردید)

داستان از این قرار است که جناب بهاءالله در کتاب «بدیع» نامه‌ای از میرزا مهدی گیلانی را نقل می‌کند و سپس به رد ادعای او می‌پردازد. جناب بهاءالله در صفحه‌ی ۲۶۱ کتاب بدیع به نقل از میرزا مهدی می‌نویسد: «اگر مدّعی این مقام (من یظهره اللهی) حجتی غیر از آیات دارند، بفرمایند و اگر آیات است، میرزا یحیی علاوه از نص و براهین قاطعه، در مقابل ایستاده ادّعای بالاتر و بیشتر و بهتر دارد و مجلدات کثیره در دست دارد»!


وسایر قول الملهی کرا عراضه و عظم نفاقه و اگر مدعی
این مقام حجتی غیر از آیات دارند بفرمایند و اگر آیات
میرزا یحیی علاوه از نص صریح و براهین قاطعه در
مقابل ایستاده ادعای بالاتر و بیشتر و بهتر دارد
و مجلدات کثیره در دست دارد انتهی فوالله تکلم

صفحه‌ی ۲۶۱ کتاب بدیع

جناب بهاءالله در پاسخ گیلانی، ابتدا به سرزنش و تقبیح او می‌پردازد: «فوالله به کلماتی تکلّم نموده که انسان شرم می‌دارد که ملاحظه نماید، چه زود میزان الله را تغییر داده اید و حرمه الله را ضایع نموده اید، و چه زود به تحریف کلماتش مشغول گشته اید...»(صفحات ۲۶۱ و ۲۶۲ کتاب بدیع)


تکلم نموده که انسان شرم میدارد که ملاحظه نماید
حتی نزد میزان الله را تغییر داده اید و حرمت الله را
ضایع نموده اید و حتی نزد بشر تغییر کلماتش مشغول
گشته اید
۲۶۱

صفحه‌ی ۲۶۱ کتاب بدیع

سرانجام به سؤال میرزا مهدی چنین پاسخ می‌دهد:

«نوشته که صاحب این ظهور، غیر از آیات اگر چیزی دارد بیاورد، و این تصریحا مخالف است با آنچه نقطه بیان (علی‌محمد باب) – روح ماسواه فداه – در کل بیان نازل فرموده ... نقطه بیان در کلّ بیان تصریحاً فرموده که حجت ظهور بعد، غیر آیات نبوده و نخواهد بود»! (صفحه‌ی ۲۶۲ نسخه‌ی خطی کتاب بدیع و صفحه‌ی ۱۲۸ چاپ ۲۰۰۸ هوفهایم آلمان)

نوشته که صاحب این ظهور غیر از آیات اگر چیزی دارد بیاورد، و این تصریحاً مخالف است به آنچه نقطهٔ بیان – روح ما سواه فداه – در کلّ بیان نازل فرموده. و مَن تکلّم بهذه الکلمة أو یتکلّم لعن و یلعنه کلّ الذّرّات و مَن فی ملکوت الأمر و الخلق. بلی، و الله ناس را احمق دانسته اید، چه که اگر ناس احمق نبودند تو و نفس معرض قادر نبودید بر این که جهراً به غیر ما تکلّم به الله تکلّم نمائید. نقطهٔ بیان در کلّ بیان تصریحاً فرموده که حجّت ظهور بعد غیر آیات نبوده ونخواهد بود، و تو تصریحاً نوشته که اگر حجّتی غیر از آیات دارد اتیان نماید. و تقول ما لا تشعر.

صفحه‌ی ۱۲۸ چاپ ۲۰۰۸ هوفهایم آلمان

در واقع جناب بهاءالله بار دیگر تاکید می‌کند که راه دیگری جز ارائه‌ی کتاب و آیات کتابی برای اثبات مقام ظهور اللهی خود ندارد و تنها راه شناخت "من یظهره الله" ارائه‌ی آیه است! اما شگفت آن که در خلال همین بحث به موضوعی اعتراف می‌کند که اصل ادعای معجزه‌ی خود را باطل می‌سازد! جناب بهاءالله در پاسخ به سوال مهدی گیلانی ادعا می‌کند که برادر او یعنی صبح ازل در سن شش‌سالگی نیز می‌توانسته آیه نازل کند!!!

جناب بهاءالله ابتدا بخشی از نامه‌ی مهدی گیلانی را نقل می‌کند و سپس در پاسخ به این نامه، چالش زیر را برای باور بهائی به یادگار می‌گذارد تا یافتن راه حق برای دوستان عزیز بهائی بسیار آسان باشد و این لطف خداوند متعال است که بطلان باور بهائی در میان نصوص این باور چنین خودنمایی می‌کند. جناب بهاءالله، ادعا می‌کند که عبارات زیر را از نامه‌ی مهدی گیلانی نقل می‌کند:

«عجب‌تر از این خودشان ادعای آن دارند که عبارات من، آیه است و رسولان ایشان می‌گویند: اطفال هفت‌ساله ایشان هم آیه می‌گویند، و پسر کوچک ایشان هم آیه می‌گوید»! (صفحه‌ی ۲۷۰ کتاب بدیع و صفحه‌ی ۱۳۲ چاپ هوفهایم آلمان).

و دیگر به القای آن مشرک ملقی نوشته: عجب تر از این خودشان ادّعای آن دارند
که عبارات من آیه است، و رسولان ایشان می گویند اطفال هفت سالهٔ ایشان هم آیه
می‌گویند. پس کجا آیات مَن یُظهره الله دلیل حجّیّت او خواهد بود که خلق او هم آیه

صفحه‌ی ۱۳۲ چاپ هوفهایم آلمان

سپس جناب بهاءالله در پاسخ این عبارتی که از میرزا مهدی گیلانی نقل کرده، به این صورت اساس معجزه بودن آیه و کتاب را منهدم می‌نماید:

«بلی، طفلی از اطفال بیت (یعنی برادر خود صبح ازل) در سن شش‌سالگی به آیات الله تکلّم نموده و آن طفل حاضر است و والله خود همان شجره فساد (یعنی برادر خود صبح ازل) بکرّات میگفت که آنچه از او ظاهر شده از هیچ نفسی از بدیع اول تا حین ظاهر نشده ... او را در طفولیّت به آیات ناطق فرموده ایم تا دلیل باشد بر این ظهور عزّ رحمانی و طلوع قدس صمدانی»!(صفحات ۲۷۱ و ۲۷۲ نسخه‌ی خطی کتاب بدیع و صفحه‌ی ۱۳۲ و ۱۳۳ چاپ ۲۰۰۸ هوفهایم آلمان که البته نسخه‌ی چاپ آلمان اندکی متن معجزه‌ی جناب بهاءالله را اصلاح نموده است!!!).

و عدل را نفس ظلم دانسته. بلی، طفلی از اطفال بیت در سنّ شش سالگی به آیات الله تکلّم نموده و آن طفل حال حاضر است. و والله خود همان شجرهٔ فساد به کرّات می گفت که آنچه از او شده از هیچ نفسی از بدیع اوّل تا حین ظاهر نشده و اکثر لیالی و ایّام

۱۳۲

دست برندارند. و هذا ما نزل فی الألواح إن انتم من النّاظرین. به کرّات فرموده اند که او را در طفولیّت به آیات ناطق فرموده ایم تا دلیل باشد بر این ظهور رحمانی و طلوع قدس صمدانی، و تو این رحمت کبری را نقمت شمرده. عوض آن که شکر نمائی حقّ منیع را

بخش‌هایی از صفحات ۱۳۲ و ۱۳۳ کتاب بدیع، چاپ هوفهایم آلمان

... مسرور نموده و بعد ...

او بطفولیت از اطفال بیت در سن شش سالگی با آیات

تکلم فرموده و آن طفل حال حاضر است و آنچه خود شما

شنیده اید بدیگران میگفتند که اثری از او ظاهر شده از ...

نفسی از بدیع اول تا حین ظاهر نشده و اکثر لیالی اوراد

صفحه 271

فی الالواح ان انتم من الناظرین مکررات فرموده اند که اورا

در طفولیت با آیات ناطق فرموده ایم تا دلیل باشد بر این

ظهور عز رحمانی و طلوع شمس صمدانی تا قدر این رحمت کبری را

صفحه 272

بخش‌هایی از صفحات ۲۷۱ و ۲۷۲ کتاب بدیع

جناب بهاءالله با این اعتراف و ادعای خود در حقیقت از یک طرف معجزه بودن آیه را باطل می‌نماید؛ زیرا در اینجا تصریح می‌نماید که یک کودک شش ساله نیز آیه نازل می‌کرده و آیه نازل کردن و تکلم به آیات الهی به هیچ وجه نمی‌تواند ملاک پیامبری و الهی بودن شخصی باشد که آن را ارائه می‌نماید! یعنی آیه نازل کردن به هیچ وجه معجزه نیست و حتی یک کودک که شجره‌ی فساد نیز هست، در سن شش سالگی آیه نازل می‌کند!!!

اما از طرف دیگر فراموش کرده که نزول آیات به وسیله‌ی وحی الهی صورت می‌پذیرد و معجزه نیز قدرتی است الهی که هیچ کدام از این دو عامل قابل آموزش دادن و یا فراگیری نمی‌باشد! اساسا اگر معجزه و یا وحی قابل آموزش دادن باشد، دیگر معجزه نیست و انسان‌ها می‌توانند با آموزش وحی، خداوند متعال را مجبور کنند که آیات الهی بر ایشان نازل کند و معجزه نیز از معجزه بودن خود خارج می‌شود! زیرا معجزه را از این جهت معجزه می‌گویند که بشر از انجام آن عاجز است!

خاصیت معجزه به تحدی کردن آن است. وقتی بچه‌ی شش ساله و آن هم از نوع شجره‌ی فساد بتواند آیه نازل کند، یعنی آیه و کتاب به هیچ وجه قابل استناد نیست و نمی‌تواند ملاک شناخت فرستاده‌ی الهی قرار گیرد!!! این یعنی باطل کردن ادعای معجزه بودن کلام از زبان خود جناب بهاءالله!!!

در واقع کسی در اینجا اعتراف می‌کند که آیه نمی‌تواند معیار شناخت حجت خدا و رسول الهی باشد که خودش بارها و بارها برای فرار از ارائه‌ی معجزه، ادعا کرده بود که معجزه بایستی فقط و فقط از نوع و جنس آیه و کتاب باشد و لاغیر!!!

گویا جناب بهاءالله حتی از متن قرآن نیز اطلاع نداشته که این خود خداوند متعال است که فرستادگان خویش را برای دریافت کلمات خود برمی‌گزیند: قٰالَ يٰا مُوسىٰ إِنِّي اِصْطَفَيْتُكَ عَلَى اَلنّٰاسِ بِرِسٰالاٰتِي وَ بِكَلاٰمِي فَخُذْ مٰا آتَيْتُكَ وَ كُنْ مِنَ اَلشّٰاكِرِينَ (الأعراف، ۱۴۴) (خداوند) فرمود: «ای موسی! من تو را با رسالتهای خویش، و با سخن گفتنم (با تو)، بر مردم برتری دادم و برگزیدم؛ پس آنچه را به تو داده‌ام بگیر و از شکرگزاران باش!»

یا جناب بهاءالله از این آیات اطلاع نداشته و یا خود را خدا می‌دانسته که به قول خودش به شجره‌ی فساد نیز آیه نازل می‌کرده ولی خدایی که نمی‌دانسته این شجره‌ی فساد، چندی بعد تبدیل به یک رقیب برای خودش می‌شود!!!

اگر ذره‌ای انصاف داشته باشیم، آیا به راستی جای شکی در نادرستی و بطلان باور بهائی باقی می‌ماند!؟

منبع: https://www.hassanershad.com/2982

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۴

ادعای امی بودن و تناقض آن با ادعای انحصار معجزه در کتاب و خط بطلان دیگری بر باور بهائی

آیا حقیقت‌جویان و دوستان عزیز بهائی می‌دانند که ادعای امی بودن جناب بهاءالله در تناقض با این ادعای وی است که معجزه را منحصر در کتاب می‌دانسته‌!؟

از دیگر مواردی که جناب بهاءالله خود ادعای انحصاری بودن معجزه در پیام و کتاب را شکسته، ادعای امی بودن اوست. جناب بهاءالله خطاب به ناصرالدین شاه ادعا می‌کند که تو باید ادعای پیامبری من را بپذیری! چرا!؟ به این دلیل که من این حرف‌ها را بدون این که به مدرسه‌ای رفته باشم بیان می‌کنم! یعنی دلیل پیامبری من این است که به صورت معجزه‌آسا بدون این که معلمی به من آموزش داده باشد این حرف‌ها را بیان می‌کنم!!!

در واقع جناب بهاءالله در اینجا به ناصرالدین شاه نمی‌گوید که محتوای کلام را نگاه کن! نمی‌گوید محتوای آیاتی که من نازل کرده‌ام را ببین و یقین کن که من پیامبر هستم!!! بلکه می‌گوید برو و تحقیق کن ببین که من در هیچ مدرسه‌ای درس نخوانده‌ام و چون امی هستم و هیچ معلمی نداشته‌ام و این حرف‌های سطح بالا را بدون این که معلمی داشته باشم بیان می‌کنم، تو باید به من ایمان بیاوری!!!

یعنی باز هم جناب بهاءالله به امری غیر از خود کتاب و آیه به عنوان حجت و دلیل استناد می‌کند!!! به امی بودن خود استناد می‌کند و علم غیبی خود نه به محتوای کلام و آیات!!! جناب بهاءالله نمی‌گوید که اگر در آیاتم دقتی کنی متوجه می‌شوی که معجزه است و کسی نمی‌تواند مثل آن را بیاورد! بلکه می‌گوید به خودم نگاه کن و ببین که من به مدرسه نرفته‌ام ولی همانند درس‌خوانده‌ها سخن می‌گویم!!! در واقع جناب بهاءالله به محتوای پیام خود احتجاج ننموده و به آن استناد نمی‌کند بلکه به امی بودن و ادعای درس‌ناخواندگی خود دارد استناد می‌کند!!!

داستان از اینجا شروع می‌شود که جناب عبدالبهاء در صفحه‌ی ۶۱ کتاب مقاله‌ی شخصی سیاح به تعریف و تمجید از پدر خود یعنی جناب بهاءالله می‌پردازد و تصریح می‌کند که پدرش "بدون تعلّم حصول موهبت سبحانی و استقاضه از فیض غیبی صمدانی و اشراق علم لدنّی" کرده و سپس صورت نامه‌ی بهاءالله خطاب به ناصرالدین شاه را می‌آورد تا ثابت کند خود جناب بهاءالله نیز ادعای امی بودن داشته است:

«یا سلطان إنی کنتُ کَاحدٍ مِن العباد و راقِداً علی المِهادِ مَرّت علیَّ نسائمُ السُّبحان و علَّمَنی علمَ ما کان ... ما قَرئتُ ما عِندَ النّاسِ مِنَ العُلُومِ وَ ما دَخَلتُ المَدارِسَ. فَسئَلِ المَدینَةَ الَّتی کُنتُ فیها لِتُوقِنَ بِأنّی لَستُ مِنَ الکاذبین » (مقاله‌ی شخصی سیاح صفحه‌ی ۶۲)

يا سلطان انّي كنت كاحد من العباد وراقداً على المهاد مرّت عليّ نسائم السّبحان وعلّمني علم ماكان ليس هذا من عندي بل من لدن عزيزعليم. وامرني بالنّدآء بين الأرض والسّمآء بذلك ورد عليّ ما ذرفت به عيون العارفين. ما قرئت ما عند النّاس من العلوم ومادخلت المدارس فاسئل المدينة الّتي كنت فيها لتوقن بانّي لست من الكاذبين. هذه ورقة حرّكتها

صفحه‌ی ۶۲ کتاب مقاله‌ی شخصی سیاح

یعنی من مثل بقیه‌ی مردم بودم تا این که علم آن چه که هست به من داده شد ... سپس ادامه می‌دهد که "ما قَرِئتُ ما عِندَ النّاسِ مِنَ العُلُومِ" از این علومی که نزد مردم است من چیزی قرائت نکرده‌ام و به مدرسه‌ها هم نرفته‌ام!

همان گونه که ملاحظه می‌گردد، باز هم جناب بهاءالله به بستر پیام استناد می‌کند و ادعای امی بودن خود را به عنوان دلیل بر پیامبری خویش مطرح می‌سازد نه محتوای کلام خویش را!!! به ناصرالدین شاه امر می‌کند که پیام من را به عنوان وحی بپذیر! به چه دلیل!؟ آیا به این دلیل که محتوای آن معجزه است!؟ نه! به دلیل این که من پیش کسی درس نخوانده‌ام!!! در واقع این درس‌ناخواندگی است که دلیل پیامبری ایشان مطرح شده نه خود آیات و محتوای کلام!!! و این یعنی شکستن ادعای انحصار معجزه در آیات!!! زیرا به امی بودن در اینجا استناد شده نه به آیات!!!

البته یکی از افراد همان شهر که اتفاقا رابطه‌ی بسیار نزدیکی هم با جناب بهاءالله دارد، یعنی خواهر ایشان عزیه خانم در کتاب تنبیه النائمین شهادت می‌دهد که این ادعای جناب بهاءالله نیز دروغ است!!! ایشان به مدرسه نرفته‌اند ولی مدرسه به خانه‌ی ایشان آمده است! عزیه خانم که تقریبا هم سن و سال جناب بهاءالله بوده، به بیان‌های مختلف و در گزارش‌های متعددی، پرده از این دروغ جناب بهاءالله برمی‌دارد که او از کودکی در خانه به تحصیل اشتغال داشته و پدرش این امکان را برای آن‌ها فرآهم کرده است. البته او سیر تحصیلات برادرش را محدود به دوران زندگی در منزل پدری نمی‌داند و لااقل تا شصت هفتاد سالگی او را مشغول سوادآموزی معرفی می‌کند. از باب نمونه، یکی از گزارشات عزیه خانم به عنوان حسن ختام این نوشتار تقدیم حضور می‌گردد.

عزیه خانم در صفحه‌ی ۵ این کتاب خطاب به برادرش یعنی جناب بهاءالله چنین می‌نویسد:

"جناب میرزای ابوی که از بدایت عمر که به حد بلوغ رسید بواسطه فراهم بودن اسباب و گرد آمدن اصحاب، اشتغال به درس و اهتمام به مشق داشته آنی خود را از تحصیل مقدمات فارغ نمی گذاشتند. پس از تحصیل مقدمات عربیت و ادبیت، به علم و حکمت و مطالب عرفان مایل گردیده که به فواید این دو نائل آیند چنانکه اغلب روز و شب ایشان به معاشرت حکمای ذی‌شان و مجالست عرفا و درویشان مشغول بود وقتی که صور اسرافیل ظهور دمیده شد ایشان مردی بودند که اکثر کلمات و عبارات عرفا و حکما را دیده و اغلب علائم آثار ظهور را شنیده و فهمیده..."

بنا بر آن چه در این مختصر تقدیم حضور گردید، ثابت شد چکش ادعای امی بودن جناب بهاءالله، چینی نازک ادعای انحصار معجزه در کتاب را در اولی ضربه می‌شکند. اما این همه‌ی داستان نیست**!** خواهر هم سن و سال جناب بهاءالله یعنی عزیه خانم نیز از آن طرف فریاد برمی‌آورد که ادعای امی بودن برادرش دروغی بیش نیست**!**

هر طرف را که بگیریم، بطلان باور بهائی ثابت شده است؛ اگر ادعای امی بودن جناب بهاءالله را بپذیریم، در این صورت خودش با دست خودش ادعای انحصار معجزه در کتاب را شکسته و تناقض گویی‌اش ثابت می‌شود و همان گونه که در نوشتارهای پیشین دیدیم، وجود تناقض را خود جناب بهاءالله برابر بطلان باور بهائی معرفی کرده است. اگر طرف خواهر ایشان را بگیریم، دروغگو بودن جناب بهاءالله ثابت می‌شود و بی‌پرده عیان است که دروغگو نمی‌تواند پیامبر باشد!

وجدان خود را قاضی قرار دهیم؛ آن کدام عقل سلیم است که بتواند چشم خود را بر این حجم عظیم از تناقضات همچنان بسته نگه دارد و چنین شخصی را سفیر الهی و پیامبر خدا و بلکه به ادعای خودش بالاتر از پیامبر بداند!؟

منبع: https://www.hassanershad.com/2992

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۵

دلیل تقریر و تعارض و تناقض آن ادعای انحصار معجزه در کتاب!!!

آیا دوستان عزیز بهائی می‌دانند که دلیل تقریر نیز ادعای انحصار معجزه در کتاب را باطل می‌کند!؟

همان گونه که بارها در بخش‌های گذشته به این موضوع اشاره گردید، از آن جا که دست جناب باب و بهاءالله از ارائه‌ی معجزه خالی است، در موارد بسیار زیادی ایشان ادعا کرده‌اند که معجزه و دلیل اثبات حقانیت یک پیامبر، فقط و فقط از جنس آیات و کتاب و محتوای پیام بایستی باشد و لاغیر!

به عنوان نمونه جناب بهاءالله در کتاب بدیع و در پاسخ به میرزا مهدی گیلانی بر این موضوع تاکید می‌کند که از نظر جناب باب و خودش، معجزه‌ی ایشان چیزی به غیر از آیات و کتاب نمی‌تواند باشد: «نوشته که صاحب این ظهور، غیر از آیات اگر چیزی دارد بیاورد، و این تصریحا مخالف است با آنچه نقطه بیان (علی‌محمد باب) – روح ماسواه فداه – در کل بیان نازل فرموده ... نقطه بیان در کلّ بیان تصریحاً فرموده که حجت ظهور بعد، غیر آیات نبوده و نخواهد بود»! (صفحه‌ی ۲۶۲ نسخه‌ی خطی کتاب بدیع و صفحه‌ی ۱۲۸ چاپ ۲۰۰۸ هوفهایم آلمان)

نوشته که صاحب این ظهور غیر از آیات اگر چیزی دارد بیاورد، و این تصریحاً مخالف است به آنچه نقطهٔ بیان – روح ما سواه فداه – در کلّ بیان نازل فرموده. و مَن تکلّم بهذه الکلمة أو یتکلّم لعن و یلعنه کلّ الذّرّات و مَن فی ملکوت الأمر و الخلق. بلی، و الله ناس را احمق دانسته اید، چه که اگر ناس احمق نبودند تو و نفس معرض قادر نبودید بر این که جهراً به غیر ما تکلّم به الله تکلّم نمائید. نقطهٔ بیان در کلّ بیان تصریحاً فرموده که حجّت ظهور بعد غیر آیات نبوده ونخواهد بود، و تو تصریحاً نوشته که اگر حجّتی غیر از آیات دارد اتیان نماید. و تقول ما لا تشعر.

آن مقامی را که اراده نموده که از برای معرض بالله ثابت نمائی، آن مقام منوط به قول نقطهٔ اولی بوده، و نقطهٔ اولی به آیات الهی ثابت شده. حال تفکّر کن که چه قدر از سبیل حقّ دور مانده اید و در تیه ضلالت افتاده اید. تفکّر فیما ارتکبت و تکلّمت به لعلّ تتنبّه

[illegible]

دلیل حضرت [illegible] دنیا و اخوند نوشته که صاحب این ظهور

غیر از آیات اگر چیزی دارد بیاورد و این بشیر [illegible]

با [illegible] نقطه بیان [illegible] ما سواه [illegible] در کل بیان نازل

فرموده [illegible] تکلم بهذه الکلمة او یتکلم لمن [illegible]

التی [illegible] ملکوت الامر و الخلق [illegible]

اعجز [illegible] اگر ناس [illegible] نبود [illegible] اقصر

معجزه [illegible] قادر نبوده [illegible] اینکه [illegible] تکلم به [illegible]

تکلم [illegible] نقطه بیان در کل بیان [illegible] ظهور

که حجت ظهور بعد غیر آیات نبوده و نخواهد بود

و این بشیر را [illegible] نوشته که اگر حق غیر از آیات ندارد اتیان

نماید و نقول [illegible] مقامی [illegible] که اراده نموده

صفحه‌ی ۲۶۲ نسخه‌ی خطی کتاب بدیع:

ادعای صریح جناب بهاءالله بر این که معجزه بایستی فقط از جنس کتاب و آیه باشد و لاغیر

بنابراین پر واضح است که از دیدگاه جناب باب و بهاءالله تنها راه اثبات حقانیت یک پیامبر، بایستی فقط و فقط آیات باشد و چیزی غیر از کتاب نمی‌تواند ملاک تشخیص حق از باطل قرار گیرد!

اگر دوستان عزیز بهائی همین ادعای جناب بهاءالله را در نظر داشته باشند و سپس به دلیل تقریر مراجعه نمایند، به روشنی می‌یابند که دلیل تقریر نیز مثال نقض دیگری بر این ادعای جناب باب و بهاءالله است! چرا که دو رکن از چهار رکن غیرقابل انفصال دلیل تقریر عبارت است از استقامت و نفوذ!!! شکی در این نیست که استقامت و نفوذ هیچ کدام از جنس کتاب نیستند!!! یعنی دلیل تقریر نیز ناقض ادعای انحصار معجزه در کتاب است!

برای روشن شدن موضوع لازم است نگاه مجددی به جایگاه دلیل تقریر در اثبات باور بهائی داشته باشیم: ابوالفضل گلپایگانی در آغاز فصل ثالث کتاب فرائد در صفحه‌ی ۶۱ تصریح می‌نماید که: "دلیل تقریر اکبر دلیلی است که علمای اعلام در تفریق بین الحق و الباطل به آن تمسک جسته‌اند و در کتب و مصنفات خود به آن مبسوطا و مفصلا استدلال فرموده‌اند"

فصل ثالث

در چگونگی استدلال بدلیل تقریر

اعلم ایها السید المجید ایدك الله وایانا بالبصارة الکاشفة والرأي السدید که دلیل تقریر اکبر دلیلی است که علمای اعلام در تفریق بین الحق والباطل بآن تمسك جسته اند ودر کتب ومصنفات خود بآن مبسوطاً ومفصلاً استدلال فرموده اند . وتقریر این دلیل بدین گونه است که اگر

صفحه‌ی ۶۱ کتاب فرائد:

جایگاه دلیل تقریر در باور بهائی

وی در صفحه ۷۶ و ۷۷ همین کتاب مجددا تاکید می‌نماید که: "به اندک تأمل معلوم می‌شود که اگر از دلیل تقریر صرف نظر شود ابداً تفریق بین الحق والباطل ممکن نباشد"

شناخت . وباندك تامّل معلوم میشود که اگر از دلیل تقریر

(۷۷)

صرف نظر شود ابداً تفریقِ بین الحقّ والباطل ممکن نباشد.

صفحات ۷۶ و ۷۷ کتاب فرائد:

جایگاه منحصر به فرد دلیل تقریر در باور بهائی

قطعا دوستان عزیز بهائی بر سر دو راهی حیرت و سرگردانی باقی می‌مانند که بالاخره کدام راه درست است!؟ دلیل تقریر یا انحصار معجزه در کتاب!؟ در حالی که باور بهائی از دلیل تقریر به عنوان تنها راه انحصاری شناخت حق از باطل یاد می‌کند، جناب بهاءالله پیش از آن ادعا کرده بود که حجتی به غیر از آیات در این ظهور قرار داده نشده و نخواهد شد!!!

آیا دلیل تقریر را باید پذیرفت یا ادعای جناب بهاءالله مبنی بر این که تنها دلیل بر حقانیت پیامبر، باید فقط از جنس کتاب باشد و به هیچ وجه نمی‌توان دلیل غیرکتابی را به عنوان معجزه و دلیل حقانیت پذیرفت!؟

عزیزان بهائی به خوبی می‌دانند که دلیل تقریر بر چهار رکنِ ادعا، کتاب، استقامت و نفوذ بنا نهاده شده که این چهار شرط نیز بایستی همزمان با هم وجود داشته باشند!!! و پر واضح است که قطعا شرط‌های نفوذ و استقامت، از جنس کتاب نیستند و أمور غیرکتابی به حساب می‌آیند!!!

باز هم به لطف خداوند متعال، شاهراهی از هدایت و نجات، پیش روی دوستان عزیز بهائی‌مان قرار گرفته است؛ دو شرط از چهار شرط دلیل تقریر که بر أساس آموزه‌های باور بهائی تنها راه غیرقابل اجتناب در شناخت مدعی صادق از دروغگوست، غیرکتابی است! و این یعنی بطلان ادعای جناب بهاءالله در انحصار معجزه در کتاب!

به بیان دیگر، اگر ادعای جناب بهاءالله مبنی بر انحصار معجزه در کتاب را بپذیریم، دلیل تقریر باطل می‌شود و بر أساس آموزه‌های باور بهائی، دیگر هیچ راهی برای شناخت مدعی صادق از کاذب باقی نمی‌ماند! اگر دلیل تقریر را به عنوان تنها راه شناخت پیامبر راستین، ملاک قرار دهیم، ادعای جناب بهاءالله مبنی بر منحصر بودن معجزه در کتاب، باطل می‌گردد!

به راستی کدام را باید پذیرفت!؟ ادعای انحصاری بودن معجزه در کتاب یا دلیل تقریر!!!؟؟؟ اگر به ادعای جناب باب و بهاءالله، حجت و دلیل در این ظهور به چیزی غیر از آیات قرار داده نشده، پس ارکان غیرکتابی نفوذ و استقامت در میان دلیل تقریر چه می‌کنند!

اما راه سومی هم هست؛ در بخش‌های گذشته دیدیم که به ادعای جناب بهاءالله، تناقض در ساحت سفیران الهی راهی ندارد! وجود این تناقضات یعنی بطلان باور بهائی، یعنی باور بهائی، باوری الهی و آسمانی نیست! و راه سوم را باید در پیش گرفت، پشت پا زدن به ادعاهای کذب مدعیان دروغین!

انسان عاقل تا کِی می‌تواند خود را در بند چنین باورهای مملو از تناقضی نگه دارد!؟

منبع: https://www.hassanershad.com/2996

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۶

انهدام اساس انحصار معجزه در کتاب، این بار از زبان جناب عبدالبهاء!

ادعای شفا دادن بیماری لاعلاج شاه به عنوان دلیل حقانیت!

جناب باب دروغگوست یا جناب بهاءالله!

در قسمت‌های پیشین، به چالش‌هایی که معجزه برای باورهای بابی و بهائی به همراه دارد به صورت مستند از جنبه‌ی مختلفی اشاره گردید. در ابتدا ضرورت ارائه‌ی معجزه از دیدگاه قرآن، روایات و عقل مورد ارزیابی قرار گرفت و ثابت شد که سفیران الهی همواره معجزه و یا به عبارتی کارت شناسایی غیرقابل جعل به همراه دارند که به سادگی و روشنی آفتاب میان آسمان، ایشان را از مدعیان دروغین متمایز می‌سازد. سپس دست خالی و دست و پا زدن‌های بی‌حاصل جناب باب و بهاءالله از آوردن معجزه، به تصویر کشیده شد.

یکی از این دست و پا زدن‌های بی‌حاصل که ثمری جز روشن‌تر شدن بطلان باورهای بابی و بهائی به همراه نداشت، ادعای جناب باب و بهاءالله (تا زمان نگارش کتاب ایقان و بدیع) مبنی بر انحصار معجزه در کتاب بود. ایشان ادعا می‌کردند که معجزه بایستی فقط و فقط از جنس کتاب باشد و هیچ یک از معجزات انبیاء گذشته (علیهم السلام) را قبول نداشتند.

در چند مقاله‌ی اخیر به این موضوع پرداخته شد که هم جناب باب و هم جناب بهاءالله، بر خلاف ادعای انحصار معجزه در کتاب، در موارد متعددی، ادعای داشتن معجزات غیرکتابی داشته‌اند. در این نوشتار یکی دیگر از این تناقضات تقدیم حضور می‌گردد.

جناب نصرت الله محمد حسینی در صفحه‌ی ۳۲۰ کتاب حضرت باب، از صفحات ۱۸ و ۱۹ کتاب مقاله‌ی شخصی سیاح، نوشته‌ی جناب عبدالبهاء مطلبی را نقل می‌کند که بار دیگر ادعای انحصار معجزه در کتاب را باطل نموده و نشان می‌دهد که هم جناب باب و هم جناب بهاءالله هیچ کدام افراد صادقی نیستند! و شخص دروغگو و تناقض‌گو نیز قطعا نمی‌تواند پیامبر باشد!

پیش از این بیان گردید که جناب بهاءالله در کتاب بدیع و در پاسخ به میرزا مهدی گیلانی بر این موضوع تاکید می‌کند که از نظر جناب باب و خودش، معجزه‌ی ایشان چیزی به غیر از آیات و کتاب نمی‌تواند باشد: «نوشته که صاحب این ظهور، غیر از آیات اگر چیزی دارد بیاورد، و این تصریحا مخالف است با آنچه نقطه بیان (علی‌محمد باب) – روح ماسواه فداه – در کل بیان نازل فرموده ... نقطه بیان در کلّ بیان تصریحاً فرموده که حجت ظهور بعد، غیر آیات نبوده و نخواهد بود»! (صفحه‌ی ۲۶۲ نسخه‌ی خطی کتاب بدیع و صفحه‌ی ۱۲۸ چاپ ۲۰۰۸ هوفهایم آلمان)

اما جناب عبدالبهاء موضوعی را مطرح می‌کند که نشان می‌دهد که جناب باب نیز بر خلاف ادعای خود، به اموری غیر از کتاب برای اثبات مقام خود متمسک گردیده است!!! یعنی از یک طرف دروغگو بودن جناب باب به اثبات می‌رسد و از طرف دیگر ادعای جناب بهاءالله را باطل می‌کند! زیرا جناب بهاءالله پیش از این عنوان کرده بود که حجت و دلیل ظهور و پیامبر بعدی از نظر جناب باب، فقط و فقط آیات است! اما در اینجا جناب عبدالبهاء یک حجت غیرکتابی را برای جناب باب برمی‌شمارد!!! البته موارد نقض انحصار معجزه در کتاب در مورد جناب باب، محدود به این مورد نمی‌شود بلکه موارد متعددی در نوشتارهای پیشین به صورت مستقل ارائه گردید.

جناب عبدالبهاء این چنین اساس باورهای بابی و بهائی را منهدم می‌نماید: "حضرت باب بواسطه محمد بیک چاپارچی برای شاه پیغام فرستاده بودند که بشرط حضور در بارگاه شاهی و دفع تسلط ظالمین متعهد شفای پای شاه می‌شوند ولکن حاج میرزا آقاسی مانع از ابلاغ پیام حضرت باب به محمد شاه می‌شود زیرا می‌ترسد که ملاقات حضرت باب با شاه موقعیت خودش را بکلی بخطر اندازد"

حضرت باب بواسطهٔ محمّد بیک چاپارچی برای شاه پیغام فرستاده بودند که بشرط حضور در بارگاه شاهی و دفع تسلّط ظالمین متعهّد شفای پای شاه می شوند ولکن حاج میرزا آقاسی مانع از ابلاغ پیام حضرت باب به محمّد شاه می شود زیرا می ترسد که ملاقات حضرت باب با شاه موقعیّت خودش را بکلّی بخطر اندازد (۲۸). حاج میرزا آقاسی که خود دعوی ارشاد و هدایت داشت بی نهایت از حضور حضرت باب در طهران بیم داشت. وی می دانست که محمّد شاه با

۳۲۰/320

۲۸ _ مقالهٔ شخصی سیّاح. صفحات ۱۹ _ ۱۸.

صفحه‌ی ۳۲۰ کتاب حضرت باب به همراه آدرس منبع:

ادعای شفا دادن بیماری لاعلاج محمدشاه برای نشان دادن حقانیت خود! استناد به معجزه‌ی غیرکتابی!!!

البته در آدرسی که نصرت الله محمدحسینی از این معجزه می‌دهد، یعنی کتاب مقاله‌ی شخصی سیاح، چنین داستانی در آدرس مذکور پیدا نشد. تنها یک جا به بیماری نقرس شاه اشاره شده و نه بیشتر. معلوم نیست نصرت الله محمد حسینی این عبارات را از کدام منبع نقل کرده است!!! البته در همان کتاب مقاله‌ی شخصی سیاح، جناب عبدالبهاء به مطلبی بالاتر از یک معجزه اعتراف می‌کند؛ در صفحه‌ی ۱۷ این کتاب می‌خوانیم که برای جناب باب، خوارق عادات نقل کرده‌اند: "باب را آیت اعظم پنداشتند وخارق عادات نقل نمودند و امثال ذلک که جمیع خارج از صدد ماست، لهذا به اختصار گذشتیم."

باب را آیت اعظم پنداشتند و خارق عادات نقل نمودند و امثال ذلک که جمیع خارج از صدد ما است، لهذا به اختصار گذشتیم.

صفحه‌ی ۱۷ کتاب مقاله‌ی شخصی سیاح:

ادعای خارق عادات و معجزات غیرکتابی در مورد جناب باب از قلم عبدالبهاء

(مثال نقض دیگری از باطل بودن ادعای انحصار معجزه در کتاب)

بگذریم، به هر حال همان گونه که ملاحظه می‌گردد، در کتابی که ممهور به مهر لجنه‌ی آثار امری است و توسط موسسه معارف بهائی به چاپ رسیده، جناب عبدالبهاء ادعا می‌کند جناب باب به شاه پیغام داده که اگر اجازه دهد در بارگاه شاهی حاضر شود، پای شاه را شفا می‌دهد!!! این یعنی امور خارق عادت!!! یعنی معجزه‌ی غیرکتابی!!! اما حاج میرزا آقاسی که می‌دانست اگر جناب باب این معجزه‌ی غیرکتابی را انجام دهد، شاه به او ایمان می‌آورد و موقعیتش به خطر می‌افتد، اجازه نمی‌دهد این پیام به دست شاه برسد!!!

آیا در بارگاه محمدشاه، هیچ پزشکی وجود نداشته که پای شاه را معالجه کنند!؟ چرا جناب باب قصد کرده که پای شاه را شفا دهد!؟ آیا مگر جناب باب پزشک بوده است!؟ پر واضح است که منظور جناب باب، شفای بیماری و مشکلی است که اطبا از انجام آن عاجز بودند!!! چرا که اگر پزشکان دربار می‌توانستند پای شاه را معالجه کنند، این کار را انجام می‌دادند و از یک غیرپزشک (یعنی جناب باب) نمی‌خواستند که پای شاه را شفا دهد!!! بنابراین مشخص است که جناب باب برای اثبات خود، ادعا کرده حاضر است ضمانت دهد که می‌تواند بیماری لاعلاج محمد شاه را درمان کند!!! و این چیزی نیست به جز معجزه‌ی غیرکتابی!!!

چگونه جناب بهاءالله ادعا می‌کند جناب باب، دلیل و حجت را منحصراً در کتاب قرار داده در حالی که جناب عبدالبهاء ادعا می‌کند جناب باب قصد انجام معجزه‌ی غیرکتابی را داشته است!!! و یا این که خارق عادات فراوانی از او نقل می‌شده!!!؟؟؟

چگونه جناب باب ادعا می‌کند که معجزه فقط و فقط بایستی از نوع کتاب باشد اما خودش برای اثبات خویش دست به دامن شفای پای شاه می‌شود!!!

در حالی که بایستی کتاب‌های خویش را برای شاه می‌فرستاد نه پیام شفای پا را!!! همان کتاب‌هایی که باور بهائی نیز به هیچ وجه جرات نمی‌کند آن‌ها را منتشر نماید!

در این میان چه کسی راست می‌گوید!؟ باب!؟ یا بهاءالله!؟ اگر جناب باب چنین ادعایی داشته، پس نشان می‌دهد که معجزه منحصر در کتاب نیست و ادعای جناب بهاءالله نادرست است! اگر جناب باب چنین ادعایی نداشته، جناب عبدالبهاء و بهاءالله دروغگو می‌شوند که چنین داستانی را برای او ساخته‌اند!

به سان نوشتارهای پیشین، هر طرف را که بگیریم، بطلان باور بهائی ثابت می‌شود! به راستی آیا چنین اشخاصی که توان و قدرت آوردن معجزه ندارند را چگونه می‌توان سفیر الهی دانست!؟

منبع: https://www.hassanershad.com/3002

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۷

ادعای توانایی ارائه‌ی معجزه‌ی غیرکتابی توسط جناب بهاءالله در تناقض و باطل کننده‌ی ادعای انحصار معجزه در کتاب!!!

ادعای داشتن معجزه‌ی غیرکتابی و اثبات موعود بیان نبودن جناب بهاءالله

در ادامه‌ی تناقض‌گویی‌های جناب بهاءالله که مدعی بود معجزه بایستی فقط و فقط از جنس کتاب باشد و لاغیر (در سراسر کتاب ایقان و پس از نگارش کتاب بدیع)، در این نوشتار نمونه‌ی دیگری تقدیم حضور می‌گردد. شاید که آن دسته از دوستان عزیز بهائی که هنوز شهامت و استقلال خود را در انتخاب راه از دست نداده‌اند، با توجه به این تناقضات، تصمیم خود را قطعی کنند و یقین خود در باطل بودن باور بهائی را به پای ماندن در این تشکیلات، ذبح نکنند.

جناب عبدالبهاء در کتاب خطابات موضوع دیگری را مطرح می‌نماید که باز هم اصل انحصار معجزه در کتاب را می‌شکند!!! جناب عبدالبهاء در خطابات به این نکته اشاره می‌کند که علما از جناب بهاءالله درخواست معجزه کردند و ایشان پاسخی در تناقض با دیگر مواضع خود ارائه نمودند!!! یعنی چه!؟ یعنی در مورد پدرش ادعا می‌کند در پاسخ به درخواست علما، دیگر جناب بهاءالله ادعا نکرد که معجزه بایستی فقط و فقط از جنس کتاب باشد! بلکه قصد داشته معجزه و أمور غیرکتابی و خارق عادت ظاهر نماید!

همان گونه که پیش از این بیان گردید، جناب بهاءالله در پاسخ به میرزا مهدی گلپایگانی ادعا کرده بود که جناب باب تصریح نموده حجت ظهور بعد و تنها راه و دلیلی که می‌توان پیامبر بعدی را شناخت، چیزی به غیر از کتاب نیست و ارائه‌ی کتاب، تنها دلیل و برهان در ظهور بعد می‌باشد! اما جناب عبدالبهاء در اینجا چنین نقل می‌کند که جناب بهاءالله حاضر شد معجزه‌ی غیرکتابی ارائه نماید و امور خارق العاده ظاهر سازد!!!

آیا زمان آن نرسیده که دوستان عزیز بهائی از جناب بهاءالله بپرسند که بالاخره دیدگاه شما و جناب باب در خصوص معجزه چیست!؟ چرا در پاسخ به میرزا مهدی گلپایگانی در کتاب بدیع و یا در سراسر کتاب ایقان ادعا می‌کنید معجزه فقط و فقط بایستی از جنس کتاب و محتوا باشد ولی جناب عبدالبهاء در اینجا تصریح می‌کند که جناب بهاءالله حاضر شده که امور خارق العاده ظاهر سازد!!!

برای روشن شدن موضوع می‌توان به صفحات ۷۶ و ۷۷ از جلد سوم کتاب خطابات حضرت عبدالبهاء مراجعه نمود:

"مخالفین خواستند امر الله را محو نمایند امّا امر الهی بلند تر شد یریدون ان یطفئوا نور الله بافواههم و یأبی الله إلّا أن یتمّ نوره زیرا خدا امرش را ظاهر و نورش را باهر و فیضش را کامل مینماید. خلاصه چیزی نگذشت که بغداد به زلزله در آمد جمعی از علماء از جمله میرزا علی نقی، سید محمّد، شیخ عبدالحسین و شیخ محمّد حسین این

مجتهدین شخصی شهیر از علما که مسمّی به میرزا حسن عمو بود انتخاب کردند به حضور مبارک فرستادند و به واسطه زین العابدین خان فخر الدّوله مشرّف شد. اوّل سؤالات علمیّه نمود جواب های کافی شنید. عرض نمود که در مسئله ی علم مسلّم و محقّق است هیچ کسی حرفی ندارد جمیع علما معترف و قانعند لکن حضرات علما مرا فرستادند که امور خارق العاده ظاهر شود تا سبب اطمینان قلب آنان گردد. فرمودند بسیار خوب، ولی امر الهی ملعبهء صبیان نیست چنانچه در قرآن از لسان معترضین میفرماید: و قالوا لن نؤمن لک حتّی تفجر لنا من الارض ینبوعا او یکون لک بیت من زخرف و بعضی گفتند او تأتی بالله و الملائکه قبیلا و بعضی گفتند او ترقی الی السّماء و لن نؤمن لرقیّک حتّی تنزّل علینا کتابا.

در جواب همه اینها میفرماید قل سبحان ربّی هل کنت الّابشراً رسولا؟ امّا من میگویم خیلی خوب!

ولی شما ها متّفق شوید و یک مسئله معیّن کنید که اگر ظاهر شد برای ما شبهه ای نمی ماند و بنویسید و مهر کنید و تسلیم نمائید!!! آن وقت من یک شخصی را میفرستم تا آن معجزه را ظاهر نماید. میرزا حسن عمو قانع شد و گفت دیگر حرف نماند دست مبارک را به زور بوسید و رفت ...”

نطق مبارک شب ۱۹ جون ۱۹۱۳ در خیمهٔ مسافرین در پورت سعید مصر بعد از مراجعت از ممالک اروپ و آمریک

هو الله

خیلی امر عجیبی است در پورت سعید چنین مجلس عظیمی عقد شد خوب است ملوک سر از خاک برون آرند و ببینند که چگونه رایات آیات حق بلند گشته و اعلام ظالمان سرنگون شده در بغداد شیخ عبدالحسین مجتهد هر وقت فرصتی می یافت خفیاً القائاتی می‌کرد ولی جمال مبارک جواب می فرمودند از جمله القائات او این بود شبی بهمرازان خویش گفت که در خواب دیدم که پادشاه ایران درزیر قبه ئی نشسته بمن گفت جناب شیخ مطمئن باش که شمشیر من بهائیان را قلع و قمع نماید و بر آن قبه آیةالکرسی بخط انگریزی نوشته شده بود جمال مبارک بواسطهٔ زین العابدین خان فخر الدوله پیغام فرمودند که این خواب رؤیای صادقه است زیرا آیةالکرسی همان آیةالکرسی بود ولو بخط انگریزی بود یعنی این امر بهائی همان امر الهی اسلام است ولکن خط تغییر کرده یعنی لفظ تغییر کرده ولکن همان حقیقت و معنی است و اما آن قبه این امرالله است و آن محیط و مستولی بر پادشاه و پادشاه در ظل او و البته او غالب است حال شاه و شیخ کجاست که به بینند در پورت سعید اقلیم مصر چنین جمعیتی درزیر این خیمه تشکیل یافته است و تماشا کنند چه خیمهٔ خوبی است خیلی مکمل است مخالفین خواستند امرالله را محو نمایند اما امر الهی بلند تر شد یریدون ان یطفئوا نورالله بافواههم ویابی الله الاّ ان یتمّ نوره زیرا خدا امرش را ظاهر ونورش را باهر و فیضش را کامل مینماید خلاصه چیزی نگذشت که بغداد بزلزله در آمد جمعی از علماء از جمله میرزا علی‌نقی سیدمحمد شیخ عبدالحسین وشیخ محمد حسین این مجتهدین شخصی شهیر از علما که مسمی بمیرزا حسن عمو بود انتخاب کردند بحضور مبارک فرستادند وبواسطهٔ زین العابدین خان فخر الدوله مشرف شد اول سئولات علمیه نمود جواب‌های

کافی شنید عرض نمود که در مسئله علم مسلم و محقق است هیچ کسی حرفی ندارد جمیع علما معترف وقانعند لکن حضرات علما مرا فرستادندکه امور خارق العاده ظاهر شود تا سبب اطمینان قلب آنان گردد فرمودند بسیار خوب ولی امر الهی ملعبهٔ صبیان نیست چنانچه در قرآن از لسان معترضین میفرماید وقالوا لن نؤمن لك حتی تفجر لنا من الارض ینبوعا او یکون لك بیت من زخرف وبعضی گفتند او تاتی بالله والملائکة قبیلا وبعضی گفتند اوترقی الی السماء ولن نؤمن لرقیك حتی تنزل علینا کتابا درجواب همهٔ اینها میفرماید قل سبحان ربی هل کنت الا بشراً رسولا اما من میگویم خیلی خوب ولی شما ها متفق شوید و یك مسئله معین کنید که اگر ظاهر شد برای ما شبههٔ نمیماند و بنویسید ومهر کنید وتسلیم نمائید آنوقت من یك شخصی را میفرستم تا آن معجزه را ظاهر نماید

میرزا حسن عمو قانع شد و گفت دیگر حرف نماند دست مبارك را بزور بوسید ورفت وبعلما گفت ولی علما قبول نکردند که شاید این شخص ساحر باشد هر چه گفت ای مجتهدین شما مرا فرستادیدو خود چنین خواستید مارا رسوا نمودید فائده نبخشید جمیع از این قضیه خبر دارند بعداز چندی بکرمانشاه رفت وقضیه را بتمامه در مجلس عماد الدوله که حاکم کرمانشاه بود نقل کرد چون میرزا غوغای درویش که سراً مؤمن بود وعمادالدوله مرید او و در مجلس حاضر چون تفصیل را شنید ببغداد و سائر اطراف مرقوم نمود وهمچنین میرزا حسن مشارالیه در طهران در مجلس میرزا سعیدخان وزیردول‌خارجه این‌قضیه را بتمامها نقل نمود وچون میرزارضاقلی مرحوم حضورداشت تفصیل را مرقوم نمود مقصد این است با اینگونه القائات و مقاومت شاه ثمری نداشت امرالله غالب شد حال الحمدلله شرق منور است غرب معطر است وقتی از طهران ببغداد میرفتیم یك‌نفر از احباب درراه نبود اما دراین سفراز هرشهری ازبلاد غرب عبور کردیم احبائی یافتیم در جاهائی که از پیش شنیده نشده بود مثل دنور و دبلین و بغاله و

صفحه‌ی ۷۷ جلد سوم کتاب خطابات:

ادعای آوردن معجزه‌ی غیرکتابی و اثبات موعود بیان نبودن

و

شکستن ادعای انحصار معجزه در کتاب

همان گونه که ملاحظه گردید، جناب بهاءالله به ادعای جناب عبدالبهاء حاضر شده است که امور خارق العاده ظاهر سازد!!! یعنی یا جناب عبدالبهاء فراموش کرده که پدرش ادعای حصر معجزه در کتاب داشته و حواسش به این موضوع نبوده و این دروغ را ساخته! یا این که جناب بهاءالله، متوجه اشتباه خود شده که تمامی معجزات انبیاء الهی (علیهم السلام)، به غیر یک معجزه، همگی غیرکتابی بوده‌اند و قرآن تنها معجزه‌ی کتابی است و خواسته ظاهری همانند انبیاء الهی برای خود دست پا کند! یا این که فراموش کرده که خودش از جناب باب نقل کرده بود که معجزه در ظهور بعد، بایستی فقط و فقط از جنس کتاب باشد و لاغیر! یعنی بر خلاف شیوه‌ای که در سراسر کتاب ایقان به کار گرفته و تمامی معجزات انبیاء الهی را انکار نموده و در کتاب بدیع نیز تصریح کرده بود، معجزه این ظهور چیزی غیر از کتاب نبوده و نخواهد بود، در اینجا ادعا می‌کند حاضرم معجزه‌ی غیرکتابی ارائه نمایم!!! گویا فراموش کرده که معجزه‌ی این ظهور یعنی دوران خودش بایستی فقط و فقط از جنس کتاب باشد!!!

اما باز هم این همه‌ی رسوایی باور بهائی نیست! حق و حقیقت، خیلی روشن‌تر از این آشکار شده است!

به یاد داریم که جناب بهاءالله ادعا کرده بود که جناب باب وعده داده که معجزه‌ی ظهور بعد، چیزی غیر از کتاب نخواهد بود! توجه به همین معیاری که خود جناب بهاءالله از باب نقل می‌کند، نشان می‌دهد که جناب بهاءالله نمی‌تواند موعود بیان باشد! اگر جناب بهاءالله واقعا موعود بیان و جانشین جناب باب بود، نبایستی به هیچ وجه ادعای معجزه‌ی غیرکتابی داشته باشد! چرا که خود جناب بهاءالله ادعا کرده بود معجزه در ظهور بعد یعنی دوران خودش، بایستی فقط و فقط از جنس کتاب باشد و لاغیر!!!

همین که جناب بهاءالله ادعا می‌کند توان ارائه‌ی معجزه‌ی غیرکتابی دارد، یعنی قطعا و یقینا موعود بیان نیست! یعنی او نمی‌تواند آن کسی باشد که جناب باب به آمدن او بشارت داده است! چرا که موعود بیان، به اعتراف خود جناب بهاءالله، فاقد معجزه‌ی غیرکتابی است!

از دو حالت خارج نیست؛ یا جناب بهاءالله توان ارائه‌ی معجزه‌ی کتابی داشته یا نداشته است. اگر توان ارائه‌ی معجزه‌ی غیرکتابی داشته (که البته هیچ گاه در عمل اثبات نکرده است) یعنی او نمی‌تواند موعود بیان باشد. چرا که معجزه‌ی موعود بیان به طور کلی باید غیرکتابی باشد! همین که ادعای داشتن معجزه‌ی غیرکتابی دارد، یعنی این که او موعود بیان و کسی که جناب باب به آمدن او وعده داده، نیست!

اگر هم جناب بهاءالله توان ارائه‌ی معجزه‌ی غیرکتابی نداشته، پس هم خودش و هم وصی او یعنی جناب عبدالبهاء، هر دو دروغگو هستند!

به راستی دوستان عزیز بهائی چطور می‌توانند این حقایق را ببینند و همچنان خود را پیرو و تابع چنین افرادی به حساب آورند!

اما کلام آخر این که چقدر فرقه‌های نوظهور، نسخه‌هایی شبیه هم دارند! یکی دیگر از مدعیان دروغین نوظهور نیز برای فرار از ارائه‌ی معجزه دقیقا همین ادعا را مطرح نموده است؛ ادعا کرده که حاضر است معجزه ارائه نماید ولی به شرطی که همه‌ی شیعیان در یک جا جمع شوند!!! گویا فراموش کرده که او مدعی است و بر عهده‌ی اوست که ادعای خود را با آیات و معجزات بسیار روشن، ثابت نماید!

بر أساس این ادعا، تمامی شهرها و روستاهای جهان که در پی شناخت حجت خدا هستند، بایستی خالی از سکنه شوند تا او معجزه ارائه نماید!!! بسیار خوب! باید از او پرسید که آیا تو توان میزبانی چند صد میلیونی و یا چند میلیاردی را داری!؟ توان دعوت ایشان را داری!؟ این شرط از جانب توست و تامین آن هم به عهده‌ی توست!

منبع: https://www.hassanershad.com/3006

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۸

تیشه‌هایی که باور بهائی به ادعای جناب بهاءالله می‌زند!

نمونه‌های فراوانی از شکستن ادعای انحصار معجزه در کتاب!!!

از دیدگاه باور بهائی هم معجزات کتابی و هم معجزات غیرکتابی را افراد معمولی می‌توانند ارائه دهند!!!

از دیدگاه باور بهائی نه معجزه‌ی کتابی می‌تواند دلیل بر پیامبری باشد و نه معجزه‌ی غیرکتابی!!! چرا!؟ زیرا غیر از مظاهر ظهور، افراد دیگری نیز واجد هر دو نوع معجزه بوده‌اند!!!

از شفاخانه‌ی جناب عبدالبهاء تا سونوگرافی با دست توسط همسر جناب بهاءالله!!!

از جمله‌ی چالش‌ها و تناقضاتی که باور بهائی در بحث معجزه با آن روبروست، ادعای نادرست جناب باب و بهاءالله بود که ادعا می‌کردند معجزه و دلیل و راه شناخت پیامبر (یا مظاهر ظهور که موجودی بالاتر از پیامبر است!)، بایستی فقط و فقط از جنس کتاب باشد و لاغیر! یعنی اگر کسی ادعای معجزه داشته باشد، جنس معجزه‌ی او باید فقط و فقط از جنس کتاب باشد و امکان آوردن معجزه‌ای غیر از کتاب وجود ندارد! اما دیدیم که در موارد متعددی هم جناب باب و هم جناب بهاءالله، به وجود معجزات غیرکتابی اعتراف کرده‌اند و حتی خودشان هم ادعا کرده‌اند قادرند معجزه‌ی غیرکتابی ارائه نمایند! اگر چه هیچ گاه چنین اموری را انجام نداده‌اند و فقط در حد ادعا به آن پرداخته‌اند، اما نفس همین ادعا که معجزات غیرکتابی آورده‌اند یا این که می‌توانند بیاورند، یا این که به وجود معجزات غیرکتابی اعتراف کرده‌اند، به معنی باطل بودن ادعای اول‌شان است.

در نوشتارهای پیشین دیدیم یکی از نمونه‌هایی که ادعای انحصار معجزه در کتاب را می‌شکست، این بود که جناب بهاءالله ادعا می‌کند صبح ازل نیز در سن شش سالگی آیه نازل می‌کرده در حالی که او را شجره‌ی فساد می‌نامد!!! یعنی نزول آیه و معجزه‌ی کتابی نیز از دیدگاه جناب بهاءالله معجزه به حساب نمی‌آید! چرا!؟ زیرا غیر از پیامبران (مثل صبح ازل که نه تنها پیامبر نیست، بلکه شجره‌ی فساد است) قادر به ارائه‌ی آن هستند و از آوردن آن عاجز نیستند! و این بدان معناست که أساسا در باور بهائی، چیزی به عنوان معجزه وجود ندارد! ابتدا معجزات غیرکتابی را انکار کردند و وقتی به معجزه‌ی کتابی رسیدند، ادعا کردند که غیر از پیامبران نیز می‌توانند معجزه‌ی کتابی یا همان آیه و کتاب نازل کنند! بنابراین أصلا عجز و ناتوانی در کار نیست! در حالی که معجزه را از این جهت معجزه می‌گویند، که از عهده‌ی مدعیان دروغین، خارج باشد و آن‌ها عاجز باشند که مانند آن را بیاورند!

در اینجا به نمونه‌ی دیگری اشاره می‌گردد که نشان می‌دهد از دیدگاه باور بهائی، غیر از انبیاء و مظاهر ظهور، افراد عادی نیز قادر به ارائه‌ی معجزات غیرکتابی و امور خارق العاده نیز هستند!!! یعنی مدعیان دروغین که

پیامبر نیستند نیز همانند مظاهر ظهور می‌توانند هم معجزات کتابی ارائه دهند (مثل صبح ازل) و هم معجزات غیرکتابی یا همان امور خارق العاده ظاهر نمایند!!!

این نکته بدان معناست که هیچ معیاری برای شناخت حجت خدا از دیدگاه باور بهائی باقی نمی‌ماند و اساسا چیزی به عنوان معجزه در باور بهائی معنا ندارد!!! چرا!؟ زیرا معجزه را از آن جهت معجزه می‌گویند که غیر از انبیا الهی، احدی نتواند آن را انجام دهد!!! وقتی قرار باشد که همانند انبیا الهی، بقیه‌ی افراد نیز بتوانند هم معجزه‌ی کتابی بیاورند و هم معجزه‌ی غیرکتابی، در این صورت دیگر نمی‌توان نام آن را معجزه گذاشت!!! وقتی بقیه‌ی افراد بشری هم می‌توانند همین امور را ارائه نمایند، دیگر نمی‌توان این امور را معجزه نامید!!!

داستان از این قرار است که باور بهائی در صفحه ۷۷ کتاب "خاطرات خلیل شهیدی از ایام حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله" ادعا می‌کند ورقه علیا این قدرت را داشته که چشم درد را شفا بدهد و با گذاشتن دست بر روی شکم زن باردار، تعیین جنسیت نماید! با هم عین عبارات را می‌خوانیم:

"حضرت ورقه مبارکه علیا برای درد چشم قطره ساده‌ای بدست مبارکشان تهیه میفرمودند و در هر چشم معلومی قطره می‌نمودند شفا حاصل میشد. حضرت عبدالبهاء میفرمودند خانم باید بدست خودشان قطره کنند! مقصود مبارک این بود که اصل شفا در این است!!! (یعنی دست ایشان به صورت معجزه‌آسایی شفا بخش بوده است) اگر احیانا خانم بارداری بحضور حضرت ورقه مبارکه علیا خانم ... مشرف میشد متبسمانه از روی مهر و محبت ید مبارکشان را روی شکمش قرار میدادند و میفرمودند طفل جنین او پسر است یا دختر آنگاه میفرمودند اسمش را فلان اسم بگذار مصداق بیانشان تحقق می‌یافت!!!"

در هنگام و علوشان حضرت ولی امرالله را با شیرین بیان
آشکار و معلوم میسازند حضرت ورقهٔ مبارکهٔ علیا
برای درد چشم قطره ساده بدست مبارکشان تهیه
میفرمودند و در هر چشم معمولی قطره میشد شفا حاصل
میشد حضرت عبدالبهاء میفرمودند خانم باید بدست
خودشان قطره کنند متصاعف مبارکت اثر بوجه اعجب
شفا در این است اگر احیاناً خانم بارداری
بحضور حضرت ورقهٔ مبارکهٔ علیا خانم دهین بها
مشرف میشد متبسماً از روی محبت دست مبارکشان را
روی شکمش قرار میدادند و میفرمودند طفل جنین
او پسر است و یا دختر آنگاه میفرمودند اسمش را
فلان اسم بگذارد از مصداق آن با نشانی تحقیق
میشد نشست حضرت عبدالبهاء گاهی اوقات

صفحه‌ی ۷۷ کتاب خاطرات خلیل شهیدی از ایام حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله:
ادعای شفای چشم و سونوگرافی و تعیین جنسیت توسط ورقه‌ی علیا!

همان گونه که ملاحظه می‌گردد، جناب عبدالبهاء مدعی شفابخش بودن دست سرکار خانم ورقه علیا بوده و علاوه بر شفابخشی، قابلیت سونوگرافی با تضمین صد در صدی را نیز برای آن ذکر می‌کنند!!! البته اگر به این ادعا دقت کنیم، کمی از سونوگرافی بالاتر است، زیرا ادعا کرده که مصداق سخن ورقه‌ی علیا تحقق می‌یافت! نمی‌گوید ورقه‌ی علیا می‌توانست جنسیت را تشخیص دهد بلکه می‌گوید، مصداق سخن ورقه‌ی علیا تحقق می‌یافت! یعنی هر جنسیتی که ورقه‌ی علیا اعلام می‌کرده، همان جنسیت در خارج محقق می‌شده! البته با اغماض از کنار این ادعا می‌گذریم و فرض می‌کنیم که فقط ادعای سونوگرافی را برای او مطرح کرده است!

به راستی آیا دوستان عزیز بهائی به این موضوع فکر نکرده‌اند چرا باور بهائی زمانی که نوبت به پیامبران الهی می‌رسد تمامی معجزات ایشان را تاویل و به عبارت دقیق‌تر انکار می‌کند و همه را مسخره می‌کند و هیچ کدام را قبول نمی‌کند! اما زمانی که نوبت به خودش می‌رسد چنین امور خارق العاده‌ای را ادعا می‌کند!؟ آن هم نه برای مظاهر ظهور، بلکه برای افرادی مثل ورقه‌ی علیا!

چگونه است که از دیدگاه جناب بهاءالله، پیامبر اولوالعزمی همچون حضرت عیسی (علیه السلام) نمی‌تواند معجزه کند و نمی‌تواند کسی را شفا دهد ولی سرکار خانم ورقه علیا این توانایی را دارد!!!

اگر دوستان عزیز بهائی به این کتاب مراجعه نمایند، موارد بسیار زیادی از این دست به چشم خود می‌بینند. به عنوان مثال در ادامه‌ی داستان شفای چشم و سونوگرافی، در مورد خود جناب عبدالبهاء ادعا می‌کند که گاهی نسخه‌ای برای بعضی افراد تجویز می‌کردند که طرف، شفای کامل به دست می‌آورده ولی اصل شفا، اراده‌ی جناب عبدالبهاء بوده است! این موضوع را می‌توان در انتهای همان صفحه‌ی ۷۷ و صفحه‌ی ۷۸ به چشم خود دید که وقتی ادعا می‌کند اصل شفا، اراده‌ی جناب عبدالبهاء بوده، مدعی می‌شود که مادر نویسنده‌ی کتاب به چشم دردی مبتلا شده و معالجات تاثیری نمی‌بخشد!!! خلاصه جناب عبدالبهاء با انگشت از آب دهان خود برداشتند و به چشمان مادرش گذاشتند و مادرش تا آخر عمر دیگر چشم درد نشد!!!

"حضرت عبدالبهاء گاهی أوقات بعضی از مریضها را از نظر لطف و مرحمت دستوری میدادند و شفای کامل حاصل میشد ولی اصل علاج و درمان همانا أراده مبارک بود والده این عبد به چشم درد سخی گرفتار شد و معالجات تاثیری نمی‌بخشید روزی محض احوال‌پرسی در منزل تشریف آوردند والده بستری بود پس از ملاحظه فرمودند بخواب بخواب آنگاه با انگشت از آب فم مبارکشان روی چشم والده کشیدند فرمودند چیزی نیست بعلاوه چشمایشان کاملاً خوب شد در تمام ایام باقی مانده‌ی از حیاتشان چشم درد نگرفتند"

بعضی از مریضها را از نظر لطف در صحبت دکتور
میبردند و شفای کامل حاصل میشد و لی در سن بلوغ
و در زمان جمال ابهی ارادهٔ مبارکه بود والده ایشان
عبدالبهاء بدرد سخت گرفتار شدند و معالجات تأثیر
نبخشید روز بروز احوال پریشان در منزل تشریف
آوردند والده مستبشر بود پس از ملاحظه فرمودند
بخواب بخواب آنگاه بازگشت از آن فرمودند
مبارکشان روی چشم والده کشیدند و فوراً معلوم شد
چیزی نیست بعلاوه چشمهایشان که مکرر خوب شدند
در تمام ایام باقی مانده از حیاتشان چشم
درد دیگر نگرفتند مشغول بودند از رجال عکا نامش
[illegible]

صفحات ۷۷ و ۷۸ کتاب خاطرات خلیل شهیدی از ایام حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله:

نمونه‌ی دیگری از معجزات غیرکتابی در مورد جناب عبدالبهاء از ادعای اصل شفا تا شفا بخش بودن آب دهان

یا پس از آن ادعا می‌کند که جناب عبدالبهاء به دیدن فردی رفته که سکسکه امانش نمی‌داده و ایشان یک سیب طلب کرده‌اند و جناب عبدالبهاء قسمتی از آن سیب را به ایشان می‌دهد و او را از مرض مهلک نجات می‌دهد**!!!**

تا این که در صفحه‌ی ۸۰ چنین ادامه می‌دهد: "از این وقایع بسیار واقع میشد که هر یک مدل بر قدرت و اراده‌ی مبارک بود. حضرت ولی امر الله میفرمودند ما هر چه خواستیم شده است یقین است که مظاهر الهی بر هر چه اراده‌شان تعلق بگیرد تحقق می‌یابد زیرا اراده‌شان اراده خداست**!!!**"

نجات یافت از رشته وقایع بسیار در واقع

میشد که هر یک دلیل بر قدرت و اراده

مبارک بود معروف هر آنچه اراده میفرمودند

با هر چه خواستند شده است یعنی هست که

منظور اینست هر چه اراده شان تعلق

بگیرد تحقق می یابد زیرا اراده شان

اراده خداست

شب در عکا در بیت مبارک

صفحه‌ی ۸۰ خاطرات خلیل شهیدی از ایام حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله:

ادعای زیاد بودن معجزات ولی امر الله!

خواستن او مساوی است با شدن!

گویا جناب عبدالبهاء فراموش کرده است که جناب بهاءالله برای فرار از ارائه‌ی معجزات غیرکتابی ادعا کرده بود که معجزات فقط از جانب خدا است و برهان و دلیل در این ظهور جدید بایستی فقط و فقط از نوع کتاب باشد و چیزی غیر از کتاب، حجت نبوده و نخواهد بود!!!

و از این داستان‌ها به وفور نقل می‌کند!!! از نزول باران گرفته تا ادعای خدایی برای جمال مبارک!!!

وقتی مشابه این معجزات را خداوند متعال در قرآن کریم برای پیامبران اولوا العزم خود بیان می‌فرماید، واکنش باور بهائی چیست!؟ تمسخر، تحریف و تاویل! جناب بهاءالله که توانایی ارائه‌ی معجزه را ندارد، تمامی معجزات انبیاء الهی در قرآن را تاویل نموده و هیچ یک را قبول نمی‌کند و ادعا می‌کند منظور خداوند متعال، معنای باطنی است و هیچ کدام از این أمور محقق نشده و منظور خداوند متعال را فقط او فهمیده!!!

اما چگونه است که وقتی بخواهد رهبران خود را آسمانی و الهی و ماورائی جلوه دهد، ادعاهای بالاتر از معجزات انبیاء الهی را به آن‌ها نسبت می‌دهد! آن هم نه در مورد جناب باب و بهاءالله بلکه در مورد همسر جناب بهاءالله یا در مورد جناب شوقی! به عنوان مثال دیدیم که در مورد جناب ولی امرالله ادعا می‌کند ما هر چه خواستیم شده است!!!

دوستان عزیز بهائی کدام را بایستی بپذیرند!؟ این که به ادعای جناب بهاءالله، در این ظهور، خبری از أمور غیرکتابی نیست یا این حجم عظیم از ادعاهای غیرکتابی را!؟

قطعا در این میان، یکی دروغ می‌گوید؛ یا جناب بهاءالله دروغ گفته که معجزه باید فقط از جنس کتاب باشد، یا جناب عبدالبهاء و شوقی و ورقه‌ی علیا (آسیه) که ادعای معجزات فراوان داشته‌اند! یا شاید هم باور بهائی که این دروغ‌ها را ساخته است!

اما آن چه مسلم است، عقل حکم می‌کند که سفیران الهی بایستی آیه و برهان و دلیل و معجزه یا به عبارتی کارت شناسایی غیرقابل جعل در دست داشته باشند و در مقالات آغازین این بحث نیز دیدیم که خداوند متعال بر این حقیقت تصریح فرموده بود که رسولانش را با آیات بسیار روشن یعنی همان اموری که جناب بهاءالله آن‌ها را قبول نداشته و انکار نموده بود، به سوی مردم ارسال می‌فرماید و دقیقا به صورت صریح به بسیاری از این أمور خارق العاده مثل زنده کردن مردگان تصریح می‌فرماید!

اما سوال آخر این که وقتی ولی امرالله یعنی کسی که به ادعای باور بهائی، شفا به دست اوست، حضور ندارد، چه کسی شفا می‌دهد!؟ نبودن ولی امر الله، نه تنها مشروعیت بیت‌العدل را باطل می‌کند، بلکه جریان شفا در این عالم را نیز به چالش کشیده است!!!

بنابراین هم تناقض‌گویی‌های جناب بهاءالله ثابت می‌شود و خیانت‌ها و دروغ‌های باور بهائی!

به راستی آن کدام انسان عاقلی است که چنین افرادی را بخواهد به عنوان رهبر و پیشوای خود قرار دهد!؟

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۱۹

موازین ادارک و چالش‌های آن در بحث معجزه!

آیا دوستان عزیز بهائی می‌دانند که جناب عبدالبهاء، دقیقا در مقابل پدر خود ایستاده و به طور کلی منکر حجیت و معجزه بودن کتاب است!!!

تیشه‌هایی که باور بهائی به ادعای جناب بهاءالله می‌زند!

چالش‌ها و تناقضات موضوع معجزه در باور بهائی، به همین چند ده موردی که تا این قسمت تقدیم حضور گردید، محدود نمی‌شود. اما اگر در خانه کس است، همین چند ده مورد، بس است. در نوشتارهای پیشین دیدیم که ضرورت و لزوم ارائه‌ی معجزه یا به عبارت ساده، کارت شناسایی غیرقابل جعل از سوی مدعی، آن هم مدعی سفارت الهی، از بدیهیات عقلی است. عقل حکم می‌کند که فرد مدعی، باید گواه صادق و نشانه‌ای بسیار روشن در دست داشته باشد که ثابت کند او پیامبر خداست.

از دیدگاه قرآن و روایات نیز به این موضوع پرداخته شد که خداوند متعال بارها و بارها و بیان‌های گوناگون می‌فرماید رسولان خود را با دلایل بسیار روشن فرستاده و در بسیاری از موارد، به صورت خاص از معجزه‌ی انبیاء هم سخن به بیان آورده است؛ از زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی (علیه السلام) تا عصای حضرت موسی (علیه السلام) و موارد بسیار زیاد دیگر. در بیانات معصومین هم با صراحت تمام به این موضوع پرداخته شده که معجزه همان راهی است که مدعیان دروغین را از سفیران صادق جدا می‌کند.

اما جناب باب و بهاءالله که دستشان از معجزه خالی است و گواه صادقی به همراه ندارند که ادعایشان را ثابت نماید، تنها یک راه در پیش‌رو دارند؛ هم جناب باب و بهاءالله و هم تمام مدعیان دروغین، یکی از وجوه اشتراک همه‌شان، نداشتن معجزه است! نداشتن معجزه، وجه اشتراک تمامی مدعیان دروغین است! در واقع اگر معجزه و برهان قاطعی در دست داشتند، جای شک و تردیدی در الهی بودن‌شان باقی نمی‌ماند!

به همین دلیل، جناب باب در سراسر عمر خود جناب بهاءالله در سراسر کتاب ایقان (که باور بهائی ادعا می‌کند بزرگترین معجزه‌ی اوست) و حتی تا زمان نگارش کتاب بدیع، به طور کلی منکر معجزات انبیاء الهی هستند و همه را انکار می‌کنند؛ البته انکار از نوع تحریف و تاویل. ادعا می‌کنند هیچ یک از این معجزات به همان صورتی که خداوند متعال بیان فرموده، محقق نشده است.

خلاصه این که ادعا می‌کنند که معجزه بایستی فقط و فقط از جنس کتاب باشد و چیزی به عنوان معجزه‌ی غیرکتابی اصلا وجود ندارد! در حالی که تنها و تنها یک معجزه از نوع کتاب ارائه شده و آن نیز فقط قرآن کریم است و هیچ یک از کتاب‌های آسمانی پیشین، معجزه‌ی آن پیامبران نبوده است. انبیاء گذشته، ابتدا بر أساس

معجزات و آیاتی که در دست داشته‌اند، حقانیت خود را روشن‌تر از آفتاب میان روز اثبات کرده‌اند و پس از آن کتاب آسمانی و احکام الهی را به مردم بیان می‌فرمودند. البته این قاعده فقط در مورد انبیاء صاحب کتاب صدق می‌کند. و اگر تعداد محدود انبیاء صاحب کتاب را از ۱۲۴ هزار پیامبر الهی کم کنیم، هیچ کدام از این انبیاء الهی، کتاب نداشتند! یعنی بر أساس معیاری که جناب باب و بهاءالله ادعا کرده‌اند که معجزه بایستی غیرکتابی باشد، نبوت هیچ کدام از حدود ۱۲۴ هزار پیامبر ثابت نمی‌شود! چون عموم انبیاء الهی، فاقد کتاب آسمانی مستقل بوده‌اند!

در مورد حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) که بزرگ‌ترین معجزه‌ی ایشان و معجزه‌ی جاویدان ایشان، قرآن است، باید به این نکته توجه داشته باشیم، که حضرت بیش از ۴۰۰۰ هزار معجزه‌ی غیرکتابی نیز ارائه فرموده‌اند! یعنی اگر چه قرآن کریم، بزرگ‌ترین معجزه‌ی ایشان بوده، ولی ایشان به هیچ وجه نفرموده‌اند من معجزه‌ی دیگری ندارم! بلکه بیش از چهار هزار معجزه‌ی غیرکتابی ارائه فرموده‌اند!

البته در مباحث خاتمیت به این موضوع پرداخته شد که به طور کلی به دلیل وجود باور اصیل خاتمیت، أصلا مجالی برای ادعای پیامبری باقی نمانده است! اعتقادی که حتی نصوص صریح باور بهائی نیز به اصالت و درستی آن اعتراف کرده‌اند! از ابتدای قرآن تا انتهای آن یک آیه بیشتر نبود و آن آیه هم به آمدن پیامبر دیگری در آینده نوید داده بود، باز هم این موضوع هیچ سودی برای باور بهائی ندارد؛ چرا که باور بهائی خود با صراحت تمام به باور اصیل خاتمیت اعتراف کرده است! (برای توضیحات بیشتر به مقالات خاتمیت مراجعه شود.)

به هر حال دیدیم که جناب باب و بهاءالله از معجزه بودن قرآن کریم، سوء استفاده کرده‌اند و مدعی شده‌اند معجزه بایستی فقط و فقط از جنس کتاب باشد و لاغیر. البته به لطف خداوند متعال در مواضع بسیار زیادی، دچار تناقض گویی شده‌اند و یا بر وجود معجزات غیرکتابی اعتراف کرده‌اند و یا این که خودشان ادعای داشتن معجزه‌ی غیرکتابی را مطرح نموده‌اند یا این که ادعاهای فراوانی از داشتن معجزات غیرکتابی توسط باور بهائی در نصوص مطرح شده است! اگر معجزه‌ی غیرکتابی در این ظهور وجود ندارد، پس چرا ادعا داشتن آن را می‌کنید!؟

در نوشتار حاضر به لطف خداوند متعال خواهیم دید این بار خود جناب عبدالبهاء است که شمشیر از نیام برکشیده و به جنگ با پدر رفته است! جنگی که بی‌شک برای دوستان عزیز بهائی و دوستداران حقیقت، بسیار جالب توجه و البته حائز اهمیت است! چرا که جناب عبدالبهاء به طور کلی ادعا می‌کند أصلا نمی‌توان به کتاب اطمینان نمود و کتاب به هیچ وجه یقین‌آور نیست!

همان گونه که پیش از این بارها و بارها به این موضوع اشاره گردید، جناب بهاءالله ادعا می‌کند از نظر خودش و از نظر جناب باب، معجزه در این ظهور فقط و فقط بایستی از جنس کتاب باشد و لاغیر! و خداوند متعال هیچ چیزی به جز آیات و کتاب را به عنوان حجت و دلیل پیامبری فرستاده‌ی خویش قرار نداده است! از باب یادآوری تنها به یک نمونه از این موارد اشاره می‌گردد که نشان دهد از دیدگاه باور بابی و بهائی، معجزه در این ظهور به هیچ وجه نمی‌تواند اموری غیر از کتاب باشد:

جناب بهاءالله در پاسخ به نامه‌ی میرزا مهدی گیلانی به صراحت تمام اعتراف می‌کند: «نوشته که صاحب این ظهور، غیر از آیات اگر چیزی دارد بیاورد، و این تصریحا مخالف است با آنچه نقطه بیان (علی‌محمد باب) – روح ماسواه فداه – در کل بیان نازل فرموده ... نقطه بیان در کلّ بیان تصریحاً فرموده که حجت ظهور بعد، غیر آیات نبوده و نخواهد بود»! (صفحه‌ی ۲۶۲ نسخه‌ی خطی کتاب بدیع و صفحه‌ی ۱۲۸ چاپ ۲۰۰۸ هوفهایم آلمان)

نوشته که صاحب این ظهور غیر از آیات اگر چیزی دارد بیاورد، و این تصریحاً مخالف است به آنچه نقطهٔ بیان – روح ما سواه فداه – در کلّ بیان نازل فرموده. و مَن تکلّم بهذه الکلمة أو یتکلّم لعن و یلعنه کلّ الذّرّات و مَن فی ملکوت الأمر و الخلق. بلی، و الله ناس را احمق دانسته اید، چه که اگر ناس احمق نبودند تو و نفس معرض قادر نبودید بر این که جهراً به غیر ما تکلّم به الله تکلّم نمائید. نقطهٔ بیان در کلّ بیان تصریحاً فرموده که حجّت ظهور بعد غیر آیات نبوده ونخواهد بود، و تو تصریحاً نوشته که اگر حجّتی غیر از آیات دارد اتیان نماید. و تقول ما لا تشعر.

آن مقامی را که اراده نموده که از برای معرض بالله ثابت نمائی، آن مقام منوط به قول نقطهٔ اولی بوده، و نقطهٔ اولی به آیات الهی ثابت شده. حال تفکر کن که چه قدر از سبیل حقّ دور مانده اید و در تیه ضلالت افتاده اید. تفکّر فیما ارتکبت و تکلّمت به لعلّ تتنبّه

صفحه‌ی ۱۲۸ کتاب بدیع، چاپ هوفهایم آلمان:

ادعای صریح جناب بهاءالله مبنی بر این که معجزه بایستی فقط از جنس کتاب و آیه باشد و لاغیر

در خصلت‌های دنیا و آخرت؛ نوشته که صاحب این ظهور
غیر از آیات اگر حجتی دارد بیاورد و این تصریح بالغ
با ... بیان تصریح فاصبروا ... در کلمات بیان
فرموده و من تکلم بهذه الکلمة او یتکلم لمن والیته
الی ... من یسلک سبیل الامر والطاعة ...
احدی ... که اگر ناس احدی نبود ...
مجرمین ... در نبود ... که غیر ... تکلم به
تکلم ... بیان در کلمات بیان ... ظهور
که حجت ظهور بعد غیر آیات نبوده و نخواهد بود
و بر تصریح نوشته‌اند اگر حجتی غیر از آیات دارد بیاید
عاصی و نقول هذا الاشعار مقامی که اراده نموده

صفحه‌ی ۲۶۲ نسخه‌ی خطی کتاب بدیع:

ادعای صریح جناب بهاءالله مبنی بر این که معجزه بایستی فقط از جنس کتاب و آیه باشد و لاغیر

در مقالات گذشته، به موارد نقضی اشاره گردید که هم جناب باب و هم جناب بهاءالله برای اثبات ادعای خود دست به دامن امور خارق العاده‌ی غیرکتابی شده‌اند! یعنی با وجود این که ایشان ادعا می‌کنند معجزه بایستی فقط و فقط از نوع کتاب باشد ولی در عین حال در موارد بسیار زیادی ادعا می‌کنند که می‌توانند معجزات غیرکتابی ارائه نمایند یا این که برای آنها چنین ادعاهایی مطرح شده است

نمونه‌ی دیگر از ادعای انحصار معجزه در کتاب را از کتاب ایقان می‌خوانیم. جناب بهاءالله در صفحات ۱۳۴، ۱۳۵ و ۱۳۶ کتاب ایقان تصریح می‌نماید: " حال ملاحظه فرمائید چه مقدار عظیم است شأن آیات و بزرگ است قدر آن که حجّت بالغه و برهان کامل و قدرت قاهره و مشیّت نافذه را به آن ختم فرموده. و هیچ شیئی را آن سلطان احدیّه در اظهار حجّت خود به آن شریک نفرموده ... و آن است خیط محکم و حبل مستحکم و عروه‌ی وثقی و نور لایطفی ... اگر تلویح این آیه را ملتفت شوی میفهمی که هرگز مظهری اکبر از انبیا نبوده و حجّتی هم اکبر و اعظم از آیات منزله در ارض ظاهر نشده بلکه اعظم از این حجّت حجّتی ممکن نه الّا ما شآء ربّک ... و حال آنکه اعظم از آیات امری نبوده و نخواهد بود"

انزال سوره اگر هستید راست گویان. حال ملاحظه فرمائید چه

۱- سورهء بقره، آیهء ۲۳

مقدار عظیم است شأن آیات و بزرگ است قدر آن که حجّت بالغه و برهان کامل و قدرت قاهره و مشیّت نافذه را به آن ختم فرموده. و هیچ شیئی را آن سلطان احدیّه در اظهار حجّت خود به آن شریك نفرموده چه میانهء حجج و دلائل، آیات به

صفحات ۱۳۴ و ۱۳۵ کتاب ایقان و ادعای منحصر بودن معجزه در کتاب

منزلهٔ شمس است و سوای آن به منزلهٔ نجوم. و آن است حجّت باقیه و برهان ثابت و نور مضیء از جانب سلطان حقیقی در میان عباد. هیچ فضلی به آن نرسد و هیچ امری بر آن سبقت نگیرد. کنز لئالئ الهیّه است و مخزن اسرار احدیّه. و آن است خیط محکم و حبل مستحکم و عروهٔ وثقیٰ و نور لایطفی. شریعهٔ معارف الهیّه از آن در جریان است و نار حکمت بالغهٔ صمدانیّه از آن در فوران. این ناری است که در

صفحه‌ی ۱۳۵ کتاب ایقان: جایگاه معجزه و تناقض آن با موازین ادراک

دوستان عزیز بهائی ملاحظه می‌فرمایند کتاب و آیات الهی نظیر قرآن از دیدگاه جناب بهاءالله، حجت بالغه، برهان کامل، قدرت قاهره و مشیت نافذه به حساب می‌آیند!!! "و آن است خیط محکم و حبل مستحکم و عروه‌ی وثقی و نور لایطفی" یعنی حجت و دلیلی هستند که هیچ کاستی و خللی ندارند و کامل و بالغ می‌باشند! دستگیره‌ی مستحکم هستند و نوری که خاموش نمی‌شوند. حتی ایشان تصریح می‌نماید که خداوند متعال برای اثبات پیامبران خویش، هیچ معجزه‌ی دیگری را به غیر از کتاب به ایشان نداده است:

"هیچ شیئی را آن سلطان احدیّه در اظهار حجّت خود به آن شریک نفرموده" یعنی انبیا گذشته برای اظهار و اثبات رسالت خود هیچ چیز دیگری به غیر از کتاب نداشته‌اند!!! باز هم جناب بهاءالله تاکید می‌کند "حجّتی هم اکبر و اعظم از آیات منزله در ارض ظاهر نشده بلکه اعظم از این حجّت حجّتی ممکن نه... و حال آنکه اعظم از آیات امری نبوده و نخواهد بود"

حال که دیدگاه جناب بهاءالله نسبت به کتاب و منقولات انبیاء الهی روشن شد، اگر دیدگاه جناب عبدالبهاء در کنار آن قرار داده شود، دروازه‌ای از حقیقت و شاهراهی از هدایت مقابل چشم دوستان عزیز بهائی باز خواهد شد که اگر اندکی تحری حقیقت نمایند به لطف خداوند متعال می‌توانند در آن قدم گذارند!

جناب عبدالبهاء در صفحات ۲۰۷ و ۲۰۸ کتاب مفاوضات موضوعی به نام موازین ادراک و راه‌های شناخت حقایق اشیاء را مطرح می‌نماید. وی ادعا می‌کند که فقط و فقط از چهار روش می‌توان پی به حقایق عالم برد. اشکالات اساسی و بنیادین بسیار مهم و جدی به تقسیم‌بندی ایشان وارد است، لکن پرداختن به مشکلات این نظریه موضوع بحث حاضر نمی‌باشد. آن چه در اینجا مورد نظر قرار دارد، تعارض و تناقضی است که بین دیدگاه جناب عبدالبهاء و جناب بهاءالله به وجود آورده و اساس باور بهائی را از بین می‌رود!

جناب عبدالبهاء پس از برشمردن هر یک از چهار میزان ادراک به این موضوع تصریح و تاکید می‌کند که سه میزان اول آن یعنی حس و عقل و نقل که در دسترس بشریت قرار دارد هیچ کدام میزان تام نیستند!!! یعنی هیچ معیار تام و کاملی برای شناخت حقایق در دسترس انسان‌ها قرار ندارد!!! پس از تصریح به این موضوع که اساسا خداوند متعال هیچ معیار و میزان قابل اعتمادی در اختیار بشر قرار نداده، ادعا می‌کند که تنها میزان قابل اعتماد که البته خارج از دسترس بشر قرار دارد، تنها و تنها فیض روح القدس است!!!

موزون چه نوع معلوم میشود * پس بدان آنچه دردست ناس است ومعتقد ناس محتمل الخطاست زیرا در اثبات ونفی شیء اگردلیل حسی آرد واضح شد که آن‌میزان تام نیست واگردلیل عقلی گوید آن نیز تام نیست یا اگر دلیل نقلی گوید آن نیز تام نیست * پس واضح شد که‌در دست خلق میزانی نیست که اعتمادنمائی بلکه * فیض روح القدس میزان صحیح است * که در آن ابداً شك وشبههٔ نیست وآن تأییدات روح القدس است که بانسان میرسد ودر آن مقام یقین حاصل میشود *

صفحه‌ی ۲۰۸ کتاب مفاوضات: ادعای محتمل الخطا بودن عقل و نقل و حس! نقل که همان کتاب آسمانی باشد، از نظر ... معجزه باشد!

در این مجال تنها به دو تناقض آن پرداخته می‌شود.

نخست آن که وقتی جناب عبدالبهاء به سومین میزان یعنی نقل می‌پردازد، تصریح می‌کند: "میزان ثالث میزان نقل است و آن نصوص کتب مقدسه است که گفته می‌شود خدا در تورات چنان فرموده است و در انجیل چنین فرموده است"

این کلام جناب عبدالبهاء کجا و فقراتی که پیش از این از کتاب ایقان تقدیم حضور گردید کجا!!!؟؟؟

در کتاب ایقان جناب بهاءالله ادعا می‌کند "حجتی هم اکبر و اعظم از آیات منزله در ارض ظاهر نشده بلکه اعظم از این حجت، حجتی ممکن نه!!! و حال آن که اعظم از آیات امری نبود و نخواهد بود" اما جناب عبدالبهاء در اینجا تصریح می‌کند که میزان نقل یعنی "نصوص کتب مقدسه" تام نیست!!! میزان ناقصی است!!! یعنی بشر با توجه به این میزان ناقص نمی‌تواند به حقیقت اشیاء پی ببرد!!! یعنی بر اساس میزان کتاب‌های آسمانی نمی‌توان به حقانیت ادعای پیامبری پی برد!!! اساسا جناب عبدالبهاء دست بشر را از داشتن معیاری تام که بتواند انسان را به یقین برساند، خالی می‌داند!!! یعنی بندگان خدا از نظر ایشان هیچ راهی به کشف حقایق ندارند!!!

یعنی بر خلاف ادعای جناب باب و بهاءالله که تنها راه شناخت انبیاء الهی را فقط و فقط کتاب و نقل می‌دانند، جناب عبدالبهاء تصریح می‌کند این معیار به هیچ وجه تام نیست و انسان‌ها را به یقین نمی‌رساند!!! یعنی اگر معجزه از نوع کتاب هم باشد، بر أساس آنچه جناب عبدالبهاء ادعا کرده، کتاب و نقل، یک معیارِ تمام و کامل نیست!

بالاخره دوستان عزیز بهائی بر چه اساسی می‌توانند پیامبر صادق را از مدعی دروغین بازشناسند!؟ اگر میزان نقل، میزان تام نیست، پس چرا جناب باب و بهاءالله تاکید و اصرار دارند که هیچ راهی اعظم و بزرگ‌تر از میزان نقل برای شناخت حقیقت ادعای پیامبر وجود ندارد!؟

از این بالاتر آن که وقتی جناب عبدالبهاء تصریح می‌نماید که به میزان نقل نمی‌توان اعتماد نمود، این بدان معناست که به هیچ وجه نمی‌توان منقولات و آثار و نصوص باور بهائی را مبنای معرفت و ایمان قرار داد!!!

وقتی دوستان عزیز بهائی به جناب بهاءالله ایمان می‌آورند، این ایمان به چه معناست!؟ یعنی باید به آثار و آیات و نوشته‌های جناب بهاءالله ایمان آورد!!! حال آن که بر اساس ادعای جناب عبدالبهاء به هیچ یک از نصوص کتب مقدسه نمی‌توان اعتماد نمود!!!

چگونه باور بهائی ادعا می‌کند که کتاب ایقان، اعظم دلیل و بزرگ‌ترین معجزه‌ی جناب بهاءالله است در حالی که جناب عبدالبهاء تصریح می‌نماید به میزان نقل نمی‌توان اعتماد نمود!!! مگر دوستان عزیز بهائی آثار و کتب و

نصوص جناب بهاءالله را وحی نمی‌دانند!!!؟؟؟ اگر کتاب‌هایی همچون ایقان، اقدس، گنجینه‌ی حدود و احکام، مفاوضات و خلاصه تمامی آثار و نصوص جناب بهاءالله و عبدالبهاء از زمره‌ی کتب مقدسه باشند، در این صورت بر اساس اعتراف جناب عبدالبهاء نمی‌توان به این آثار اعتماد نمود هیچ یک از آن‌ها معیار و میزان تام نیستند!!!

آیا مگر دوستان عزیز بهائی بر این باور نیستند که آن چه در ایقان و مفاوضات و خلاصه تمامی نصوص مظهر امر آمده همگی وحی از جانب خداوند متعال است!؟ مگر این آثار را نصوص کتب مقدسه نمی‌دانند!؟ اگر عزیزان بهائی این آثار را در زمره‌ی کتب مقدسه و آسمانی به حساب می‌آورند باید بدانند که جناب عبدالبهاء تصریح می‌نماید که به منقولات نمی‌توان اعتماد نمود!!! مگر غیر از این است که بایستی آن چه در این آثار آمده همگی از جانب خداوند متعال آمده باشد و حکم و دستور و امر پروردگار عالم را برای بشر مشخص کرده باشد!؟ مگر غیر از این است که یک بهائی بایستی بر این باور باشد که خداوند متعال در ایقان چنین فرموده، در اقتدارات چنین فرموده، در اقدس چنین فرموده و ...

جناب عبدالبهاء در بحث موازین ادراک تصریح می‌نماید که به هیچ یک از این آثار و نصوص باور بهائی نمی‌توان اعتماد نمود و هیچ یک را نمی‌توان مبنای معرفت و شناخت قرار داد!!!

بنابراین اگر کسی ادعا کند که بر اساس خواب به جناب باب ایمان آورده، که تمامی حروف حی به غیر از یک نفر، بر اساس خواب به جناب باب ایمان آورده بودند، در این صورت نمی‌توان به آن اعتماد نمود چون حس میزان تام نیست. چون خواب نه در دسته‌ی عقل قرار می‌گیرد نه در دسته‌ی کتب آسمانی و منقولات!!! روح فیض القدس هم نیست چون آن میزان اساسا در اختیار بشر قرار ندارد! بنابراین ملاک و میزان ایمان آوردن حروف حی بر اساس دیدگاه جناب عبدالبهاء به هیچ وجه درست نبوده و ایشان نمی‌بایست به خواب خود اعتماد نمایند!

اگر کسی ادعا کند بر اساس دلیل عقلی به جناب بهاءالله ایمان آورده، این میزان نیز از دیدگاه جناب عبدالبهاء تام نیست و نباید به دلیل عقلی اعتماد نماید! زیرا جناب عبدالبهاء تصریح می‌کند که میزان عقل نیز تام نیست و غیرقابل اعتماد است.

اگر کسی ادعا کند که بر اساس نقل و نصوص به جناب بهاءالله ایمان آورده، باز هم این میزان تام نیست و بر اساس ادعای جناب عبدالبهاء نمی‌توان به این میزان اعتماد نمود!!! یعنی اگر کسی بگوید بر اساس نقل مکاشفات یوحنا به جناب بهاءالله ایمان آورده، این ایمان او تام نیست و نمی‌تواند کسی به مکاشفات یوحنا اعتماد نماید!!! چون نقل است و نقل میزان تام و قابل اعتماد نیست!

اگر کسی بگوید بر اساس بزرگ‌ترین دلیل باور بهائی یعنی کتاب ایقان به جناب بهاءالله ایمان آورده، باز هم ایمان این شخص درست نیست! چرا که ایقان نیز نقل است و قابل اعتماد نیست! اگر کسی بگوید بر اساس بشارت‌های جناب باب به جناب بهاءالله ایمان آورده، این میزان نیز تام نیست و معیار درستی برای ایمان به جناب بهاءالله انتخاب نکرده است!

به راستی دوستان عزیز بهائی بر چه اساسی به جناب بهاءالله ایمان آورده‌اند!؟ عقل!؟ نقل!؟ حس!؟ خواب!؟ هیچ کدام از این راه‌ها از دیدگاه جناب عبدالبهاء معیار و میزان تام نیستند! زیرا هیچ یک از این میزان‌های سه‌گانه‌ی عقل و نقل و حس، ما را به یقین نمی‌رساند! بنابراین هیچ یک از این راه‌ها نباید به عنوان راه شناخت و ایمان به جناب بهاءالله مورد استفاده قرار گرفته باشد! همگی این سه میزان از دیدگاه ایشان محتمل الخطا است و نمی‌تواند میزان یقین و ایمان قرار بگیرد!

دومین تناقضی که جناب عبدالبهاء با طرح موضوع میزان ادراک برای باور بهائی به ارمغان می‌آورد، تفکیکی است که بین منقولات و فیض روح القدس ایجاد می‌نماید! جناب عبدالبهاء تنها میزان قابل اعتماد را فیض روح القدس معرفی می‌کند! سوال این است که فیض روح القدس چیست!؟ وقتی قرار شد که فیض روح القدس در دست خلق نباشد، آیا جز این است که اگر کسی بخواهد از این فیض بهره‌مند گردد بایستی به آثار و نصوص جناب بهاءالله و عبدالبهاء مراجعه نماید!؟ آیا برای دستیابی به فیض روح القدس، برای خلق راه دیگری جز مراجعه به نصوص و آثار و منقولات ایشان وجود دارد!؟ آیا روح فیض القدس چیزی غیر از مکتوبات و منقولات است!؟ پر واضح است که اساسا فیض روح القدس و منقولات یکی هستند. وقتی جناب عبدالبهاء تصریح می‌نماید که به میزان منقولات نمی‌توان اعتماد نمود و میزان تام نیست، در حقیقت با غیرقابل اعتماد خواندن منقولات و کتب الهی، ناخواسته رای به غیرقابل اعتماد بودن فیض روح القدس داده است!!! چرا که این فیض نیز چیزی جز نقل نیست!

جناب عبدالبهاء تصریح می‌نماید "پس بدان آنچه در دست ناس است و معتقد ناس محتمل الخطاست زیرا در اثبات و نفی شیء اگر دلیل حسّی آرد واضح شد که آن میزان تامّ نیست و اگر دلیل عقلی گوید آن نیز تامّ نیست یا اگر دلیل نقلی گوید آن نیز تامّ نیست پس واضح شد که در دست خلق میزانی نیست که اعتماد نمائی"

به راستی دوستان عزیز بهائی چگونه به چنین باوری اعتماد نموده‌اند!؟ باوری که ادعای می‌کند هیچ معیار اطمینان آوری در اختیار انسان‌ها قرار داده نشده است، باوری که معجزه ندارد، باوری که این حجم از تناقضات در بحث معجزه دارد، باوری که معجزه (حتی از نوع کتابی آن) را تام نمی‌داند، باوری که پیامبری حدود ۱۲۴ هزار پیامبر را قابل اثبات نمی‌داند، باوری که یک بار می‌گوید معجزه باید فقط از جنس کتاب باشد و یک بار هم خلاف آن را ادعا می‌کند در نهایت نیز اعتراف می‌کند نقل و کتاب، معیار تامی نیست!

و صدها تناقض و چالش دیگری که ده‌ها مورد آن پیش از این تقدیم حضور گردید! آیا باز هم جای شک و تردیدی در بطلان باور بهائی باقی می‌ماند!؟

منبع: https://www.hassanershad.com/3017

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۲

بررسی لزوم ارائه‌ی معجزه از دیدگاه روایات!

گذری بر حجیت و معجزه بودن قرآن!

اگر تفسیر سوره‌ی کوثر به ادعای باور بهائی معجزه‌ی جناب باب بوده که برخی با دیدن آن رسالت جناب باب ایمان آورده‌اند، چرا جرأت نمی‌کند این معجزه‌ی جناب باب را منتشر نماید!؟

اگر تفسیر سوره‌ی کوثر، معجزه و آیه‌ای در اثبات رسالت باب است، چرا باور بهائی این آیه‌ی الهی را مخفی نگه داشته است!؟

اگر معجزه بایستی فقط از جنس کتاب باشد، چرا باور بهائی معجزات جناب باب را منتشر نمی‌کند!؟

در بخش پیشین از دیدگاه قرآن و عقل به ضرورت ارائه‌ی آیه و بیّنه یا همان معجزه از سوی مدعی پیامبری پرداخته شد و بیان گردید شخصی که ادعا می‌کند از جانب خداوند متعال فرستاده شده، بایستی کارت شناسایی غیرقابل جعل و منحصر به فردی که بیان‌گر ارتباط او با خالق است ارائه نماید.

همچنین مشخص شد خداوند متعال تصریح فرموده که تمامی رسولان خود را با بیّنات و دلایل بسیار روشن ارسال فرموده و این بیّنات یا معجزات به گونه‌ای باید باشد که برای تمامی افراد اتمام حجت کند و هیچ جای شک و تردیدی برای کسی باقی نگذارد که شخص ارائه کننده، از جانب خداوند متعال مبعوث گردیده که آیات و مستندات آن پیش از این ارائه گردید.

علاوه بر این مشخص شد که این معجزات می‌توانند اموری غیر از کتاب باشند و دلایل متعددی بر این موضوع ارائه گردید. از جمله این که اگر قرار بود معجزات و دلایل حقانیت پیامبران الهی منحصر در کتاب باشد، بایستی ۱۲۴ هزار کتاب آسمانی نازل شده باشد!!! حال آن که از میان ۱۲۴ هزار پیامبر الهی، تنها و تنها چند نفر از آن‌ها دارای کتاب بودند و از میان آن چند پیامبر، تنها پیامبری که گواه صادق بر پیامبری او کتابی است که آورده، حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشند و مابقی پیامبران الهی، ابتدا رسالت و نبوت خود را با معجزات و آیات و بیّنات ثابت می‌کردند، آنگاه کتاب الهی را به مردم عرضه می‌داشتند.

البته پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) صاحب تمامی معجزات پیامبران گذشته بوده‌اند لکن بزرگ‌ترین معجزه و دلیل بر صدق ادعایشان و معجزه‌ی جاویدان ایشان، قرآن کریم می‌باشد. همچنین آیاتی از قرآن کریم در این خصوص ارائه گردید که نشان می‌داد آیات و بیّنات رسولان الهی، اموری غیر از کتاب هستند.

اما از آن جا که باور بهائی به استناد آن چه در خلال مباحثی مطرح نمود، ائمه اطهار (علیهم السلام) را تنها کسانی می‌داند که تاویل قرآن را خداوند متعال منحصراً به این بزرگواران عطا فرموده، بسیار مناسب است که چند نمونه از گفتار ایشان نیز ارائه گردد تا بحث ضرورت ارائه‌ی آیات و بیّنات یا همان معجزه از سوی مدعی پیامبری بیش از پیش برای دوستان عزیز بهائی روشن شود.

ابی بصیر مىگوید محضر ابی عبداللّه (امام صادق (علیه السّلام) عرض کردم: برای چه خداوند عزّوجلّ به انبیاء و رسولانش معجزه داده است؟ حضرت فرمودند: تا دلیل باشد بر صدق آورنده‌ی آن یعنی پیامبر. سپس فرمودند: معجزه علامت و نشانه است بر حقّ تعالی و آن را فقط به انبیاء و رسولان و حجّتهایش اعطاء میفرماید تا راستگو از دروغگو ممتاز و مشخّص گردد: عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع لِأَیِّ عِلَّةٍ أَعْطَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْبِیَاءَهُ وَ رُسُلَهُ وَ أَعْطَاكُمُ الْمُعْجِزَةَ فَقَالَ لِیَكُونَ دَلِیلًا عَلَى صِدْقِ مَنْ أَتَى بِهِ وَ الْمُعْجِزَةُ عَلَامَةٌ لِلَّهِ لَا یُعْطِیهَا إِلَّا أَنْبِیَاءَهُ وَ رُسُلَهُ وَ حُجَجَهُ لِیُعْرَفَ بِهِ صِدْقُ الصَّادِقِ مِنْ كَذِبِ الْكَاذِبِ. (علل الشرائع، ج۱، ص ۱۲۲ – بحار الأنوار (چاپ بیروت)، ج۱۱، ص ۷۱)

همان گونه که ملاحظه می‌گردد و عقل نیز به همین موضوع حکم می‌کند، حضرت می‌فرمایند که معجزه را عطا فرمود که دلیل صدق صاحبش شود و کاذب از صادق به وسیله‌ی آن شناخته شود و پیش از این نیز بیان گردید که مقصود از معجزه، تنها کتاب نیست؛ زیرا تنها چند پیامبر خاص از میان ۱۲۴ هزار پیامبر الهی، صاحب کتاب بودند.

آیا عزیزان بهائی تا کنون به این موضوع فکر کرده‌اند که به چه وسیله‌ای بایستی به نبوت انبیائی که صاحب کتاب نبوده‌اند ایمان آورد!؟ انبیائی که خداوند متعال به آن‌ها کتاب نداده را چگونه می‌توان از مدعیان دروغین این مقام جدا نمود!؟

ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) که صاحب کتاب نبوده‌اند را چگونه می‌توان شناخت!؟ ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) با وجود این که حجت‌های خداوند متعال هستند ولی قطعا صاحب کتاب نیستند! آیا اوصیای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) باید صاحب کتاب باشند تا حجیت آن‌ها برای دوستان عزیز بهائی ثابت شود!؟

البته شاید تذکر به این نکته نیز خالی از لطف نباشد که علائم و نشانه‌های ارائه شده از سوی سفرای الهی گذشته در معرفی حجت‌های بعد از خود، معیار بسیار مهم و روشن‌کننده‌ای است. مدعیان دورغین نیز همواره سعی می‌کنند هر طور شده، چند علامت و نشانه‌ی عمومی ایشان را سرقت نمایند و خود را همان موعود حقیقی معرفی نمایند. حال آن که اولا بسیاری از این نشانه‌ها و علائم، غیرقابل جعل است و غیر از موعود حقیقی، احدی قادر به ارائه‌ی آن نمی‌باشد. دوم این که حتی اگر نشانه‌های عمومی ایشان که قابل جعل است، مثل نام، نیز مد نظر قرار گیرد، باز هم طیف وسیعی از مدعیان دروغین حذف می‌شوند!

به عنوان مثال وقتی شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تک تک اوصیای خود را با نام خودشان و پدرشان تا پایان دنیا معرفی فرموده‌اند، شناخت بسیاری از مدعیان دروغین به راحتی و روشنی صورت می‌پذیرد.

مثلا وقتی حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند که دوازدهمین وصی من کسی نیست جز محمد (علیه السلام) پسر حسن عسکری (علیه السلام)، دیگر هیچ گاه نمی‌توان علی‌محمد، فرزند محمدرضا را امام دوازدهم به شمار آورد!!!

کما این که جناب میرزا علی‌محمد باب نیز هیچ گاه خود را امام دوازدهم معرفی نکرده و هیچ ادعایی در این خصوص نداشته است و این هم از خیانت‌های بزرگ باور بهائی به جناب باب است که به دروغ ادعا می‌کند وی امام دوازدهم شیعیان است! در حالی جناب باب حتی ادعایی در این زمینه نکرده و وی فقط ادعای قائمیت به معنای عام کرده که مباحثی به صورت مفصل و مستند تقدیم حضور گردید.

به همین ترتیب جناب باب نیز به یک نفر بعد از خود به نام "من یظهره الله" بشارت داده و نشانه‌های زیادی برای او برشمرده که ده‌ها نشانه و علامت آن به هیچ در جناب بهاءالله یافت نمی‌شود و یقینا جناب بهاءالله نمی‌تواند موعود جناب باب باشد! در مباحثی حدود بیست علامت از نشانه‌های موعود بیان در چند مقاله تقدیم حضور گردیده که هیچ کدام از آن‌ها قابل تطبیق بر جناب بهاءالله نیست!

بگذریم و به موضوع معجزه در کلام معصومین (علیهم السلام) باز گردیم.

بر اساس فرمایش حضرت صادق (علیه السلام) معجزه در حقیقت ممیز و جداکننده‌ی مدعی صادق از مدعی کاذب است و آیه و علامتی است که صدق و درستی ادعای پیامبر راستین را به اثبات می‌رساند و به وسیله‌ی معجزه است که بر بندگان، حجت تمام می‌شود و حق همانند آفتاب میان روز روشن می‌گردد و همگان در حقانیت و صداقت پیامبر راستین به یقین می‌رسند و تا زمانی که مردم به یقین نرسند، حجت بر آنان تمام نمی‌شود!

زیرا اگر اتمام حجت نشده باشد، حقانیت مدعی رسالت به اثبات نرسیده و تا زمانی که مردم به یقین نرسیده باشند، نمی‌توان به آنان احتجاج نمود که چرا به فرستاده‌ی خداوند متعال ایمان نیاورده‌اید! یا آنان که ایمان آورده‌اند، بر چه اساسی یک نفر را به عنوان پیامبر الهی پذیرفته و به او ایمان آورده‌اند!؟

اما نشانه‌ها و علائمی یا به عبارتی کارت شناسایی غیرقابل جعلی که مدعی مقام رسالت ارائه می‌دهد، بایستی اموری باشند الهی که از عهده‌ی بشر خارج باشد و مدعیان دروغین نتوانند همانند و مشابه آن را بیاورند. اگر شخص مدعی اقدام به آوردن دلایلی نماید که دیگران نیز بتوانند همانند آن را بیاورند، در این صورت حجت تمام نمی‌شود.

در واقع آن معجزات بایستی اموری باشند که انجام آن‌ها به غیر از خداوند متعال از احدی ساخته نباشد. یعنی بایستی از سنخ کارهای بشری نبوده و بر خلاف عادت و طبیعت باشد و مدعی راستین نبوت، بدون اسباب عادی و طبیعی بتواند آن را ایجاد نماید. به عنوان مثال زنده کردن مرده‌ای که صدها سال از زمان مرگ او گذشته و حتی استخوان‌های او نیز پوسیده شده از عهده‌ی هیچ بشری برنمی‌آید! تبدیل شدن یک عصا به اژدهایی بزرگ که بتواند طناب‌های ساحران را ببلعد و مجددا به همان عصا تبدیل شود، از عهده‌ی هیچ ساحری برنمی‌آید.

بنابراین آن کارِ خدایی و خارق عادتی که از عهده‌ی احدی از افراد بشر برنمی‌آید و بر خلاف عادت و بدون اسباب عادی طبیعی باشد، گواه صادقی است که مدعی راستین را از مدعی دروغین جدا می‌سازد؛ زیرا صدور چنین اموری از عهده‌ی بشر خارج است و تنها کسی می‌تواند چنین اموری را ظاهر نماید که از جانب خداوند متعال باشد و با قدرت و اذن الهی اقدام به انجام چنین اموری کرده باشد.

این نشانه‌ی صدق، همان است که تمامی مدعیان دروغین مقام پیامبری یا همان مُتِنَبیان از آوردن آن عاجزند! از آن جا که دست مدعی دروغین از آوردن معجزه و چنین دلیل و برهان قاطع منحصر به فردی خالی است، لذا همگی مُتِنَبیان بالاتفاق در مقابل سیره‌ی انبیاء الهی، تنها و تنها یک راه در پیش می‌گیرند و آن عبارت است از انکار معجزه! چرا!؟ زیرا از آوردن آن عاجز و ناتوانند!

به بیان روشن‌تر چون آیات و بیّنات الهی که به دست انبیاء راستین انجام می‌شود در حکم همان کارت شناسایی غیرقابل جعل و منحصر به فردی را دارد که بیان‌گر ارتباط فرد مدعی با خالق هستی است و چون مدعیان دروغین به هیچ روی این نمی‌توانند اموری همانند آن چه که پیامبران الهی ارائه نموده‌اند را بیاورند، لذا به طور کلی منکر بحث ارائه‌ی برهان و یا به عبارتی معجزه می‌شوند.

اگر دوستان عزیز بهائی به کلام خداوند متعال مراجعه نمایند که نمونه‌هایی از آن در بخش گذشته ارائه گردید با این حقیقت مواجه خواهند شد که وقتی مردم در مقابل انبیاء الهی قرار می‌گیرند، هیچ گاه خداوند متعال به فرستاده‌ی خویش نمی‌گوید که به این مردم بگو صبر کنید تا برای شما کتابی بیاورم و اجازه دهید این کتاب نفوذ کند تا شما پی به حقانیت من ببرید!

هیچ پیامبری هم در مقابل دلیلی که مردم از او به عنوان گواه بر پیامبری طلب کرده‌اند چنین پاسخی نداده که صبر کنید تا کتابی برای شما بیاورم و سال‌ها صبر پیشه سازید تا این کتاب نفوذ نماید تا مشخص شود که من پیامبر خدا هستم!

اگر ادعای باور بهائی در خصوص انحصار معجزه در کتاب و نفوذ بر اساس دلیل تقریر صحیح باشد، در این صورت مردم هم می‌توانند به آن پیامبر بگویند که تو هم دست از سر ما بردار و هر وقت کتاب آوردی و نفوذ کلمه پیدا کردی، آن وقت بیا و ادعای خود را مطرح کن تا ما بتوانیم بفهمیم که تو پیامبری و به تو ایمان می‌آوریم (اشاره به دلیل تقریر)! از یک طرف، انبیاء صاحب کتاب و شریعت هیچ گاه چنین ادعایی نکرده‌اند و از طرف دیگر بر اساس این معیار باور بهائی، نبوت انبیاء فاقد کتاب هیچ گاه ثابت نخواهد شد!

دقیقا بر خلاف ادعای باور بهائی، خداوند متعال پس از آن که آیات و بیّنات را در اختیار فرستاده‌ی خویش قرار می‌دهد، تصریح می‌فرماید که حال با این نشانه‌ها و دلایل بسیار روشن به سوی مردم برو. به عنوان مثال در سوره‌ی مبارکه‌ی طه از آیات ۹ به بعد پس از این که خداوند متعال دو نشانه و آیه‌ی بسیار بزرگ از میان معجزات ۹ گانه‌ی حضرت موسی (علیه السلام)، یعنی عصا و ید بیضا را بیان می‌فرماید، به حضرت موسی (علیه السلام)

امر می‌شود که با این آیات به سوی فرعون برو! مشابه همین جریان را در آیات ۱۵ به بعد سوره‌ی نازعات نیز باز در مورد حضرت موسی (علیه السلام) بیان فرموده است.

یا در مورد حضرت عیسی (علیه السلام) نیز در سوره‌ی آل عمران خداوند متعال در توصیف ایشان می‌فرماید با آیات متعددی به سوی قوم خویش مبعوث گردیده است: وَ رَسُولاً إِلىٰ بَنِی إِسْرٰائِیلَ أَنِّی قَدْ جِئْتُکُمْ بِآیَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ أَنِّی أَخْلُقُ لَکُمْ مِنَ اَلطِّینِ کَهَیْئَةِ اَلطَّیْرِ فَأَنْفُخُ فِیهِ فَیَکُونُ طَیْراً بِإِذْنِ اَللّٰهِ وَ أُبْرِئُ اَلْأَکْمَهَ وَ اَلْأَبْرَصَ وَ أُحْیِ اَلْمَوْتیٰ بِإِذْنِ اَللّٰهِ وَ أُنَبِّئُکُمْ بِمٰا تَأْکُلُونَ وَ مٰا تَدَّخِرُونَ فِی بُیُوتِکُمْ إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیَةً لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ (آلعمران، ۴۹) و (او را به عنوان) رسول و فرستاده به سوی بنی اسرائیل (قرار داده، که به آنها می‌گوید:) من نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام؛ من از گِل، چیزی به شکل پرنده می‌سازم؛ سپس در آن می‌دمم و به فرمان خدا، پرنده‌ای می‌گردد. و به اذن خدا، کورِ مادرزاد و مبتلایان به برص [= پیسی] را بهبودی می‌بخشم؛ و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم؛ و از آنچه می‌خورید، و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم؛ مسلماً در اینها، نشانه‌ای برای شماست، اگر ایمان داشته باشید!

آن کدام بشر است که بتواند مرده‌ای که صدها سال از زمان مرگ او گذشته را با اشاره‌ای از قبر بیرون بیاورد!؟ عقل آدمی حکم می‌کند که انجام چنین اموری خارج از نظام طبیعی است و از عهده‌ی بشر خارج! حتی یک نفر مدعیان دروغین در تمام تاریخ بشر قادر به انجام این امر نبوده است!

اما این که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به طور خاص و اختصاصی به قرآن احتجاج فرموده (هیچ پیامبری به غیر از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به کتاب خود احتجاج نکرده است) و مردم به سبب قرآن به ایشان ایمان آورده‌اند، بدان سبب است که خود قرآن، بزرگ‌ترین معجزه و دلیل و برهان و آیه و بیّنه‌ی الهی است! در میان چند هزار معجزه‌ای که از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) صادر گردیده، تنها و تنها قرآن است که در حال حاضر برای بشر حجت و دلیل بر رسالت و نبوت حضرتش می‌باشد!

علت این که خداوند متعال، معجزه‌ی جاویدان حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) را قرآن و کتاب قرار داده، ریشه در بحث خاتمیت دارد و قرار نیست کتاب دیگری از جانب خداوند متعال فرستاده شود و تمام نیازهای بشر را خداوند متعال در این کتاب قرار داده و بیان همه چیز را در قرآن گذاشته (آیات زیادی به صراحت تمام این موضوع را شهادت می‌دهند) و علم آن را نیز به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و پس از ایشان نیز علم قرآن نزد اوصیاء حقیقی و جانشینان الهی سپرده شده است!

بارها خداوند متعال در قرآن کریم تحدی فرموده که اگر می‌توانید یک سوره از جانب شخصی همانند حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) بیاورید! یعنی شخص درس‌ناخوانده‌ای که در محیط تاریک دوران جاهلیت شبه جزیره‌ی عربستان رشد و نمو نموده که نه تنها هیچ معلمی نداشته، بلکه حتی اگر قصد تحصیل علم هم داشته در آن سرزمین از علم خبری نبوده است! سرزمینی که همان چند نفر محدود که توان نوشتن و یا خواندن داشته‌اند نیز به عنوان غلام به خدمت گرفته می‌شدند و علم در آن سرزمین به نوعی ضد ارزش بود!

در این سرزمین شخصی که هیچ گاه حتی خطی نیز به دست خود ننوشته (نه این که قادر به نوشتن نباشد)، سوره و کتابی بیاورد که نسخه‌برداری از هیچ کتابی نبوده ولی در عین حال پس از ۱۴۰۰ سال همچنان پرفروش‌ترین، پر خواننده‌ترین و پر تیراژترین کتاب جهان باشد: وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمّا نَزَّلْنا عَلىٰ عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَ اُدْعُوا شُهَدٰاءَكُمْ مِنْ دُونِ اَللّٰهِ إِنْ كُنْتُمْ صٰادِقِينَ (البقره، ۲۳) و اگر درباره آنچه بر بنده خود [= پیامبر] نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن را از جانب شخصی همانند پیامبر اسلام بیاورید؛ و گواهان خود را – غیر خدا – برای این کار، فرا خوانید اگر راست می‌گویید!

ضمیر عبارت "مِنْ مِثْلِهِ" به کلمه‌ی سوره برنمی‌گردد! زیرا اگر قرار بود مرجع ضمیر در این عبارت به سوره بازگردد می‌بایست از ضمیر مفرد مونث استفاده می‌شد یعنی مِثْلِها می‌آمد. ولی در این عبارت از ضمیر مفرد مذکر استفاده شده که بازگشت آن به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است! یعنی اگر می‌توانید مانند این کتاب را از شخصی درس‌ناخوانده و چوپان در آن سرزمین تاریک و آن دوران جاهلیت سراغ دهید!

عقل انسان حکم می‌کند که امکان ندارد فرد تحصیل نکرده و درس‌ناخوانده‌ای در محیط منحط و تاریک دوران جاهلیت عربستان، کتابی در ۱۴۰۰ سال پیش بتواند بیاورد که در همه‌ی زمینه‌ها مطلب ارائه کرده و همچنان نمونه و همانندی ندارد! اصلا بدون در نظر گرفتن ظاهر و باطن قرآن، عقل سلیم حکم می‌کند که امکان ندارد شخص درس‌ناخوانده‌ای در آن محیط به دور از علم و ادب و فرهنگ عربستان بتواند کتابی بیاورد که همچنان پس از ۱۴۰۰ سال جذاب‌ترین کتاب در تاریخ بشریت باشد!

کجاست نمونه و مانندی که یک چوپان درس ناخوانده توانسته باشد در محیطی به دور از علم و ادب و فرهنگ و بدون این که درسی خوانده باشد بتواند چنین کتابی بیاورد که پس از ۱۴۰۰ سال همچنان دانشمندان و علمای مختلف در پی شرح و تفسیر آن هستند و با وجود چند صد تفسیر (که مجلدات برخی از آن‌ها بالغ بر چند ده جلد است) همچنان حرف نو و تازه دارد! این نیست مگر ارتباط با مبداء هستی! این نیست مگر کلام الهی که بشر عاجز است از آوردن مثل آن!

آن هم چه کتابی!؟ کتابی که در هر زمینه‌ای مطلب آورده و متخصصان آن رشته را پس از ۱۴۰۰ سال همچنان به زانو در آورده است!

اگر از جنبه‌ی فقط ظاهری و ادبی به قرآن نگریسته شود، ادیبان و سخنوران عالم به عجز خود اعتراف دارند؛ همان طور که در جریان مواجهه‌ی ساحران با حضرت موسی (علیه السلام)، این ساحران بودند که بیش از همه و پیش از همه به حقانیت حضرت موسی (علیه السلام) ایمان آوردند. در زمینه‌ی بررسی اعجاز ظاهری قرآن نیز قطعاً این متخصصین فن بیان و علم ادبیات هستند که می‌توانند به این موضوع بپردازند. ساحران که خود متخصص رشته‌ی سحر و جادوگری بودند، با دیدن آیه و بیّنه‌ی حضرت موسی (علیه السلام)، یقین کردند که چنین اقدامی هیچ شباهتی به سحر و جادوگری نداشته و از سنخ امور بشری نیست! لذا با دیدن معجزه‌ی حضرت موسی (علیه السلام)، یقین کردند که این امور قطعا از جانب خداوند متعال است و لذا به سجده افتادند و ایمان آوردند!

در معجزه بودن ظاهر قرآن نیز می‌توان شاهد مشابهی آورد؛ به عنوان مثال چهار نفر از ادبیان معروف و البته آتئیست‌های دوران حضرت صادق (علیه السلام) یعنی ابْنُ أَبِی الْعَوْجَاءِ، أَبُو شَاکِرٍ الدَّیَصَانِی، عَبْدُ الْمَلِکِ الْبَصْرِی وَ ابْنُ الْمُقَفَّع تصمیم گرفتند در مدت یک سال هر کدام یک چهارم از قرآن را نقض کنند تا از این طریق نبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) باطل شود و ادعای ایشان ثابت گردد!

فکر می‌کنید نتیجه چه شد!؟ پس از گذشت یک سال، دست از پا درازتر، هر کدام مبهوت و غرق تنها یک آیه بازگشتند! وقتی سال بعد گرد هم جمع شدند، همگی به عجز خود در مقابل قرآن اعتراف کردند و بیان داشتند که هر کدام از آن‌ها در تمام طول سال گذشته، مشغول تنها یک آیه شدند و از پس همان یک آیه نیز بر نیامدند!

در مباحث باطنی قرآن به مراتب مطلب روشن‌تر از این است! آن کدام کتاب بشری است که فردی درس ناخوانده و چوپانی به دور از محیط علمی و فرهنگی بتواند در هر زمینه‌ای سخن گفته باشد و در عین حال همچنان بیشترین خواننده و چاپ را داشته باشد!؟ آیا چنین شخصی می‌تواند کتاب و یا سوره‌ای بیاورد که در مورد هر موضوعی سخن گفته باشد و همچنان پس از ۱۴۰۰ سال هنوز هم برای بشر تازگی داشته باشد!؟ این مطالب را از کجا آورده است!؟ او که معلم بشری نداشته و مشابه حرف‌های او نیز در هیچ کتابی نیامده است!!! از آغاز آفرینش تا پایان عمر گیتی، از حقوق تا نجوم، از طب و پزشکی تا روابط اجتماعی و خانوادگی، از طبیعت تا ماوراء الطبیعه و ...

اگر فقط و فقط به سرفصل‌های مطالبی که در قرآن آمده و توسط اهل بیت (علیهم السلام) بیان گردیده مراجعه شود، قطعاً یقین حاصل می‌شود که این هم تنوع مطلب به هیچ وجه از عهده‌ی یک فرد درس ناخوانده برنمی‌آید!

آری، فارغ از مطالب عمیق قرآنی، تنها و تنها سرفصل‌های مختلفی که در قرآن آمده، خود به تنهایی گواه صادقی بر حقانیت و حجیت قرآن است که از نظر عقلی آوردن آن از جانب چنین شخصی محال است! اما وقتی به مطالب ذیل این همه سرفصل‌های متنوع مراجعه می‌گردد، مشاهده می‌شود که بشر با گذشت ۱۴۰۰ سال تازه توانسته معنای برخی واژه‌های آن را دریابد!!! یعنی تنوع بی‌نظیر مطالب با محتوای بی‌بدیل در قالب ظاهری بی‌مانند، همه و همه از جانب یک فرد درس ناخوانده در دوران منحط و تاریک شبه جزیره‌ی عربستان! یعنی جایی که خبری از علم و دانش در آن به هیچ وجه نبوده!!! در این محیط، فردی درس ناخوانده، کتابی می‌آورد با این اوصاف!

عقل انسان حکم می‌کند امکان ندارد فرد درس ناخوانده آن هم در آن محیط به دور از علم و دانش، بتواند کتاب بیاورد! چه رسد به این که کتابی که آورده، هم از نظر ظاهر و هم از نظر محتوا و هم از جنبه‌ی تنوع مطالب، بی‌نظیر باشد! آوردن چنین کتابی با این اوصاف از جانب بشر، محال عقلی است و امکان ندارد مگر آن که از جانب خداوند متعال باشد!

آن کدام کتاب بشری است که انسان از ابتدای عمر خویش تا زمان مرگ خود بارها و بارها آن را بخواهند ولی همچنان برای او تازه بماند! آن کدام کلام و کتاب بشری است که حتی روخوانی آن می‌تواند بر زندگی انسان تاثیرگذار باشد!

این مختصر مجال پرداختن و ارائه‌ی شاهد مثال‌های متعدد برای این موضوع نیست و محققان و متحریان حقیقت می‌توانند به منابع تخصصی در این زمینه مراجعه نمایند.

بارها حضرات معصومین (علهیم السلام) بیان فرموده‌اند که هر چه می‌خواهید از ما سوال کنید و ما از قرآن به شما پاسخ می‌دهیم. از ما بخواهید تا بگوییم از کجای قرآن چنین مطلبی را بیان می‌کنیم! این حجم از بیاناتی که ائمه‌ی اطهار (علهیم السلام) در زمینه‌های مختلف و با جزئیات بسیار دقیق بیان فرموده‌اند، از کتابی بیان گردیده که یک فرد درس‌ناخوانده و یک چوپان در ۱۴۰۰ سال پیش در دوران تاریک و به دور از علم و ادب و فرهنگ عربستان آورده است!!!

عقل سلیم حکم می‌کند این موضوع امکان ندارد مگر از جانب خداوند متعال! بشر از انجام این کار عاجز است! کما این که هنوز هم هیچ نمونه و مانندی برای آن پیدا نشده است! و این صحنه‌ی تحدی قرآن همچنان بلامنازع باقی مانده و احدی نتوانسته مانند آن را بیاورد!

کتاب‌های دانشمندان و نوابغ بشری، به چند زبان ترجمه می‌شوند!؟ چقدر خواننده دارد!؟ چقدر به تفسیر آن‌ها پرداخته می‌شود!؟ وقتی غباری از گذر زمان بر آثار برجسته‌ترین دانشمندان علوم بشری می‌نشیند، دیگر کمتر کسی خود را محتاج به آن می‌یابد! چگونه یک چوپان درس‌ناخوانده توانسته کتابی را در محیط تاریک و دوران جاهلیت عربستان بیاورد، که همچنان پس از ۱۴۰۰ سال در صدر قرار دارد و هر روز بیشتر در کانون توجهات قرار می‌گیرد!

آیا واقعاً چنین امری از یک بشر عادی بر می‌آید!؟ در محیط عدم و نیستی علم، فرد درس ناخوانده‌ای که هیچ خطی تا پایان عمر خود ننوشت، به یک باره کتابی ارائه نماید سراسر نور و علم در موضوعاتی از طبیعت و ماوراء طبیعت، از آغاز خلقت تا پایان آن، از روانشناسی تا حدود و احکام، قوانین از فردی تا اجتماعی، روابط بین افراد و ...!

از آفتاب میان روز روشن‌تر است که چنین امری به هیچ وجه از عهده‌ی بشر برنمی‌آید! کما این که خداوند متعال نیز تحدی فرموده و مبارز طلبیده که اگر ذره‌ای شک و تردید در الهی بودن این آیه‌ی بسیار روشن الهی دارید، تمام انس و جن جمع شوید و یک سوره را از جانب چنین فردی بیاورید! کجاست نمونه‌ی آن!؟ این نیست مگر آیه و دلیلی بسیار روشن که هیچ جای شک و تردیدی را باقی نمی‌گذارد که این کتاب از مجرایی به غیر از اسباب و عادات طبیعی آمده باشد!

حال دوستان عزیز بهائی می‌توانند با این نگاه و از این دریچه به آثار جناب باب و بهاءالله مراجعه نمایند!

بیش از ۱۲۰۰ سال پس از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، در سرزمین ایران، فردی به نام میرزا علی‌محمد باب، ادعای بابیت، قائمیت، پیامبری و نهایتاً خدایی می‌کند. اگر از میان همه‌ی این تناقضات نیز چشم‌پوشی شود، باور بهائی مدعیست که جناب باب برای اثبات ادعای رسالت خود، اقدام به نزول تفسیر سوره‌ی

کوثر نمود! بماند که در کتاب تفسیر سوره‌ی کوثر به هیچ وجه از ادعای رسالت و حتی قائمیت جناب باب خبری نیست! و این دروغ بزرگی است که باور بهائی مطرح ساخته و دوستان عزیز بهائی به سهولت می‌توانند به کذب این ادعا پی ببرند!

اسلام که آیات و بیّنات و دلایل روشن اثبات حقانیت ادعای رسالت را منحصر در کتاب نمی‌داند و تنها معجزه‌ای که از نوع کتاب است را تنها و تنها قرآن می‌داند، چنین رویکردی را در قبال قرآن دارد و تمامی انس و جن تا آخر دنیا را به مبارزه طلبیده و تحدی نموده تا ذره‌ای تردید در حقانیت این دلیل و گواه پیامبری رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) باقی نماند!

اما باور بهائی و به طور مشخص شخص بهاءالله که تا زمان تالیف کتاب ایقان، با جناب باب هم رأی بوده و تنها دلیل حقانیت پیامبری را منحصر در کتاب معرفی می‌کند، تا کنون جرأت نکرده که دلیل رسالت و پیامبری جناب باب را منتشر نماید!!!

در قسمت بعد به لطف خداوند متعال با استناد به دلایل و مدارک متعددی به این موضوع پرداخته می‌شود که باور بهائی مدعیست افرادی همچون سید یحیی دارابی با مشاهده‌ی تفسیر سوره‌ی کوثر، به رسول بودن جناب باب ایمان آورده‌اند!!! به ادعای این باور، مطالب تفسیر سوره‌ی کوثر به قدری عظیم بوده که سید یحیی دارابی ملقب به وحید، سه مرتبه نزدیک بوده مدهوش و بی‌هوش گردد ولی جناب باب با پاشیدن گلاب به روی ایشان، مانع از بی‌هوشی ایشان شده است!!!

آیا برای دوستان عزیز بهائی تا کنون این سوال مطرح نشده که بالاخره آن چه مطالب عظیمی بوده که جناب وحید به خاطر مضامین بالای آن سه مرتبه تا آستانه‌ی بی‌هوشی پیش رفته، چه بوده است!!!؟؟؟ چه مطالبی را جناب باب در تفسیر سوره‌ی کوثر نازل نموده که چنین انسان را منقلب می‌سازد و جناب وحید بر اساس همین دلایل دست از جان خویش می‌شوید و متاع جان خویش را در راه جناب باب فدا نموده است!؟

چرا باور بهائی جرأت نمی‌کند که دلیل پیامبری و رسالت جناب باب را منتشر نماید!؟ آیا وقت آن نرسیده که عزیزان بهائی از بیت العدل و مبلغین باور بهائی درخواست نمایند که این معجزه‌ی جناب باب را منتشر نماید!؟ اگر تفسیر سوره‌ی کوثر به راستی معجزه و دلیل پیامبری و رسالت جناب باب بوده، چرا باور بهائی اقدام به انتشار این تفسیر نمی‌نماید تا هیچ نیازی به دست و پا زدن در انکار خاتمیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، قرآن و اسلام نداشته باشد!؟

اگر تفسیر سوره‌ی کوثر، معجزه‌ای است که بشر از آوردن آن عاجز است و دلیل روشن و گواه صادق بر پیامبری جناب باب است، چرا باور بهائی هنوز آن را منتشر نکرده تا نسخه‌ی مورد تایید آن در اختیار دوستان عزیز بهائی و بلکه بالاتر از آن در اختیار نوع بشر قرار گیرد!؟

دلیل این موضوع کاملاً روشن است! در تفسیر سوره‌ی کوثر نه خبری از رسالت است نه خبری قائمیت!!! بلکه اگر دوستان عزیز بهائی به تفسیر سوره‌ی کوثر مراجعه نمایند، درخواهند یافت که از نظر جناب باب، قطعاً و یقیناً جناب بهاءالله را باید کافر بدانند نه من یظهره الله!!! به همین خاطر باور بهائی هنوز جرأت نکرده این تفسیر را منتشر نموده و در اختیار دوستان عزیز بهائی قرار دهد تا عزیزان بهائی با معجزه‌ی جناب باب آشنا شوند!

اما چرا تفسیر سوره‌ی کوثر را از جمله‌ی معجزات جناب باب باید نامید!؟ زیرا سید یحیی دارابی با دیدن این معجزه به رسالت ایشان ایمان آورده است! به لطف خداوند متعال در بخش بعدی بیشتر به این موضوع پرداخته خواهد شد.

منبع: https://www.hassanershad.com/2527

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۲۰ -قسمت اول

بررسی و افشای گوشه‌ای از دروغ‌های بیت‌العدل نشینان به هموطنان عزیز بهائی در خصوص معجزه

تا این قسمت از مباحث مطرح شده در خصوص معجزه در باور بهائی، به ضرورت و لزوم ارائه‌ی معجزه، آیه، بیّنه از دیدگاه قرآن کریم و روایات پرداخته شد و ثابت گردید خداوند متعال بارها و بارها و با صراحت تمام بر این نکته‌ی مهم تصریح فرموده که رسولان خود را با بیّنات بسیار روشن به رسالت مبعوث فرموده است. این نشانه‌ها و معجزات به قدری روشن هستند که به هیچ وجه جای شک و تردیدی برای مخاطبان انبیاء و سفرای الهی باقی نمی‌گذارند.

نفس نفیس خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) و دیگر معصومین (علیهم السلام) نیز نه تنها بارها و بارها معجزات بسیار زیادی را ارائه نموده‌اند، بلکه به روشنی تمام فرموده‌اند معجزه همان راهی است که صادق را از مدعی دروغین متمایز و جدا می‌کند. آیات و روایات این مباحث در مقالات پیشین تقدیم حضور گردید. از دیدگاه عقل نیز ثابت شد فرد مدعی رسالت، بایستی کارت شناسایی غیرقابل جعل به همراه داشته باشد و انسان عاقل تا دلیل و برهان قاطع از مدعی نبیند، نمی‌تواند و نباید سر تسلیم در مقابل او به زیر آورد.

در ادامه نیز به دیدگاه باب و بهاءالله در خصوص معجزه پرداخته شد. ایشان ادعا می‌کردند که معجزه بایستی فقط و فقط از جنس کتاب باشد و یا به اصطلاح، ادعای انحصار معجزه در کتاب را داشتند. و دیدیم که باب و بهاءالله تمامی معجزات انبیاء الهی را انکار و تحریف می‌نمایند. چرا!؟ چون معجزه و گواه صادقی در دست ندارند! نشانه‌ای به همراه ندارند که ثابت کند از جانب خداوند متعال آمده‌اند.

سپس به ده‌ها تناقض و موارد نقض در باورهای بابی و بهائی اشاره گردید که باب و بهاءالله، این ادعای خود را باطل کرده‌اند. البته این تنها باب و بهاءالله نبودند که ادعای خودشان یعنی ادعای انحصار معجزه در کتاب را نقض کردند و باطل نمودند، بلکه عبدالبهاء و دیگر مبلغین باور بهائی نیز بارها و بارها مهر بطلان خود را بر ادعای نادرست باب و بهاءالله فشرده‌اند.

اگر الهی بودن یک دعوت، فقط و فقط با کتاب به اثبات می‌رسید، نبوت هیچ کدام از ۱۲۴ هزار پیامبر الهی به غیر از خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) و چند پیامبر دیگر صاحب کتاب، هیچگاه ثابت نمی‌شود. زیرا به غیر از چند پیامبر محدود، سایر انبیاء الهی (علیهم السلام) هیچ کدام صاحب کتاب نبودند! در میان انبیاء صاحب کتاب نیز تنها پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است که به قرآن تحدی نموده و سایر انبیاء الهی هیچ کدام به کتاب خود تحدی نکرده‌اند. یعنی ابتدا نبوت و الهی بودن دعوت خود را با معجزات و آیات و بیّنات بسیار روشن و قاطع به اثبات می‌رساندند و پس از آن کتاب آسمانی را به مردم عرضه می‌فرمودند. حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز علاوه بر قرآن کریم که بزرگترین معجزه

و معجزه‌ی جاویدان ایشان محسوب می‌شود، بیش از ۴۰۰۰ هزار معجزه‌ی غیرکتابی ارائه فرموده‌اند. سایر ائمه (علیهم السلام) نیز در موارد بسیار زیادی برای اثبات حقانیت خود و رفع شک و شبهه‌ها، معجزات فراوانی را ظاهر فرموده‌اند.

این بود خلاصه‌ای از مباحثی که تا این قسمت تقدیم حضور گردید.

اما همان گونه که سفرای الهی بر این نکته تاکید و تصریح فرموده‌اند، معجزه، همان سنگ محکمی است که به راحتی و روشنی، مدعی صادق را از دروغگو جدا می‌نماید. باب و بهاءالله و باور بهائی که فاقد این ویژگی هستند، راهی جز انکار معجزه ندارند و مجبورند تمامی معجزات روشن پیامبران الهی و آیات صریح قرآن کریم را انکار نمایند. بر همین اساس باور بهائی و بیت‌العدل نشینان مجبورند دستان خالی از معجزه‌ی باب و بهاءالله را با دروغ و تناقض پر کنند. حال که به لطف خداوند متعال، جایگاه معجزه در شناخت حجت‌های الهی بیان گردید و ده‌ها تناقض و چالش اساسی باور بهائی در این خصوص ارائه شد، به بررسی مباحثی پرداخته می‌شود که باور بهائی به عنوان پاسخ به نداشتن معجزه ارائه نموده است.

در ادامه به لطف خداوند متعال خواهیم دید که بیت‌العدل‌نشینان نامشروع (به دلیل عدم حضور ولی امرالله)، حتی به هموطنان و دوستان عزیز بهائی نیز رحم نمی‌کنند و ایمان عزیزان بهائی به بیت‌العدل نامشروع را با دروغ‌های بزرگ پاسخ گفته‌اند. به جهت حفظ اختصار، تنها گوشه‌ای از تناقضات و دروغ‌هایی که به عنوان معجزه‌ی باور بهائی مطرح گردیده، مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

اولین نکته در بررسی مباحث مطرح شده از سوی باور بهائی در بحث معجزه

بررسی کلیات مباحث مطرح شده

سوال مطرح شده در ابتدای بحث، بسیار روشن است؛ "معجزه دیانت بهایی چیست؟" در پاسخ به این سوال روشن و البته بسیار مهم، باور بهائی بیش از ۵۳۲۳ کلمه قلم فرسایی نموده ولی سهم معرفی معجزه‌ی باور بهائی، تنها ۱۵ کلمه از این حجم است. یعنی کمتر از سه دهم درصد یا به عبارت دقیق‌تر، کمتر از سه هزارم مطالب ارائه شده، به اصل موضوع پرداخته است. معجزه‌ی باور بهائی چیست؟ "معجزه حضرت بهاءالله نیز آیات و کتب ایشان است که حدود ۱۰۰ جلد می باشد. حضرت بهاءالله با قدرت قلم خود دیانت خود را اعلان فرمودند و آن را پیش بردند."

بقیه‌ی مطالب ارائه شده، عمدتا به انکار معجزات انبیاء الهی و آیات صریح قرآن کریم اختصاص یافته است. همان گونه که در ادامه خواهیم دید، باور بهائی آسمان و زمین را به هم بافته و تمام معجزات انبیاء الهی را یا به مسخره گرفته و یا انکار نموده تا آخر امر با زبان بی‌زبانی بگوید معجزه‌ی باور بهائی و بهاءالله، چیزی نیست به جز کتاب!

بسیار خوب! اگر کتاب‌های بهاءالله، معجزه‌ی اوست و بزرگ‌ترین معجزه‌ی ایشان نیز کتاب ایقان است، این گوی و این میدان! اگر باور بهائی در همین ادعای خود صادق است، نسخه‌ی اصلی و دست‌نویس کتاب ایقان که به دست خود عبدالبهاء نگارش یافته را به صورت رسمی منتشر نماید! باور بهائی در صفحات ۱۷۹ و ۱۸۰ کتاب نفحات ظهور حضرت بهاءالله، ادعا می‌کند نسخه‌ی اصلی ایقان به دست خود عبدالبهاء نگارش یافته و خود بهاءالله نیز آن را اصلاح نموده است! جالب‌تر این که ادعا می‌کند هم اکنون این کتاب "در دارالاثار بین المللی بهائی بر فراز کوه کرمل در حیفا" موجود است!

نسخهٔ اصلی کتاب ایقان که جناب حاجی میرزا سیّد محمّد به اخذ آن مفتخر شده بود بخطّ حضرت عبدالبهاء که در آن زمان بیش از هیجده سال از عمرشان نمی‌گذشت تسوید گشته است حضرت بهاءالله درحاشیهٔ بعضی از صفحات بخطّ مبارک تصحیحات چندی را مرقوم نموده و در صفحات آخر کتاب چنین فرموده‌اند:

صفحه‌ی ۱۷۰ کتاب نفحات ظهور حضرت بهاءالله در مورد نگارش نسخه‌ی اصلی کتاب ایقان توسط عبدالبهاء

نسخهٔ اصلی کتاب ایقان سالهای مدید در خانوادهٔ جناب حاجی میرزا سیّد محمّد باقی مانده بود تا اینکه در سال ۱۹۴۸ نتیجهٔ دختری ایشان فاطمه خانم افنان آن را بحضور حضرت ولیّ امرالله تقدیم نمود این نسخه چند

*حضرت بهاءالله ** حضرت باب

سال بعد بدست مبارک رسید و در دارالاثار بین المللی بهائی بر فراز کوه کرمل در حیفا قرار گرفت. *

صفحات ۱۷۹ و ۱۸۰ کتاب نفحات ظهور حضرت بهاءالله: ادعای موجود بودن نسخه‌ی اصلی کتاب ایقان و مخفی نگه دا

اگر کتاب ایقان، بزرگـترین معجزه‌ی باور بهائی است، چرا باور بهائی جرات نمی‌کند نسخه‌ی اصلی آن را در اختیار دوستان عزیز بهائی قرار دهد!؟ چرا بیت‌العدل نشینان حاضر نیستند نسخه‌ی اصلی این چراغ هدایت را در اختیار بشریت قرار دهند!؟ به راستی چراغ هدایت است! چرا که اگر این کتاب در اختیار عموم قرار گیرد، بیش از ۵۰۰ اصلاحیه‌ای که بر آن اعمال شده، خواب را بر چشمان بهائیانی که ذره‌ای انصاف در وجودشان باقی‌مانده و لااقل با خودشان صادق هستند، خواهد ربود.

نسخه‌ی اصلی ایقان، پیشکش!

چرا باور بهائی حاضر نیست نسخ خطی زین المقربین و یا اولین چاپ سنگی آن را انتشار دهد!؟ این چه معجزه‌ای است که باور بهائی حاضر به انتشار آن نیست!؟ برخی از چالش‌های عمده‌ی کتاب ایقان در مقالات پیشین تقدیم حضور شده است.

اما می‌گویند چون صد آمد، نود هم پیش ماست. پیش از این دیدیم که از دیدگاه باور بهائی، کتاب ایقان، اعظم دلیل بر پیامبری بهاءالله است. وقتی بزرگـترین معجزه‌ی باور بهائی و بهاءالله، چنین وضعیتی دارد، تو خود حدیث مفصل بخوان از دیگر آثار او!

به همین دلیل هم هست که باور بهائی مجبور است سهمیه‌ای بیش از ۱۵ کلمه در میان ۵۳۲۳ کلمه به معرفی معجزه‌ی خود اختصاص ندهد. اگر باور بهائی واقعا به کتاب‌های بهاءالله به عنوان معجزه‌ی این باور ایمان داشت، هیچ ترس و نگرانی از انتشار حقیقت نداشت و بهترین تبلیغ نیز همین است که نسخه‌ی اصلی ایقان را منتشر نماید! مُشک آن است که خود ببوید نه آن چه عطاران بازار تبلیغ بهائی بگویند!

دومین نکته در بررسی مباحث مطرح شده از سوی باور بهائی در بحث معجزه

عدم اشاره به جنس معجزه (مخفی نگه‌داشتن ادعای انحصار معجزه در کتاب)

دومین نکته‌ای که در میان مغالطه‌ها، دروغ‌ها و تحریف‌های باور بهائی به چشم می‌خورد، کتمان حقیقت است. سوال این است که معجزه‌ی باور بهائی و بهاءالله چیست. اما پاسخ باور بهائی، بیشترش به انکار و تضعیف و تحریف معجزات انبیاء الهی اختصاص یافته است.

اگر باور بهائی در ادعای خود صادق بود، در ابتدا دیدگاه باب و بهاءالله در مورد معجزه را می‌بایست تبیین و ارائه می‌نمود. یعنی در ابتدا باید دیدگاه باب و بهاءالله در خصوص معجزه را بیان می‌کرد نه این که از همان ابتدا کمر همت به انکار معجزات انبیاء الهی ببندد.

در مقالات پیشین دیدیم که بهاءالله در سراسر کتاب ایقان و حتی تا زمان نگارش کتاب بدیع با صراحت تمام بر این نکته تاکید می‌کند که چیزی جز کتاب نمی‌تواند معجزه باشد. او در پاسخ به نامه‌ی میرزا مهدی گیلانی به صراحت تمام اعتراف می‌کند: «نوشته که صاحب این ظهور، غیر از آیات اگر چیزی دارد بیاورد، و این تصریحا مخالف است با آنچه نقطه بیان (علی‌محمد باب) – روح ماسواه فداه – در کل بیان نازل فرموده ... نقطه بیان در کلّ بیان تصریحاً فرموده که حجت ظهور بعد، غیر آیات نبوده و نخواهد بود»! (صفحه‌ی ۲۶۲ نسخه‌ی خطی کتاب بدیع و صفحه‌ی ۱۲۸ چاپ ۲۰۰۸ هوفهایم آلمان)

اما همان گونه که ملاحظه می‌گردد، باور بهائی هیچ اشاره‌ای به این ادعای بهاءالله نمی‌کند!!! چرا!؟ به دلایل متعددی و از جمله‌ی مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به این موضوع اشاره کرد که این ادعا بارها و بارها هم توسط خود باب و هم توسط خود بهاءالله و هم توسط عبدالبها و سایر مبلغین باور بهائی نقض شده که ده‌ها مورد از این موارد در نوشتارهای پیشین همین بحث تقدیم حضور شد!

سومین نکته در بررسی مباحث مطرح شده از سوی باور بهائی در بحث معجزه

وجه تمایزی که به نامشروعی بیت‌العدل و بطلان باور بهائی منجر شد

در میان نکات ده‌گانه‌ای که باور بهائی ارائه نموده، در نهمین نکته، خواسته یا ناخواسته، تیر خلاصی را بر پیکر بی‌جان خود می‌زند. با هم عین نکته‌ی نهم را می‌خوانیم:

"نکته نهم آن که معجزه آشکار دیگر که در ادیان قبل بی سابقه است، عهد و میثاق حضرت بهاءالله است. توضیح آنکه در ادیان آسمانی قبل، تعیین جانشین برای انبیای الهی شفاهی انجام شد و این امر به وجود آمدن فرقه های گوناگون در یک دین را تشدید کرد. اما در ظهور بهایی حضرت بهاءالله کتباً به اثر قلم خود جانشین خود را انتخاب فرمودند تا مثل ادیان گذشته دین بهایی فرقه فرقه نشود."

و دیگر هیچ!

معجزه، کلام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است که تمامی دوازده وصی و جانشین خود را تک به تک نام برده و نسب‌نامه‌ی هر یک را مشخص می‌فرمایند و دقیقا همین موضوع عیناً محقق می‌گردد. و دقیقا این خود گواه روشنی است بر اتصال به منبع وحی! آن خدایی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را به نبوت برگزید، همان خدایی است که اوصیای او را انتخاب فرموده است. لذا حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) به دلیل اتصال به منبع وحی با صراحت از آغازین روز دعوت خویش تا پایان عمر شریف‌شان، اوصیای خود را معرفی می‌فرمودند به طوری که اعتقاد به اوصیای دوازده‌گانه از مشترکات تمامی مسلمانان است.

اما باور بهائی پس از این ادعای نادرست، دیگر هیچ توضیحی نمی‌دهد! در پی اثبات ادعای خود برنمی‌آید! چرا!؟ زیرا بهاءالله به منبع وحی الهی متصل نبوده که بتواند اوصیای خود را همانند انبیاء الهی مشخص نماید. قرار بود ۲۴ وصی بعد از بهاءالله بیایند ولی خبر نداشت که مقطوع النسل می‌شود و بیت‌العدل را نامشروع می‌نماید! چرا که دیگر وصی و ولی امری باقی نمانده که بتواند مشروعیت بخش بیت‌العدل باشد.

اتفاقا همین نکته‌ی کلیدی، یعنی لزوم وجود ولی امر در باور بهائی باعث شد که فرقه‌های زیادی در این باور شکل بگیرند! کافیست یک جستجوی ساده انجام دهیم تا فهرست بلندی از اسامی متعددی نظیر جمشید معالی، میسون ریمی و ... به عنوان رهبران سایر فرقه‌های باور بهائی در مقابل دیدگان ما قرار گیرد.

از این گذشته، مگر ملاک حجیت آفرین بودن یک موضوع، مکتوب بودن آن است!؟ آیا سخنان باب، بهاءالله، عبدالبهاء و حتی شوقی هیچ کدام قابل اعتماد نیستند!؟

اتفاقا نکته‌ی جالب و چراغ هدایت همین جاست که باور بهائی خود اعتراف می‌کند بهاءالله به دست خود تعداد این اوصیا و نسل آن‌ها را مشخص نمود و دیگر نمی‌تواند آن را انکار نماید! کجایند آن اوصیای بیست و چهار گانه‌ای که قرار بود از نسل پسری عبدالبهاء بیایند و باور بهائی جرات پرداختن به این موضوع را ندارد!

بنابراین بر أساس همین معیار صحیح و درستی که باور بهائی به آن اعتراف کرده، یعنی پیش‌گویی تعداد اوصیا و معرفی آن‌ها، جای شک و تردیدی در دروغگو بودن بهاءالله و باطل بودن باور بهائی باقی نمی‌ماند! اگر بهاءالله خبر از غیب و آینده می‌دهد و سلسله‌ی اوصیای خود را معرفی می‌کند، پس چرا محقق نشد!؟ معجزه بودن یعنی این که همانند کلام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تمام این پیش‌گویی محقق شود! اگر قرار باشد پیش‌گویی کنیم و محقق نشود که هر کسی می‌تواند ادعا کند! هر مدعی دروغینی می‌تواند برای خود اوصیایی را معرفی کند! مهم این است که این پیش‌گویی، محقق شود! معرفی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کجا (که نام و نسب‌نامه‌ی تمامی اوصیای خود را به صراحت و روشنی بیان فرمودند) و پیش‌گویی نادرست و کلی بهاءالله که فقط ادعا کرده بود از نسل عبدالبهاء بیست و چهار وصی خواهد آمد کجا!؟ که البته همین پیش‌گویی کلی و بدون ذکر نام و نشان هم محقق نشد!

چهارمین نکته در بررسی مباحث مطرح شده از سوی باور بهائی در بحث معجزه

نکته‌ی اول و جنگ با بهاءالله

اولین نکته‌ای که باور بهائی در بحث معجزه مطرح نموده، چیزی نیست جز انکار ادعای بهاءالله! بارها و بارها دیدیم باب و بهاءالله با بیان‌های متعدد و مختلفی ادعا کرده‌اند معجزه بایستی از جنس کتاب باشد و لاغیر! اما باور بهائی بر خلاف ادعای ایشان ادعا می‌کند امکان دارد که معجزه‌ی غیرکتابی ظاهر شود! بالاخره کدام را باید پذیرفت!؟ ادعای بهاءالله یا توجیهات باور بهائی!؟

جالب است که در نکته‌ی پنجم باز هم بر این دروغ خود پافشاری می‌کند: “نکته پنجم آن که چنان که در نکته اول ذکر شد، دیانت بهایی منکر قدرت الهی در آوردن معجزات ظاهره توسط پیامبران نیست” معلوم است که خداوند متعال بر هر کاری قادر است! اما این باب و بهاءالله هستند که سعی می‌کنند دستان خدا ببندند تا گناه نداشتن معجزه را به پای خدا بنویسند و ادعا می‌کنند معجزه در این ظهور بایستی فقط و فقط از جنس کتاب باشد!

البته هیچ گاه باور بهائی جرات ندارد به طور صریح ادعای انحصار معجزه در کتاب توسط باب و بهاءالله را مطرح نماید!

پنجمین نکته در بررسی مباحث مطرح شده از سوی باور بهائی در بحث معجزه

دروغ بستن به خداوند متعال

باور بهائی در دومین نکته، مجبور می‌شود دروغ بزرگی را به خداوند متعال نسبت دهد که دقیقا خلاف سنت الهی است! در مقالات آغازین این بحث ثابت شد که آوردن بیّنه و آیات و معجزات، دقیقا سنت الهی است! اما باور بهائی

در نکته‌ی دومی که مطرح می‌نماید، ادعا می‌کند: "نکته دوم آن که خداوند علی رغم توانایی مزبور، تمایلی به آوردن معجزات ظاهری ندارد"

در حالی که خداوند متعال یکی از خصوصیات تمامی رسولان خویش را ارائه‌ی دلایل بسیار روشن یا همان بیّنات برمی‌شمارد. از دیدگاه قرآن کریم، فرستادگان خداوند متعال همواره بیّنات و دلایل بسیار روشنی بر اثبات حقانیت خود به همراه دارد: لَقَدْ أَرْسَلْنٰا رُسُلَنٰا بِالْبَيِّنٰاتِ (الحدید، ۲۵) ما رسولان خود را با دلایل بسیار روشن فرستادیم. همان گونه که در این آیه مشاهده گردید، خداوند متعال تصریح می‌فرماید که تمامی رسولان خویش را با بیّنات یا همان معجزات ارسال فرموده و تنها آن دسته از مدعیان در ادعای خود صادق هستند که معجزه و آیات و بیّنات از جانب خداوند متعال به همراه داشته باشند. یعنی معجزه و ارائه‌ی آن توسط رسولان الهی، یک سنت الهی است!

در آیه‌ی ۹ سوره‌ی ابراهیم نیز خداوند متعال باز هم پس از ذکر نام اقوامی نظیر قوم حضرت صالح و حضرت هود (علیهم السلام) تصریح می‌فرماید که فرستادگان الهی و کسانی که در ادعای پیامبری خود صادق هستند، با دلایل بسیار روشن به رسالت مبعوث شده‌اند: جاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّناتِ

بر همین اساس است که خداوند متعال تصریح می‌فرماید انبیاء را بشارت دهنده و انذارکننده مبعوث فرموده تا اگر عده‌ای هلاک شدند و راه گمراهی در پیش گرفتند، کاملاً اتمام حجت شده باشد و دلیل بسیار روشن به ایشان عرضه شده باشد و کسانی که هدایت می‌یابند نیز بر اساس دلیل بسیار روشن و به اصطلاح قرآن بَيِّنَةٍ هدایت یافته باشند: لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يَحْيىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ (الأنفال، ۴۲) تا آنها که هلاک (و گمراه) می‌شوند، از روی دلیل بسیار روشن باشد؛ و آنها که زنده می‌شوند (و هدایت می‌یابند)، از روی دلیل روشن باشد.

علاوه این که خداوند متعال بارها به این سنت الهی به صورت یک قانون کلی تصریح فرموده، به صورت مصداقی نیز بارها و بارها معجزات متعدد انبیاءالهی را با صراحت و جرئیات فراوان بیان فرموده که مباحث آن پیش از این تقدیم حضور گردید و علاقه‌مندان می‌توانند به مقالات آغازین بحث مراجعه فرمایند.

منبع: https://www.hassanershad.com/3026

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۲۰ -قسمت دوم

ششمین نکته در بررسی مباحث مطرح شده از سوی باور بهائی در بحث معجزه

لگد دوباره‌ی باور بهائی به ادعای بهاءالله

هر چه که پیش می‌رویم، علت مخفی نگه‌داشتن ادعای انحصار معجزه در کتاب، بیشتر مشخص می‌شود. باور بهائی نیز که به خوبی می‌داند نمی‌توان تمامی معجزات غیرکتابی را انکار نمود، و أساسا اگر معجزه فقط از جنس کتاب باشد، بایستی حداقل ۱۲۴ هزار کتاب آسمانی داشته باشیم، لذا باز هم به صورت تلویحی به وجود معجزات غیرکتابی اعتراف می‌کند. اما دامنه‌ی اثر آن را محدود به زمان حضور همان پیامبر و یا محدود به افرادی می‌داند که آن معجزه برای آن‌ها ارائه شده است.

در ادامه‌ی نکته‌ی دوم به صراحت اعتراف به وجود معجزات غیرکتابی در زمان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌نماید: "مضافاً در خود قرآن مجید و تاریخ اسلام شواهد قاطعی وجود دارد که منکران پیامبران حتی در صورت مشاهده معجزه ظاهری نیز مؤمن نمی شدند و پیامبران را ساحر و جادوگر می گفتند"

نکته‌ی مهم، اعتراف به وجود معجزات غیرکتابی است! یعنی در اینجا اعتراف می‌کند که وجود معجزات غیرکتابی در قرآن کریم نیز به صراحت و با دلایل قاطع بیان گردیده است! کما این که خود باب، بهاءالله، عبدالبهاء و حتی مبلغین باور بهائی به وجود معجزات غیرکتابی زیادی اعتراف کرده‌اند که مدارک و مستندات آن پیش از این تقدیم حضور گردید. این اعترافات به معنی بطلان ادعای انحصار معجزه در کتاب است! یعنی باور بهائی نیز از ادعای بهاءالله روی برگردانده و نظری خلاف نظر او دارد! یعنی باب و بهاءالله دچار تناقض‌گویی شده‌اند و بر اساس آموزه‌های باور بهائی، تناقض در ساحت سفرای الهی راه ندارد! لذا همین که چنین تناقضاتی می‌توانند به ساحت باب و بهاءالله، راه بیابند، یعنی این که حتی بر اساس آموزه‌های باور بهائی، نمی‌توان باب و بهاءالله را فرستاده‌ی خدا دانست!

هفتمین نکته در بررسی مباحث مطرح شده از سوی باور بهائی در بحث معجزه

تداوم معجزات غیرکتابی و بطلان باورهای بابی و بهائی

یکی دیگر از اشتباهات اساسی باور بهائی در بحث معجزه، محدود دانستن اثر معجزات غیرکتابی به زمان گذشته است. در حالی که بسیاری از این آیات و معجزات الهی در شناخت حجت‌های خدا در آینده کاربرد بسیار اساسی دارند.

برای روشن شدن موضوع به سراغ معیارهای شناخت دوازدهمین وصی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌رویم. همان گونه که در مباحث سوال ششم به این موضوع پرداخته شد، باب در تمام عمر خود به هیچ وجه ادعای امام دوازدهم بودن یعنی ادعای محمد بن الحسن (علیهما السلام) بودن نداشته است! دیدیم که باب، وجود نازنین امام دوازدهم، یعنی حضرت امام محمد بن الحسن العسکری (علیهما السلام) را شخصیتی به غیر از خودش معرفی کرده و خود را جانثار حضرت معرفی می‌کند و کسانی که امام دوازدهم (علیه السلام) یا حتی نواب ایشان را انکار نمایند، قطعا ازا دیدگاه باب، کافر به حسب آمده‌اند. البته به خاطر داریم که بهاءالله یکی از همان کسانی است که از دیدگاه باب، قطعا او کافر است و لذا نمی‌تواند موعود بیان باشد! به هر حال ثابت شد ادعای باب در این زمینه، محدود می‌شود به ادعای قائمیت نه امام دوازدهم بودن! یعنی در بحث موعود اسلام، فقط ادعای قائم بودن داشته نه امام دوازدهم بودن!

دیدیم که باور بهائی در کمال ناجوانمردانگی، ادعای قائمیت باب را مساوی ادعای امام دوازدهم بودن او مطرح کرده تا بتواند پرونده‌ی اوصیای دوازده‌گانه‌ی اسلام را ببندد و پس از آن رای به نسخ اسلام بدهد!

در حالی که دروغی بیش نبود و باب هیچ ادعایی در خصوص امام دوازدهم بودن نداشته و وقتی ادعایی نداشته، دلیلی هم بر این موضوع أقامه نکرده است! یعنی پرونده‌ی اوصیای دوازده‌گانه‌ی اسلام هنوز باز است و نمی‌توان خاتمیت و مهدویت و هدایت الهی در هر عصر و زمان را انکار نمود.

اما معجزات غیرکتابی انبیاء گذشته که به اعتراف باور بهائی در زمان حضورشان ارائه نموده‌اند، نقش بسیار مهمی در شناخت حجت‌های الهی دارد. یکی از نشانه‌های قطعی، اصلی و مهم امام دوازدهم (علیه السلام) این است که میراث نبوت و میراث انبیاء الهی در دست ایشان است! و دقیقا بر أساس همین میزان است که موعود حقیقی را می‌توان از مدعیان دروغین تشخیص داد!

موعود اسلام و امام دوازدهم شیعیان کسی است میراث نبوت و آثار انبیاء الهی به ایشان به ارث رسیده است؛ از عصا و سنگ حضرت موسی (علیه السلام) تا انگشتر حضرت سلیمان (علیه السلام)، از پیراهن حضرت یوسف (علیه السلام) تا پرچم و سلاح و زره شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و تمامی کتاب‌های آسمانی گذشته، همه و همه نزد حجت خداست. کسی که فاقد این نشانه‌هاست، بی‌شک او امام دوازدهم و دوازدهمین وصی نیست! بر همین أساس است که باب نیز امام دوازدهم نیست!

عدم ارائه‌ی این آیات و بیّنات از سوی باب، یکی از هزاران دلیلی است که ثابت می‌کند قطعا باب نمی‌تواند موعود اسلام باشد و پرونده‌ی اوصیای دوازده‌گانه‌ی اسلام هنوز بسته نشده است! و این یعنی بطلان باورهای بابی و بهائی!

هشتمین نکته در بررسی مباحث مطرح شده از سوی باور بهائی در بحث معجزه

دیدن معجزه، جبرآور نیست!

باور بهائی که مجبور می‌شود بر خلاف ادعای باب و بهاءالله، به وجود معجزات غیرکتابی اعتراف کند، برای بی‌ارزش جلوه دادن آیات و بیّنات الهی، مجبور می‌شود دست به دامن کفار و مشرکانی همچون ابوجهل شود و مغالطه‌ی خود را به این صورت مطرح نماید: "مضافاً در خود قرآن مجید و تاریخ اسلام شواهد قاطعی وجود دارد که منکران پیامبران حتی در صورت مشاهده معجزه ظاهری نیز مؤمن نمی شدند و پیامبران را ساحر و جادوگر می گفتند."

ارائه‌ی معجزه و اثبات حقانیت، وظیفه‌ی پیامبر خداست به گونه‌ای که حتی جای ذره‌ای تردید در الهی بودن دعوت او باقی نماند. اگر آیات و معجزات سفرای الهی به گونه‌ای باشد که ذره‌ای تردید به جای مانده باشد، این بدان معناست که حجت هنوز بر مردم تمام نشده است و مردم به یقین صد در صدی نرسیده‌اند! بنابراین و بر أساس دلایل فراوانی عقلی و نقلی که در مقالات ابتدای بحث تقدیم حضور گردید، برای این که بر خلق خدا، إتمام حجت شود، مدعی صادق همواره آیات و بیّنات و معجزاتی در درست دارد که ثابت کند از جانب خداوند متعال آمده است.

اما آیا هر فردی که معجزه را دید، مجبور است ایمان بیاورد!؟ قطعا این گونه نیست. انسان‌ها وقتی در مقابل دعوت انبیاء و سفرای الهی قرار می‌گیرند، بایستی حجت بر آن‌ها تمام شود و حقانیت و درستی دعوت الهی را روشن‌تر از آفتاب میان آسمان بیابند و وجدان نمایند. یعنی حجت‌های الهی با ارائه‌ی آیات و بیّنات و معجزات، به روشنی تمام، ثابت می‌کنند که از جانب خداوند متعال آمده‌اند. اما این تازه اول ماجرا است؛ از این به بعد است که انسان‌ها مورد آزمایش و امتحان قرار می‌گیرند. کسانی که ایمان می‌آورند، در دسته‌ی مومنان قرار می‌گیرند و افرادی که از پذیرش حق، سر باز زنند، کافر نامیده می‌شوند.

اما باور بهائی، در اینجا دست به مغلطه زده و کفر کافران را بهانه‌ای برای تضعیف و تخریب جایگاه معجزه قرار می‌دهد. یعنی ادعا می‌کند چون جمعی با روشن شدن حق و دیدن آیات و معجزات، به سفرای الهی ایمان نمی‌آورند، پس معجزه، امری عبث و بیهوده و کم ارزش است! در حالی که ارائه‌ی معجزه و ارایه‌ی آیات و بیّنات به عهده‌ی سفرای الهی است و مردم دقیقا پس از مشاهده‌ی این آیات است که مورد آزمایش و امتحان قرار می‌گیرند. تا قبل از این که سفرای الهی، معجزه‌ای ارائه نکرده‌اند، اصلا بحث ایمان و کفر معنا پیدا نمی‌کند. آزمایش و امتحان خلق، پس از روشن شدن و اثبات حقانیت دعوت، شروع می‌شود.

باور بهائی ذره‌ای انصاف ندارد و باز هم کتمان حقیقت کرده است و هیچ اشاره‌ای به نمونه‌های فراوان ایمان آوردن افراد نمی‌کند که با دیدن معجزات الهی ایمان آورده‌اند! به عنوان مثال، ساحران زمان حضرت موسی (علیه السلام) چه زمانی به دعوت ایشان ایمان آوردند!؟ دقیقا پس از این که معجزات و آیات حضرت موسی (علیه السلام) را مشاهده کردند به یقین رسیدند که ایشان سفیر حضرت حق هستند و به لطف خداوند متعال، توانستند به ایشان ایمان بیاورند.

بنابراین مردم دقیقا پس از مشاهده‌ی آیات و بیّنات و معجزات است که مورد امتحان قرار می‌گیرند و می‌توانند ایمان بیاورند و یا این که راه کفر را انتخاب نمایند. لذا ایمان آوردن و یا کفر ورزیدن انسان‌ها، هیچ خللی به اصالت و ضرورت ارائه‌ی معجزه وارد نمی‌سازد.

نکته‌ی دیگری که باز هم مثل همیشه باور بهائی چشمان خود را بر روی آن بسته و رعایت انصاف نکرده و البته باز هم باعث شده که در دام فضاحت و رسوایی گرفتار شود، سوال و چالشی است که در مورد معجزه‌ی کتاب مطرح می‌شود. برای روشن شدن بطلان این مغالطه، می‌توان از باور بهائی سوال کرد که تکلیف معجزه‌ی کتابی چه می‌شود!؟ آیا همه‌ی کسانی که معجزه‌ی کتابی به آن‌ها عرض شده، به سفرای الهی ایمان آورده‌اند!؟

اگر باور بهائی مدعیست که معجزه‌ی کتابی ارزش و اهمیت خیلی بیشتری نسبت به معجزه‌ی غیرکتابی دارد، بنابراین با نزول قرآن کریم، تمامی مردم عالم بایستی مسلمان می‌شدند! اگر ایمان نیاوردن به سفرای الهی با وجود مشاهده کردن معجزه، دلیل بر بی‌اهمیتی آن باشد، معجزه‌ی کتابی نیز خود نوعی از معجزه است و لذا ارزش و اهمیت معجزه‌ی کتابی به مراتب بیشتر از معجزات غیرکتابی تخریب می‌شود!

اگر بخواهیم بهانه بگیریم که چون مشرکان با دیدن معجزات غیرکتابی، ایمان نیاورده‌اند، لذا معجزه، اهمیت خاصی ندارد، همین موضوع در مورد معجزه‌ی کتابی نیز صادق است! یعنی با دیدن معجزه‌ی کتابی که به ادعای باور بهائی، مهم‌تر و محکم‌تر از معجزه‌ی غیرکتابی است، بایستی همه ایمان بیاورند! یعنی اگر بخواهیم به میزانی که باور بهائی برای بی‌اهمیت جلوه دادن معجزه مطرح کرده به موضوع معجزات کتابی نگاه کنیم، این نتیجه به دست می‌آید که خداوند متعال نبایستی معجزات کتابی نازل بفرماید! چرا!؟ چون کافران با دیدن معجزات کتابی نیز همچنان ایمان نیاورده‌اند! لذا چون کافران با دیدن معجزه‌ی کتابی، همچنان راه عناد و کفر را در پیش گرفته‌اند، پس بر أساس منطق باور بهائی، به طور کلی معجزه چه از نوع کتابی و چه از نوع غیرکتابی آن هیچ ارزشی ندارد!

اگر معجزات غیرکتابی به این بهانه، کم‌اهمیت و بی‌ارزش باشند، معجزات کتابی به طریق اولی بی‌اهمیت‌تر خواهند بود! چون چندین میلیارد جمعیت جهان هنوز به معجزه‌ی کتابی بهاءالله ایمان نیاورده‌اند! البته همان معجزه‌ای که باور بهائی جرات ندارد نسخه‌ی اصلی آن را منتشر نماید.

نهمین نکته در بررسی مباحث مطرح شده از سوی باور بهائی در بحث معجزه

خدای ناتوان باور بهائی و دوری از علم در انکار شق‌القمر

از دیگر نکات جالب توجه می‌توان رویکرد دوگانه و متناقض باور بهائی و تحلیل غیرعلمی نسبت به شق القمر اشاره نمود.

همان گونه که ملاحظه گردید، باور بهائی در گام نخست، وقتی می‌خواهد به تضعیف و تخریب جایگاه معجزه‌ی غیرکتابی بپردازد، در همان ابتدای راه، دچار تناقض‌گویی شده است. زیرا ابتدا از معجزه‌ی شق القمر به عنوان شواهد قطعی که در قرآن و تاریخ آمده یاد می‌کند، اما دقیقاً در جمله‌ی بعدی و در ادامه‌ی نوشتار خود، به طور کلی به جنگ با این شاهد قطعی می‌رود. یعنی از یک طرف به وجود و درستی معجزه‌ی غیرکتابی اعتراف می‌کند و آن را از جمله‌ی شواهد قاطع برمی‌شمارد. ولی بلافاصله شروع به تخریب و تضعیف و انکار آن می‌نماید. برای روشن شدن موضوع، بار دیگر عین عبارات باور بهائی تقدیم حضور می‌گردد:

"مضافاً در خود قرآن مجید و تاریخ اسلام شواهد قاطعی وجود دارد که منکران پیامبران حتی در صورت مشاهده معجزه ظاهری نیز مؤمن نمی شدند و پیامبران را ساحر و جادوگر می گفتند. نمونه بارز آن ادعای شقّ القمر کردن حضرت محمد (ص) است. گفته شده ابوجهل از حضرت محمد (ص) معجزه خواست و حضرت ماه را به دو نیم کردند."

اما بلافاصله پس از این عبارات، به انکار قدرت خداوند متعال و نقض نکته‌ی اول خود اقدام می‌کند. چرا!؟ چون چنین اموری را باب و بهاءالله نمی‌توانند ارائه نمایند و هیچ گاه نیز ارائه نکرده‌اند! به یاد داریم که باور بهائی، اولین نکته‌ی خود را به قدرتمندی خداوند متعال اختصاص داده و ادعا کرده بود این یک تهمت است که به باور بهائی نسبت داده می‌شود که این باور به طور کلی منکر معجزه است. برای روشن شدن موضوع، لازم است که نکته‌ی اول باور بهائی ارائه گردد:

"نکته اول آن که بر عکس ادعای ردیه نویسان علیه دین بهایی، بهائیان معتقدند خداوند بر هر امری و معجزه ای قادر است. یعنی خداوند می تواند معجزه های گوناگون، چه ظاهری و چه باطنی، توسط پیامبران خود آشکار سازد. چه که خدا قدرت مطلق است و هیچ قدرتی برتر از او نیست و همه عالم در دست اقتدار اوست. علت آن هم روشن است، چه که خود او عالم را آفریده است و به حقایق و ذات آن شناخت و احاطه کامل دارد."

با وجود چنین ادعایی که به عنوان اولین نکته مطرح کرده، اما وقتی ناخواسته از شق القمر به عنوان شاهد قطعی در قرآن و تاریخ اسلام، یاد می‌کند، متاسفانه باز مشغول بستن دست‌های خداوند متعال می‌شود و خداوند متعال را در حد یک انسان ناتوان و ضعیف، پایین می‌آورد! در واقع باور بهائی پس از اعترافی که به اصالت و درستی شق القمر می‌کند، بلافاصله در جمله‌ی بعدی رفتاری کاملاً متناقض با نکته‌ی اول و حتی جملات قبلی خود ئر پیش می‌گیرد. یعنی برای تخریب و انکار معجزه شق القمر، انجام آن کردن را مستلزم در دست داشتن شمشیری به طول ۱۵۰ هزار کیلومتر می‌داند!

باور بهائی این چنین به تمسخر آیت الهی می‌پردازد: "آیا شما می توانید یک شمشیر ۱۵۰۰۰۰ کیلومتری را تصور کنید؟!" البته این خدای باور بهائی است که اگر بخواهد ماه را به دو نیم کند، این کار را باید با شمشیری به طول ۱۵۰ هزار کیلومتر انجام دهد! گویا کره‌ی ماه از تسلط خالق خود خارج شده و برای دو نیم کردن آن، باید از شمشیر استفاده نماید! گویا خدای باور بهائی، یک انسان است که تسلطی بر مخلوقات خود ندارد! گویا خدای باور بهائی، محدود به مکان است و برای دستیابی به کره‌ی ماه، نیازمند شمشیری به طول ۱۵۰ هزار کیلومتر است!

این است خدای ضعیف و ناتوان باور بهائی!

بنابراین دیدیم آن چه که باور بهائی در اولین نکته به عنوان یک تهمت از آن یاد کرده بود، حقیقت محض است که خود بدان اعتراف می‌نماید! یعنی این ردیه‌نویسان نیستند که چنین تهمتی را به باور بهائی نسبت می‌دهند. بلکه این خود باور بهائی است که خدایی در حد یک انسان محدود در کره‌ی زمین دارد!

از دیدگاه یک موحد و یکتاپرست، تمام هستی به أراده‌ی خداوند متعال سر پاست و نیست کردن تمام هستی، تنها با اراده‌ی خداوند متعال، قابل انجام است! اگر کره‌ی ماه در مدار خود به دور زمین می‌چرخد، به اراده‌ی خالق خود است! اگر کره‌ی ماه از نعمت وجود برخوردار است، این نعمت به صورت لحظه به لحظه و آن به آن به او و تمام موجودات افاضه می‌شود. بنابراین نصف کردن کره‌ی ماه برای خداوند متعال نه تنها غیرممکن نیست بلکه نیاز به شمشیر ۱۵۰ هزار کیلومتری ندارد و تنها به یک أراده، محقق می‌شود.

اتفاقا ارائه‌ی همین معجزات است که ثابت می‌کند انبیاء و سفرای الهی در دعوت خود صادق هستند! چرا که نظام معمول هستی را می‌توانند به اذن خداوند متعال و قدرتی که او به ایشان عطا فرموده به هم می‌زنند و نشان می‌دهند که از طرف همان کسی آمده‌اند که خالق تمام هستی است! آن کدام مدعی دروغین است که بتواند عصایی را به اژدها تبدیل نماید و سپس آن را به حالت اولیه‌ی خود بازگرداند!؟ آن کدام مدعی است که بتواند پرنده‌ای از گِل بسازد و سپس روح در آن بدمد!؟ آن کدام مدعی است که بتواند مرده‌ای که چند صد سال از مرگ او گذشته را به اشاره‌ای زنده نماید!؟ آن چه کسی است به جز سفیران الهی که بتواند از سنگ سخت، دوازده چشمه جاری سازد!؟ این أمور را معجزه می‌گویند؛ زیرا مدعیان دروغین از ارائه‌ی آن عاجز و ناتوان هستند! و باور بهائی نیز به همین دلیل با معجزه مخالف است! چون رسواکننده‌ی مدعیان دروغین است!

اما انکار معجزه‌ی شق القمر، یک رسوایی علمی دیگر نیز برای باور بهائی به ارمغان آورده است. باور بهائی برای انکار و امکان‌ناپذیر بودن شق‌القمر، به پدیده‌ی جزر و مد اشاره می‌کند: "اگر اندکی ماه از مدار خود خارج شود، آب دریاها همه شهرها را فرو خواهد برد و کما اینکه جزر و مدها در اثر جاذبه ماه رخ میدهند."

دیدیم که این بهانه، علتی جز ناتوان و عاجز دانستن خداوند متعال نداشت. اما این بهانه از نظر علمی نیز باور بهائی را به چالش می‌کشد. جاذبه و اثر ماه بر روی زمین باعث ایجاد جزر و مد می‌شود. البته خورشید نیز در ایجاد این پدیده موثر است ولی اثر ماه به دلیل فاصله‌ی کمتری که دارد، بیش از اثر خورشید است. باور بهائی ادعا کرده که اگر ماه اندکی از مدار خود خارج شود، همه‌ی شهرها به زیر آب خواهند رفت!

آن چه در شق القمر مطرح شده، در درجه‌ی اول، قدرتمندی خداوند متعال است. آن خدایی که آب‌های زمین را در اثر جاذبه‌ی ماه به حرکت درمی‌آورد، نیاز به ماه برای ایجاد این اثر ندارد. یعنی اصل ارائه‌ی معجزه بر این پایه استوار است که سایرین نتوانند آن را با أسباب و محاسبات معمول انجام دهند.

اما حتی اگر از نگاه فیزیکی و مادی نیز به موضوع نگاه کنیم، مشکلی برای شهرها به وجود نخواهد آمد. اگر یک جسم به چند تکه تقسیم شود، در حالی که مرکز ثقل آن همچنان در همان نقطه‌ی اول باشد، اثر آن همانند وضعیتی در نظر گرفته می‌شود که آن جسم به صورت یکپارچه در مرکز ثقل خود داشته است. یعنی اگر ماه به صد تکه هم تقسیم شود ولی مرکز ثقل و برآیند آن‌ها همچنان در همان مرکز ثقل پیشین خود باشد، همان اثر قبلی خود را بر روی زمین می‌گذارد. یعنی شق القمر باعث زیر آب رفتن شهر نمی‌شود.

از این گذشته، اگر باور بهائی اندکی از حدود دامنه‌ی جزر و مد اطلاع داشت، هیچ وقت ادعای زیر آب رفتن شهرها را نمی‌کرد! دامنه‌ی تغییرات جزر و مدها در قسمت‌های مختلف زمین متفاوت است ولی به طور کلی حداکثر در حد چند متر بیشتر نیست. به عنوان مثال در دهانه‌ی رودخانه‌ی بهمنشیر و محل اتصال به خلیج فارس، این دامنه حداکثر حدود سه متر است یعنی تراز سطح آب بین منفی یک و نیم متر تا مثبت یک و نیم متر تغییر می‌کند. آیا باور بهائی از ارتفاع کوه‌های جهان اطلاعی نداشته است!؟ از تراز سطح شهرهای جهان بی‌اطلاع بوده!؟ یا این که هدفش تخریب و انکار آیات الهی است!؟ تغییرات چند متری سطح آب کجا و به زیر آب رفتن تمامی شهرها کجا!؟

آن چه زمین را از زیر آب رفتن حفظ نموده، وجود کوه‌هاست نه وجود ماه! بنابراین ملاحظه می‌گردد که حتی از نگاه فیزیکی و مادی، نصف شدن ماه برای چند لحظه و یا حتی برای مدت طولانی، می‌تواند بدون هیچ مشکلی اتفاق بیافتد. بگذریم از این که أساسا این أمور با هدف نشان دادن قدرت خداوند متعال است. بر خلاف آموزه‌های باور بهائی، مالکیت خداوند متعال بر تمام هستی همواره صادق است و خلق خداوند متعال نمی‌تواند او را عاجز نماید و او به هر کاری قادر است.

دهمین نکته در بررسی مباحث مطرح شده از سوی باور بهائی در بحث معجزه

باز هم حکم به بطلان ادعای انحصار معجزه در کتاب از سوی باور بهائی

باور بهائی، نکته‌ی سوم خود را با جمله‌ای آغاز می‌کند که نقض کننده‌ی ادعای انحصار معجزه در کتاب است که از سوی باب و بهاءالله مطرح شده است. در نکته‌ی سوم می‌خوانیم: "نکته سوم آن که بر خلاف تصور مسلمانان، حضرت محمد- مانند سایر انبیای الهی- ادعای معجزه ظاهری نفرمودند"

اگر دوستان عزیز بهائی دقت نمایند، باور بهائی در اینجا نیز باز هم ناخواسته به وجود معجزات غیرکتابی اعتراف نموده است. به این عبارت دقت بفرمایید: "حضرت محمد- مانند سایر انبیای الهی- ادعای معجزه ظاهری نفرمودند" این عبارت بدان معناست که سایر انبیاء الهی، معجزه‌ی ظاهری و یا به عبارتی، معجزه‌ی غیرکتابی داشته‌اند!

در حالی که دیدیم باب و بهاءالله (لااقل تا زمان نگارش کتاب بدیع) به طور کلی منکر معجزات غیرکتابی هستند! باور بهائی نیز که پیش از این در راه انکار و تضعیف معجزات غیرکتابی بود، در این جمله به اصالت و وجود معجزات غیرکتابی اعتراف می‌کند. به راستی آیا دوستان عزیز بهائی به این تناقض نیاندیشیده‌اند که اگر معجزات غیرکتابی نباشند یا حقانیت دعوت انبیاء الهی بر اساس معجزات غیرکتابی ثابت نشود، بایستی حداقل ۱۲۴ هزار کتاب آسمانی داشته باشیم!؟ یا این که بالاخره کدام ادعا را باید بپذیرند!؟ آیا معجزات غیرکتابی وجود دارند یا ندارند!؟

البته دیدیم که باور بهائی نیز معجزات غیرکتابی را به عنوان دلایل ثانوی مطرح کرده بود و آن را دلیل اصلی و برهانی یقین‌آور به حساب نمی‌آورد! گویا از نظر باور بهائی، بایستی خداوند متعال ۱۲۴ هزار کتاب حداقل نازل بفرماید تا حقانیت و صدق ادعای سفرای خویش را به اثبات برساند!

یازدهمین نکته در بررسی مباحث مطرح شده از سوی باور بهائی در بحث معجزه

معجزات اقتراحی (درخواستی) و باز هم بهانه‌جویی‌های باور بهائی

متاسفانه بارها و بارها دیدیم که باور بهائی برای پیش برد اهداف خود، دست به دامن کافران می‌شود و بهانه‌های آنان را سپر بلای خود می‌سازد. یکی دیگر از این نمونه‌ها، استناد به درخواست‌های کافران برای ارائه‌ی معجزات درخواستی است. در موارد متعددی قرآن کریم به بهانه‌ها و درخواست‌های غیرممکن کافران اشاره می‌فرماید که سفیران الهی به درخواست آن‌ها پاسخ مثبت نداده‌اند و اموری که آن کافران خواسته‌اند را انجام نداده‌اند.

به عنوان مثال به حضرت موسی (علیه السلام) می‌گویند ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم مگر آن که خدا را به چشم خود ببینیم (البقره، ۵۵)! پر واضح است که آنچه با چشم سر دیده شود و به حس در آید، او خدا نیست! بنابراین چنین اموری أساسا امکان ندارد که محقق شود! چنین درخواستی یعنی خداوند متعال را از خدایی انداختن و به حد یک مخلوق و محسوس تنزل دادن! و یا درخواست‌هایی از این دست که یا تحقق آن امکان‌پذیر نیست و یا این که ظاهر نمودن چنین اموری، حقانیتی را به اثبات نمی‌رساند. به عنوان مثال به پیامبر الهی می‌گفتند که ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم مگر این که از زمین برای ما چشمه‌ای جاری بسازی (الاسراء، ۹۰)! یک چاه‌کن نیز می‌تواند با حفر قنات حتی در مناطق کویری چنین کاری را انجام دهد.

آن چه که از عهده‌ی بشر معمولی برنمی‌آید آن است که از یک سنگ سخت، ۱۲ چشمه‌ی جوشان جاری نماید. خداوند متعال در آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی بقره و همچنین آیه‌ی ۱۶۰ سوره‌ی الاسراء تصریح می‌فرماید زمانی که قوم حضرت موسی (علیه السلام) از ایشان درخواست آب کردند، خداوند متعال به حضرت موسی (علیه السلام) فرمود عصای خود را به سنگ بزن تا ۱۲ چشمه از آن بجوشد!

بر عهده‌ی سفیران الهی است که حقانیت خود را ثابت نمایند اما ایشان موظف نیستند که به هر درخواست غیرممکن و نامعقولی پاسخ مثبت دهند یا ندای هر بهانه‌جویی که هدفی جز تخریب ندارد را اجابت نمایند. چرا که گاهی درخواست‌های مشرکان و مخالفان انبیاء الهی با هدف تمسخر و تحقیر و بهانه‌جویی صورت گرفته است. لذا نمی‌توان انتظار داشت که ایشان تمامی درخواست‌های غیرممکن و نامعقول را برآورده سازند.

اما این که به برخی درخواست‌های غیرممکن و نامعقول پاسخ منفی داده شده، دلیل بر انکار معجزات درخواستی و اقتراحی نیست! در بسیاری از موارد، این مردم هستند معجزات درخواستی خود را مطرح نموده و انبیاء الهی بدون هیچ پیش شرطی آن‌ها را به انجام رسانیده‌اند تا حجت بر مردم تمام شود.

از جمله‌ی این موارد می‌توان به جمع هفتاد نفره‌ای اشاره کرد که حضرت موسی (علیه السلام) به میعاد برد و آن‌ها درخواست خود را مطرح کردند و اتفاقا نتیجه‌ی درخواست آن‌ها به اینجا ختم شد که همه‌ی آن‌ها مُردند و خداوند متعال دوباره به درخواست حضرت موسی (علیه السلام) آن‌ها را زنده فرمود!

داستان ناقه و یا همان شتر حضرت صالح (علیه السلام) نیز از همین نوع معجزات اقتراحی و درخواستی است که براساس درخواست قوم ایشان شکل گرفت. در مورد حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز موارد بسیار زیادی گزارش شده است؛ از شهادت دادن درخت تا درخواست شهادت به رسالت از زبان سوسمار! یک عرب بادیه‌نشین برای این که صدق ادعای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بر او ثابت شود، سوسماری را از بیابان می‌گیرد و در آستین خود مخفی می‌کند. سپس به یک باره این سوسمار را نزد حضرت از آستین خود خارج می‌سازد و از ایشان می‌خواهد که اگر شما پیامبر خدا هستی، به این سوسمار بگو که به حقانیت شما شهادت دهد! هدف او نیز این بود که این سوسمار را خودش آورده باشد که مطمئن باشد توسط ایشان تربیت نشده باشد. سوسمار به سخن در می‌آید و به زبانی فصیح، شهادت به رسالت حضرت می‌دهد.

بنابراین اگر در برخی آیات به درخواست‌هایی اشاره شده که انبیاء (علیهم السلام) آن‌ها را ارائه نکرده‌اند، این دلیل بر نادرستی و ناممکن بودن معجزات اقتراحی نیست. زیرا موارد متعدد زیادی دیگری نیز وجود دارد که اتفاقا انبیاء الهی، اقدام به ارائه‌ی معجزات اقتراحی (درخواستی) فرموده‌اند. ولی باور بهائی در این خصوص هم رعایت انصاف را نکرده و اگر به یک سری درخواست‌های ناشدنی و غیرممکن پاسخ مثبت داده نشده، از این مطلب، مصادره به مطلوب کرده و ادعا می‌کند مردم حق ندارند از سفرای الهی درخواست معجزات داشته باشند!

هدف اصلی از این دست و پا زدن‌ها و انکارها، چیزی نیست جز آن که عجز و ناتوانی باب و بهاءالله در ارائه‌ی معجزه را توجیه نمایند. در حالی که بسیاری از معجزاتی که انبیاء الهی به خصوص حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) ارائه فرموده‌اند، به صورت اقتراحی و بر اساس درخواست مخاطبان بوده است. درخواست شق‌القمر، تنها یک نمونه از همین درخواست‌هاست.

دوازدهمین نکته در بررسی مباحث مطرح شده از سوی باور بهائی در بحث معجزه

عدم توانایی سخن گفتن به همه‌ی زبان‌ها

حال که سخن از معجزات اقتراحی به میان آمد، می‌توان به یکی دیگر از نشانه‌ی بسیار روشن و مهم سفرای الهی اشاره نمود. حجت الهی بایستی بتواند پیام خود را به مردم برساند. لذا بر حجت خدا لازم و واجب است که بتواند به تمامی زبان‌ها و گویش‌ها تسلط داشته باشد و به اذن خداوند متعال بتواند با هر کسی به زبان و لهجه‌ی خودش گفتگو نماید. در واقع یکی از راه‌های شناخت حجت خدا نیز همین خصوصیت است. یعنی هر کسی حق دارد که از حجت خدا بخواهد با زبان و گویش خودش با او سخن بگوید.

اگر به منابع و نصوص امری مراجعه شود، ثابت می‌شود که نه تنها باب و بهاءالله ادعای توانایی صحبت به همه‌ی زبان‌ها را نداشته‌اند، بلکه دقیقا تصریح نموده‌اند که زبان خلق را نمی‌فهمند و به مترجم نیاز دارند! به عنوان مثال می‌توان به صفحات ۳۰۹ و ۳۱۰ کتاب خاطرات نه ساله، نوشته‌ی یونس افروخته اشاره نمود که بهاءالله به این عجز خود اعتراف می‌کند!

این چه حجتی است که خدای باور بهائی فرستاده که حتی زبان خلق را هم نمی‌فهمد و نیازمند مترجم است! به فرض محال اگر فرض شود که خود بهاءالله دارای مقام عصمت باشد، مترجم او که معصوم نیست! چه تضمینی وجود دارد که آن مترجم در کار خود عصمت داشته باشد!

از این گذشته، عدم توانایی به سخن گفتن به همه‌ی زبان‌ها، حجت خدا را همیشه محتاج و نیازمند مترجم می‌نماید! آن هم مترجمان معصوم! اگر مترجمی یافت نشود، پیام الهی به گوش مردم و مخاطبان نمی‌رسد! لذا این نقص در مورد تمامی مدعیان دروغین و از جمله باور بهائی و بهاءالله صدق می‌نماید. نمونه‌ای دیگر از مصادیق این عجز و ناتوانی بهاءالله را می‌توان در صفحه‌ی ۳۰۶ کتاب نفحات ظهور حضرت بهاءالله مشاهده نمود که عبدالغفار اصفهانی را به عنوان مترجم بهاءالله معرفی می‌کند.

"عبدالغفار اصفهانی یکی دیگر از همراهان در سفر اسلامبول بود که او تنها شخص در میان تبعیدشدگان بود که بخوبی به زبان ترکی صحبت می‌نمود و بنابراین در تمام طول سفر بعنوان مترجم خدمت می‌کرد"

فرض کنید این عبدالغفار یا مترجم دیگری با بهاءالله نباشد! در این صورت چگونه پیام الهی به مردم می‌رسد!؟ تا زمانی که بهاءالله نتواند مترجم مورد اعتمادی پیدا کند، نبوت و رسالت ایشان به هیچ دردی نمی‌خورد! این چگونه رسولی است که نمی‌تواند با خلق خدا ارتباط برقرار نماید!؟

عبدالغفّار اصفهانی یکی دیگر از همراهان در سفر اسلامبول بود او تنها شخص در میان تبعید شدگان بود که بخوبی بزبان ترکی صحبت می نمود و بنابر این در تمام طول سفر بعنوان مترجم خدمت می کرد عبدالغفّار یکی از

صفحه‌ی ۳۰۶ کتاب نفحات ظهور حضرت بهاءالله و اعتراف به ناتوانی سخن گفتن بهاءالله به زبان خلق!

عدم آگاهی به زبان و لهجه‌ی خلق خدا، ایجاب می‌کند همواره گروهی از مترجمان معصوم به تمامی زبان‌ها همراه حجت خدا حضور داشته باشند! یعنی ارسال رسول و سفیر الهی به تنهایی کافی نیست و خداوند متعال بایستی همواره گروهی از مترجمان معصوم و تایید شده‌ی خودش را نیز همراه حجت خویش قرار دهد! در حالی که هیچ پیامبری و هیچ حجتی نیاز به مترجم نداشته و نخواهد داشت! آن سفیری که نتواند با خلق خدا ارتباط برقرار کند و زبان آن‌ها را نفهمد و مردم نیز زبان او را نفهمند، چگونه می‌تواند حقانیت خود و تعالیم الهی را به خلق برساند!؟

چالش عدم تسلط به همه‌ی زبان‌ها در باور بهائی که بیشتر بر کتابی بودن معجزه تاکید دارد، پر رنگ‌تر می‌شود. چرا که مردم برای دیدن و مشاهده‌ی معجزات غیرکتابی نیاز به دانستن زبان حجت خدا ندارند ولی بر اساس ادعای باب و بهاءالله که معجزه بایستی از جنس کتاب و محتوا باشد، این معجزه جز از طریق دانستن زبان طرف مقابل محقق نمی‌شود! در واقع اگر باب و بهاءالله و باور بهائی ادعا می‌کند که معجزه بایستی فقط از جنس کتاب باشد، ایشان بیش از حجت‌های الهی که دارای معجزات غیرکتابی هستند نیازمند به دانستن تمامی زبان‌ها هستند! چرا که به ادعای خودشان باید محتوا و کتاب ارائه کنند! ارائه‌ی کتاب برای کسی که زبان باب و بهاءالله را نمی‌فهمند و باب و بهاءالله هم زبان او را نمی‌فهمند، چه فایده‌ای دارد!؟

سیزدهمین نکته در بررسی مباحث مطرح شده از سوی باور بهائی در بحث معجزه

تعیین پیش شرط‌های غیرممکن و محال

یکی از موارد نقضی که در مقالات پیشین تقدیم حضور شد، ادعای داشتن معجزه‌ی غیرکتابی توسط بهاءالله بود که مدارک آن پیش از این تقدیم حضور گردید. خلاصه این که بهاءالله بر خلاف ادعای انحصار معجزه در کتاب، در اینجا ادعا می‌کند که می‌تواند معجزه‌ی غیرکتابی نیز ظاهر نماید ولی انجام آن را به یک شرط محال و نشدنی گره می‌زند. در حالی که حجت‌های الهی بدون پیش شرط این أمور را انجام می‌دهند.

در اینجا نیز باور بهائی برای این که نشان دهد بهاءالله هم توانایی ارائه‌ی معجزه‌ی غیرکتابی را داشته، همین داستان را نقل می‌کند. باور بهائی ادعا می‌کند که اگر همه‌ی علمای عراق جمع شوند و یک معجزه را درخواست کنند، ایشان شخصی را می‌فرستد تا آن معجزه را ظاهر نماید.

اولین سوالی که در ذهن را به خود مشغول می‌کند، تقسیم‌بندی عالم از جاهل است؛ باید سوال شود که منظور از علمای عراق چه کسانی هستند!؟ بر چه اساسی می‌توان تمام علمای عراق را مشخص و جدا کرد!؟ شاید بتوان گفت که همه‌ی مردم بهره‌ای از علم دارند و به نوعی عالم محسوب می‌شوند. آیا همه‌ی مردم عراق باید در یک جا جمع شوند!؟ یا این که از نظر باور بهائی، مردم عادی حق دیدن آیات و معجزات الهی را ندارند!؟ آیا مگر غیر از این است که بر همه‌ی مردم به صورت مستقل بایستی اتمام حجت شود!؟

میزبان این اجتماع چند میلیونی، چه کسی خواهد بود؟ آیا شهرها بایستی خالی از سکنه شوند و مردم باید زندگی خود را تعطیل کنند و در یک جا جمع شوند و سپس فقط یک درخواست واحد را مطرح نمایند!؟ اگر این فرد دروغگو بود، تکلیف چیست!؟ این وظیفه‌ی سفیران الهی است که حجت را بر مردم تمام کنند نه این که مردم یک سره به دنبال مدعیان دروغین از این شهر به آن شهر بروند و در یک جا جمع شوند و یک درخواست واحد داشته باشند! تکلیف افراد سالخورده و کسانی که نمی‌توانند در آن محل جمع شوند، چه می‌شود!؟ و چالش‌های بسیار زیاد دیگری از این نوع را می‌توان فهرست نمود که ناممکن بودن این پیش شرط را به اثبات می‌رساند.

از این گذشته، بر چه اساسی مردم باید یک جا جمع شوند!؟ به چه دلیل باید مردم زندگی خود را تعطیل کنند و اجتماع چند میلیونی تشکیل دهند!؟ چه تضمینی به راست بودن این دعوت و ادعا وجود دارد!؟ اگر آن فردی که بهاءالله فرستاد، نتوانست معجزه را ظاهر سازد، تکلیف این همه ضرر و زیان چه می‌شود؟

اگر چنین شرطی منطقی است، هر کسی می‌تواند ارائه‌ی معجزه را به چنین شرطی منوط کند؛ یعنی ادعا کند که ای مردم اگر همه‌تان در یک جا جمع شدید و یک درخواست واحد را مطرح کردید، من آن معجزه را ظاهر می‌کنم و در غیر این صورت پشت گوش‌تان را دیده‌اید، معجزه از من دیده‌اید!

چقدر به دور از عقل و غیرمنطقی است چنین پیش‌شرط‌هایی! در کجا سفیران الهی چنین شرطی گذاشته‌اند!؟

چهاردهمین نکته در بررسی مباحث مطرح شده از سوی باور بهائی در بحث معجزه

من آنم که رستم بود پهلوان

شاید این ضرب المثل را شما هم بارها شنیده باشید. معمولا از این ضرب المثل در جایی استفاده می‌شود که فردی بخواهد خود را پشت افتخارات و کمالات دیگران مخفی کند.

بی‌شک نکته‌ی هفتم باور بهائی در انکار معجزات انبیاء و سفرای الهی، مصداق کاملی از چنین رویکردی است. به چه دلیل باور بهائی ادعا می‌کند کتاب‌های بهاءالله، معجزات ایشان است در حالی که حتی جرات انتشار نسخه‌ی اصلی ایقان (یعنی بزرگـترین معجزه‌ی بهاءالله) را هم ندارد!؟ پاسخ باور بهائی این است که چون خداوند متعال به قرآن کریم تحدی فرموده، پس کتاب‌های باب و بهاءالله نیز معجزه هستند! بر این أساس هر نویسنده‌ای می‌تواند آثار خود را معجزه بنامد و پشت تحدی خداوند متعال به قرآن مخفی شود! یعنی اگر از او سوال شود که به چه دلیل ادعا می‌کنی که کتاب‌های تو معجزه است، می‌تواند بر اساس همین پاسخ باور بهائی پاسخ بدهد چون قرآن معجزه است!

خالی از لطف نخواهد بود که برای روشن شدن موضوع، ابتدا عین مغالطه‌ی باور بهائی ارائه شود:

"حضرت محمد درخواست آیات و معجزات ظاهری را رد فرمودند. اما در عوض در آیه دیگری چنین آمده است: «قُل لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَن يَأْتُواْ بِمِثْلِ هَذَا الْقرآن لاَ يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» یعنی بگو ای پیغمبر که اگر جن و انس متفق شوند که مانند این قرآن کتابی بیاورند، هرگز نمی توانند؛ هرچند همه پشتیبان یکدیگر باشند. حضرت باب و حضرت بهاءالله نیز همین استدلال را آورده اند."

باید از باور بهائی پرسید این که خداوند متعال به قرآن کریم تحدی فرموده، چه ارتباطی به آثار باب و بهاءالله دارد!؟ آیا خداوند متعال به آثار باب و بهاءالله تحدی فرموده یا به قرآن کریم!؟

باب و بهاءالله نیز داخل در گروه انسان‌ها هستند. خداوند متعال می‌فرماید اگر انس و جن جمع شوند و بخواهند کتابی مثل قرآن بیاورند، نمی‌توانند! اگر باور بهائی به این آیه استناد می‌کند و آن را وحی الهی می‌داند، یعنی بطلان باورهای بابی و بهائی! یعنی امکان ندارد که بهاءالله بتواند کتابی همانند قرآن کریم بیاورد! به یاد داریم که قرآن کریم را خداوند متعال نازل فرموده ولی آثار بهاءالله را خودش نازل کرده است!

بگذریم

سپس باور بهائی به یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن کریم اشاره می‌کند و به نوعی معجزه بودن قرآن را ثابت می‌کند ولی بلافاصله مشابه مغالطه‌ای که در مورد ادعای معجزه بودن آثار باب و بهاءالله مطرح کرد، ادعا می‌کند که معجزه‌ی بهاءالله نیز به همین صورت است. یعنی چون قرآن کریم، معجزه است، پس کتاب‌های باب و بهاءالله نیز معجزه است! بر این أساس همان گونه که پیش از این بیان گردید، هر نویسنده‌ای می‌تواند ابتدا معجزه بودن قرآن را ثابت کند و سپس ادعا کند کتاب‌های من نیز به همین دلیل معجزه است! چون قرآن معجزه است، پس کتاب‌های من نیز معجزه است!

قرآن کجا و آثار باب و بهاءالله کجا!؟

در مقالات گذشته به این موضوع اشاره شد که باور بهائی جرات نمی‌کند آثار باب را به صورت رسمی و تایید شده منتشر نماید و تا کنون هیچ یک از آثار وی را به صورت تایید شده منتشر نکرده است! اگر آثار باب واقعا معجزه

بود و اعجاز علمی داشت، چرا جرات نمی‌کند افتخار انتشار آثار و معجزاتی که بشر قادر نیست همانندی برای آن بیاورد را نصیب خود نماید!؟

زیرا باور بهائی خودش بهتر از هر مرجع دیگری می‌داند که نشر افکار تروریستی و وحشتناک‌تر از داعش باب، نه تنها افتخار به حساب نمی‌آید بلکه تبعات بدتری دارد؛ نظیر این که عزیزان بهائی متوجه این مطلب می‌شوند که باب هیچ گاه ادعای امام دوازدهم بودن نداشته یا این که بهاءالله بر أساس ده‌ها نشانه‌های که باب برای موعود پس از خود مشخص نموده، نمی‌تواند موعود بیان باشد و ...

غلط‌های فراوان ادبی به کنار، برخی از آثار باب به گونه‌ای است که احدی معنی کلمات آن را نمی‌داند! کجای آثار باب را می‌توان معجزه دانست!؟ کجای احکام غیر عقلایی آن را می‌توان معجزه به شمار آورد!؟

از آثار و معجزات باب بگذریم.

آثار بهاءالله نیز وضعیتی مشابه معجزات باب دارد! اعظم و بزرگ‌ترین معجزه‌ی بهاءالله، چیزی نیست جز کتاب ایقان، کتابی که نسخه‌ی اصلی آن به خط خود عبدالبهاء نوشته شده و به تایید و تصحیح بهاءالله رسیده است (مدارک این موضوع پیش از این در همین مقاله تقدیم حضور شد). اما چرا باور بهائی جرات نمی‌کند نسخه‌ی اصلی کتاب ایقان را به بشریت عرضه نماید!؟ در حالی که ادعا می‌کند نسخه‌ی اصلی آن در کوه کرمل موجود است! چرا جرات نمی‌کند نسخ خطی یا چاپ سنگی قبل از سال ۱۳۱۸ هجری قمری آن را منتشر نماید!؟

وقتی بزرگ‌ترین معجزه‌ی بهاءالله چنین وضعیتی دارد، تو خود حدیث مفصل بخوان از دیگر آثار وی!

بنابراین تحدی خداوند متعال به قرآن کریم و معجزه بودن کلام الهی، هیچ سودی و هیچ ارتباطی به ادعای معجزه بودن آثار باب و بهاءالله ندارد! آثاری که وقتی از آنها در مورد محتوا و پیام سوال می‌کنی که چه بحث معرفتی بدیع و آموزه‌ی اخلاقی جدیدی آورده‌ای، پاسخ می‌دهد که أساس ادیان الهی یکی است و ابدا تغییر نمی‌کند و رسالت باور بهائی، چیزی نیست به جز به‌روزرسانی احکام. وقتی به سراغ احکام باور بهائی می‌رویم که چه نظام‌نامه‌ای برای اداره‌ی جهان داری، پاسخ می‌دهد این ظهور برای احکام ظاهره نیامده است!؟

همان گونه که بیان گردید، باور بهائی برای اثبات معجزه بودن قرآن کریم به نمونه‌هایی از اشتباهات موجود در نظریات بشری اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که قرآن کریم، سخن درستی را بیان فرموده و گذر زمان این موضوع را ثابت کرده و بطلان نظریات بشری را به اثبات رسانیده است. از این جنبه، باور بهائی و آثار باب و بهاءالله چه ارمغانی برای بشریت به همراه داشته است!؟ باز هم هیچ!

پس محتوای آثار بهائی از چه نظر معجزه است!؟ کجای این آثار غیرقابل انتشار را باور بهائی معجزه می‌داند!؟ نه از نظر معارف الهی و اخلاقیات، نه در جنبه‌ی احکام و قوانین و نه در حیطه‌ی علوم بشری! به راستی کجای این آثار را می‌توان معجزه نامید در حالی که حتی خود باور بهائی جرات انتشار نسخه‌ی اصلی بزرگ‌ترین معجزه‌ی بهاءالله را ندارد!

پانزدهمین نکته در بررسی مباحث مطرح شده از سوی باور بهائی در بحث معجزه

امتحان حق یا آزمون خلق!؟

نکته‌ی دهم و خاتمه دهنده‌ی مباحث باور بهائی، مغلطه‌ی دیگری است که در اینجا نیز به عنوان حسن ختام به آن پرداخته می‌شود. باور بهائی در آخرین نکته‌ی خود ادعا می‌کند این خداوند متعال است که خلق را آزمایش می‌نماید و اگر کسی درخواست معجزه کند، این درخواست به منزله‌ی آن است که او می‌خواهد خدا را آزمایش کند! آن قدر این مغلطه، بی‌أساس و کودکانه است که ۳۲ کلمه بیشتر به آن مجال جولان نمی‌دهد! یعنی خیلی کمتر از ۱ درصد! برای روشن شدن مطلب، عین عبارت باور بهائی تقدیم حضور می‌گردد:

"نکته دهم آن که حق باید خلق را امتحان کند، نه خلق حق را. بنابراین طلب معجزه از مصدر امر به منزله امتحان حق است و تکبر ورزیدن به در درگاه او."

نکته‌ی اول این که باور بهائی ادعا می‌کند درخواست معجزه به طور کلی (چه از نوع کتابی و چه از نوع غیرکتابی) تکبر ورزیدن به درگاه الهی است! بسیار خوب، اگر درخواست معجزه به طور کلی غلط و اشتباه است، پس چرا خدای باورهای بابی و بهائی در مقابل این درخواست مردم سر تسلیم فرود آورده‌اند!؟ چرا در داستان‌های مربوط به ایمان آوردن افراد به باب، بارها ادعا می‌کند که از باب درخواست معجزه کردند و او آیاتی را نازل کرد!؟ مگر غیر از این است که تمام مباحثی که باور بهائی مطرح کرده بود در راستای معرفی معجزه‌ی باور بهائی است!؟ البته تلاش بی‌حاصل خود را به کار بسته بود که نشان دهد معجزه باید از جنس کتاب باشد و باب و بهاءالله نیز کتاب‌های زیادی دارند پس پیامبرند! اما به هر حال تمام تلاش بیش از ۵۰۰۰ کلمه‌ای باور بهائی با هدف اثبات داشتن معجزه برای برای باب و بهاءالله صورت گرفته بود.

اگر درخواست معجزه، تکبر ورزیدن به درگاه خداوند متعال است، چرا خدای باور بهائی این درخواست را قبول کرده و تسلیم تکبر ورزیدن بندگان خود شده است!؟ باور بهائی که این دیدگاه را نسبت به معجزه دارد، باید در همان نکته‌ی اول به این موضوع مهم اشاره می‌نمود که از دیدگاه باور بهائی، درخواست معجزه مساوی است با تکبر ورزیدن به آستان الهی لذا کسی حق درخواست معجزه ندارد!

اما نکته‌ی مهم‌تر این که هدف از درخواست معجزه، امتحان کردن خداوند متعال نیست! بلکه آزمون و صحت‌سنجی ادعای مدعیانی است که می‌گویند از جانب خداوند متعال آمده‌اند! راه شناخت حجت‌های الهی چیست!؟ خداوند متعال با صراحت و تاکید می‌فرماید آیات و بیّنات! ولی باور بهائی می‌گوید نباید درخواست معجزه کرد!

اگر این ادعای باور بهائی درست باشد، انسان باید سر تسلیم در مقابل هر صاحب ادعایی فرود آورد و حق ندارد از او گواه صدق مطالبه نماید! درخواست معجزه، چیزی نیست جز طلب کردن گواه صدق و نشان راستی! از مدعیان سفارت الهی درخواست معجزه می‌کنیم تا گرفتار مدعیان دروغینی که فاقد این گواه صدق هستند نشویم!

اگر کتاب ایقان، بزرگترین معجزه‌ی جناب بهاءالله است، این گوی و این میدان! اگر باور بهائی در ادعای خود صادق است، نسخه‌ی اصلی کتاب ایقان که در مقالات پیشین دیدیم ادعا کرده به دست خود جناب عبدالبهاء نگاشته شده و هم اکنون در کوه کرمل نگه‌داری می‌شود را ارائه نماید!

نه تنها باور بهائی جرات انتشار نسخه‌ی اصلی و نسخ‌های خطی و چاپ سنگی قبل سال ۱۳۱۸ قمری را ندارد، بلکه بر مباحثی دیدیم که جناب بهاءالله در همین کتاب ایقان بارها به وجود امام دوازدهم شیعیان یعنی حضرت محمد بن الحسن العسکری (علیهما السلام) اعتراف می‌کند! اعتراف به وجود شخصیت نازنینی می‌کند که اصل کتاب را با هدف انکار وجود ایشان نگاشته است!

بخش دیگری از چالش‌های اصلی کتاب ایقان و تناقضات آن در مقالات ابتدایی همین بخش تقدیم حضور گردید که علاقه‌مندان می‌توانند به مباحث مقالات آغازین همین موضوع یعنی معجزه مراجعه فرمایند.

باور بهائی که دستان باب و بهاءالله را همانند تمامی مدعیان دروغین، خالی از معجزه (چه از نوع کتابی و چه از نوع غیرکتابی) می‌بیند، مجبور است به چنین ریسمان پوسیده‌هایی چنگ بزند تا شاید جمعی را همراه نماید.

دروغ‌هایی که باور بهائی به عنوان توجیه در نداشتن معجزه ارائه نموده و تناقضاتی که در آن گرفتار شده، بیش از مباحثی است که در این نوشتار تقدیم حضور گردید. لکن به جهت حفظ اختصار به همین پانزده محور اکتفا می‌گردد. این پانزده نکته در کنار ده‌ها تناقضی که در مقالات پیشین همین موضوع تقدیم حضور گردید (۲۰ مقاله)، به لطف خداوند متعال، دستان خالی از معجزه و برهان و آیه و بیّنه‌ی باب و بهاءالله را رو می‌کند و هر گونه تردید و ابهامی در غیرالهی بودن این باورها را از نگاه معجزه به اثبات می‌رساند.

به راستی چگونه و بر چه اساسی انسان می‌تواند خود را اسیر و سرگردان چنین باورهای باطلی نماید!؟ باورهایی که هیچ نشانه‌ی صدقی به همراه ندارند!

منبع: https://www.hassanershad.com/3031

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۳

بررسی معجزه و چگونگی اثبات حقانیت پیامبران الهی از دیدگاه جناب باب و بهاءالله!

دلیل و معجزه‌ی جناب باب چه امری بوده و ایشان چه دلیلی برای اثبات ادعای خود ارائه نموده است!؟

چرا باور بهائی هیچ گاه معجزه و دلیل جناب باب را منتشر نمی‌کند!؟

چرا آیات الهی را مخفی می‌نماید!؟

مغالطه‌ی جناب باب در منحصر دانستن معجزه در کتاب!

پیش از این در بخش‌های گذشته به ضرورت و لزوم ارائه‌ی آیه و بیّنه از سوی مدعی رسالت از دیدگاه قرآن، روایات پرداخته شد و همچنین بدیهی و عقلانی بودن این موضوع به اثبات رسید و مشخص گردید که خداوند متعال تصریح فرموده رسولان خویش را با دلایل بسیار روشن و غیرقابل تردیدی می‌فرستد که برای مردم به هیچ وجه جای شک و شبهه‌ای در الهی بودن دعوت آن‌ها باقی نگذارد! یعنی فرستادگان الهی، به تصریح خداوند متعال می‌بایست دلایل بسیار روشنی در دست داشته باشند تا حجت بر مردم تمام شود و احدی در پیامبر بودن ایشان ذره‌ای تردید نداشته باشد!

چرا که البَیِّنه علی المُدَّعی؛ کسی که ادعایی می‌کند بر اوست که دلیل و برهان بر صدق ادعای خویش اقامه نماید!

و از جمله‌ی دلایلی و برهان‌هایی که باید فرد مدعی ارائه نماید، بحث تطابق با علائم و نشانه‌هایی است که خداوند متعال و سفیران الهی قبل برای موعود حقیقی بیان فرموده‌اند! اگر دوستان عزیز بهائی با همین معیار بسیار مهم و روشن‌کننده که خداوند متعال و سفیران الهی بیان فرموده‌اند و مدعیان دروغین بر همین اساس به سادگی شناخته می‌شوند به جناب باب و بهاءالله بنگرند، به روشنی آفتاب میان روز خواهند یافت که نه جناب باب موعود اسلام است و نه جناب بهاءالله موعود بیان!

نه جناب میرزا علی‌محمد فرزند میرزا محمدرضای بزاز را می‌توان محمد (علیه السلام) پسر امام حسن عسکری (علیه السلام دانست، و نه نشانه‌ها و علائمی که جناب باب برای موعود پس از خود برشمرده را می‌توان در وجود جناب بهاءالله سراغ گرفت!

از ساده‌ترین نشانه‌ها و علائم هم که شروع کنیم، یعنی نسب‌نامه‌ی امام دوازدهم شیعیان، مشخص می‌شود وصی دوازدهم پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) کسی نیست به جز محمد پسر حسن (علیهما السلام) و لذا قطعا میرزا علی‌محمد فرزند محمدرضا نمی‌تواند موعود اسلام باشد! کما این که جناب باب نیز هیچ گاه خودش را امام

دوازدهم شیعیان نخوانده و هیچ ادعایی در این زمینه نداشته است! جناب باب در این خصوص فقط و فقط ادعای قائمیت به معنای عام کرده و نه بیشتر! در مباحثی در چندین مقاله به این موضوع پرداخته شده است.

جناب باب نیز خود برای موعود پس از خویش، نشانه‌هایی برشمرده که ده‌ها علامت و نشانه‌ی آن با جناب بهاءالله مطابقت نمی‌نماید! حدود بیست مورد از این تعارضات نیز در مقالات تقدیم حضور گردیده است!

حال اگر یک فرد مدعی واجد علائم و نشانه‌های ذکر شده توسط سفرای الهی باشد، تازه این اول راه است و ادعای او قابلیت بررسی را پیدا می‌کند! اگر واجد علائم و خصوصیاتی که خداوند متعال و سفرای الهی پیشین بیان فرموده‌اند نباشد که در همان ابتدا تکلیف او مشخص است و کذب و دروغگو بودن او ثابت می‌شود و نیازی به بررسی ادعاهای او نیست! آن چه نزد اهل ایمان اصالت دارد و صحت آن پذیرفته شده، کلام خداوند متعال است و حجت‌های او! نه خداوند متعال و نه سفیران او هیچ گاه آدرس غلط نمی‌دهند و قصد گمراه کردن بندگان را ندارند!

نمی‌توان تصور کرد که خداوند متعال موعود بعدی را نشناسد یا مشخصات او را به غلط در اختیار سفیران خود قرار داده باشد! وقتی همان خدایی که موعود حقیقی را انتخاب فرموده، خودش نشانه‌های آن را از طریق سفیرانش به انسان‌ها تذکر می‌دهد، دیگر مجالی برای بررسی ادعای مدعیانی که فاقد این خصوصیات هستند نمی‌رسد! بنابراین با توجه به همین علائم و نشانه‌هاست که بسیاری از مدعیان دروغین به سادگی شناخته می‌شوند!

بگذریم و به موضوع آیات و بیّنات حجت‌های الهی باز گردیم.

عقل سلیم حکم می‌کند خداوند متعال از باب لطف خویش فرستادگانی را جهت تذکر و هدایت می‌فرستد تا انسان‌ها را از رضا و خشنودی و غضب خالق خویش را به آن‌ها تذکر دهد. اما آیا هر فردی که ادعای رسالت کرد، ادعای او الزاماً قرین به صحت است!؟ چگونه مدعی کاذب از پیامبر صادق بازشناخته می‌شود!؟ این وظیفه‌ی مدعی است که ادعای خود را ثابت نماید و قطعا بدون برهان قاطع و دلیل بسیار روشن، نمی‌توان ادعای رسالت را از مدعیان این مقام پذیرفت! برهانی قاطع و بسیار روشن لازم دارد که جای هیچ شک و شبهه‌ای را باقی نگذارد!

فارغ از این که باور اصیل خاتمیت با سه محور خاتمیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، جاودانگی قرآن و پایداری اسلام و همچنین امامت و استمرار هدایت الهی و وجود هادی در هر عصر و زمان، راه را بر هر گونه ادعای بدیعی در خصوص آوردن دین بدیع بر بسته و نادرستی توجیهات باور بهائی در این خصوص در بیش از ۹۰ مقاله در مباحثی به اثبات رسید و مجالی برای طرح ادعای بدیع پیامبری باقی نمی‌گذارد، لکن حتی اگر فرض شود که موضوعی به نام خاتمیت وجود نداشت و امکان داشت که پیامبری بعد از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرستاده شود، اصالت و صداقت مدعی رسالت چگونه به اثبات می‌رسید!؟

باور بهائی مدعیست که پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، شخص دیگری به نام میرزا علی‌محمد شیرازی به رسالت مبعوث گردیده است. (مدارک و مستندات ادعای رسالت جناب باب از دیدگاه باور بهائی در ادامه ارائه می‌گردد.) صرف نظر از باورهای اصیل خاتمیت، مهدویت، امامت و قائمیت که هیچ مجالی برای طرح ادعای بدیع باقی نمی‌گذارد، اگر فرض شود که جناب باب با هیچ یک از این موانع روبرو نبود و مجالی برای ادعای رسالت ایشان باقی می‌ماند، در این صورت دلیل، گواه و معجزه‌ی جناب باب بر اثبات ادعای رسالتش چه بود!؟

بگذریم از این که جناب باب در هیچ جایی ادعای رسالت هم نکرده است!

اگر دوستان عزیز بهائی بدون توجه به تمامی چالش‌هایی که جناب باب (و حتی بهاءالله) برای طرح ادعاهای متناقض خود یعنی بابیت، قائمیت، رسالت و خدایی، با آن روبروست به این مسأله نگاه کنند و به فرض محال، فرض شود که امکان آمدن پیامبر جدیدی نیز وجود داشته باشد، آیا تا کنون به این موضوع بسیار با اهمیت و مهم توجه کرده‌اند که باور بهائی چه دلیلی بر اثبات حقانیت جناب باب ارائه نموده است**!؟** معجزه و گواه صدق جناب باب از نگاه و منظر باور بهائی چه بوده است**!؟**

پرداختن به معجزه و دلیل حقانیت جناب باب و بهاءالله، دریچه‌ی دیگری از حقیقت را به روی دوستان عزیز بهائی می‌گشاید که شاید کمتر از این منظر به پایه و اساس باورهای خود نگریسته باشند!

البته همان گونه که پیش از این در مباحث قبلی نظیر مباحث ذیل شبهه‌ی شماره‌ی ۶- بدان پرداخته شد، جناب باب از سال ۱۲۶۰ تا سال ۱۲۶۴ هجری قمری (ادعای قائمیت و نوشتن کتاب بیان) هیچ ادعایی به جز نیابت امام دوازدهم شیعیان، حضرت محمد بن الحسن العسکری (علیهما السلام) نداشته و در چندین مقاله به این موضوع پرداخته شده که باور بهائی به دروغ، ادعای قائمیت جناب باب را به معنای ادعای امام دوازدهم بودن مطرح نموده در حالی که به هیچ وجه صحت ندارد و جناب باب هیچ گاه خود را امام دوازدهم شیعیان یعنی محمد بن الحسن العسکری (علیهما السلام) نخوانده است! یعنی نه تنها چسباندن ادعای رسالت به جناب باب در آغاز امر به طور کلی غلط و نادرست است، بلکه حتی ادعای امام دوازدهم کردن نیز تهمتی بزرگ است که باور بهائی به دروغ به جناب باب نسبت داده است.

با وجود همه‌ی این مشکلات و نادیده انگاشتن تمامی این موارد، از چند جنبه می‌توان به بررسی دلایل مورد استناد جناب باب در اثبات ادعای خویش پرداخت؛

نخست از دیدگاه خود جناب باب می‌توان به این موضوع نگریست که از نظر ایشان، معجزه‌ی یک پیامبر از چه جنسی باید باشد و معجزات تمامی پیامبران الهی از چه جنسی بوده است!؟

شاید برای دوستان عزیز بهائی جالب توجه باشد که جناب باب دقیقاً بر خلاف تصریح خداوند متعال، به هیچ وجه معجزه‌ی غیرکتابی را دلیل و گواه بر پیامبری فرستادگان الهی نمی‌داند! از آن جا که دست جناب باب از ارائه‌ی

کارهای خدایی و خارق عادت و اموری که از عهده‌ی بشر خارج باشد و نشان دهد که شخص مدعی رسالت، از جانب خالق این جهان آمده، خالی است، لذا به طور کلی تمامی معجزات پیامبران الهی را فقط و فقط منحصر در کتاب می‌داند و ادعا می‌نماید که معجزه‌ی پیامبران، فقط و فقط از جنس کتاب است و لاغیر! و هیچ معجزه و دلیل غیرکتابی را جناب باب قبول نداشته و تمامی معجزات و آیات و بیّناتی که خداوند متعال برای انبیاء و فرستادگان خویش برمی‌شمارد را تاویل می‌نماید!

حال آن که از دیدگاه قرآن کریم و معارف اهل بیت (علیهم السلام) در میان انبیاء الهی، تنها و تنها پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بودند که بزرگ‌ترین معجزه و معجزه‌ی جاویدان ایشان، کتاب بوده است و مابقی انبیاء الهی ابتدا با انجام کارهای خدایی که خارج از نظام طبیعت و خارق عادت بوده، پیامبری خود را ثابت می‌نمودند و سپس کتاب آسمانی و احکام الهی را به مردم عرضه می‌داشتند.

این امور یعنی معجزات پیامبران الهی به قدری روشن و آشکار بوده‌اند که مردم با دیدن این نشانه‌ها به یقین می‌رسیدند که این امور جز از عهده‌ی فرستاده خداوند متعال برنمی‌آید. و پس از اثبات مقام رسالت و نبوت، کتاب الهی و تعالیم حضرت حق جل و اعلی را به مردم عرضه می‌داشتند. البته پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) چند هزار معجزه‌ی غیرکتابی نیز داشته‌اند لکن معجزه‌ی جاویدان ایشان و معجزه‌ای که به کار امروز بشر می‌آید، قرآن کریم می‌باشد و تنها پیامبری هستند که کتابشان، دلیل بر پیامبری ایشان است. در بخش قبل، بحث مختصری در حجیت قرآن تقدیم حضور گردید و معجزه بودن این کتاب الهی به اثبات رسید.

اما متاسفانه جناب باب دست به مغلطه‌ی دیگری زده و از این نکته که قرآن کریم، معجزه و دلیل بسیار روشن بر اثبات حقانیت رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است، مصادره به مطلوب نموده و تمامی سایر معجزات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را انکار نموده و سپس آن را به خود تعمیم داده و معجزه‌ی خود را آوردن کتاب معرفی می‌کند!

حال آن که اولا حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) در زمان خود چند هزار معجزه‌ی غیرکتابی ارائه فرموده‌اند که نه تنها جناب باب از آوردن یک نمونه همانند آن عاجز بوده، بلکه به طور کلی معجزات غیرکتابی ایشان را انکار می‌نماید.

دوم این که کتاب بودن یکی از معجزات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، دلیل بر این نیست که معجزه‌ی جناب باب هم باید از جنس کتاب باشد!

حتی اگر فرض شود که دلیل حقانیت جناب باب منحصر در کتاب باشد، با این فرض چگونه می‌توان آثار جناب باب را معجزه نامید در صورتی که باور بهائی جرأت نداشته که حتی برای یک مرتبه این معجزات را به صورت رسمی منتشر نماید!؟ قرآنی که تلاش مسلمانان انتشار و پخش آن است کجا و آثار جناب باب که باور بهائی جرأت انتشار آن را ندارد کجا!؟ در بخش‌های بعدی به این موضوع بر اساس مستندات مربوطه پرداخته می‌شود.

اما به جهت رعایت انصاف، نبایستی سخنی را بدون دلیل به جناب باب نسبت داد. لذا می‌بایست در اولین گام این موضوع ثابت شود که آیا واقعا جناب باب چنین نظری داشته و از نظر ایشان تنها دلیل پیامبری و نبوت ایشان، منحصر است در کتاب!؟ آیا واقعا جناب باب ادعا کرده که نبوت ایشان به چیزی غیر از طریق کتاب قابل اثبات نیست!؟ برای روشن شدن موضوع می‌توان به باب اول از واحد ثانی کتاب بیان فارسی با عنوان "فی بیان معرفه الحجه و الدلیل" مراجعه نمود.

در صفحه‌ی ۱۲ کتاب بیان فارسی و در همان باب چنین می‌نگارد: "در کور نقطه‌ی بیان (یعنی دوران خود جناب باب) ... خداوند عالم حجت او را مثل حجت رسول خدا در نفس آیات قرار داده ... و در این کور خداوند عالم به نقطه‌ی بیان آیات و بینات خود را عطا فرموده و او را حجت ممتنعه بر کل شی قرار داده و اگر کل علی الارض جمع شوند نمی‌توانند آیه به مثل آیاتی که خداوند از لسان او جاری فرموده اتیان نمایند و هر ذی روحی که تصور کند به یقین مشاهده می‌کند که این آیات از شأن بشر نیست بلکه مخصوص خداوند واحد احد است که بر لسان هر کس که خواسته جاری فرموده"

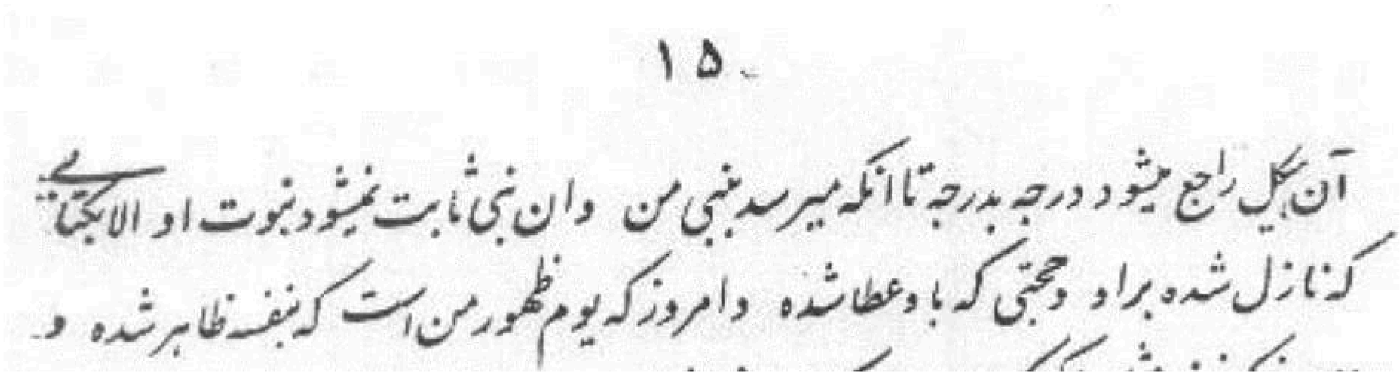
بعینه الا آنچه از مظاهر آیات الله و کلمات آن ظاهر میگردد زیرا که حینی که خداوند ذکر مؤمن میفرماید
خلق او بآن میشود و حینی که دون حروف علیین نازل میفرماید خلق ارواح آن باون میشود این است
سر آنکه آیات الله حجت است بر کل خلق و اعظم بینات و اکبر ظهورات است بر اثبات قدرت او
و علم او و شبهه نیست که در کور نقطه بیان افتخار اولوا الالباب بعلم توحید و دقایق معرفت و
شئونات ممتنعه نزد اهل ولایت بوده از این جهت خداوند عالم حجت او را مثل حجت رسول خدا
در نفس آیات قرار داده و در علو توحید و سمو تجرید کلماتی از لسان او جاری فرموده که هر ذا روح
توحیدی نزد او خاشع شده الا کسی که درک نماید آنچه او با محبوب خود تکلم فرموده و شئون حکمیه
و علمیه مالانهایه از نزد او ظاهر فرموده که غیر الله قدر آن را ندانسته و عارف نگشته اگرچه ظهور
شمس حقیقت بنفسها مسدد کل کملات است از علو عرفان او و لیکن بچیزیکه خداوند در او گذاشته
از آیات و کلمات خود مجذب کل موجودات است بضیاء آثار خود بل یکن له من عدل لیعرف
او من کفو لینعت به او من شبه لیشبه به او من قرین یقترن به او من مثال یماثل به فسبحان الله عن
ذلک تسبیحا عظیما اذ لا یری فیه الا الله و انا کل له عابدون و در این کور خداوند عالم بنقطه بیان
آیات و بینات خود را عطا فرموده و او را حجت ممتنعه بر کل شیئ قرار داده و اگر کل ما علی الارض
جمع شوند نمیتوانند آیه بمثل آیاتیکه خداوند از لسان او جاری فرموده اتیان نمایند و هر
ذی روحی که تصور کند بیقین مشاهده میکند که این آیات از شأن بشر نیست بلکه مخصوص خداوند
واحد احد است که بر لسان هر کس که خواسته جاری فرموده و جاری نفرموده و نخواهد فرمود
الا از نقطه مشیت زیرا که او است مرسل کل رسل و منزل کل کتب و هرگاه این امری بود
که از قوه بشر ظاهر میشد از حین نزول قرآن تا حین نزول بیان که هزار و دویست و هفتاد سال
گذشت باید کسی بآیه اتیان کرده باشد با وجودی که کل با علو قدرت خود خواستند که اطفاء

صفحه‌ی ۱۲ از نسخه‌ی ۳۲۸ صفحه‌ای بیان فارسی

انکار معجزات غیر کتابی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) توسط جناب باب و ادعای وی مبنی بر این که معجزه‌ی
فقط و فقط از جنس کتاب است!

همان گونه که ملاحظه گردید، جناب باب در اینجا به صراحت اعلام نموده که معجزه‌ی من از جنس معجزه‌ی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است و اگر تمامی کسانی که بر روی زمین هستند جمع شوند، نمی‌توانند یک آیه به مانند آیات ایشان بیاورند!!! آیا باور بهائی حاضر است این تحدی جناب باب را به گوش جهانیان برساند!؟ آیا حاضر است فقط و فقط یک مرتبه آثار جناب باب را منتشر نماید!؟ آیا باور بهائی به خود جرأت می‌دهد که اول و اعظم و اکبر دلیل بر حقانیت جناب باب را در اختیار دوستان عزیز بهائی قرار دهد!؟

اما در صفحه‌ی ۱۵ کتاب بیان فارسی با صراحت بیشتری به انحصاری بودن معجزه در کتاب تصریح می‌نماید: "و آن نبی ثابت نمی‌شود نبوت او الا به کتابی که نازل شده بر او" یعنی از دیدگاه جناب باب، نبوت نبی اساساً به چیزی غیر از کتاب ثابت نمی‌شود. البته در بخش‌های بعدی مدارک و مستنداتی ارائه می‌گردد که جناب باب این حرف خود را نقض کرده است!

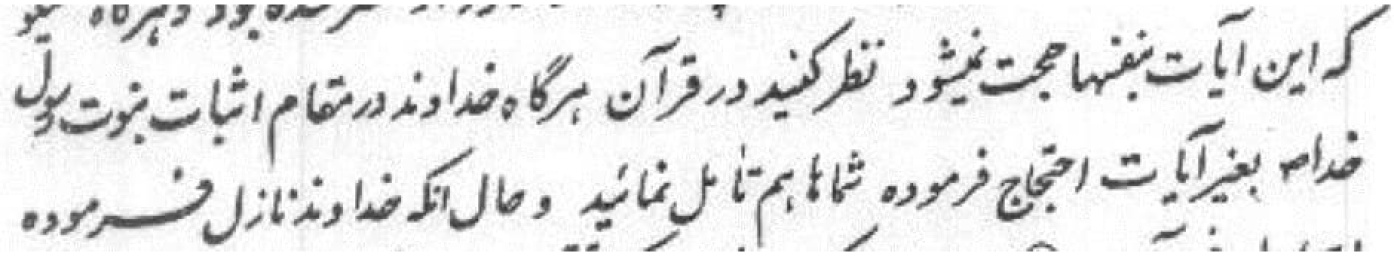

۱۵
آن بکل راجع میشود درجه بدرجه تا آنکه میرسد بنبی من وان نبی ثابت نمیشود نبوت او الا بکتابی
که نازل شده براو وحجتی که باو عطا شده وامروز که یوم ظهور من است که بنفسه ظاهر شده و

صفحه‌ی ۱۵ کتاب بیان فارسی

ادعای عجیب جناب باب در خصوص اثبات نبوت: نبوت به چیزی جز کتاب ثابت نمی‌شود!!! آیا تمام انبیا الهی باید دار
ثابت می شود!؟

تا این که در صفحه‌ی ۱۷ کتاب بیان فارسی چنین می‌آورد: "نظر کنید در قرآن هر گاه خداوند در مقام اثبات نبوت رسول خدا ص به غیر آیات احتجاج فرموده شماها هم تامل نمائید" یعنی بر خلاف آیات قرآن کریم که برخی از

معجزات غیرکتابی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را بیان نموده و در نقطه‌ی مقابل بیان معصومین (علهیم السلام) که بیش از چهار هزار معجزه‌ی غیرکتابی از ایشان را گزارش داده‌اند، جناب باب مدعی است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) هیچ معجزه‌ی دیگری غیر از کتاب ندارد! یعنی معجزه از نظر جناب باب، بایستی فقط و فقط کتاب باشد و تنها به کتاب بایستی احتجاج نمود و هیچ راه دیگری از نظر ایشان برای اثبات پیامبری وجود ندارد!


که این آیات بنفسها حجت نمیشود نظر کنید در قرآن هرگاه خداوند در مقام اثبات نبوت رسول
خدا ص بغیر آیات احتجاج فرموده شما ها هم تأمل نمائید و حال آنکه خداوند نازل فرموده

صفحه‌ی ۱۷ بیان فارسی

ادعای دروغ جناب باب مبنی بر این که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) معجزه‌ای غیر از کتاب نداشته‌اند!!! کریم را ببیند!؟

اما این ادعا را جناب باب از کجا آورده و به چه دلیل ادعا می‌کند که دلیل نبوت بایستی فقط منحصر در کتاب باشد!؟ چرا آیاتی که به معجزات غیرکتابی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تصریح دارند را انکار نموده و تاویل می‌کند!؟

اگر به چند جمله بعد از فقرات بالا مراجعه گردد، ملاحظه می‌شود که جناب باب باز هم دست به دامن تکنیک استفاده از مغلطه زده و به آیه‌ای که خداوند متعال در مورد کفایت قرآن به عنوان دلیل حقانیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بیان فرموده استناد می‌کند و به طور کلی منکر معجزه‌ی غیرکتابی برای تمامی انبیاء الهی می‌گردد!!! و سپس کفایت قرآن برای اثبات حقانیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را به خود تعمیم می‌دهد و خود را مخاطب آیه قرار می‌دهد که برای من هم ارائه‌ی کتاب کافی است!

این که کتاب قرآن بزرگ‌ترین دلیل بر حقانیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است، جای تردید و شک و شبهه‌ای ندارد! قطعا و یقیناً بزرگ‌ترین معجزه‌ی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، کتابی است که ایشان از جانب خداوند متعال آورده‌اند.

اما نکته اینجاست که اولاً خود قرآن معجزه است و مردم با مراجعه به همین قرآن است که می‌یابند پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رسول صادق و پیامبر راستین خداوند متعال است. در حالی که آثار جناب باب نه

تنها معجزه نیست، بلکه آن قدر از معجزه و برهان فاصله دارد که باور بهائی حتی برای یک مرتبه حاضر نشده است که مثلا بزرگ‌ترین کتاب جناب باب را منتشر نماید!

دوم این که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) معجزات و آیات و بیّنات غیرکتابی بسیار زیادی به همراه داشتند و به تصریح روایات، ایشان واجد معجزات تمامی انبیاء گذشته بوده‌اند و تعداد معجزات حضرت را چند هزار بیان فرموده‌اند! آیا جناب باب، معجزه‌ی شق القمر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در قرآن کریم را ندیده است!؟

استناد و استدلال جناب باب در انحصار معجزه به کتاب از انتهای صفحه‌ی ۱۷ شروع می‌شود:
"و در مقام کفایت کتاب نازل فرمود أَ وَ لَمْ یَکْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنٰا عَلَیْکَ اَلْکِتٰابَ یُتْلٰی عَلَیْهِمْ إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَرَحْمَةً وَ ذِکْریٰ لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ و جائی که خداوند شهادت داده به کفایت کتاب به نفس آیات چگونه کسی می‌تواند بگوید کفایت نمی‌کند حجیت کتاب به نفسه"

... شده بود و هرگاه میگو
که این آیات بنفسها حجت نمیشود نظر کنید در قرآن هرگاه خداوند در مقام اثبات نبوت رسول
خدا بغیر آیات احتجاج فرموده شماها هم تأمل نمائید و حال آنکه خداوند نازل فرموده
ما یجادل فی آیات الله الا الذین کفروا فلا یغررک تقلبهم فی البلاد کذبت قبلهم قوم نوح و
همت کل امة برسولهم لیاخذوه وجادلوا بالباطل لیدحضوا به الحق فاخذتهم فکیف کان عقاب
و کذلک حقت کلمة ربک علی الذین کفروا انهم اصحاب النار و در مقام کفایت کتاب

نازل فرموده اولم یکفهم انا انزلنا علیک الکتاب یتلی علیهم ان فی ذلک لرحمة و ذکری لقوم
یومنون و جائیکه خداوند شهادت داده بکفایت کتاب بنفس آیات چگونه کسی میتواند بگوید
کفایت نمیکند حجیت کتاب بنفسه و اگر گفته میشود در آیات آنچه اولین گفتند از دوش بیرون

انتهای صفحه‌ی ۱۷ و ابتدای صفحه‌ی ۱۸ بیان فارسی

مغالطه‌ی جناب باب در انکار معجزات غیرکتابی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)

معنای آیه مورد استناد جناب باب بدین شرح است: آیا برای آنان کافی نیست که این کتاب را بر تو نازل کردیم که پیوسته بر آنها تلاوت می‌شود؟! در این، رحمت و تذکّری است برای کسانی که ایمان می‌آورند (العنکبوت، ۵۱).

همان گونه که خود جناب باب نیز معترف است، صحبت از کفایت است نه انحصار! خداوند متعال نفرموده که تو هیچ معجزه و دلیلی به جز قرآن به همراه نداری! بلکه دقیقا بر خلاف استفاده‌ای که جناب باب به ناحق از این آیه نموده، در مواضع متعددی خداوند متعال به معجزات غیرکتابی حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) تصریح فرموده و در این آیه نیز بحث کفایت قرآن را مطرح می‌فرماید نه انحصار آن را. کما این که معجزات غیرکتابی حضرت که در زمان‌های گذشته انجام شده و فقط اخبار آن به ما رسیده، برای ما حجت نیست و حجیت قرآن برای بشر امروز از کفایت لازم و کافی برخوردار است!

اگر حجیت قرآن از کفایت لازم برخوردار نبود، امروز حجت بر بشر تمام نمی‌شد! آری، برای بشر همین کتاب قرآن برای اثبات حقانیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) کافی است. اتفاقا چند آیه قبل از همین آیه‌ی مورد استناد جناب باب، یعنی آیه‌ی ۴۸ سوره‌ی عنکبوت به یکی از وجوه اعجاز بودن قرآن اشاره شده است.

چرا قرآن معجزه است!؟ زیرا "وَ مٰا كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتٰابٍ وَ لاٰ تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذاً لاَرْتٰابَ اَلْمُبْطِلُونَ (العنکبوت، ۴۸) تو هرگز پیش از این کتابی نمی‌خواندی، و با دست خود چیزی نمی‌نوشتی، مبادا کسانی که در صدد (تکذیب و) ابطال سخنان تو هستند، شک و تردید کنند!

دین و کتاب قرآن کریم با این گستره از تعالیم، آموزه‌ها، علوم و دستورات دقیق فردی و اجتماعی که هیچ لحظه‌ای از زندگی انسان را بدون برنامه نگذاشته را فردی از دل تاریک‌ترین صفحات تاریخ بشر، یعنی از دوران جاهلیت شبهه جزیره‌ی عربستان آورده که هیچ گاه کتابی را نخوانده و هیچ گاه با دست خود چیزی ننوشته است!

یعنی این دین و کتاب جامع و کامل توسط فرد درس ناخوانده‌ای آمده و در سرزمینی نازل شده که چیزی از مقوله‌ی علم و فرهنگ در آن زمان و مکان وجود نداشته است!

آری، خداوند متعال در خصوص کفایت این کتاب به عنوان دلیل بر الهی بودن دعوت رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:"أَ وَ لَمْ يَكْفِهِمْ أَنّٰا أَنْزَلْنٰا عَلَيْكَ اَلْكِتٰابَ" آیا برای مخاطبان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) کافی نیست که ما بر تو چنین کتابی را نازل کردیم!؟ تنها و تنها صحبت از کفایت قرآن به عنوان حجت و دلیل و گواه صادق بر دعوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است!

به هیچ وجه صحبتی از انحصار معجزه در کتاب به میان آمده و به هیچ وجه نفرموده معجزات پیامبران بایستی فقط و فقط از جنس کتاب باشد! به هیچ وجه نفرموده که تو فقط و فقط واجد همین یک معجزه هستی بلکه در آیات دیگر دقیقا به برخی دیگر از معجزات نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) تصریح می‌فرماید.

جناب بهاءالله نیز تا زمان نگارش کتاب ایقان که به ادعای باور بهائی، اعظم دلیل بر پیامبری ایشان است، دقیقاً با جناب باب هم رأی و نظر بوده و عقیده‌ی یکسانی داشته و ادعا می‌کند که انبیا الهی هیچ کدام معجزه‌ی

غیرکتابی ندارند و دلیل نبوت یک پیامبر، منحصر در معجزه‌ی کتابی است و تمامی معجزات پیامبران را تاویل می‌کند.

به عنوان مثال جناب بهاءالله در صفحه‌ی ۶ کتاب ایقان، بر خلاف کلام روشن خداوند متعال در قرآن، همان راه جناب باب را در پیش می‌گیرد؛ گویا نه جناب باب و نه جناب بهاءالله هیچ گاه معجزات تماما غیرکتابی انبیاء الهی را ندیده‌اند!!! هر چه خداوند متعال تصریح فرموده مثلا حضرت موسی (علیه السلام) با ۹ آیه و دلیل بسیار روشن به رسالت مبعوث فرموده و برخی از این ۹ معجزه‌ی غیرکتابی را برمی‌شمارد یا زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی (علیه السلام) و یا سایر معجزات تماماً غیرکتابی انبیاء خویش را بیان فرموده، گویا نه جناب باب آن‌ها را دیده و نه جناب بهاءالله! متاسفانه جناب بهاءالله تمامی معجزات غیرکتابی انبیاء الهی که همگی غیرکتابی هستند را تاویل نموده و یا به عبارت صحیح‌تر به این صورت در واقع انکار نموده است:

"تا نوبت به موسی رسید و آن حضرت به عصای امر و بیضای معرفت از فاران محبت الهیه با ثعبان (افعی، مار بزرگ) قدرت و شوکت صمدانیه از سینای نور بعرصه ظهور ظاهر شد"

۱۲ در همه‌ء رسائل و کتب مذکور است. و بعد زمان او منقضی شد تا نوبت به موسی[۱] رسید و آن حضرت به عصای امر و بیضای معرفت از فاران محبّت الهیّه با ثعبان قدرت و شوکت صمدانیّه از سینای نور به عرصه‌ء ظهور ظاهر شد و جمیع من فی الملك را به ملکوت بقا و اثمار شجره‌ء وفا دعوت نمود. و

۱- سوره‌ء هود، آیه‌ء ٦١-٦٢

٦

صفحه‌ی ۶ کتاب ایقان

نمونه‌ای از انکار معجزات غیرکتابی انبیاء الهی توسط جناب بهاءالله! جناب بهاءالله در واقع تمام آن چه خداوند متعال بیا

پر واضح است که بر خلاف ادعای جناب باب و بهاءالله، صرف ارائه و آوردن کتاب، دلیل بر حقانیت و صدق گفتار مدعی نیست و معجزات انبیاء گذشته نیز نه تنها منحصر در کتاب نبوده بلکه معجزه‌ی هیچ کدام از انبیاء الهی گذشته از جنس کتاب نبوده است!

اگر این گونه باشد و معجزه فقط و فقط منحصر در کتاب باشد، از یک طرف جمع کثیری از انبیاء الهی که فاقد کتاب هستند، هیچ راهی برای اثبات ادعایشان وجود نخواهد داشت و از طرف دیگر نیز بسیاری از دانشمندان و نویسندگان را می‌بایست پیامبر نامید!!! شهرت و آوازه‌ی کتاب‌هایی همچون شاهنامه‌ی فردوسی کجا و آثار مخفی نگه‌داشته‌ی جناب باب کجا!؟ یعنی باور بهائی ارزش آثار جناب باب را حتی در حد یک دیوان شعر هم نمی‌داند و از انتشار آن امتناع می‌ورزد!

به غیر از چند پیامبر انگشت‌شمار که صاحب کتاب بوده‌اند، مابقی ۱۲۴ هزار پیامبر الهی هیچ کدام کتاب الهی نداشتند!!! نبوت ایشان چگونه ثابت می‌شود!؟

اگر معجزه و دلیل پیامبری جناب باب فقط و فقط منحصر است در کتاب‌های ایشان، این آیات و آثار کدامند و چه محتوایی دارند که به ادعای باور بهائی، عقل از سر مخاطبان خود می‌ربوده و ایشان را مدهوش و بی‌هوش می‌نموده!؟ در بخش بعدی به لطف خداوند متعال به اوصافی که باور بهائی برای آثار جناب باب برشمرده اشاره می‌گردد و بیان خواهد گردید که چرا باور بهائی آثاری با این اوصاف و تعاریف را منتشر نمی‌نماید!؟

آن تاثیرات عجیب و غریبی که باور بهائی برای کتاب‌های جناب باب برشمرده، ذهن آدمی را به خود مشغول می‌دارد که بالاخره محتوای این کتاب‌ها چه بوده است که چنین می‌توانسته انسان‌ها را بی‌هوش و مدهوش نماید!؟ حقیقت آن است که باور بهائی، فقط و فقط به توصیف و تعریف از آثار جناب باب در حد ادعا اکتفا می‌کند و هیچ گاه این آثار را در اختیار بشر قرار نمی‌دهد! تاکنون باور بهائی جرات نکرده که محتوای این آثار عجیب و غریب جناب باب را منتشر نماید و فقط سعی می‌کند با حلوا حلوا کردن، توهم شیرین شدن دهان را در ذهن دوستان عزیز بهائی حفظ نماید!

در نوشتار آتی به لطف خداوند متعال به این همین موضوع پرداخته خواهد شد.

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۴

وقتی شاهد جناب باب علیه او شهادت به بطلان باورهای بابی و بهائی می‌دهد!!!

بی‌پایه و اساس بودن ایمان تمامی حروف حی!!!

حروف حی به کدام ادعای جناب باب ایمان آورده‌اند!؟ بابیت یا قائمیت!؟

بی‌اطلاعی پیروان جناب باب از ادعاهای وی و بازگشت آن‌ها!

این قسمت:شاهد و ناصر جناب باب یعنی ملا عبدالخالق یزدی!

آیا دوستان عزیز بهائی از جایگاه ملا عبدالخالق یزدی نزد جناب بهاءالله اطلاع دارند!؟

کسی که از دیدگاه جناب بهاءالله نام او در لوح الهی محفوظ بوده، مهتدی و از علمای راشدین، فضلای کاملین و فقهای بالغین بوده و از نفوس قدسیه به حساب آمده، از ادعای قائمیت جناب باب بی‌اطلاع بوده و از وی رویگردان می‌شود!

در بخش‌های گذشته به ضرورت ارائه‌ی آیه و بیّنه و معجزه اشاره گردید و ثابت شد کسی که مدعی است از جانب خداوند متعال آمده، بایستی دلیل بسیار روشن و گواه صادق یا همان معجزه به همراه داشته باشد تا مردم بتوانند به طور قطع و یقین به الهی بودن ادعای او پی ببرند.

در ادامه به حجیت و معجزه بودن قرآن پرداخته شد و در نهایت مشخص گردید از آن جا که جناب باب قادر به ارائه‌ی معجزه و برهان قاطع برای اثبات ادعای خود نبود، منکر معجزات غیرکتابی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گردیده و تمامی چند هزار معجزه‌ی غیرکتابی حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) را انکار نمود.

حال آن که تعداد زیادی از معجزات غیرکتابی ایشان و سایر انبیاء الهی را خداوند متعال در قرآن کریم بیان فرموده است! در نهایت جناب باب با انکار معجزات غیرکتابی، خود را به جای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) مخاطب آیه‌ی ۵۱ سوره‌ی عنکبوت قرار داد و ادعا نمود که برای اثبات حقانیت من نیز همین کتابی که آورده‌ام از کفایت لازم برخوردار است!

جناب بهاءالله نیز تا زمان نگارش کتاب ایقان دقیقا بر همین عقیده‌ی جناب باب بوده و تمامی معجزات غیرکتابی پیامبران الهی را تاویل نموده و هیچ کدام را قبول ندارد که مدارک آن پیش از این ارائه گردید.

همچنین بیان گردید که تمامی انبیاء الهی، به استثناء پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم)، ابتدا ادعای نبوت و رسالت خود را با ارائه‌ی آیات و بیّنات و معجزات به اثبات می‌رساندند و سپس احکام الهی و کتاب آسمانی را به مردم عرضه می‌نمودند. اگر به ادعای جناب بهاءالله در ایقان و جناب باب در بیان، معجزه و دلیل پیامبری یک پیامبر، منحصر در کتاب بود و حقانیت پیامبر تنها از طریق کتاب به اثبات می‌رسید، در این صورت نبوت جمع کثیری از پیامبران الهی که صاحب کتاب مستقل نبوده‌اند هیچ گاه به اثبات نخواهد رسید.

قطعا معجزات غیرکتابی پیامبران الهی که در زمان‌های گذشته بوده، برای ما حجت نیست؛ چرا که آن آیات و بیّنات به بشر امروز عرضه نگردیده است. تنها پیامبری که یکی از معجزات و البته بزرگـترین معجزه و دلیل پیامبری او همان کتابی بوده که آورده، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشند. حجیت و معجزه بودن قرآن نیز در بخش‌های گذشته ارائه گردید و ثابت شد که چگونه در عصر حاضر قرآن کریم حقانیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) را به اثبات می‌رساند.

به لطف خداوند متعال در این بخش به موضوع جایگاه معجزات جناب باب، آثار و تاثیرات عجیب و غریب آن‌ها در مخاطبین از دیدگاه باور بهائی پرداخته می‌شود و به این چالش اساسی در باور بهائی پرداخته خواهد شد که چرا باور بهائی با وجود ذکر چنین آثار عجیبی برای کتب جناب باب، هیچ گاه جرأت نکرده که این معجزات جناب باب را به صورت رسمی منتشر نماید!

اگر کتاب‌های جناب باب واقعا معجزه‌ی او بوده و الهی بودن و صداقت ادعای او بر اساس کتاب‌هایش به اثبات می‌رسد، پس چرا باور بهائی جرات نمی‌کند معجزات جناب باب را به صورت رسمی و تایید شده منتشر نماید!؟ به خصوص اولین آثار جناب باب که معجزه بودن آن‌ها بیش از سایر کتابهای وی موضوعیت دارد.

اگر این آثار یا همان معجزات جناب باب، دارای چنان آثار خاصی بوده که علمای بسیاری را متحول ساخته، چرا این کتاب‌ها باور بهائی را به صورت رسمی و تایید شده منتشر نمی‌نماید تا هم عزیزان بهائی با حقیقت و واقعیت ادعاهای جناب باب آشنا شوند و هم مسلمانان با دیدن این آیات بتوانند به ایشان ایمان بیاورند!؟

کتاب قرآن که حجت و دلیل بر پیامبری رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است، پس از هزار و چهارصد سال هنوز هم برهان قاطع و معجزه‌ی الهی به حساب می‌آید! اما اگر کتب و آثار جناب باب نیز معجزه‌ی ایشان است، چرا باور بهائی به هیچ وجه تمایل ندارد که دوستان عزیز بهائی به این آثار دست یابند!؟

حقیقت آن است که اگر این آثار منتشر شوند از یک طرف دوستان عزیز بهائی در خواهند یافت که بسیاری از مطالبی که باور بهائی به جناب باب نسبت داده، کاملاً خلاف واقع و دروغ است و از طرف دیگر متحریان حقیقت می‌یابند که این آثار خالی از آن آثار عجیبی هستند که برای آن‌ها در منابع بهائی برشمرده شده است.

بر همین اساس در این بخش به جایگاه معجزات جناب باب از دیدگاه باور بهائی و آثار و تاثیراتی که برای کتاب‌های ایشان در منابع بهائی برشمرده شده پرداخته می‌شود.

چگونگی ایمان آوردن اولین پیروان جناب باب!

اولین سوال این است که نخستین مومنین به جناب باب چه کسانی بوده‌اند و ایشان بر چه اساسی به او ایمان آورده‌اند!؟ آن معجزه و دلیلی که تمامی مومنان به جناب باب از او دیده‌اند چه بوده است که سبب ایمان و ایقان به وی گردیده است!؟ چه چیزی باعث شده که حجت را بر پیروان اولیه‌ی جناب باب تمام کند و ایشان را ایجاب نماید که جناب باب، پیامبر خداست و بایستی به او ایمان بیاورند!؟ اگر ایمان اولین پیروان باب بر اساس عقل و دلیل و برهان بوده، پاسخ این سوال طبیعتاً چیزی نباید باشد جز همان گواه و دلیل و معجزه‌ی جناب باب!

بر اساس آموزه‌های باورهای بابی و بهائی، از اولین مومنین به جناب باب با نام حروف "حی" یاد می‌شود؛ یعنی هجده نفر به علاوه‌ی خود جناب باب که جمعاً به عدد نوزده می‌رسد و معادل ابجد حروف کلمه‌ی "حی" می‌باشد. جالب اینجاست که به اعتراف منابع باور بهائی، ۱۶ نفر و به استناد دانشنامه‌ی آزاد ویکی‌پدیا، ۱۷ نفر از این هجده نفر بر اساس خواب ایمان آورده‌اند و هیچ معجزه و دلیل کتابی از جناب ندیده‌اند!!!

یعنی ایمان این ۱۷ نفر از ۱۸ نفر حروف حتی تنها بر پایه‌ی خواب بوده و لاغیر!!! مگر جناب باب و بهاءالله (تا زمان نگارش کتاب ایقان) بر این ادعا نبودند که حقانیت یک پیامبر فقط و فقط بر اساس کتاب ثابت می‌شود!!!؟؟؟ پس چرا این هسته‌ی اولیه، به چیزی غیر از کتاب ایمان آورده‌اند!؟ چرا بدون دلیل به جناب باب ایمان آورده‌اند!؟ مدارک این بحث در بخش بعدی تقدیم حضور می‌گردد.

این هفده نفر نه دلیل تقریر دیده‌اند و نه خواندن کتاب جناب باب باعث ایمان آوردن آن‌ها شده است!!! پس ایمان این عده بر چه اساسی بوده است!؟ فقط و فقط خواب!!!

در مباحثی بررسی دلایل باور بهائی پرداخته شد. در مقاله ای مشاهده گردید ابوالفضل گلپایگانی در آغاز فصل ثالث کتاب فرائد در صفحه‌ی ۶۱ تصریح می‌نماید که: "دلیل تقریر اکبر دلیلی است که علمای اعلام در تفریق بین الحق و الباطل به آن تمسک جسته‌اند و در کتب و مصنفات خود به آن مبسوطا و مفصلا استدلال فرموده‌اند" وی در صفحه ۷۶ همین کتاب مجددا تاکید می‌نماید که: "به اندک تأمل معلوم می‌شود که اگر از دلیل تقریر صرف نظر شود ابداً تفریق بین الحق والباطل ممکن نباشد"

به راستی اگر به ادعای جناب گلپایگانی، "اگر از دلیل تقریر صرف نظر شود ابداً تفریق بین الحق والباطل ممکن نباشد" این هفده نفر از جمع هجده نفره‌ی پیروان اولیه‌ی جناب باب بر چه اساسی به ایشان ایمان آورده‌اند!؟ جایگاه خواب در کجای دلیل تقریر قرار می‌گیرد!؟

همان گونه که می‌دانیم، پیروان جناب باب در ایران سه جنگ داخلی (نیریز، طبرسی و زنجان) به راه انداختند و جمع زیادی از ایرانیان را به خاک و خون کشیدند! اگر از این هسته‌ی اولیه سوال شود که به چه دلیل زن و بچه‌ی بی‌گناه این مرز و بوم را کشتید، چه پاسخی می‌دهند!؟ فقط یک پاسخ! بر اساس خوابی که دیده‌ایم!!!

از این گذشته، شواهد موجود حکایت از آن دارد که حتی اولین پیروان جناب باب نیز گویا از ادعای اصلی وی هیچ گاه مطلع نبوده‌اند!!! یعنی نه تنها ایمان ایشان بر اساس خواب بوده و بدون دلیل به جناب باب ایمان آورده‌اند، بلکه حتی از اصل ادعای جناب باب نیز بی‌اطلاع بوده‌اند!

به عنوان مثال ملاّعبدالخالق که از اولین مومنین به ادعای بابیت جناب باب بوده و حتی جان پسر خودش را هم در این راه فدای جناب باب می‌نماید و جناب باب نیز از او در دو جا به عنوان شاهد بر رسالت خود یاد نموده، پس از آگاهی از ادعای قائمیت جناب باب (نه امام دوازدهم و نه پیامبری و نه خدایی)، که مدعی گردیده بود "انا القائم الحقّ الّذی انتم بظهوره توعدون" (یعنی من همان قائمی هستم که شما به ظهور او وعده داده شده‌اید) لوح را به کناری انداخت و فریاد زد ای داد که پسرم بناحقّ کشته شد و دست از پیروی جناب باب برداشت و دیگران را نیز از این راه بازداشت!

آری، ملا عبدالخالق یزدی کسی است که به ادعای نصرت الله محمد حسینی در صفحه‌ی ۳۷۸ کتاب حضرت باب، جناب باب او را ناصر امر الهی نامیده و مهم‌تر این که وقتی جناب باب نامه ای به محمد شاه می‌نویسد، ایمان ملا عبدالخالق را به عنوان شاهد بر مدعای خود آورده است!!!

طلبیده است (۱۵). حضرت باب در پاسخ عریضهٔ ملاّعبدالخالق او را ناصر امر الهی خوانده اند (۱٦). فرزند ملاّعبدالخالق جناب شیخ علی که وسیلهٔ جناب باب الباب فائز بایمان گشته بود سرانجام در حوادث قلعهٔ طبرسی بشهادت رسید (۱۷). حضرت باب در توقیع مبارک خطاب به محمّد شاه (نازل در ماکو) به ایمان ملاّعبدالخالق یزدی

۳۷۸/378

اشاره فرموده و از شاه خواسته اند که در صورت تردید در باب حقّانیّت امر بدیع به نامبرده و جناب سیّد یحیی دارابی مراجعه نماید. در آثار دیگر حضرت باب و از جمله دلائل سبعه ذکر ملاّعبدالخالق شده است.

صفحات ۳۷۸ و ۳۷۹ کتاب حضرت باب

جایگاه ملاعبدالخالق نزد جناب باب: ناصر امر الهی و شاهد رسالت جناب باب!!!

جناب بهاءالله، خود نیز بر همین موضوع تصریح می‌نماید و اعتراف می‌کند که ملا عبدالخالق یزدی، یکی از دو شاهدی است که جناب باب به عنوان شاهد بر ادعای خود آورده است! وی در صفحه‌ی ۲۴۵ جلد هفتم مائده آسمانی در خصوص ملا عبدالخالق یزدی چنین می‌نگارد:

حضرت اعلی روح ما سویه فداه، بر اثبات حقیقتشان در آخر تفسیر هاء (این رساله خطاب به سید یحیی کشفی نوشته شده و به رساله‌ی ألفَین نیز مشهور است.) به شهادت دو عالم استدلال فرموده‌اند: ملا عبدالخالق و حاج

محمدعلی برقانی قزوینی (عموی قره العین). می‌فرمایند: قَولُهُ جَلَّ وَ عَزَّ: وَ كَفی بِشَهادَتِهِما فی حَقّی عَلی ذٰلِكَ الأمرِ شَهيداً (و شهادت این دو در حق من کفایت می‌کند.) انتهی. مع آن‌که بعد از ملاحظه‌ی لوح مبارک که می‌فرمایند: إنَّنی أنَا القائِمُ الَّذی أنتُم بِظُهُورِهِ تُوعَدُون (من همان قائمی هستم که به ظهورش وعده داده شده‌اید)، نفس اول اعراض نمود اعراض شدید و نفس ثانی هم من بعد اقبال ننمود و با احدی تقرب نجست.

وگمراه حضرت اعلی روح ماسواه فداه براثبات حقیتشان
درآخر تفسیرها بشهادت دوعالم استدلال فرموده اند
ملاعبدالخالق وحاج ملا محمدعلی برقانی قزوینی میفرمایند
قوله جل وعزّ وکفی بشهادتهما فی حقی علی ذلك الامر
شهیدا انتهی . مع آنکه بعد ازملاحظه لوح مبارك که
میفرماید اننی انا القائم الذی انتم بظهوره توعدون نفس
اول اعراض نمود اعراض شدید ونفس ثانی هم من بعد اقبال
ننمود وبا احدی تقرب نجست چه که این دوعریضه دراول امر

صفحه‌ی ۲۴۵ جلد هفتم کتاب مائده‌ی آسمانی

اعتراف جناب بهاءالله به مقام ملاعبدالخالق به عنوان شاهد رسالت جناب باب!

در پانویس صفحه‌ی ۱۹۹ کتاب مطالع الانوار عربی، ترجمه‌ی عربی نامه‌ی جناب باب به محمد شاه را آورده که خود میرزا علی‌محمد باب در نامه به محمد شاه، ملا عبدالخالق را به عنوان یکی از دو شاهد بر رسالتش معرفی می‌کند:

و از آن جایی که خداوند در دنیا از برای هر امری دو شاهد قرار داده، عرفا و علمای دوست بسیارند ولی آن‌هایی که معروف حضورند طلبیده، مثل جناب آقا سید یحیی و جناب آخوند ملا عبدالخالق و از بینات این امر سؤال فرموده، تا آنکه آیات و نوشتجات را به حضور آورده، کما هو حقه بیان نمایند ... و این هر دو یکی قبل از ظهور امر، مرا شناخته و یکی بعد از ظهور امر و هر دو از خَلق و خُلق من مطلع‌اند. (پاورقی صفحه‌ی ۴۰۰ و ۴۰۱ تاریخ نیکلای فرانسوی (ترجمه‌ی فرهوش))

وفى نهاية هذه الرسالة الطويلة يقول (أما الأمر الآخر فعن هذه الدنيا الدنيه فأن المرحوم المعتمد صرف أعوانه ذات ليلة وخاصة الحاج ملا احمد ثم قال لي (إنى أعلم يقينا أن كل ما ملكته جمعته بالغصب وهو ملك لصاحب الزمان ولذلك أسلمك جميع مالى لأنك سيد الحقيقة . وأرجو أن تجعلنى فى حل من حيازته ثم خلع خاتما كان فى يده وأعطاه لى فأخذت الخاتم ثم أعدته اليه وجعلته حائزا لكل أملاكه . والله شاهد على ما أقول وكفى بالله شهيدا . لم أقبل من جميع أملاكه دينارا ولكن لك أن تأمر فيها بما تشاء وبما أن الله أمر أن يكون لكل نزاع شاهدان فمن بين جميع العلماء أطلب السيد يحي والاخوند ملا عبد الخالق فهما يطلعانك على أمرى ويوضحان لك آياتى فلا يبقى بعد هذه المقابلة إلا أمر واحد وهو إتمام حجتى . لأن أحد هذين الشاهدين عرفنى قبل الظهور وأما الآخر فعرفنى بعده . ويعلم الاثنان كلاهما ذلك حق العلم . ولذلك اخترتهما .)

صفحه‌ی ۱۹۹ مطالع الانوار عربی

ترجمه‌ی عربی نامه‌ی جناب باب به محمدشاه و معرفی ملا عبدالخالق به عنوان شاهد بر ادعاهای خویش

به ادعای نصرت الله محمد حسینی در صفحه‌ی ۲۷۹ کتاب حضرت باب، ملا عبدالخالق از دیدگاه جناب باب در ردیف حروف حی قرار داشته است!

حضرت بهاءالله در کتاب مبارک ایقان نام ملاّعبدالخالق را در دریف برخی از دیگر علماء برجستهٔ مؤمن به حضرت باب چون جناب باب‌الباب، جناب ملاّعلی بسطامی، جناب حجّت زنجانی، جناب ملاّمحمّدعلی برغانی تصریح فرموده اند (صفحهٔ ۱۷۴) . ملاّعبدالخالق

صفحه‌ی ۲۷۹ کتاب حضرت باب

ملا عبدالخالق یزدی از دیدگاه بهاءالله هم ردیف حروف حی است!

همان گونه که نصرت الله محمد حسینی اعتراف می‌کند، جناب بهاءالله در کتاب ایقان در مورد جناب ملا عبدالخالق سنگ تمام می‌گذارد و اسم و را محفوظ در لوح الهی ثبت شده می‌داند و او را علمای راشدین، فضلای کاملین، فقهای بالغین، سیراب شده از جام وصال، مُهتدی (هدایت شده)، نفوس قدسیه و ... می‌خواند:

"و امّا در این ظهور اظهر و سلطنت عظمی جمعی از علمای راشدین و فضلای کاملین و فقهای بالغین از کأس قرب و وصال مرزوق شدند و بعنایت عظمی فائز گشتند و از کون و امکان در سبیل جانان گذشتند بعضی از اسامی آنها ذکر میشود از آن جمله جناب ملّا حسین است که محلّ اشراق شمس ظهور شدند لولاه ما استوی الله علی عرش رحمانیّته و ما استقرّ علی کرسیّ صمدانیّته و جناب آقا سیّد یحیی که وحید عصر و فرید زمان خود بودند و ملّا محمّد علی زنجانی و ملّا علی بسطامی و ملّا سعید بارفروشی و ملّا نعمه الله مازندرانی و ملّا یوسف اردبیلی و ملّا مهدی خوئی و آقا سیّد حسین ترشیزی و ملّا مهدی کندی و برادر او ملّا باقر و ملّا عبدالخالق یزدی و ملّا علی برقانی و امثال آنها که قریب چهارصد نفر بودند که اسامی جمیع در لوح محفوظ الهی ثبت شده.

همه اینها مهتدی و مقرّ و مذعن گشتند برای آن شمس ظهور بقسمی که اکثری از مال و عیال گذشتند و برضای ذی الجلال پیوستند و از سر جان برای جانان برخاستند و انفاق نمودند بجمیع آنچه مرزوق گشته بودند بقسمی که سینه‌هاشان محلّ تیرهای مخالفین گشت و سرهاشان زینت سنان مشرکین چنانچه ارضی نماند مگر آنکه از دم این ارواح مجرّده آشامید و سیفی نماند مگر آنکه بگردنهاشان ممسوح گشت و دلیل بر صدق قولشان فعلشان بس. آیا شهادت این نفوس قدسیّه که باین طریق جان در راه دوست دادند که همهٔ عالم از ایثار دل و جانشان متحیّر گشتند کفایت نمیکند برای این عبادی که هستند و انکار بعضی عباد که دین را بدرهمی دادند و بقا را بفنا تبدیل نمودند و کوثر قرب را بچشمه‌های شور معاوضه کردند و بجز اخذ اموال ناس مرادی نجویند چنانچه مشاهده میشود که کل بزخارف دنیا مشغول شده‌اند و از ربّ اعلی دور مانده.

حال انصاف دهید که شهادت اینها مقبول و مسموعست که قولشان و فعلشان موافق و ظاهرشان و باطنشان

مطابق بنحوی که تاهت العقول فی افعالهم و تحیّرت النّفوس فی اصطبارهم و بما حملت اجسادهم و یا شهادت این معرضین که بجز هوای نفس نفسی برنیارند و از قفس ظنونات باطله نجاتی نیافته‌اند که شاید سبب استقامت انفس مضطربه و نفوس غیر مطمئنّه شود"

آری! چنین شخصی که به ادعای جناب بهاءالله نام او در لوح الهی محفوظ گردیده، به محض اطلاع از ادعای قائمیت (نه امام دوازدهمین، نه پیامبری، نه خدایی) متوجه نادرستی و بطلان جناب باب می‌گردد!

نصرت الله محمد حسینی در صفحه‌ی ۲۷۹ کتاب حضرت باب، داستان بازگشت ملاعبدالخالق را بیان کرده و ادعا می‌کند وقتی لوحی از جناب باب به ملاعبدالخالق رسید که جناب باب در آن ادعای قائمیت خود را مطرح کرده بود (نه ادعا امام دوازدهم بودن!)، لوح را به کناری انداخت و فریاد زد پسرم به ناحق در واقعه‌ی قلعه‌ی طبرسی کشته شده است! یعنی ملاعبدالخالق نیز جناب باب را به هیچ وجه قائم نمی‌دانسته و به محض اطلاع از ادعای قائمیت جناب باب، دست از پیروی او برداشته و به اعتراف جناب بهاءالله، جمع دیگری را نیز با هم همراه کرده و آنان را نیز کافر به جناب باب می‌گرداند!

"چون به خانه میرزا زمان رسیدم دیدم ملاّعبدالخالق مشغول وضو گرفتن است. لذا توقیع مبارک را در اطاق نزدیک وی نهادم تا زیارت نماید و از خانه خارج شدم. یک ساعت بعد خبر آوردند که پس از فراغت از نماز توقیع مبارک را زیارت نمود. چون بدین آیه مبارکه رسید که می‌فرمایند:"انا القائم الحقّ الّذی انتم بظهوره توعدون" لوح را بکناری انداخت و فریاد زد ای داد که پسرم بناحقّ کشته شد."

توقیع را ببرید و برسانید. جناب وحید نقل نموده است که چون به خانهٔ میرزا زمان رسیدم دیدم ملاّعبدالخالق مشغول وضو گرفتن است. لذا توقیع مبارک را در اطاق نزدیک وی نهادم تا زیارت نماید و از خانه خارج شدم. یک ساعت بعد خبر آوردند که پس از فراغت از نماز توقیع مبارک را زیارت نمود چون بدین آیهٔ مبارکه رسید که می فرمایند انا القائم الحقّ الّذی انتم بظهوره توعدون لوح را بکناری انداخت و فریاد زد که ای داد که پسرم بناحقّ کشته شد (۱۸).

صفحه‌ی ۲۷۹ کتاب حضرت باب

بازگشت جناب ملاعبدالخالق به محض اطلاع از ادعای قائمیت جناب باب

سپس همین داستان را از جناب بهاءالله نقل می‌کند: “جمال ابهی در یکی از الواح در خصوص تزلزل ملاّعبدالخالق می‌فرمایند: “ملاّعبدالخالق که از مشایخ شیخیّه بود در اوّل امر که نقطه اولی روح ماسواه فداه در قمیص بابیّت ظاهر اقبال نمود و عریضه معروض داشت. از مصدر عنایت کبری ذکرش نازل و بر حسب ظاهر کمال عنایت نسبت به او مشهود. تا آنکه لوحی مخصوص به او ارسال فرمودند در او این کلمه علیا نازل قوله تعالی: انّنی اناالقائم الحقّ الّذی انتم بظهوره توعدون. بعد از قرائت صیحه زد و باعراض تمام قیام نمود و جمعی در ارض طاء بسبب او اعراض نمودند.”

جمال ابهی در یکی از الواح در خصوص تزلزل ملاّعبدالخالق می فرمایند: «ملاّعبدالخالق که از مشایخ شیخیّه بود در اوّل امر که نقطهٔ اولی روح ما سواه فداه در قمیص بابیّت ظاهر، اقبال نمود و

عریضه معروض داشت. از مصدر عنایت کبری ذکرش نازل و برحسب ظاهر کمال عنایت نسبت به او مشهود تا آنکه لوحی مخصوص باو ارسال فرمودند. در او این کلمهٔ علیا نازل قوله تعالی انّنی انا القائم الحقّ الّذی انتم بظهوره توعدون. بعد از قرائت صیحه زد و باعراض تمام قیام نمود و جمعی در ارض طاء بسبب او اعراض نمودند». (۲۰)

صفحات ۲۷۹ و ۲۸۰ کتاب حضرت باب

نقل جریان توبه و بازگشت ملاعبدالخالق از زبان جناب بهاءالله

این موضوع به روشنی نشان می‌دهد که اولین مومنین جناب باب به هیچ وجه به ادعای قائمیت یا پیامبری یا خدایی او ایمان نیاورده بودند! بلکه او را تنها باب امام زمان (علیه السلام) می‌دانستند. وقتی افرادی همچون ملاعبدالخالق با آن اوصافی که در بالا ذکر شد، از سایر ادعاهای باب بی‌خبر بوده و به محض اطلاع از سایر ادعاهای او، پی به نادرستی و بطلان جناب باب می‌برد، این موضوع نشان می‌دهد که آن چه در اولین آثار جناب باب آمده، چیزی جز ادعای نیابت و بابیت نبوده و به همین علت نیز باور بهائی از انتشار رسمی و تایید شده‌ی آثار جناب باب به شدت هراسان بوده و فرار می‌کند!

اگر جناب باب در آثار اولیه‌ی خود ادعای اصلی خویش را مطرح کرده بود، جناب ملاعبدالخالق با دیدن ادعای قائمیت جناب باب، هیچ گاه از ایشان دست نمی‌شست و از او رویگردان نمی‌شد!

وقتی شاهدی که خود جناب باب او را معرفی کرده، علیه جناب باب شهادت می‌دهد، آیا باز هم جای شک و تردیدی در بطلان باور بابی و بهائی باقی می‌ماند!؟ همان گونه که ملاحظه گردید، حداقل در دو جا جناب باب برای اثبات حقانیت خود از ملا عبدالخالق یزدی به عنوان شاهد خود یاد کرده است! حال همین شاهد بر بطلان باور بابی و بهائی شهادت می‌دهد!

داستان ملا عبدالخالق یزدی، تنها یک نمونه‌ی بسیار روشن از شواهدی است که نشان می‌دهد چرا باور بهائی از انتشار به اصطلاح معجزات جناب باب گریزان است!

ابتدای کتاب حروف حی از قول جناب بهاءالله چنین آورده است: این مسلم بوده که بعد از نقطه (جناب باب) حق منحصر است در حروفات حی چه که کل خلق بیان در ظل واحد اول خلق شده و می‌شوند و حق هر ذی حقی به این نفوس ثابت و همچنین کل صفات و اسماء حسنی” (صفحه‌ی ۱ کتاب حروف حی)

"این مسلم بوده که بعد از نقطه حق منحصر است در حروفات حیّ چه که کل خلق بیان در ظل واحد اول خلق شده و میشوند و حق هر ذی حقی بهاین نفوس ثابت و همچنین کل صفات و اسماء حسنی"

(حضرت بهاء الله)

صفحه‌ی ۱ کتاب حروف حی
نقش و جایگاه حروف حی از دیدگاه جناب بهاءالله

به شهادت همین کتاب حروف حی، میرزا محمد روضه‌خوان یزدی و ملا حسن بجستانی که دو تن از حروف حی هستند نیز از جناب باب رویگردان شدند! اگر حق هر ذی حقی به قول جناب بهاءالله به این نفوس ثابت می‌شود، توبه و بازگشت این دو می‌تواند بطلان باور بابی و بهائی را ثابت نماید!

داستان توبه‌کنندگان از جناب باب به همین جا ختم نمی‌شود. ملا محمد تقی هراتی نیز از دیگر کسانی بود که به شهادت صفحه‌ی ۱۷۸ مطالع الانوار فارسی، در هنگام ترجمه‌ی رساله‌ای از جناب باب، دچار وحشت و ترس شدید می‌شود و دست از پیروی جناب باب شست و متوجه اشتباه خود می‌گردد.

در آن ایّام ملاّمحمّدتقی هراتی رسالهٔ فروع عدلیّه حضرت اعلیٰ را از عربی بفارسی ترجمه می کرد و این باجازه مبارك بود لکن کار خود را بانجام نرسانید زیرا ناگهان خوف شدیدی بر او مستولی گشت و از جرگهٔ اهل ایمان کناره گرفت پیش از اینکه حضرت باب بمنزل معتمدالدّوله انتقال کنند برادر بزرگ میرزامحمّدعلی نهری. میرزاابراهیم پدر سلطان الشّهداء و محبوب الشّهداء حضرت باب را شبی بمنزل خویش دعوت نمود.

صفحه‌ی ۱۷۸ مطالع الانوار فارسی

ملا محمدتقی هراتی نیز در هنگام ترجمه‌ی آثار جناب باب دچار وحشت و ترس شده و از ایمان به او کناره گرفت!

بسیاری از دیگر پیروان جناب باب در همان ابتدای امر و به محض اطلاع از سایر ادعاهای وی، متوجه اشتباه خود شده و دست از پیروی جناب باب برداشتند. در کتاب حضرت باب نوشته‌ی نصرت الله محمد حسینی به موارد متعددی اشاره می‌نماید. از جمله در صفحه‌ی ۲۴۳ این کتاب ملا جواد ولیانی (یا برغانی که پسر خاله‌ی طاهره است)، ملاعبدالعلی هراتی و میرزا ابراهیم شیرازی را از جمله‌ی افرادی برمی‌شمارد که به جرگه‌ی شیخیه بازگشتند!

وقوع بداء سبب امتحان برخی از سست عنصران گشت. گروهی از بابیان از صراط مستقیم آئین بیان لغزیدند و تنی چند از آنان به مخالفین امر بدیع پیوستند. ملاّجواد ولیانی، ملاّعبدالعلی هراتی و میرزا ابراهیم شیرازی از آن جمله بودند که در جرگهٔ هواخواهان حاج محمّد کریم خان کرمانی در آمدند. ملاّجواد ولیانی یا برغانی از واعظان معروف شیخی پسرخالهٔ جناب طاهره بود و هم او بود که وسیلهٔ آشنائی آن جناب با معارف شیخیّه گشت (۱۲۵۳ هجری قمری برابر با

صفحه‌ی ۲۴۳ کتاب حضرت باب

اعتراف به توبه و بازگشت عده‌ای از اولین مومنین جناب باب

چند نکته‌ی مهم در اینجا وجود دارد:

نخست آن که اگر به راستی از دیدگاه باور بهائی، ایمان آوردن اولین افراد به جناب باب (به خصوص حروف حی و افرادی مثل ملا عبدالخالق یزدی)، نقش شرط نفوذ را بازی می‌کند و مشروعیت بخش و دلیل حقانیت جناب باب به حساب می‌آید، پس کافر شدن و بازگشت این عده نیز می‌تواند بطلان ادعای جناب باب به حساب آید! اگر شرط نفوذ با ایمان آوردن این عده محقق شده، بازگشت این افراد از باور بابی نیز نشان از بطلان باور بابی دارد!

دومین نکته‌ی مهمی که بایستی مد نظر داشت، باور و اعتقاد اولین مومنین به جناب باب است؛ مومنین به جناب باب را جمعی شیخی مسلک تشکیل می‌دادند نه شیعه! تعیین وقت برای ظهور، باز کردن نیابت خاصه‌ی امام زمان (علیه السلام)، لزوم جستجوی رکن رابع یا همان واسطه‌ی بین مردم و امام (علیه السلام) از جمله‌ی زمینه‌های گرایش به شیخی مسلک‌های به جناب باب گردید. ایمان آوردن به جناب باب، نتیجه‌ی طبیعی باور غلط شیخی بود و ربطی به شیعه ندارد!

تمامی این شواهد نشان می‌دهد که ادعای جناب باب در اول و اعظم و اکبر معجزه و کتاب ایشان به هیچ وجه قائمیت و رسالت نبوده و پر واضح است که باور بهائی هیچ تمایلی ندارد دوستان عزیز بهائی به این حقانیت دست یابند!!! البته دوستان عزیز بهائی می‌توانند از طرق مختلفی به کتاب‌های جناب باب دست یابند ولی از آن

جا که باور بهائی نسخه‌ی تایید شده‌ای از آثار اولیه‌ی جناب باب را منتشر نمی‌نماید، شواهد بالا با این هدف تقدیم حضور گردید که ثابت نماید مومنین به جناب باب اطلاع درستی از ادعاهای وی نداشته‌اند و او را امام دوازدهم نمی‌دانستند! کما این که خود جناب باب نیز هیچ گاه ادعای امام دوازدهم بودن نداشته و خود را فقط و فقط قائم معرفی کرده است!

تمامی مدارک و مستنداتی که در این مجال بدان‌ها استناد گردید جملگی از آثار و کتب رسمی باور بهائی بوده تا هیچ مانعی بر سر راه پذیرش حق برای عزیزان بهائی باقی نماند.

تنها فردی از حروف حی که بر اساس خواب ایمان نیاورده و ادعا شده بر اساس مشاهده‌ی دلیل و معجزه به جناب باب ایمان آورده، کسی نیست جز ملاحسین بشرویه‌ای که البته اولین مومن هم به حساب می‌آید. بنابراین برای آشنایی با آن معجزه‌ی جناب باب که باعث ایمان آوردن اولین مومن شده که البته به ادعای جناب بهاءالله، اعظم و اکبر کتب یا معجزات است، می‌بایست داستان ایمان آوردن او مورد بررسی قرار گیرد. به لطف خداوند متعال در نوشتار آتی به این موضوع پرداخته خواهد شد.

منبع: https://www.hassanershad.com/2577

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۵

جایگاه بسیار خاص تفسیر سوره‌ی یوسف در منابع باور بهائی به عنوان اول، اعظم و اکبر معجزه‌ی جناب باب در تناقض با منع انتشار آن!

آیا دوستان عزیز بهائی می‌دانند که اول و اعظم و اکبر معجزه‌ی جناب باب چیست و چرا باور بهائی از انتشار آن به شدت جلوگیری می‌کند!؟

آیا دوستان عزیز بهائی می‌دانند که جناب باب در اول و اعظم و اکبر معجزه‌ی خویش چیزی به جز عبد و ذکر و باب امام دوازدهم شیعیان، ادعای دیگری نداشته!؟

این قسمت:تناقضات و چالش‌هایی در ملاک و نحوه‌ی ایمان ملاحسین بشرویه‌ای و علت نزول تفسیر سوره‌ی یوسف

در بخش پیشین دیدیم که تنها فردی از حروف حی که ادعا شده بر اساس معجزه و دلیل و برهان به جناب باب ایمان آورده، کسی نیست جز ملاحسین بشرویه‌ای و بقیه همگی بر اساس خواب به جناب باب ایمان آورده‌اند. اگر از بقیه‌ی حروف حی سوال شود که به چه دلیل به جناب باب ایمان آورده‌اید، به ادعای منابع امری خواهند گفت چون خواب دیده‌ایم! آن کدام حجت خدا و کدام سفیر الهی است که به امت خود گفته بروید بخوابید تا به حقانیت من ایمان بیاورید!!!؟؟؟ خوابی که شیطان می‌تواند در آن نقش‌آفرینی کند و القائاتی داشته باشد، چگونه می‌توان به آن استناد نمود!؟

بگذریم

به ادعای باور بهائی، ملاحسین بشرویه‌ای اولین کسی بود که در شب پنجم جمادی الاولی سال ۱۲۶۰ هجری قمری با دیدن تفسیر سوره‌ی یوسف به جناب باب ایمان آورد. یعنی از نظر باور بهائی، معجزه و دلیلی که باعث شد جناب ملاحسین بشرویه‌ای، ادعای پیامبری جناب باب را بپذیرد، همین کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف است. البته جناب باب ادعاهای متناقض و متعدد دیگری دارد که در جای خود مورد بررسی قرار خواهد گرفت. لکن آن چه در اینجا مورد توجه است، بررسی دلایلی است که باور بهائی به عنوان دلیل حقانیت یا همان معجزه‌ی جناب باب ارائه نموده و ادعا می‌کند مردم با دیدن این نشانه‌ها و معجزات، متوجه می‌شدند که جناب باب در ادعای خود صادق بوده است. این نوشتار در پی معرفی معجزه و دلیلی است که باور بهائی از آن به عنوان دلیل حقانیت جناب باب مطرح نموده است.

بر اساس ادعای منابع باور بهائی، نظیر کتاب حضرت باب (صفحه‌ی ۷۴۲) "چون ملاحسین آغاز تحقیق نمود از جمله نشانه‌های حقّیت حضرت موعود را نزول تفسیری بدیع بر سوره یوسف شمرد. زیرا قبلا از جناب سید رشتی تقاضا کرده بود که شرحی بر آن سوره بنویسد و نامبرده فرموده بود که این کار از عهده وی خارج است و حضرت موعود تفسیری بدیع بر آن سوره مبارکه مرقوم خواهد فرمود"

بر آن سوره مرقوم فرمایند. ملاّحسین چون آغاز تحقیق نمود از جمله نشانه های حقیّت حضرت موعود را نزول تفسیری بدیع بر سورهٔ یوسف شمرد. زیرا قبلاً از جناب سیّد رشتی تقاضا کرده بود که شرحی بر آن سوره بنویسد و نامبرده فرموده بود که این کار از عهدهٔ وی خارج است و حضرت موعود تفسیری بدیع بر آن سورهٔ مبارکه مرقوم خواهد فرمود. این بود که ملاّحسین در شب تاریخی پنجم جمادی الاولی ۱۲٦۰ هجری قمری (۲۳ می ۱۸۴۴) بشرحی که قبلاً آمده است از حضرت باب تقاضا نمود تفسیری بر سورهٔ یوسف مرقوم فرمایند. در آن

صفحه‌ی ۷۴۲ کتاب حضرت باب

علت نزول تفسیر سوره‌ی یوسف و درخواست ملاحسین بشرویه‌ای

چرا ملاحسین بشرویه‌ای به منظور پی بردن به راستی و درستی ادعای جناب باب، از او درخواست تفسیر سوره‌ی یوسف را نمود!؟چرا و به چه دلیل این نشانه به عنوان شناخت مدعی راستین از دروغین در نظر گرفته شده است!؟ چون سید رشتی گفته که از نشانه‌های موعود، ارائه‌ی تفسیری بدیع بر سوره‌ی یوسف است!!! اگر فرض شود که واقعا سید رشتی چنین ادعایی کرده، معلوم نیست او این نشانه را از کجای قرآن و روایات استخراج نموده است!؟ بر چه اساسی سید رشتی چنین ادعایی کرده است!؟ در کجا آمده است که فقط و فقط شخص موعود است که تفسیر بر سوره‌ی یوسف می‌نویسد!؟

اما از سوی دیگر آیا تمامی چند صد دانشمند و عالمی که تفسیر بر سوره‌ی یوسف نوشته‌اند را می‌توان قائم موعود و یا رسولی از جانب خداوند متعال نامید!؟ آیا نوشتن بدون درخواست تفسیر بر سوره‌ی یوسف، نشانه‌ای منحصر به فرد و غیرقابل جعل است!؟ کدام یک از صدها مفسر قرآن، تفسیر سوره‌ی یوسف را به درخواست دیگران نگاشته‌اند!؟ شاید بتوان گفت که هیچ یک از مفسرانی که به تفسیر سوره‌ی یوسف همت گماشته‌اند، بر اساس درخواست مردم این تفسیر را ننوشته‌اند! یعنی سوره‌ی یوسف را تفسیر کرده‌اند بدون آن که کسی از آنان درخواست کرده باشد!!! بر اساس معیاری که باور بهائی از قول سید رشتی نقل کرده، بایستی تمامی این چند صد مفسر را نیز پیامبر یا موعود نامید!!!

البته پیش از این جناب نصرت الله محمد حسینی در صفحات ۱۸۳ و ۱۸۴ همین کتاب به این موضوع با جزئیات بیشتری پرداخته که ملاحسین قبلا از سید رشتی تقاضا کرده که تفسیر سوره‌ی یوسف را بنویسد و سید رشتی در پاسخ به این درخواست، گفته که نوشتن چنین تفسیری از عهده‌ی من خارج است. حضرت موعود که بعد از من نظاره می‌شود او این کار را انجام می‌دهد! اما در اینجا به نکته‌ی دیگری نیز اشاره می‌نماید: "حضرت موعود که بعد از من ظاهر می‌شود رتبه و مقامش به مراتب از من بزرگ‌تر است. چون آن بزرگوار ظاهر شود به صرافت طبع و به صرف اراده مطلقه خویش بدون آن که کسی از آن حضرت درخواست کند تفسیری به سوره یوسف مرقوم خواهد فرمود و این بزرگ‌ترین دلیل بر عظمت مقام و جلالت شان و صدق ادعای آن حضرت خواهد بود."

خارج است. حضرت موعود که بعد از من ظاهر می‌شود رتبه و

۱۸۳/183

مقامش بمراتب از من بزرگتر است. چون آن بزرگوار ظاهر شود بصرافت طبع و بصرف ارادهٔ مطلقهٔ خویش بدون آنکه کسی از آن حضرت درخواست کند تفسیری به سورهٔ یوسف مرقوم خواهد فرمود و این بزرگترین دلیل بر عظمت مقام و جلالت شأن و صدق ادّعای آن حضرت خواهد بود. من سرگرم این افکار بودم میزبان بزرگوار من فرمود درست

صفحات ۱۸۳ و ۱۸۴ کتاب حضرت باب

علت تفسیر سوره‌ی یوسف

در اینجا از قول سید رشتی ادعا شده بزرگ‌ترین دلیل بر عظمت مقام و صدق ادعای حضرت موعود آن است بدون این که کسی از او درخواست کند، تفسیری به سوره‌ی یوسف می‌نویسد!!! علاوه بر ابهاماتی که پیش از این بیان گردید، سوال دیگری در اینجا مطرح می‌شود که آیا این معجزه‌ای یک بار مصرف است و فقط برای ملاحسین نازل گردیده یا خیر!؟ اگر موعود با این نشانه شناخته شود، این موعود بایستی برای تمامی افراد، به صورت مجزا و بدون درخواست، یک تفسیر بر سوره‌ی یوسف بنویسد! در غیر این صورت، این معجزه، معجزه‌ای یک بار مصرف خواهد بود!

یعنی حتی اگر فرض شود که از نشانه‌های موعود، ارائه‌ی بدون درخواست تفسیر بر سوره‌ی یوسف باشد، این نشانه فقط و فقط به جناب ملاحسین عرضه شده است! زیرا از جناب باب فقط و فقط یک تفسیر بر سوره‌ی یوسف گزارش شده است! نفر بعدی که خدمت جناب باب می‌رسد، چگونه می‌تواند این نشانه‌ی موعود را در

جناب باب تحقیق نماید!؟ جناب باب برای نفر دوم نیز بدون این که از او درخواست کرده باشد، بایستی "تفسیری بدیع بر سوره یوسف" ارائه نماید! حال آن که تفسیر سوره‌ی یوسف را به نفر اول ارائه نموده و دیگر بدیع نیست!

اما از سوی دیگر اگر نوشتن بدون درخواستِ تفسیر بر سوره‌ی یوسف، از نشانه‌های موعود باشد، هر کسی که از راه برسد می‌تواند همین معجزه را برای اثبات ادعای خود ارائه نماید و فی‌البداهه بگوید بدون این که از من درخواست کنید، برای شما تفسیری بر سوره‌ی یوسف آورده‌ام و همین امر بزرگترین معجزه و دلیل بر حقانیت من است!!! و باور بهائی بایستی او را به عنوان موعود بپذیرد!!!

آیا دوستان عزیز بهائی حاضرند این معیار را به عنوان معجزه و دلیل منحصر به فرد و غیرقابل جعل موعود بپذیرند!؟ آیا به راستی با این نشانه می‌توان موعود حقیقی را شناخت!؟ بگذریم که چنین نشانه‌ای در قرآن و روایات در مورد شناخت موعود وارد نشده است! سید رشتی از کجا این نشانه را برای موعود آورده که موعود را بر اساس این که بدون درخواست قبلی، تفسیری بر سوره‌ی یوسف می‌نویسد باید شناخت!!!؟؟؟

بنابراین ایمان تمامی هجده نفر حروف حی یا بر اساس خواب بوده و یا به استناد یک معیار کاملاً غیرمعقول و جعلی! نه خواب برای شناخت حجت خدا حجیت دارد و نه نوشتن تفسیر بدون درخواست بر سوره‌ی یوسف! کما این که شاید بتوان گفت تمامی مفسرانی که بر سوره‌ی یوسف تفسیر نوشته‌اند، همگی بدون درخواست قبلی این کار را انجام داده‌اند!!! بنابراین تمامی آن‌ها بر اساس شرط سید رشتی، بایستی همان موعود باشند!!!

بگذریم از این که در شرط نامشروع جناب سید رشتی، چالش دیگری به نام تعیین وقت ظهور به چشم می‌خورد. از قول سید رشتی ادعا شده "حضرت موعود که بعد از من ظاهر می‌شود" بدون درخواست قبلی، تفسیری بر سوره‌ی یوسف ارائه می‌نماید. همان گونه که در مقاله ای مشاهده گردید، شیخیان و پیروان سید رشتی که از شیعه جدا شده بودند، بر اساس توصیه‌های سید رشتی به دنبال موعود می‌گشتند و در اینجا نیز به گونه‌ی دیگری از سید رشتی نقل شده که "حضرت موعود که بعد از من ظاهر می‌شود". چنین ادعاهایی به طور کلی در مقابل معارف اسلامی قرار دارد؛ چرا از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام، کسانی که برای ظهور وقت تعیین می‌کنند از مصادیق دروغگویان هستند و به شدت بر موضوع نهی از تعیین وقت برای ظهور تاکید شده است! اما سید رشتی بر خلاف آموزه‌های اسلامی در اینجا برای ظهور وقت تعیین کرده است!

در صفحه‌ی ۱۱۴ کتاب حضرت نقطه اولی نیز باز بر همین موضوع نادرست عجله کردن و تعیین وقت اشاره می‌کند که "ثمره مجاهدت و سعی و کوشش او را در تفحص و تجسس مولا و یگانه مقصود موعود منتظر هر چه زودتر ظاهر و آشکار سازد و سر و رمز وعده‌های استاد بزرگوارش چهره بگشاید."

غیر مترقبه اورا احاطه نموده بدعا و مناجات و تضرع
وتوسل پرداخته از آستان الهی درخواست مینمود که ثمره
مجاهدت و سعی وکوشش اورا در تفحص و تجسس مولا ویگانه
مقصود وموعود منتظرهرچه زودترظاهر وآشکارسازد و سر
و رمز وعده های استاد بزرگوارش چهره بگشاید .

صفحه‌ی ۱۱۴ کتاب حضرت نقطه‌ی اولی

اعتراف به رویکرد و شیوه‌ی نامشروع در عجله کردن و تعیین وقت برای ظهور

حال آن چه چنین دیدگاهی در معارف اسلامی و شیعی به طور کلی مردود است! آیا خداوند متعال مجبور است که به خاطر مجاهدت ملاحسین بشرویه‌ای، موعود خود را ظاهر سازد!؟ گویا چون ملاحسین در یافتن موعود منتظر کوشش کرده، خداوند متعال مجبور است که موعود خود را ظاهر فرماید! در حالی که از یک طرف به هیچ وجه به مومنین امر نشده که بروید به دنبال موعود بگردید! هیچ جا نفرموده‌اند که موعود حقیقی را باید جستجو کنید! بلکه حقیقت در مقابل چنین دیدگاهی قرار دارد؛ خداوند متعال حجت‌های خود را با دلایل بسیار روشن و آشکار به سوی خلق می‌فرستد نه این که مردم مجبور باشند چراغ به دست بگیرند و به دنبال حجت خدا بگردند! آن چه به عهده مردم گذاشته شده، پذیرش حق پس از روشن شدن آن است. یعنی پس از آن که خداوند متعال حجت خود را با دلایل بسیار روشن، ظاهر فرمود و مردم یقین به صداقت و درستی ادعای او کردند، نباید رد کنند و باید بپذیرند!

اما بر اساس ادعای منابع بهائی در دیدگاه شیخیه، درست در نقطه‌ی مقابل معارف اسلامی و شیعی، برای ظهور موعود، تعیین وقت شده و شیخی مسلکان موظف شده‌اند که به جستجوی او بپردازند و آن را با معیارهای خودساخته‌ی غیرشرعی مثل خواب بشناسند!!!

شرح کامل جریان ایمان آوردن جناب ملاحسین بر اساس منابع و نصوص باور بهائی بدین شرح است که پس از آن که یک سری معیارهای ظاهری نظیر سن را بررسی می‌کند که "کمتر از ۲۰ و متجاوز از ۳۰ سال نیست دارای علم الهی است. قامتش متوسط است. از شرب دخا برکنار و از عیوب و نواقص جسمانی منزه و مبراست"

بعد جناب باب به او می‌گوید که "نگاه کن این علامات را که گفتی در من می‌بینی؟" (کتاب حضرت باب، صفحه‌ی ۱۸۳)

با دیدن این نشانه‌های ظاهری، سراپای ملاحسین را حیرت و دهشت فرو می‌گیرد!!! کوتاه سخن آن که ملاحسین به بررسی نشانه‌های ظاهری جناب باب پرداخته و آن‌ها را در ایشان دیده و دو معیار دیگر برای اثبات حقانیت موعود در نظر می‌گیرد: "دو مسأله را پیش خود علامت صدق ادعای مدعی قائمیت قرار دادم. یکی رساله‌ای بود که شامل مسائل مشکله و اقوال متشابهه و تعالیم باطنیه حضرت شیخ و سید مرحوم بود. تصمیم داشتم هر کس آن رموز و اسرار را بگشاید و آن مشکلات را حل فرماید به اطاعتش قیام نمایم و زمام امور خود را بدو سپارم. دوم آن که سوره مبارکه یوسف را به طرزی بدیع که نظیر آن را در مولفات و کتب نتوان یافت تفسیر فرماید. انجام این مهم دلیل صدق ادعای آن مدعی است" (کتاب حضرت باب، صفحه‌ی ۱۸۳)

و بجستجوی موعود بپردازم دو مسأله را پیش خود علامت صدق ادّعای مدّعی قائمیّت قرار دادم. یکی رساله‌ای بود که شامل مسائل مشکله و اقوال متشابهه و تعالیم باطنیّهٔ حضرت شیخ و سیّد مرحوم بود. تصمیم داشتم هرکس آن رموز و اسرار را بگشاید و آن مشکلات را حلّ فرماید باطاعتش قیام نمایم و زمام امور خود را بدو سپارم. دوم آنکه سورهٔ مبارکهٔ یوسف را بطرزی بدیع که نظیر آن را در مؤلّفات و کتب نتوان یافت تفسیر فرماید. انجام این مهمّ دلیل صدق ادّعای آن مدّعی است. سابقاً از سیّد مرحوم درخواست کردم که

صفحه‌ی ۱۸۳ کتاب حضرت باب

اعتراف به نامشروع و ساختگی بودن معیارهای ملاحسین بشرویه‌ای

سوال این است که ملاحسین بشرویه‌ای به چه حقی و بر چه اساسی از پیش خودش نشانه‌هایی برای شناخت موعود قرار داده است!؟! نشانه‌های موعود را خداوند متعال، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و دیگر ائمه (علیهم السلام) باید مشخص فرمایند یا این که ما خودمان از پیش خودمان شروطی را به عنوان معیار شناخت حجت خدا

باید تعریف کنیم!؟ آن موعودی که بر اساس شروط ما شناخته می‌شود، او موعود ماست نه موعود الهی! آیا هر کسی که جواب دو سوال ملاحسین بشرویه‌ای داد و تفسیر بدون درخواست به سوره‌ی یوسف نوشت، او موعود حقیقی است!؟

از این گذشته، آن سوالات ملاحسین چه بوده و جناب باب چه پاسخی به او داده‌اند!؟ متاسفانه باور بهائی هیچ اشاره‌ای به سوال و جواب‌ها نمی‌کند! فقط و فقط به گونه‌ای رازآلود و معماگونه از این موضوع عبور می‌کند! چرا آن سوال و جواب‌ها را باور بهائی منتشر نمی‌کند!؟

با وجود تمام این چالش‌ها و تناقضات، باور بهائی ادعا می‌کند ملاحسین بشرویه‌ای در ابتدا رساله‌ی سوالات خویش را در محضر جناب باب قرار می‌دهد و جناب باب تنها "در ظرف چند دقیقه حل مشکلات و کشف رموز آن را بیان فرمودند ... بعد فرمودند اینک وقت نزول تفسیر سوره یوسف است. پس قلم را برداشته و با سرعت خارج از مرحله تصور سوره الملک را که اولین سوره آن تفسیر مبارک است نازل فرمودند. حلاوت صوت مبارک که در حین نزول آیات ترنم می‌فرمودند بر قوت تاثیر کلمات مبارکه‌اش می‌افزود. تا خاتمه سوره ابدا توقف نفرمودند. من همان طور نشسته بودم گوش می‌دادم صوت جان افزا ... (کتاب حضرت باب، صفحات ۱۸۳ تا ۱۸۵)

دهند تا حضرت موعود را بشناسند. بعد فرمودند اینک وقت نزول تفسیر سورهٔ یوسف است. پس قلم را برداشته و با سرعت خارج از مرحلهٔ تصوّر سورة الملک را که اوّلین سورهٔ آن تفسیر مبارک است نازل فرمودند. حلاوت صوت مبارک که در حین نزول آیات ترنّم می فرمودند بر قوّت تأثیر کلمات مبارکه اش می افزود. تا خاتمهٔ سوره ابدا توقّف نفرمودند. من همانطور نشسته بودم گوش می دادم صوت جان افزا و

صفحه‌ی ۱۸۴ کتاب حضرت باب

گوش و فهم و درک جناب ملاحسین بشرویه‌ای چگونه توانسته با سرعت خارج از تصور جناب باب برابری کند!؟

این گزارشی که جناب نصرت الله محمد حسینی در کتاب حضرت باب از نحوه‌ی ایمان آوردن ملاحسین بشرویه‌ای ارائه می‌نماید، ایمان همین یک نفر باقی‌مانده از حروف حی را نیز به باد فنا می‌دهد! اگر جناب باب، پیامبر بوده و دلیل پیامبر بودن او نیز سرعت فوق بشری نگارش آیه بوده که استنساخ این آیات چند روز برای افراد معمولی زمان می‌برده، قطعا جناب ملاحسین که پیامبر نبوده تا بتواند با همان سرعت زیاد گوش فرا دهد!!! فرض کنیم که جناب باب با سرعت خارج تصوری بتواند آیات را نازل کند؛ ملاحسین بشرویه‌ای قدرت شنیدن ما فوق تصور که نداشته است!؟ چگونه با همان سرعت فوق بشری که جناب باب اقدام به نزول آیه می‌کرده، جناب ملاحسین توانسته به این آیات گوش فرا دهد و متوجه معنا و مفهوم آن بشود و به معجزه بودن آن پی ببرد!؟ اگر جناب باب توانایی نزول با سرعت فوق بشری داشته، جناب ملاحسین قادر نبوده با همان سرعت این آیات را گوش دهد و در محتوای آن دقت نماید و به معجزه بودن آن پی ببرد!!!

همان گونه که ملاحظه می‌گردد، چنین گزارشاتی چیزی جز باطل بودن ایمان حروف حی را در پی ندارد! ملاحسین بشرویه‌ای اصلا نمی‌توانسته با آن سرعت به این آیات گوش دهد! اصلا نمی‌توانسته متوجه کلام جناب باب بشود!!! یعنی هیچ کدام از حروف حی بر اساس برهان و معجزه و دلیل به جناب باب ایمان نیاورده‌اند!!!

اما در خصوص پاسخ به رساله‌ی سوالات ملاحسین بشرویه‌ای که قبل از نزول تفسیر سوره‌ی یوسف ادعا شده که توسط جناب باب پاسخ داده شده، محمد علی فیضی در کتاب حضرت نقطه‌ی اولی در صفحه‌ی ۱۱۷، گزارش دیگری از این واقعه ارائه می‌نماید که متناقض با گزارش جناب نصرت الله محمد حسینی است. در گزارش محمدعلی فیضی چنین آمده که "یکایک مسائل مشکله را که در آن مندرج بوده (در آن رساله‌ای که همراه ملاحسین بوده) با بیانی واضح و روشن تفسیر و تبیین نموده شرح و توضیح فرمودند و علاوه بر آن درباره‌ی مسائل مهمه دیگری که در هیچ یک از آثار و کتب به نظر او نرسیده و هرگز به خاطرش خطور نکرده و حتی از جناب سید هم نشنیده بود..." حال آن که نصرت الله محمد حسینی ادعا کرده بود که جناب باب تنها "در ظرف چند دقیقه حل مشکلات و کشف رموز آن را بیان فرمودند"

آنحضرت رساله را از اوگرفته لمحه درآن نظر
فرموده یکایك مسائل مشکله راکه درآن مندرج بود با بیانی
واضح و روشن تفسیر و تبیین نموده شرح و توضیح فرمودند
وعلاوه برآن درباره مسائل مُهِمّه دیگری که درهیچیك از
آثار و کتب بنظر او نرسیده وهرگز بخاطرش خطور نکرده
وحتی ازجناب سیّد هم نشنیده بود بیاناتی جالب و

صفحه‌ی ۱۱۷ کتاب حضرت نقطه‌ی اولی

تناقض بین گزارش محمدعلی فیضی و نصرت الله محمدحسینی

آیا حل کتابچه‌ای از مسائل مشکله و صحبت کردن از مسائل مهمه‌ی دیگری که در هیچ کتابی نیامده در چند دقیقه ممکن ا

بی‌شک شرح و توضیح مسائل مشکله، آن هم در حجم یک رساله و علاوه بر آن صحبت کردن در مورد مسائل مهمه‌ی دیگر، چیزی بیش از چند ساعت و شاید چند روز زمان لازم دارد نه چند دقیقه! کدام گزارش را بایستی باور کرد!؟ محمدعلی فیضی یا نصرت الله محمد حسینی!؟

سپس جملاتی از جناب باب را در همان صفحه نقل می‌کند که بوی انکار معجزه و دلیل را می‌دهد و جناب باب مذمت کرده‌اند که نباید خداوند قدیر را امتحان نمود: "با آن که شایسته بنده ضعیف نیست که خداوند قدیر را امتحان نماید بلکه سزاوار آن است که خداوند بنده خود را در مراتب بندگی امتحان فرماید"!!!

گردیده دل بباخت آنگاه آنحضرت خطابی مهیمن باوفرمودند
که باآنکه شایسته بنده ضعیف نیست که خداوند قدیر
راامتحان نماید بلکه سزاوارآنستکه خداوند بنده خود را
درمراتب بندگی امتحان بفرماید • اگرتو میهمان نبودی کار

صفحه‌ی ۱۱۴ کتاب حضرت نقطه‌ی اولی
تضعیف جایگاه معجزه و دلیل و برهان!

یکی از خصوصیات مشترک مدعیان دروغین، انکار لزوم آیه و بیِّنه و معجزه است! جناب باب نیز در اینجا به تضعیف جایگاه برهان و بیِّنه و معجزه می‌پردازد!

آیا تقاضای دلیل و برهان نمودن از مدعی مقام رسالت، امتحان کردن و آزمودن خداست یا راست‌آزمایی گفتار مدعی!؟ اگر فردی ادعای رسالت کند، آیا نباید از او درخواست دلیل و برهان نمود!؟ در واقع باور بهائی از قول جناب باب به تخریب جایگاه ارائه‌ی معجزه و دلیل پرداخته و آن را تضعیف نموده است! حال آن که کسی قصد آزمودن خداوند متعال را ندارد! بلکه هدف رسیدن به یقین و حصول اطمینان از صحت ادعای مدعیست!!! آیا اگر از یک مدعی درخواست ارائه‌ی دلیل و معجزه شود، این امتحان کردن و آزمودن خداست!؟ یا راست‌آزمایی گفتار و ادعای مدعی!؟

سپس ادامه می‌دهد که خلاصه جناب بر سر ملاحسین منت می‌گذارد و به این دلیل که مهمان اوست، این کار را می‌کند و نهایتا جناب باب قلم به دست گرفته و شروع به نزول آیات در تفسیر و تشریح سوره یوسف می‌نماید.

جالب است که در صفحه‌ی ۱۱۸ همین منبع نیز در تبیین علت ارائه‌ی تفسیر سوره‌ی یوسف تصریح می‌کند ملاحسین از پیش خود این امر را یکی از موازین شناسایی موعود منتظر قلمداد کرده بود! و این معیار را نیز از سید رشتی گرفته و او گفته که بعد از او کسی خواهد آمد که تفسیری برای این سوره خواهد آورد و این "بزرگ‌ترین دلیل بر جلالت قدر و صدق دعوت اوست."

زیرا ملاحسین د رنزد خود تفسیر بدیع وجدید ی را براین
سورهٔ مبارکه قرآنیّه یکی از موازین شناسائی وعرفان موعود
منتظر قرارداده وقبلاً ازجناب سید رشتی تفسیرآنرا تقاضا
نموده بود وایشان فرموده بودند د ر قدرت من نیست
بزودی کسیکه بعدازمن میآید بدون آنکه کسی از اوبخواهد
تفسیری براین سوره خواهدآوردکه بزرگترین دلیل بر
جلالت قدر وصدق دعوت اوست ۰ (۱)

صفحه‌ی ۱۱۸ کتاب حضرت نقطه‌ی اولی

اعتراف دیگری به ساختگی بودن معیار تفسیر سوره‌ی یوسف برای شناخت موعود حقیقی

اگر چه بی‌اعتبار بودن معیار جناب ملاحسین بشرویه‌ای مورد بررسی قرار گرفت، اما برای روشن‌تر شدن موضوع، در قسمت بعد به آثار عجیب و غریب تفسیر سوره‌ی یوسف در منابع و آثار بهائی پرداخته می‌شود تا دوستان عزیز بهائی بیشتر با اهمیت مطالعه‌ی این اثر آشنا شده و از بیت‌العدل نشینان بپرسند که چرا چنین اثر عجیب و غریبی را به صورت رسمی و تایید شده در اختیار عزیزان بهائی قرار نمی‌دهند! آن هم اثری که خواهیم دید توصیه به تدریس آن شده است!

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ۶

جایگاه بسیار خاص تفسیر سوره‌ی یوسف در منابع باور بهائی به عنوان اول، اعظم و اکبر معجزه‌ی جناب باب در تناقض با منع انتشار آن!

آیا دوستان عزیز بهائی می‌دانند که اول و اعظم و اکبر معجزه‌ی جناب باب چیست و چرا باور بهائی از انتشار آن به شدت جلوگیری می‌کند!؟

آیا دوستان عزیز بهائی می‌دانند که جناب باب در اول و اعظم و اکبر معجزه‌ی خویش چیزی به جز عبد و ذکر و باب امام دوازدهم شیعیان، ادعای دیگری نداشته!؟

این قسمت:آثار عجیب و غریب تفسیر سوره‌ی یوسف و علت عدم انتشار نسخه‌ی رسمی و تایید شده‌ی آن

همان گونه که می‌دانیم، موضوع مباحث حاضر، بررسی ادعاهایی بود که باور بهائی به عنوان دلیل حقانیت خود ارائه نموده است. در مقالات پیشین به این موضوع پرداخته شد که جناب باب در تمام عمر خود و جناب بهاءالله حداقل تا زمان نگارش کتاب ایقان، تنها راه شناخت حجت‌های الهی را منحصر در کتاب می‌دانسته‌اند و چیزی به عنوان معجزه‌ی غیرکتابی را قبول نداشته‌اند و مدعی بودند که پیامبری یک پیامبر به چیزی جز کتاب به اثبات نمی‌رسد.

در مقالات پیشین بطلان این ادعا از جنبه‌های متعددی به اثبات رسید. دلایل فراوان قرآنی و روایی تقدیم حضور شد. همچنین ثابت گردید که اگر تنها راه شناخت یک مدعی پیامبری، فقط و فقط منحصر در کتاب است، در این صورت ایمان هفده نفر از هجده نفر پیروان جناب باب که به همراه خودش، حروف حی را تشکیل می‌دهند به طور کلی باطل و بی‌اساس بوده چون این هفده نفر همگی بر اساس خواب (یعنی چیزی غیر از کتاب) به جناب باب ایمان آورده‌اند.

در مورد تنها فردی که ادعا شده بر اساس کتاب به جناب باب ایمان آورده نیز مطالبی ارائه گردید و به برخی تناقضات این ادعا نیز اشاره شد و ثابت گردید با توجه به سرعت نزول مافوق بشری تفسیر سوره‌ی یوسف، جناب ملاحسین بشرویه‌ای (تنها کسی که ادعا شده بر اساس کتاب به جناب باب ایمان آورده) اصلا نمی‌توانسته متوجه مطالبی شود که جناب باب ارائه نموده و ایمان او نیز باطل و بی‌اساس بوده و او نیز بر اساس کتاب به جناب باب ایمان نیاورده است. در این قسمت به لطف خداوند متعال گوشه‌ای آثار عجیب و غریبی که منابع بهائی برای تفسیر سوره‌ی یوسف برمی‌شمارند اشاره می‌گردد و باز هم بر این نکته تاکید می‌گردد که چرا باور بهائی جرات نمی‌کند چنین اثر فوق‌العاده و بزرگ‌ترین معجزه‌ی جناب باب را به صورت رسمی منتشر نموده و در اختیار دوستان عزیز بهائی قرار دهد! با این که نص و دستور از جناب باب بر تدریس این اثر وجود دارد!

پاسخ این سوال نیز بسیار روشن است؛ مطالبی که جناب باب در این کتاب مطرح نموده به طور کلی در مقابل تهمت‌هایی است که باور بهائی به جناب باب نسبت داده و به همین علت نیز هیچ گاه حاضر نیست نسخه‌ی رسمی و تایید شده‌ای از بزرگترین معجزه‌ی جناب باب ارائه نماید.

اما در منابع و مصادر باور بهائی توصیفات بسیار عجیب و غریب و البته قابل تاملی در خصوص تاثیر آیات جناب باب آمده است. به عنوان مثال در صفحات ۶۹ و ۷۰ از کتاب سلطان رسل حضرت رّب اعلی، در این خصوص می‌نویسد: "بر خلاف آن چه در ظهور سابقه ملاحظه می‌شود که بعضی مومنین با پیغمبرشان بحث می‌کردند و برخی از او ایراد می‌گرفتند و جمعی با ادعای ایمان کلامش را باور نمی‌کردند و گروهی با وجود اعتقاد، اطاعتش نمی‌نمودند ... در این ظهور اعلی تاثیر آثار مبارکه به قدری بوده است که بالمثل تفسیر سوره یوسف جناب ملاحسین را چنان مبهوت و منقلب ساخت که چون اجازه مرخص شدن طلبید به او فرمودند که اگر حالا از این‌جا بیرون بروی هر که شما را ببیند خواهد گفت که این جوان دیوانه شده است!!! تفسیر سوره‌ی کوثر جناب وحید اکبر را چنان مدهوش نمود که گلاب به صورتشان زدند تا به حال آمدند (در منابع دیگر آمد که سه مرتبه تکرار شده است) چند آیه از احسن القصص جناب حجت را چنان مجذوب و موقن ساخت که با سه هزار فدائی جانباز دیگر به میدان فدا فرستاد ..." تا این که پس از آن کار را بدان‌جا می‌رساند که ادعا می‌کند ایمان مومنین به جناب باب با تمام مومنین به پیامبران گذشته، متفاوت بوده و پیروان جناب باب در اثر تاثیر همین کلام جناب باب از ایمانی با کیفیتی بسیار خاص برخوردار بوده‌اند که در مورد هیچ یک از پیروان انبیاء گذشته چنین کیفیتی مشاهده نگردیده است!!!

۳

امّا از تأثیر آثار و آیات الهی در این ظهور ربّانی بر خلاف آنچه در ظهورات سابقه ملاحظه می‌شود که بعضی از مؤمنین با پیغمبرشان بحث می‌کردند و برخی از او ایراد می‌گرفتند و جمعی با ادّعای ایمان کلامش را باور نمی‌کردند و گروهی با وجود اعتقاد، اطاعتش نمی‌نمودند . . . در این ظهور اعلی تأثیر آثار مبارکه بقدری بوده‌است که بالمثل تفسیر سورهٔ یوسف جناب ملاّ حسین را چنان مبهوت و منقلب ساخت که چون اجازهٔ مرخص شدن طلبید به‌او فرمودند که «اگر حالا از این‌جا بیرون بروید هرکه شما را ببیند خواهد گفت که این جوان دیوانه شده‌است». تفسیر سورهٔ کوثر جناب وحید اکبر را چنان مدهوش نمود که گلاب به‌صورتشان زدند تا بحال آمدند، چند آیه از اَحْسَنُ القَصَص جناب حجّت را چنان مجذوب و موقن ساخت که با سه‌هزار

صفحه‌ی ۶۹ کتاب سلطان رسل حضرت رب اعلی

گوشه‌ای از آثار عجیب و غریب آثار جناب باب! چرا باور بهائی جرات انتشار رسمی این آثار را ندارد تا همگان پی به آثا

سوال این است که کدام ایمان!؟ همان ایمانی که بر اساس خواب بوده یعنی ۱۷ نفر از جمع ۱۸ نفره‌ی حروف حی!؟ یا آن ایمانی که بدون دلیل و برهان بوده یعنی شنیدن آیات با سرعت فوق بشری توسط ملاحسین بشرویه‌ای که اصلا قادر به شنیدن کلام باب نبوده!؟ البته به خاطر داریم که در مقاله ای ثابت شد از شش نفری که توانستند جان سالم از جنگ‌ها و ترورهای بابیان به در ببرند، دو نفر از همین حروف حی به جناب باب کافر می‌شوند! از سرانجام دو نفر هیچ اطلاعی در دست نبود و یک نفر نیز به جناب بهاءالله کافر می‌شود! در مقالات پیشین همین بخش (پاسخ۴) دیدیم که شاهد رسالت جناب باب نیز به ایشان کافر می‌شود! همان کسی که جناب بهاءالله در کتاب ایقان ادعا می‌کند نام او در لوح محفوظ ثبت شده است!

البته نویسنده بلافاصله ادعا می‌کند که با مرگ جناب باب، آثار عجیب و غریب کتاب‌های او نیز از بین رفته و جناب باب خودش آثار کتاب‌هایش را فدای باور بهائی نموده است! البته هیچ سندی برای این ادعا خود ارائه نمی‌نماید! در کجا جناب باب گفته که پس از مرگ من، آثار کتاب‌های من از بین خواهد رفت و آثار کتاب‌های خود را فدای جناب بهاءالله می‌کنم!؟

می‌فرستاد، بعد از شهادت حضرت ربّ‌اعلی و ظهور حضرت بهاءالله واختتام عهد اعلی دیگر این اثر را نمی‌بخشید که گوئی حضرت ربّ‌اعلی شریعت مبارکشان و آثار الهیّه و اثرات آن را به‌همراه ذات اقدس اطهرشان فدای شریعت ابهی نموده بودند.

صفحه‌ی ۷۰ کتاب سلطان رسل رب حضرت اعلی

ادعای بدون سند مبنی بر از بین رفتن تاثیرات کتب جناب باب پس از مرگ او! اگر تاثیرات از بین رفته، سوال این است ک

از تاثیرات عجیب و غریب این کتاب‌ها اگر بگذریم، محتوای آن‌ها که از بین نرفته است! جناب باب در این کتب چه چیزهایی گفته و چه ادعاهایی داشته است!؟ آگاهی و اطلاع از ادعاهای اصلی جناب باب، همان نگرانی اصلی باور بهائی است که باعث شده جرات انتشار رسمی و تایید شده‌ی آثار جناب باب را نداشته باشد و هیچ گاه این آثار را به صورت رسمی و تایید شده در اختیار دوستان عزیز بهائی قرار نمی‌دهد!

دیگر چه کسانی بر اساس این معجزه و دلیل به جناب باب ایمان آورده‌اند!؟ برای دوستان عزیز بهائی بسیار جالب توجه خواهد بود اگر به صفحه‌ی ۷۴۴ کتاب حضرت بهاءالله نوشته نصرت الله محمد حسینی مراجعه نمایند و ببینند که جناب بهاءالله نیز با دیدن تنها صفحاتی از این کتاب، ایمان خود به جناب باب را اظهار نموده است!!!

"در بداعت و جذابیت محتوای کتاب احسن القَصص همین بس که جمال ابهی (بهاءالله) با زیارت صفحاتی از آن صحیفه‌ی مبارکه بی‌درنگ ایمان خویش را به امر جدید اظهار فرمود!!! استماع فقراتی از آن هوش از سر جناب کلیم ربود!!! زیارت آن اثر امثال طاهره، ملاحسین و حجت زنجانی را به اوج قبول فائز نمود!!! حکمای برجسته‌ای را چون میرزا محمد حسین حکم الهی به کلی منقلب نمود!!! اصحاب دلیر مازندران و نیریز و زنجان (سه جنگی که بابیان در ایران به راه انداختند و مردم بی‌گناه بسیاری را کشتند!!!) را به میدان فداء کشانید!!!... بی‌سبب نبود که حضرت باب تدریس را منحصر بدین کتاب فرمودند. بداعت و جذابیت کتاب قیوم الاسماء چنان وجد و حالی در مومنین بابی ایجاد می‌نمود که به هنگام زیارت آن اشک از دیدگان آنان (چون باران ریزان از آسمان) جاری بود"

در بداعت و جذابیّت محتوای کتاب احسن القصص همین بس که جمال ابهی با زیارت صفحاتی از آن صحیفهٔ مبارکه بیدرنگ ایمان خویش را به امر جدید اظهار فرمود. استماع فقراتی از آن هوش از سر جناب کلیم ربود. زیارت آن اثر امثال طاهره، ملاّحسین و حجّت زنجانی را باوج قبول فائز نمود. حکمای برجسته ای را چون میرزا محمّد حسین حکیم الهی بکلّی منقلب نمود. اصحاب دلیر مازندران و نیریز و زنجان را بمیدان فداء کشانید. خطابات عظیمهٔ آن به مراجع امور علی

گشود. (۲۷) بی‌سبب نبود که حضرت باب تدریس را منحصر بدین کتاب فرمودند. (۲۸) بداعت و جاذبیّت کتاب قیّوم الاسماء، چنان وجد و حالی در مؤمنین بابی ایجاد می‌نمود که بهنگام زیارت آن اشک از

دیدگان آنان (چون باران ریزان از آسمان) جاری بود. حضرت باب ظهور این کیفیّت روحانی را در نصّ کتاب پیش‌بینی فرموده بودند. (۲۹)

صفحات ۷۴۴ و ۷۵۵ کتاب حضرت باب

آثار عجیب و غریب کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف و دستور جناب باب به تدریس این اثر

به راستی چرا باور بهائی هیچ گاه کتابی با این آثار و خواص را در اختیار دوستان عزیز بهائی قرار نمی‌دهد!؟ آن هم اثری که جناب باب دستور داده فقط همین اثر من را تدریس کنید! واقعیت آن که مراجعه به تفسیر سوره‌ی یوسف، توان ایجاد زلزله و انهدام در پایه‌های باور بهائی را دارد! برای باور بهائی بسیار سخت است اگر عزیزان بهائی به کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف مراجعه نمایند و با ادعای واقعی جناب باب آشنا شوند!!!

اعتراف به محتوای تروریستی کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف

اما محتوای کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف در منابع باور بهائی چگونه گزارش شده است؟ در صفحه‌ی ۲۷۲ کتاب گنجینه حدود و احکام، زمانی که می‌خواهد تباین و فرق باور بهائی و بابی را در احکام بیان نماید و خود را به دور و منزه از احکام تروریستی باور بابی معرفی نماید، چنین می‌نگارد: "حکم جهاد با کفار و تاکید در شدت رفتار با آنان در کتاب قیوم الاسماء (تفسیر سوره یوسف) کرارا و مرارا از قلم اعلی نازل و کمتر سوره ایست که در این کتاب مبارک شامل این حکم نباشد."

حکم جهاد با کفار و تأکید در شدت رفتار با آنان در کتاب قیوم الاسماء (۲) (تفسیر سوره یوسف
کرارا و مرارا از قلم اعلی نازل و کمتر سوره ایست که در این کتاب مبارک شامل اینحکم نباشد

صفحه‌ی ۲۷۲ کتاب گنجینه‌ی حدود و احکام

اعتراف به محتوای تروریستی کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف

در صفحه‌ی بعد وقتی به برخی نمونه‌های احکام خشونت آمیز باور بابی اشاره می‌نماید، اولین مصداق این احکام را ضرب رقاب یا همان گردن زدن برشمرده و ادعای خود را ماخوذ از کتاب تفسیر سوره یوسف عنوان می‌نماید!!! کتابی که چنان توصیفاتی از آن از جمله قدرت تاثیرگذاری بر مخاطبش از این ارائه گردید، در اینجا تصریح می‌کند که حکم گردن زدن و احکامی از این دست در تمام سوره‌های آن آمده است!!! آن محتوایی که باعث بی‌هوش شدن جناب ملاحسین گردیده، آیا همین احکام تروریستی جناب باب بوده است!؟

چرا باور بهائی هیچ گاه معجزات جناب باب را به صورت رسمی منتشر نمی‌نماید!؟

بنابراین اگر باور بهائی، جناب باب را به عنوان حضرت موعود قبول دارد و ادعا می‌کند که جناب باب برای اثبات حقانیت خود اقدام به نزول تفسیر سوره‌ی یوسف نموده، بدان معناست جناب باب نیز این نشانه یعنی نزول تفسیر سوره‌ی یوسف به عنوان نشانه‌ی حضرت موعود، نشانه‌ای صحیح است و بر همین اساس اقدام به ارائه‌ی این تفسیر نموده تا بر اساس ادعای باور بهائی، مقام خود را به اثبات برساند!

چرا باور بهائی که چنین اثر مهمی را در دست دارد، آن را منتشر نمی‌سازند تا مسلمانان به جناب باب و پس از آن جناب بهاءالله ایمان بیاورند!؟

اعتراف به گم شدن آیات الهی در کنار ادعای حجم و سرعت نگارش فوق بشری

کتاب سلطان رسل حضرت رّب اعلی، صفحه‌ی ۵۰ به نقل از ایقان، "انبیای اولو العزم که عظمت قدر و رفعت مقامشان چون شمس واضح و لائحست مفتخر شدند هر کدام بکتابی که در دست هست و مشاهده شده و آیات آن

احصا گشته و از این غمام رحمت رحمانی اینقدر نازل شده که هنوز احدی احصا ننموده چنانچه بیست مجلّد الآن بدست میآید و چه مقدار که هنوز بدست نیامده و چه مقدار هم که تاراج شده و بدست مشرکین افتاده و معلوم نیست چه کردهاند!!!"

حضرت‌بهاء‌الله در کتاب مستطاب ایقان در مقایسهٔ آثار حضرت اعلی میفرمایند: «انبیای اولوالعزم که عظمت قدر و رفعت مقامشان چون شمس واضح و لائح‌است، مفتخر شدند هر کدام بکتابی که در دست هست و مشاهده شده و آیات آن احصاء گشته و از این غمام رحمت رحمانی اینقدر نازل شده که هنوز احدی احصاء ننموده چنانچه بیست مجلّد الآن بدست می‌آید و چه مقدار که هنوز بدست نیامده و چه مقدار هم که تاراج شده و بدست مشرکین افتاده و معلوم نیست چه کرده‌اند.» انتهی و خود حضرت باب در مجلس ولیعهد

صفحه‌ی ۵۰ کتاب سلطان رسل حضرت رب اعلی

اعتراف به از بین رفت کتاب‌های بابی و بهائی بر خلاف ادعای عدم تحریف و مصونیت تمامی کتاب‌های آسمانی

مگر کتب آسمانی از دیدگاه آموزه‌های باور بهائی مصون از تحریف و از بین رفتن نیستند!!!؟؟؟ چگونه باور بهائی ادعا می‌کند که کتب چند هزار سال پیش از پیامبران هم اکنون در دست است ولی آثار جناب باب از بین رفته!؟

شاید بتوان این ادعای جناب بهاءالله را دلیل بر آسمانی نبودن آثار جناب باب در نظر گرفت! چرا که اگر آسمانی بود، بر اساس آموزه‌های باور بهائی بایستی مصون از تحریف و از بین رفتن باشد.

"نیم میلیون بیت در سه سال در مقایسه با شش هزار آیه قرآن در ۲۳ سال" یعنی چیزی حدود ۸۳ برابر قرآن! بسیار خوب! این گوی و این میدان! اگر باور بهائی در ادعاهای خود صادق است و چنین حجم عظیمی از آثار جناب باب را در اختیار دارد که چنان آثار شگرف و عجیبی در وجود انسان باقی می‌گذارد، چرا اقدام به ارائه‌ی آن‌ها نمی‌نماید!؟ آن چه مسلم و قطعی است، باور بهائی حلقه‌ی اتصال خود با دیگر ادیان آسمانی را باور بابی می‌داند! اگر معجزه و دلیلی در باور بابی با این کیفیت وجود دارد، چرا این حلقه‌ی مفقوده را مخفی می‌نماید!؟

کرده‌اند.» انتهی و خود حضرت باب در مجلس ولیعهد می‌فرمایند که ظرف دو شبانه روز معادل تمام قرآن آیات الهی نازل می‌فرمایند و در مقامی دیگر شهادت می‌دهند که تا سجن ماه‌کو آیات نازله متجاوز از پانصد هزار بیت بوده است. (نیم میلیون بیت در سه سال در مقایسه باشش‌هزار آیهٔ قرآن در ۲۲ سال).

صفحه‌ی ۵۰ کتاب سلطان رسل

حجم آثار و کتاب‌های جناب باب در مقایسه به آن چه از ایشان باقی مانده، دلیل دیگری بر غیرالهی بودن آثار ایشان است
از تحریف بود!

انتشار پژوهش‌های سفارشی به عوض ارائه‌ی اصل کتاب

نصرت الله محمد حسینی در صفحه‌ی ۷۳۹ کتاب حضرت باب به وجود نسخه‌های مختلف تفسیر سوره‌ی یوسف اعتراف می‌نماید: "نگارنده برای معرفی تفسیر سوره‌ی یوسف از نسخه‌ی تفسیر مبارک به خط زیبای جناب ضیاء الدین نبیل اکبر استفاده کرده ولی به چهار نسخه‌ی دیگر نیز توجه نموده است. نخست سواد نسخه موجود در ارض اقدس حیفا، دوم نسخه موجود در کتابخانه ملک طهران، سوم نسخه کتابخانه سلطنتی لندن و سرانجام نسخه موجود

در کتابخانه مرکزی دانشگاه کیمبریج انگلستان. ... این بود که نگارنده پژوهشی نسبةً تفصیلی در باب کیفیت نزول و انتشار و نیز محتوای تفسیر سوره یوسف فرآهم نمود که به لطف موسسه معارف بهائی تحت عنوان "یوسف بهاء در قیوم الاسماء" در سال ۱۴۸ بدیع (۱۹۹۱ میلادی) انتشار یافت".

چرا باور بهائی پژوهش‌های سفارشی در مورد تفسیر سوره‌ی یوسف را منتشر می‌نماید ولی هیچ گاه اصل داستان و اصل تفسیر را ارائه نمی‌نماید!؟ نگرانی و ترس باور بهائی به چه خاطر است!؟

مخاطب کتاب قیوم الاسماء چه کسانی هستند!؟

در صفحه‌ی ۷۴۵ کتاب حضرت باب اعتراف شده که "مخاطب کلی کتاب قیوم الاسماء اهل ارض‌اند!!! حضرت باب در مواضع متعدده از این اثر عظیم اهل شرق و غرب عالم را به قول امر بدیع دعوت فرموده‌اند! ... در همان سوره به ملوک امر می‌فرمایند که آیات حضرتشان را به جمیع اهل عالم ابلاغ نمایند!"

چرا باور بهائی جرات نمی‌کند آثار جهانی جناب باب را به صورت بین‌المللی منتشر نماید!؟

اعتراف به ادعای بابیت در کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف

نصرت الله محمد حسینی در صفحه‌ی ۷۴۷ کتاب حضرت باب اعتراف می‌کند که "حضرت باب در کتاب مبارک قیوم الاسماء بارها خود را باب خوانده‌اند. از برخی از بیانات مبارکه ظاهرا مستفاد می‌گردد که ایشان باب موعود اسلام‌اند و لکن با دقت و تعمق بیشتر روشن می‌شود که ایشان باب الله اند و این عنوان گویای مقام رسالت یا مظهریت آن حضرت است!"

حضرت باب در کتاب مبارک قیّوم الاسماء بارها خود را «باب» خوانده اند. از برخی از بیانات مبارکه ظاهرا مستفاد می گردد که ایشان باب موعود اسلام‌اند ولکن با دقّت و تعمّق بیشتر روشن می شود که ایشان باب‌الله اند و این عنوان گویای مقام رسالت یا مظهریّت آن حضرت است. بدیهی است که بعلّت تعصّب شدید مردم

صفحه‌ی ۷۴۷ کتاب حضرت باب

اعتراف به ادعای بابیت در کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف

مشک آن است که خود ببوید، نه آن که عطار بگوید

اگر دوستان عزیز بهائی به اصل کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف مراجعه نمایند، به روشنی درخواهند یافت که منظور از باب در این تفسیر چه بوده و نیازی نیست مبلغین باور بهائی دست به تحریف زده و مطالب خلاف واقع را به جناب باب نسبت دهند! در بخش پایانی این نوشتار بر اساس منابع مورد تایید لجنه‌ی آثار امری ثابت می‌گردد که جناب باب در همان سطور آغازین این کتاب با صراحت تمام تصریح نموده که این کتاب را از نزد امام دوازدهم شیعیان یعنی حضرت محمد بن الحسن العسکری (علیهما السلام) آورده و خود را بنده و باب و ذکر امام غایب معرفی کرده و طرح مسائلی از این دست، چیزی نیست جز دروغ و تهمتی که از سوی باور بهائی به جناب باب نسبت داده می‌شود.

تنها منبع گزارش‌دهنده‌ی نحوه‌ی ایمان ملاحسین کدام است!؟

چگونگی ایمان آوردن جناب ملاحسین بشرویه‌ای در بسیاری دیگر از منابع باور بهائی آمده است؛ در کتاب قرن بدیع، جناب شوقی در صفحه‌ی ۴۲ اشاراتی به کیفیت و چگونگی ایمان ملاحسین می‌نماید و پس از آن که اعتراف می‌نماید که به جز آن چه که از ملاحسین شنیده شده، اطلاع مبسوط دیگری در دست نیست، یعنی تنها منبع نقل این داستان، تنها و تنها شنیده‌های خود ملاحسین است و آن هم معلوم نیست در کجا آمده است. در این گزارش می‌خوانیم:

"ملا حسین در شرح تشرف خویش به ساحت مبارک پس از ذکر سوالاتی که از محضر انور نموده و اجوبه کافیه شافیه که از لسان اطهر جاری شده و کل مدل بر عظمت روح و علو ذات و حقانیت دعوی مبارک نسبت به مقام قائمیت است چنین بیان می‌کند: به نحوی مسحور بیانات آن شمس معانی گشتم که از خود بی‌خود شدم و از دنیا و مافیها بی‌خبر ماندم ... و ندانستم چه وقت و چه هنگام است تا آن که صدای موذن بلند شد ... در آن شب خواب از عیونم متواری شد و دل از نفسات جان‌پرور حضرتش متلذذ گردید و جان و وجدان از ترنمات معنویه‌اش حین نزول آیات قیوم الاسماء اهتزاز جدید حاصل نمود ..."

باز هم این خود ملاحسین است که به عنوان تنها شاهد ماجرا، چنین شهادت می‌دهد: "این امر چنان ناگهانی و صاعقه آسا بر من القاء گردید که ارکان وجودم را متزلزل نمود و انوارش دیدگانم را خیره ساخت و قوه سحر انگیزش روح و روانم را مسخر کرد و هیجان و وحشت و انقلاب و اعجابی شدید در من نمودار شد. حالتی از سرور و اطمینان دست داد که از توصیف آن خارج است گویی ماهیت وجودم تغییر نمود ... و ندائی آسمانی را در قلب و فواد استماع نمودم ... "

نام‌های مختلف تفسیر سوره‌ی یوسف

به ادعای نصرت الله محمد حسینی در صفحات ۷۴۳ به بعد کتاب حضرت باب، تفسیر سوره‌ی یوسف در آثار باب تحت عناوینی همچون احسن القَصص، قیوم الاسماء، کتاب الحسینیه، کتاب اکبر، تفسیر الاکبر، تاویل الاعظم و … آمده و در آثار بهاءالله، عبدالبهاء و شوقی نیز بارها با دو عنوان قیوم الاسماء و احسن القَصص و گاهی قیوم الکتب از آن یاد شده است. وی مدعیست که در همان کتاب قیوم الاسماء، باب با نام‌هایی هم چون فرقان و قرآن نیز از این کتاب یاد کرده و لذا به قرآن اهل بیان معروف گردیده است!!!

اول و اعظم و اکبر کتب بر رسالت جناب باب از نظر جناب بهاءالله و دستان بی‌رحم تحریف‌گر باور بهائی

در خصوص جایگاه کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف یا همان قیوم الاسماء جناب بهاءالله در کتاب ایقان (صفحه‌ی ۱۵۳ چاپ مؤسّسه ملّی مطبوعات بهائی آلمان) تصریح می‌نماید که "سبحان‌الله در اوّل از کتب خود که آن را قیّوم اسماء نامیده و اوّل و اعظم و اکبر جمیع کتب است"

۲۵۸ امور را متعرّض شده‌اند؟ سبحان اللّه، در اوّل از کتب خود که
آن را قیّوم اسماء نامیده و اوّل و اعظم و اکبر جمیع کتب
است اخبار از شهادت خود می‌دهند و در مقامی این آیه را

۱۵۳

صفحه‌ی ۱۵۳ کتاب ایقان

جایگاه تفسیر سوره‌ی یوسف از دیدگاه جناب بهاءالله: اول و اعظم و اکبر جمیع کتب است!

بگذریم از این که با مراجعه به سایر منابع و نصوص باور بهائی مشخص می‌گردد که دست سانسور و تقطیع حتی نوشته‌جات جناب بهاءالله را نیز در امان نگذاشته و عبارت کامل جناب بهاءالله را نمی‌آورند که ایشان ادعا نموده "اوّل و اعظم و اکبر جمیع کتب است"!!!

اما باور بهائی در سایر منابع، عبارت "اوّل و اعظم و اکبر جمیع کتب است" را به صورت کامل نقل نمی‌کند!!! بلکه عباراتی نظیر "از جمیع کتب آن حضرت" (سلطان رسل حضرت رب اعلی، صفحه ۵۱)، "کتب دور بیان" (کتاب قرن بدیع، صفحه ۴۵) "حضرت باب" (دور بهائی، صفحه ۹) و قیدهایی از این دست را به عبارت تقطیع شده‌ی جناب بهاءالله می‌افزایند تا مفری برای خود بیابد! حال آن که کسی حق تاویل و تفسیر نصوص را ندارد! و چنین اقدامی بر خلاف آموزه‌های باور بهائی است!

به هر حال مشخص است که اولین، بزرگ‌ترین با عظمت‌ترین کتاب جناب باب از دیدگاه جناب بهاءالله و باور بهائی، همین کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف یا قیوم الاسماء است!

یکی دیگر از خیانت‌هایی که باور بهائی در حق دوستان عزیز بهائی انجام داده، سانسور و تحریفی است که در نقل قول از جناب بهاءالله در مورد جایگاه کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف به کار برده است. یعنی حتی نصوص جناب بهاءالله نیز از تحریف و تاویل در امان نیست!

جناب شوقی در صفحه‌ی ۴۵ کتاب قرن بدیع ادعا می‌کند که "آن چه بالاخص مایه اعتلاء و نورانیت آن لیله عظیمه می‌باشد همانا نزول تفسیر سوره مبارکه یوسف است که به قیوم الاسماء و اول و اعظم و اکبر کتب دور بیان محسوب است."

اگر به کتاب ایقان مراجعه شود، ملاحظه می‌گردد که شخص جناب بهاءالله از کتاب قیوم الاسماء یا همان تفسیر سوره‌ی یوسف با عنوان "اول و اعظم و اکبر کتب" یاد کرده! ولی باور بهائی و جناب شوقی که به خوبی می‌داند این ادعای جناب بهاءالله به هیچ وجه قرین به صحت نیست، لذا تقریبا هر جایی که به این عبارت جناب بهاءالله استناد شده، با اضافه کردن قیدهایی همچون "دور بیان" به کلام جناب بهاءالله، از شدت مطلق گویی جناب بهاءالله کاسته‌اند! و جرأت نداشته‌اند که عین دیدگاه جناب بهاءالله را ارائه نماید!

یعنی حتی جناب شوقی نیز عبارت جناب بهاءالله در خصوص تفسیر سوره یوسف را کامل نمی‌آورد و به آن قید "دور بیان" را اضافه می‌نماید. سپس اضافه می‌کند که "از مطالعه صفحات اولیه این سفر جلیل ... عظمت و رفعت این اعلام کریم واضح و مشهود می‌گردد."

ای کاش باور بهائی، بشریت را از دریافت چنین انواری محروم نمی‌کرد!!! و با انتشار این کتاب، همگان و به خصوص دوستان عزیز بهائی را در معرض چنین مضامینی قرار می‌داد! به خصوص که ادعا شده مخاطب این کتاب، تمامی اهل زمین هستند!

در نهایت نیز دو مقام برای جناب باب ادعا می‌کند: "آن مطلع انوار صاحب دو مقام فخیم و دو رسالت عظیم یکی تشریع شریعت مستقل و دیگری تبشیر و اعلان ظهور اکمل و اتمم از ظهور خود ..." که شاهدی بر ادعای مقام رسالت برای جناب باب بوده و لذا کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف نیز به عنوان بزرگ‌ترین دلیل بر اثبات حقانیت وی از دیدگاه باور بهائی محسوب می‌گردد. ای کاش به جای این همه حلوا حلوا کردن، یا این کتاب را منتشر می‌نمود و یا این که فقراتی که دلالت بر ادعای تشریع دین بدیع در تفسیر سوره‌ی یوسف است را ارائه می‌نمود! همین عبارات را حسن موقر بالیوزی در صفحات ۳۹ و ۴۰ کتاب "بهاءالله شمس حقیقت" آورده است.

جناب شوقی در صفحه‌ی ۸۰ کتاب کتاب قرن بدیع، به صراحت سخن از رسالت جناب باب به میان آورده و کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف در میان بابیان را به منزله‌ی قرآن در میان مسلمانان قلمداد می‌نماید: "این کتاب مستطاب که در دوران رسالت حضرت باب نزد اهل بیان به منزله فرقان در بین امت اسلام شمرده می‌شد اول و اعظم سوره آن در لیله اظهار امر در حضور حضرت باب الباب (ملاحسین) نازل گردید و بعضی از صفحات آن کتاب مبین به عنوان نخستین اوراق جنت اعلی و اثمار طیبه آن سدره طوبی توسط حامل امانت ربانی به حضور حضرت بهاءالله تقدیم شد و آن حضرت به مجرد ملاحظه، عظمت و مقام و حقانیت منزل آن آیات را تایید و تصدیق فرمودند!!!!"

سپس جناب شوقی باز به آثار و تاثیرات عجیب این کتاب اشاره می‌نماید ولی هیچ گاه امر به چاپ و انتشار آن نمی‌نماید!!! آثاری که ثمره‌ی آن به تصریح جناب شوقی، به راه انداختن چندین جنگ داخلی در ایران و قتل انسان‌های بی‌گناه بسیاری گردید: "همین سفر جلیل بود که تلاوت صفحه از آن روح جناب حجت را تسخیر نمود و شعله عشق و انقطاع در قلوب مدافعین قلعه طبرسی برافروخت و قهرمانان نیریز و زنجان را بورود در میدان جانبازی و فدا مبعوث کرد."

حال آن که بر اساس نصوص و منابع باور بهائی که در آخرین بخش این نوشتار می‌آید، جناب باب در زمان تفسیر سوره‌ی یوسف، خود را بنده و ذکر و باب امام دوازدهم شیعیان، حضرت محمد بن الحسن العسکری (علهیما السلام) معرفی نموده و ادعایی که باور بهائی در بالا مطرح ساخته (یعنی رسالت و مظهریت و قائمیت، متاسفانه هیچ کدام قرین به صحت نیست!!! به راستی چرا دروغ!؟ چرا سانسور!؟

علت عدم انتشار اول و اعظم و اکبر کتب چیست و حروف حی به کدام ادعای جناب باب ایمان آورده‌اند!؟

به راستی چرا باور بهائی از انتشار نسخه‌ی رسمی و مورد تایید خود از کتابی که جناب بهاءالله در ایقان آن را اول و اعظم و اکبر تمامی کتاب‌ها خوانده امتناع می‌ورزد و هیچ گاه چنین کتابی با چنان آثار و خواص عجیب و جایگاه بلندی را منتشر نمی‌نماید. در حالی که جناب بهاءالله در صفحه‌ی ۱۵۳ کتاب ایقان (چاپ مؤسّسه ملّی مطبوعات بهائی آلمان) تصریح می‌نماید که "سبحان‌الله در اوّل از کتب خود که آن را قیّوم اسماء نامیده و اوّل و اعظم و اکبر جمیع کتب است"

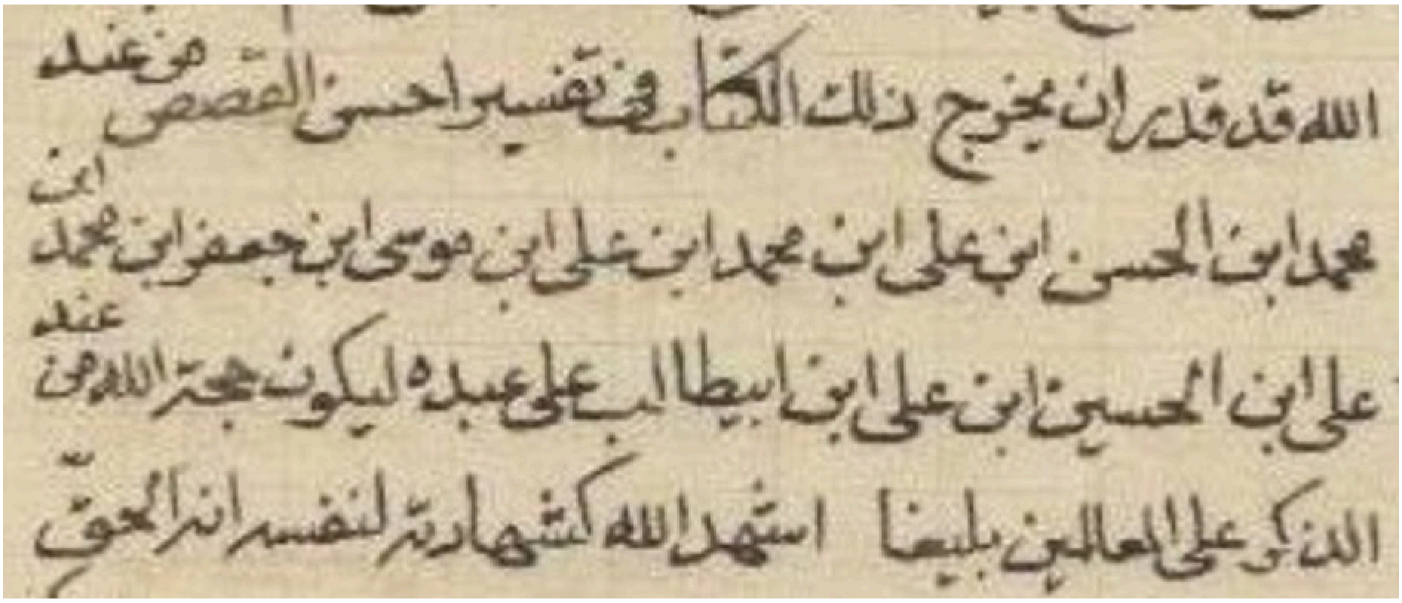
همان گونه که پیش از این در منابع مختلف ملاحظه گردید، باور بهائی تفسیر سوره‌ی یوسف یا همان قیوم الاسماء را در حقیقت معجزه و دلیل جناب باب بر ادعای رسالت، قائمیت و مظهریت (من یظهره الله) معرفی کرده بود. اما چقدر این ادعای باور بهائی قرین به صحت است!؟ برای روشن شدن مطلب کافیست به خود کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف مراجعه نمود!

اگر دوستان عزیز بهائی به چند خط آغازین از اولین سوره‌ی کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف مراجعه نمایند، به سان آفتاب میان روز، درخواهند یافت که چرا باور بهائی از انتشار این کتاب بسیار بسیار مهم (از دیدگاه جناب بهاءالله) جلوگیری نموده و چقدر ناجوانمردانه حقیقت را مخفی نموده و ادعاهای خلاف واقع به جناب باب نسبت می‌دهد!

در همان چند سطر ابتدایی از اولین سوره‌ی این کتاب یعنی سوره الملک، جناب باب با صراحت تمام تصریح نموده که این کتاب را از کجا و از نزد چه کسی آورده است:

« اللهُ قَد قَدَّرَ أن یَخرُجَ ذلِکَ الکِتابَ فی تَفسیرِ أحسَنِ القَصَصِ مِن عِندِ مُحَمَّدِ بنِ الحَسَنِ بنِ عَلیِّ بنِ مُحَمَّدِ بنِ عَلیِّ بنِ مُوسَی بنِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّد بنِ عَلیِّ بنِ الحُسَینِ بنِ عَلیِّ بنِ أبی طالِبٍ عَلی عَبدِهِ لِیَکُونَ حُجَّةَ اللهِ مِن عِندِ الذِّکرِ عَلَی العالَمینَ بَلیغاً »

«خداوند مقدر کرده است که آن کتاب را در تفسیر بهترین قصه‌ها (داستان حضرت یوسف علی نبینا و آله و علیه السلام) از نزد محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب بر بنده اش خارج سازد تا حجت خدا از نزد ذکر بر جهانیان به گونه ای بلیغ باشد.»


الله قد قدر ان یخرج ذلک الکتاب فی تفسیر احسن القصص من عنده
محمد ابن الحسن ابن علی ابن محمد ابن علی ابن موسی ابن جعفر ابن محمد ابن
علی ابن الحسین ابن علی ابن ابیطالب علی عبده لیکون حجة الله من عنده
الذکر علی العالمین بلیغا اشهد الله کشهادته لنفسه انه الحق

سطور آغازین کتاب قیوم الاسماء، تفسیر سوره‌ی یوسف، احسن القصص (بزرگ‌ترین کتاب جناب باب که خطاب به تمام ا
من این کتاب را از پیش امام دوازدهم آورده‌ام و خودم امام دوازدهم نیستم!

از آن جا که باور بهائی هیچ گاه نسخه‌ی مورد تایید تفسیر سوره‌ی یوسف را ارائه ننموده، ممکن است دوستان عزیز بهائی اندکی در پذیرش این آیات دچار تردید باشند که چگونه می‌توانند به منابع غیربهائی اعتماد نمایند!؟ اما از آن جا که خداوند متعال، بسیار مهربان است، از سر لطف خویش، حجت را در میان منابع باور بهائی نیز قرار داده تا پذیرش حق برای عزیزان بهائی بسیار سهل و آسان باشد. به لطف خداوند متعال جناب اشراق

خاوری در صفحه‌ی ۲۲ بخش اول کتاب رحیق مختوم (یا صفحه‌ی ۳۴ چاپ جدید تر)، تمامی سوره الملک که اولین سوره از کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف است را می‌آورد و عزیزان بهائی می‌توانند این فقرات را در کتاب مورد تایید لجنه‌ی ملی نشریات امری بیابند تا جای هیچ شک و تردیدی باقی نماند!

- ۲۲ -

العلی قد کان بالحق فی ام الکتاب مکتوبا الله قد قدر ان یخرج
ذلک الکتاب فی تفسیر احسن القصص من عند محمد بن الحسن
بن
بن علی محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن
الحسین بن علی بن ابی طالب علی عبده لیکون حجة الله من
عند الذکر علی العالمین بلیغا اشهد الله کشهادته لنفسه انه

صفحه‌ی ۲۲ کتاب رحیق مختوم

سوره الملک، اولین سوره‌ی در کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف در منابع بهائی و ادعای واقعی جناب باب مبنی بر بابیت

همان گونه که ملاحظه می‌گردد، بر خلاف ادعای باور بهائی که مدعی گردیده جناب باب در این کتاب خود را قائم و رسول و من یظهره الله معرفی کرده، جناب باب ادعایی به جز بابیت امام دوازدهم شیعیان، محمد بن الحسن العسکری (علیهما السلام) نداشته و خود جانشین سید کاظم رشتی معرفی کرده است!!!

جناب باب در این عبارت به وجود امام دوازدهم محمد بن الحسن العسکری (علیهما السلام) اعتراف نموده و خود را بنده و ذکر و باب ایشان معرفی می‌نماید در حالی که جناب بهاءالله در کمال بی‌ادبی، منکر وجود امام دوازدهم شیعیان شده و نسبت‌های زشت و ناروایی را به ایشان نسبت می‌دهد! چنین تعارض شدیدی بین دیدگاه‌های جناب باب و بهاءالله هم می‌تواند از دیگر علت اصلی عدم انتشار بزرگترین معجزه‌ی جناب باب از سوی باور بهائی باشد.

لذا مشخص می‌شود که اولین پیروان جناب باب به چیزی جز بابیت او ایمان نیاورده‌اند و هیچ گاه در آن زمان او را قائم و موعود و یا رسول و من یظهره الله نمی‌دانستند!

یعنی ملاحسین بشرویه‌ای که تنها فردی از میان حروف حی است که ادعا شده بر اساس دیدن معجزه به جناب باب ایمان آورده، او نیز به چیزی جز بابیت جناب باب ایمان نیاورده و در این کتاب چیزی جز بابیت امام دوازدهم شیعیان، مطرح نگردیده است!

بازگشتن ملاعبد الخالق یزدی از پیروی جناب باب، شاهد دیگری است که نشان می‌دهد که بر خلاف ادعای باور بهائی، جناب باب هیچ گاه در آغاز امر خود را قائم و رسول و ظهور الله معرفی نکرده است! ملا عبدالخالق یزدی کسی است که به ادعای جناب بهاءالله در کتب ایقان، نام او در لوح محفوظ ثبت شده و شاهد رسالت جناب باب بوده و به ادعای نصرت الله محمد حسینی در صفحه‌ی ۳۷۸ کتاب حضرت باب، وقتی جناب باب نامه‌ای به محمد شاه می‌نویسد، ایمان ملا عبدالخالق را به عنوان شاهد بر مدعای خود آورده است!!! سپس ادامه می‌دهد که وقتی لوحی از جناب باب به جناب او رسید که خود را قائم نامیده بود، لوح را به کناری انداخت و فریاد زد پسرم به ناحق در واقعه‌ی قلعه‌ی طبرسی کشته شده است! یعنی ملاعبدالخالق نیز جناب باب را به هیچ وجه قائم نمی‌دانسته و به محض اطلاع از ادعای قائمیت جناب باب، دست از پیروی او برداشته و به اعتراف جناب بهاءالله، جمع دیگری را نیز با هم همراه کرده و آنان را نیز کافر به جناب باب می‌گرداند!

"چون به خانه میرزا زمان رسیدم دیدم ملاّعبدالخالق مشغول وضو گرفتن است. لذا توقیع مبارک را در اطاق نزدیک وی نهادم تا زیارت نماید و از خانه خارج شدم. یک ساعت بعد خبر آوردند که پس از فراغت از نماز توقیع مبارک را زیارت نمود. چون بدین آیه مبارکه رسید که می‌فرمایند:"انا القائم الحقّ الّذی انتم بظهوره توعدون" لوح را بکناری انداخت و فریاد زد ای داد که پسرم بناحقّ کشته شد. جمال ابهی در یکی از الواح در خصوص تزلزل ملاّعبدالخالق می‌فرمایند: "ملاّعبدالخالق که از مشایخ شیخیّه بود در اوّل امر که نقطه اولی روح ماسواه فداه در قمیص بابیّت ظاهر اقبال نمود و عریضه معروض داشت. از مصدر عنایت کبری ذکرش نازل و بر حسب ظاهر کمال عنایت نسبت به او مشهود. تا آنکه لوحی مخصوص به او ارسال فرمودند در او این کلمه علیا نازل قوله تعالی: انّنی اناالقائم الحقّ الّذی انتم بظهوره توعدون. بعد از قرائت صیحه زد و باعراض تمام قیام نمود و جمعی در ارض طاء بسبب او اعراض نمودند."

یعنی ادعای جناب باب در اول و اعظم و اکبر معجزه و کتاب ایشان به هیچ وجه قائمیت و رسالت نبوده و پر واضح است که باور بهائی هیچ تمایلی ندارد دوستان عزیز بهائی به این حقانیت دست یابند!!! لذا به تعریف و تمجید از کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف اکتفا نموده ولی هیچگاه آن را به صورت رسمی منتشر نمی‌نماید! چرا که انتشار رسمی این تفسیر و نسخه‌ی تایید شده آن به منزله‌ی انهدام بسیاری از پایه‌های آموزه‌های باور بهائیست که از جمله‌ی مهمترین این موارد می‌توان اعتقاد جناب باب به امام دوازدهم محمد بن الحسن العسکری (علیهم السلام) و ابراز جانبازی و خاکساری در مقابل ایشان را نامبرد؛ یعنی همان باوری که جناب بهاءالله آن را موهوم می‌داند و وظیفه‌ی همه‌ی بهائیان را تلاش برای از بین بردن آن تعیین می‌نماید. مستندات این موضوع در ذیل مباحثی با

عنوان ‘‘چرا بهائیان اعتقاد دارند باب همان امام زمان شیعیان است؟ ’’ و به طور خاص در اولین بخش ارائه گردیده است: ‘‘پاسخ جامع و کامل: تفاوت بین ادعای قائمیت جناب باب و تهمتی که باور بهائی به جناب باب نسبت می‌دهد! تقابل و تعارض دیدگاه جناب باب و بهاءالله در موضوع امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)! آیا دوستان عزیز بهائی می‌دانند که جناب باب هیچ گاه ادعای امام زمانی و امام دوازدهم بودن را ننموده است!؟ آیا عزیزان بهائی می‌دانند که جناب بهاءالله چه وظیفه‌ای برای ایشان در قبال شیعه و موضوع مهدویت ترسیم نموده است!؟ اثبات وجود محمد بن الحسن امام زمان (علیه السلام) در کتاب مستطاب ایقان’’

جالب اینجاست که وقتی باور بهائی در ذیل همین بحث به طور کلی تمامی آیات و بیِّنات الهی یا همان معجزاتی که پیامبران گذشته ارائه نموده‌اند را انکار نموده و معجزه را منحصر در کتاب معرفی می‌کند، در نکته‌ی هفتم ادعا می‌کند: ‘‘آیات و کتب الهی، بر عکس معجزات ظاهری، باقی هستند و همه نسل های بشری می توانند آن را ملاحظه کنند و بررسی نمایند و از آن سود معنوی و اجتماعی برند’’

به راستی چرا باور بهائی این بزرگ‌ترین معجزه‌ی جناب باب را منتشر نمی‌نماید تا نسل‌های بشری بتوانند آن را ملاحظه کنند و بررسی نمایند!؟

منبع: https://www.hassanershad.com/2657

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۷

بررسی معجزه‌ی دیگری از جناب باب و اثبات بطلان باور بهائی؛ تفسیر سوره‌ی کوثر و داستان ایمان آوردن سید یحیی دارابی ملقب به وحید!

آیا دوستان عزیز بهائی می‌دانند که باور بهائی به دلیل پوشاندن آیات الهی و عدم انتشار معجزه‌ی جناب باب، مورد لعن خداوند متعال و لعنت‌کنندگان قرار می‌گیرند!؟

وحشت باور بهائی از انتشار آثار جناب باب!

تناقض در ثبت رکورد سرعت نگارش و خواندن جناب باب

تا به این قسمت از موضوع معجزه و دیدگاه باور بهائی نسبت به آن، ضرورت ارائه‌ی معجزه از دیدگاه قرآن، روایات و عقل به اثبات رسید و بر خلاف ادعای باور بهائی ثابت شد که مدعی صادق را از مدعی دروغگو و کذاب جز از طریق معجزه و دلیل و برهان نمی‌توان شناخت.

اما از آن جا که جناب باب در تمام آثار خود و شخص جناب بهاءالله تا زمان نگارش کتاب ایقان بر این باور بوده‌اند که معجزه و دلیل حقانیت پیامبر فقط و فقط منحصر به کتاب است و تنها معجزه‌ای که فرد مدعی رسالت بر اثبات ادعای خود ارائه می‌نماید فقط و فقط معجزه است، لذا در این بخش‌های گذشته به چگونگی ایمان آوردن اولین پیروان جناب باب پرداخته شد و ثابت گردید که اولین مومنان به جناب باب به هیچ وجه بر اساس دلیل و برهان و کتاب به ایشان ایمان نیاورده‌اند.

در میان پیروان اولیه‌ی جناب باب، ادعا شده بود که تنها یک نفر بر اساس کتاب به جناب باب ایمان آورده بود و آن کسی نبود به جز ملاحسین بشرویه‌ای و آن معجزه نیز چیزی نبود جز کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف. نادرستی و دروغ بودن این ادعا نیز در بخش‌های گذشته به اثبات رسید. همچنین مشخص شد بر خلاف ادعای باور بهائی، جناب باب به هیچ وجه ادعای پیامبری نداشته و اولین پیروان وی نیز تنها و تنها به ادعای بابیت او ایمان آورده‌اند. جناب بهاءالله ادعا می‌کند که اعظم دلیل و بزرگ‌ترین کتاب و معجزه‌ی جناب باب، تفسیر سوره‌ی یوسف است و مشاهده گردید که جناب باب در همان چند سطر اول، با صدای بسیار بلند و واضح، بطلان باور بهائی را به گوش همگان رسانیده و به همین علت است که باور بهائی هیچ گاه جرات انتشار نسخه‌ی رسمی و تایید شده‌ی آثار جناب باب و به خصوص بزرگ‌ترین کتاب یعنی تفسیر سوره‌ی یوسف را ندارد.

در این بخش به دومین معجزه‌ی جناب باب پرداخته می‌شود تا دوستان عزیز بهائی خود قضاوت نمایند چرا باور بهائی از انتشار معجزه‌ی جناب باب با آن آثار عجیب و غریبی که برای آن برمی‌شمارد، همچنان استنکاف جسته هیچ گاه آن‌ها را منتشر نمی‌نماید.

اما همیشه این سوال اصلی را به خاطر داریم که محتوای این آثار چه بوده و جناب باب در این معجزات خود چه مطالبی را بیان داشته که چنین آثار شگفت انگیزی در مخاطبان خود به جای گذاشته است؟ موضوع دیگر آن است که اگر باور بهائی واقعا به این موضوع اعتقاد دارد که آثار و کتب جناب باب همان معجزات و بیّنات ایشان است، در این صورت با مخفی نگه داشتن این آیات الهی، خود را مورد لعن خداوند متعال قرار داده است!

داستان ایمان آوردن جناب وحید بر اساس آن چه در منابع باور بهائی ذکر شده، بسیار حائز اهمیت و جالب توجه است؛ جناب سید یحیی دارابی ملقب به وحید، همان فردی است که دومین جنگ داخلی بابیان را در ایران به راه انداخت که از آن به نام واقعه‌ی نیریز یاد می‌شود و در نهایت خودش نیز طعمه‌ی این آتش خانمانسوز گردید و در شعبان ۱۲۶۶ کشته شد.

به ادعای جناب شوقی در صفحه‌ی ۵۵ کتاب قرن بدیع (چاپ ۱۴۹ بدیع)، سید یحیی دارابی از اجله‌ی علما بوده که در فصاحت و بلاغت سرآمد اقران و مورد ثقه و اطمینان می‌باشد و محمد شاه او را مامور تحقیق در مورد ادعای جناب باب نموده که به شیراز آمده و در اثر آشنایی به جناب باب و پس از سه جلسه گفتگو و دیدن معجزه‌ی تفسیر سوره‌ی کوثر، چنان ایمان به او آورده که جانش را در واقعه‌ی نیریز در راه باب از دست داده است! جناب شوقی او را فردی محقق و صاحب نظر و در اخبار و احادیث اسلامیه وارد و متبحر می‌خواند و ادعا می‌کند که او سی هزار حدیث حفظ بوده است!

اهمیت حاصل نمود بقسمی که محمدشاه در صدد تحقیق برآمد و جناب آقا سید

یحیی دارابی یکی از اجلهٔ علماء را که در فصاحت و بلاغت سرآمد

اقران و مورد ثقه و اطمینان بود و بعداً بلقب وحید ملقب گردید

تعیین نمود و وی را مأمور ساخت که بنفسه فحص این حقیقت نماید و

مراتب را بمقام سلطنت معروض دارد جناب وحید که شخص محقق و

صاحب نظر در اخبار و احادیث اسلامیه وارد و متبحر بود و سی هزار

حدیث در ذهن داشت عازم شیراز شد و طی سه جلسه که بحضور

مبارک تشرف حاصل نمود بکلی مجذوب و مسحور عظمت و نورانیت

حضرت گردید مجلس اول بمذاکره در اصول معرفت و توحید و بیان

صفحه‌ی ۹۷ قسمت اول کتاب قرن بدیع (چاپ ۱۲۴ بدیع) و صفحه‌ی ۵۵ چاپ ۱۴۹ بدیع
چگونگی ایمان آوردن وحید به جناب باب از قلم جناب شوقی

همان گونه که اشاره گردید، باور بهائی ادعا می‌کند که وحید طی سه جلسه به جناب باب ایمان آورده است؛ جلسه‌ی اول در مورد توحید و آیات متشابه قرآن، جلسه‌ی دوم سوالات فراموش شده‌ی وحید که جناب باب به سوالات نپرسیده و فراموش شده‌ی وی جواب می‌دهد و جلسه‌ی سوم نیز به نزول تفسیر سوره‌ی کوثر گذشت!

به تصریح خداوند متعال در قرآن کریم، کسانی که در قلوب‌شان زَیغ و انحراف وجود دارد از آیات متشابه پیروی می‌کنند (آل عمران، آیه‌ی ۷). در جلسه‌ی دوم نیز ادعا شده که جناب باب بر اساس علم غیب و آگاهی از ضمیر جناب وحید توانسته به سوالات فراموش شده‌ی وی پاسخ دهد و همین غیب‌گویی جناب باب باعث حیرت و سرگردانی جناب وحید می‌شود! آیا مگر قرار نبود که معجزه فقط از جنس کتاب باشد!؟ این کار جناب باب به چه معناست!؟ چرا جناب باب در اینجا از ابزاری غیر از کتاب برای نشان دادن حقانیت خود استفاده می‌نماید!؟ باور بهائی اگر چه لزوم ارائه‌ی برهان و دلیل و معجزه را انکار می‌نماید، اما همان گونه که ملاحظه می‌گردد، در بسیاری از موارد، نظیر همین مورد، به امور خارق عادت و ما فوق بشری استناد می‌کند و داستان‌هایی از این نوع را می‌سازد تا حالت ماورائی را برای جناب باب به تصویر بکشد! حال آن که هم جناب باب و هم جناب بهاءالله (حداقل تا پس از نگارش کتاب ایقان) به طور کلی منکر معجزات غیرکتابی شده‌اند! اگر معجزه‌ای غیر از کتاب وجود ندارد، پس این کار جناب باب و این حیرت جناب وحید به چه معناست!؟

نماید بکلی از مدّ نظر دور و از خاطرش محو و زائل گردیده لیکن حضرت باب
ضمن بیانات خویش جمیع مسائلی را که فراموش نموده بود توضیح فرمودند
و آقا سید یحیی پاسخ جمیع مشکلات خود را دریافت و از مشاهده این
معنی متحیر گردید و حالت غریبی بوی دست داد و در جلسه ثالث

صفحه‌ی ۹۸ قسمت اول کتاب قرن بدیع (۱۲۴ بدیع) ادعای معجزه و غیب‌گویی برای جناب باب بر خلاف رویکرد باور ب
در انکار معجزات غیرکتابی

بگذریم. بالاخره نوبت به جلسه‌ی سوم می‌رسد و ادعا شده "در جلسه ی ثالث خواهش تفسیر سورهء کوثر نمود و نزول این تفسیر منیع که از دو هزار بیت مرکّب بود چنان آقا سیّد یحیی را شیفته و آشفته ساخت که بی اختیار قیام کرد و گزارش مختصری بوسیله ی پیشخدمت دربار بحضور پادشاه فرستاد و بقیّه ی حیات را وقف اعلاء امر الله و انتشار کلمه الله نمود و عاقبت در این سبیل در حادثه ی نیریز گرفتار شد و به تاج وهّاج شهادت مفتخر گردید."

معنی متحیر گردید و حالت غریبی بوی دست داد و در جلسهٔ ثالث
خواهش تفسیر سورهٔ کوثر نمود و نزول این تفسیر منیع که از دو هزار بیت
مرکب بود چنان آقا سید یحیی را شیفته و آشفته ساخت که بی اختیار
قیام کرد و گزارش مختصری بوسیلهٔ پیشخدمت دربار بحضور پادشاه
فرستاد و بقیهٔ حیات را وقف اعلاء امر الله و انتشار کلمة الله
نمود و عاقبت در این سبیل در حادثهٔ نیریز گرفتار شد و بتاج وهاج
شهادت مفتخر گردید آقا سید یحیی را از این سفر نیت چنان بود که با

صفحه‌ی ۹۸ قسمت اول کتاب قرن بدیع (۱۲۴ بدیع)

جلسه‌ی سوم گفتگوی جناب باب و وحید و درخواست تفسیر سوره‌ی کوثر و گوشه‌ای از آثار عجیب این تفسیر

جالب است که در صفحه‌ی ۳۵۱ نفحات ظهور حضرت بهاءالله، از زبان شیخ عظیم، تصادفی بودن این واقعه را به شدت انکار می‌کند! یعنی این پاسخ گفتن جناب باب به سوالات فراموش شده را نبایستی به هیچ وجه یک موضوع

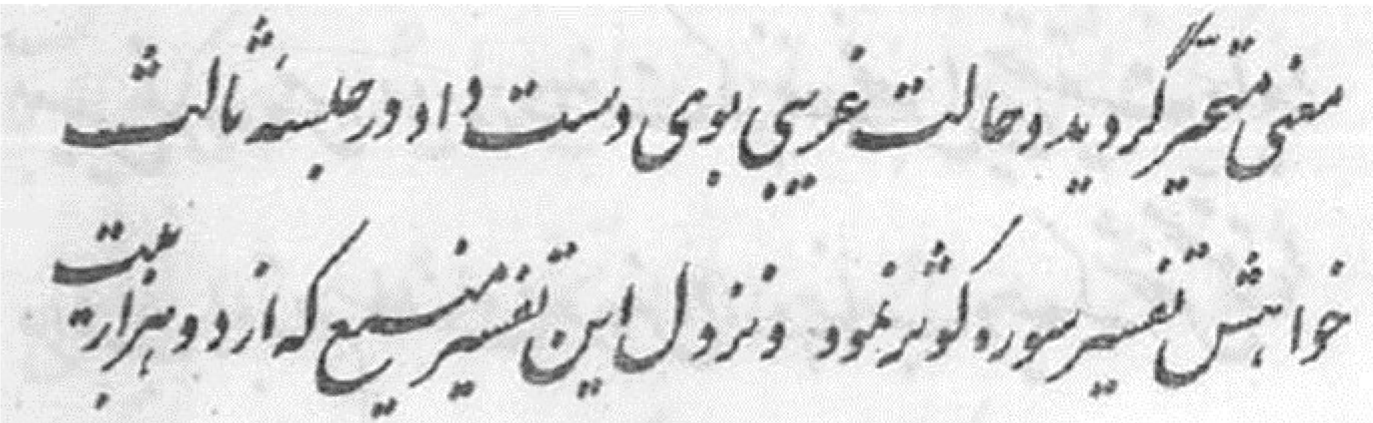
عادی و تصادفی در نظر بگیری! باید آن را دلیل حقانیت و معجزه‌ی جناب باب به حساب بیاوری!
تمام داستان معجزه که باور بهائی منکر آن بود نیز همین است! مدعی صادق بایستی دلیل و برهان و آیه و بیّنه و معجزه‌ای ارائه نماید تا صدق گفتارش مشخص شود و ثابت گردد که از جانب خداوند متعال آمده است! معجزه تنها راهی است که مدعی کذاب را از فرستاده‌ی صادق جدا می‌کند!

بنا بر گزارشی که جناب شوقی از جلسه‌ی سوم گفتگوی وحید و جناب باب ارائه می‌دهد، معجزه‌ی تفسیر سوره‌ی کوثر جناب باب، بایستی حاوی مضامین بسیار خاصی بوده که توانسته ایشان را چنین منقلب نماید! اگر دوستان عزیز بهائی به منابع و نصوص باور بهائی مراجعه نمایند، تعبیرات بسیار عجیبی برای تفسیر سوره‌ی کوثر، آثار آن و ادعاهای جناب باب خواهند یافت. لذا در ادامه به بررسی این معجزه‌ی جناب باب از نگاه باور بهائی پرداخته می‌شود و ضمن مشخص شدن علت عدم انتشار این معجزه، موضوعات بسیار مهم دیگری نیز در این میان مطرح می‌گردد که از جمله‌ی مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به عدم صداقت باور بهائی در مورد ادعای جناب باب در این کتاب، تضاد و تعارض دیدگاه‌های جناب باب و بهاءالله و کافر بودن جناب بهاءالله از نگاه جناب باب اشاره نمود.

لذا ابتدا چند نمونه از تناقضات و آثار عجیب تفسیر سوره‌ی کوثر به شرح زیر تقدیم حضور می‌گردد.

تفسیر سوره‌ی کوثر چگونه نازل شد!؟بر اساس درخواست قبلی یا بر اساس نیت‌خوانی!؟جناب شوقی راست می‌گوید یا ادیب طاهرزاده!؟

همان گونه که ملاحظه گردید، جناب شوقی در کتاب قرن بدیع ادعا کرده بود وحید در جلسه‌ی ثالث خواهش تفسیر سوره کوثر نمود.


معنی متحیر گردید و حالت غریبی بوی دست داد و در جلسه ثالث
خواهش تفسیر سوره کوثر نمود و نزول این تفسیر منیع که از دو هزار بیت

اما در صفحه‌ی ۳۵۲ کتاب نفحات ظهور حضرت بهاءالله، گزارش دیگری از نزول تفسیر سوره‌ی کوثر ارائه گردیده که بر خلاف نظر جناب شوقی است! در اینجا ادعا شده که جناب وحید درخواست قلبی از جناب باب داشته و هیچ گاه درخواست خود را به زبان نیاورده است! شبیه آن چه که در مورد ملاحسین بشرویه‌ای ادعا شده، در

اینجا نیز مشابه همان مطالب آمده است که جناب باب بایستی به نیت قلبی وحید آگاه بوده و تفسیری بر سوره‌ی کوثر بنگارد که با سایر تفاسیر موجود متفاوت باشد! گویا متفاوت بودن یک تفسیر، دلیل بر حقانیت نویسنده است!

جلسهٔ سوم که بحضور مبارک رفتم تصمیم گرفتم که قلباً رجا کنم از قلم مبارک تفسیری بر سورهٔ کوثر مرقوم فرمایند و در نظر گرفتم که این سؤال را قلباً بخواهم و شفاهاً چیزی در این خصوص بمحضر مبارک عرض نکنم اگر از نیّت قلبی من مطّلع شدند و تفسیر مزبور را مرقوم فرمودند بطوریکه بیانات مبارکه در تفسیر سورهٔ مزبوره با سایر کتب تفسیر فرق داشته باشد بی‌درنگ صحّت رسالتش را تصدیق نمایم و بامر مبارک اذعان کنم وگرنه راه خود پیش گیرم و خاطر از تشویش بپردازم.

صفحه‌ی ۳۵۲ کتاب نفحات ظهور حضرت بهاءالله

گزارش متناقض دیگری از چگونگی نزول تفسیر سوره‌ی کوثر

سپس ادامه می‌دهد که وقتی خدمت جناب باب می‌رسد، خوفی عجیب و ترسی شدید سراپای جناب وحید را فرا می‌گیرد و سر تا پای او می‌لرزیده و همانند طفلی بوده که جناب باب او را کنار خود نشانده و به او گفته اگر سوره‌ی کوثر را برای تو تفسیر کنم دیگر نخواهی گفت سحر است و به صحت رسالت من اعتراف خواهی کرد؟ سپس جناب وحید به شدت گریه می‌کرده و قادر نبوده که سخنی بر زبان براند!

انداخته گفتند اگر سورهٔ کوثر را برای تو تفسیر کنم دیگر نخواهی گفت سحر است و بصحّت رسالت من اعتراف خواهی کرد؟

تا این قسمت از ماجرا که سر تا پای وحید را لرزه فرا گرفته و وحشت شدید بر او غالب شده و او را به گریه انداخته، هیچ سخنی از معجزه‌ی کتابی نیست! هنوز تفسیر سوره‌ی کوثر نازل نشده است! جناب وحید تا این قسمت ماجرا هیچ معجزه‌ی کتابی از جناب باب ندیده ولی همچون طفلی ترسان و گریه‌کنان و البته لال جذب جناب باب شده است! اگر به اعتقاد جناب باب و بهاءالله (تا پس از نگارش کتاب ایقان)، معجزه فقط و فقط منحصر است در

کتاب، پس این آثار عجیب و غریب چیست که باعث شده جناب وحید قبل از دیدن تفسیر سوره‌ی کوثر به جناب باب ایمان بیاورد!؟ زیرا جناب وحید قبل از این که تفسیر سوره‌ی کوثر را ببیند، به محض این که جناب باب از نیت باطنی او خبر می‌دهد، دیگر قادر به سخن گفتن نیست و تنها زبان به اعتراف گشوده و اعتراف به ظلم خود کرده و به جناب باب ایمان می‌آورد:

تمامی حالت‌هایی که باور بهائی برای جناب وحید گزارش می‌کند، از وحشت شدید و ترس عجیب گرفته تا لال شدن و گریه‌ی شدید و نیت‌خوانی‌های مکرر جناب باب، همگی به دوران قبل از نزول تفسیر سوره‌ی کوثر مربوط می‌شود! تمامی این حالت‌ها مربوط به معجزات غیر کتابی جناب باب است! در حالی که جناب باب اصلا معجزه‌ی غیرکتابی را قبول ندارد و جناب بهاءالله نیز تمامی معجزات غیرکتابی انبیاء الهی را در کتاب ایقان انکار می‌نماید! البته در ادامه نیز خواهیم دید که نزول تفسیر سوره‌ی کوثر نیز معجزه‌ای غیرکتابی است! چون این سرعت بالای نگارش است که مورد تاکید قرار می‌گیرد نه محتوا و مضمون!

دروغ و تهمتی به نام ادعای رسالت

نکته‌ی دیگری که توجه به آن خالی از لطف نیست، تهمت ادعای رسالت به جناب باب است! در همین صفحه‌ی ۳۵۲ کتاب نفحات ظهور حضرت بهاءالله که به بیان چگونگی نزول تفسیر سوره‌ی کوثر می‌پردازد، تصریح نموده که جناب باب در این کتاب ادعای رسالت داشته!!! و از قول سید یحیی دارابی نقل کرده که اگر جناب باب از نیت قلبی من مطلع گردد و بدون این که به زبان بیاورم، تفسیری در مورد سوره‌ی کوثر ارائه نماید که با سایر تفاسیر فرق داشته باشد، "بی‌درنگ صحت رسالتش را تصدیق نمایم"! از قول جناب باب نیز این گونه نقل شده که "اگر سوره کوثر را برای تو تفسیر کنم دیگر نخواهی گفت سحر است و به صحت رسالت من اعتراف خواهی کرد؟" یعنی از دیدگاه باور بهائی، جناب باب در این مجلس ادعای رسالت نموده و سید یحیی نیز به دنبال بررسی صحت رسالت جناب باب بوده است!!!

اما ای کاش باور بهائی می‌گفت که در کجای کتاب تفسیر سوره‌ی کوثر ادعای رسالت شده است!؟ ای کاش باور بهائی می‌توانست یک جمله از تفسیر سوره‌ی کوثر را ارائه نماید که جناب باب ادعای رسالت کرده باشد! در مباحث مربوط به ادعای قائمیت جناب باب نیز دیدیم که باور بهائی در کمال بی‌انصافی به جناب باب تهمت دیگری می‌زند و آن عبارت است از ادعای امام دوازدهم داشتن ! در حالی که نه تنها جناب باب هیچ وقت خودش را امام دوازدهم شیعیان ندانسته، بلکه همواره خودش را خاکسار حضرتش معرفی نموده است. در اینجا نیز باور بهائی به دروغ ادعای رسالت را به جناب باب نسبت می‌دهد اما دریغ از استناد به یک جمله از تفسیر سوره‌ی کوثر!

غیرکتابی بودن اعجاز تفسیر سوره‌ی کوثر

جالب اینجاست که در تشریح چگونگی نزول تفسیر سوره‌ی کوثر به موضوعی اشاره می‌کند که باز هم جنبه‌ی غیرکتابی داشته و از قول جناب وحید چنین نقل می‌کند: "سیل آیات از نوک قلمش با سرعت حیرت آوری جاری

بود با صوتی لطیف و آوازی ظریف آیات مبارکه را تغنی می‌فرمود" سپس در پانویس همین صفحه ادعا می‌کند "به شهادت حضرت باب در شش ساعت تعداد هزار آیه از قلم آن حضرت صادر می‌شده است."

حضرت باب قبل از وقت عصر از جناب خال کاغذ و قلم خواستند و بتفسیر سورهٔ کوثر مشغول شدند من هیچوقت آن منظرهٔ عجیب را فراموش نمی‌کنم. سیل آیات از نوک قلمش با سرعت حیرت‌آوری جاری بود* با صوتی لطیف و آوازی ظریف آیات مبارکه را تغنّی

* بشهادت حضرت باب در شش ساعت تعداد هزار آیه از قلم آن حضرت صادر می‌شده‌است.

۳۵۲

صفحه‌ی ۳۵۲ کتاب نفحات ظهور حضرت بهاءالله
ادعای معجزه‌ی غیرکتابی (سرعت نگارش مافوق بشری)

آیا جناب وحید هم گوش الهی داشته که بتواند با سرعت مافوق بشری متوجه آیات بشود!؟

سوالات زیادی در اینجا مطرح می‌شود؛ از جمله این که اگر فرض شود جناب باب قادر به نگارش با سرعت فوق بشری بوده، قطعا جناب وحید توانایی شنیدن با آن سرعت را نداشته است! جناب وحید که بشری معمولی است! اگر هم اکنون صدای یک نفر با دوبرابر سرعت معمول پخش شود، چه میزان از آن سخنان او قابل تشخیص خواهند بود!؟ آیا جناب وحید اصلا قادر به شنیدن صوت جناب باب بوده است!؟ اگر واقعا چیزی به نام سیل آیات وجود داشته، آیا جناب وحید هم توانایی دریافت این سیل فوق بشری را داشته است!؟

اندر آثار عجیب و غریب تفسیر سوره‌ی کوثر

همان گونه که پیش از این نیز به این موضوع اشاره گردید، جناب شوقی، ملقب به ولی امر الله، در تبیین جایگاه تفسیر سوره‌ی کوثر چنین می‌نگارد: "سید یحیی دارابی یکی از اجله علما را که در فصاحت و بلاغت سرآمد اقران و مورد ثقه و اطمینان بود و بعداً به لقب وحید ملقب گردید تعیین نمود و وی را مامور ساخت که به نفسه فحص این حقیقت نماید ... در جلسه‌ی ثالث خواهش تفسیر سوره کوثر نمود و نزول این تفسیر منیع که از دو هزار بیت مرکب بود چنان آقا سید یحیی را شیفته و آشفته ساخت که بی‌اختیار قیام کرد (کتاب قرن بدیع، صفحه‌ی ۵۵ (چاپ

۱۴۹ بدیع) و تفسیر سوره کوثر که جناب وحید را منقلب ساخت و به تصدیق و ایمان به امر الهی هدایت نمود (کتاب قرن بدیع، صفحه‌ی ۸۱ (چاپ ۱۴۹ بدیع)

یا این که جناب شوقی در صفحه‌ی ۱۷۳ کتاب قرن بدیع، یکی دیگر از آثار خواندن ترجمه‌ی تفسیر سوره کوثر را بیان می‌نماید: "و در آن مجامع تفسیر سوره مبارکه کوثر را که از قلم ملهم حضرت باب نزول یافته بود علناً تلاوت و به ترجمه مضامین بدیعه آن مبادرت نمود و در نتیجه حاکم کرمانشاه و اهل بیتش به امر الهی اقبال نمودند"

به ادعای جناب شوقی، حاکم آن شهر و اهل بیت او در اثر آشنایی با ترجمه‌ی تفسیر سوره‌ی کوثر، به بابیت اقبال نموده‌اند!!! بسیار خوب، این گوی و این میدان! چرا نسخه‌ی اصلی و رسمی از این کتاب را منتشر نمی‌نمایید تا مردم به باور بابی اقبال نمایند و سپس با بررسی نشانه‌های موعود بیان، به حقانیت باور بهائی برسند!؟ پاسخ بسیار روشن است؛ زیرا نه مطالبی که باور بهائی ادعا کرده در تفسیر سوره‌ی کوثر آمده و نه این که نشانه‌های موعود بیان با جناب بهاءالله تطابق می‌نماید ! چرا باور بهائی ترجمه‌ی تفسیر سوره‌ی کوثر را در اختیار دوستان عزیز بهائی قرار نمی‌دهد تا عزیزان بهائی نیز با تلاوت این آیات برای مردم، سبب اقبال بشریت به امر الهی شوند!؟

یا به قول نصرت الله محمد حسینی در صفحه‌ی ۲۶۰ کتاب حضرت باب،"در مجلس سوم جناب وحید در نظر داشت از محضر مبارک تقاضا نماید که شرحی بر سوره کوثر از قرآن شریف مرقوم فرمایند. اما بی‌آن که تقاضای خود را به محضر حضرت باب معروض دارد آن حضرت شرحی بر سوره کوثر مرقوم فرمودند. این تفسیر مبارک که شامل حدود دو هزار بیت است ظرف چند ساعت از قلم حضرتشان نازل گشته است. پس از اتمام نزول تفسیر مذکور جناب وحید به اوج ایمان فائز و در جرگه عشاق جانباز حضرت باب داخل گشت!"

این حجم آیات به حدی بوده که سه روز طول کشید تا دو نفری توانسته‌اند تفسیر کوثر را استنساخ و مقابله نمودند!

نسخهٔ اصلی مقابله نمایند. سه روز طول کشید تا آن دو، تفسیر کوثر را استنساخ و مقابله نمودند. احادیث وارده در تفسیر مذکور را نیز مورد تحقیق قرار دادند و همهٔ آنها را مستند و متین یافتند. جناب

صفحه‌ی ۲۶۱ کتاب حضرت باب

چگونه مقابله نموده‌اند!؟ آیا کتب حدیثی خود را به همراه داشته‌اند!؟ نکته‌ی دیگر آن که باور بهائی فراموش کرده جناب وحید پیامبر نیست و ایشان قادر نبوده با سرعت مافوق بشری به آیات نازل شده گوش فرادهد! یعنی حتی اگر سرعت نزول مافوق بشری جناب باب پذیرفته شود، جناب وحید قادر به شنیدن و تامل در این آیات در آن زمان کم و آن حجم عظیم نبوده است!

پس از این دیدیم که باور بهائی ادعا کرده بود جناب وحید به دنبال تفسیری بوده که مطالب آن در دیگر کتاب‌ها نیامده باشد و مانند سایر تفاسیر نباشد! اگر تفسیر جناب باب، تفسیری بدیع بوده، دیگر چرا صحبت از مقابله‌ی روایات به میان آمده است!؟ کما این که در صفحه‌ی ۱۴۸ مطالع الانوار از قول جناب وحید این گونه نقل قول می‌کند: ‘‘اگر از نیت قلبی من مطلع شدند و تفسیر مزبور را مرقوم فرمودند به طوری که بیانات مبارکه در تفسیر سوره‌ی مزبوره با سایر کتب تفسیر فرق داشته باشد، بی‌درنگ صحت رسالتش را تصدیق نمایم.’’ در اینجا از قول جناب وحید این گونه نقل قول شده که مطالب این تفسیر بایستی با سایر کتب تفسیر فرق داشته باشد!!! اما در عین حال صحبت از مقابله‌ی احادیث تفسیر سوره‌ی کوثر با دیگر کتب روایی را مطرح می‌نماید!!! این بدان معناست که تفسیر جناب باب، مملو بوده از احادیثی که سه روز مقابله‌ی آن برای دانشمند فاضلی همچون جناب وحید که سی هزار حدیث را حفظ بوده (به ادعای باور بهائی) زمان نیاز داشته است!!!

البته باز هم به خاطر داریم که جناب وحید، شیعه نیست! بلکه فردی شیخی مسلک از پیروان شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی است!

جالب اینجاست با وجود این که ادعا می‌کند جناب وحید در همین مجلس به جناب باب ایمان آورده ولی باز ادعا شده که وحید و ملا عبدالکریم قزوینی به مقابله‌ی تفسیر جناب باب با سایر کتاب‌ها پرداخته‌اند! اگر به جناب باب ایمان دارند که دیگر مقابله و صحت‌سنجی سخنان او معنا ندارد و معلوم نیست که دیگر این مقابله به چه علتی صورت گرفته است.

از تمام این ادعاهای احساسی و متناقض که بگذریم، همچنان نکته‌ی اساسی و مهم بر سر جای خود باقیست؛ محتوای این تفسیر چه بوده است!؟ این محتوای کتاب و معجزه‌ی جناب باب است که می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد نه کیفیت ایمان افراد!!! محتوای این تفسیر، مهم است نه گزارش‌های شخصی و بی‌سند و غیرقابل استناد از احوال شخصی افراد!!! قطعا هیچ یک از این گزارشات از جمله‌ی آیات به حساب نمی‌آیند! یعنی حتی بر اساس آموزه‌های باور بهائی نیز این احتمال وجود دارد که تمامی این گزارشات همگی دروغ باشند! چرا که تنها گزارش‌هایی شخصی و فاقد سند به شمار می‌آیند! لذا کیفیت ایمان آوردن جناب وحید به هیچ وجه ملاک نیست! آن چه مهم است، محتوا و متن این معجزه است! چرا باور بهائی نمی‌گوید که کدام فراز و کدام بخش و کدام مطلب از این تفسیر توانسته چنان انقلابی را در جناب وحید ایجاد نماید!؟ جناب باب در کجای این تفسیر ادعای رسالت کرده است!؟

دیوانه و سه مرتبه بی‌هوش شدن

اما در مورد سرعت محیر العقول نزول آیات و آثار دیوانه و بی‌هوش کننده‌ی این تفسیر را از قول جناب وحید این چنین نقل می‌کند: ‘‘حضرت باب قبل از وقت عصر از جناب خال کاغذ و قلم خواستند و به تفسیر سوره کوثر مشغول شدند. من هیچ وقت آن منظره عجیب را فراموش نمی‌کنم سیل آیات از نوک قلمش با سرعت حیرت آوری جاری بود با صوتی لطیف و آوازی ظریف آیات مبارکه را تغنی میفرمود یکسره تا غروب آفتاب این حال استمرار داشت و بدون تانی و سکون قلم آیات نازل میشد. در هنگام غروب تفسیر سوره کوثر تمام شد آنگاه قلم را بر زمین

گذاشته و فرمودند چای بیاورند بعد شروع به تلاوت آیات نازله نمودند و با صوت موثری مشغول تلاوت شدند ... مثل دیوانه بودم ظرافت لحن مبارک سوز و گدازی در وجود من ایجاد کرده بود که نمی‌توانم بیان کنم از بلندی مطالب و تابندگی جواهر ثمینه‌ای که در مخزن آن آیات بود نزدیک بود دیوانه شوم سه مرتبه میخواستم بیهوش شوم باب گلاب بصورت من پاشید قوای من تجدید شد و توانستم تا آخر به آیاتی که تلاوت میفرمودند گوش بدهم. (مطالع الانوار تلخیص تاریخ نبیل زرندی، صفحه‌ی ۱۴۹ – نفحات ظهور حضرت بهاءالله، صفحه‌ی ۳۵۳)

بتلاوت آیات نازله نمودند و با صوت مؤثّری مشغول تلاوت شدند. قلب من بشدّت می‌طپید مثل دیوانه بودم ظرافت لحن مبارک سوز و گدازی در وجود من ایجاد کرده بود که نمی‌توانم بیان کنم از بلندی مطالب و تابندگی جواهر ثمینه ایکه در مخزن آن آیات بود نزدیک بود دیوانه شوم سه مرتبه می‌خواستم بیهوش شوم باب گلاب بصورت من پاشید قوای من تجدید شد و توانستم تا آخر بآیاتیکه تلاوت می‌فرمودند گوش بدهم.

صفحه‌ی ۳۵۳ نفحات ظهور حضرت بهاءالله

دیوانه و سه مرتبه تا آستانه‌ی بی‌هوشی پیش رفتن! آیا همیشه گلاب کنار دست جناب باب بوده!؟

اگر فرض شود که جناب باب قادر بوده با سرعتی ما فوق سرعت بشری، آیات را نازل کرده و بنویسد، یعنی تندنویسی مافوق بشری بوده، قطعا جناب وحید که انسان عادی بوده، نمی‌توانسته با همان سرعت به این آیات گوش کند!!! چه رسد به این که در مضامین این آیات بتواند توجه نماید و به قول جناب وحید "از بلندی مطالب و تابندگی جواهر ثمینه‌ای که در مخزن آن آیات بود نزدیک بود دیوانه شوم سه مرتبه میخواستم بیهوش شوم"!!! چگونه جناب وحید توانسته به آیات با آن سرعت حیرت‌آور گوش فرا دهد و در مضامین آن دقیق شود!؟

یک بار دیگر حالات جناب وحید را به خاطر بیاوریم؛ سر تا پا لرزان، وحشت شدید و ترسی عجیب وجودش را فرا گرفته، همچون طفلی لال و گریان، در آستانه‌ی دیوانگی و سه مرتبه نیز تا مرز بی‌هوشی پیش رفته است! فردی در چنین شرایطی حتی متوجه سخن معمولی نمی‌شود چه رسد به تفسیری که در هیچ کتابی نبوده و با سرعتی ما فوق بشری در حال انتشار بوده است! ذره‌ای انصاف و خدا کند عقل انسان در حجاب قرار نگیرد! کجای این داستان را می‌توان باور کرد!؟

اگر صدای انسان با سرعتی دو برابر معمول پخش شود، بسیاری از کلمات آن غیرقابل فهم خواهد بود! قطعا سرعت نگارش جناب باب چندین برابر سرعت انسان‌های معمولی بوده که جناب وحید با عبارت سیل آیات از آن یاده کرده و بی‌شک جناب وحید به هیچ وجه قادر به شنیدن و فهمیدن این آیات نبوده و جالب اینجاست که باور بهائی از قول جناب وحید نقل می‌کند که در حالتی شبیه به دیوانگی بودم و سه مرتبه تا مرز بی‌هوشی پیش رفتم! البته وحشت و ترس هم تمام وجودش را فرا گرفته بود و گریان و لال نیز بوده است! چگونه یک انسان عادی می‌تواند آیات با سرعت مافوق بشری را در حالتی که شبیه به دیوانگی است و در آستانه‌ی بی‌هوشی قرار گرفته را گوش کند و بفهمد و ایمان بیاورد!؟

آن هم مضامینی که سه مرتبه جناب وحید را بی‌هوش کرده و این جناب باب بوده که با پاشیدن گلاب به صورت وی، او را به هوش آورده است! البته معلوم نیست جناب باب گلاب را از کجا آورده است!؟ آیا ایشان پیش‌بینی این وضعیت را می‌کرده‌اند که از قبل گلاب در کنار خود مهیا نموده است!؟

بازخوانی مجدد آیات

جالب است که در صفحه‌ی ۳۵۳ کتاب نفحات ظهور حضرت بهاءالله ادعا می‌کند جناب باب پس از نزول آیات با سرعت سرسام‌آور، اقدام به خواندن مجدد این آیات می‌کند!!!

> می‌فرمود» یکسره تا غروب آفتاب این حال استمرار داشت و بدون تأنّی و سکون قلم آیات نازل می‌شد. در هنگام غروب تفسیر سورهٔ کوثر تمام شد آنگاه قلم را بر زمین گذاشته و فرمودند چای بیاورند بعد شروع بتلاوت آیات نازله نمودند و با صوت مؤثّری مشغول تلاوت شدند. قلب من بشدّت می‌طپید مثل دیوانه بودم ظرافت لحن مبارک سوز و گدازی

آیاتی که چند ساعت با سرعت مافوق بشری نگارش آن به طول انجامیده، قطعا خواندن و گوش دادن آن چند روز به درازا خواهد کشید!!! کما این که استنساخ و مقابله‌ی آن سه روز طول کشیده است! یعنی جناب باب در مرتبه‌ی اول با سرعت مافوق بشری هم می‌نوشته و هم می‌خوانده و پس از اتمام نگارش، دوباره با سرعت مافوق بشری برای مرتبه‌ی دوم این آیات را قرائت کرده است! نوشتن و خواندن همزمان دو هزار بیت و خواندن مجدد دو هزار هزار بیت ظرف تنها چند ساعت!؟ در ادامه به این موضوع پرداخته می‌شود که به استناد منابع باور بهائی، حداقل ۱۲ ساعت فقط نگارش این آیات با سرعت مافوق بشری طول کشیده است!

به راستی آیا باید به سرعت تکثیر و قدرت نوشتن جناب باب ایمان آورد یا پیامبری ایشان!؟ این که جناب باب با سرعت مافوق بشری توانسته دو هزار بیت را ظرف چند ساعت با ادوات نوشتاری آن زمان بنویسد، زمانی کارگشا است جناب باب ادعای دستگاه تکثیر بودن داشته باشد نه ادعای پیامبری!
از این گذشته، تمامی این ادعاها ناظر بر جنبه‌ی غیرکتابی اعجاز جناب باب هستند؛ تندنویسی، تندخوانی، نیت‌خوانی و ... هیچ کدام ناظر بر محتوای کتاب نیستند!

تناقضی به نام سرعت نگارش

اما در پانویس دو صفحه‌ی متوالی از کتاب نفحات ظهور حضرت بهاءالله، دو مطلب آمده که جمع این دو ادعا در کنار سایر گزارشات، پرده از تناقض دیگری برمی‌دارد؛ در پانویس صفحه‌ی ۳۵۲ و در توضیح و تبیین "سیل نزول آیات" ادعا شده که "بشهادت حضرت باب در شش ساعت تعداد هزار آیه از قلم آن حضرت صادر می‌شده است" دقیقاً بلافاصله در توضیح و تبیین جمله‌ی بعدی خود، دوباره پانویسی به این شرح در صفحه‌ی ۳۵۳ می‌آورد: "طبق مندرجات کشف الغطاء ص ۸۱ در آن جریان متجاوز از دو هزار آیه از قلم حضرت باب نازل شده سرعت حیرت بخش نزول آیات در نظر سید یحیی به همان اندازه زیبایی و ملاحت و معانی مودوعه در آیات آن تفسیر جالب توجه بوده است"! همان گونه که پیش از این بیان گردید، نصرت الله محمد حسینی نیز همین تعداد دو هزار آیه را در صفحه‌ی ۲۶۰ کتاب حضرت باب گزارش می‌دهد. جناب شوقی نیز در صفحه‌ی ۵۵ کتاب قرن بدیع (چاپ ۱۴۹ بدیع) نیز به همین حجم ۲۰۰۰ آیه تصریح می‌کند تا دوستان عزیز بهائی اگر چه دستشان به نسخه‌ی مورد تایید و رسمی کتاب تفسیر سوره‌ی کوثر نمی‌رسد، ولی لااقل به لحاظ حجمی یقین داشته باشند که حجم آیات در این کتاب، دو هزار آیه است.

بنابراین از آن جا که باور بهائی تا کنون تفسیر سوره‌ی کوثر را منتشر نکرده، دوستان عزیز بهائی به ناچار بایستی به همین گزارشاتی که جناب شوقی و مبلغین باور بهائی در کتب مورد تایید لجنه‌ی آثار امری ارائه نموده‌اند، اعتماد نمایند. یعنی بر اساس منابع باور بهائی، تفسیر سوره‌ی کوثر شامل دو هزار آیه است. در بخش‌های پیشین دیدیم که هر هزار آیه نیز بر اساس شهادت جناب باب در شش ساعت نازل شده است! بنابراین در جریان ایمان جناب وحید که دو هزار آیه نازل گردیده، جناب باب فقط دوازده ساعت می‌بایست به نوشتن معجزه‌ی خود مشغول باشند! آن هم با سرعت ما فوق بشری!!! یعنی از زمانی که جناب باب با سرعت مافوق بشری اقدام به نزول آیات نموده، حداقل دوازده ساعت این مرحله به طول انجامیده است! سپس بر اساس منابعی که پیش از این ارائه گردید (مطالع الانوار تلخیص تاریخ نبیل زرندی، صفحه‌ی ۱۴۹ – نفحات ظهور حضرت بهاءالله، صفحه‌ی ۳۵۳)، اقدام به خواندن آیات با سرعت بشری نموده است! اگر سرعت نگارش مافوق بشری جناب باب حداقل دو برابر سرعت خواندن انسان‌های معمولی باشد، یعنی ۲۴ ساعت هم خواندن مجدد آیات طول کشیده است! این بدان معناست که مجلس ایمان آوردن جناب باب، می‌بایست حداقل ۳۶ ساعت به طول انجامیده باشد!

حال آن که باور بهائی مدت نزول آیات را از قبل وقت عصر تا غروب آفتاب گزارش می‌دهد: "حضرت باب قبل از وقت عصر از جناب خال کاغذ و قلم خواستند و به تفسیر سوره کوثر مشغول شدند.... یکسره تا غروب آفتاب این حال استمرار داشت و بدون تانی و سکون قلم آیات نازل میشد. در هنگام غروب تفسیر سوره کوثر تمام شد آنگاه قلم را بر زمین گذاشته و فرمودند چای بیاورند بعد شروع به تلاوت آیات نازله نمودند و با صوت موثری مشغول تلاوت شدند" (مطالع الانوار تلخیص تاریخ نبیل زرندی، صفحه‌ی ۱۴۹ – نفحات ظهور حضرت بهاءالله، صفحه‌ی ۳۵۳)

بر اساس این دو گزارش، مجلس مذکور می‌بایست حداقل ۳۶ ساعت ادامه داشته باشد! نزول و نگارش آیات می‌بایست حداقل ۱۲ ساعت طول کشیده باشد و جناب باب بایستی حداقل ۳۶ ساعت به طور مداوم تغنی نموده و آیات را می‌خواندند (یک مرتبه همزمان با نگارش آیات (۱۲ ساعت) و یک مرتبه هم بازخوانی آیات با سرعت بشری (با فرض دو برابر انسان معمولی، حداقل ۲۴ ساعت))!!! در کجای ایران مدت زمان قبل از وقت عصر تا غروب آفتاب ۱۲ و یا به عبارتی ۳۶ ساعت طول می‌کشد!؟ البته این در صورتی است که سرعت نگارش جناب باب، تنها دو برابر سرعت صحبت کردن انسان‌های معمولی در نظر گرفته شود. قطعاً کسی که ادعای نگارش با سرعت ما فوق بشری می‌کند، می‌بایست سرعتی چند برابر انسان‌های معمولی داشته باشد! یعنی این جلسه‌ی ۳۶ ساعته به چند روز افزایش می‌یابد.

این در حالی است که ادعا شده جناب باب پس از اتمام این جلسه از دایی خود خواسته که از جناب سید یحیی و ملا عبدالکریم پذیرایی کند: "پس از اینکه تلاوت تفسیر کوثر تمام شد هیکل مبارک برخاستند و تشریف بردند و بجناب خال فرمودند جناب سیّد یحیی و ملّا عبد الکریم قزوینی مهمان شما هستند از آنها پذیرائی کنید تا تفسیر سوره ی کوثر را که اکنون نازل شد استنساخ کنند و بعد با کمال دقّت با اصل نسخه مقابله نمایند." (مطالع الانوار تلخیص تاریخ نبیل زرندی، صفحه‌ی ۱۴۹) بالاخره این آیات در چه فاصله‌ی زمانی نگارش یافته‌اند!؟ در چه مدتی دو هزار آیه بر جناب وحید تلاوت شده است!؟

از دیگر مواردی که به آثار عجیب و غریب تفسیر سوره‌ی کوثر اشاره می‌کند، می‌توان به صفحه‌ی ۷۷۲ کتاب حضرت باب نوشته‌ی نصرت الله محمد حسینی اشاره نمود: "سرعت نزول تفسیر سوره کوثر، صدها روایات منقول و مذکور در آن و عظمت محتوی و بداعت بیان محبوب عالمیان چنان وحید را مجذوب و منقلب نمود که سر از پای نشناخت و به کوی عشاق روی دلجویش شتافت و سرانجام جان در رهش فدا نمود."

علت عدم انتشار تفسیر سوره‌ی کوثر

به راستی چرا تفسیری با این جامعیت و چنین آثار عجیب و غریبی را باور بهائی به صورت رسمی منتشر نمی‌نماید تا دوستان عزیز بهائی و متحریان حقیقت بتوانند به چنین اثر شگرفی دست یابند!!!؟؟؟ جالب است که نصرت الله محمد حسینی در همان صفحه اعتراف می‌کند که امکان انتشار این تفسیر وجود ندارد و تا کنون نیز این تفسیر انتشار نیافته است: "نقل همه مطالب نازل در این تفسیر جلیل میسر نیست ...تفسیر سوره کوثر تا کنون انتشار نیافته ولی برخی از فقرات آن در تالیفات دانشمندان بهائی نقل گشته است"!!!

نقل همهٔ مطالب نازله در این تفسیرجلیل میّسر نیست. بیانات

چرا میسر نیست!؟

فدا نمود. تفسیر سورهٔ کوثر تا کنون انتشار نیافته ولی برخی از فقرات آن در تألیفات دانشمندان بهائی نقل گشته است. (۱۱)

چرا انتشار نیافته است!؟

باید از باور بهائی پرسید که چرا "نقل همه مطالب نازل در این تفسیر جلیل میسر نیست!؟" چرا تا کنون انتشار نیافته است!؟ مگر جناب باب و بهاءالله، کتاب را به عنوان معجزه معرفی نمی‌نمایند!؟ پس چرا باور بهائی جرأت نمی‌کند آثاری همچون تفسیر سوره‌ی یوسف (که در بخش قبل مورد بررسی قرار گرفت)، صحیفه‌ی عدلیه، تفسیر سوره‌ی کوثر و دیگر آثار جناب باب را منتشر نماید!؟

دوستان عزیز بهائی به خوبی می‌دانند که معجزه و آیه و دلیل بر پیامبری جناب باب، همین کتاب‌های جناب باب است کما این که جناب ملاحسین بشرویه‌ای، وحید و ... با ملاحظه‌ی این آیات و بینات جناب باب بوده که به او ایمان آورده‌اند و این اقدام باور بهائی در مخفی نگه داشتن آیات و معجزات جناب باب، در حقیقت پوشاندن آیات الهی است و خداوند متعال چنین رویکرد و چنین افرادی را مورد لعنت خویش قرار داده است: إِنَّ اَلَّذِينَ يَكْتُمُونَ مٰا أَنْزَلْنٰا مِنَ اَلْبَيِّنٰاتِ وَ اَلْهُدىٰ مِنْ بَعْدِ مٰا بَيَّنّٰاهُ لِلنّٰاسِ فِي اَلْكِتٰابِ أُولٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اَللّٰهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اَللاّٰعِنُونَ (البقره، ۱۵۹) کسانی که دلایل روشن، و وسیله هدایتی را که نازل کرده‌ایم، بعد از آن که در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آنها را لعنت می‌کند؛ و همه لعن کنندگان نیز، آنها را لعن می‌کنند.

اما چند علت بسیار مهم در پشت این مخفی‌کاری باور بهائی وجود دارد. اگر باور بهائی اقدام به نشر نسخه‌ی رسمی نماید، در این صورت دوستان عزیز بهائی:

– با عقاید جناب باب به صورت مستقیم آشنا شده و می‌یابند بسیاری از مطالبی که باور بهائی به جناب باب نسبت داده به طور کلی دروغ بوده و حقیقت ندارد. مثلاً مدعی گردیده که جناب باب در تفسیر سوره‌ی کوثر ادعای

رسالت کرده در صورتی که به هیچ وجه چنین ادعایی در این کتاب مطرح نشده است.

– تعارض و تناقض دیدگاه جناب باب و بهاءالله در مورد امام دوازدهم، حضرت محمد بن الحسن العسکری (علیهما السلام): به عنوان مثال جناب بهاءالله، امام دوازدهم، محمد بن الحسن العسکری (علیهما السلام) را موهوم می‌خواند و همه‌ی بهائیان را با تاکید بسیار شدید ماموریت داده تا باور مهدویت را از بین ببرند. در حالی که جناب باب خود را خاکسار و جانثار امام دوازدهم معرفی نموده و بی‌احترامی به نواب اربعه‌ی حضرت را کفر می‌شمارد!

– عزیزان بهائی با مراجعه به آثار جناب باب درخواهند یافت که خواندن این آثار به هیچ وجه عقل از سر انسان نمی‌رباید و انسان را بی‌هوش نمی‌گرداند!

– و بسیاری حقایت دیگر که به همین مختصر اکتفا می‌گردد.

به راستی آیا دوستان عزیز بهائی تا کنون با خود اندیشیده‌اند که چگونه می‌توانند به حقیقت و واقعیت ادعاهای جناب باب دست یابند!؟ آیا به غیر از مراجعه به آثار و کتب جناب باب راه دیگری هم وجود دارد!؟ آیا عزیزان بهائی نمی‌خواهند تحری حقیقت نمایند!؟

مراجعه به آثار جناب باب این نکته را مشخص می‌نماید که او شخصیت خود را جدای از امام دوازدهم محمد بن الحسن (علیهما السلام) می‌داند . بی‌شک دوستان عزیز بهائی آزاد اندیش مبهوت مانده و دچار حیرت خواهند شد. اگر با مراجعه‌ی مستقیم و بدون سانسور به تفسیر سوره‌ی کوثر به چشم خود محورهای زیر را در این معجزه‌ی جناب باب بیابند:

اعتقاد به وجود محمد بن الحسن العسکری (علیهما السلام)

اعتقاد به تولد حضرت

اعتقاد به زنده بودن حضرت در غیبت صغری

اعتقاد به زنده بودن حضرت در غیبت کبری

نقل تشرفاتی مانند علی بن عیسی بحرینی به محضر امام زمان (علیه السلام) و داستان انار

اعتقاد به این که حضرت مهدی، نهمین فرزند امام حسین (علیه السلام) است

اعتقاد به این که مهدی، یازدهمین فرزند علی (علیه السلام) است

اعتقاد به قداست و در حد عصمت دانستن نواب اربعه

اعتقاد راسخ به ناحیه مقدسه

اعتقاد به کفر یکی از منکران نواب اربعه

اعتقاد به بی ارزشی جعفر کذاب

اعتراف به عدم ادعای نیابت منصوص از جانب امام زمان (علیه السلام)

اعتراف به وجود معمرین (افرادی با عمر طولانی) و استناد به عمر ایشان برای اثبات عمر طولانی امام زمان (علیه السلام)

اعتراف و نقل ۵۶ آیه از قرآن و این که مصداق آن محمد بن الحسن العسکری (علیه السلام) است

اعتراف و تایید سخن امام حسن مجتبی (علیه السلام) مبتنی بر این که امام زمان نهمین فرزند امام حسین (علیه السلام) است

و صدها اعتراف دیگر که در تعارض و تناقض با آموزه‌های باور بهائی است!!!

تناقضات و تعارضات دیدگاه جناب باب و بهاءالله نسبت به امام دوازدهم شیعیان! جناب بهاءالله نمی‌تواند موعود جناب باب باشد!

اما یکی دیگر از آثار مهم مراجعه به تفسیر سوره‌ی کوثر، روشن شدن تعارض و تضاد دیدگاه جناب باب و بهاءالله است. اگر دوستان عزیز بهائی به تفسیر سوره‌ی کوثر مراجعه نمایند و محورهای بالا را در این کتاب ببینند، در این صورت چگونه می‌توانند جناب بهاءالله را موعود پس از جناب باب بدانند در صورتی که جناب بهاءالله به صراحت حضرت محمد بن الحسن العسکری (علیهما السلام) را موهوم و خیالی معرفی می‌کند در مواضع مختلفی در آثار خود توهین‌های بسیار زشتی نسبت به حضرت می‌کند: "اگر نفسی بعد از ارتقاء حضرت عسکری (ع) در امورات واقعه و دسائس علمای زنادقه تفکر نماید شهادت می‌دهد بر این که جمیع فساد عالم از آن نفوس بوده و هست لعمر ربنا اگر کذب رؤسا نبود رب اعلی به ظلم اعداء شهید نمی‌شد. حضرت موهومی برسریر موهومی تعیین نمودند و به روایات موهومه ثابت کردند و آن چه را که سبب سفک دماء سیدعالم وجوهر امم شد. گاهی تواقیع جعلیه ظاهر می نمودند و نسبتش را به مبدأ وجود می دادند الالعنه الله علی القوم الکاذبین . در باطن مقصود اعلا علوّ و سموّ خودشان بود و لکن در ظاهر به جزایر اشاره می نمودند گاهی جابلقا وهنگامی جابلسا و وقتی «ناحیه کذبه» که به «مقدسه» می نامیدند" (مائده‌ی آسمانی، جلد ۷، صفحه‌ی ۱۸۶)

امثال آن نفوس ممرضه لا زال بوده اند اگرنفسی بعد از

—۱۸۶—

ارتقاء حضرت عسکری علیه سلام الله در امورات واقعه و

دسائس علمای زنادقه تفکرنماید شهادت میدهد براینکه

جمیع فساد عالم از آن نفوس بوده وهست لعمر ربنا اگر

کذب روساء نبود ربّ اعلی بظلم اعداء شهید نمیشد حضرت

موهومی برسریر موهومی ممین نمودند وبروایات موهومه

ثابت کردند آنچه راکه سبب سفك دم سید عالم وجواهر امم

شد گاهی تواقیع جعلیه ظاهرمینمودند ونسبتش رابمبدء

وجود میدادند الا لعنة الله علی القوم الکاذبین درباطن

مقصود اعلاء علو وسمو خود شان بوده ولکن درظاهربجزایر

اشاره مینمودند گاهی جابلقا و هنگامی جابلسا و وقتی

ناحیه کذبه که بمقدسه مینامیدند سلطان لا یزالی راکه نقطه

صفحات ۱۸۵ و ۱۸۶ جلد هفتم مائده‌ی آسمانی

تعارض و تناقض دیدگاه جناب باب و بهاءالله در مورد امام دوازدهم شیعیان

کافی است دوستان عزیز بهائی به صفحه‌ی ۱۲۱ کتاب تفسیر سوره‌ی کوثر مراجعه نمایند تا به چشم خود ببینند که نقطه نظرات جناب بهاءالله دقیقا در مقابل و بر ضد باورهای جناب باب قرار دارد!!! ای کاش عزیزان بهائی اندکی تحری حقیقت نمایند و به همان تفسیری که سه مرتبه جناب وحید را بی‌هوش کرد و باعث گردید که جانش را در راه جناب باب فدا نموده مراجعه کنند:

"زمانی که تو ملاحظه کردی آنچه نازل شده است درباره‌ی امام زمان (علیه السلام) پس بدان قطعا برای او دو غیبت است به اذن خداوند بین غیبت صغری و ظهور ایشان مخلوقاتی حاضر می‌شوند که کسی تعداد آن‌ها را نمی‌داند مگر کسی که خدا بخواهد همانا در غیبت صغری برای او وکلای مورد اطمینان و نائبان نزدیک به او بودند و مدت آن گذشت در ۷۰ سال و ۴۰ و مدت زمان آن مشخص است و در آن ایام نواب امام زمان (علیه السلام) روح من فدای او عبارتند از: "عثمان بن سعید" و پسرش "ابی جعفر محمد بن عثمان" و شیخ متعمد به او "ابوالقاسم حسین بن روح" سپس "علی بن محمد سمیری" و همانا ایشان در غیبت صغری، محل‌های امر و جایگاه‌های نهی بودند و شیعیان رجوع داده شدند به ایشان در اوامر الهی و شئونات قدسی نور دهنده از ناحیه ی مقدس امام زمان (علیه السلام)

اگر دوستان عزیز بهائی به دلیل عدم انتشار رسمی کتاب تفسیر سوره‌ی کوثر از سوی باور بهائی در وجود این فقرات در تفسیر مذکور اندکی شک و شبهه‌ای دارند، می‌توانند به کتب ممهور به مهر لجنه‌ی آثار امری مراجعه نمایند! عزیزان بهائی کافیست به جلد دوم کتاب اسرار الآثار مراجعه نمایند تا عبارات زیر را در صفحات ۷ و ۸ آن بیابند! عبارات زیر را فاضل مازندرانی در صفحه‌ی هفتم جلد دوم اسرار الآثار خصوصی از کتاب تفسیر سوره ی کوثر نقل کرده که ترجمه‌ی آن در بالا تقدیم حضور گردید.

فاضل مازندرانی در توضیح کلمه‌ی باب می‌نویسد: و در شرح کوثر راجع به ابواب و نواب بعد از امام حسن عسکری است: "فاعرف انّ له کان غیبتان باذن الله و قد حضر ما بین طلعته خلق و لا یعلم عدّتهم الّا من شاء الله و انّ فی الغیبه الصّغری له وکلاء معتمدون و نوّاب مقرّبون و انّ مدّتها قضت فی سبعین سنه و اربعه و عدّه ایام معدوده و انّ فی تلک الایّام کان نوّابه روحی فداه عثمان بن سعید العمروی و ابنه ابی جعفر محمد بن عثمان و الشّیخ المعتمد به الشّیخ ابوالقاسم الحسین بن روح ثمّ علیّ بن محمد السّیمری و انّهم کانوا فی غیبته الصّغری محالّ الامر و مواقع النّهی."

و در شرح کوثر راجع به ابواب و نوّاب بعد از امام حسن عسکری است :

" فاعرف ان له کان غیبتان باذن الله و قد حضر ما بین طلعته خلق و لا یعلم عدّتهم الآ من شاء الله و ان فی الغیبة الصغری له وکلاء معتمدون و نوّاب مقرّبون و ان مدتها قضت فی سبعین سنة و اربعة

صفحه‌ی ۷ جلد دوم کتاب اسرار الآثار خصوصی

فرازهایی از تفسیر سوره‌ی کوثر در آثار بهائی

وعدة ایام معدودة و ان فی تلك الایّام کان نوّابه روحی فداه عثمان بن سعید العمری و ابنه ابی جعفر محمد بن عثمان و الشیخ المعتمد به الشیخ ابوالقاسم الحسین بن روح ثم علی بن محمد السمیری و انهم کانوا فی غیبته الصغری محالّ الامر و مواقع النّهی وان

صفحه‌ی ۸ جلد دوم کتاب اسرار الآثار خصوصی
فرازهایی از تفسیر سوره‌ی کوثر در آثار بهائی

جناب باب در همان صفحه‌ی ۱۲۱ تفسیر سوره‌ی کوثر چنین ادامه می‌دهد: "من لم یقربهم و حجدهم کان کافرا" هر کس به آن‌ها (نواب اربعه) تقرب نجوید و آنان را انکار نماید کافر است!!! دوستان عزیز بهائی می‌توانند وجدان خود را حاکم قرار دهند! آیا غیر از این است که از دیدگاه جناب باب قطعا جناب بهاءالله کافر است! زیرا جناب بهاءالله نه تنها به نواب اربعه بلکه به خود حضرت ولی عصر امام زمان محمد بن الحسن العسکری (علیهما السلام) توهین نموده و وجود حضرت را انکار می‌کند!

اگر عزیزان بهائی به صفحه‌ی ۴۵۰ جلد اول کتاب رحیق مختوم مراجعه نمایند، کفر جناب بهاءالله از دیدگاه جناب باب را همانند آفتاب میان روز وجدان می‌نمایند. زیرا جناب بهاءالله در اینجا جسارت به نواب اربعه‌ی حضرت را به کمال خود رسانیده و مدعی گردیده و آن‌ها را مطالع کذب و عامل قتل جناب باب در هزار سال بعد برمی‌شمارد: "ابوابشان یعنی ابواب اربعه سبب و علت گمراهی گشتند. اگر آن حرف‌های کذبه از آن مطالع کذب ظاهر نمی‌شد نقطه وجود (جناب باب) روح ماسواه فداه شهید نمی‌گشت"

= ٤٥٠ =

یوم الله را ادراک نموده بودند ذکر ولی ووصی وامثال انرا درتراب نسیان دفن مینمودند الی حین ادراک ننموده اند ابوابشان یعنی ابواب اربعه سبب وعلت گمراهی گشتند اگران حرفهای کذبه ازان مطالع کذب ظاهر نمیشد نقطه وجود روح ماسواه فداه شهید نمیگشت حزب شیعه باقرار وصایت خود رااعظم احزاب و

چگونه جناب بهاءالله می‌تواند جانشین و موعود جناب باب باشد در حالی که بر اساس آموزه‌های جناب باب، قطعا جناب بهاءالله کافر است!!! همین حقایق است که باعث شده باور بهائی جرأت نکند نسخه‌ی رسمی از تفسیر سوره‌ی کوثر ارائه نماید!

اگر عزیزان بهائی مطالب صفحه‌ی ۱۲۱ تفسیر سوره‌ی کوثر را دنبال نمایند، در انتهای صفحه، بحث مدعیان دروغین و دروغ بستن به خدا و اولیائش را مطرح می‌نماید و در صفحه‌ی بعد نام برخی از آنان که به دروغ خود را به امام زمان (علیه السلام) نسبت داده‌اند برشمرده و همگی را مورد لعنت قرار می‌دهد!!! سپس صحبت از توقیع و نامه‌های حضرت صاحب الزمان محمد بن الحسن العسکری به میان می‌آورد!!! یعنی همان مواردی که از نظر جناب بهاءالله، موهوم و خیالی و دروغین است!!! به منظور حفظ اختصار، ترجمه‌ی این فقرات تقدیم حضور می‌گردد:

"اولین آن ها حسن شریعی سپس محمد نمیری سپس هلال کرخی سپس محمد البلال سپس حسین بن منصور حلاج سپس محمد شلمغانی خداوند عذابشان کند به آنچه در کتاب خدا به آن استحقاق دارند و به تحقیق خارج شد توقیعی از ابواب منصوصه (نواب اربعه) و لعنت کردن آن ها را بقیه الله بر کسانی که افترا می‌زنند"
توقیعاتی که جناب باب از آن‌ها با عنوان "التوقیعات المبارکات" یاد کرده، از نظر جناب بهاءالله همگی جعلی و ساختگی بوده است!!!

جناب باب در صفحه‌ی ۸۸ تفسیر سوره‌ی کوثر درباره‌ی غیبت امام زمان (علیه السلام) چنین می‌نویسد: "فلا شک فی وجود الامام الغائب القائم المستور سلام الله علیه" یعنی پس شکی در وجود امام قائم غایب نیست و ادامه می‌دهد: محققا وجود او همچون آفتاب در وسط ظهر ظاهر و هویدا است. هر کس درباره‌ی او شک نماید در قدرت خدا شک نموده که به تحقیق کافر شک زده‌ای است!!!

به راستی وقتی دوستان عزیز بهائی این مطالب را در آثار جناب باب ملاحظه می‌نمایند، آیا می‌توانند در کفر جناب بهاءالله از دیدگاه جناب باب ذره‌ای شک کنند!؟

جناب باب حتی در مورد طول عمر حضرت امام زمان (علیه السلام) نیز استدلال و استناد به حدیثی از حضرت صادق (علیه السلام) نموده و بعید دانستن عمر طولانی حضرت را به استناد به طول عمر حضرت خضر (علیه السلام) پاسخ می‌دهد:

"و اما بنده صالح خضر (ع)؛ به درستی که خداوند عمر او را برای نبوت و نسخ شریعت پیامبران گذشته و نیز امامت و رهبری بر مردم نمی‌باشد بلکه به درستی که خداوند تبارک و تعالی چون در علمش چنین مقدر شده بود که عمر امام زمان (ع) را در ایام غیبت به آن مقداری که مقدر است طولانی نماید و چون می‌دانست که بندگانش نسبت به طول عمر امام زمان (ع) ایراد و انکار می‌نمایند لذا عمر خضر را طولانی کرد تا به طول عمر او به عمر حضرت قائم استدلال نمایند و بدین وسیله دلیل دشمنانش را قطع کند. (تفسیر سوره‌ی کوثر، صفحه‌ی ۱۲۳)

با مراجعه به این فقرات است که مشخص می‌شود جناب وحید مجذوب چه مطالبی شده و چقدر ادعاهای باور بهائی در خصوص این معجزه‌ی جناب باب خلاف واقع است!!! به عنوان مثال جناب باب در کجای این تفسیر ادعای رسالت کرده!؟ یا این که چگونه جناب بهاءالله می‌تواند موعود جناب باب باشد در حالی که عقایدشان در مقابل هم قرار داشته و همدیگر را تکفیر می‌کند!؟

امید است بیت‌العدل اعظم که مشروعیت آن در نبود ولی امر الله به چالش کشیده شده، بالاخره دست از کتمان حقیقت بردارد و این تفسیر را به همراه دیگر آثار جناب باب منتشر نماید!

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ۸

دروغگو قطعا نمی‌تواند پیامبر باشد!

نمونه‌ای از تناقضات ظاهری کتاب ایقان!

بالاخره کتاب ایقان در چه تاریخی نازل شده است!؟ ۱۲۶۷!؟ ۱۲۷۴!؟ ۱۲۷۸ یا ۱۲۸۰!؟

اولین نمونه از موارد شکستن ادعای حصر معجزه در کتاب!

اگر تنها معیار اثبات پیامبری یک پیامبر فقط و فقط منحصر است در کتاب و با هیچ روش دیگری جز ارائه‌ی کتاب نمی‌توان نبوت نبی را ثابت کرد، پس چرا جناب باب و حتی بهاءالله از روش‌های دیگری استفاده کرده‌اند!؟

حدود ۵۰۰ مورد اختلاف بین نسخ خطی و چاپ‌های ۱۳۱۸ قمری به بعد!!!

پاسخی سراسر توهین و ناسزا از سوی باور بهائی در مقابل نقد علمی!!!

آشنایی با اخلاق عملی در باور بهائی!!!

در مباحث گذشته، ضرورت ارائه‌ی آیه و بیّنه یا به عبارتی همان معجزه از دیدگاه عقل و نقل به اثبات رسید (بخش‌های پاسخ۱ و پاسخ۲). همچنین در بخش پاسخ۳ به این موضوع پرداخته شد که وقتی جناب باب و بهاءالله بر خلاف سنت الهی و سیره‌ی تمامی انبیاء گذشته، دست خود را از آیات و بیّنات الهی خالی می‌بینند، به ناچار تمامی معجزات پیامبران الهی را انکار می‌نمایند. اما از آن جا که نمی‌توان اصل بدیهی و عقلایی ارائه‌ی نشانه‌ی صدق بر ادعای پیامبری را انکار نمود، جناب باب به منظور ایجاد تشابه با انبیاء الهی، متاسفانه راه مغلطه‌ای را در پیش گرفته و جناب بهاءالله نیز در همان مسیر قدم نهاده‌اند؛ ایشان در گام نخست تمام معجزات انبیاء گذشته که همگی معجزاتی غیرکتابی بوده را انکار کرده و تاویل می‌نمایند. در گام بعدی چند هزار معجزه‌ی غیرکتابی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را نیز انکار می‌کنند. در نهایت از این که جنس بزرگترین معجزه و معجزه‌ی ماندگار حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) از جنس کتاب است، سوء استفاده نموده و تنها دلیل بر اثبات حقانیت نبی را کتاب معرفی می‌کنند و ادعا کردند که نبوت نبی از هیچ راهی به غیر از کتاب قابل اثبات نیست.

چرا!؟ به این دلیل که اولا توانایی ارائه‌ی معجزه‌ی غیرکتابی را نداشته‌اند و لذا مجبورند به طور کلی معجزات غیرکتابی تمامی انبیاء الهی را انکار نمایند. اگر ایشان واقعا سفیر الهی بودند، باید گواه صدق و آیات و بیّناتی ارائه می‌کردند. اما چون در ادعای خود صادق نیستند و از جانب خداوند متعال نیامده‌اند، لذا نشانه و علامتی هم

که ثابت کننده‌ی این ارتباط باشد را به همراه ندارند و به همین دلیل به طور کلی منکر ارائه‌ی معجزه و آیه و بیّنه می‌شوند.

دوم این که جناب باب و بهاءالله از این نکته که معجزه‌ی جاویدان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) کتاب است، سوء استفاده نموده و ادعا می‌کنند آوردن کتاب برای اثبات ادعایشان کافیست. یعنی همین که شخص مدعی توانست یک کتاب بیاورد، پیامبری و رسالت و نبوت او ثابت شده است! غافل از این که آوردن هر کتابی حجت و دلیل نیست! و تنها کتابی که خداوند متعال با آن تحدی فرموده، قرآن کریم است و هیچ یک از انبیاء الهی گذشته به کتاب آسمانی خود تحدی نکرده‌اند!

به بیان ساده‌تر می‌توان گفت چون جناب باب و بهاءالله نمی‌توانند به سان انبیاء الهی معجزه و دلیل حقانیت ارائه نمایند، به عوض آن، آوردن کتاب را به عنوان تنها دلیل بر حقانیت نبی معرفی می‌کنند تا هم از ارائه‌ی معجزات غیرکتابی فرار کرده باشند و هم معجزه‌ای ارائه کرده باشند! در حالی که کتاب را هر کسی می‌تواند بنویسد و تنها آوردن کتاب مهم نیست.

به بیان روشن‌تر، دلیل حقانیت هیچ نبی دیگری به غیر از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از جنس کتاب نبوده است! دوم این که پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز چند هزار معجزه‌ی غیرکتابی همانند و بلکه برتر از انبیاء گذشته ارائه نموده‌اند که در زمان خودشان دلیل بر حقانیت ایشان بوده است. سومین نکته‌ای که به صورت مفصل‌تری به آن پرداخته شد، عبارت بود از بحث حجیت قرآن و این که چرا و به چه دلیل قرآن همچنان حجت و دلیل بر پیامبری پیامبر اسلام است و این خصوصیت در آثار جناب باب و بهاءالله وجود ندارد. چگونه می‌توان آثار جناب باب را معجزه دانست که حتی باور بهائی نیز جرات انتشار رسمی و تایید شده‌ی این آثار را ندارد!؟ بگذریم از اشتباهات، غلطها، کلمات بی‌معنا و خلاصه حجت نبودن آن.

متاسفانه جناب باب و به دنبال او جناب بهاءالله، خود را به جای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مخاطب آیه‌ی قرآن قرار داده و از این نکته که خداوند متعال خطاب به حضرت خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده قرآن برای اثبات حقانیت دعوت فرستاده‌اش از کفایت لازم برخوردار است، نتیجه گرفته‌اند که تنها دلیل بر اثبات پیامبری‌شان ارائه‌ی کتاب است و لذا از آوردن هر گونه برهان و معجزه‌ی غیرکتابی فرار کرده‌اند!

حال آن که پیامبری هیچ یک از ۱۲۴ هزار پیامبر الهی (به غیر از حضرت خاتمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم)) از طریق کتاب ثابت نشده است! پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز چند هزار آیه و بیّنه‌ی غیرکتابی ارائه نموده‌اند که لااقل برای زمان خودشان حجت بوده است که هیچ گاه جناب باب و بهاءالله چنین اموری را ظاهر نکردند.

نکته‌ی آخر این که به چه دلیل و بر چه اساسی باور بهائی ادعا می‌کند که آثار جناب باب و بهاءالله معجزه است!؟ حجیت و معجزه بودن قرآن کجا و مخفی نگه‌داشتن آثار جناب باب از سوی باور بهائی کجا!؟ باور بهائی چگونه و در کجا اعجاز بودن آثار جناب باب و یا حتی بهاءالله را ثابت نموده است!؟ اگر تفسیر سوره‌ی یوسف اول و

اعظم و اکبر معجزه‌ی جناب باب است، چرا باور بهائی آن را مخفی نگه‌داشته و هیچ گاه منتشر نمی‌کند!؟ در حالی که در نکته‌ی هفتم شبهه‌ی حاضر ادعا کرده "آیات و کتب الهی، بر عکس معجزات ظاهری، باقی هستند و همه نسل های بشری می توانند آن را ملاحظه کنند و بررسی نمایند و از آن سود معنوی و اجتماعی برند"

اگر باور بهائی واقعا به جناب بهاءالله ایمان دارد، چرا اول و اعظم و اکبر تمامی کتاب‌ها که از دیدگاه ایشان چیزی بیش از کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف نیست را منتشر نمی‌کند!؟ چرا تفسیر سوره‌ی کوثر را منتشر نمی‌نماید!؟ اگر باور بهائی به معجزه بودن آثار جناب باب ایمان دارد، چرا آن‌ها را منتشر نمی‌نماید و وجه معجزه بودن آن‌ها را به صورت مستند و مستدل بیان نمی‌کند!؟ به چه دلیل تفسیر سوره‌ی یوسف معجزه است!؟

تنها دلیلی که باور بهائی برای معجزه بودن آثار جناب باب برشمرده، حجم بالا و سرعت فوق بشری نگارش آیات است نه چیز دیگر! البته گذشته از این که دروغ بودن ادعای حجم بالا و سرعت فوق بشری در نگارش پیش از این به اثبات رسید، لکن حجم و سرعت مافوق بشری نگارش حداکثر می‌تواند برای حاضران در همان مجلس حجت باشد نه برای دیگران! البته دستگاه‌های تکثیر امروزی به مراتب سرعتی بالاتر از جناب باب دارند! آیا این دستگاه‌ها نیز پیامبرند!؟

اگر آثار جناب باب و مخصوصا اول و اعظم و اکبر تمامی کتب از نگاه جناب بهاءالله، یعنی تفسیر سوره‌ی یوسف، معجزه است، باور بهائی بایستی دلیل معجزه بودن این آثار را در بوق و کرنا کند و به گوش تمام عالمیان برساند! نه این که در پستوی بیت العدل مخفی نگه دارد!!! این معجزه بودن به چه دلیل است!؟ بر چه اساسی آثار جناب باب و بهاءالله معجزه است!؟ باور بهائی نه تنها هیچ دلیل بر معجزه بودن این آثار ارائه ننموده بلکه به طور کلی از انتشار این آیات جناب باب امتناع می‌ورزد!

علاوه بر این در بخش‌های گذشته (پاسخ۴ تا پاسخ۷) به طور مفصل به علت عدم انتشار این آثار اشاره گردید و مشخص شد که حداقل نتیجه و پیامدی که انتشار این آثار به همراه دارد، عبارت خواهد بود از اثبات بطلان باور بهائی، تعارض و تناقض دیدگاه جناب باب و بهاءالله، کافر بودن جناب بهاءالله از دیدگاه جناب باب، ... و بالاتر از همه‌ی این موارد، مشخص گردید کسانی که آیات الهی را مخفی می‌کنند مورد لعن خداوند متعال و لعنت‌کنندگان قرار دارند!

اما در این مجال از دریچه‌ی دیگری به این موضوع پرداخته می‌شود و آن عبارت است از شکستن ادعای حصر معجزه در کتاب توسط جناب باب و بهاءالله! پیش از این در بخش پاسخ۳ مدارکی ارائه گردید که ثابت می‌کرد جناب باب در تمام آثار خود و بهاءالله (در سراسر کتاب ایقان)، تنها دلیل بر اثبات حقانیت مدعی رسالت را فقط و فقط منحصر در کتاب می‌دانستند.

همان گونه که در بخش پاسخ۳ به تفصیل بیان گردید، جناب باب با چنگ زدن به یک مغلطه ادعا کرده بود تنها دلیل بر ادعای نبوت و پیامبری وی، منحصر است به کتاب و نبوت شخص مدعی به چیزی غیر از کتاب به اثبات نمی‌رسد و معجزه یا همان نشانه‌های بسیار روشن بر اثبات پیامبری را تنها و تنها منحصر در کتاب معرفی کرده

بود که مدارک آن پیش از این در بخش مذکور تقدیم حضور گردید. اما در اینجا به عنوان تذکر و یادآوری به چند نمونه اکتفا می‌گردد: جناب باب در باب اول از واحد ثانی کتاب بیان فارسی با عنوان "فی بیان معرفه الحجه و الدلیل" (صفحه‌ی ۱۲) چنین می‌نگارد: "در کور نقطه‌ی بیان (یعنی دوران خود جناب باب) ... خداوند عالم حجت او را مثل حجت رسول خدا در نفس آیات قرار داده" یعنی ادعا کرده که خداوند متعال حجت و دلیل جناب باب را در آیات و نوشتن کتاب قرار داده نه امر دیگری! یا در صفحه‌ی ۱۵ با صراحت بیشتری به انحصاری بودن معجزه در کتاب تصریح می‌نماید: "و آن نبی ثابت نمی‌شود نبوت او الا به کتابی که نازل شده بر او" بر اساس این ادعای جناب باب، پیامبری تمام سفیران الهی کان لم یکن می‌شود! زیرا به جز حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) احدی از پیامبران به کتاب خود تحدی نفرموده و معجزه‌ی هیچ کدامشان کتاب نبوده است. در صفحه‌ی ۱۷ همان کتاب چنین می‌آورد: "نظر کنید در قرآن هر گاه خداوند در مقام اثبات نبوت رسول خدا ص به غیر آیات احتجاج فرموده شماها هم تامل نمائید" یعنی درست در نقطه‌ی مقابل آیات قرآن کریم که برخی از معجزات غیرکتابی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را بیان نموده و در نقطه‌ی مقابل روایات فراوانی که معجزات بسیار زیادی از ایشان را گزارش داده‌اند، جناب باب مدعی است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) هیچ معجزه‌ی دیگری غیر از کتاب ندارد و معجزه‌ی او نیز هم جنس معجزه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است! یعنی معجزه از نظر جناب باب، بایستی فقط و فقط کتاب باشد و تنها به کتاب بایستی احتجاج نمود و هیچ راه دیگری از نظر ایشان برای اثبات پیامبری وجود ندارد!

و خلاصه جناب باب تمامی معجزات غیرکتابی انبیاء الهی ولو در قرآن آمده باشد را تاویل و یا به عبارت صحیح‌تر انکار می‌نماید و هیچ کدام را نمی‌پذیرد و همگی را رد می‌نماید! چرا!؟ چون خود واجد آن نیست و چنین نشانه و گواه صدقی ندارد..

جناب بهاءالله نیز در سراسر کتاب ایقان که باور بهائی آن را اعظم و بزرگ‌ترین دلیل بر ادعای پیامبری ایشان می‌داند، به طور کلی تمامی معجزات غیرکتابی انبیاء گذشته را انکار می‌نماید! به عنوان مثال صفحات ۱۳۵ و ۱۳۶ کتاب ایقان تصریح می‌نماید: " حال ملاحظه فرمائید چه مقدار عظیم است شأن آیات و بزرگ است قدر آن که حجّت بالغه و برهان کامل و قدرت قاهره و مشیّت نافذه را به آن ختم فرموده. و هیچ شیئی را آن سلطان احدیّه در اظهار حجّت خود به آن شریک نفرموده ... اگر تلویح این آیه را ملتفت شوی میفهمی که هرگز مظهری اکبر از انبیا نبوده و حجّتی هم اکبر و اعظم از آیات منزله در ارض ظاهر نشده بلکه اعظم از این حجّت حجّتی ممکن نه الّا ما شآء ربّک ... و حال آنکه اعظم از آیات امری نبوده و نخواهد بود"

همان گونه که ملاحظه می‌گردد، از نظر جناب بهاءالله نیز سلطان احدیه در اثبات دعوت فرستاده‌ی خویش، هیچ چیز دیگری به جز آیات را در حجت او شریک نکرده است و حجت او چیزی به جز آیات نیست و هیچ شریکی ندارد و تنها راه اثبات نبوت را منحصر در آیات و کتاب معرفی می‌نماید. البته جناب بهاءالله در آثار بعدی خویش بر خلاف جناب باب اندکی از این موضع انحصار کوتاه آمده و ظاهراً متوجه اشتباه خود گردیده که تکلیف انبیاء بدون کتاب چه می‌شود!؟ نبوت ۱۲۴ هزار نبی منهای چند پیامبر صاحب کتاب به طور کلی با این دیدگاه نفی می‌شود و هیچ گاه پیامبری ایشان به اثبات نمی‌رسد!!! چرا که ایشان آیه و کتابی در دست ندارند! اما آن چه

قطعی و مسلم است، جناب بهاءالله در سراسر کتاب ایقان هم رای و هم نظر با جناب باب بوده و معجزه‌ی پیامبر را تنها منحصر در کتاب دانسته و تمامی معجزات پیامبران الهی را به اصطلاح باور بهائی تاویل ولی در واقع انکار می‌نماید که یکی از این مدارک تقدیم حضور گردید.

تا به اینجا ثابت شد که جناب باب و بهاءالله (در سراسر کتاب ایقان که اعظم دلیل بر پیامبری ایشان نزد دوستان عزیز بهائی به حساب می‌آید) به طور کلی منکر تمام معجزات انبیاء الهی بوده و همگی را تاویل یا به عبارت صحیح‌تر انکار می‌نمودند و تنها دلیل و ملاک اثبات نبوت یک نبی را تنها و تنها منحصر در کتاب می‌دانستند.

بنابراین انتظار می‌رود که جناب باب و بهاءالله بر اساس قاعده‌ای که خود ارائه نموده‌اند، هیچ گاه برای اثبات ادعای خویش از ابزار دیگری غیر از کتاب استفاده نکنند! یعنی همواره و همه جا برای اثبات ادعای پیامبری خویش، فقط و فقط بایستی به کتاب استناد کنند و محتوای کلام و پیام خویش را تبلیغ کنند و به هیچ وجه نمی‌توان از ایشان انتظار داشت که برای اثبات ادعای خویش، امور خارق عادت و معجزه‌ی غیرکتابی ارائه نموده باشند! چرا که معجزه از دیدگاه ایشان فقط و فقط منحصر است در کتاب و لاغیر و به قول جناب بهاءالله چیز دیگری با آن شریک نشده و با هیچ وسیله‌ی دیگری نمی‌توان ادعای مدعی ارتباط با عالم بالا را ثابت نمود و هیچ راه دیگری جز مراجعه به کتاب برای پی بردن به حقانیت مدعی وجود ندارد!

اما برای دوستان عزیز بهائی می‌تواند بسیار جالب توجه و البته قابل تامل باشد که هم جناب باب و هم جناب بهاءالله در مواضع متعددی این انحصار را از یاد برده‌اند و ناخودآگاه آن را شکسته‌اند و برای اثبات مقام نبوت و مظهریت خویش، دست به دامن امور خارق عادت و معجزه شده‌اند!!! اگر جناب باب و بهاءالله در ادعای خود صادق بودند، نبایستی هیچ گاه ادعای معجزه‌ی غیرکتابی می‌کردند! اما در موارد بسیار زیادی هم جناب باب و هم جناب بهاءالله برای اثبات مدعای خود، ادعای معجزه‌ی غیرکتابی کرده‌اند! و این یعنی دروغ! یعنی همان افرادی که ادعا می‌کردند که معجزه فقط و فقط باید از جنس کتاب باشد، همان افراد امور دیگری را نیز به عنوان معجزه قلمداد کرده‌اند که غیرکتابی است! و پیامبران الهی هیچ گاه دروغ نمی‌گویند! در ادامه به چند نمونه از این موارد اشاره می‌گردد.

اولین معجزه‌ی غیرکتابی جناب باب: نگارش با سرعت مافوق بشری و حجیم نگاری

اگر چه جناب باب و بهاءالله که قادر به ارائه‌ی معجزه‌ی غیرکتابی نبوده‌اند دست به انکار معجزات انبیاء الهی زده‌اند، ولی در عمل برای این که وانمود کنند با خالق این عالم در ارتباط هستند و می‌توانند امور خارق عادتی را انجام دهند، ادعاهایی در این زمینه کرده‌اند. می‌دانیم طرح ادعای داشتن معجزه‌ی غیرکتابی توسط جناب باب و بهاءالله به معنای باطل بودن ادعاهای پشین ایشان است که به طور کلی معجزات غیرکتابی را انکار می‌کردند.

اگر از باور بهائی پرسیده شود که چرا جناب باب پیامبر است؟ پاسخ خواهد داد که در شش ساعت هزار آیه نازل می‌کرده و سیل آیات از قلم ایشان نازل می‌گردیده و یا این که دو هزار آیه‌ی تفسیر سوره‌ی کوثر را فی المجلس نازل کرده و احدی قادر نبوده با این سرعت بنویسد! که البته در مقالات گذشته به این موضوع پرداخته شد که این

ادعا به معنای آن است که نگارش اولیه‌ی این تفسیر حدود ۱۲ سال زمان لازم داشته و قرائت و خواندن مجدد آن هم حداقل یک روز کامل! یعنی آن مجلس حداقل بایستی ۳۶ ساعت طول کشیده باشد! در حالی که ادعا شده از عصر تا غروب آفتاب بیشتر طول نکشیده است!

محتوای پیام جناب باب چیست!؟ کسی حق انتشار آن را ندارد!!! پس به چه دلیل کتاب‌های جناب باب معجزه‌ی ایشان است!؟ سرعت مافوق بشری و حجم زیاد آن!!! یعنی از این نکته که احدی قادر نبوده چنان حجم عظیمی از آیات را با آن سرعت بسیار زیاد بنویسد، می‌فهمیم که جناب باب پیامبر و مظهر امر است!!! محتوای آثار ایشان چیست!؟ احدی حق انتشار آن را ندارد!!! (مستندات این مطالب در بخش ۵-۱۸- ارائه گردیده است)

بنابراین آن چه که باور بهائی به عنوان دلیل پیامبری جناب باب ارائه می‌نماید، چیزی نیست جز امور خارق عادت!!! یعنی همان معجزات غیرکتابی انبیاء گذشته که جناب باب و بهاءالله آن را انکار می‌نمودند!!! یعنی همان گونه که انبیاء گذشته برای اثبات ادعای خود از امور خارق عادت و خارج نظام طبیعی استفاده می‌کردند تا نشان دهند که از جانب خالق طبیعت آمده‌اند، جناب باب نیز برای اثبات رسالت خویش، سرعت بالای نگارش را دلیل آورده است!!! با این تفاوت که دستگاه‌های چاپ و تکثیر امروزی با سرعتی بسیار بیشتر از جناب باب قادر به تکثیر و نزول آیات هستند ولی بشر امروز قادر نیست که عصایی بیاندازد که تبدیل به اژدها شود یا مرده‌ای که صدها سال از مرگ او گذشته را زنده نماید و ...

اولین و بزرگ‌ترین معجزه‌ی جناب بهاءالله: کتابی با تناقضات ظاهری و محتوایی

جناب بهاءالله با چالش‌هایی شدیدتر از موارد بالا مواجه است! اگر از باور بهائی سوال شود که بزرگ‌ترین و اعظم دلیل بر پیامبری جناب بهاءالله چیست؟ پاسخ خواهد داد کتاب مستطاب ایقان که در مدت دو شبانه روز نگارش یافته و توانسته دایی جناب باب را به مقام ایقان برساند!

آیا ظاهر این کتاب حجت و دلیل بر رسالت جناب بهاءالله است یا باطن و محتوای آن؟

در خصوص ظاهر این کتاب ادعاهای متعدد و البته متناقضی شده است.

در خصوص ادبیات و ظاهر و فصاحت و بلاغت این کتاب از جناب شوقی در مقدمه‌ی ایقان چنین آمده است: "این منشور جلیل نمونه کامل از منشآت نثر پارسی است که دارای سبکی بدیع و لحنی مهیمن و منیع و از لحاظ استحکام بیان و قوّت برهان بی نظیر و در فصاحت و بلاغت بی بدیل و مثیل است"

یا در صفحه‌ی ۱۸۰ کتاب نفحات ظهور حضرت بهاءالله ادعا نموده "کتاب ایقان از نظر ادبی اثر برجسته‌ای در زبان فارسی شمرده می‌شود" متحریان حقیقت خود قضاوت کنند که این ادعا چقدر از حقیقت فاصله دارد!

دوستان عزیز بهائی خود می‌توانند این ادعای جناب شوقی را قضاوت نمایند! آیا به راستی می‌توان کتاب ایقان را "نمونه کامل از منشآت (نوشته‌جات) نثر پارسی" به حساب آورد!؟ در کدام مرکز تخصصی ادبیات فارسی به این

اثر به عنوان یک شاهکار ادبی نگریسته می‌شود!؟ آیا واقعا کتاب ایقان "در فصاحت و بلاغت بی بدیل و مثیل است"!؟ این بزرگ‌ترین معجزه‌ی جناب بهاءالله، نگاه کدام مرکز تخصصی ادبیات فارسی در جهان را توانسته به خود جلب نماید و کدام ادیب و محقق زبان پارسی را شیفته‌ی خود کرده است!؟

چگونه می‌توان ایقان را در فصاحت و بلاغت بی‌بدیل و مثیل دانست در حالی که اولین چاپ سربی آن (۱۳۱۸ هجری قمری) نسبت به نسخ خطی زین المقربین و اولین چاپ سنگی آن حدود ۵۰۰ مورد اصلاحات صورت گرفته است!!! این حجم بسیار زیاد اصلاحات به چه علت بوده است!؟ این موارد شامل نقل نادرست و تحریف آیات قرآن کریم، اظهار عبد و بنده بودن جناب بهاءالله در مقابل صبح ازل و همچنین اشتباهات و غلطهای ادبی جناب بهاءالله می‌باشند! هر کدام از این موارد به تنهایی گواه روشنی بر باطل بودن ادعای فصاحت و بلاغت و معجزه بودن کتاب ایقان به حساب می‌آید. در مقاله‌ی بعد با جزئیات بیشتری به این موضوع پرداخته می‌شود.

به راستی اگر کسی دنبال حقیقت باشد، همین ۵۰۰ دلیل بر بطلان ادعای معجزه بودن ظاهر ایقان برای او کافی نیست!؟ و البته این فقط ظاهر ایقان است. محتوای آن داستان خودش را دارد.

جالب‌تر این که باور بهائی مدعیست نسخه‌ی اصلی کتاب ایقان به دست جناب عبدالبهاء نوشته شده و جناب بهاءالله نیز بر آن حواشی نگاشته و تصحیحاتی انجام داده و هم اکنون "در دارالاثار بین المللی بهائی بر فراز کوه کرمل در حیفا" قرار دارد (نفحات ظهور حضرت بهاءالله، صفحه‌ی ۱۸۰) یعنی نه جناب بهاءالله متوجه این حجم عظیم اشتباهات و تناقضات شده است و نه جناب عبدالبهاء! بلکه سال‌ها بعد که نسخ خطی و اولین نسخه‌ی چاپ سنگی آن به دست محققین افتاد، باور بهائی مجبور گردید برای حفظ آبروی خود و کتمان تناقضات و اشتباهات بزرگ‌ترین دلیل بر پیامبری جناب بهاءالله، دست به تحریف کتاب ایقان زده و آن را اصلاح نماید!!!

وقتی اعظم دلیل و بزرگ‌ترین برهان باور بهائی با چنین چالش بزرگی روبروست، آیا ذره‌ای شک و تردید در غیرالهی بودن این باور باقی می‌ماند!؟

نمونه‌ی دیگری از تناقضات ظاهری این کتاب که بطلان ادعای جناب بهاءالله را همانند آفتاب میان روز به اثبات می‌رساند، ادعای سرعت و زمان نگارش دو شبانه‌روزی این اثر است! در اینجا دو بحث مطرح است. یکی سرعت و دیگری زمان و تاریخ نزول!

از دیدگاه سرعتی، جناب شوقی در مقدمه‌ی کتاب ایقان ادعا کرده "کتاب مستطاب ایقان است که در سنین اخیره دوره اقامت بغداد (۱۲۷۸ هـ. ق. مطابق با ۱۸۶۲ میلادی) طیّ دو شبانه روز از قلم مبارک نازل گردیده" و ادیب طاهر زاده نیز در صفحه‌ی ۱۷۸ کتاب نفحات ظهور حضرت بهاءالله ادعا می‌نماید بفاصله دو روز و دو شب کتاب ایقان در متجاوز از دویست صفحه در جواب سوالات خال اکبر از قلم حضرت بهاءالله شرف نزول یافت"

عزیزانی که مباحث شرح نزول تفسیر جناب باب بر سوره‌ی یوسف و کوثر (پاسخ۴ تا پاسخ۷) را دنبال نموده‌اند به خوبی می‌دانند که در این معجزات جناب باب، سرعت بالای نگارش و آثار عجیب آن مثل سه مرتبه بی‌هوش

شدن مخاطب در اثر شنیدن آیات، بلای جان مطلب شده و منجر به بروز تناقضات متعددی گردید. لذا باور بهائی در خصوص کتاب ایقان اندکی از سرعت و شدت آثار آن بر مخاطب کاسته و از دو هزار آیه در یک مجلس و سه مرتبه بی‌هوش شدن، به نزول یک کتاب در دو شبانه‌روز کوتاه آمده و سخنی نیز از بی‌هوشی به میان نمی‌آورد. حال آن که به ادعای باور بهائی کتاب ایقان نسبت به آثار جناب باب در رتبه‌ی بالاتری قرار دارد و بایستی آثار آن بر مخاطب نیز شدیدتر از معجزات جناب باب باشد. یعنی اگر آثار جناب باب می‌توانسته مخاطب را تا مرز بی‌هوشی پیش ببرد، خواندن آثار جناب بهاءالله نتیجه‌ای کمتر مرگ در پی نخواهد داشت!

اما نکته‌ی اصلی و مورد تاکید در بحث زمان و تاریخ نزول کتاب ایقان، گزارشات متناقض دیگری است که جناب بهاءالله و شوقی در مورد زمان نزول کتاب ایقان ارائه می‌دهند. این گزارشات متناقض از یک طرف وجود تناقض شدید و بسیار روشن در ایقان را ثابت می‌کند و از طرف دیگر تقابل دیدگاه جناب بهاءالله و شوقی را نشان می‌دهد.

جناب بهاءالله در کتاب ایقان سه تاریخ متفاوت و به عبارت دقیق‌تر چهار تاریخ برای زمان نزول این کتاب بیان می‌کند:

در صفحه‌ی ۱۱۴ تصریح می‌کند "باری هزار و دویست و هشتاد سنه از ظهور نقطه فرقان گذشت و جمیع این همج رعاع (مردم پست و فرومایه و نادان که توهین به مسلمانان است) در هر صباح تلاوت فرقان نموده‌اند و هنوز به حرفی از مقصود فائز نشدند"

۱۸۵ ذلكَ إلى ميقاتِ يومٍ معلومٍ. باری هزار و دویست و هشتاد
سنه از ظهور نقطهٔ فرقان گذشت و جمیع این همج رعاع در
هر صباح تلاوت فرقان نموده اند و هنوز به حرفی از مقصود
فائز نشدند و خود قرائت می‌کنند بعضی آیات را که صریح

صفحه‌ی ۱۱۴ کتاب ایقان:

تناقض اول در مورد تاریخ نزول ایقان

همان گونه که ملاحظه می‌گردد جناب بهاءالله تصریح می‌کند اکنون که در حال نگارش کتاب ایقان است، ۱۲۸۰ سال از نزول قرآن می‌گذرد! ایشان به فاصله‌ی زمانی خود از زمان نزول قرآن اشاره می‌فرماید! یعنی این عدد ۱۲۸۰، بیان‌گر سال قمری نیست! بلکه تعداد سال‌هایی بین نزول قرآن و نگارش ایقان را بیان می‌نماید. عزیزان

بهائی به خوبی می‌دانند که نزول فرقان سیزده سال قبل از هجرت بوده است! یعنی در واقع بر اساس این نقل جناب بهاءالله، ایقان در سال ۱۲۶۷ نازل گردیده است! یعنی قبل از پیامبری جناب بهاءالله! با این حال اگر از این تناقض نیز چشم پوشی شده و فرض شود همان سال ۱۲۸۰ هجری قمری مد نظر ایشان بوده، باز هم گره‌ای از کار کور ایقان باز نمی‌کند!

جناب بهاءالله در صفحه‌ی ۱۵۰ به سال ۱۲۷۸ اشاره می‌نماید که جناب شوقی نیز همین را عنوان نموده است: "آیا نبود که از قبل امر سیّد الشّهداء را اعظم امور و اکبر دلیل بر حقّیت آن حضرت می شمردند و می گفتند در عالم چنین امری اتّفاق نیفتاد و حقّی به این استقامت و ظهور ظاهر نشد؟ با اینکه امر آن حضرت از صبح تا ظهر بیشتر امتداد نیافت و لیکن این انوار مقدّسه هیجده سنه می گذرد که بلایا از جمیع جهات مثل باران بر آنها بارید." یعنی زمان نگارش کتاب ایقان هجده سنه از زمان ظهور باب می‌گشته و با احتساب سال ۱۲۶۰ قمری، سال نگارش ایقان برابر ۱۲۷۸ قمری خواهد بود.

۲۵۱ و نام در رضای حقّ گذشته‌اند اغفال نمایند؟ آیا نبود که از
قبل امر سیّد الشّهداء را اعظم امور و اکبر دلیل بر حقّیّت آن
حضرت می‌شمردند و می‌گفتند در عالم چنین امری اتّفاق
نیفتاد و حقّی به این استقامت و ظهور ظاهر نشد؟ با اینکه
امر آن حضرت از صبح تا ظهر بیشتر امتداد نیافت ولیکن این
انوار مقدّسه هیجده سنه می‌گذرد که بلایا از جمیع جهات مثل
باران بر آنها بارید . و به چه عشق و حبّ و محبّت و ذوق که

صفحه‌ی ۱۵۰ کتاب ایقان:
تناقض دوم در مورد تاریخ نزول ایقان

اما سومین تاریخی که جناب بهاءالله برای نگارش ایقان ذکر می‌نماید نیز جالب توجه است. جناب بهاءالله در صفحه‌ی ۱۶۷ کتاب ایقان پس از ذکر خاطرات تلخ دوران سخت سلیمانیه، چنین می‌نگارد: "دیگر قلم عاجز است از ذکر آنچه بعد از رجوع ملاحظه شد حال دو سنه میگذرد که اعدا در اهلاک این عبد فانی بنهایت سعی و اهتمام

دارند" دو سال از چه زمانی می‌گذرد!؟ از زمان بازگشت از کوه‌های سلیمانیه! چه مدت ایشان در کوه‌های سلیمانیه بوده‌اند!؟ دو سال! چه سالی ایشان به کوه‌های سلیمانیه عزیمت نموده‌اند!؟ ۱۲۷۰ قمری! یعنی بر اساس این ادعای جناب بهاءالله، کتاب در سال ۱۲۷۴ قمری نازل شده است!

بعد از رجوع ملاحظه شد . حال دو سنه می‌گذرد که اعداء در اهلاك این عبد فانی به نهایت سعی و اهتمام دارند چنانچه جمیع مطّلع شده‌اند . مع ذلك نفسی از احباب نصرت ننموده و به هیچ وجه اعانتی منظور نداشته. بلکه از عوض نصر، حزن ها

صفحه‌ی ۱۶۷ کتاب ایقان:

تناقض سوم در مورد تاریخ نزول ایقان

در صفحه‌ی ۱۰۹ کتاب حضرت بهاءالله تصریح می‌نماید که "مهاجرت حضرت بهاءالله به جبال کردستان در ماه رجب از سال ۱۲۷۰ مطابق با ۱۰ آوریل از سال ۱۸۵۴ پس از یکسال ورود به بغداد واقع گردید" سپس ادامه می‌دهد که "مدت دو سال این هجرت به طول انجامید"

(۱۰۹)

۱۷- ایّام هجرت در سلیمانیّه

مهاجرت حضرت بهاءالله بجبال کردستان در ماه رجب از سال ۱۲۷۰ مطابق با ۱۰ اوریل از سال ۱۸۵٤ پس از یکسال ورود به بغداد واقع گردید که از منزل سلیمان غنام که محل سکونت آنحضرت بود باتفاق ابوالقاسم همدانی از اصحاب ناگهان هجرت اختیار فرمودند ومدت دو سال این هجرت بطول انجامید راجع باین

صفحه‌ی ۱۰۹ کتاب حضرت بهاءالله: مدت اقامت در کوه‌های کردستان

اما دریغ از ذره‌ای انصاف! پذیرش حق برای برخی آن قدر سخت و دشوار است که حتی حاضرند بزرگترین اثر جناب بهاءالله را هم تحریف نمایند! محمد علی فیضی بر خلاف نص کتاب ایقان چنین ادامه می‌دهد "راجع باین هجرت و مشقات وارده آن ایام در کتاب مستطاب ایقان که شش سال بعد از مراجعت از سلیمانیه در بغداد بافتخار جناب حاج سید محمد خال اکر حضرت اعلی نازل گشته چنین میفرمایند..." و سپس درد دل‌های جناب بهاءالله از دوران سخت سلیمانیه را می‌آورد! اما چرا در اینجا ادعا می‌کند که شش سال پس از بازگشت از سلیمانیه این کتاب را نوشته در صورتی که دو صفحه بعد خودش از قول جناب بهاءالله از کتاب ایقان تصریح می‌نماید که "دیگر قلم عاجز است از ذکر آنچه بعد از رجوع ملاحظه شد حال که دو سنه می‌گذرد ..." در حالی جناب بهاءالله اعتراف می‌کند در زمان نگارش کتاب ایقان دو سال از ایام رجوع و بازگشت از سلیمانیه می‌گذرد!!!! جناب فیضی و بسیاری دیگر از نویسندگان باور بهائی برای توجیه عدد ۱۲۷۸ جناب شوقی، به دروغ عدد شش سال را عنوان می‌کنند در حالی که جناب بهاءالله در متن ایقان تصریح می‌کند هم اکنون که در حال نگارش ایقان هستم، دو سال از رجوع و بازگشت می‌گذرد!

فرمودند ومدت دو سال این هجرت بطول انجامید راجع باین
هجرت و مشقّات واردهٔ آن ایام در کتاب مستطاب ایقان که شش سال
بعد از مراجعت از سلیمانیه در بغداد بافتخار جناب حاج سیّد محمّد
خال اکبر حضرت اعلی نازل گشته چنین میفرمایند :

صفحه 109

حکم رجوع صادر شد و لابداً تسلیم نمودم وراجع شدم دیگر قلم عاجز
است از ذکر آنچه بعد از رجوع ملاحظه شد حال دو سنه میگذرد که
اعداء در اهلاك این عبد فانی بنهایت سعی واهتمام دارند
چنانچه جمیع مطّلع شده اند مع ذلك نفسی از احباب نصرت
ننموده و بهیچوجه اعانتی منظور نداشته بلکه از عوض نصر حزنها

صفحه 111

اعتراف به تناقض سال نزول ایقان در کتاب حضرت بهاءالله: بالاخره دو سال یا شش سال!؟ جناب بهاءالله راست می‌گوی را به دست بیاورند!

همین تعصب را نصرت الله محمد حسینی در صفحه‌ی ۵۷ کتاب حضرت باب به گونه‌ی دیگری به تصویر کشیده است. وی در نقد عبدالحسین آیتی یا همان آواره به دروغ از کتاب کواکب الدریه مطلبی نقل می‌کند که شیوع بیماری دروغ در میان بزرگان باور بهائی را بار دیگر به اثبات می‌رساند. (عبدالحسین آیتی نویسنده‌ی کتاب کواکب الدریه و از بزرگترین مبلغین باور بهائی و معروف به رئیس‌المبلغین بود که پس از مرگ جناب عبدالبهاء و در زمان جناب شوقی افندی پس از ۲۰ سال از باور بهائی بازگشت و به دامن اسلام بازگشت. وی در زمانی که

بهائی بود کتاب تاریخ امری خود را با نام کواکب الدریه به دستور جناب عبدالبهاء و زیر نظر ایشان نوشت و بنابراین مورد قبول بهائیان نیز قرار دارد. نام کامل کتاب "الکواکب الدریه فی مآثر البهائیه" است.) نصرت الله محمد حسینی ادعا می‌کند که "آواره در صفحه ۳۵۴ جلد نخست (کتاب کواکب الدریه) زمان نزول کتاب ایقان را در همان سال مراجعت حضرت بهاءالله از سلیمانیه می‌داند و این نشان می‌دهد که کتاب ایقان را دقیق نخوانده است."

باشد مطلقاً اعتماد را نشاید». آواره در صفحهٔ ۳۵۴ جلد نخست زمان نزول کتاب ایقان را در همان سال مراجعت حضرت بهاء الله از سلیمانیه

۵۷/57

می داند و این نشان می دهد که کتاب ایقان را دقیق نخوانده است. در

تعصب و تناقض‌گویی در باور بهائی

اگر متحریان حقیقت به صفحه‌ی ۳۵۴ جلد اول کتاب کواکب الدریه مراجعه نمایند در کمال تعجب و بر خلاف ادعای نصرت الله محمد حسینی می‌یابند که در ذیل عنوان "رساله خالویه یا کتاب مستطاب ایقان" اولین جمله‌ی آواره چنین است: "آن چه ناگفته ماند اینکه سال چهارم از ورود بغداد که سال رجوع از سلیمانیه بود ... آن حضرت قلم گرفته باندک زمانی در جواب او کتاب ایقان را مرقوم فرمودند."

﴿ رسالهٔ خالویه یا کتاب مستطاب ایقان ﴾

آنچه نا گفته ماند اینکه سال چهارم از ورود بغداد که سال رجوع از سلیمانیه بود حاجی سید محمد خال اصغر نقطهٔ اولی . بتوسط حاج سید جواد کربلائی حضور ایشان تشرف جسته شبهاتی چند که در حقیقت امر بر حسب عادت اسلامی در قلبش خلجان مینمود از آن حضرت سؤال نمود وآنحضرت قلم گرفته باندك زمانی درجواب او کتاب ایقان را مرقوم فرمودند ٭ و براهل بصیرت وانصاف مبرهن

صفحه‌ی ۳۵۴ جلد اول کتاب کواکب الدریه:

تناقض، دروغ بودن و نقل قول نادرست نصرت الله محمدحسینی از کتاب کواکب الدریه

یعنی اولا جناب نصرت الله محمد حسینی در نقل قول از کتاب کواکب الدریه رعایت امانت را ننموده و مطلب دروغی را به آواره نسبت می‌دهد و دوم این که از نظر رئیس‌المبلغین نیز کتاب ایقان در سال ۱۲۶۴ هجری قمری نگارش یافته است! البته جناب نصرت الله محمد حسینی پس از دروغی که به جناب آواره نسبت می‌دهد، متذکر این نکته می‌شود که تاریخ مراجعت از سلیمانیه نیز در کتاب ایقان آمده و اگر ذره‌ای انصاف داشت، لااقل به جناب بهاءالله رحم می‌کرد و ایقان را از تحریف مصون می‌داشت و عین مطلب جناب بهاءالله را می‌آورد که تصریح نموده دو سال پس از بازگشت سلیمانیه در حال نگارش ایقان بوده است! یعنی سومین تاریخی که جناب بهاءالله در کتاب ایقان به عنوان تاریخ نگارش این کتاب ذکر می‌کند، دو سال پس از رجوع از کوه‌های سلیمانیه بوده که مطابق با گزارش آواره و در تعارض و تناقض با دیگر تاریخ‌های ذکر شده در خود ایقان و همچنین در مخالفت با نظر جناب شوقی و دیگر مبلغین باور بهائی است!!!

به راستی دوستان عزیز بهائی کدام را باید باور کنند!؟ ۱۲۷۸ هجری قمری!؟ ۱۲۸۰ سال فاصله (به عبارت دقیق‌تر ۱۲۶۷ هجری قمری)!؟ و یا ۱۲۷۴ هجری قمری!؟

از آن جا که مدت نگارش کتاب ایقان نیز دو شبانه‌روز قلمداد شده، هیچ یک از این تاریخ‌ها با هم قابل جمع نیست!

غیر قابل جمع بودن تناقضات بالا با ادعای عصمت

جناب بهاءالله در حالی چنین تناقضی را از خود به یادگار می‌گذارد که ادعای عصمت دارد!!! در صفحه‌ی ۳۸۱ جلد دوم کتاب آیات الهی عصمت خود را این چنین بیان می‌کند: "عصمت طرازی است مخصوص حقّ و از برای سایرین سهو و خطا و نسیان بوده"

چه که عصمت طرازی است مخصوص حقّ و از برای
سایرین سهو و خطا و نسیان بوده. باید دوستان از یکدیگر

جناب عبدالبهاء نیز در صفحه‌ی ۱۲۱ کتاب مفاوضات، عصمت را ذات جناب بهاءالله معرفی می‌کند: "بدانکه عصمت بر دو قسم است عصمت ذاتیه و عصمت صفاتیه ... عصمت ذاتیه مختص به مظهر کلی است"

جواب

بدانکه عصمت بر دو قسم است عصمت ذاتیه وعصمت صفاتیه
۲۳ وهمچنین سائر اسماء وصفات مثل علم ذاتی وعلم صفاتی عصمت ذاتیه

۱۲۲ ﴿ قسم سوم ﴾

مختص بمظهر کلی است زیرا عصمت لزوم ذاتی اوست ولزوم ذاتی از شیء
انفکاك نجوید • شعاع لزوم ذاتی شمس است وانفکاك از شمس نکند

صفحه‌ی ۱۲۱ کتاب مفاوضات:

ادعای عصمت بهاءالله توسط عبدالبهاء

کسی که ادعای عصمت دارد، چرا چهار تاریخ برای نگارش ایقان ذکر می‌نماید!؟ چگونه جناب بهاءالله خود را معصوم می‌داند در حالی که متوجه تفاوت بین بعثت و هجرت نبوده و مرتکب این اشتباه بزرگ می‌شود؟ این چگونه عصمتی است که برای نگارش بزرگ‌ترین دلیل بر ادعای پیامبری خود چهار تاریخ متفاوت ذکر می‌کند!؟ این چگونه عصمتی است که باور بهائی مجبور می‌شود حدود ۵۰۰ مورد اصلاحیه و تحریف در کتاب ایقان اعمال کند تا نقل قول‌های نادرست جناب بهاءالله از قرآن و غلط‌های ادبی و محتوایی آن را حذف نماید!!! در بخش‌های بعدی با جزئیات بیشتری به این موضوع پرداخته می‌شود و مشخص می‌گردد به همین علت باور بهائی هیچ گاه نسخه‌ی اصلی کتاب ایقان، نسخ خطی و یا چاپ‌های قبل از سال ۱۳۱۸ هجری قمری را در اختیار دوستان عزیز بهائی قرار نمی‌دهد!!!

اما ای کاش این تناقضات به همین جا ختم می‌شد! باور بهائی به تازگی در کانال رفع شبهات خود، پاسخی برای این تناقض ارائه نموده که از یک طرف تابلویی از اخلاق عملی باور بهائی را به تصویر کشیده و از طرف دیگر دست تاویل و تفسیر را به آثار جناب بهاءالله باز نموده است!!! اگر متحریان حقیقت به این پاسخ مراجعه نمایند، چیزی جز توهین، کلمات زشت، تهمت و افترا را در آن نخواهند یافت! اما برای توجیه این چهار تاریخ متناقض نیز ناچار شده‌اند بر خلاف آموزه‌های باور بهائی، دست به تفسیر و تاویل کتاب ایقان بزنند! و می‌دانیم که بر اساس آموزه‌های باور بهائی، تاویل و تفسیر آن چه از آسمان وحی نازل شده به شدت ممنوع گردیده است.

به عنوان مثال اهمیت ممنوعیت تاویل و تفسیر تا بدانجاست که باب ۵۴ کتاب گنجینه‌ی حدود و احکام، با عنوان "در نهی از تأویل کلمات الهیّه" دقیقاً به همین موضوع اختصاص داده شده و در همان ابتدای باب، از صفحه‌ی ۱۰۲ کتاب اقدس، نوشته‌ی جناب بهاءالله چنین می‌آورد: "انّ الّذی یُأَوِّلُ ما نُزِّلَ من سمآء الوحی و یُخْرِجُهُ عن الظّاهر انّه مِمَّن حَرَّفَ کلمةَ اللهِ العلیا و کان من الأخسرین فی کتاب مبین" یعنی بی‌گمان کسی که آن چه از آسمان وحی فرو فرستاده شده، تأویل کند و از صورت ظاهریش خارج نماید، از کسانی است که کلام برتر خداوند را تحریف نموده و در کتاب آشکار خدا جزء زیانکارترین مردم است.

اگر دوستان عزیز بهائی به همان صفحه‌ی ۳۴۰ کتاب گنجینه‌ی حدود و احکام مراجعه نمایند، در ادامه‌ی آن باز هم از جناب بهاءالله چنین آورده است: "کلمه الهیّه را تأویل مکنید و از ظاهر آن محجوب ممانید چه که احدی بر تأویل مطّلع نه الّا الله و نفوسیکه از ظاهر کلمات غافلند و مدّعی عرفان معانی باطنیّه، قسم باسم اعظم که آن نفوس کاذب بوده و خواهند بود. طوبی از برای نفوسیکه ظاهر را عامل و باطن را آملند ..."

باور بهائی برای توجیه این تناقض، اولا چشم خود را بر روی تاریخ ۱۲۷۴ هجری قمری بسته و آن را نادیده گرفته است و سپس در میان کوهی از توهین‌ها و تهمت‌ها، دو عدد ۱۲۷۸ و ۱۲۸۰ را این گونه توجیه نموده که عدد ۱۲۸۰ نسخه‌ی گرد شده‌ی ۱۲۷۸ است!!! حال آن که از یک طرف باور بهائی حق تاویل و تفسیر آیات را ندارد و باید به ظاهر آن متمسک گردد! ملاحظه گردید که از نظر جناب بهاءالله کسانی که ظاهر را رها می‌کنند کاذب و دروغگو هستند! بگذریم از این که جناب باب و بهاءالله نیز ظاهر قرآن را رها کرده‌اند و هر چه خواسته‌اند به عنوان معنای باطنی به کلام خداوند متعال بسته‌اند! نمونه‌ی چنین رویکردی در مباحث قیامت با وضوح بیشتری دیده می‌شود.

دوم این که اگر دوستان عزیز بهائی با کلمه‌ی کلیدی "سنه" به جستجو در ایقان بپردازند، در خواهند یافت که جناب بهاءالله اگر به تاریخی شک داشته، با به کارگیری قیدهای خاصی این تقریب را نشان داده است. به عنوان مثال می‌توان به این موارد در کتاب ایقان اشاره نمود: "هزار سال بیش میگذرد" "رأس هزار سنه او ازید او اقلّ" "قریب هفتصد سنه او ازید" "صد سنه او ازید" "سی سنه او اقلّ"

بنابراین از یک طرف دست باور بهائی برای تاویل ظاهر کتاب ایقان بسته است. از طرف دیگر شواهد زیادی در ایقان وجود دارد که هر جا منظور جناب بهاءالله ارائه‌ی سال تقریبی بوده، تقریبی بودن را مورد تصریح قرار داده است. سوم این که تاریخ ۱۲۶۳ هجری قمری یا ۱۲۷۴ هجری قمری با چه سیستمی گرد شده که به ۱۲۸۰ هجری قمری تبدیل شده است!!! گویا ریاضیات باور بهائی هم از سنج ادب و نزاکت این باور است!

این تناقض و تعارض جای هیچ شک و شبهه‌ای را باقی نمی‌گذارد که ایقان کتابی الهی نیست و جناب بهاءالله نیز فرستاده‌ی خداوند متعال نمی‌تواند باشد! چرا که تناقض و اختلاف در آثار الهی وجود ندارد.

ممکن است باور بهائی بر خلاف ادعای خود که قرآن را کتابی آسمانی می‌داند، بخواهد با خدا ناباوران همراه شده و ادعا کند که در قرآن هم تناقض وجود دارد! حال آن که جناب بهاءالله در صفحه‌ی ۲۰۸ کتاب اقتدارات به

صراحت وجود هر گونه تناقضی در قرآن را رد کرده و تصریح نموده همه‌ی این اشکالات را علما بر اساس قواعد پاسخ داده‌اند و بر اساس آموزه‌های باور بهائی در قرآن هیچ گونه تناقض وجود ندارد: "قدری انصاف ده و بینک و بین الله حکم کن شکّی نبوده که قرآن من عند الله نازل شده و شکّی هم نیست که کلمات الهیّه مقدّس بوده از آنچه توهّم نموده‌اند چنآنچه بعد معلوم و واضح شد که آن اعتراضات از غِلّ و بغضا بوده چنآنچه بعضی علما جواب بعضی از اعتراضات را بقواعد داده‌اند و لکن علمه عندنا فاسئل لتعرف النّقطه الّتی منها فصّل علم ما کان و ما یکون شاید متنبّه شوی و بر احبّای الهی اعتراض ننمائی."

امید است این مختصر بتواند چراغ راهی برای یافتن حقیقت باشد.

منبع: https://www.hassanershad.com/2945

معجزه دیانت بهایی چیست؟-پاسخ ۹

تحریف کتاب ایقان و بزرگ‌ترین دلیل بر ادعای پیامبری جناب بهاءالله!!!

اشاراتی بر تناقضات محتوایی و غلطهای ایقان!

آیا دوستان عزیز بهائی می‌دانند که حدود ۵۰۰ اختلاف بین نسخ خطی و اولین چاپ سنگی ایقان با چاپ‌های بعد از سال ۱۳۱۸ قمری وجود دارد!؟

آیا دوستان عزیز بهائی تا کنون با خود نیاندیشیده‌اند که چرا باور بهائی هیچ گاه از نسخه‌ی اصلی ایقان رونمایی ننموده و آن را منتشر نمی‌کند!؟

آیا عزیزان بهائی می‌دانند که نسخه‌ی اصلی کتاب ایقان به دست جناب عبدالبهاء نگاشته شده و جناب بهاءالله نیز آن را تصحیح نموده ولی باور بهائی جرات انتشار آن را ندارد!؟

اگر نسخه‌ی اصلی کتاب به تصحیح خود جناب بهاءالله رسیده، پس چرا بین چاپ‌های مختلف آن اختلاف وجود دارد!؟

چرا باور بهائی نسخه‌ی اصلی را در اختیار بشریت قرار نمی‌دهد!؟

در سلسله مباحث مربوط به بررسی دیدگاه باورهای بابی و بهائی نسبت به معجزه و در خصوص دلیل و برهانی که پیامبران الهی برای اثبات حقانیت دعوت خود ارائه می‌نمایند، سخن به اینجا رسید که جناب باب در تمامی آثارش و جناب بهاءالله در سراسر کتاب ایقان این ادعا را مطرح نموده‌اند که معجزه‌ی پیامبران الهی تنها و تنها منحصر است به ارائه‌ی کتاب و پیامبری پیامبر خدا به چیزی غیر از کتاب ثابت نمی‌شود و ایشان هیچ یک از معجزات غیرکتابی انبیاء گذشته را قبول نداشته و همه را تاویل و یا به عبارت صحیح‌تر تحریف می‌نمایند. یعنی معجزه از دیدگاه جناب باب و بهاءالله (تا زمان نگارش کتاب ایقان) منحصر است در کتاب.

البته در اولین مقالات ارائه شده در این بخش به مباحثی همچون لزوم و ضرورت ارائه‌ی معجزه از دیدگاه عقل و نقل پرداخته شد. همچنین به جایگاه و آثار عجیب و غریبی که باور بهائی برای کتاب‌های جناب باب ذکر نموده اشاراتی گردید و به این موضوع پرداخته شد که چرا باور بهائی از انتشار معجزات و دلایل پیامبری جناب باب یعنی همان کتاب‌های ایشان استنکاف ورزیده و آن‌ها را به صورت رسمی منتشر نمی‌گرداند که علاقه‌مندان می‌توانند به مباحث مربوطه مراجعه نمایند.

در مقاله‌ی پیشین پس از این که ثابت شد از نظر جناب باب و بهاءالله (تا زمان نگارش کتاب ایقان)، معجزه تنها و تنها منحصر است در کتاب، به این موضوع پرداخته شد که بر خلاف این ادعا، در موارد متعددی هم جناب باب و

هم جناب بهاءالله به اموری غیر از کتاب برای اثبات ادعای خود چنگ زده‌اند! حال آن که از دیدگاه ایشان، پیامبری فرستادگان خدا به چیزی غیر از کتاب قابل اثبات نبود! و این یعنی تناقض! یعنی شکستن ادعای انحصار معجزه در کتاب! یعنی دروغ! و فرد دروغگو نمی‌تواند پیامبر باشد!

تا بدین جا یک نمونه از ادعاهای غیر کتابی جناب باب ارائه گردید و ثابت شد که ایشان ادعای حصر معجزه در کتاب را شکسته‌اند. یعنی خود جناب باب برخلاف ادعای خود مبنی بر منحصر بودن دلیل پیامبری به کتاب، در موارد متعددی به اموری غیر از کتاب استناد کرده که بتواند پیامبری خود را ثابت نماید! در حالی که بر اساس دیدگاه خودش، حق نداشته به چیزی غیر از کتاب برای اثبات خودش استناد کند.

در مورد جناب بهاءالله نیز به کتاب ایقان مراجعه گردید ولی قبل از ارائه‌ی موارد نقض معیار انحصار معجزه در کتاب، یک نمونه از تناقضات ایقان بیان گردید و مشخص شد که حداقل چهار تاریخ برای نگارش دو روزه‌ی کتاب ایقان ذکر شده و سیزده سال بین این تاریخ‌ها اختلاف وجود دارد! همین تناقضات از جمله‌ی دلایل غیرالهی بودن این کتاب و معجزه نبودن آن به شمار می‌رود. زیرا همان گونه که دوستان عزیز بهائی به خوبی اطلاع دارند، باور بهائی کتاب ایقان را اعظم دلیل بر پیامبری جناب بهاءالله می‌داند! وقتی غیرالهی بودن و باطل بودن این کتاب به اثبات رسید، به خودی خود باطل بودن ادعای پیامبری جناب بهاءالله نیز ثابت شده است.

در این مقاله نیز به لطف خداوند متعال به چند نمونه دیگر از تناقضات بزرگ‌ترین معجزه‌ی جناب بهاءالله پرداخته می‌شود تا عزیزان بهائی با اطمینان خاطر بیشتر و ثبات قدم بهتری بتوانند تحری حقیقت نمایند. سپس در مقالات بعدی به صورت خاص چند نمونه از موارد شکستن ادعای حصر معجزه در کتاب توسط جناب بهاءالله ارائه می‌گردد!

پیش از ارائه‌ی برخی دیگر از تناقضات کتاب ایقان، تذکر به این نکته خالی از لطف نخواهد بود که از دیدگاه جناب بهاءالله، در قرآن هیچ تناقضی وجود ندارد و قرآن، کتابی آسمانی است: "قدری انصاف ده و بینک و بین الله حکم کن شکّی نبوده که قرآن من عند الله نازل شده و شکّی هم نیست که کلمات الهیّه مقدّس بوده از آنچه توهّم نموده‌اند چنآنچه بعد معلوم و واضح شد که آن اعتراضات از غِلّ و بغضا بوده چنآنچه بعضی علما جواب بعضی از اعتراضات را بقواعد داده‌اند و لکن علمه عندنا فاسئل لتعرف النّقطه الّتی منها فصّل علم ما کان و ما یکون شاید متنبّه شوی و بر احبّای الهی اعتراض ننمائی." (صفحه‌ی ۲۰۸ کتاب اقتدارات)

قدری انصاف ده و بینک و بین الله حکم کن شکی
نبوده که قرآن من عند الله نازل شده و شکی هم نیست
که کلمات الهیه مقدس بوده از آنچه توهم نموده اند
چنانچه بعد معلوم و واضح شد که آن اعتراضات
از غل و بغضا بوده چنانچه بعضی علما جواب بعضی از اعتراضات را
بقواعد داده اند و لکن علمه عندنا فاسئل لتعرف
النقطة التی منها فصل علم ما کان و ما یکون شاید
متنبه شوی و بر احبّای الهی اعتراض ننمائی جمیع

صفحه‌ی ۲۰۸ اقتدارات:

دروغ و بی‌اعتبار بودن توهین‌های و تهمت‌های مبلغین باور بهائی در مورد وجود تناقض در قرآن از زبان جناب بهاءالله

یادآوری این مطلب از آن جهت بود که متاسفانه باور بهائی در برخی موارد با خداناباوران همراه می‌گردد و وقتی در تناقضات موجود در آثار بهائی قرار می‌گیرد، به عوض پذیرش حق، راه لجاجت در پیش می‌گیرد و در توجیه تناقضات موجود در کتاب ایقان، ادعا می‌کند که در قرآن نیز تناقض وجود دارد! حال آن که جناب بهاءالله به روشنی تمام تصریح می‌نماید وجود تناقض در قرآن چیزی بیش از توهم نیست و علما بر اساس قواعد پاسخ این اشکالات را داده‌اند!

از جمله‌ی مهم‌ترین تناقضات محتوایی و البته بسیار اساسی و بنیادین کتاب ایقان، می‌توان به موضوع اثبات وجود امام دوازدهم شیعیان، حضرت محمد بن الحسن العسکری (علیهما السلام) اشاره نمود! کتاب ایقان که اساساً با هدف انکار وجود محمد بن الحسن العسکری (علیهما السلام) نگارش یافته، در مواضع متعددی بر خلاف هدف خود و ناخواسته، وجود ایشان را ثابت کرده است!

اگر عزیزان بهائی به مستندات قبل تر مراجعه نمایند، به چشم خود خواهند دید که جناب بهاءالله در مواضع متعددی ناخواسته وجود امام دوازدهم شیعیان یعنی حضرت محمد بن الحسن العسکری (علیهما السلام) را ثابت کرده است! این در حالی است که بر اساس سایر مستندات ارائه شده ، جناب بهاءالله به طور کلی منکر وجود ایشان شده و با توهین به محضر امام زمان (علیه السلام)، وظیفه‌ی تمامی بهائیان را از بین بردن یاد و نام ایشان برمی‌شمارد! و علت اصلی حساسیت شیعه نسبت به باور بهائی نیز همین رویکرد مهدویت‌ستیزی جناب بهاءالله است! یعنی بر اساس منشور جناب بهاءالله، تمامی بهائیان موظف به دشمنی و از بین بردن باور اصیل مهدویت هستند و همین اعلان جنگ علنی جناب بهاءالله است که شیعیان را مجبور به دفاع از باورهای آسمانی و الهی خود می‌نماید.

اما نکته‌ی جالب‌تر این که دیدگاه جناب بهاءالله در بحث مهدی‌ستیزی دقیقاً در تقابل و تضاد با دیدگاه جناب باب قرار دارد! همان گونه که در مباحث مربوط به علت عدم انتشار معجزات جناب باب از سوی باور بهائی اشاره گردید، همین دیدگاه متضاد جناب بهاءالله در قبال امام دوازدهم شیعیان، نسبت به دیدگاه جناب باب باعث گردیده است که باور بهائی جرات نکند حتی بزرگ‌ترین دلیل بر ادعای پیامبری جناب باب را منتشر نماید! اگر دوستان عزیز بهائی به بخش‌های انتهایی بخش پاسخ۷ مراجعه نمایند، انگشت حیرت بر دهان خواهند گزید وقتی ببینند که جناب بهاءالله قطعا از دیدگاه جناب باب کافر به حساب می‌آید و لذا ایشان به هیچ وجه نمی‌تواند موعود بیان باشد! از نظر جناب باب، افرادی که به چهار نایب خاص حضرت جسارت کنند، کافر شمرده می‌شوند! اما جناب بهاءالله در کمال تاسف و تعجب، نواب خاص حضرت را مورد اهانت قرار داده و ایشان را "مطالع کذب" معرفی می‌کند! علاقه‌مندان به تحری حقیقت می‌توانند به مباحث انتهایی بخش پاسخ۷ مراجعه نمایند.

از جمله‌ی دیگر تناقضات موجود در کتاب ایقان، می‌توان به تحریف آیات قرآن کریم، نقل نادرست آیات الهی و حدود ۵۰۰ مورد اشتباه و غلط ادبی موجود در نسخه‌های اولیه کتاب ایقان اشاره نمود. باور بهائی مدعیست که نسخه‌ی اصلی کتاب ایقان که شخص جناب عبدالبهاء آن را به دست خود نوشته و جناب بهاءالله نیز بر آن حواشی نگاشته و تصحیحاتی انجام داده، هم اکنون "در دارالاثار بین المللی بهائی بر فراز کوه کرمل در حیفا" قرار دارد

(نفحات ظهور حضرت بهاءالله، صفحه‌ی ۱۸۰) این ادعا بدان معناست که نسخه‌ی اصلی کتاب ایقان به تایید جناب بهاءالله رسیده است و باور بهائی نیز بایستی همان نسخه را به عنوان بزرگترین دلیل بر ادعای پیامبری جناب بهاءالله ارائه نماید!

نسخهٔ اصلی کتاب ایقان سالهای مدید در خانوادهٔ جناب حاجی میرزا سیّد محمّد باقی مانده بود تا اینکه در سال ۱۹۴۸ نتیجهٔ دختری ایشان فاطمه خانم افنان آن را بحضور حضرت ولیّ امرالله تقدیم نمود این نسخه چند

*حضرت بها.الله ** حضرت باب

سال بعد بدست مبارک رسید و در دارالاثار بین‌المللی بهائی بر فراز کوه کرمل در حیفا قرار گرفت. ٭

صفحات ۱۷۹ و ۱۸۰ کتاب نفحات ظهور حضرت بهاءالله:

چرا باور بهائی جرات انتشار نسخه‌ی اصلی کتاب ایقان را ندارد!؟

آن قدر آفتاب حقیقت بی‌پرده عیان گردیده، که باور بهائی برای کتمان آن حتی جرات انتشار اعظم دلیل بر ادعای پیامبری جناب بهاءالله را نیز ندارد!!! مگر غیر از این است که باور بهائی ادعا می‌کند که جناب بهاءالله

فرستاده‌ی خداوند متعال برای هدایت بشریت است!؟ مگر باور بهائی ادعا نمی‌کند که اعظم دلیل بر پیامبری جناب بهاءالله، همین کتاب مستطاب ایقان است!؟ پس چرا جرات نمی‌کند نسخه‌ی اصلی کتاب ایقان را منتشر نماید!؟

نسخه‌ی اصلی آن پیش کش! چرا جرات نمی‌کند نسخ خطی زین المقربین یا چاپ اول سنگی کتاب ایقان را در اختیار متحریان حقیقت و دوستان عزیز بهائی قرار دهد!؟ یکی از علت‌هایی که باور بهائی جرات نمی‌کند نسخه‌ی اصلی کتاب ایقان و حتی چاپ اول آن را به صورت رسمی در اختیار قرار دهد، وجود آیات تحریف شده و نقل نادرست آیات قرآن توسط جناب بهاءالله و حدود ۵۰۰ غلط ادبی است! جناب بهاءالله در کتاب ایقان به آیاتی استناد می‌جوید که وجود خارجی ندارد و نمی‌توان آن آیات را در قرآن سراغ گرفت! با انتشار چاپ اول کتاب ایقان و مشخص شدن اشتباهات جناب بهاءالله در تحریف و نقل نادرست آیات قرآن کریم، باور بهائی مجبور شد که اصل کتاب ایقان و چاپ اول آن را مخفی نگه داشته و در چاپ‌های بعدی به بزرگ‌ترین دلیل پیامبری جناب بهاءالله دست درازی نموده و آن را اصلاح و تصحیح نماید!!! این بدان معناست که در واقع باور بهائی کتاب ایقان را در حدود ۵۰۰ مورد تحریف نموده است!

البته تمامی تغییرات و یا به عبارت دقیق‌تر، تحریفاتی که باور بهائی در بزرگ‌ترین دلیل بر پیامبری جناب بهاءالله یعنی کتاب ایقان به وجود آورده، در یک مرحله به انجام نرسیده است. کتاب ایقان اولین مرتبه توسط غصن اکبر در سال ۱۳۰۸ هجری قمری به صورت چاپ سنگی منتشر گردید.

انتشار اولین نسخه چاپ سنگی (۱۳۰۸ هجری قمری بمبئی) که جناب بهاءالله در برابر صبح ازل خود را "عبد" خوانده بود و او را به عنوان "مصدر امر" معرفی کرده بود، باعث گردید که ازلیان بتوانند به این عبارات استناد بجویند و ادعاهای جناب بهاءالله را باطل ساخته و بهائیان را محکوم نمایند. همین مطلب به بلای جان باور بهائی تبدیل گردید به گونه‌ای که حتی ادوار براون نیز در مقدمه‌ی کتاب "نقطه الکاف" به همین موضوع استناد می‌نماید. بنابراین باور بهائی مجبور شد که اولین مرحله‌ی تحریفِ بزرگ‌ترین دلیل بر ادعای پیامبری پیامبر خود را آغاز نماید. لذا باور بهائی با حذف جملات و عباراتی که جناب بهاءالله خود را عبد و بنده‌ی صبح ازل معرفی کرده، اقدام به چاپ دومین نسخه‌ی سنگی در سال ۱۳۱۰ هجری قمری به خط "مشکین قلم" می‌نماید تا یاد و خاطره‌ی نسخه‌ی ۱۳۰۸ هجری قمری را از یاد عزیزان بهائی برباید! به همین خاطر است که فاضل مازندرانی نیز در کتاب "اسرار الآثار" در ذیل کلمه‌ی ایقان، اولین چاپ سنگی ایقان را نسخه‌ای قلمداد می‌کند که در سال ۱۳۱۰ هجری قمری به خط مشکین قلم در بمبئی به چاپ رسیده و به نوعی وجود نسخه‌ی سنگی ۱۳۰۸ هجری قمری را انکار می‌نماید.

اگر چه در نسخه‌ی چاپ سنگی ۱۳۱۰ هجری قمری، جملات مبین اظهار بندگی جناب بهاءالله نسبت به صبح ازل حذف و اصلاح گردیده، لکن آیات و روایات اشتباه و غلطهای ادبی فراوان آن همچنان بر جای مانده بود. وقتی این نسخه‌ی کتاب ایقان به دست محققین رسید، موجی از انتقادات علیه باور بهائی به راه افتاد. باور بهائی برای پایان دادن به این انتقادات، چاره‌ای نداشت جز آن که برای دومین مرتبه وارد عمل شده و بزرگ‌ترین معجزه‌ی جناب بهاءالله را خانه‌تکانی اساسی نماید! لذا در سال ۱۳۱۸ هجری قمری نسخه‌ی چاپ سربی از کتاب ایقان را

منتشر می‌نماید که در حدود ۵۰۰ مورد نسبت به نسخه‌های قبلی اصلاح شده بود!!! اگر دوستان عزیز بهائی بتوانند نسخه‌های ۱۳۱۰ هجری قمری و قبل از آن را با نسخه‌های موجود مقابله نمایند، حدود ۵۰۰ مورد تحریف در بزرگ‌ترین معجزه‌ی ادعای پیامبری جناب بهاءالله خواهند یافت!

بر اساس تحقیقی که سید محمد باقر نجفی انجام داده (صفحه‌ی ۴۴۷ کتاب بهائیان)، نسخه‌ای از ایقان به خط کاتب وحی جناب بهاءالله یعنی "زین المقربین" در یکی از معتبرترین کتابخانه‌های جهان یعنی کتابخانه‌ی "دار الکتب و الوثائق القومیه" مصر به شماره‌ی "۵۰۶۱س" موجود است که تاریخ استنساخ آن بر اساس آخرین سطور کتاب به سال ۱۲۹۵ هجری قمری باز می‌گردد! یعنی چهارده سال قبل از مردن جناب بهاءالله! ظاهرا این کتاب در آن زمان به دست یکی از شخصیت‌های فرهنگی سیاسی مصر افتاده و بعدها به همراه کتب دیگری تحویل کتابخانه‌ی دار الکتب مصر گردیده است. این نسخه‌ی خطی با چاپ سنگی ۱۳۰۸ هجری قمری کاملا مطابقت داشته که نشان می‌دهد اولین چاپ سنگی در سال ۱۳۰۸ هجری قمری بر اساس ایقانی به چاپ رسیده که "زین المقربین" از آن نسخ متعددی را استنساخ کرده است ولی در عین حال با چاپ حروفی ایقان (چاپ‌های بعد از سال ۱۳۱۸ هجری قمری) اختلاف بسیار فاحشی دارد.

نجفی در صفحات ۴۴۳ کتاب بهائیان به این موضوع پرداخته و از باب نمونه ۱۰ مورد از آیات قرآن که توسط جناب بهاءالله به اشتباه مورد استناد قرار گرفته را ارائه می‌نماید. وی همچنین عنوان می‌کند که در کتابخانه مجلس شورای ملی نیز نسخه‌ی دیگری از ایقان به خط زین المقربین وجود دارد که دقیقاً به نسخه‌ی موجود در دار الکتب مصر و نسخه‌ی چاپ سنگی ۱۳۰۸ هجری قمری منطبق است.

از آن جا که ارائه‌ی همگی حدود ۵۰۰ تحریفی که توسط باور بهائی در کتاب ایقان به وجود آمده خارج از حوصله‌ی نوشتار حاضر بوده و کتاب مستقلی را می‌طلبد، در اینجا تنها به ۱۰ نمونه از آیات قرآن کریم اکتفا می‌گردد که جناب بهاءالله به صورت اشتباه در ایقان آورده و در نسخ خطی و حتی چاپ سنگی ۱۳۰۸ هجری قمری نیز موجود می‌باشد. به عنوان مثال در صفحه‌ی ۴۴۶ کتاب بهائیان، یک نمونه از موارد استناد و نقل نادرست آیات قرآن کریم نسخه‌ی سنگی سال ۱۳۱۰ هجری قمری را ارائه می‌نماید که البته در نسخه‌های بعد از سال ۱۳۱۸ هجری قمری اصلاح گردیده است.

مبلغین باور بهائی در همان زمان برای فرار از پذیرش حق ادعا کرده‌اند که این اشتباه مربوط به کاتب چاپ سنگی است و در نسخه‌های خطی این مشکل وجود ندارد. محمدباقر نجفی در ادامه تصاویری از نسخ خطی کتاب ایقان را ارائه می‌نماید که نشان می‌دهد این ادعای مبلغین باور بهائی نیز دروغی بیش نبوده و در نسخه‌های خطی نیز آیات قرآن کریم به صورت نادرست نقل شده است.

آیات تحریفی جناب بهاءالله	آیه درست قرآن کریم
یوم یأتی الله فی ظلل من الغمام	هَلْ يَنْظُرُونَ إِلاّ أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللهُ فِی ظُلَل مِنَ الْغَمامِ
ولکن البر ان تؤمنوا بالله و الیوم الاخر	وَ لكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الاْخِرِ
و ان کبر علیک اعراضهم فان استطعت فابتغی فی الأرض	وَ إِنْ كانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْراضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِیَ نَفَقاً فِی ٱلْأَرْضِ
کحمر مستفرة من القسورة	كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ
والأبرار یشربون عن کأس	إِنَّ ٱلْأَبْرارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْس
اولئک یسئوا من رحمة الله	اولئک یئسوا من رحمتی
لیتنی متّ قبل موقفی هذا ام کنت	لیتنی مت قبل هذا و کنت
و اذا لقوا الذین آمنو قالوا آمنا... علیم بما فی الصدور	اذالقوکم قالواآمنا.. علیم بذات الصدور
و نفخ فی الصور ذلک رجع بعید	و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعید
ولکنه رسول‌الله	و لکن رسول‌الله

این شواهد از یک طرف باطل بودن ادعای علم لدنی و علم الهی جناب بهاءالله را ثابت می‌نماید و از طرف دیگر دست تحریف‌گر باور بهائی را آشکار می‌سازد که چگونه به تحریف بزرگ‌ترین دلیل و معجزه‌ی جناب بهاءالله دست‌درازی نموده و حقیقت را از دوستان عزیز بهائی مخفی نگه داشته است.

به راستی آیا ذره‌ای تردید در بطلان باور بهائی باقی می‌ماند!؟

منبع: https://www.hassanershad.com/2963

معرفی آثار مهدوی از مکتوبات کهن تا مجموعه های مهم در عصر حاضر

جلسه اول :

آشنائی با میراث مکتوب شیعه در حوزه مهدویت اربعین میر لوحی

چلسه اول
کِفایةُ المُهتدی فی معرفهِ المهدی یا اربعین میرلوحی کتابی به زبان فارسی درباره امام زمان حضرت مهدی (عج)، اثر سید محمد موسوی سبزواری مشهور به میرلوحی عالم دینی شیعی سده یازدهم قمری. میرلوحی در این کتاب که مجموعه‌ای چهل حدیثی است، از کتب معتبر شیعه بهره برده است. مهم ترین منبع او، کتاب اثبات الرجعه از فضل بن شاذان نیشابوری (م. ۲۶۰ق.) است.

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/Mahdaviyat_a/2

لینک فیلم در یوتیوپ

https://www.youtube.com/watch?v=snVM8lgJ6gs

لینک صدا در تلگرام

https://telegram.me/naghdbahaiat/4810

فیلم :

-———

جلسه دوم :

آشنائی با میراث مکتوب شیعه در حوزه مهدویت کمال الدین محمد بن بابویه قمی (صدوق)

جلسه ۳

آشنائی با میراث مکتوب شیعه در حوزه مهدویت الفصول العشره شیخ مفید – از حسن ارشاد

فیلم

جلسه چهارم

آشنائی با میراث مکتوب شیعه در حوزه مهدویت

جلسه چهارم :

المقنع فی الغیبه : سید مرتضی

حسن ارشاد

فیلم :

https://t.me/mirase_mahdavi/101

صدا :

https://t.me/mirase_mahdavi/102

فیلم :

جلسه ۵ :

پنجم
آشنائی با میراث مکتوب شیعه در حوزه مهدویت
کتاب مقتضب الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر
ذکر اخبار معمرین

فهرست موضوعی جالب معجزات و شاهدین حضرت مهدی ع در زمان تولد – زمان طفولیت غیبت صغری و کبری بر اساس موضوعات حاصل معجزات و تشرفات – مکان های تشرف – نژاد شاهدین – ملیت – حرفه مشاهدین وو

https://t.me/naghdbahaiat/6392

فیلم :

جلسه ششم
آشنائی با میراث مکتوب شیعه در حوزه مهدویت
کتاب بحار الانوار جلد سیزده چاپ سنگی مجلدات ۵۱ ۵۲ و ۵۳ (مهدویت)

حسن ارشاد

https://t.me/naghdbahaiat/5858

https://www.hassanershad.com/wp-content/uploads/2023/09/06-آشنائی-با-میراث-مکتوب-مهدویت-بحار-الانوار-جلسه-اول-.mp3

حلسه هفتم

آشنائی با میراث مکتوب شیعه در حوزه مهدویت جلسه هفتم

کتاب بحار الانوار جلد سیزده چاپ سنگی مجلدات ۵۱ ۵۲ و ۵۳ (مهدویت)

توضیح پیرامون ادعای محققانه نقد کردن واقعه میلاد امام زمان ع توسط پرفسور انصاری

توضیح فهرستهای بحار الانوار (سفینه البحار _ مستدرک سفینه البحار وو)

توضیح موضوعات مهدویت بحار الانوار

میلاد

آیات مهدویت

نص تک تک اهل بیت بر حجت بن الحسن ع

حسن ارشاد

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/Mahdaviyat_a/8

لینک صدا در تلگرام :

https://t.me/naghdbahaiat/6074

فیلم :

جلسه هشتم :

آشنائی با میراث مکتوب – مهدویت بحار الانوار جلسه سوم

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/Mahdaviyat_a/9

لینک صدا در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/6103

فیلم

جلسه نهم

آشنائی با میراث مکتوب – مهدویت بحار الانوار جلسه چهارم

توضیح حدیث امام صادق ع پیرامون سنن انبیاء گذشته اعم از غیبت طول عمر و تولد پنهانی

و ارادت و خاکساری امام صادق ع نسبت به فرزندش حجت بن الحسن ع

لینک فیلم در تلگرام :

https://t.me/Mahdaviyat_a/10

لینک صدا در تلگرام :

https://t.me/naghdbahaiat/6325

فیلم

جلسه ۱۰

ذکر اخبار معمرین

فهرست موضوعی جالب معجزات و شاهدین حضرت مهدی ع در زمان تولد – زمان طفولیت غیبت صغری و کبری بر اساس موضوعات حاصل معجزات و تشرفات – مکان های تشرف – نژاد شاهدین – ملیت – حرفه مشاهدین وو

https://t.me/naghdbahaiat/6392

https://www.hassanershad.com/wp-content/uploads/2023/09/10-آشنائی-با-میراث-مکتوب-مهدویت-بحار-الانوار-جلسه-پنجم.mp3

جلسه ۱۱

📖موضوع: #آشنایی_بامیراث_مکتوب شیعه_درحوزه_مهدویت

کتاب احقاق الحق جلد۱۳

قاضی نورالله شوشتری

📖موضوع: #آشنایی_بامیراث_مکتوب شیعه_درحوزه_مهدویت

کتاب احقاق الحق

فیلم

جلسه ۱۲

آشنائی با #میراث_مکتوب_شیعه در حوزه مهدویت

اثبات الهداه ج ۶ و ۷ : #شیخ_حر_جبل_عاملی (صاحب وسائل الشیعه)

روایت مستند #مقدس_اردبیلی و تشرف خدمت علی ع و راهنمایی مولا به امام حی حضرت مهدی ع

روایت مستند از #مشارق_الانوار #حافظ_رجب_برسی راوی حدیث #مکلم_طور در میلاد حضرت صاحب الزمان ع

تشرف شیخ حر جبل عاملی خدمت حضرت در ده سالگی و شفا یافتن ایشان

ملاقات شیخ حر با شاه #سلطان_حسین_صفوی

تاثیر #علامه_مجلسی ره بر رشد علمایی مانند شیخ حر جبل عاملی

فیلم

جلسه ۱۳

آشنائی با #میراث_مکتوب_شیعه در حوزه مهدویت

عوالم العلوم والمعارف والأقوال، من الأيات والأخبار والأقوال، فی أحوال الإمام الحجه بن الحسن المهدی ع

#الشیخ_عبدالله_البحرانی

فیلم

جلسه ۱۴

آشنائی با #میراث_مکتوب_شیعه در حوزه مهدویت

بررسی کتاب شریف : #المحجه_فیما_نزل_فی_القائم_الحجه_عج

و مختصری توضیح پیرامون مهدویت در قرآن

نویسنده : #سید_هاشم_بحرانی

لینک فیلم :

https://t.me/Mahdaviyat_a/127

فیلم

جلسه ۱۵

آشنائی با #میراث_مکتوب_شیعه در حوزه مهدویت

نام کتاب : #نجم_الثاقب

نام نویسنده : #محدث_نوری

https://t.me/Mahdaviyat_a/125

فیلم :

جلسه ۱۶

آشنائی با #میراث_مکتوب_شیعه در حوزه مهدویت

بررسی کتاب شریف : #العبقری_الحسان

نویسنده : #آیت_الله_العظمی_حاج_شیخ_علی_اکبر_نهاوندی

لینک فیلم :

https://t.me/Mahdaviyat_a/129

فیلم

جلسه ۱۷

آشنائی با #میراث_مکتوب_شیعه در حوزه مهدویت

بررسی کتاب شریف :

#مکیال_المکارم_فی_فوائد_الدعاء_للقائم

نویسنده : آیت الله سید محمدتقی موسوی اصفهانی

مختصری توضیح پیرامون نقش دعا در ایجاد بداء در علائم ظهور مخصوصا محتومات

https://t.me/Mahdaviyat_a/132

فیلم

جلسه ۱۸

آشنائی با میراث مکتوب شیعه در حوزه مهدویت

بررسی کتاب : عقیده أهل السنه والأثر فی المهدی المنتظر

نویسنده : عبد المحسن بن حمد بن عبد المحسن بن عبد الله بن مد العباد البدر

مترجم مرحوم تازه گذشته آیت الله سید هادی خسرو شاهی

لینک فیلم در تلگرام :
https://t.me/Mahdaviyat_a/133

لینک صدا در تلگرام

https://t.me/Mahdaviyat_a/135

فیلم

جلسه ۱۹

آشنائی با میراث مکتوب شیعه در حوزه مهدویت

بررسی کتاب : کفایه الاثر فی النص علی الائمه اثنی عشر

نویسنده : شیخ السعید علي بن محمد بن علي الخزاز القمي از علمای قرن ۴

لینک فیلم در تلگرام :

https://t.me/Mahdaviyat_a/146

لینک صدا در تلگرام

https://t.me/Mahdaviyat_a/147

فیلم

جلسه ۲۰

آشنائی با میراث مکتوب شیعه در حوزه مهدویت

بررسی کتاب : منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام

نویسنده : آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

حسن ارشاد

لینک فیلم :

https://t.me/Mahdaviyat_a/158

لینک صدا :

https://t.me/Mahdaviyat_a/161

فیلم

جلسه ۲۱

بررسی کتاب : تبصره الولی فی من رای القائم المهدی علیه السلام

نویسنده : سید هاشم بحرانی

لینک فیلم تلگرام :

https://t.me/Mahdaviyat_a/167

لینک فیلم اصل لایو قسمت اول :

https://t.me/Mahdaviyat_a/163

لینک فیلم اصل لایو قسمت دوم :

https://t.me/Mahdaviyat_a/164

لینک فیلم توتیوپ :

https://www.youtube.com/watch?v=vhu-iZonp14

لینک صدا :

https://t.me/Mahdaviyat_a/165

فیلم :

۲۲

آشنائی با میراث مکتوب شیعه در حوزه مهدویت
بررسی کتاب : کلمه الامام مهدی علیه السلام
نویسنده : آیه الله الشهید السید حسن الحسینی الشیرازی

حسن ارشاد

لینک فیلم در تلگرام :

https://t.me/mirase_mahdavi/60

لینک فیلم در یوتیوپ :

https://www.youtube.com/watch?v=upe9N2_4180

لینک صدا در تلگرام :

https://t.me/mirase_mahdavi/59

Telegram (https://t.me/mirase_mahdavi/60)

فیلم

جلسه ۲۳

بررسی کتاب : صحیفه المهدی عج

نویسنده : شیخ عیسی الاهری

حسن ارشاد

لینک فیلم در تلگرام :

https://t.me/Mahdaviyat_a/310

لینک فیلم در تلگرام اصل لایو :

https://t.me/Mahdaviyat_a/311

لینک فیلم در یوتیوپ :

https://www.youtube.com/watch?v=S45x2Py8_4A

لینک صدا در تلگرام :

https://t.me/Mahdaviyat_a/308

فیلم

جلسه ۲۴

آشنائی با میراث مکتوب شیعه در حوزه مهدویت

الزام الناصب

فیلم :

جلسه ۲۵

بررسی کتاب : دانشمندان عامه و مهدی ع موعود

نویسنده : مرحوم استاد علی دوانی

لینک فیلم در تلگرام :

https://t.me/mirase_mahdavi/73

لینک فیلم لایو اینستاگرام :

https://t.me/naghdbahaiat/22069

لینک فیلم در یوتیوپ :

لینک صدا در تلگرام :

https://t.me/mirase_mahdavi/70

فیلم :

۲۶

تاریخ قم با حبیب پور

۲۷

آشنائی با میراث مکتوب شیعه در حوزه مهدویت ۲۷ کتاب المعجم احادیث الامام مهدی عج – علی کورانی

جلسه ۲۸

آشنائی با میراث مکتوب شیعه در حوزه مهدویت

بررسی کتاب : الامام مهدی عند اهل السنه

نویسنده : مرحوم استاد مهدی فقیه ایمانی

جلسه ۲۹

بررسی کتاب : الفصول المهمه فی معرفه الائمه

نویسنده : ابن صباغ مالکی اهل غزه (فلسطین) متوفای سال ۸۵۵ ق

فیلم

جلسه ۳۰ آشنائی با میراث مکتوب مسلمین در حوزه مهدویت البیان فی اخبار صاحب الزمان کتاب گنجی شافعی از علمای قرن هفتم اهل عامه در لایو برخی شبهات وهابیت و بهاییت پاسخ داده شد با حضور استاد حسن ارشاد و استاد مسعود سلطانی آشنائی با میراث مکتوب مسلمین در حوزه مهدویت

فیلم

۳۱

جلسه ۳۱

معرفی میراث مکتوب مهدویت

کتاب :

الملاحم و الفتن سید بن طاووس

نویسنده :

سید بن طاووس رضوان الله علیه

فیلم

۳۱

سه رساله علامه مجلسی پیرامون امام مهدی ع

۳۳

جلسه سی و سوم

آشنائی با میراث مکتوب شیعه در حوزه مهدویت

کتاب شریف جنت الماوی

عالم جلیل القدر محدث نوری

فیلم

/div id=”86250309820″><script type=”text/JavaScript” src=”https://www.aparat.com>
<embed/GZiMT?data[rnddiv]=86250309820&data[responsive]=yes”></script></div

جلسه ۳۴
آشنائی با میراث مکتوب شیعه در حوزه مهدویت
پژوهشی پیرامون نواب خاص امام زمان ع علی غفارزاده

لینک فیلم در تلگرام
https://t.me/mardomtve/2438

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/qVb2S

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/2439

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/CWAUGyjDUda

فیلم

۳۵

جلسه ۳۵ بررسی کتب مهدوی کتاب شبهات و ردود نوشته سامی البدری نقد نظریات احمد کاتب

۳۶

جلسه ۳۶ آشنایی با میراث مکتوب شیعه نقد اثر احمد کاتب شبهات و ردود ۲

جلسه ۳۷

۵۷۹ بررسی میراث مکتوب مهدوی کتاب اعیان الشیعه قسمت مهدویت – سید محسن امین

۳۸

۵۷۴ بررسی میراث مکتوب شیعه در حوزه مهدویت کتاب عصر ظهور علی کورانی

معرفی افسران اطلاعاتی بیت العدل در ایران (دکتر و سرهنگ ریاض قدیمی)

شوقی افندی فلسطینی ربانی بیش از سی نفر ایادی اطلاعاتی و هم زمان مامور به اقدامات عملی مخصوصا در راستای اجرای سه نقشه خود که سومین آن با صراحت برای ایران هم طراحی شده بود ایجاد کرد که عوامل برانداز و در راستای این اقدامات ضد امنیتی اعمال اطلاعاتی این جوزه را ایادیان امر می گفت زمان شوقی برای این ایادیان امر سازمان ضد امنیت ملی موسوم به هیئت مشاورین بنیاد نهاده تا در جهت رسیدن به اهداف نقشه مخصوصا ده ساله شوقی و پس از آن نقشه های بیت العدل این معاونین کمک کار روسای سازمان امنیتی خود یعنی ایادیان امر باشند

فیلم مربوط به این برنامه :

فیلم جلسه

یکی از اعضای ایادیان امر شوقی علی اکبر فروتن بود که مفصل در مقاله ای مجزا به آن پرداخته خواهد شد اما یکی معاونین وی که بسیار فعال در حوزه جاسوس پروری و برانداز تربیت کن موسوم به سرهنگ جلاد ساواک دکتر ریاض قدیمی بود

ابتدا اسناد عضویت وی در سازمان ضد امنیتی هیئت معاونت تقدیم می گردد



❖ معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : دکتر ریاض قدیمی

وی تحت فرمان ایادی امر شوقی ربانی و سر شبکه جاسوس مرتبط با وی علی اکبر فروتن مشغول به هم جاسوس پروری بود و هم خود با عنوان سرهنگی در ساواک در کنار پرویز ثابتی پزشک بود و افرادی را که شکنجه می کردند وی مسئول حراست از آنان بود

شاهدان عینی از خود او نقل می کنند هنگامی که مسلمانی بر اثر شکنجه های ساواک شهادتین را زیر لب زمزمه می کرد وی با تمسخر بجای شهادتیت می گفت بگو مائو مائو ..

پ ن : جاسوس نیابتی اسرائیل در نهاد های امنیتی در کسوت ارتشی و مامور ساواک تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل

سند دوم عکس دکتر ریاض قدیمی در کنار سایر اعضای جاسوس و اطلاعات هیئت معاونت در معیت رئیس سیستم اطلاعات خودشان علی اکبر فروتن ایادی امر الله می باشد



اعضای هیئت معاونت ایران در حضور ایادی امرالله جناب فروتن، سال ۱۳۵۴ شمسی / ۱۹۷۵ میلادی.

لینک :

https://t.me/AlbomeTasavireAmri/2236

علی رغم انکار نظام و طبقه روحانی در تشکیلات بهایی دکتر ریاض قدیمی یکی از مسئولیت محوری تربیت افراد زبده تحت اشراف مستقیم علی اکبر فروتن و ارسال جاسوسان بیت الغدل برای اهداف نقشه های بیت العدل که در راستای براندازی در کلیه کشورها از راه تغییر بافت جمعیتی و سپس رسیدن به قدرت می باشد بود

اسناد یکی از دورهای تحت نظارت وی و لیست افرادی که پس از تربیت و زبده شدن به اقصی نقاط عالم با ذکر کشور مقصد تقدیم می گردد

































متن گزارش یکی از دوره هایی که از برنامه های ریاض قدیمی فارغ التحصیل شدند مکررا بهائیان در کمال وقاحت مدعی هستند ما طبقه روحانی نداریم

هجدهمین دوره

چهارساله

کلاس

مطالعه وسخنوری

۱۲ نصّ از نصوص مبارکه و ۱۲ مناجات از حفظ گردیده است .

۸۳ قطعه کلمات مکنونه فارسی از حفظ شده است .

معانی ۲۲۰۰ لغت عربی مصطلح در آثار امری آموخته و از حفظ گردیده است .

خلاصه تاریخ ادیان تدریس و از حفظ شده است .

۳- « فردوس ارده‌ئی

۴- « جمالیه اسدیاری

۵- آقای سهراب اشراقی

۶- خانم شعله اماموردی

۷- آقای فرهاد ایران‌دوست

۸- آقای منصور ایقانی

۹- خانم خاطره بدیعی

۱۸ - « فرنوش سینائی

۱۹ - « ایرج شکور

۲۰ - « وداد علویان

۲۱ - خانم رؤیا علویان

۲۲ - آقای عبدالله فضلی

۲۳ - خانم رؤیا قسیمجانی

۲۴ - آقای عباسعلی محبوبی

[illegible]

۳۴ - 〃 جهانبخش نورانی

۳۵ - 〃 ابراهیم نوری

۳۶ - خانم ژیتا یزدانی

۳۷ - 〃 ژینوس یزدانی

۳۸ - آقای شهرام یزدانی

کتبی واقع گردیده است .

۱۰۹ نصّ راجع بمواضیع مهمه امری از حفظ شده است .

۷۱ قطعه کلمات مکنونه عربی از حفظ گردیده است

قواعد لسان عربی (صرف و نحو) آموخته شد و مورد تمرین و

امتحانات کتبی و شفاهی قرار گرفته است .

قواعد و آداب سخنوری فرا گرفته شده و درباره مسائل مختلفه امری

۳- » امین‌الله ایمنی

۴- خانم نسرین واعظی (پاکزاد)

۵- » نادره جاوید

۶- آقای نصرالله حمیدی

۷- خانم نورانیه خضوعی

۸- آقای بهزاد سیف‌زاده

۹- خانم نیسنار شادمان

۱۰- » میترا شهدا

۱۳- خانم فرزانه مسروری

۱۴- آقای نورالدین میثاقی

۱۵- خانم اقدس ناصح

۱۶- آقای شهرام نجف تومرائی

...ی واقع گردیده است.

۲۶. آیه از کتاب مستطاب اقدس با اعراب صحیح بدقت آموخته و از حفظ شده است.

اصطلاحات امری بزبان انگلیسی از حفظ شده است.

جغرافیای عالم و کشورهای جهان مورد مطالعه دقیق

...ش امتحان کتبی واقع گردیده است.

۳- « رؤیا رهنمای ربانی

۴- « فریبا سعیدی

۵- « ثریا شادمان

۶- « میترا کیائی

۷- « سیما ماخانی

۸- « میترا نجف توهرائی

۹- « هایده وفائی معتصم

...بی ... گردیده است .

تمام کتاب مستطاب اقدس بدقت آموخته و با حفظ تواتر آیات

از حفظ گردیده است .

بعضی الواح مبارکه از حفظ گردیده است

اصطلاحات امری بزبان انگلیسی از حفظ شده است .

جغرافیای عالم و کشورهای جهان مورد مطالعه دقیق

دانشجویان فارغ التحصیل سال چهارم سنهٔ گذشته

در ادامه تحصیل معارف موفق بطی دوره تکمیلی با برنامهای

خاص بمدت ششماه گردیدند

برابر گزارشهای محلی ایشان بشرح زیر بوده است :

۱- ابلاغ کلمه و محاورات مستمر بتقریب دو هزار و ششصد نفر

۲- اهداء جزوات و کتب امری بمتحریان حقیقت

۳- تشکیل جلسات و احتفالات

۴- هدایت متحریان حقیقت بجلسات نشر نفحات الله و تحری حقیقت

۵- انجام دادن اسفار تشویقی

نام عشاق

جوانی که پس از اتمام دوره کلاسهای یاحین

تحصیل معارف امری در کلاسهای مطالعه و سخنوری

قیام بامر جلیل مهاجرت نموده و اکنون در نقاط بعیده

۳- آقای مهندس فؤاد صدیق — کشور نیجریه

۴- خانم فروغ احسانی و همسر — کشور یوگاندا

۵- خانم شهلا بهروزی — کشور فیلیپین و سپس کنیا

۶- آقای ذکرالله کاظمی عضو هیأت مجلله مشاورین — کشور ساحل عاج

۷- خانم وجیهه اتقائی عضو هیأت معاونت — کشور کامرون

۸- خانم شهناز پرنیان — کشور هندوستان

۹- خانم نسرین دخت برومند و همسر عضو هیأت معاونت — کشور هندوستان

۱۰- خانم سیمین دخت یگانه — بنگلادش

۱۸- خانم رضوان رحیمی	کشور هندوراس
۱۹- خانم ناهید علیزاد	کشور فنلاند
۲۰- خانم پولین رأفت (نویدی) عضو هیئت معاونت	کشور نروژ
۲۱- خانم پرچهر فیلسطزاده «مجذوب» با خانواده	کشور هندوستان «موقتاً مراجعت نموده‌اند»
۲۲- آقای حسن مجید	کشور ترکیه
۲۳- خانم پروانه اتقانی	تربیت (فعلاً مراجعت نموده‌اند»
۲۴- آقای داداش محمداولی	کشور ترکیه
۲۵- آقای مسعود جلالی	کشور برزیل

۳۲- خانم زرین ... توپچیان　　کشور سوئد

۳۳- خانم فطانه نیکردان　با همسر　　کشور بولیوی

۳۴- آقای برهان الدین افشین (عضو هیأت مجله مشاورین)　کشور هندوستان

۳۵- خانم ملیحه جعفری «طهماسبیان»　با همسر　　کشور تایلند

۳۶- خانم منیره جعفری　　کشور ساحل عاج و سپس زئیر

۳۷- آقای داریوش احدی عضو هیأت معاونت　　کشور هندوستان

۳۸- خانم منیره هاشمی با همسر　　کشور پاراگوئه و سپس پاناما

۳۹- آقای کمال رضوانی نژاد　　کشور کره جنوبی

۴۰- آقای ژیان قدیمی　　کشور یوگاندا و سپس شرق آفریقا

۴۸- آقای مهندس ایرج پیرمرادی	کشور کانادا و سپس [illegible]
۴۹- آقای قدرت الله مزیدیان	کشور تانزانیا و سپس ایرلند شمالی
۵۰- آقای وحید رأفتی	شرق ادنی و فعلاً امریکا
۵۱- آقای حسین متقبلپور با همسر عضو هیأت معاونت	کشور هندوستان
۵۲- خانم فرزانه معصومی با همسر	کشور نیکاراگوئه
۵۳- خانم فرحناز اصحی	کشور اسپانیا
۵۴- خانم شکوفه نجف آبادی	جزیره کورسیکا و فعلاً مراجعت نموده اند
۵۵- خانم مهناز خیام باتفاق جناب دکتر خیام و نونهالان عزیز	کشور سوازیلند
۵۶- آقای مهندس [illegible] با خانواده	کشور [illegible]

۶۳- آقای سیروس واحدی	کشور هندوستان
۶۴- خانم سیمین دخت عطائی	کشور نروژ
۶۵- خانم ژیلا ادراکی	کشور فنلاند
۶۶- خانم مهری مبین	کشور فنلاند
۶۷- خانم نورا خسروی	کشور نروژ
۶۸- آقای معین افنانی	کشور هندوستان
۶۹- آقای سروش فنائیان عضو هیأت معاونت	کشور هندوستان
۷۰- آقای مسعود فانی	کشور ساحل عاج وسپس هندوستان

۷۸ - خانم سرور ایقانی	کشور لیبریا فعلاً مراجعت نموده‌اند
۷۹ - خانم رضوانیه گندم پاک کن	کشور کنیا سپس ارض اقدس
۸۰ - آقای نصرالله هاشمی و خانواده	کشور پاناما
۸۱ - آقای نعیم‌الله ناصری با همسر	کشور چاد
۸۲ - خانم فتانه معصومی	کشور نیکاراگوئه
۸۳ - خانم زری سینائی	کشور نیکاراگوئه
۸۴ - خانم روحانیه مطلق	کشور کامرون فعلاً امریکا
۸۵ - خانم منیژه رستگاری	کشور اسپانیا

۹۴- « می بدیعی درخشانی، همسر کشور بنگلادش

۹۵- « ثنا درخشانی « «

۹۶- آقای محمد سبوحی و والده « هندوستان

۹۷- خانم رویا رزاقی « اسپانیا

۹۸- « روزا رزاقی « «

۹۹- آقای عنایت الله دهقان نشادی « بنگلادش

۱۰۰- آقای ناصر روحانی و خانواده « هندوستان

۱۰۱- آقای صرواد نیک آئین (عضو هیأت مجلله معاونت) « فیلی پین

« «

۱۰۸ - آقای سیروس شکیبا	» بنگلادش
۱۰۹ - خانم سیمین شکیبا	» »
۱۱۰ - » زهره عزیزی	هنگ کنگ (فعلاً در طهران)
۱۱۱ - آقای فیروز سعادت طلوعی	کشور فیلیپین (فعلاً مراجعت نموده‌اند)
۱۱۲ - خانم پریوش اردهای ([illegible]) و همسر	» ساحل عاج
۱۱۳ - آقای شاپور سرمرادی	آفریقای مرکزی
۱۱۴ - خانم ژاله واعظی	کشور نیجر و سپس توگو و عازم کامرون
۱۱۵ - آقای کیومرث واعظی	» » » » » » » »

۱۲۳- خانم زهره [illegible] " گواتمالا

۱۲۴- خانم مینو خادم ثابت، و خانواده " ترینیداد فعلاً امریکا

۱۲۵- خانم برازنده مهاجر و خانواده " هندوستان

۱۲۶- آقای سهیل مهاجر " " "

۱۲۷- " بهمن معصومی " ونزوئلا

۱۲۸- " مهرنوش صادقیان " کلمبیا

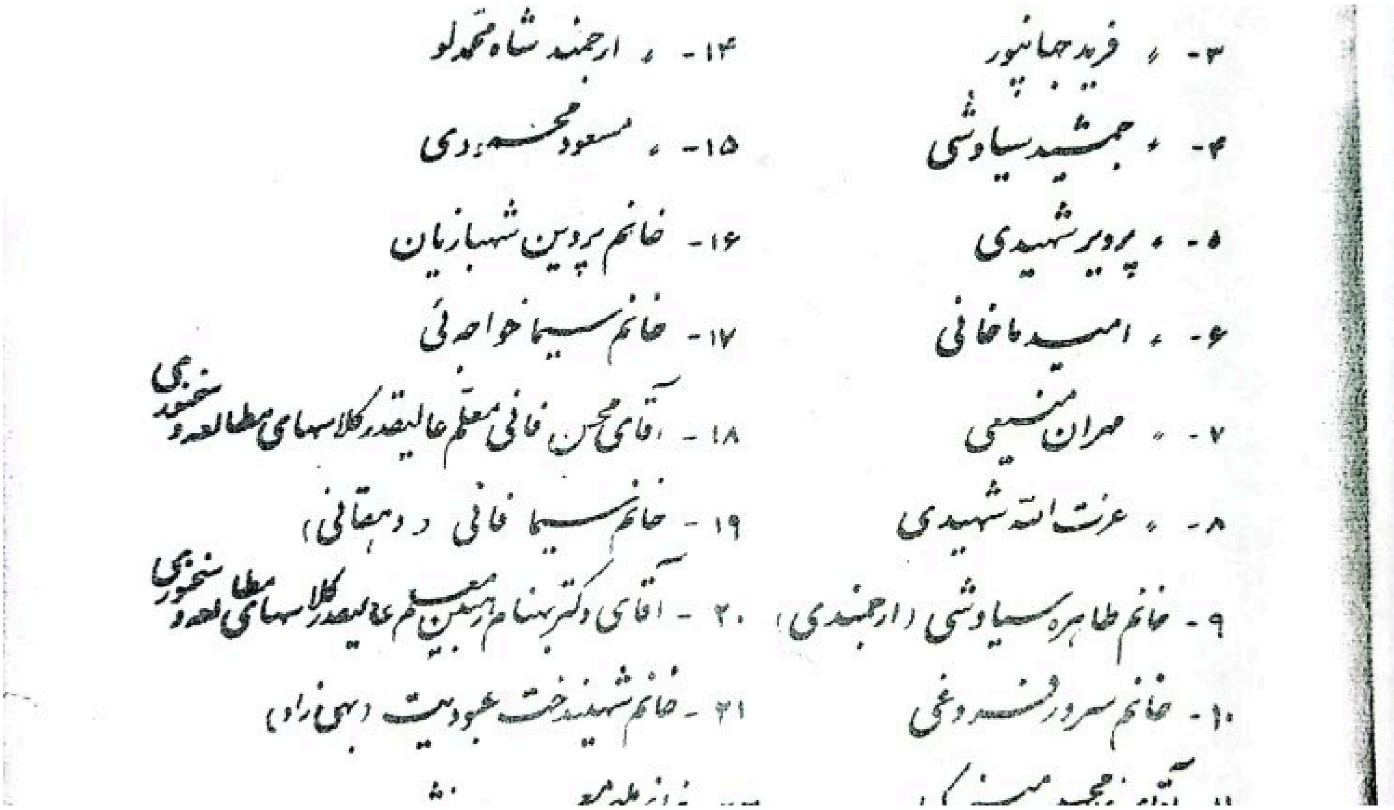
۱۲۹- خانم فلورا اشرافت دلیری " برزیل

۱۳۰- آقای فؤاد اشرافت " "

۱۳۸- خانم گیتا شیدا	« « «
۱۳۹- آقای حسام‌الدین کاتب‌پور شهیدی	کامرون
۱۴۰- آقای پرویز شهیدی	هندوستان و فعلاً بنگلادش
۱۴۱- « جمشید واعظی	هندوستان
۱۴۲- « مهران کیایی	فیلیپین
۱۴۳- « فرشاد اشراق	کره
۱۴۴- خانم مهشید پارسی	ژاپن - کره
۱۴۵- خانم ناهید کاجوری	« «

۱۵۲ - خانم کیهاندخت روحی پور　　افریقای مرکزی

۱۵۳ - آقای فرید جهانپور　　تانزانیا



۳- « فرید جهانپور
۴- « جمشید سیاوشی
۵- « پرویز شهیدی
۶- « امید ماخانی
۷- « مهران منیسی
۸- « عزت‌الله شهیدی
۹- خانم طاهره سیاوشی (ارجمندی)
۱۰- خانم سرور فرسودغی
۱۱- آقای [illegible]
۱۴- « ارجمند شاه‌محمدلو
۱۵- « مسعود محمدی
۱۶- خانم پروین شهبازیان
۱۷- خانم سیما خواجه‌ئی
۱۸- آقای محسن فانی معلم عالیقدر کلاسهای مطالعه و سخنوری
۱۹- خانم سیما فانی (دهقانی)
۲۰- آقای دکتر بهنام [illegible] معلم عالیقدر کلاسهای مطالعه و سخنوری
۲۱- خانم شهیندخت عبودیت (بهی‌زاده)
۲۲- [illegible]

سند نهم :

هیچ یک از افراد اتهامشان بهایی بودن نیست عموما ارتباط با ساواک و جاسوسی : عطاء الله مقربی – ریاض قدیمی شاپور راسخ و همسرش مهری (مهر انگیز راسخ) از نوادگان دو ایادی امر بها الله ابن ابهر معروف به محمد تقی و علی اکبر شهمیرزاده

-https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/hkm-ps-grftn-hqwq-w-mzaya-az-bhayyan akhrajy

حکم پس گرفتن حقوق و مزایا از بهائیان اخراجی

دولتی

[بازپرداخت حقوق دریافتی](#)

[اخراج از شغل دولتی](#)

[محرومیت از حقوق یا مستمری بازنشستگی](#)

[آرم]

جمهوری اسلامی ایران

وزارت کشاورزی و عمران روستائی

۲۲۶۲۵

بسمه تعالی

شماره ۶۳۰ / ۲۲۱۴۹

تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۶۰

پیوست———

آقای بهزاد جانمی نجف‌آبادی

اخراجی وزارت کشاورزی و عمران روستائی

دولت جمهوری اسلامی ایران در مقابل ملت مسلمان و به پا خواسته کشور ایران مسئولیت دارد و نمیتواند از بیت‌المال مسلمین حقوق و مزایا افرادی پرداخت نماید که تابع مسلک ساختگی ضاله بهائیت میباشند و اکثر اعضاء محفل ملی آنها را اشخاص خائن به ملک و ملت همچون:

۱-تیمسار سرلشکر مقربی، **جاسوس شوروی**

۲- تیمسار سرتیپ **دکتر ریاض اله قدیمی، پزشک مخصوص ساواک**

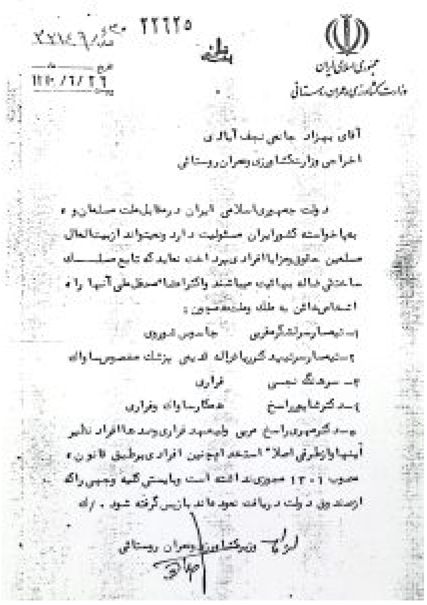
۳-سرهنگ نجی، فراری

۴-دکتر شاپور راسخ، همکار ساواک و فراری

۵-دکتر مهری راسخ مربی ولیعهد فراری و صدها افراد نظیر اینها و از طرفی اصلاً استخدام چنین افرادی بر طبق قانون مصوب ۱۳۰۱ مجوزی نداشته است و بایستی کلیه وجهی را که از صندوق دولت دریافت نموده‌اند باز پس گرفته شود./ک

از طرف وزیر کشاورزی و عمران روستائی

[امضا]



۲۲۶۲۵

جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشاورزی و عمران روستائی

۱۳۶۰/۶/۲۶

آقای بهزاد حاجی نجف آبادی
اخراجی وزارت کشاورزی و عمران روستائی

دولت جمهوری اسلامی ایران در مقابل ملت مسلمان و بپاخاسته کشور ایران مسئولیت دارد و نمی‌تواند از بیت‌المال مسلمین حقوق و مزایا به افرادی پرداخت نماید که تابع مسلک ساختگی ضاله بهائیت می‌باشند و اکثر اعضا محفل ملی آنها را [illegible]

۱- تیمسار سرلشکر [illegible] جاسوس شوروی
۲- تیمسار سرتیپ دکتر [illegible] پزشک مخصوص ساواک
۳- سرهنگ [illegible] فراری
۴- دکتر شاپور راسخ همکار ساواک و فراری
۵- دکتر مهری راسخ مربی ولیعهد فراری و صدها افراد نظیر اینها و از طرفی اصلاً استخدام چنین افرادی بر طبق قانون مصوب ۱۳۰۱ مجوزی نداشته است و بایستی کلیه وجهی را که از صندوق دولت دریافت نموده‌اند باز پس گرفته شود. /ک

از طرف وزیر کشاورزی و عمران روستائی

سند دهم :

هاشم فرنوش و ریاض قدیمی هر دو معاون مشاور قاره ای از اعضای شکنجه گر سواک :

[-https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/khbr-tyrbaran-9-nfr-az-jmlh-3-bhayy frhng-mwdt-hashm-frnwsh-bzrg-lwyan](https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/khbr-tyrbaran-9-nfr-az-jmlh-3-bhayy-frhng-mwdt-hashm-frnwsh-bzrg-lwyan)

قتل و اعدام

اتهام‌ها علیه بهائیان و آیین بهائی

تهران

فرهنگ مودت

[هاشم فرنوش](#)

[بزرگ علویان](#)

۰۲ تیر ۱۳۶۰

[English](#)

[فارسی](#)

[اطلاعات شخصی افراد **حذف شده** است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[روزنامه:] اطلاعات

[تاریخ:] ۲ تیر ۱۳۶۰

[شماره:] ۱۶۴۵۹

[صفحه:] ۲

۹ مفسد فی‌الارض دیروز تیرباران شدند

به‌حکم دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی مرکز ۶ نفر از عوامل و دست‌اندرکاران جنایات ۳۰ خرداد ماه همراه سه نفر وابستگان و جاسوسان صهیونیستی در محوطه زندان اوین اعدام شدند. متن اطلاعیه دادستان انقلاب جمهوری اسلامی مرکز در این زمینه به این شرح است:

بسم‌الله منتقم القهار و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون دین کل له (۳۸ انفال) [۳۹ انفال]

ضمناً سه نفر از سرسپردگان رژیم منحط طاغوت نیز در دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی مرکز محاکمه گردیده و حکم شرعی و قانونی در مورد ایشان صادر گردید. این مجرمین عبارتند از:

۱ـفرهنگ مودت فرزند فضل‌الله به جرم فعالیت و مشارکت مؤثر در انتشار مجلات و جزوات اغواکننده و تحریک‌آمیز پس از پیروزی انقلاب علیه جمهوری اسلامی، تغذیه مالی شرکت صهیونیستی نونهالان که به اقرار خود متهم تغذیه مالی بیت‌العدل صهیونیستی در «حیفا» اسرائیل از آن شرکت می‌باشد همکاری مالی و فکری و

اقتصادی با هژبر یزدانی صهیونیست، همکاری مؤثر با محل [محفل] ملی صهیونیستی علیه انقلاب اسلامی و اقدامات عملی برای سرنگونی این انقلاب و به عهده گرفتن تعلیم و تبلیغ در سطح عمیقی در شهرستان کرج برای اغواء و گمراهی نوجوانان و جوانان، وابستگی به سران غارتگر رژیم، به دست آوردن ثروت‌های نامشروع و سهام کارخانجات و بانک‌ها به شرحی که در اقرارات او منعکس است به حکم دادگاه انقلاب، مجرم و از مصادیق بارز مفسد فی‌الارض شناخته شد و به اعدام محکوم گردید.

۲- هاشم فرنوش فرزند عطاالله به جرم همکاری با دکتر ریاض‌الله قدیمی همکار ساواک جهنمی در معاینات مبارزان و کشتار بی‌رحمانه آنان (همکار سازمان سیا) و معاونت این کافر حربی در اعزام افراد تربیت‌شده وابسته به اسرائیل به‌منظور اقدام علیه اسلام و ملل مسلمان و اعزام جاسوس تحت عنوان مهاجرت که لجنه مهاجرت زیر نظر فرنوش بوده و از طریق آژانس سمندری با تصویب سازمان صهیونیستی بیت‌العدل اسرائیلی این امر بارها تحقق‌یافته است.

سعی در تحکیم شاه معدوم، جمع‌آوری اعانات برای اسرائیل غاصب در جنگ با مسلمین و کمک به ساختمان دارالتشریع صهیونیستی با جمع‌آوری وجوه معتنابهی با پشتیبانی هژبر یزدانی، پرویز ثابتی، دکتر عبدالکریم ایادی صهیونیست فراری (طبیب ویژه شاه معدوم) و دکتر شاپور راسخ (رئیس سازمان برنامه و بودجه) و استفاده از امکانات آنان اقدامات عملی به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی، تکثیر و انتشار نشریات طبل سحر و حال و آینده جهان برای اغواء جوانان و اشاعه کفر و الحاد که با توجه به اقرارات صریح متهم در مراحل تحقیق و در محضر دادگاه مستنداً به تحقیقات معموله، مجرمیت وی در دادگاه ثابت گردید و نامبرده از مصادیق بارز مفسد فی‌الارض و محارب با خدا شناخته شد و محکوم به اعدام گردید.

۳- بزرگ علویان (سید آقابزرگ) فرزند علی‌محمد از اعضاء بسیار فعال و مؤثر تشکیلات صهیونیستی در ایران دارای ارتباط نزدیک و مستمر با «بورا کاولین» (صهیونیست آمریکائی، یکی از اعضاء برجسته ۹ نفری بیت‌العدل «حیفا» در اسرائیل) و اداره‌کننده تشکیلات و جلسات مخفی صهیونیست‌ها و بهائیان در سراسر تهران و حومه و شهرهای شمالی کشور بوده که با انتشار نشریات و مقالات اغواء کننده و تحریک‌آمیز و خلاف واقعیات (به‌عنوان وقایع اتفاقیه) و انتشار اکاذیب فریبنده و کمک‌های مالی فراوان با استفاده از ثروت نامشروع سرشار خویش با همکاری ایادی داخلی وابسته به رژیم سلطنتی سابق و ایادی خارجی و فراریان و دول استعماری و صهیونیستی بیگانه علیه انقلاب اسلامی و سرنگونی آن به‌صورت بسیار مؤثر و فعال تلاش می‌نموده و از ایادی وابسته به رژیم فاسد سابق می‌باشد و علی‌هذا دادگاه انقلاب با امعان نظر در اسناد موجود و اقرارات مجرم در مراحل تحقیق و در محضر دادگاه مجرمیت وی را محرز دانسته و به مصداق فی‌الارض به اعدام محکوم کرد.

احکام صادره دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی مرکز در مورد نامبردگان فوق التوصیف ساعت ۹ بعدازظهر روز دوشنبه اول تیرماه در محوطه زندان اوین به مرحله اجرا گذاشته شد.

روابط عمومی دادستانی انقلاب جمهوری اسلامی مرکز


۹ مفسد فی الارض
دیروز تیرباران شدند

هاشم فرنوش عضو هیئت معاونت :



https://bahaipedia.org/1981

در این صفحه هم از هاشم فرنوش به عنوان abm که مخفف auxiliary board members یا همان هیات معاونت اسات نامدبرده

https://iranbahaipersecution.bic.org/archive/bahai-question-cultural-cleansing-iran



هاشم فرنوش

متولد ۱۳۱۷ در کرج

در تاریخ ۲ تیر ۱۳۶۰ در تهران تیرباران شد

هاشم فرنوش بعد از اتمام دورهٔ دبیرستان در کرج به تهران رفت. از دانشگاه تهران در رشتهٔ ادبیات لیسانس گرفت و بعد در رشت به شغل معلمی مشغول شد. پس از مدت کوتاهی به کرج بازگشت و کسب و کار خود را شروع کرد. در سال ۱۳۵۸ به عضویت محفل روحانی محلی[۱] کرج انتخاب شد.

در اواخر سال ۱۳۵۹ بازداشت شد و نه ماه در زندان اوین بود. در روز ۲ تیرماه ۱۳۶۰ همراه بزرگ علویان و فرهنگ مودت تیرباران شدند. جسد او را خانواده‌اش با حضور جمعیت زیادی از دوستان در گورستان بهائی تهران با مراسم بهائی به خاک سپردند.

https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/hashm-frnwsh-dr-2-tyr-1360-dr-thran-tyrbaran-shd

---

منبع: https://www.hassanershad.com/6241

معرفی تشکیلات بهائی برای اندیشمندان ایرانی

معرفی تشکیلات بهائی برای اندیشمندان ایرانی

هیچ حکومتی در دنیا این موضوع را برنمی‌تابد و اجازه نمی‌دهد در گستره‌ی حکومتش، حکومت مستقل دیگری شکل بگیرد که فرامین و دستوراتش را به صورت مستقل از جای دیگری به خصوص دشمن آن حکومت گرفته باشد. به عنوان مثال در کشوری حتی مثل ایالات متحده آمریکا که خود را مهد آزادی می‌داند، اجازه نمی‌دهند ایرانیان یا تابعین هر کشور دیگری که مقیم آمریکا هستند، گوش به فرمان دستوراتی باشند که از کشور خود دریافت می‌کنند. فرض کنید جمعی از ایرانیان مقیم آمریکا بخواهند طرح و نقشه‌ی براندازی نظام حاکمیتی آمریکا را به اجرا درآورند. مثل روز روشن است که حکومت ایالات متحده چه برخوردی با آنان خواهد داشت.

در هر جای دنیا، اگر عده‌ای به صورت نظام‌مند و با نقشه‌های از پیش طراحی شده و بر اساس فعالیت‌های اطلاعاتی بخواهند اقدام به براندازی نظام حاکم نمایند، به عنوان جاسوس و عوامل برانداز با آنان برخورد می‌شود.
آیا اسرائیل اجازه می‌دهد که نیروهای ایرانی در سرزمین‌های اشغالی به صورت آزادانه چنین فعالیت‌هایی داشته باشند!؟ پر واضح است که هیچ حکومتی چنین اجازه‌ای را به احدی نمی‌دهد.

این موضوع در مورد ایران نیز صادق است. هیچ گاه حاکمیت ایران اجازه نمی‌دهد و نبایستی اجازه دهد افرادی که خود را سرباز اسرائیل یا هر جای دیگری مثل بیت العدل می‌دانند، اقدام به براندازی نظام حاکم نمایند. اساسا هیچ کشوری اجازه نمی‌دهد فعالیت‌هایی که در تعارض با حاکمیتش باشد در آن کشور صورت پذیرد.
بر اساس مستنداتی که در بخش‌های گذشته ارائه گردید، ثابت شد تشکیلات بهائی و بیت العدل اعظم دارای سه قوه‌ی مقننه، مجریه و قضائیه استو تک تک بهائیان جهان تحت مدیریت و حاکمیت بیت العدل اداره می‌شوند.
همچنین ثابت گردید در حال عصر تکوین که هنوز به حکومت جهانی بهائی دست پیدا نکرده، قوای سه‌گانه‌ی خود را در هر کشوری به محفل روحانی آن کشور واگذار کرده است.

بر اساس احکام صریح ثابت شد اعضای هیات یاران ایران علاوه بر این که عضوی از جامعه‌ی تسجیل شده تشکیلات بهائی هستند، حاکمان منصوب شده از سوی بیت العدل برای حکومت بر بهائیان ایرانی هستند. این انتصاب و تنفیذ حکم ماموریت به صورت کاملا رسمی و علنی صورت پذیرفته است. بهائیان ایران تحت حکومت بهائی محفل روحانی ایران قرار دارند.

آن هم حکومتی که هر سه قوه را به صورت انتصاب در یک نقطه تمرکز داده است. مشاهده گردید که متون بهائی نیز اعتراف داشتند این سیستم حکومتی بر خلاف تمامی نظامات است که سه قوه به صورت مستقل کار می‌کنند. در حکومت بهائی، هر سه قوه دست افرادی است که این افراد نیز مستقیم از سوی بیت العدل اعظم نصب می‌شوند.

یعنی نه تنها بهائیان ایران هیچ نقشی ندارند بلکه نهایت انحصارطلبی است؛ هیئت یاران خودش قانون‌گذاری می‌کند، خودش به اجرا می‌گذارد و خودش در مورد جرم‌های احتمالی خودش حکم صادر می‌کند.

گروه یا هیأت یاران با دریافت حکم رسمی بیت العدل در ایران به کار گماشته شده‌اند. اصلا صحبت از دین و باور و عقیده نیست. بلکه صحبت از تشکیلاتی است که برای اعضای خود در ایران، حاکم تعیین و نصب می‌کند. وظیفه‌ی این اعضا در ایران چیست؟ اجرای پروتکل هفت‌گانه‌ی شوقی یعنی براندازی حکومت و رسیدن به حکومت بهائی. رهبری تشکیلات بهائی در ایران برای پیشبرد این اهداف به چه کسی سپرده می‌شود؟ طبق حکم رسمی بیت العدل، به اعضای هیأت یاران!
برای روشن شدن موضوع و اثبات این ادعا، ابتدا حکم انتصاب اعضای گروه یاران از سوی بیت العدل اعظم تقدیم حضور می‌گردد و سپس توضیحاتی تقدیم حضور می‌گردد تا مشخص گردد، سرکار خانم فریبا کمال آبادی و دیگر اعضای هیئت یاران، حکم رسمی و علنی از بیت العدل داشته‌اند تا برنامه‌های براندازی حکومت را به اجرا در آورند:

۶ شهر القدره ۱۶۳
۹ نوامبر ۲۰۰۶
هیئت مجلله یاران ایران

با تشکر از گزارش مورخ ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۶ آن عزیزان و بعد از بررسی احتیاجات فوری جامعه ممتحن و ممتاز ایران، بیت العدل اعظم الهی با کمالسرور و بهجت انتصاب دوستان عزیزی را که اسامی ایشان به ترتیب الفبا ذیلا مذکور است به عنوان اعضای هیئتیاران ایران اعلان می دارد.
جناب بهروز توکّلی، جناب وحید تیزفهم، خانم مهوش ثابت، جناب جمال الدین خانجانی، جناب سعید رضائی، خانم فریبا کمال آبادی و جنابعفیف نعیمی تقاضای بیت العدل اعظم این است که اعلان عمومی این انتصاب به احبای مهد امرالله در ۲۳ نوامبر ۲۰۰۶ صورت گیرد.

بیت العدل اعظم مقرر فرمودند که از این فرصت استفاده نموده از خدمات باهره جناب چنگیز فنائیان و جناب ایرجیزدانی در طی سالیان دراز ودورانی که امواج سهمگین مشکلات و مصائب سفینه امرالله و احبای عزیز آن سرزمین را احاطه کرده قدردانی و سپاسگزاری به عمل آید. معهد اعلبنا تقدیم اشواق قلبی بخصوص به این دو خادم برازنده امر الهی ، اظهار اطمینان فرمودند که از این پس نیز به خدمات خود به امر مبارکه در میادینسایره ادامه خواهند داد.

بیت العدل اعظم الهی در اعتاب مقدسه علیا برای موفقیت هر چه بیشتر هیئت یاران ایران در انجام وظائف خطیره محوله و برای قاطبه جامعه احبای آنسامان و نیز برای مزید موفقیت جنابان فنائیان و یزدانی دعا فرموده از درگاه جمال اقدس ابهی تأییدات غیبیه لاریبیه اش را برای همگی مسئلت خواهندنمود.
با تقدیم تحیات
از طرف دارالانشاء بیت العدل اعظم

۶ شهر القدرة ۱۶۳

۹ نوامبر ۲۰۰۶

هیئت مجله یاران ایران

با تشکر از گزارش مورخ ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۶ آن عزیزان و بعد از بررسی احتیاجات فوری جامعه ممتحن وممتاز ایران ، بیت العدل اعظم الهی با کمال سرور و بهجت انتصاب دوستان عزیزی را که اسامی ایشان به ترتیب الفبا ذیلاً مذکور است به عنوان اعضای هیئت یاران ایران اعلان می دارد .

جناب بهروز توکلی ، جناب وحید تیزفهم ، خانم مهوش ثابت ، جناب جمال الدّین خانجانی ، جناب سعید رضائی ، خانم فریبا کمال آبادی و جناب عفیف نعیمی

تقاضای بیت العدل اعظم این است که اعلان عمومی این انتصاب به احبّای مهد امر الله در ۲۳ نوامبر ۲۰۰۶ صورت گیرد .

بیت العدل اعظم مقرّر فرمودند که از این فرصت استفاده نموده از خدمات باهرهٔ جناب چنگیز فنائیان و جناب ایرج یزدانی در طی سالیان دراز و دورانی که امواج سهمگین مشکلات و مصائب سفینهٔ امرالله و احبّای عزیز آن سرزمین را احاطه کرده قدردانی و سپاسگزاری به عمل آید. معهد اعلی با تقدیم اشواق قلبی مخصوص به این دو خادم برازندهٔ امر الهی ، اظهار اطمینان فرمودند که از این پس نیز به خدمات خود به امر مبارک در میادین سایره ادامه خواهند داد .

بیت العدل اعظم الهی در اعتاب مقدّسه علیا برای موفّقیّت هرچه بیشتر هیئت یاران ایران در انجام وظائف خطیره محوله و برای قاطبه جامعه احبای آن سامان و نیز برای مزید موفقیت جنابان فنائیان و یزدانی دعا فرموده از درگاه جمال اقدس ابهی تأئیدات غیبیّه لاریبیّه اش را برای همگی مسئلت خواهند نمود.

باتقدیم تحیّات

از طرف دارالانشاء بیت العدل اعظم

ای کاش این حکم حکومتی بیت العدل که اعضای هیأت یاران را به نام معرفی و به حکومت بهائی در ایران منصوب کرده به دست سرکار خانم فائزه هاشمی رفسنجانی رسیده بود تا این گونه از فعالیت‌های تشکیلات بهائی دفاع نمی‌کردند.

این حکم ماموریت از بیت العدل و تشکیلاتی صادر شده که سرنوشت آن با اسرائیل همانند حلقات زنجیر به هم تنیده و پیچیده شده است. همان بیت العدلی که بر اساس پروتکل هفتگانه‌ی شوقی در پی براندازی حکومت و ایجاد حکومت بهائی است. با دقت در عبارت زیر که در متن حکم انتصاب اعضای گروه یاران آمده، نکات دیگری روشن می‌شود:

⇐ انتصاب دوستان عزیزی به عنوان اعضای هیئت یاران ایران

⇐ جناب بهروز توکّلی، جناب وحید تیزفهم، خانم مهوش ثابت، جناب جمال الدین خانجانی، جناب سعید رضائی، خانم فریبا کمال آبادی و جنابعفیف نعیمی

⇐ اعلان عمومی این انتصاب به احبای مهد امرالله (یعنی بهائیان ایران)

⇐ در انجام وظائف خطیره محوله

⇐ برای قاطبه جامعه احبای آن سامان (بهائیان ایران)

همان گونه که در متن این حکم آمده، هفت نفر به عنوان اعضای هیئت یاران از سوی بیت العدل برای حکومت بر بهائیان ایران منصوب می‌شوند. نام تک تک آنان نیز در این حکم رسمی آمده است. وظایفی که به این اعضا محول شده نیز بسیار خطرناک است و در متن حکم به عنوان وظائف خطیره از آن یاد می‌شود. مگر وظایف اعضای هیئت یاران در ایران چیست و چه اقداماتی را بایستی انجام دهند که بیت العدل اعظم خودش بر خطرناک بودن آن وظایف اعتراف می‌نماید؟!

بیت العدل در حقیقت در این حکم برای یکصد هزار شهروند بهائی ایرانی، حاکم تعیین می‌کند نه رهبر معنوی و دینی! تشکیلات بهائی در ایران سه قوه‌ی مقننه، مجریه و قضائیه دارد و این هفت نفر در حقیقت حاکمان شهروندان بهائی ایرانی در حکومت ایران بودند. این یعنی حکومت در حکومت. حاکمانی که از طرف اسرائیل برای حکومت بر بهائیان ایران و رهبری تشکیلات بهایی در ایران منصوب شدند.

به بیان دیگر، اعضای گروه یاران که پیش از این ثابت شد خودشان سرباز اسرائیل هستند، حکم دیگری دریافت می‌کنند و به صورت کاملا رسمی از سوی بیت العدل برای حکومت و رهبری تشکیلات بهائی در ایران منصوب می‌شوند.

اعضای گروه یاران در حقیقت رهبران رسمی از سوی اسرائیل و بیت العدل هستند که برای اجرای برنامه ۲۵

ساله و طی کردن عصر تکوین به این سمت منصوب شدند. وظیفه و رسالت اصلی تشکیلات بهایی در این برنامه ۲۵ ساله همان گونه که در بخش‌های پیشین ثابت شد، پیشبرد دخول افواج و توسعه منابع انسانی تشکیلات بهائی بود تا این که پس از عبور از مرحله‌ی پنجم و رسیدن به جمعیت، بتوانند وارد مرحله ششم یعنی گرفتن حکومت بشوند. در طول اجرای این برنامه، بایستی به هر شکلی منابع انسانی و جعیت بهائیان به حدی افزایش داده شود تا توان و امکان براندازی حکومت فعلی و ایجاد حکومت بهائی مهیا و آماده گردد.

در ادامه به این موضوع پرداخته شده است که اگر اهداف تشکیلات بهائی یعنی رسیدن به حکومت از طریق ساز و کارهای مدنی باشد، اشکال و ایرادی ندارد. سوال این است که چرا در پوشش دین؟! چرا مخفی‌کاری؟!

شهروندان بهائی ایرانی همانند سایر احزاب می‌توانند فعالیت داشته باشند و به صورت قانونی به قدرت برسند؛ کما این که احزاب مختلف در کشور به قدرت می‌رسند. اما این که ظاهری از عقیده و دین و باور، سپر قرار شود و در پشت آن، اقدامات شدید و سنگین اطلاعاتی و سپس عملیات اجرایی جذب نیرو و توسعه منابع انسانی تشکیلات بهاییت ، آن هم با هدف براندازی حکومت و ایجاد حکومت بهائی صورت پذیرد، در هیچ حکومتی پذیرفته شده نیست.
همان گونه که پیش از این بیان گردید، کل دنیا در تقسیم‌بندی تشکیلات بهائی در ۱۷۰۰۰ محده های همچوار جای گرفته که ایران نیز بخشی از همین مجموعه است. فتح و دستیابی به یک سوم این عدد یعنی گرفتن حدود ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ کلاستر تا سال ۲۰۲۱ میلادی یکی از اهداف تشکیلات بهائیت بوده است.

همان گونه که در این حکم انتصاب ملاحظه گردید، این هفت نفر ماموریت پیدا می‌کنند تا در رأس هرمی قرار بگیرند که هدف آن اجرایی کردن پروتکل هفت گانه شوقی برای گرفتن حکومت در ایران است. رسالت و وظیفه‌ی خطیر گروه یاران برپاکردن حکومت بهائی در ایران بر مبنای احکام کتاب اقدس است. لذا هدف و وظیفه‌ی گروه یاران، رهبر دینی نیست؛بلکه هدایت تشکیلات بهائی در ایران برای گرفتن حکومت دینی در ایران است.

سرکار خانم فائزه هاشمی رفسنجانی که سخن از جدایی دین از حکومت می‌زند، آیا می‌داند تمام فعالیت دوستان بهائی‌اش که در زندان با آنان آشنا شده، بر قراری حکومت دینی بر مبنای احکام اقدس است؟! این خود دلیل و شاهد دیگری بر خیانت و مخفی‌کاری رهبران بهائی در ایران است. اعضای گروه یاران که چند ماه را با سرکار خانم فائزه هاشمی رفسنجانی گذرانده‌اند، حتی یک مرتبه به این موضوع اشاره نکرده‌اند که هدفشان تشکیل حکومت دینی بر مبنای احکام کتاب اقدس است.

اگر صد سال هم در کنار سرکار خانم فائزه هاشمی رفسنجانی بودند، باز هم دم برنمی‌آوردند و سخنی از هدف و رسالت اصلی خود به میان نمی‌آوردند.

احکام کتاب اقدس چیست؟ اگر کسی خانه کسی را آتش بزند، باید خود آن شخص را آتش بزنند. اگر کسی دزدی کرد، بار اول او را حبس کنند، بار دوم او را تبعید کنند و برای بار سوم مثل حیوان پیشانی‌اش را داغ بگذارند و

در تمام شهرها بچرخانند تا مردم اینها را بشناسند و نتوانند داخل هر شهری بروند. گروه یاران به دنبال زمینه‌سازی جهت اجرای این احکام هستند.

احکامی که شاید داعش هم مشابه این احکام را نداشته باشد.

معرفی تشکیلات بهایی برای اندیشمندان ایرانی

۱- چکیده:

سرکار خانم فائزه هاشمی در فروردین ماه ۱۴۰۰ شمسی اقدام به دفاع از بهائیان در محیط Clubhouse نموده و ادعا می‌کند آنان جاسوس و تروریست نبوده، هیچ ارتباطی با اسرائیل ندارند و رهبرشان نیز در مکانی که آن زمان فلسطین بوده دفن شده و از حقوق شهروندی آنان دفاع می‌نماید. در این مقاله ثابت می‌شود بهائی یعنی سرباز اسرائیل و تهدیدی بالفعل برای امنیت ملی هر کشوری که در آن زندگی می‌کنند. بهائیان در هر کشوری که باشند، به صورت تشکیلاتی و نظام‌مند به دنبال براندازی حکومت و تشکیل حکومت دینی بهائی در آن کشور و در نهایت ایجاد حکومت دینی جهانی بهائی بر اساس احکام بسیار خشونت‌آمیز کتاب اقدس هستند. لذا بهائیت، دین نیست. بلکه فرقه و حزبی است که به دنبال تشکیل حکومت دینی جهانی است اما این هدف را همواره مورد انکار قرار داده و مخفی می‌نماید.

۲- مقدمه:

سرکار خانم فائزه هاشمی رفسنجانی، نماینده مردم تهران در دوره پنجم مجلس شورای اسلامی و دومین دختر اکبر هاشمی رفسنجانی است.او در زندان با گروه یاران آشنا می‌شود. گروه یا هیئت یاران، حاکمان جامعه‌ی بهائی در ایران هستند. سرکار خانم فائزه هاشمی رفسنجانی تا پیش از آشنایی با اعضای این گروه، هیچ شناخت و آشنایی با تشکیلات بهائیت نداشته و در سخنان خود نیز اعتراف می‌کند "بهائیان را من اصلاً نمی‌شناختم من در زندان با آنها آشنا شدم ...حکومت باعث آشنایی من با اینها (بهائیان) شد". او بدون آگاهی از اهداف، ساختار وتشکیلات بهائیت و هم چنین بدون شناخت از وظایف و رسالت ترسیم شده برای هر بهائی، به یک باره مورد تبلیغ بزرگ‌ترین مبلغان فارسی زبان و حاکمان این تشکیلات در ایران قرار می‌گیرد.

فرصت چند ماهه‌ی زندان و عدم شناخت ایشان از ماهیت تشکیلات بهائیت، فرصت مغتنمی را برای رهبران حکومت بهائیان در ایران یعنی گروه یاران فرآهم می‌آورد تا سرکار خانم فائزه هاشمی رفسنجانی را مورد تبلیغ قرار دهند. این شرایط باعث می‌شود چهره‌ای خلاف واقع از تشکیلات بهائیت برای وی ترسیم گردید. همین شناخت غلط باعث می‌شود او در خلال گفتگوی ۶ ساعته در محیط Clubhouse به دفاع از بهائیان بپردازد و مطالب زیر را در دفاع از بهائیان مطرح نماید:

بهائیان را من اصلاً نمی‌شناختم. این‌ها (نظام جمهوری اسلامی ایران) من را به زندان انداختند. در زندان با آنها آشنا شدم. من از حقوق شهروندی بهائیان دفاع می‌کنم وهمان‌گونه که با بقیه هم بندی‌ها دوست هستیم، آمدیم بیرون. آن‌ها همبندی ما بودند. شما وقتی در دوران سختی کنار همدیگر قرار می‌گیرید، با هم دوست می‌شوید و روابط خاص پیدامی‌کنیم. آنجا (زندان) من با این‌ها (بهائیان) آشنا شدم. حکومت باعث آشنایی من با اینها شد. در زندان ما، بهترین‌ها، بهائی‌ها بودند. این را شما بپذیرید و بروید تحقیق کنید. اینکه می‌گویید جاسوسند و اسرائیلی‌اند، شما نمی‌دانید. کسی که آنجا دفن شده به عنوان رهبر این‌ها و پیامبر این‌ها (بهائیان)، او اصلا آنجا نرفته؛ تبعید شده در

زمانی که آنجا فلسطین بوده، زمانی که آنجا اسرائیل نبوده. آنجا مُرده، دفنش کردند. من به آزادی عقیده اعتقاد دارم. اینکه ما به جرم عقیده، این بلاها را داریم سر بهائیان می‌آوریم، نه تروریستند، نه در زندان به کسی فحش می‌دادند. آنها بیشتر از ما آیات قرآن را بلد بودند و دفاع می‌کردند از آیات قرآن در مقابل کسانی که حمله می‌کردند. یک خورده اطلاعاتتان را زیاد کنید بعد لطفا این حملات را بکنید.

همان گونه که سرکار خانم فائزه هاشمی به صراحت اعتراف می‌فرمایند، ایشان هیچ شناختی از تعریف واقعی یک بهائی و تشکیلات بهائیت نداشته‌اند. در زندان هم منابع تحقیقی در اختیار نداشته‌اند تا درستی یا نادرستی ادعاهای رهبران گروه یاران را بررسی نمایند. با کارشناسانی که شناخت کامل از این فرقه داشتند نیز ارتباطی نداشته‌اند. از سوی دیگر، برقراری رابطه‌ی دوستانه با رهبران این فرقه (به اعتراف سرکار خانم فائزه هاشمی) و تداوم آن، به طور طبیعی اجازه‌ی آزاد اندیشی را از انسان سلب می‌کند. لذا این نوشتار در پی آن است تا چهره‌ای که سرکار خانم فائزه هاشمی رفسنجانی از یک بهائی و تشکیلات بهائیت ارائه نموده را به صورت مستند و در فضایی علمی مورد نقد بررسی قرار دهد. تا از این رهگذر نه تنها ایشان بلکه تمامی مردمان ایران زمین و بلکه تمامی انسان‌های دنیا با ماهیت، ساختار و اهداف این تشکیلات آشنا شوند.

۳- کلیاتی در مورد تشکیلات بهائیت (اهداف و ماموریتها)

با توضیحاتی که پیش از این تقدیم حضور گردید، به بررسی ادعاهای مطرح شده از سوی سرکار خانم فائزه هاشمی رفسنجانی در خصوص تشکیلات بهائی پرداخته می‌شود.

۴- نتیجه گیری:

در پایان بار دیگر نویسنده‌ی مقاله اعلام می‌دارد حاضر است در برنامه‌ی که سرکار خانم فائزه هاشمی رفسنجانی مدیریت و قضاوت آن را به عهده داشته باشند با حضور سرکار خانم فریبا کمال آبادی یا هر یک از مدیران تشکیلات بهائی در ایران و یا خارج کشور حاضر گردیده و ضمن ارائه‌ی مدارک پرشمار دیگر، بر مبنای مباحث حقوق شهروندی، تمامی ادعاهای مطرح شده در خصوص تشکیلات بهائی از جمله دین، عقیده و باور نبودن بهائیت، حکومت هیئت یاران بر جامعه‌ی بهائی ایران، تلاش در جهت براندازی حکومت‌ها، تبیین اهداف پنهان بهائیت از انجام فعالیت‌های جامعه‌سازی، تلاش در جهت تحقق حکومت بهائی در مقیاس منطقه و جهانی و ... را به اثبات برساند.

فایل تصویری را می توانید در این لینک های زیر ملاحظه بفرمایید :

لینک فیلم در تلگرام

لینک یوتیوب

لینک آپارات

لینک فیس بوک

لینک فایل صدا

لینک اینستاگرم

منبع: https://www.hassanershad.com/807

معرفی سازمان توسعه بین الملل بهایی ” دفتر سابق توسعه اجتماعی و اقتصادی “ در اسرائیل

سازمان جاسوسی و برانداز بین المللی در سطح جهانی مستقر در اسرائیل

نشست ۸۳۰

معرفی سازمان توسعه بین الملل بهایی ” دفتر سابق توسعه اجتماعی و اقتصادی “ در اسرائیل

متن پیام بیت العدل سند اول

قابل تذکر است که دفتر توسعه ی اجتماعی-اقتصادی با توجه به رهنمونهای بیت العدل اعظم به بعضی از مؤسسات آموزشی کمک میکند تا بُعد دیگری را به فعالیتهای خود بیفزایند. یعنی کارآموزی دادن در زمینه ی توسعه ی اجتماعی و اقتصادی و حتی در حیطه ی مدیریت طرحهای توسعه ی اجتماعی و اقتصادی. فعلاً این کمک فقط محدود به چند کشور است. شرط لازم برای این فعالیت افزایش توانایی مؤسسه ی آموزشی است به سطحی که از استقلال بیشتری بر خوردار باشد.

اکنون که پایه های مرحله ی بعدی کار مؤسسه گذاشته شده است بیت العدل اعظم از محفل شما میخواهند که استقلال لازم برای جریان صحیح کار را به مؤسسه بدهید. پرورش نیروی انسانی برای توسعه و تحکیم جامعه و به منظور اجرا و اداره ی برنامه های توسعه ی اجتماعی و اقتصادی وظایف ساده ای نیست و مؤسسه ی آموزشی باید آزادی عمل لازم را داشته باشد تا بتواند مداوماً کار خود را بهبود بخشد.

تاریخ پیام بیت العدل ۵۸۴ ۱۹۹۸-۰۴-۰۱

کارشناس

حسن ارشاد

فارغ التحصیل دانشکده علوم قضایی

متخصص در فرق و ادیان – بابیت و بهائیت

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/33479

لینک آپارات

https://aparat.com/v/YURJi

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/4136

فیلم نقد :

❖

نشست ۸۳۱

معرفی سازمان توسعه بین الملل بهایی " دفتر سابق توسعه اجتماعی و اقتصادی " در اسرائیل

متن پیام بیت العدل سند دوم

در زمینه توسعهٔ اجتماعی اقتصادی، سرعت و تحرّکی حاصل شده که بر نتایج حاصله از مساعی فردی و تشکیلاتی، هم در تقویت و تحکیم در داخل جامعه و هم در معاضدت جامعه با سایرین تأثیری هرچه عمیقتر میگذارد. دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی گزارش میدهد که در طیّ سال دوّم نقشه، هشت مؤسّسهٔ خدمات عمرانی جدید که ملهم از تعالیم بهائی است تأسیس شده که در زمینه های متنوّعی چون ترقّی زنان، بهداشت، کشاورزی، تعلیم و تربیت اطفال و پرورش اخلاقی جوانان فعّالیت میکنند.

تاریخ پیام بیت العدل ۶۶۲ ۳ ۲۰۰۳-۰۴-۲۱

کارشناس

حسن ارشاد

فارغ التحصیل دانشکده علوم قضایی

متخصص در فرق و ادیان – بابیت و بهائیت

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/33480

لینک آپارات

https://aparat.com/v/SCIne

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/4137

فیلم نقد :

نشست ۸۳۲

معرفی سازمان توسعه بین الملل بهایی " دفتر سابق توسعه اجتماعی و اقتصادی " در اسرائیل

(تغییر بافت جمعیتی جهت بر اندازی)

متن پیام بیت العدل بررسی سند سوم

پیام رضوان، معدودی از مشخّصه های اقدام اجتماعی در میان توده ها، و شرایطی را که باید ملحوظ داشت، توصیف میکند. عموماً مساعی متوجّه به یک روستا، در مقیاس کوچک شروع میشود. معمولاً عدّه ای از یاران پا در میدان میگذارند، و هر یک، نیازی اجتماعی یا اقتصادی را که خود تشخیص داده است، هدف قرار میدهد و به معدودی از اقدامات مناسب متوسّل میشود. در این راستا، مشورت در ضیافت نوزدهروزه، فضای مناسبی را فراهم میآورد که در آن، آگاهی رشد یابندهٔ جامعه، بتواند مجاری بروز سازنده، پیدا کند. طبیعت فعّالیتها هرچه که باشد، محفل محلّی باید مراقب تله های بالقوّه بوده، در صورت لزوم، احبّا را یاری کند از کنار آنها بگذرند. از جملهٔ این تله ها است: وسوسهٔ طرّاحی برنامه های بیش از حدّ جاه طلبانه که توان افراد را میگیرند و نهایتاً هم، از کنترل خارج میشوند؛ تمایل به اخذ کمکهای مالی که دوری از اصول بهائی را الزام میکند؛ قول فناوریهای گول زننده که دهکده را از میراث فرهنگیاش تهی مینماید و به فروپاشی و ناسازگاری منتهی میشود. در نهایت، توانی که فرایند مؤسّسه در دهکده ایجاد کرده، و قابلیتهایی که در افراد برانگیخته، میتواند یاران را قادر سازد از روشها و برنامه هایی که ثمرده یشان به اثبات رسیده است بهره برند؛ برنامه هایی که بعضی از سازمانهای مُلهَم از تعالیم بهائی طرّاحی و تدوین کرده اند و به پیشنهاد و حمایت دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی ما، وارد کلاستر شده اند. علاوه بر این، محفل باید بیاموزد با ساختارها و سازمانهای اجتماعی و سیاسی موجود در محلّ تعامل داشته باشد و به تدریج، آگاهی از حضور امر الهی در روستا و تأثیری را که بر پیشرفت آن اِعمال میکند، افزایش دهد .

پیام مورخ ۷۹۸ ۲۰۱۰-۱۲-۲۸

کارشناس

حسن ارشاد

فارغ التحصیل دانشکده علوم قضایی

متخصص در فرق و ادیان – بابیت و بهائیت

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/33484

لینک آپارات

https://aparat.com/v/CgRbO

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/4138

❖

نشست ۸۳۳

معرفی سازمان توسعه بین الملل بهایی " دفتر سابق توسعه اجتماعی و اقتصادی " در اسرائیل
(تغییر بافت جمعیتی جهت بر اندازی)

متن پیام بیت العدل بررسی سند چهارم

پیام رضوان، معدودی از مشخّصه های اقدام اجتماعی در میان توده ها، و شرایطی را که باید ملحوظ داشت، توصیف میکند. عموماً مساعی متوجّه به یک روستا، در مقیاس کوچک شروع میشود. معمولاً عدّه ای از یاران پا در میدان میگذارند، و هر یک، نیازی اجتماعی یا اقتصادی را که خود تشخیص داده است، هدف قرار میدهد و به معدودی از اقدامات مناسب متوسّل میشود. در این راستا، مشورت در ضیافت نوزدهروزه، فضای مناسبی را فراهم میآورد که در آن، آگاهی رشد یابندهٔ جامعه، بتواند مجاری بروز سازنده، پیدا کند. طبیعت فعّالیتها هرچه که باشد، محفل محلّی باید مراقب تله های بالقوّه بوده، در صورت لزوم، احبّا را یاری کند از کنار آنها بگذرند. از جملهٔ این تله ها است: وسوسهٔ طرّاحی برنامه های بیش از حدّ جاه طلبانه که توان افراد را میگیرند و نهایتاً هم، از کنترل خارج میشوند؛ تمایل به اخذ کمکهای مالی که دوری از اصول بهائی را الزام میکند؛ قول فناوریهای گول زننده که دهکده را از میراث فرهنگیاش تهی مینماید و به فروپاشی و ناسازگاری منتهی میشود. در نهایت، توانی که فرایند مؤسّسه در دهکده ایجاد کرده، و قابلیتهایی که در افراد برانگیخته، میتواند یاران را قادر سازد از روشها و برنامه هایی که ثمرده یشان به اثبات رسیده است بهره برند؛ برنامه هایی که بعضی از سازمانهای مُلهَم از تعالیم بهائی طرّاحی و تدوین کرده اند و به پیشنهاد و حمایت دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی ما، وارد کلاستر شده اند. علاوه بر این، محفل باید بیاموزد با ساختارها و سازمانهای اجتماعی و سیاسی موجود در محلّ تعامل داشته باشد و به تدریج، آگاهی از حضور امر الهی در روستا و تأثیری را که بر پیشرفت آن اِعمال میکند، افزایش دهد.
۷۹۸ ۲۸-۱۲-۲۰۱۰- تاریخ پیام

نکات :

۱ – هدف جذب توده ها و غیر بهائیان

۲ – پهن کردن دام بر اساس نیازهای اجتماعی و اقتصادی و در پوشش رفع آن نیاز توده ها را جذب می کنند تا منجر به اقدام اساسی و رسیدن به اهداف نقشه شود

۳ – متناسب با فرهنگ محدوده های جغرافیایی عمل کنند تا اهداف در تله نیفتند

۴ – سازمانهای ملهم از تعالیم بهایی با هماهنگی بیت العدل و با پشتیبانی دفتر فوق وارد محدوده های جغرافیایی می شوند

۵ – به بهانه اقدام اجتماعی به مرور در نهادهای تاثیر گذار سیاسی و اجتماعی در محدود جغرافیایی نفوذ کنند برای رسیدن به اهداف نقشه

۶ – ضیافتها صف اول استفاده از دستاورهای دفتر طرح و توسعه در محدوده جغرافیایی خود هستند (نقش ضیافتها)

کارشناس

حسن ارشاد

فارغ التحصیل دانشکده علوم قضایی

متخصص در فرق و ادیان – بابیت و بهائیت

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/33495

لینک آپارات

https://aparat.com/v/XtVqh

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/4145

فیلم نقد :

نشست ۸۳۴

معرفی سازمان توسعه بین الملل بهایی ” دفتر سابق توسعه اجتماعی و اقتصادی “ در اسرائیل

(تغییر بافت جمعیتی جهت بر اندازی)

متن پیام بیت العدل بررسی سند پنجم

در رابطه با این موضوع، یک نکته نهائی شایسته تأمل است. تقریبا تمامی چند صد محدوده جغرافیایی مورد بحث با یکی از حدود چهل جایگاه انتشار یادگیری که دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی مرکز جهانی در پاسخ به نیاز شدید به برنامه های نوجوانان در سرتاسر عالم تأسیس نموده در ارتباط می باشند. مؤسسات آموزشی که در این محدوده های جغرافیایی فعالیت دارند در سال گذشته از دانش حاصله از طریق این جایگاه ها به خصوص در

ارتباط با هماهنگ سازی برنامه ها بهره برده اند. بدون شک، توانمندی لازم برای ادامه ده ها گروه نوجوانان نیروی محرکهای قوی برای پیشرفت هریک از این محدوده ها گشت و کمکی قاطع به رشد متعاقب حلقه های مطالعه و کلاس های کودکان نمود. جایگاه های مورد حمایت دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی کمک به مؤسسات آموزشی را در حل مسائل پیچیده ناشی از اجرای برنامه ای برای یک گروه سنی که قوای عظیم مکنونه اش باید مورد تفحص مستمر باشد ادامه خواهند داد. اما انتظار ما این است که خود مؤسسات آموزشی فرایند یادگیری لازم جهت اداره نمودن تعداد زیادی از کلاس های کودکان و حلقه های مطالعه را ترویج دهند، طرحی را در سطح محدوده جغرافیایی که هماهنگ سازی بین سه حوزه مشخص فعالیت ها را تحکیم می بخشد پیاده نمایند و راه را برای انتقال منابع از سطح منطقه ای به سطح مردمی هموار سازند تا پیشروی بی وقفه گروه های عظیم شرکت کننده از یک مرحله فرایند آموزشی به مرحله بعدی تضمین شود و اجرای منظم و ادواری فعالیت ها که برای رشد منظم و سیستماتیک بسیار ضروری است تسهیل گردد.
۸۰۹ ۱۲-۱۲-۲۰۱۱ تاریخ پیام :

نکات :
۱ – طراحی گسترده در تجاوز به حقوق کودکان در سطح بین المللی و تهیه مواد و ارائه خدمان لجستیکی برای رسیدن به اهداف نقشه (اقدام اساسی) توسط دفتر توسعه

۲ – ارتباط مستقیم توسط موسسه آموزشی در سطح ملی با دفتر موسسه در سطح نهاد فرامنطقه و مستقر در اسرائیل برای فراگیری در حوزه اقدام جهت اجرای اهداف نقشه (سلب تمامیت ارضی)

کارشناس

حسن ارشاد

فارغ التحصیل دانشکده علوم قضایی

متخصص در فرق و ادیان – بابیت و بهائیت

لینک فیلم در تلگرام
https://t.me/naghdbahaiat/33496

لینک آپارات
https://aparat.com/v/5isZ2

لینک صدا
https://t.me/mardomtve/4146

فیلم نقد

نشست ۸۳۵

معرفی سازمان توسعه بین الملل بهایی " دفتر سابق توسعه اجتماعی و اقتصادی " در اسرائیل

(تغییر بافت جمعیتی جهت بر اندازی)

متن پیام بیت العدل بررسی سند ششم

در مورد گروه های نوجوانان نیز دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی رویکرد مشابهی را توصیه کرده است. محتوای اصلی برنامه شامل مجموعه ای از کتب درسی است که گروه ها مطالعه می کنند. از قرار معلوم در حال حاضر هفت کتاب از هجده کتاب درسی مورد نظر در دسترس است که موضوع های گوناگونی را از دیدگاه بهائی ولی نه به صورت آموزش دینی مورد بحث قرار می دهد. این کتاب ها بخش عمده یک برنامه سه ساله را تشکیل می دهند. به کتاب درسی دیگر یک بخش متمایز مطالب امری را ارائه خواهد داد و از این مجموعه دو کتاب در حال حاضر مورد استفاده می باشد. به مشوقین گروه های نوجوانان توصیه گشته که مطالعه کتب را با فعالیت های هنری و پروژه های خدمت غنی تر نمایند. مانند معلمین کلاس های کودکان، هماهنگ کننده مؤسسه آموزشی در سطح محدوده جغرافیایی می تواند مشوقین را در این زمینه یاری دهد. اما در اغلب موارد، این قبیل پروژه ها و فعالیت ها توسط خود نوجوانان، بر حسب شرایط و علایق خودشان و با مشورت با مشوق گروه، انتخاب می گردد. کسانی که در مقام معلم یا مشوق قائم به خدمت هستند باید همیشه در چنین مسائلی با حکمت و بصیرت عمل نمایند. آموزش و پرورش رشته وسیعی است و تئوری های آموزشی فراوانند. مطمئنا بسیاری از این تئوری ها مزایای قابل ملاحظه ای دارند ولی باید به خاطر داشت که هیچ یک عاری از فرضیاتی درباره ماهیت انسان و اجتماع نیستند. مثلا یک فرایند آموزشی باید در کودک نسبت به استعدادهای خود آگاهی ایجاد نماید ولی از بزرگداشت نفس و از پرورش احساس خود پسندی شدید بپرهیزد. چه بسا مواردی که به نام ایجاد اعتماد به نفس، نفس اماره تقویت می گردد. همین طور در تربیت نسل جوان ، بازی مکان خود را دارد ولی کودکان و نوجوانان اغلب قابلیت خود را برای شرکت در مباحث انتزاعی – در سطحی متناسب با سن شان به اثبات رسانده و از تلاش جدی برای درک و فهم مطالب حظ وافر برده اند. یک فرایند آموزشی که با دریایی از سرگرمی های فریبنده و مسحورکننده محتوای مواد آموزشی را کم مایه می سازد نفعی برای کودکان و نوجوانان ندارد. اطمینان داریم که معلمین و مشوقین با مطالعه دوره های مؤسسه آموزشی، خود را بیش از پیش برای قضاوت صحیح در انتخاب مواد و فعالیت های لازم – چه از میان منابع آموزشی سنتی و چه از میان انبوهی از اقلام موجود از قبیل سرود، داستان و بازی هایی که مطمئنا در سال های آینده برای نسل جوان بائی تهیه خواهد شد – آماده و مجهز خواهند یافت.

۸۰۹ ۱۲-۱۲-۲۰۱۱ تاریخ پیام

نکات :

۱ – نقش مستقیم دفتر طرح و توسعه در طراحی محتوای کتاب روحی و مدیریت علمی و محتوایی پروسه تغییر بافت جمعیتی (سلب تمامیت ارضی – همکاری با کشور متخاصم)

۲ – تهیه محتوا برای مغزشوئی کودک جهت دفتر در راستای رایل کردن فرهنگها و در اختیار موسسه آموزش ملی قرار دادن

۳ – یکی از ابزارهای مغزشوئی تجاوز به حقوق کودک در غالب طرح روحی اقدام تحت پوشش پروژه های خدمتی که ریل گذاری آن در سطح جهانی دد حوزه تهیه محتوا توسط دفتر طرح و توسعه و مصرف کننده آن موسسه آموزش ملی است

۴ – ارتباط سیستماتیک بین موسسه ملی با موسسه طرح و توسعه در اسرائیل (سلب تمامیت ارضی)

کارشناس

حسن ارشاد

فارغ التحصیل دانشکده علوم قضایی

متخصص در فرق و ادیان – بابیت و بهائیت

لینک فیلم در تلگرام
https://t.me/naghdbahaiat/33497

لینک آپارات
https://aparat.com/v/m5xpk

لینک صدا
https://t.me/mardomtve/4147

فیلم نقد

❖

نشست ۸۳۶
معرفی سازمان توسعه بین الملل بهایی ” دفتر سابق توسعه اجتماعی و اقتصادی “ در اسرائیل (تغییر بافت جمعیتی جهت بر اندازی)

متن پیام بیت العدل بررسی سند هفتم

اعتراف به نقش دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادیِ بیت العدل اعظم در تمام دنیا از اسرائیل – جاسوسی :: تمام اطلاعات اقدامات اجتماعی از سراسر عالم طی سی سال گذشته قرائت منطقه شده رفته اسرائیل داخل این دفترو ارتباط تنگاتنگ این موسسه با موسسه آموزشی در ایران ::

با پیشرفت مستمرّ ترویج و تحکیم در سال گذشته، کوشش در سایر عرصه های مهم نیز غالباً به موازات آنها پیش رفته است. یکی از بارزترین نمونه ها آنست که پیشرفتهایی که در سطح فرهنگِ برخی از دهکده ها و محلّه ها مشاهده میگردد تا حدّی مدیون آموخته های ناشی از مشارکت بهائیان در اقدام اجتماعی است. دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادیِ بیت العدل اعظم اخیراً سندی در این زمینه تهیّه نموده که حاوی عصارهٔ تجربهٔ سی ساله، یعنی از ابتدای تأسیس آن دفتر در مرکز جهانی بهائی تا امروز است. از جمله نکات مذکور در این سند این است که فرایند مؤسّسهٔ آموزشی تا چه حدّ به مشارکت در اقدام اجتماعی نیز تحرّک میبخشد. این امر به تنهایی در اثر افزایش منابع انسانی صورت نمی پذیرد بلکه تجربه نشان داده است که بینشهای روحانی و خصایص و تواناییهای منبعث از فرایند مؤسّسهٔ آموزشی به همان اندازه که برای کمک به فرایند رشد ضروری است برای مشارکت در اقدام اجتماعی نیز حائز اهمّیّت میباشد. نکتهٔ دیگری که در این سند توضیح داده شده این است که چگونه یک چارچوب ذهنی مشترکِ در حال تکامل و متشکّل از عناصری که متقابلاً یکدیگر را تقویت میکنند، بر تمامی فعّالیّتهای جامعهٔ بهائی حکمفرما است هرچند این عناصر در عرصه های متمایزِ عمل جلوه های متفاوتی به خود میگیرند. سند مذکور اخیراً به محافل روحانی ملّی ارسال شده است. حال از آن محافل دعوت مینماییم که در مشورت با مشاورین این مسئله را مورد بررسی قرار دهند که چگونه مفاهیم مندرج در آن میتواند به پیشبرد مساعی جاری در عرصهٔ اقدام اجتماعی در مناطق تحت اشراف آنها کمک کند و آگاهی از این بُعد مهمّ مجهودات بهائی را افزایش دهد. این دعوت نباید به عنوان فراخوانی عمومی برای تلاشهای گسترده در این زمینه تعبیر گردد زیرا در یک جامعهٔ در حال رشد شروعِ اقدام اجتماعی به طور طبیعی صورت میپذیرد ولی بجاست که احبّا در بارهٔ نتایج و مقتضیات مساعی خود در جهت تقلیب اجتماع عمیقتر به تفکّر و تأمّل پردازند. ازدیاد یادگیری در اقدام اجتماعی مشغلهٔ بیشتری برای دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی ایجاد مینماید و تمهیداتی در دست تهیّه است تا عملیّات این دفتر به نحو متناسبی بسط و تکامل یابد.

۸۲۵ ۲۱-۰۴-۲۰۱۳ تاریخ پیام

نکات :

۱ – ارتباط تنگاتنگ سازمانی موسسه آموزشی در تهیه محتوای اساسی و اجتماعی با موسسه طرح و توسعه اجتماعی در اسرائیل و استفاده از بانک سی ساله این مرکز در محدوده های جغرافیایی منطقه خود

۲ – اعتراف به ارتباط با کشور متخاصم

۳ – دقیقا این جمله یعنی در پوشش سوء استفاده از نقائص جوامع به بهانه رفع نیاز در پوشش اقدامات اجتماعی به هدف اجرای نقشه های بیت العدل و تصرف و تجاوز به سرزمین عمل کردن : " فرایند مؤسّسهٔ آموزشی تا چه حدّ به مشارکت در اقدام اجتماعی نیز تحرّک میبخشد "

۴ – این جمله یعنی نقض حاکمیت ملی و سلب تمامیت ارضی " سند مذکور اخیراً به محافل روحانی ملّی ارسال

شده " آیا باید برای اقدامات فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی از بیرون مرزها دخالت در جغرافیایی ممالک انجام داد ؟

کارشناس

حسن ارشاد

فارغ التحصیل دانشکده علوم قضایی

متخصص در فرق و ادیان – بابیت و بهائیت

لینک فیلم در تلگرام
https://t.me/naghdbahaiat/33498

لینک آپارات
https://aparat.com/v/vux3h

لینک صدا
https://t.me/mardomtve/4148

فیلم نقد :

❖

نشست ۸۳۷
معرفی سازمان توسعه بین الملل بهایی " دفتر سابق توسعه اجتماعی و اقتصادی " در اسرائیل
(تغییر بافت جمعیتی جهت بر اندازی)

متن پیام بیت العدل بررسی سند هشتم

سی و پنج سال پیش، اوضاع در داخل و خارج از جامعهٔ بهائی مجموعاً امکانات تازهای را برای مشارکت بیشتری در حیات اجتماع فراهم آورد. امر مبارک به مرحله ای از پیشرفت رسیده بود که لازم گردید فرایندهای توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی به صورت فعّالیّتهای منظّم جامعه درآید و در اکتبر ۱۹۸۳ از بهائیان جهان دعوت نمودیم که به این میدان جدید فعّالیّت وارد شوند. به منظور مساعدت به ما در پیشبرد و هماهنگی فعّالیّتهای احبّا در سراسر جهان، دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی بهائی تأسیس شد. در آن زمان، فعّالیّتهای جامعهٔ بهائی در زمینهٔ توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی، در هر سطحی از پیشرفت، حدود چند صد فعّالیّت بیش نبود. امروز این رقم به دهها هزار رسیده است که صدها طرح پایدار مانند مدارس و دهها سازمان توسعه را شامل میگردد.

دامنهٔ وسیع فعّالیّتهای کنونی از روستاها و محلّه ها تا مناطق و کشورها را در بر میگیرد و مجموعهای از چالشها از جمله آموزش و پرورش از کودکستان تا دانشگاه، سوادآموزی، بهداشت، محیط زیست، حمایت از پناهندگان، پیشرفت زنان، تواندهی به نوجوانان، رفع تعصّبات نژادی، کشاورزی، اقتصاد محلّی و توسعهٔ روستایی را شامل میشود. بر اثر تسریع فرایند ترویج و تحکیم به خصوص در محدودههای جغرافیایی پیشرفته، قوّهٔ اجتماعسازی امر حضرت بهاالله به نحوی سیستماتیک و منظّم تر در حیات جمعی احبّا جلوه گر شده است. بعلاوه، البتّه مؤمنین بیشماری از طریق مجهودات حرفه ای و داوطلبانهٔ خویش، نیرو و بینش خود را صرف طرحها و سازمانهایی میکنند که برای خیر عموم تأسیس شده است.

۹۱۷ ۰۹-۱۱-۲۰۱۸ تاریخ پیام بیت العدل

نکات :

۱ – اقرار بر اینکه دفتر توسعه اقتصادی اجتماعی در ۱۹۸۳ در اسرائیل تاسیس شد و متولی کلیه اقدامات اجتماعی در جهان بود

۲ – پوششهای نیل به اقدام اساسی و برای اجرای نقشه و تغییر بافت جمعیتی توسط دفتر طرح و توسعه ::

آموزش و پرورش از کودکستان تا دانشگاه، سوادآموزی، بهداشت، محیط زیست، حمایت از پناهندگان، پیشرفت زنان، تواندهی به نوجوانان، رفع تعصّبات نژادی، کشاورزی، اقتصاد محلّی و توسعهٔ روستایی

۳ – تاکید بر ترویج و تحکیم و اقدامات در محدوده های جغرافیایی و قوه اجتماع سازی امر بهاء الله به عبارت دیگر تاکید بر اجرای اهداف نقشه و توسعه منابع انسانی دولت موازی است (سلب تمامیت ارضی)

کارشناس

حسن ارشاد

فارغ التحصیل دانشکده علوم قضایی

متخصص در فرق و ادیان – بابیت و بهائیت

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/33506

لینک آپارات

https://www.aparat.com/v/y3DAx

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/4149

نقد فیلم :

⊗

نشست ۸۳۸

معرفی سازمان توسعه بین الملل بهایی " دفتر سابق توسعه اجتماعی و اقتصادی " در اسرائیل

(تغییر بافت جمعیتی جهت بر اندازی)

متن پیام بیت العدل بررسی سند نهم

بدین ترتیب بار دیگر نیروهایی در داخل و خارج از امر مبارک ظهور مرحلهٔ جدیدی را در کار توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی در عالم بهائی ممکن ساخته است. لذا در این ایّام مبارک جشنهای میلاد دو مظهر ظهور الهی با نهایت خوشوقتی اعلام میداریم که دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی اکنون به صورت مؤسّسهٔ جهانشمول جدیدی مستقرّ در مرکز جهانی تحت عنوان سازمان توسعهٔ بین المللی بهائی شکوفا میگردد. بعلاوه، یک صندوق توسعهٔ بهائی تأسیس خواهد شد که این سازمان جدید از آن برای کمک به فعّالیّتهای توسعه در سراسر جهان، اعمّ از طرحهای درازمدّت و یا جدید، استفاده خواهد کرد. این صندوق توسّط بیت العدل اعظم حمایت خواهد شد و افراد و مؤسّسات میتوانند به آن تبرّع نمایند. یک هیئت مدیرهٔ پنج نفره منصوب خواهد شد که در مقام هیئتی مشورتی به منظور پیشبرد و هماهنگی مجهودات جامعهٔ جهانی در زمینهٔ توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی انجام وظیفه خواهد نمود. دورهٔ خدمت این هیئت مدیره پنج سال خواهد بود که از یوم میثاق آغاز میگردد. به منظور هماهنگی و انسجام فعّالیّتهای توسعه با مجهودات متعدّد عالم بهائی، این هیئت که در قلب روحانی و اداری امر مبارک خدمت میکند با بیت العدل اعظم و دارالتّبلیغ بین المللی مشورت خواهد کرد. این مؤسّسهٔ جدید با عهده دار شدن وظایف و اموری که قبلاً توسّط دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی انجام میشد کار خود را آغاز خواهد کرد و به تدریج قابلیّت آن افزایش یافته این وظایف را در مقیاسی وسیع و در سطوحی بالاتر و پیشرفته تر انجام خواهد داد و با تقویت مساعی افراد، جوامع، و مؤسّسات بهائی در سراسر جهان، دامنهٔ اقدامات آنها را گسترش داده تحکیم میبخشد. از جمله با ایجاد نهادهای جدید و پیدایش سازمانهای توسعهٔ پیشرفته، این مؤسّسه به تقویت قابلیّت تشکیلاتی توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی در جوامع ملّی کمک خواهد کرد و رویکردهای توسعه و روشهایی را که در این راستا مؤثّر واقع شده در مقیاسی بین المللی ترویج خواهد داد. این مؤسّسه راجع به آخرین یافته ها در زمینهٔ توسعه، مطّلع خواهد ماند و کاربرد آنها را در تطبیق با اصول روحانی با کمک بهائیان کارآزموده در زمینه های مربوطه بررسی خواهد نمود. در سراسر قارّات عالم شبکه هایی از افراد کاردان و مؤسّساتی با تمهیداتی که برای انجام خطوط عمل گوناگونش مورد نیاز است تشکیل خواهد داد. مهمتر آنکه مانند دفتر سابق توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی، هدف اوّلیّهٔ این سازمان تسهیل یادگیری در بارهٔ توسعه از طریق ترویج و حمایتِ عمل، تأمّل در عمل، مطالعه، مشورت، جمع آوری و سیستماتیک کردن تجربه، مفهوم سازی، و آموزش است که همه با توجّه به تعالیم امر مبارک انجام میشود.

۹۱۷ ۰۹-۱۱-۲۰۱۸ تاریخ پیام

نکات :

۱ – تبدیل دفتر طرح و توسعه در سال ۲۰۱۸ به " سازمان توسعهٔ بین المللی بهائی "

۲ – تامین مالی فعالیتهای این سازمان توسط " یک صندوق توسعهٔ بهائی تأسیس خواهد شد "

۳ – رابطه سیستماتیک جامعه جهانی بهایی در سازمان ملل " bic " با سازمان توسعه بین المللی بهایی

۴ – سه ضلع جامعه جهانی بهایی در آمریکا – نیویرک و سازمان توسعه بین المللی بهایی در اسرائیل حیفا و موسسه آموزش ملی در سطح ملی کشورها مهمترین عامل هماهنگ بیت العدل برای نیل به اهداف نقشه های بیت العدل و فلسطینیزه کردن کشوهاست

۵ – هدف از فرایند این سه ضلع " تقویت قابلیّت تشکیلاتی توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی در جوامع ملّی " به عبارتی تقویت حکومت موازی است .

۶ – بهانه طرح های توسعه پوششی برای توسعه منابع انسانی و حکومت موازی است مستند به این جمله

" این مؤسّسه راجع به آخرین یافته ها در زمینهٔ توسعه، مطّلع خواهد ماند و کاربرد آنها را در تطبیق با اصول روحانی با کمک بهائیان کارآزموده در زمینه های مربوطه بررسی خواهد نمود "

۷ – سازمان توسعه بین الملل بهایی همان " دفتر سابق توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی " می باشد

۸ – اهداف اولیه سازمان : " هدف اوّلیّهٔ این سازمان تسهیل یادگیری در بارهٔ توسعه از طریق ترویج و حمایتِ عمل، تأمّل در عمل، مطالعه، مشورت، جمع آوری و سیستماتیک کردن تجربه ((جاسوسی)) ، مفهوم سازی، و آموزش است که همه با توجّه به تعالیم امر مبارک ((توسعه پوششی برای توسعه منابع انسانی حکومت موازی)) انجام میشود."

کارشناس

حسن ارشاد

فارغ التحصیل دانشکده علوم قضایی

متخصص در فرق و ادیان – بابیت و بهائیت

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/33507

لینک آپارات

https://www.aparat.com/v/uabKl

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/4150

فیلم نقد :

========

دفتر بین المللی توسعه اقتصادی اجتماعی (دفترسابق توسعه اقتصادی اجتماعی) یکی از ارکان فرامنطقه ای مستقر در حیفا – اسرائیل در راستای تهیه محتوای تغیر بافت جمعیتی برای (طرح روحی) کلیه کشورها می باشد و زیر سیطره نهاد اطلاعات و امنیتی دار التبلیغ به تهیه محتوای کارگاهی و آموزشی کلیه موسسات آموزش ملی کشورها مختلف می پردازد در واقع وظیفه مهم و حساس این سازمان تهیه مواد برای موسسات آموزش ملی بشکل جهانی است و این موسسات در هر کشور مطالب دریافتی از این نهاد را در سطح ملی آن کشور بومی سازی می کند و موسسات آموزش منطقه ای نیز بشکل جزئی تر آن مطالب را بشکل ریزتر بومی سازی می کند مطالب این مقاله را در دو بخش تقدیم می کنم ابتدا به معرفی کلی این نهاد از سایتهای بهایی و سپس به ارائه اسناد از پیامها و هدایات بیت العدل می پردازم

الف : معرفی اجمالی از سایتهای بهایی

دفتر بین المللی توسعه اقتصادی اجتماعی تعداد ۵ نفر

موسسات وابسته به جامعه سازی

ظرفیت سازی : شامل

آموزش

یادگیری

علم

مربی و راهنما

مهارت

توسعه

حمایت

دفتر بین المللی طرح های توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی بهائی در ابتدا به شکل دفتر طرح های توسعه اقتصادی اجتماعی در سال ۱۹۷۳ شروع به کار کرد.

پیدایش طرح های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی امر :

این طرح ها پیرو چهار مرحله از سیستم تبلیغاتی امر و پیام مهم بیت العدل در سال ۱۹۷۳ میلادی برابر با ۱۳۵۲ شمسی شروع شده و متعاقبا به مرحله اجرا در آمده است.

پیام مهم بیت العدل در سال .۱۳۵۲ توسعهء اجتماعی و اقتصادی: چشم اندازی برای آینده- بیانیهء مصّوب بیت العدل اعظم برای استفاده در هدایت و جهت دهی فعالیت توسعهء اجتماعی و اقتصادی بهائی در سراسر عالم جهت توسعهء اجتماعی و اقتصادی بهائی.

تأسیس نهاد جدید توسط بیت العدل در ۹ نوامبر ۲۰۱۸ ، پیام خود به بهائیان جهان را اعلام نمود.

اعضای هیئت مدیره سازمان توسعه بین المللی بهائی برای دوره ای پنج ساله از ماه نوامبر ۲۰۱۸ منصوب شدند. افراد سینا رحمانیان ، لوری مک الولین نوگوچی ، مامه برودومابا

نکتسیا ، الیسا کانی و جورج ثریا هستند. آنها اولین جلسه هیئت مدیره خود را در مرکز جهانی بهائی برگزار کردند. – نوامبر ۲۰۱۹ – .

The establishment of the new institution was announced by the Universal House of Justice in its 9

.November 2018, message to the Baha’is of the World

The members of the board of directors of the Baha’i International Development Organization were

,appointed for a five-year term beginning in November. The directors are Sina Rahmanian Lori

.McLaughlin Noguchi, Maame Brodwemaba Nketsiah, Elisa Caney, and George Soraya They held

. – their first board meeting at the Baha’i World Centre. – Nov,9, 2019

The office of The socio economic, cultural and society Development – OSED – has been changed to

. – Baha’i International Development Organization – BIDO

افراد – از سمت چپ – سینا رحمانیان ، لوری مک الولین نوگوچی – قبال از مدیران بنیاد بدیع در چین بوده – ، مامه برودومابا نکتسیا ، الیسا کانی و جورج ثریا هستند.

The directors are – from left – Sina Rahmanian, Lori McLaughlin Noguchi, Maame Brodwemaba Nketsiah, Elisa Caney, and George .Soraya

لازم به ذکر است که به سند زیر توجه خاص شود بنا به اعتراف همین نهاد طرح های توسعه اقتصادی و اجتماعی ده سال قبل از سال ۱۹۸۳ یعنی سال ۱۹۷۳ مصادف با سال ۱۳۵۲ آغاز شده بود



توسعهء اجتماعی و اقتصادی

چشم اندازی برای آینده

بیانیهء مصوّب بیت العدل اعظم

برای استفاده در هدایت و جهت دهی فعالیت

توسعهء اجتماعی و اقتصادی بهائی در سراسر عالم

الف – جهت توسعهء اجتماعی و اقتصادی بهائی

بیت العدل اعظم در پیام ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳ خطاب به عالم بهائی دعوت به ادغام جریان های توسعهء اجتماعی و اقتصادی در فعالیت های منظّم جامعهء اسم اعظم فرمودند. در طیّ ده سال گذشته بسیاری از جوامع این دعوت را اجابت کرده و تعداد قابل ملاحظه ای از طرحها را که اکثراً در زمینهء آموزشی امّا برخی دیگر در زمینه های بهداشتی، کشاورزی و توسعه می باشد، شروع کرده اند که اینک فعّالانه تعقیب می شود. معدودی از این طرحها به موقعیت سازمان های توسعه با ساختارهای برنامه ای نسبةً پیچیده و حیطهء نفوذ بارزی دست یافته اند. امّا، غیر از موفقیت های این مجموعه از طرح ها و سازمانها، ارزشمندترین نتایج مساعی مخلصانهء یاران در این زمینه عبارت از انباشت معلومات در مورد نحوهء عملیاتی کردن رهیافت دقیقاً بهائی نسبت به توسعهء اجتماعی و اقتصادی است. پیام اکتبر ۱۹۸۳ برخی از عناصر بسیار قابل توجه این رهیافت را بر می شمارد که از آنها عبارتند از:

ب : معرفی سازمان توسعه بین الملل بهایی ” دفتر سابق توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی “

سند اول

۴-۲ توسعه ی اجتماعی-اقتصادی

قابل تذکر است که دفتر توسعه ی اجتماعی-اقتصادی با توجه به رهنمونهای بیت العدل اعظم به بعضی از مؤسسات آموزشی کمک میکند تا بُعد دیگری را به فعالیتهای خود بیفزایند. یعنی کارآموزی دادن در زمینه ی توسعه ی اجتماعی و اقتصادی و حتی در حیطه ی مدیریت طرحهای توسعه ی اجتماعی و اقتصادی. فعلاً این کمک فقط محدود به چند کشور است. شرط لازم برای این فعالیت افزایش توانایی مؤسسه ی آموزشی است به سطحی که از استقلال بیشتری بر خوردار باشد.

اکنون که پایه های مرحله ی بعدی کار مؤسسه گذاشته شده است بیت العدل اعظم از محفل شما میخواهند که استقلال لازم برای جریان صحیح کار را به مؤسسه بدهید. پرورش نیروی انسانی برای توسعه و تحکیم جامعه و به منظور اجرا و اداره ی برنامه های توسعه ی اجتماعی و اقتصادی وظایف ساده ای نیست و مؤسسه ی آموزشی باید آزادی عمل لازم را داشته باشد تا بتواند مداوماً کار خود را بهبود بخشد.

۱۹۹۸-۰۴-۰۱ ۵۸۴

نکات :

۱ – تربیت افراد در حوزه اقدام اجتماعی در کنار اقدام اساسی در تعامل تنگاتنگ با موسسه طرح و توسعه اقتصادی و اجتماعی در اسرائیل

۲ – ایجاد مهارت برای رسیدن به تغییر بافت جمعیتی در پوشش اقدامات اجتماعی و ان جی او

۳ – اعتراف به ارتباط با نهادهای قانونی در اسرائیل و اجرای فرامین آن در کشور در حوزه های اجتماعی – اقتصادی – فرهنگی وو

سند دوم

دفتر توسعه اجتماعی اقتصادی در اسرائیل – تجاوز به حقوق کودک ::

در زمینه توسعهٔ اجتماعی اقتصادی، سرعت و تحرّکی حاصل شده که بر نتایج حاصله از مساعی فردی و تشکیلاتی، هم در تقویت و تحکیم در داخل جامعه و هم در معاضدت جامعه با سایرین تأثیری هرچه عمیقتر میگذارد. دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی گزارش میدهد که در طیّ سال دوّم نقشه، هشت مؤسّسهٔ خدمات عمرانی جدید که ملهم از تعالیم بهائی است تأسیس شده که در زمینه های متنوّعی چون ترقّی زنان، بهداشت، کشاورزی، تعلیم و تربیت اطفال و پرورش اخلاقی جوانان فعّالیت میکنند.

۲۰۰۳-۰۴-۲۱ ۶۶۲

نکات :

۱ – دفتر توسعه در راستای اجرای نقشه و بر اندازی فعالیت می کند

۲- تمام سازمانهای ملهم از تعالیم بهایی در سراسر دنیا تحت مدیریت دفتر طرح و توسعه در جهت اجرای نقشه اقدام می کنند هم در ایران طی نقشه ۲۰۱۸ جامعه جهانی بهایی هم در جهان کل نقشه مشاهده شود

۳- تجاوز به حقوق کودک توسط مدیریت این موسسه در عرصه جهانی مثلا بنیاد بدیع در چین

۴- تمام اقدامات گفتمان هدفمند مانند ترقی زنان و بهداشت ووو پوششی و دامی است برای اجرای نقشه

سند سوم

موسسه طرح و توسعه اجتماعی و اقتصادی در اسرائیل طراح این سیستم است – شبکه ایجاد کرده از کل دنیا می روند اسرائیل یاد می گیرند بر می گردند انجام می دهند :::

اینکه قسمت عمدهٔ این برنامه مطالب را از دیدگاه بهائی ولی نه به صورت آموزش دینی بررسی میکند، راه را برای عرضهٔ آن به نوجوانان در محیط ها و شرایط مختلف باز کرده است. در نتیجه در بسیاری از موارد، مجریان این برنامه با اطمینان به میدان اقدام اجتماعی وارد میشوند و با مسائل و امکانات گوناگونی رو به رو میگردند. این اقدامات و مسائل و امکانات توسّط دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی در ارض اقدس به صورت یک فرایند یادگیری در سطح جهانی دنبال و تنظیم میگردد. تا کنون به مدد دانش و تجربهٔ به دست آمده، چند محدودهٔ جغرافیایی در اطراف جهان این توانمندی را کسب نمودهاند که هر یک متجاوز از هزار نوجوان را تحت پوشش این برنامه قرار دهند. برای اینکه محدوده های جغرافیایی دیگر نیز
بتوانند به سرعت در این جهت پیش روند، دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی، با کمک گروهی از احبّا، مشغول تأسیس شبکه ای از جایگاههایی در همهٔ قارّات عالم برای تعلیم هماهنگ کنندگان در صدها محدوده میباشد. این افراد کاردان پس از بازگشت هماهنگ کنندگان به محدوده های جغرافیایی خود، به حمایت آنان ادامه میدهند تا آنها بتوانند محیطی سرشار از روحانیّت در جهت تداوم برنامهٔ نوجوانان به وجود آورند.

۲۰۱۰-۰۴-۲۱ ۷۸۸

نکات :

۱- اعتراف به اقدام پوششی توسط دفتر توسعه در سطح بین المللی

۲- این اقدام در سطح محدوده های جغرافیایی

۳ – محل تجمیع تمام اقدامات و اطلاعات در مورد مسائل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در اسرائیل نزد این دفتر می باشد

۴ – تجاوز به حقوق کودک

۵ – نقش دفتر توسعه در آموزش مستقیم به کلیه بهائیان جهان و بازگشت به کشورشان

۶- نقض حاکمیت ملی و سلب تمامیت ارضی

سند چهارم

سند پشتیبانی موسسه طرح و توسعه در اسرائیل برای کلاستر ها :::

پیام رضوان، معدودی از مشخّصه های اقدام اجتماعی در میان توده ها، و شرایطی را که باید ملحوظ داشت، توصیف میکند. عموماً مساعی متوجّه به یک روستا، در مقیاس کوچک شروع میشود. معمولاً عدّه ای از یاران پا در میدان میگذارند، و هر یک، نیازی اجتماعی یا اقتصادی را که خود تشخیص داده است، هدف قرار میدهد و به معدودی از اقدامات مناسب متوسّل میشود. در این راستا، مشورت در ضیافت نوزدهروزه، فضای مناسبی را فراهم میآورد که در آن، آگاهی رشد یابندۀ جامعه، بتواند مجاری بروز سازنده، پیدا کند. طبیعت فعّالیتها هرچه که باشد، محفل محلّی باید مراقب تله های بالقوّه بوده، در صورت لزوم، احبّا را یاری کند از کنار آنها بگذرند. از جملۀ این تله ها است: وسوسۀ طرّاحی برنامه های بیش از حدّ جاه طلبانه که توان افراد را میگیرند و نهایتاً هم، از کنترل خارج میشوند؛ تمایل به اخذ کمکهای مالی که دوری از اصول بهائی را الزام میکند؛ قول فناوریهای گول زننده که دهکده را از میراث فرهنگیاش تهی مینماید و به فروپاشی و ناسازگاری منتهی میشود. در نهایت، توانی که فرایند مؤسّسه در دهکده ایجاد کرده، و قابلیتهایی که در افراد برانگیخته، میتواند یاران را قادر سازد از روشها و برنامه هایی که ثمرده یشان به اثبات رسیده است بهره برند؛ برنامه هایی که بعضی از سازمانهای مُلهَم از تعالیم بهائی طرّاحی و تدوین کرده اند و به پیشنهاد و حمایت دفتر توسعۀ اجتماعی و اقتصادی ما، وارد کلاستر شده اند. علاوه بر این، محفل باید بیاموزد با ساختارها و سازمانهای اجتماعی و سیاسی موجود در محلّ تعامل داشته باشد و به تدریج، آگاهی از حضور امر الهی در روستا و تأثیری را که بر پیشرفت آن اِعمال میکند، افزایش دهد.

-۲۰۱۰-۱۲-۲۸ ۷۹۸

نکات :

۱ – هدف جذب توده ها و غیر بهائیان

۲ – پهن کردن دام بر اساس نیازهای اجتماعی و اقتصادی و در پوشش رفع آن نیاز توده ها را جذب می کنند تا منجر به اقدام اساسی و رسیدن به اهداف نقشه شود

۳ – متناسب با فرهنگ محدوده های جغرافیایی عمل کنند تا اهداف در تله نیفتند

۴ – سازمانهای ملهم از تعالیم بهایی با هماهنگی بیت العدل و با پشتیبانی دفتر فوق وارد محدوده های جغرافیایی می شوند

۵ – به بهانه اقدام اجتماعی به مرور در نهادهای تاثیر گذار سیاسی و اجتماعی در محدود جغرافیایی نفوذ کنند برای رسیدن به اهداف نقشه

۶ – ضیافتها صف اول استفاده از دستاورهای دفتر طرح و توسعه در محدوده جغرافیایی خود هستند (نقش ضیافتها)

سند پنجم

دفتر توسعه در اسرائیل و نقشش در محتوای اقدام اساسی و محدوده های جغرافیایی – نقض حاکمیت ملی از اسرائیل :

در رابطه با این موضوع، یک نکته نهائی شایسته تأمل است. تقریبا تمامی چند صد محدوده جغرافیایی مورد بحث با یکی از حدود چهل جایگاه انتشار یادگیری که دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی مرکز جهانی در پاسخ به نیاز شدید به برنامه های نوجوانان در سرتاسر عالم تأسیس نموده در ارتباط می باشند. مؤسسات آموزشی که در این محدوده های جغرافیایی فعالیت دارند در سال گذشته از دانش حاصله از طریق این جایگاه ها به خصوص در ارتباط با هماهنگ سازی برنامه ها بهره برده اند. بدون شک، توانمندی لازم برای ادامه ده ها گروه نوجوانان نیروی محرکهای قوی برای پیشرفت هریک از این محدوده ها گشت و کمکی قاطع به رشد متعاقب حلقه های مطالعه و کلاس های کودکان نمود. جایگاه های مورد حمایت دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی کمک به مؤسسات آموزشی را در حل مسائل پیچیده ناشی از اجرای برنامه ای برای یک گروه سنی که قوای عظیم مکنونه اش باید مورد تفحص مستمر باشد ادامه خواهند داد. اما انتظار ما این است که خود مؤسسات آموزشی فرایند یادگیری لازم

جهت اداره نمودن تعداد زیادی از کلاس های کودکان و حلقه های مطالعه را ترویج دهند، طرحی را در سطح محدوده جغرافیایی که هماهنگ سازی بین سه حوزه مشخص فعالیت ها را تحکیم می بخشد پیاده نمایند و راه را برای انتقال منابع از سطح منطقه ای به سطح مردمی هموار سازند تا پیشروی بی وقفه گروه های عظیم شرکت کننده از یک مرحله فرایند آموزشی به مرحله بعدی تضمین شود و اجرای منظم و ادواری فعالیت ها که برای رشد منظم و سیستماتیک بسیار ضروری است تسهیل گردد.

۸۰۹ ۱۲-۱۲-۲۰۱۱

نکات :

۱ – طراحی گسترده در تجاوز به حقوق کودکان در سطح بین المللی و تهیه مواد و ارائه خدمات لجستیکی برای رسیدن به اهداف نقشه (اقدام اساسی) توسط دفتر توسعه

۲ – ارتباط مستقیم توسط موسسه آموزشی در سطح ملی با دفتر موسسه در سطح نهاد فرامنطقه و مستقر در اسرائیل برای فراگیری در حوزه اقدام جهت اجرای اهداف نقشه (سلب تمامیت ارضی)

سند ششم :

دفتر طرح و توسعه اقتصادی اجتماعی در اسرائیل ::

در مورد گروه های نوجوانان نیز دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی رویکرد مشابهی را توصیه کرده است. محتوای اصلی برنامه شامل مجموعه ای از کتب درسی است که گروه ها مطالعه می کنند. از قرار معلوم در حال حاضر هفت کتاب از هجده کتاب درسی مورد نظر در دسترس است که موضوع های گوناگونی را از دیدگاه بهائی ولی نه به صورت آموزش دینی مورد بحث قرار می دهد. این کتاب ها بخش عمده یک برنامه سه ساله را تشکیل می دهند. به کتاب درسی دیگر یک بخش متمایز مطالب امری را ارائه خواهد داد و از این مجموعه دو کتاب در حال حاضر مورد استفاده می باشد. به مشوقین گروه های نوجوانان توصیه گشته که مطالعه کتب را با فعالیت های هنری و پروژه های خدمت غنی تر نمایند. مانند معلمین کلاس های کودکان، هماهنگ کننده مؤسسه آموزشی در سطح محدوده جغرافیایی می تواند مشوقین را در این زمینه یاری دهد. اما در اغلب موارد، این قبیل پروژه ها و فعالیت ها توسط خود نوجوانان، بر حسب شرایط و علایق خودشان و با مشورت با مشوق گروه، انتخاب می گردد. کسانی که در مقام معلم یا مشوق قائم به خدمت هستند باید همیشه در چنین مسائلی با حکمت و بصیرت عمل نمایند. آموزش و پرورش رشته وسیعی است و تئوری های آموزشی فراوانند. مطمئنا بسیاری از این تئوری ها مزایای قابل ملاحظه ای دارند ولی باید به خاطر داشت که هیچ یک عاری از فرضیاتی درباره ماهیت انسان و اجتماع نیستند. مثلا یک فرایند آموزشی باید در کودک نسبت به استعدادهای خود آگاهی ایجاد نماید ولی از بزرگداشت نفس و از پرورش احساس خود پسندی شدید بپرهیزد. چه بسا مواردی که به نام ایجاد اعتماد به نفس،

نفس اماره تقویت می گردد. همین طور در تربیت نسل جوان ، بازی مکان خود را دارد ولی کودکان و نوجوانان اغلب قابلیت خود را برای شرکت در مباحث انتزاعی – در سطحی متناسب با سن شان به اثبات رسانده و از تلاش جدی برای درک و فهم مطالب حظ وافر برده اند. یک فرایند آموزشی که با دریایی از سرگرمی های فریبنده و مسحورکننده محتوای مواد آموزشی را کم مایه می سازد نفعی برای کودکان و نوجوانان ندارد. اطمینان داریم که معلمین و مشوقین با مطالعه دوره های مؤسسه آموزشی، خود را بیش از پیش برای قضاوت صحیح در انتخاب مواد و فعالیت های لازم – چه از میان منابع آموزشی سنتی و چه از میان انبوهی از اقلام موجود از قبیل سرود، داستان و بازی هایی که مطمئنا در سال های آینده برای نسل جوان بائی تهیه خواهد شد – آماده و مجهز خواهند یافت.

۸۰۹ ۱۲-۱۲-۲۰۱۱

نکات :

۱ – نقش مستقیم دفتر طرح و توسعه در طراحی محتوای کتاب روحی و مدیریت علمی و محتوایی پروسه تغییر بافت جمعیتی (سلب تمامیت ارضی – همکاری با کشور متخاصم)

۲ – تهیه محتوا برای مغزشوئی کودک جهت دفتر در راستای رایل کردن فرهنگها و در اختیار موسسه آموزش ملی قرار دادن

۳ – یکی از ابزارهای مغزشوئی تجاوز به حقوق کودک در غالب طرح روحی اقدام تحت پوشش پروژه های خدمتی که ریل گذاری آن در سطح جهانی دد حوزه تهیه محتوا توسط دفتر طرح و توسعه و مصرف کننده آن موسسه آموزش ملی است

۴ – ارتباط سیستماتیک بین موسسه ملی با موسسه طرح و توسعه در اسرائیل (سلب تمامیت ارضی)

سند هفتم

اعتراف به نقش دفتر توسعۀ اجتماعی و اقتصادیِ بیت العدل اعظم در تمام دنیا از اسرائیل – جاسوسی :: تمام اطلاعات اقدامات اجتماعی از سراسر عالم طی سی سال گذشته قرائت منطقه شده رفته اسرائیل داخل این دفترو ارتباط تنگاتنگ این موسسه با موسسه آموزشی در ایران ::

با پیشرفت مستمرّ ترویج و تحکیم در سال گذشته، کوشش در سایر عرصه های مهم نیز غالباً به موازات آنها پیش رفته است. یکی از بارزترین نمونه ها آنست که پیشرفتهایی که در سطح فرهنگِ برخی از دهکده ها و محلّه ها مشاهده میگردد تا حدّی مدیون آموخته های ناشی از مشارکت بهائیان در اقدام اجتماعی است. دفتر توسعۀ اجتماعی و اقتصادیِ بیت العدل اعظم اخیراً سندی در این زمینه تهیّه نموده که حاوی عصارۀ تجربۀ سی ساله، یعنی از ابتدای تأسیس آن دفتر در مرکز جهانی بهائی تا امروز است. از جمله نکات مذکور در این سند این است که فرایند مؤسّسۀ آموزشی تا چه حدّ به مشارکت در اقدام اجتماعی نیز تحرّک میبخشد. این امر به تنهایی در اثر افزایش منابع انسانی صورت نمی پذیرد بلکه تجربه نشان داده است که بینشهای روحانی و خصایص و تواناییهای منبعث از فرایند مؤسّسۀ آموزشی به همان اندازه که برای کمک به فرایند رشد ضروری است برای مشارکت در اقدام اجتماعی نیز حائز اهمّیّت میباشد. نکتۀ دیگری که در این سند توضیح داده شده این است که چگونه یک چارچوب ذهنی مشترکِ در حال تکامل و متشکّل از عناصری که متقابلاً یکدیگر را تقویت میکنند، بر تمامی فعّالیّتهای جامعۀ بهائی حکمفرما است هرچند این عناصر در عرصه های متمایزِ عمل جلوه های متفاوتی به خود میگیرند. سند مذکور اخیراً به محافل روحانی ملّی ارسال شده است. حال از آن محافل دعوت مینماییم که در مشورت با مشاورین این مسئله را مورد بررسی قرار دهند که چگونه مفاهیم مندرج در آن میتواند به پیشبرد مساعی جاری در عرصۀ اقدام اجتماعی در مناطق تحت اشراف آنها کمک کند و آگاهی از این بُعد مهمِ مجهودات بهائی را افزایش دهد. این دعوت نباید به عنوان فراخوانی عمومی برای تلاشهای گسترده در این زمینه تعبیر گردد زیرا در یک جامعۀ در حال رشد شروعِ اقدام اجتماعی به طور طبیعی صورت میپذیرد ولی بجاست که احبّا در بارۀ نتایج و مقتضیات مساعی خود در جهت تقلیب اجتماع عمیقتر به تفکّر و تأمّل پردازند. ازدیاد یادگیری در اقدام اجتماعی مشغلۀ بیشتری برای دفتر توسعۀ اجتماعی و اقتصادی ایجاد مینماید و تمهیداتی در دست تهیّه است تا عملیّات این دفتر به نحو متناسبی بسط و تکامل یابد.

۲۰۱۳-۰۴-۲۱ ۸۲۵

۱ – ارتباط تنگاتنگ سازمانی موسسه آموزشی در تهیه محتوای اساسی و اجتماعی با موسسه طرح و توسعه اجتماعی در اسرائیل و استفاده از بانک سی ساله این مرکز در محدوده های جغرافیایی منطقه خود

۲ – اعتراف به ارتباط با کشور متخاصم

۳ – دقیقا این جمله یعنی در پوشش سوء استفاده از نقائص جوامع به بهانه رفع نیاز در پوشش اقدامات اجتماعی به هدف اجرای نقشه های بیت العدل و تصرف و تجاوز به سرزمین عمل کردن : " فرایند مؤسّسهٔ آموزشی تا چه حدّ به مشارکت در اقدام اجتماعی نیز تحرّک میبخشد "

۴ – این جمله یعنی نقض حاکمیت ملی و سلب تمامیت ارضی " سند مذکور اخیراً به محافل روحانی ملّی ارسال شده " آیا باید برای اقدامات فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی از بیرون مرزها دخالت در جغرافیایی ممالک انجام داد ؟

سند هشتم

اقرار بر اینکه دفتر توسعه اقتصادی اجتماعی در ۱۹۸۳ در اسرائیل تاسیس شد و متولی کلیه اقدامات اجتماعی در جهان بود ::

سی و پنج سال پیش، اوضاع در داخل و خارج از جامعهٔ بهائی مجموعاً امکانات تازهای را برای مشارکت بیشتری در حیات اجتماع فراهم آورد. امر مبارک به مرحله ای از پیشرفت رسیده بود که لازم گردید فرایندهای توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی به صورت فعّالیّتهای منظّم جامعه درآید و در اکتبر

۱۹۸۳ از بهائیان جهان دعوت نمودیم که به این میدان جدید فعّالیّت وارد شوند. به منظور مساعدت به ما در پیشبرد و هماهنگی فعّالیّتهای احبّا در سراسر جهان، دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی بهائی تأسیس شد. در آن زمان، فعّالیّتهای جامعهٔ بهائی در زمینهٔ توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی، در هر سطحی از پیشرفت، حدود چند صد فعّالیّت بیش نبود. امروز این رقم به دهها هزار رسیده است که صدها طرح پایدار مانند مدارس و دهها سازمان توسعه را شامل میگردد. دامنهٔ وسیع فعّالیّتهای کنونی از روستاها و محلّه ها تا مناطق و کشورها را در بر میگیرد و مجموعهای از چالشها از جمله آموزش و پرورش از کودکستان تا دانشگاه، سوادآموزی، بهداشت، محیط زیست، حمایت از پناهندگان، پیشرفت زنان، تواندهی به نوجوانان، رفع تعصّبات نژادی، کشاورزی، اقتصاد محلّی و توسعهٔ روستایی را شامل میشود. بر اثر تسریع فرایند ترویج و تحکیم به خصوص در محدودههای جغرافیایی پیشرفته، قوّهٔ اجتماعسازی امر حضرت بهاالله به نحوی سیستماتیک و منظّم تر در حیات جمعی احبّا جلوه گر شده است. بعلاوه، البتّه مؤمنین بیشماری از طریق مجهودات حرفه ای و داوطلبانهٔ خویش، نیرو و بینش خود را صرف طرحها و سازمانهایی میکنند که برای خیر عموم تأسیس شده است.

۲۰۱۸-۱۱-۰۹ ۹۱۷

نکات :

۱ – اقرار بر اینکه دفتر توسعه اقتصادی اجتماعی در ۱۹۸۳ در اسرائیل تاسیس شد و متولی کلیه اقدامات اجتماعی در جهان بود

۲ – پوششهای نیل به اقدام اساسی و برای اجرای نقشه و تغییر بافت جمعیتی توسط دفتر طرح و توسعه ::

آموزش و پرورش از کودکستان تا دانشگاه، سوادآموزی، بهداشت، محیط زیست، حمایت از پناهندگان، پیشرفت زنان، تواندهی به نوجوانان، رفع تعصّبات نژادی، کشاورزی، اقتصاد محلّی و توسعهٔ روستایی

۳ – تاکید بر ترویج و تحکیم و اقدامات در محدوده های جغرافیایی و قوه اجتماع سازی امر بهاء الله به عبارت دیگر تاکید بر اجرای اهداف نقشه و توسعه منابع انسانی دولت موازی است (سلب تمامیت ارضی)

سند نهم

اعلام رسمی تاسیس سازمان توسعهٔ بین المللی بهائی در اسرائیل – اقدام اجتماعی – :::

پیام بیت العدل تاریخ : ۹۱۷ ۲۰۱۸-۱۱-۰۹ ۲

بدین ترتیب بار دیگر **نیروهایی در داخل و خارج از امر مبارک ظهور** مرحلهٔ جدیدی را در کار **توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی** در عالم بهائی ممکن ساخته است. لذا در این ایّام مبارک **جشنهای میلاد دو مظهر ظهور الهی** با نهایت خوشوقتی اعلام میداریم که **دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی** اکنون به صورت مؤسّسهٔ جهانشمول جدیدی **مستقرّ در مرکز جهانی** تحت عنوان سازمان توسعهٔ بین المللی بهائی شکوفا میگردد. بعلاوه، یک صندوق توسعهٔ بهائی تأسیس خواهد شد که این سازمان جدید از آن برای کمک به **فعّالیّتهای توسعه در سراسر** جهان، اعمّ از طرحهای درازمدّت و یا جدید، استفاده خواهد کرد. این صندوق توسّط بیت العدل اعظم حمایت خواهد شد و افراد و مؤسّسات میتوانند به آن تبرّع نمایند. یک هیئت مدیرهٔ پنج نفره منصوب خواهد شد که در مقام هیئتی مشورتی به منظور پیشبرد و هماهنگی مجهودات جامعهٔ جهانی در زمینهٔ توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی انجام وظیفه خواهد نمود. دورهٔ خدمت این هیئت مدیره پنج سال خواهد بود که از یوم میثاق آغاز میگردد. به منظور هماهنگی و انسجام فعّالیّتهای توسعه با مجهودات متعدّد عالم بهائی، **این هیئت که در قلب روحانی و اداری امر مبارک خدمت میکند با بیت العدل اعظم و دارالتّبلیغ بین المللی مشورت خواهد کرد.** این مؤسّسهٔ جدید با عهده دار شدن وظایف و اموری که **قبلاً**

توسّط دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی انجام میشد کار خود را آغاز خواهد کرد و به تدریج قابلیّت آن افزایش یافته این وظایف را در مقیاسی وسیع و در سطوحی بالاتر و پیشرفته تر انجام خواهد داد و با **تقویت مساعی افراد، جوامع، و مؤسّسات بهائی در سراسر جهان،** دامنهٔ اقدامات آنها را گسترش داده تحکیم میبخشد. از جمله با ایجاد نهادهای جدید و پیدایش **سازمانهای توسعهٔ پیشرفته،** این مؤسّسه به تقویت قابلیّت تشکیلاتی توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی در **جوامع ملّی کمک خواهد کرد** و رویکردهای توسعه و روشهایی را که در این راستا مؤثّر واقع شده در **مقیاسی بین المللی ترویج** خواهد داد. این مؤسّسه راجع به **آخرین یافته ها در زمینهٔ توسعه،** مطّلع خواهد ماند و کاربرد آنها را در **تطبیق با اصول روحانی با کمک بهائیان کارآزموده در زمینه های مربوطه بررسی خواهد نمود**. در **سراسر قارّات** عالم شبکه هایی از افراد کاردان و مؤسّساتی با تمهیداتی که برای انجام خطوط عمل گوناگونش مورد نیاز است تشکیل خواهد داد. مهمتر آنکه مانند دفتر سابق توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی، هدف اوّلیّهٔ این سازمان تسهیل یادگیری در بارهٔ توسعه از طریق ترویج و حمایتِ عمل، تأمّل در عمل، مطالعه، مشورت، <<**جمع آوری** <<و سیستماتیک کردن تجربه، مفهوم سازی، و آموزش است که همه با توجّه به **تعالیم امر مبارک** انجام میشود.

۲۰۱۸-۱۱-۰۹ ۹۱۷

نکات :

۱ – تبدیل دفتر طرح و توسعه در سال ۲۰۱۸ به " سازمان توسعهٔ بین المللی بهائی "

۲ – تامین مالی فعالیتهای این سازمان توسط " یک صندوق توسعهٔ بهائی تأسیس خواهد شد "

۳ – رابطه سیستماتیک جامعه جهانی بهایی در سازمان ملل " bic " با سازمان توسعه بین المللی بهایی

۴ – سه ضلع جامعه جهانی بهایی در آمریکا – نیویرک و سازمان توسعه بین المللی بهایی در اسرائیل حیفا و موسسه آموزش ملی در سطح ملی کشورها مهمترین عامل هماهنگ بیت العدل برای نیل به اهداف نقشه های بیت العدل و فلسطینیزه کردن کشوهاست

۵ – هدف از فرایند این سه ضلع " تقویت قابلیّت تشکیلاتی توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی در جوامع ملّی " به عبارتی تقویت حکومت موازی است .

۶ – بهانه طرح های توسعه پوششی برای توسعه منابع انسانی و حکومت موازی است مستند به این جمله

" این مؤسّسه راجع به آخرین یافته ها در زمینهٔ توسعه، مطّلع خواهد ماند و کاربرد آنها را در تطبیق با اصول روحانی با کمک بهائیان کارآزموده در زمینه های مربوطه بررسی خواهد نمود "

۷ – سازمان توسعه بین الملل بهایی همان " دفتر سابق توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی " می باشد

۸ – اهداف اولیه سازمان : " هدف اوّلیّهٔ این سازمان تسهیل یادگیری در بارهٔ توسعه از طریق ترویج و حمایتِ عمل، تأمّل در عمل، مطالعه، مشورت، جمع آوری و سیستماتیک کردن تجربه ((جاسوسی)) ، مفهوم سازی، و آموزش است که همه با توجّه به تعالیم امر مبارک ((توسعه پوششی برای توسعه منابع انسانی حکومت موازی)) انجام میشود."

منبع: https://www.hassanershad.com/7696

معرفی سربازان جنگ نرم اسرائیل با ملت ایران (خاندان رحیمیان) از ۱۳۳۰ تا ۱۴۰۳

خاندان رحیمان شامل پدر رحیم رحیمیان و دو فرزندش کامران و کیوان از عمال نیابتی اسرائیل به عاملیت بیت العدل در ایران می باشند در جلسات زیر به رحیم رخیمیان و خیانتهای وی در کسوت مجری تجاوز به خاک ایران در راستای نقشه ۱۰ ساله شوقی از سال ۱۳۳۲ الی ۱۳۴۲ اقدام نمود پرداخته می شود وی عنصر سرویس اطلاعاتی و مساعد ژینوس محمودی که معاون مشاور قاره ای غرب آسیا مسیح فرهنگی است و به سه واسطه به نهاد های اطلاعاتی در اسرائیل وصل می گردد بیان خواهد شد لذا به همین دلیل در دهه ۶۰ رحیم رحیمیان اعدام می گردد دو فرزند وی کامران و کیوان هم جزء بدنه مجریان نقشه ۲۵ ساله بیت العدل ۱۹۹۶ الی ۲۰۲۱ بودند و کامران علنا عضو رسمی دانشگاه غیر قانونی بیهه بود که هر دو بابت اقدامات غیر قانونی محکوم و زندانی گشتند جلسات پیش رو واکاوی این سه شخصیت می باشد که با مستندات موثق امری و آشکار به آن پرداخته شده است و تقدیم عزیزان می گردد

جلسه اول پیرامون رحیم رحیمیان پدر اعدامی خاندان رحیمیان و علت آن :

گفتگوی ویژه با موضوع: آشنایی با ارکان براندازی بیت‌العدل در ایران (جلسه دوازدهم)

قسمت اول و دوم بشکل کامل : پدر خانواده رحیم رحیمیان دلا ئل اعدام در دهه شصت

در سطح ملی و داخلی: اقدامات خدماتی در عرصه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پوششی برای اهداف و نقشه‌های بیت‌العدل از اسرائیل برای براندازی در ایران

الف: اسناد فرمان‌های مجرمانه بیت‌العدل
ب: بررسی موردی ‘‘خاندان رحیمی از پدر اعدامی در دهه شصت تا فرزندان براندازشان کامران و کیوان و شبکه زیر مجموعه‌شان’’

◊ در سطح ملی و داخلی: اقدامات خدماتی در عرصه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پوششی برای اهداف و نقشه‌های بیت‌العدل از اسرائیل برای براندازی در ایران

الف: اسناد فرمان‌های مجرمانه بیت‌العدل
ب: بررسی موردی ‘‘خاندان رحیمی از پدر اعدامی در دهه شصت تا فرزندان براندازشان کامران و کیوان و شبکه زیرمجموعه‌شان’’

◊ نقشه‌های اسرائیل و نظام سلطه برای تصرف منابع قدرت در اقتصاد و امنیت

◇ صحبت‌های کمتر شنیده شده در مورد خانواده‌های مخفی و با نفوذ

◇ تولیدات رسانه‌ای برای انحراف افکار عمومی

◇ سخنرانی پر شور امام خمینی ضد بهاییت

◇ یک نقطه از تهران که منطقه مهاجرتی بهاییان شد

گفتگوی ویژه با موضوع: دلایل دروغ بهائیان در خصوص عدم اجازه ورود به دانشگاه (جلسه سیزدهم)
تشریح دلائل بازداشت کسی که نوری زاد پای فرزند وی را بوسید (سال ۹۲) کامران رحیمیان

◇ به‌دست‌گرفتن داروخانه‌های کشور و نفوذ در شبکه سلامت و بهداشت
◇ نوسازی خانه بهاءالله در پامنار و بی‌توجهی شهرداری در پی این حادثه تلخ
◇ مبارزه شهید چمران با بهائیان
◇ بررسی نقشه‌های مبتنی بر براندازی در اقصی نقاط عالم به‌خصوص ایران
◇ تَقیّه‌کردن برای ایجاد تشکیلات در ارکان اجتماعی-فرهنگی
◇ تشریح حکومت موازی بهائی
◇ ایجاد شبهه عاطفی برای تحریک احساسات مردم

◇ فریدون جواهری خدای بهائیان یکی از ۹ عضو بیت‌العدل: هر بهائی باید مبنای زندگی خویش را بر اساس اجرای نقشه ۹ ساله قرار دهد.

◇ هیچ یک از بهائیان در اجرا و تبلیغ نقشه ۹ ساله آزاد نیستند؛ تبلیغ بر هر بهائی واجب است اگر به هر دلیل نتواند تبلیغ کند باید هزینه آن را پرداخت کند.

◇ نقشه ۹ ساله حاوی اقداماتی می‌باشد که نتیجه آن؛ جامعه ایران را به سوی ایجاد یک حکومت دست نشانده مورد نظر صهیونیست‌ها می‌کشاند.

◇ کتاب سیزده روحی واحد یک؛ محور اصلی بهائیان برای برنامه‌ریزی جهت براندازی در ایران می‌باشد.

◇ یکی از وظایف بهائیان ذکر شده در کتاب؛ قرائت منطقه در محدوده جغرافیایی از قبل تعیین شده و شناسایی تمام زخم‌ها، کانون‌ها و نقاط آسیب‌پذیر منطقه می‌باشد.

◇ به بهانه رفع یکی از زخم‌ها و برطرف کردن آسیب‌های منطقه زیر نظر دفتر توسعه اجتماعی اقتصادی که مرکز آن ر.ص می‌باشد؛ در راستای اجرای نقشه ۹ ساله اقدام می‌کنند.

○ یکی از خروجی‌های موسسه کیوان رحیمیان در غالب مقابله با خشم کودکان؛ پرورش و تربیت سرباز برای ر.ص کودک‌کش می‌باشد.

عنوان سازمانی : مساعد معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : رحیم رحیمیان مساعد ژینوس محمودی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

پروازها و یادگارها ص ۱۷۹

https://t.me/Bahainoorlibrary/7183
